

اقتصاد و توسعه منطقه‌ای

(علمی)

بهار و تابستان ۱۴۰۲

سال سی ام - دوره جدید - شماره ۲۵

۱	مصطفی مختاری، سروش فتحی مهرداد نوابخش	شناسایی و تحلیل پیشران‌های ملی سیاست‌گذاری توسعه ایران
۳۹	سمیرا متقی، رمضان غلامی اوانی سمانه طالعی اردکانی، صلاح ابراهیمی	تحلیلی بر فقر منطقه‌ای و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه
۶۷	سیده محبوبه آل رسول، محمود هوشمند سید سعید ملک الساداتی	راهبردهای منطقه‌ای توسعه گردشگری سلامت در ایران
۱۰۳	عبدالکریم حسین پور، عاطفه احمدی	شناسایی فعالیت‌های صنعتی متمرکز دارای مزیت نسبی صادرات و تعیین بازارهای هدف
۱۴۰	حمید خاوری، تقی ابراهیمی سالاری	بررسی آثار سیاست‌های پولی مقابله با تورم بر امنیت و رشد اقتصادی در ایران
۱۸۰	اکرم حسن نژاد کشکی، مهدی مرادی سیمنا اسکندری سبزی	تأثیر دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار در کشورهای منتخب در حال توسعه
۲۱۵	لبلا ترکی، والا صنیع زاده محمد رضا قاسمی	بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت طرح‌های توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در استان اصفهان
۲۵۰	سرالالدین فتحی، مسعود نو نژاد هاشم زارع، علی حقیقت	بررسی آثار نامتقارن شوک‌های قیمت نفت و تلاطم نرخ حقیقی ارز بر رشد اقتصادی و تورم
۲۹۱	محمد قدیمی، محمد سلیمانی سید سجاد موسویان، مصطفی یخچالی	ابعاد، چالش‌ها و راهکارهای توسعه مناطق مرزی
۳۱۶	احمد حجاریان	تحلیل اثرپذیری شاخص‌های اقتصادی از همه‌گیری ویروس کرونا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

پایگاه اطلاعات علمی جهاددانشگاهی (SID)

بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

این مجله از مجله دانش و توسعه منشعب شده است .

کلیه حقوق برای دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.

درج مطلب در این نشریه لزوماً منعکس کننده نظر دانشگاه نیست. بدیهی است

مسئولیت صحت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده است.

براساس مصوبه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۹۸ کلیه نشریه های دارای درجه

"علمی-پژوهشی" به نشریه **"علمی"** تغییر نام یافتند.

اقتصاد و توسعه منطقه ای نشریه دانشکده علوم اداری و اقتصادی

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر مهدی خداپرست

سرمدیر: دکتر مصطفی سلیمی فر

هیئت تحریریه:

نام و نام خانوادگی	درجه علمی و محل خدمت
حمید ابریشمی	استاد دانشگاه تهران
صادق بختیاری	استاد دانشگاه اصفهان
منصور زراء نژاد	استاد دانشگاه شهید چمران اهواز
مصطفی سلیمی فر	استاد دانشگاه فردوسی مشهد
حسن سبحانی	استاد دانشگاه تهران
جواد صالحی اصفهانی	استاد دانشگاه ایالتی و مؤسسه پلی تکنیک ویرجینیا
محمد رضا فرزنانگان	استاد دانشگاه فلیپس ماربورگ آلمان
ابراهیم گرجی	استاد دانشگاه تهران
محمد رضا لطفعلی پور	استاد دانشگاه فردوسی مشهد
محمد حسین مهدوی عادل	استاد دانشگاه فردوسی مشهد
ابراهیم هادیان	استاد دانشگاه شیراز

مدیر اجرایی: مریم ودیعی نوقابی

ویراستار فارسی: دکتر جواد میزبان

ویراستار لاتین: دکتر مصطفی کریم زاده

تنظیم و صفحه آرایی: مریم ودیعی نوقابی

شماره پروانه نشر: ۱۰۳۵۲ / ۱۲۴ تاریخ ۱۳۷۷ / ۱۰ / ۸

پست الکترونیکی: erd@um.ac.ir

نشانی پستی: پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی ص پ: ۱۳۵۷: کد پستی: ۹۱۷۷۹۴۸۹۵۱

آدرس اینترنتی: <https://erd.um.ac.ir>

براساس نامه شماره ۱۰۵-۸۹/۳/۱۱/۳۳ مورخ ۸۹/۱۲/۱۴ کمیسیون نشریات علمی کشور، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای دارای درجه علمی پژوهشی می‌باشد.

شرایط پذیرش مقاله‌ها

مجله علمی پژوهشی اقتصاد و توسعه منطقه‌ای مقاله‌های تخصصی در زمینه اقتصاد (موضوعات مربوط به توسعه مناطق داخلی کشور و کشورهای منطقه) را که تاکنون منتشر نشده باشند، می‌پذیرد. در مقاله‌های ارسالی باید نکات زیر رعایت شوند.

الف: جهت ارسال مقاله می‌توانید از طریق سامانه مجلات دانشگاه فردوسی مشهد

آدرس <https://erd.um.ac.ir> اقدام نمایید.

ب: روش تحریر

متن مقاله بر روی کاغذ سفید بدون مارک (A4) براساس شیوه نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی با حروف خوانا و تیره تایپ شود. کلیه صفحات مقاله از جمله صفحاتی که شامل جداول، تصاویر و نمودارها هستند دارای قطع یکسان باشند. در متن مقاله تا حد امکان از نوشتن کلمات خارجی خودداری شود. کلیه صفحات مقاله دارای شماره بوده و از ۲۰ صفحه تجاوز نکند.

ج: نحوه تهیه مقاله

هر مقاله تخصصی بایستی تحت نرم افزار Word و دارای چکیده فارسی واژگان کلیدی، طبقه بندی JEL، مقدمه، مواد و روش، نتایج بحث، منابع مورد استفاده و یک خلاصه به زبان انگلیسی بوده و اصول زیر در آن رعایت شود:

- ۱- مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل: نام و نام خانوادگی، سمت، محل خدمت، عنوان و درجه علمی، تاریخ و محل انجام تحقیق و معرفی نویسنده مسئول بر روی یک صفحه جداگانه بدون شماره نوشته شود.
- ۲- عنوان مقاله (حداکثر در ده کلمه) در وسط صفحه اول نوشته شود. اگر مقاله قسمتی از یک سری مقالات پی در پی باشد عنوان اصلی سری مقاله‌ها همراه عنوان هر قسمت و شماره ترتیب مقاله‌ها نیز ذکر گردد.
- ۳- چکیده در عین مختصر بودن باید محتوای مقاله را برساند. در چکیده از جداول، نمودارها و کلمات اختصاری مبهم استفاده نشود. چکیده از ۱۵۰ کلمه تجاوز ننموده و تمام آن در یک پاراگراف نوشته شود.
- ۴- مقدمه شامل اطلاعات مربوط به سوابق کار، توجیه اهمیت تحقیق، کاربرد و نتیجه مورد بررسی باشد.
- ۵- مواد و روش مورد بررسی مشخص و روشن بیان گردد. اگر روش تحقیق از یک منبع گرفته شده فقط به ذکر مأخذ اکتفا شود.
- ۶- اگر نتایج شامل عکس، جداول و گراف می‌باشد نسخه اصلی هریک جهت مجله ارسال گردد.

۷- فهرست منابع و مآخذ: در این بخش، منابع و مآخذ مورد استفاده در پژوهش، به صورت الفبایی و به ترتیب ذکر شده در متن، به صورت زیر درج می‌گردد.

۸- نتایج و بحث را می‌توان بطور توأم و یا مجزا از هم منظور کرد. بحث شامل تجزیه و تحلیل نتایج بدست آمده در ارتباط با تحقیق موردنظر باشد.

۹- منابع مورد استفاده شامل جدیدترین اطلاعات در زمینه موردنظر باشد. فهرست منابع به ترتیب الفبا نام خانوادگی نویسندگان مقاله‌ها مرتب و شماره گذاری شود. وقتی از چند اثر مختلف یک نویسنده استفاده می‌شود، به ترتیب زیر درج می‌گردد:

الف: مجلات و نشریات:

نام نویسنده (نام خانوادگی، نام)، سال، عنوان مطلب، نام نشریه، شماره جلد، شماره نشریه و صفحه.

ب: کتب:

نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، نام مترجم، نوبت چاپ، محل نشر و ناشر.

۱- چکیده انگلیسی بایستی برگردان کامل و دقیق چکیده فارسی و در یک صفحه مجزا، شامل عنوان اصلی مقاله، نام نویسندگان، آدرس و عنوان علمی آنان، واژگان کلیدی و طبقه بندی JEL نوشته شود.

د: سایر موارد

- ۱- مسئولیت هر مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح شده در متن آن، به عهده نویسنده و یا نویسندگان مسئول مقاله خواهد بود.
- ۲- تا قبل از پایان مراحل نهایی چاپ، در صورتی که مشخص گردد مقاله منتخب به هر شکلی در جای دیگری به چاپ رسیده است از انتشار آن جلوگیری خواهد شد.
- ۳- در صورتی که مقاله برای چاپ پذیرفته نشود در بخش بایگانی مجله محفوظ خواهد بود و به نویسنده برگردانده نخواهد شد.
- ۴- مقاله‌ها توسط هیأت تحریریه و با همکاری متخصصان داوری شده و در صورت تصویب بر طبق ضوابط خاص مجله به نوبت، چاپ خواهد شد.
- ۵- مجله در رد یا قبول و حکم و اصلاح مقاله‌ها اختیار تام دارد.

دریافت مقاله فقط به صورت الکترونیکی امکان پذیر است.

«داوران مقالات این شماره»

نام	نام خانوادگی	وابستگی سازمانی
وحید	ارشدی	دانشگاه فردوسی مشهد
هادی	اسماعیل پورمقدم	دانشگاه فردوسی مشهد
محمد	اعظم رجیان	دانشگاه فردوسی مشهد
نسرين	امیدی	
محمد رضا	آرمان مهر	دانشگاه صنعتی شاهرود
عبدالمجید	آهنگری	دانشگاه اهواز
بهار	بیشمی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
احمد	جعفری صمیمی	دانشگاه مازندران
فیروزه	حاجی علی اکبری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان
حسن	دلیری	دانشگاه گلستان
یوسف	رمضانی	موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی عطار
منصور	زراء نژاد	دانشگاه شهید چمران اهواز
پروانه	سلاطین	دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه
سعید	سیدحسین زاده	
مهدی	شیرافکن لمسو	دریانوردی چابهار
سمانه	طالعی اردکانی	دانشگاه اردکان
محمد حسن	فطرس	دانشگاه بوعلی سینا همدان
مهدی	قائمی اصل	دانشگاه خوارزمی تهران
هادی	قوامی	دانشگاه فردوسی مشهد
زهرا	کریمی تکانلو	دانشگاه تبریز
لیدا	گوهری	دانشگاه فردوسی مشهد

دانشگاه قاین	لعل خضری	حمید
دانشگاه کردستان	مظفری	زانا
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران	معمارنژاد	عباس
دانشگاه فردوسی مشهد	مهاری	یعقوب
دانشگاه خوارزمی تهران	نصر اصفهانی	محمد
دانشگاه فردوسی مشهد	همایونی فر	مسعود

فهرست مطالب

صفحه	نویسنده	عنوان
۱	مصطفی مختاری سروش فتحی مهرداد نوابخش	شناسایی و تحلیل پیشران‌های ملی سیاست‌گذاری توسعه ایران
۳۹	سمیرا متقی رمضان غلامی اواتی سمانه طالعی اردکانی صلاح ابراهیمی	تحلیلی بر فقر منطقه‌ای و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه
۶۷	سیده محبوبه آل رسول محمود هوشمند سید سعید ملک‌الساداتی	راهبردهای منطقه‌ای توسعه گردشگری سلامت در ایران
۱۰۳	عبد‌الکریم حسین‌پور عاطفه احمدی	شناسایی فعالیت‌های صنعتی متمرکز دارای مزیت نسبی صادرات و تعیین بازارهای هدف
۱۴۰	حمید خاوری تقی ابراهیمی سالاری	بررسی آثار سیاست‌های پولی مقابله با تورم بر امنیت و رشد اقتصادی در ایران
۱۸۰	اکرم حسن نژاد کشکی مهدی مرادی سیما اسکندری سبزی	تأثیر دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار در کشورهای منتخب در حال توسعه
۲۱۵	لیلا ترکی والا صنیع زاده محمد رضا قاسمی	بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت طرح‌های توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در استان اصفهان

- ۲۵۰ سروالدین فتحی
 مسعود نونزاد بررسی آثار نامتقارن شوک‌های قیمت نفت و تلاطم نرخ حقیقی ارز بر
 هاشم زارع رشد اقتصادی و تورم
 علی حقیقت
- ۲۹۱ محمد قدیمی
 محمد سلیمانی ابعاد، چالش‌ها و راهکارهای توسعه مناطق مرزی
 سید سجاد موسویان
 مصطفی یخچالی
- ۳۱۶ احمد حجاریان تحلیل اثرپذیری شاخص‌های اقتصادی از همه‌گیری ویروس کرونا



Research Article

Vol. 30, No. 1, 2023, p. 1- 38



Identification and Analysis of the National Leading of Iran's Development Policymakers

M. Mokhtari¹, S. Fathi^{2*}, M. Navabakhsh³

1- Ph. D Student of Development Sociology, Islamic Azad University, Tehran West Branch

2- Professor of Sociology, Islamic Azad University, Tehran West Branch

3- Professor of Sociology at Islamic Azad University, Research Sciences Unit

(*- Corresponding Author Email: fathisuorosh@gmail.com.)

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.80356.1158>

Received: 2023/01/01	How to cite this article: Mokhtari, M.; Fathi, S., & Navabakhsh, M. (2023). Identification and Analysis of the National Leading of Iran's Development Policymakers. <i>Economics and Regional Development Journal</i> , 30(1): 1-38. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2023.80356.1158
Revised: 2023/04/30	
Accepted: 2023/11/08	
Available Online: 2023/11/08	

1- INTRODUCTION

Development has been the most important overall goal of people and societies in this era. Accordingly, development efforts in all societies have been among the main goals of countries. Also, development is a common global concern among many countries, and development should provide a high quality of life and health of the population, preserve the environment, and also maintain a level of comfort and well-being suitable for the lives of citizens. The importance of development in developing countries is so much that trying to find the right way and method for its development and policy

has become one of the most basic actions of countries and governments. Therefore, the correct policymaking of development programs is a new approach that planners are looking for today. Undoubtedly, in some countries, especially East Asian countries, their economic development has been the product of policy development. Development policies in different countries have been followed based on fundamental differences and generally do not follow a common pattern. consider development policies from individual and health aspects, consider prioritize the effectiveness of policies in focusing on marginal areas, and finally consider prioritize spatial planning. Although development policies in sensitive political areas have been influenced by economic necessities, how regional players and great powers compete. But the main reason for the success of development policies is due to the leading sectors that affect the process of these policies and development. Based on this, this research aims to look to the future and by using future research approaches, using the approach of identification and analysis the policy leading of Iran's development in the national sphere, to identify the policy accelerators of Iran's development by elites and experts.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Since the beginning of development theories, various approaches have been proposed and there have been different development theories from the past until now. The first period of presenting development theories dates back to the years 1945 to 1970. In this period, development was considered as economic growth and equivalent to it. The basis of development writings is the modernization paradigm, which consider growth as a linear process. Therefore, planning to invest in the sectors that had a relative advantage, in order to increase the growth of the gross national product, was placed at the head of the affairs.

The second period, which spans from 1970 to 1980, was formed through observation the ineffectiveness of development theories in the first period. The experience of countries showed that following the economic growth model to access development, although in some cases it led to an increase in

GDP and rapid economic growth, but negative consequences such as increase in poverty, improper distribution of income, environmental pollution, growth of marginalization in the big cities of developing countries caused. This caused research to be carried out on development strategies and policies that pay attention to a more balanced distribution of development, so the social dimension of development, which was more focused on the proper and more humane distribution of economic growth achievements, was raised and the basic needs of humans were met in communities, poverty alleviation, equally distribution of income were raised as requirements for development. The third period coincides with the implementation of the economic adjustment program with the policies of the World Bank; Liberalizing trade, changing domestic prices to global prices, improving revenues through expanding tax bases and reforming taxes, reducing the government budget deficit by reducing public expenditures, especially subsidies, were among these reforms needed for development.

The fourth period, which covers from 1980 to 1990, according to the experience of Southeast Asian countries, showed that the government can play a role as the main agent of development if appropriate economic policies are implemented. This approach, which is referred to as the post-development approach, is a school of thought that questions the idea of national economic development.

Finally, since 1990, the development paradigms have shifted from their traditional foundations to two new approaches such as sustainable development and social development. The concept of sustainable development is based on the undeniable fact that ecological considerations can and should be applied in economic activities. An important development that took place in this school was that the school of sustainable development criticized many of the basic assumptions and concepts of most of the thinkers in this field of the basic principles of sustainable development in the field of the neoclassical economic paradigm.

3- METHODOLOGY

The method of conducting this qualitative research is a prospective study, which was carried out with the strategy of trend analysis and all the national trends governing the state of Iran's development policy by studying internal and external reports, including. The study of existing researches and theoretical literature and in-depth interviews and brainstorming sessions have been conducted and subjected to the criticism of experts and development policy activists in Iran. The statistical population of this research includes all development policy experts and activists in Iran who are experts and experts in development and policy making, 25 of whom have participated in the research process in the form of interviews and participation in brainstorming sessions. Data analysis was based on trend analysis of the type of leading.

4- RESULTS & DISCUSSION

In this research, 25 important and fundamental leading items have been identified in 5 social, technological, economic, environmental and political fields. At the national level, 9 important social leading for the country's development policies have been identified, which include; Canceling cultural patronage, creating a common vision, national dialogue for development, attracting public participation, elimination poverty and inequality, social inclusion, population control policy, urban development policy, and changing the behavior of individual activists. Also, the national technological engines include 5 important engines. Independence of higher education institution, focus on education, expansion of science sovereignty, development of peaceful nuclear science and technology, and acceptance of technology. The economic leading items at the national level are the 3 important leading of monitoring and measuring development, canceling economic support and tourism for the development of Iran. But in the environmental field, four leading items are considered: land use policies, adaptability and flexibility to climate changes, level of access to clean energy and prevention of industrial pollution. Finally, the political and governance leading items identified at the national level include 4 leading:

development of horizontal criticism, thoughtful decision-making, strengthening of civil society and implementation of formulated policies.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

These leading are in different social, technical, economic, environmental and political fields, which exist in the order of the degree of influence of the sovereign political leading, environmental drivers, technological leading, economic leading and finally socio-cultural leading, but based on the degree importance in order: economic, technical, social, cultural and environmental issues and finally political drivers are given priority. Since the experience of development in many countries has been different and different actors have shouldered the burden of developing societies. It is suggested that the most important experience should shorten the hand of government interference in development policies and development should be stimulated in the community. It also gives the talented actors a field for development so that they can be supported in the field of action. On this basis, development needs to have a vision and a clear horizon and realize some kind of plan and plan to move from the existing point to the desired point.

Keywords: Development, Future Research, National Leading, Iran.

شناسایی و تحلیل پیشران‌های ملی سیاست‌گذاری توسعه ایران

مصطفی مختاری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران.

سروش فتاحی^۱

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران.

مهرداد نوابخش

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.80356.1158>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

توسعه مهم‌ترین هدف کلی افراد و جوامع در عصر حاضر و تلاش‌های توسعه‌ای در همه جوامع جزو اهداف اصلی کشورها بوده بر همین اساس، هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل پیشران‌های ملی سیاست‌گذاری توسعه ایران است. روش انجام این پژوهش کیفی از نوع آینده‌پژوهی که با استراتژی تحلیل روند انجام و همه روندهای ملی حاکم بر وضعیت سیاست‌گذاری توسعه ایران با مطالعه گزارش‌های داخلی و خارجی از جمله مطالعه پژوهش‌های موجود و ادبیات نظری و مصاحبه‌های عمیق و جلسات هم‌اندیشی انجام و در معرض نقد و بررسی خبرگان و فعالان سیاست‌گذاری توسعه در ایران که ۲۵ نفر از آن به صورت مصاحبه و شرکت در جلسات هم‌اندیشی در فرایند پژوهش مشارکت داشته‌اند. انتخاب این نخبگان بر اساس روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بوده و تجزیه و تحلیل داده در بر مبنای تحلیل روند از نوع تحلیل پیشران‌ها است. در این پژوهش ۲۵ پیشران مهم و اساسی در ۵ حوزه اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی و در سطح ملی ۹ پیشران مهم اجتماعی برای سیاست‌گذاری توسعه کشور شناسایی شده که شامل؛ لغو حمایتگری فرهنگی، ایجاد چشم‌انداز مشترک، گفتگوی ملی برای توسعه، جلب مشارکت همگانی، رفع فقر و نابرابری، شمول اجتماعی، سیاست‌گذاری کنترل جمعیت، سیاست‌گذاری توسعه شهری و تغییر رفتار کنشگران فردی هستند، پیشران‌های ملی فناورانه نیز شامل ۵ پیشران مهم؛ استقلال نهاد آموزش عالی، تمرکز بر آموزش و پرورش، گسترش حاکمیت علم، توسعه علم و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز و پذیرش فناوری هستند، پیشران‌های اقتصادی در سطح ملی نیز ۳ پیشران مهم دیده‌بانی و اندازه‌گیری توسعه، لغو حمایتگری اقتصادی و گردشگری برای توسعه ایران هستند؛ اما در حوزه زیست‌محیطی نیز چهار پیشران؛ سیاست‌گذاری آمایش سرزمین، سازگاری و انعطاف‌پذیری با تغییرات اقلیمی، سطح دسترسی به انرژی پاک و جلوگیری از آلودگی صنعتی هستند. نهایتاً پیشران‌های سیاسی و حاکمیتی شناسایی شده در سطح ملی شامل ۴ پیشران؛ توسعه نقد افقی، تصمیم‌گیری متفکرانه، تقویت جامعه مدنی و پیاده‌سازی سیاست‌های تدوین شده هستند. این پیشران‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فنی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی هستند که به لحاظ درجه اثرگذاری به ترتیب پیشران‌های سیاسی حاکمیتی، پیشران‌های زیست‌محیطی، پیشران‌های فناورانه، پیشران‌های اقتصادی و در نهایت پیشران‌های اجتماعی-فرهنگی وجود دارند، اما بر اساس درجه اهمیت به ترتیب؛ مسائل اقتصادی، فنی اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و نهایتاً پیشران‌های سیاسی در اولویت هستند.

کلیدواژه‌ها: توسعه، آینده‌پژوهی، پیشران‌های ملی، ایران.

^۱ نویسنده مسئول: fathisuorosh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷

(۱) مقدمه و بیان مسئله

دغدغه توسعه یک دغدغه جهانی مشترک در بین بسیاری از کشورهاست و توسعه باید کیفیت بالایی از زندگی و سلامت جمعیت‌ها، حفظ محیط‌زیست و همچنین حفظ سطح آسایش و رفاه مناسب برای زندگی شهروندان را فراهم آورد (Ilin, IlinKalinina, Iliashenko & Levina, 2016: p.1673). با این تعریف، این مفهوم دارای بار ارزشی است و مترادف کلمه بهبود به کار می‌رود (Azkia, 2011: p.18)؛ بنابراین توسعه را باید جریان چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به‌سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (Todaro, 2011: p.215). همچنین، توسعه به‌مثابه مقوله‌ای کاملاً ارزشی، دارای جریان پیچیده و چند بعدی است که اهمیت آن در کشورهای درحال توسعه به‌اندازه‌ای است که تلاش برای یافتن راه و روش مناسب برای توسعه و سیاست‌گذاری آن به یکی از اساسی‌ترین اقدامات کشورها و دولت‌ها تبدیل شده است. پس سیاست‌گذاری صحیح برنامه‌های توسعه‌ای رویکرد نوینی است که امروزه برنامه‌ریزان دنبال آن هستند. بدون شک در برخی از کشورها به‌ویژه کشورهای آسیای شرقی توسعه اقتصادی آن‌ها محصول توسعه سیاست‌گذاری بوده است (Kawashima, 2015: p.453).

سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای همیشه از طرف کشورهای درحال توسعه دنبال نمی‌شود؛ بلکه برخی از کشورهای توسعه‌یافته برای حفظ ثبات خود و حفظ تهدیدات ناشی از پدیده‌هایی مانند مهاجرت اقدام به برنامه‌های توسعه‌ای برای دیگر کشورها می‌کنند. بر این اساس سیاست توسعه در همه کشورهای توسعه‌نیافته تلاشی است تا با ایجاد و تقویت رشدی پایدار در این کشورها مانع افزایش مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته باشد و این سیاست‌های توسعه‌ای در اغلب کشورهای اروپایی در هنگام تشدید بحران مهاجرت از سال ۲۰۱۵ به‌شدت دنبال می‌شود (Stojanov, Bureš & Duží, 2017: p.169). همچنین باید یادآور شد که امروزه مسئله سیاست‌گذاری فقط مختص به کشوری خاصی نیست و متخصصان زیادی در عرصه‌های بین‌المللی این موضوع را مورد مطالعه قرار داده‌اند و سند چشم‌انداز آن را برای دستور کار تحقیقات آینده تدوین کرده‌اند (Katz-Gerro, 2015: p.1). همچنین مطالعه سیاست‌گذاری توسعه در بیشتر کشورها برای تحقیقات آینده پیشنهاد شده است (Kawashima, 2015: p.453).

از آنجایی که توسعه و بالندگی هر جامعه‌ای نتیجه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه و تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های آن است؛ بنابراین مفهوم توسعه به معنای تحول کیفی، عبور از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر مستلزم ایجاد تغییر همه‌جانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... است. توسعه به معنای فراهم شدن

زمینه‌های لازم برای پیدایی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عناصر مختلف در اجتماع و میدان یافتن آن‌ها برای دستیابی به پیشرفت و افزایش توانایی‌های کمی و کیفی است؛ بنابراین توسعه، نیازمند استفاده از همه ظرفیت و توانایی‌هاست و لازمه سیاست‌گذاری مطلوب توسعه، داشتن شاخص‌های دقیق اندازه‌گیری برای نیل به اهداف آن است (Godarzvand Chegini, 2014: p.215). بدون شک باید گفت که سیاست‌های توسعه‌ای در هر کشور باید واضح و روشن باشند و زمینه‌هایی از انعطاف‌پذیری را به همراه داشته باشند (Lane, Andrews & Orange et al., 2020: p.3). سیاست‌های توسعه‌ای در کشورهای مختلف بر پایه تفاوت‌های مبنایی دنبال شده‌اند و عموماً از الگویی مشترک پیروی نمی‌کنند. کمپل و همکاران (۲۰۲۰) سیاست‌های توسعه از جنبه‌های فردی و سلامت، دتونی و همکاران (۲۰۲۰) کارآمدی سیاست‌گذاری‌های را در تمرکز بر مناطق حاشیه‌ای و نهایتاً گوربنکوا و همکاران (۲۰۱۸) توجه به برنامه‌ریزی مکانی در اولویت قرار داده‌اند. هرچند سیاست‌گذاری توسعه در مناطق سیاسی حساس تحت تأثیر ضرورت‌های اقتصادی، چگونگی رقابت بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است (Mosalannejad, 2015: p.30)؛ اما اصلی‌ترین دلیل موفقیت سیاست‌گذاری‌های توسعه به خاطر پیشران‌هایی^۱ است که بر روند این سیاست‌ها و توسعه تأثیر می‌گذارند. مطابق ادبیات سیاست‌پژوهی، عمده پیشران‌های تأثیرگذار بر یک پدیده خاص در پنج دسته کلی؛ پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی، پیشران‌های فناورانه، پیشران‌های اقتصادی، پیشران‌های زیست‌محیطی و پیشران‌های سیاسی و حاکمیتی تقسیم‌بندی می‌شوند. بدون شک در حوزه سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای نیز این پنج حوزه وجود دارند، اما به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و بسترهای متفاوت کشورها، عموماً روندهای متفاوتی در کشورهای مختلف تجربه شده است. برای مثال اکتشافات علمی به‌عنوان مهم‌ترین پیشران توسعه پایدار یک منطقه در روسیه شناخته شده است (Madirov, 2015: p.202) و توسعه شهری بر پایه توجه به معماری سبز به‌عنوان محرک‌های بالقوه برای توسعه پایدار شهری در فرانسه مورد توجه بوده است (Leger, Oueslati & Salanié, 2013: p.13). همچنین بررسی ادبیات نظری موجود نشان می‌دهد که یکی از پیشران‌های اصلی توسعه پایدار سیستم تفکیک زباله از مبدأ و بازیافت زباله‌های پلاستیکی بسته‌بندی شده پس از مصرف است. در میان پیشران‌های مختلف تأثیرگذار بر توسعه پایدار مبتنی بر سیستم‌های بازیافت زباله‌های جامد و پلاستیک، پیشران‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی بیشترین اثرگذاری را داشته‌اند (Mwanza & Mbohwa, 2017: p.649). در کشور آمریکا نیز ایده آموزش آزاد و دمکراتیک که از آن کشور به‌سرعت در سرتاسر جهان گسترش یافته است، با نام منابع باز آموزشی شناخته می‌شود و مهم‌ترین پیشران توسعه در آمریکا و اروپا بوده است. این پیشران پتانسیل کاملی برای توسعه برای کشورهای است که کمتر توسعه‌یافته هستند

¹- Drivers

(Roeder, Severengiz, Stark & Seliger, 2017: p.81). مناطق روستایی یکی از پیشران‌های مهم برای توسعه پایدار در نواحی هستند (Gorbenkova, Shcherbina & Belal, 2018: p.786). همچنین ترویج مشاغل پایدار راه‌حل مؤثری برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار است (Sher, Abbas, Mazhar et al., 2020: p.1). و خود توسعه پایدار شهری به‌عنوان پیشرانی برای ثبات اجتماعی مطرح است (Ilin et al., 2016: p.1673). از طرف دیگر، تجارت اجتماعی به‌عنوان یک مؤلفه مهم اقتصاد شهری با عنوان پیشران توسعه پایدار معرفی شده است (Oleynikova & Zorkin, 2016: p.1556). در رویکردی دیگر، سیاست‌های توسعه خوشه‌ای به‌عنوان پیشرانی برای ارتقای توسعه در کشورهای در حال توسعه به‌طور فزاینده‌ای رایج شده‌اند و به پیامدهای پایداری چون توسعه گردشگری مناطق منجر شده‌اند (Aboal, 2020: p.1). از نگاه می‌جر و همکارانش (۲۰۱۹) پایداری توسعه به پایداری انرژی وابسته است و انتقال به سیستم‌های انرژی تجدیدپذیر و پایدار می‌تواند فناوری‌های جدید را با موفقیت تجاری بالا ایجاد کند. همچنین یکی از مهم‌ترین پیشران در این زمینه تعامل بین سیاست‌گذاران و شرکای صنعتی کشور است (Meijer, Huijben, Boxstael & Romme, 2019: p.114) و از نگاه کمپل و همکارانش (۲۰۲۰) چهار پیشران مربوط به توسعه شامل؛ اتخاذ و اجرای سیاست‌های فعالیت بدنی روزانه، استفاده از منابع موجود، اتخاذ سیاست از بالا به پایین و اجرای از پایین به پایین و وجود اراده سیاسی هستند که هر یک از این مباحث تسهیل‌کننده روندهای خرد و کلان توسعه هستند (Campbell, Olstad & Spence et al., 2020: p.1). در ایران روند و فرایند توسعه، با وجود اهمیت وافر آن برای سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان، اندیشمندان و حتی عامه مردم و همچنین تأثیرات عمیق ناشی از دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...، روند توسعه ناموزون و ناهماهنگ و ناقص بوده و تحت تأثیر عوامل درون جامعه و برون جامعه‌ای مختلفی قرار داشته است. لذا برای دستیابی به یک توسعه همه‌جانبه و پایدار که همراه با تعادل و توازن باشد، نیاز به شناسایی پیشران‌های اثرگذار بر این سیاست‌گذاری‌ها دارد. چراکه بررسی تعادل و توازن بین مناطق یکی از مباحث اساسی در حوزه سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در ایران است (GhafariFard, 2017: p.21). همچنین در کشور با وجود رویکردهای نظری متعدد در حوزه توسعه و سیاست‌گذاری آن، هنوز هم کشور از وجود توسعه قابل قبول رنج می‌برد و درد توسعه‌نیافتگی بسیاری از وضعیت‌های فردی و اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. در این میان نیز بررسی تجربیات کشورهای دیگر و تقسیم کشورها به دو گروه موفق و ناموفق و در ادامه الگوبرداری از کشورهای موفق موضوعی محوری در مطالعات سیاست پژوهی بوده است و بر اساس این تقسیم‌بندی کشور ایران در دسته کشورهای ناموفق قرار گرفته است. البته اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف، هر کدام دلایل و عوامل مختلفی را برای توسعه‌نیافتگی کشور بیان می‌کنند. این در حالی است که سال‌ها روند بکارگیری تجارب کشورهای موفق و روند به‌کارگیری نظریه‌های موجود هنوز نتوانسته بهبودی در وضعیت

سیاست‌گذاری توسعه‌ای کشور ایجاد کند؛ چراکه عمده نگاه‌ها به گذشته بوده و کمتر نگاهی متوجه روندهای آینده در قالب مطالعات آینده‌پژوهانه بوده‌اند. بر همین اساس غالب اسناد پژوهشی داخلی نشان می‌دهند که نقش عوامل خارجی، استعمار و استثمار، برخی عوامل فرهنگی داخلی، ساختارها، ارزش‌های فرهنگی، سنت‌ها همگی از دلایل شکست برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای بوده که همگی ریشه در گذشته دارند؛ اما واقعیت این است که این نگاه به گذشته هنوز نتوانسته در راستای موفقیت برنامه‌های توسعه‌ای گشایشی ایجاد کنند. بر همین اساس این پژوهش در صدد است تا به نگاه به آینده و با استفاده از رویکردهای آینده‌پژوهانه با استفاده از رویکرد شناسایی و تحلیل پیشران‌های سیاست‌گذاری توسعه ایران در حوزه ملی، شتاب‌دهنده‌های سیاست‌گذاری توسعه ایران توسط نخبگان و خبرگان شناسایی کند.

۱-۱) اهداف پژوهش

شناسایی پیشران‌های ملی برای سیاست‌گذاری توسعه ایران

- شناسایی و تحلیل پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی ملی حاکم بر سیاست‌گذاری توسعه در ایران
- شناسایی و تحلیل پیشران‌های سیاسی ملی حاکم بر سیاست‌گذاری توسعه در ایران
- شناسایی و تحلیل پیشران‌های اقتصادی ملی حاکم بر سیاست‌گذاری توسعه در ایران
- شناسایی و تحلیل پیشران‌های فناورانه ملی حاکم بر سیاست‌گذاری توسعه در ایران
- شناسایی و تحلیل پیشران‌های زیست‌محیطی ملی حاکم بر سیاست‌گذاری توسعه در ایران

۲) ادبیات نظری پژوهش

از ابتدای شکل‌گیری نظریات توسعه تا کنون رویکردهای مختلفی مطرح شده و نظریات توسعه دوره‌های مختلفی از گذشته تا کنون داشته و در هر دوره رویکردی خاص غالب بوده است. بر این اساس، برای دسته‌بندی نظرات توسعه، چند شیوه وجود دارد که به‌طور کلی می‌توان گفت که در برهه‌ای از زمان و پس از جنگ جهانی دوم نظریات اقتصادی صرف که به دنبال شناخت الگوهای رشد اقتصادی بود، بر این عرصه حاکمیت داشت (Hamzapour, 2009: p.83)؛ بنابراین اولین دوره ارائه نظریات توسعه به سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ برمی‌گردد. در این دوره توسعه به‌مثابه رشد اقتصادی و معادل با آن در نظر گرفته می‌شد. مبنای نوشته‌های توسعه هم، پارادایم نوسازی است که رشد را فرایندی خطی متصور می‌کرد؛ لذا برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که از مزیت نسبی برخوردار بودند، به‌منظور افزایش رشد تولید ناخالص ملی در رأس امور قرار گرفت و گمان بر آن بود که نتایج و تبعات مثبت حاصل از رشد اقتصادی به سایر مناطق سرریز شده و موجب توسعه آنان شود (Azkia & Ghafari, 2017: p.5; Samiei Esfahani & Habibi, 2014: p.52)؛ بنابراین در این رویکرد توسعه به مفهوم ارتقای نظام اجتماعی در کلیت آن است و رشد

اقتصادی تنها یک جنبه خاص از این تحول همه جانبه اجتماعی است.

دوره دوم که از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ را در برمی گیرد با مشاهده ناکارآمدی نظریات توسعه در دوره اول شکل گرفت. تجربه کشورها نشان داد که پیروی از مدل رشد اقتصادی برای دسترسی به توسعه هرچند در پاره‌ای از موارد به افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد سریع اقتصادی منجر شد، اما پیامدهای منفی چون افزایش فقر، توزیع نامناسب درآمد، آلودگی‌های زیست‌محیطی، رشد حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ کشورهای درحال توسعه و ... را باعث شد. این امر باعث شد تا تحقیقاتی در خصوص استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه که به توزیع متعادل‌تر توسعه توجه می‌کنند، انجام گیرد، لذا بعد اجتماعی توسعه که بیشتر معطوف به توجه به توزیع مناسب و انسانی تر دستاوردهای رشد اقتصادی بود، مطرح شد و رفع نیازهای اساسی انسان‌ها در جوامع، مبارزه با فقر، توزیع مناسب درآمد به عنوان الزامات توسعه مطرح شدند (Beheshti, 2008: p.18). یک اصل مهم در این رویکرد، این است که توسعه‌نیافتگی مرحله‌ای در راه رسیدن به جامعه سرمایه‌داری نیست، بلکه شرط یا نشانه سلطه سرمایه‌داری است؛ بنابراین جوامع صنعتی پیشرفته مسئول توسعه‌نیافتگی اقتصادی و سیاسی جهان سوم هستند.

دوره سوم همزمان با اجرای برنامه تعدیل اقتصادی با سیاست‌های بانک جهانی و ریگان است که از آن با عنوان برنامه‌های تعدیل اقتصادی، اعطای وام‌های سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌ها، به اجرای مجموعه‌ای از اصلاحات مشروط یاد می‌شود. آزادسازی تجارت، تغییر قیمت‌های داخلی به قیمت‌های جهانی، بهبود درآمدها از طریق بسط پایه‌های مالیاتی و اصلاح امور مالیات‌ها، کاهش کسری بودجه دولت از راه کاهش هزینه‌های عمومی به‌ویژه یارانه‌ها از جمله این اصلاحات محسوب می‌شوند. پیامد این امر بازهم وابستگی هر چه بیشتر کشورها به کمک‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود و به نتایج ناامیدکننده‌ای در آفریقا و آمریکای جنوبی منجر شد (Beheshti, 2008: p.19) و عوامل خارجی بیشتر در عدم توسعه کشورهای جهان سوم مؤثر بوده است (Hamzapour, 2009: p.83)؛ بنابراین در رویکردهای نظری از این دوره با عنوان نظریه وابستگی و نظام جهانی یاد می‌شود. این نظریه را می‌توان در چارچوب نظریات اقتصاد سیاسی مورد توجه قرار داد. چراکه نظام جهانی در این رویکرد به‌مثابه واقعیتی اجتماعی است که دربرگیرنده تعاملات میان ملت‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات، خانواده‌ها، طبقات و گروه‌های هویتی از همه نوع است (Vadiee, Keshani & Rajabaloo, 2016: p.47). دوره چهارم که از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ را شامل می‌شود با توجه به تجربه کشورهای آسیای جنوب شرقی، نشان داد که دولت در صورت اجرای سیاست‌های مناسب اقتصاد می‌تواند به‌عنوان کارگزار اصلی توسعه به ایفای نقش پردازد. از نظر کاستلز دولت وقتی توسعه‌گرا است که اصل مشروعیت خود را بر پایه توانایی ایجاد و حفظ توسعه بنا نهد، منظور از توسعه ترکیبی از نرخ بالا و مستمر رشد اقتصادی و تغییر ساختاری در سیستم تولید، هم از نظر داخلی و هم از نظر ارتباطش با اقتصاد بین‌المللی است (Costells, 2001: p.322). این رویکرد که از آن به‌عنوان

رویکرد پسا توسعه‌ای یاد می‌شود، مکتبی فکری است که ایده توسعه اقتصادی ملی را به کلی زیر سؤال می‌برد. طبق دیدگاه پژوهشگران نظریه پساتوسعه، کل مفهوم و روش‌های توسعه، بازتابی از سیطره کشورهای غربی بر سایر کشورهاست و توسعه، مفهومی مصنوعی و ساخته فضا‌های آکادمیک است که ریشه در ایدئولوژی‌های سیاسی و اقتصادی دارد (Motheghi, 2016: p.1065). درنهایت از ۱۹۹۰ به بعد پارادایم‌های توسعه از مبانی سنتی خود به دو رویکرد جدید با عنوان توسعه پایدار و توسعه اجتماعی تغییر جهت داده‌اند. مفهوم توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکارناپذیر است که ملاحظات مربوط به اکولوژی می‌تواند و باید در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. این ملاحظات شامل ایده ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به‌منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه‌های زندگی مورد چالش قرار می‌گیرد (Radcliffe, 2004: p.34; Navabakhsh & Arjamandsiahposh, 2009: p.29). در حقیقت بحث توسعه پایدار، نخستین بار، به واسطه نگرانی‌های زیست‌محیطی مطرح شد و به علت نگرانی عمومی از تخریب محیط‌زیست ناشی از فعالیت‌های رشد محور مورد توجه جدی واقع شد؛ اما به مرور زمان دامنه این موضوع در ابعاد مختلفی گسترش یافت. تحول مهمی که در این مکتب به وقوع پیوست آن بود که مکتب توسعه پایدار، بسیاری از مفروضات اولیه و مفاهیم اغلب اندیشمندان این حوزه اصول مبنایی توسعه پایدار در حوزه پارادایم اقتصاد نئوکلاسیک را مورد انتقاد قرار داد (Eyder & Hakiminya, 2018: p.90).

۳) روش تحقیق

روش انجام این پژوهش کیفی از نوع آینده‌پژوهی است که با استراتژی تحلیل روند^۱ انجام شده است. تحلیل روند مطالعه روندهای مشخص، به‌منظور کشف ماهیت، علت‌های بروز و سرعت توسعه و پیامدهای بالقوه آن است. یکی از فعالیت‌های اصلی این پروژه را شناسایی و تحلیل پیشران‌های سیاست‌گذاری توسعه ایران تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، همه روندهای ملی حاکم بر وضعیت سیاست‌گذاری توسعه ایران با مطالعه گزارش‌های داخلی و خارجی از جمله؛ مطالعه پژوهش‌های موجود و ادبیات نظری و مصاحبه‌های عمیق و جلسات هم‌اندیشی انجام و در معرض نقد و بررسی خبرگان و فعالان سیاست‌گذاری توسعه در ایران گذاشته می‌شود. پژوهش در سطح روندها، ناظر بر شناسایی الگوهای نظام‌مند تغییر در محیط پیرامونی است. روندها، به‌ویژه از آن جهت حائز اهمیت هستند که به مدیران و سیاست‌گذاران، «قدرت پیش‌بینی» می‌دهند و آن‌ها را قادر می‌سازند جلوتر از زمان بیندیشند و پیش‌دستانه به استقبال آینده بروند. جمعیت آماری این پژوهش شامل همه خبرگان و فعالان سیاست‌گذاری توسعه در ایران هستند که در مورد توسعه و سیاست‌گذاری خبره و صاحب‌نظر هستند که ۲۵ نفر از آن به‌صورت مصاحبه و شرکت در جلسات هم‌اندیشی که به دلیل شرایط کرونا اغلب آن‌لاین بوده مشارکت داشته‌اند. انتخاب نخبگان و شناسایی افراد

1 Process analysis

در این پژوهش، روش گلوله برفی است و این افراد با توجه به تسلط آن‌ها بر مباحث توسعه، انتخاب و شناسایی شده و بررسی پژوهش‌های انجام شده و کنفرانس‌ها، جستجوهای اینترنتی و غیره در شناسایی این افراد مؤثر بوده است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به‌طور همزمان از طریق گزارش‌های پژوهشی و مصاحبه و هم‌اندیشی با خبرگان اطلاعات لازم گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده در بر مبنای مدل STEEP انجام شده است. STEEP به ترتیب سرواژه روندهای اجتماعی، فناوریانه، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی و حاکمیتی است. با بررسی و رصد روندهای فوق، می‌توان به ارزیابی مسائل و روندها و درک کامل محیط رسیده، مدل‌ها و الگوهای در حال ظهور را شناسایی نموده، پیشران‌ها و ظرفیت‌های بالقوه آینده را استنباط نمود.

۴) یافته‌های پژوهش

۴-۱) یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در دو دسته اصلی شناسایی و تحلیل شده‌اند و بر اساس یافته‌های کیفی بخش اول پژوهش پیشران‌های ملی حاکم بر سیاست‌گذاری توسعه ایران با همفکری و هم‌اندیشی نخبگان، اساتید و فعالان حوزه توسعه و سیاست‌گذاری شناسایی و احصا شده‌اند و در بخش دوم پیشران‌های شناسایی شده در ۵ دسته کلی، پیشران‌های سیاسی، پیشران‌های اقتصادی، پیشران‌های اجتماعی، پیشران‌های فناوریانه و پیشران‌های زیست‌محیطی تحلیل کمی و تفسیر شده‌اند.

پیشران‌های ملی

پیشران‌ها به نیروهای عمده شکل دهنده آینده اشاره دارد و نیروهای محرکی هستند که باعث حرکت و تغییر متغیرهای مختلف و ایجاد وضعیت‌ها و تعادل‌های جدید می‌شوند. این عناصر در سطح ملی شناسایی شده و اشاره به سیاست‌هایی دارند که در داخل مرزهای سرزمینی امکان حصول به توسعه را فراهم می‌آورند.

۱- پیشران‌های اجتماعی در سطح ملی

توسعه و سیاست‌گذاری آن از لحاظ اجتماعی لازم و ملزوم هم هستند. از طرفی نیروهای اجتماعی به‌عنوان پیشران تأمین‌کننده سوخت توسعه ملی در کشورها هستند و از طرف دیگر توسعه سامان‌دهنده مسائل اجتماعی جوامع بوده است. در حوزه اجتماعی به‌ویژه آنکه مسائل فرهنگی نیز در همین فضای مفهومی قرار می‌گیرند؛ مسائل مهمی برای ساماندهی و تأثیرگذاری به توسعه وجود دارند که می‌توان این مسائل را یا از نتایج گفتگوهای هم‌اندیشی استخراج کرد یا آن‌ها را از گزارش‌های پژوهشی معتبر بیرون کشید. به هر جهت در حوزه ملی چندین پیشران اجتماعی مهم و مورد وفاق برای جهت دادن به سیاست‌گذاری‌های

توسعه کشور شناسایی شده‌اند که در ادامه تحلیل شده‌اند.

- **لغو حمایتگری فرهنگی:** مقوله فرهنگ اهمیت محوری در تمامی عرصه‌های زندگی بشر دارد و بر همین اساس یکی از مسؤولیت‌های اساسی مدیریت فرهنگی در سطح ملی، پیشبرد توسعه فرهنگی است و در راستای توسعه نیز فرهنگ زیربنای اصلی توسعه است و به همین خاطر بخشی از سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای در همه کشورها مستقیماً به سیاست‌گذاری توسعه فرهنگی اختصاص دارند. هرچند سیاست‌گذاری فرهنگی مستقیماً به مداخله دولت در فرهنگ مربوط می‌شود، اما در مواردی هم مداخله درست، هم باعث بهبود فرهنگی شده و هم روند توسعه را شتاب بخشیده است؛ بنابراین مطرح کردن پیشران «لغو حمایتگری فرهنگی» از آن جهت می‌تواند در سیاست‌گذاری توسعه مفید واقع شود، که باعث جایگزینی فرهنگ توسعه مداری به جای برخی سیاست‌های ایدئولوژیک شود. چراکه در نتیجه حمایت دولت از برخی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، باعث عقب‌گرد فرهنگی شده است.

- **ایجاد چشم‌انداز مشترک:** چشم‌انداز مشترک یک دورنمای همگانی از آینده آرمانی است که به‌عنوان هدف در سطح خرد و کلان وجود دارد. چشم‌انداز مشترک از آینده از جمله ابعادی است که زمینه شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی را در فعالیت‌های جمعی فراهم می‌آورد. چشم‌انداز مشترک باعث گره خوردن سرمایه‌های اجتماعی به هم و بسیج آن‌ها برای تحقق توسعه می‌شود. مادامی که توسعه یک دغدغه همگانی شود و چشم‌اندازی عمومی باشد، تلاش‌های مشترکی هم برای رسیدن به آن شکل می‌گیرند. در حقیقت، چشم‌انداز مشترک شناختی واقعی به وجود می‌آورد که در سایه آن می‌توان به اهداف و دیدگاه‌های عملی مشترک دست یافت و همبستگی و همفکری برای توسعه را محقق ساخت.

- **گفتگوی ملی برای توسعه:** مشکل اصلی عدم توسعه‌یافتگی در ایران فقدان یک توافق کلی برای توسعه در کشور است. هرچند تفاهم کلی و پیروان توسعه‌خواهی بسیار بیشتر از مخالفان توسعه هستند، اما در مواردی اثرگذاری تعداد اندک مخالفان توسعه بیش از هواداران توسعه بوده است؛ به عبارت دیگر قدرت نفوذ مخالفان توسعه بیش از توسعه‌خواهان بوده است. از اینجاست که لزوم هم‌فهمی و گفتگو بین این دو جریان باید پیشرانی برای نیل به توسعه در کشور باشد؛ بنابراین به‌عنوان یک پیشران اجتماعی، جامعه ایران امروز نیاز دارد تا جریان‌های مختلف فکری را وادار به گفتگو در مورد مسائل حل نشده کشور کند. آنچه مشخص است در چهار دهه گذشته، نه نخبگان توانسته‌اند نیروی‌های اجتماعی را برای توسعه بسیج کنند و نه حاکمان به مسائل توسعه‌ای علاقه اثرگذاری نشان داده‌اند؛ بنابراین در کشور این فضا که در آن برنامه گفت‌وگوهای توسعه به گفت‌وگوی واقعی از جنس دیالوگ بین اندیشمندان توسعه تبدیل شود، ایجاد نشده و این نقطه شکست و ناتوانی اندیشمندان و نخبگان بوده است، چراکه دیالوگ به مفهوم هم‌شنوی بین همه ذی‌نفعان و صاحب‌نظران به وجود نیامده است.

- **جلب مشارکت همگانی:** توسعه و پیشرفت همه جانبه در کشورهای در حال توسعه بیش از هر چیز به

مشارکت فعال و مؤثر افراد جامعه وابسته است. از این رو تمرکز برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در قرن بیست و یکم باید معطوف به افزایش نقش مشارکت‌های مردمی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روانی و اقتصادی باشد، تا فرآیند توسعه سریع‌تر مسیر خود را طی نماید. از طریق مشارکت مردم در امور مربوط به خود، قوه ابتکار و ابداع آن‌ها تقویت شده و به نحو احسن مورد استفاده قرار خواهد گرفت، مردم به شکل واقعی و ملموس با امور اجرایی برخورد داشته و از این رو شکاف آنان با سازمان‌های دولتی، شوراهای محلی و نیز تعارض منافعشان رو به کاهش خواهد رفت، و این امر نشان دهنده اهمیت موضوع مشارکت در توسعه است. بر همین اساس در جامعه ایرانی افزایش همه جانبه مشارکت در همه حوزه‌ها مهم‌ترین پیشران توسعه کلی کشور است. به لحاظ نظری هدف اصلی توسعه گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی است، بدین ترتیب توسعه و مشارکت دو مفهوم وابسته به هم و اثرگذاری و اثرپذیری بالایی نسبت به هم دارند.

- **رفع فقر و نابرابری:** رفع فقر و نابرابری بزرگ‌ترین چالش پیش روی بسیاری از کشورهای جهان امروز و یک نیاز ضروری برای توسعه آن‌ها است و پایان دادن به فقر شدید در همه اشکال آن، با حمایت از اهداف توسعه باید به هدف اول همه کشورها تبدیل شود. در راستای دستیابی به اهداف توسعه باید استراتژی‌های مقابله با فقر غذایی و گرسنگی در اولویت باشد و این استراتژی‌ها شامل؛ افزایش در دسترس بودن و مقرون به صرفه بودن مواد غذایی مغذی، به‌ویژه برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر و ترویج آب سالم، بهداشت و بهداشتی برای کاهش بیماری و سوء تغذیه، به‌ویژه در میان کودکان خردسال است. در ایران با وجود محرومیت زیاد در مناطق حاشیه‌ای و شهرهای کم‌برخوردار لزوم توجه به فقر نواحی و رفع نابرابری‌ها یک پیشنهاد مهم برای دستیابی به توسعه موزون در کشور است.

- **شمول اجتماعی:** شمول اجتماعی در جامعه ظرفیتی است که بر اساس آن افراد در معرض فقر یا محرومیت اجتماعی فرصت مشارکت کامل در زندگی اجتماعی را داشته باشند، تا بتوانند از استاندارد زندگی کافی برخوردار شوند؛ به عبارت دیگر همه شهروندان امکان استفاده از سیستم آموزش و بهداشت، فرصت‌های شغلی، امکان داشتن خانه‌ای مناسب و امنیت را داشته باشند. شمول اجتماعی شاخص مهمی برای توسعه است. در فرایند سیاست‌گذاری توسعه و دستیابی به توسعه پایدار، دستاوردهای اقتصادی باید از نظر اجتماعی فراگیر باشد و کیفیت تعاملات اجتماعی اعم از: فرهنگ، اعتماد، صداقت، داوطلبانه و نوع دوستی باید از طریق ترویج اخلاق اجتماعی و رعایت حقوق بشر برای همه افزایش یابد. دقیقاً به همین دلیل مهم است که دولت‌ها با هماهنگی سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، سازمان ملل یا اتحادیه اروپا، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را ایجاد کنند که شامل شمول اجتماعی می‌شوند.

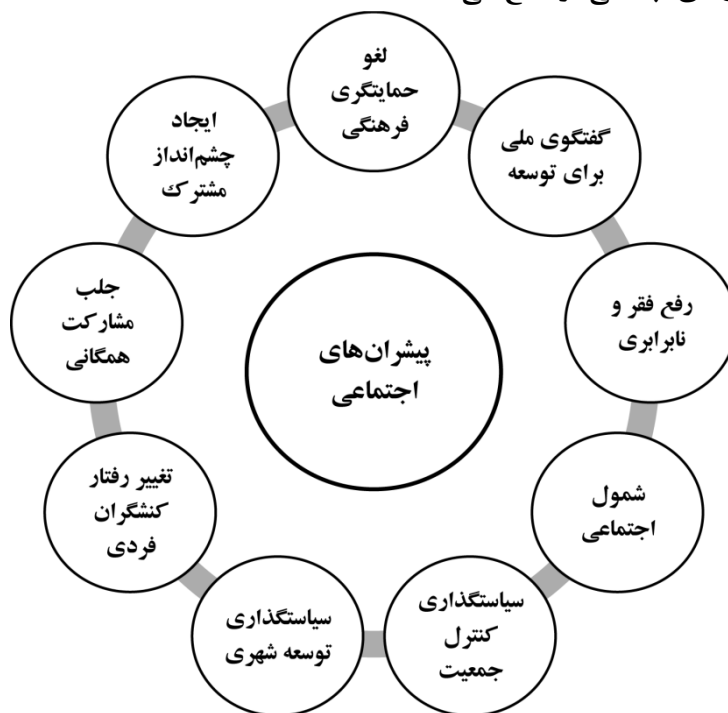
- **سیاست‌گذاری کنترل جمعیت:** رشد بی‌سابقه جمعیت در کشورهای در حال توسعه، یکی از مهم‌ترین تنگنای توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها به شمار می‌آید. آمارها نشان می‌دهند که این کشورها

رشد جمعیت بالایی را تجربه می‌کنند و چنین رشد بالایی از جمعیت در کشورهای در حال توسعه، موجب کاهش شدید پس‌انداز ملی و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری‌های لازم در بخش‌های زیربنایی این کشورها می‌شود؛ بنابراین برای ایجاد توسعه پایدار، کشورهایی که رشد جمعیت در آن‌ها به دلیل باروری زیاد همچنان بالاست، باید با گسترش دسترسی به برنامه‌ریزی داوطلبانه خانواده و مراقبت‌های بهداشت باروری، سرمایه‌گذاری در کاهش مرگ‌ومیر کودکان، ارتقای درک مزایای خانواده‌های کوچک، سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ باروری را تسریع بخشند، تا به موفقیت‌هایی در آموزش دختران و اتخاذ رویکردی کل‌نگر برای توانمندسازی زنان دست پیدا کنند.

- **سیاست‌گذاری توسعه شهری:** در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، شهرها اغلب با نرخ‌های غیرقابل مدیریتی در حال رشد هستند و این روند مدیریت ناسالم برای ساکنین این شهرها وضعیت نامناسبی را به دنبال داشته است که گسترش مناطق زاغه‌نشین و حاشیه‌نشینی یکی از آن‌هاست. امروزه این مناطق حاشیه‌ای در شهرها با تکیه بر فناوری‌های منسوخ حمل‌ونقل و انرژی؛ با بلایای شدید زیست‌محیطی تهدید می‌شوند و قادر به ایجاد تعداد مشاغل مورد نیاز برای به کارگیری جمعیت اغلب جوان خود نیستند. با این حال، شهرها همچنین پتانسیل فوق‌العاده‌ای برای تغییرات مثبت ارائه می‌دهند و اغلب در خط مقدم نوآوری در فناوری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها قرار دارند. همچنین شهرها به‌طور فزاینده‌ای نقطه اتکای توسعه اقتصادی و ریشه‌کنی فقر، پایداری زیست‌محیطی و حکمرانی خوب هستند. در چنین شرایطی سیاست‌گذاری توسعه شهری می‌تواند به توسعه جوامع منجر شود.

- **تغییر رفتار کنشگران فردی:** قرار گرفتن سریع جهان در مسیری بلندمدت به سمت توسعه پایدار مستلزم تعداد بسیار زیادی از افراد برای تغییر رفتار و انتخاب‌های متفاوت با توجه به مدیریت کسب‌وکار، اخلاق، سیاست، سبک زندگی سالم و مصرف شخصی، استفاده از منابع، باروری و آموزش است. هنگامی که رهبران دولت در برابر مردم خود پاسخگو هستند، تغییر درک و حتی تغییر رفتار مردم پیشنهاد لازم برای تغییر سیاست‌ها می‌شود؛ بنابراین عملیاتی کردن چارچوب توسعه پایدار مستلزم تشخیص واضح تغییرات مورد نیاز در رفتار حرفه‌ای و شخصی و همچنین راهبردهای صریح برای ایجاد تغییراتی برای توسعه است. بسیاری از شهروندان جامعه ایرانی تمایلی به مشارکت در توسعه ندارند و همواره خنثی عمل می‌کنند؛ اما توسعه برای محقق شدن به کنشگران فعال و دلسوزی نیاز دارد که بازوهای فعال توسعه باشند.

- نمایش پیشران‌های اجتماعی در سطح ملی



نمودار ۱: پیشران‌های اجتماعی احصا شده برای سیاست‌گذاری توسعه در ایران

۲- پیشران‌های فناورانه در سطح ملی

در هم تنیدگی دو مفهوم فناوری و توسعه به گونه‌ای است که هر جا به لحاظ فناوری پیشرفته باشد، به نوعی توسعه‌یافته نیز تلقی می‌شود. فناوری‌ها زمینه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، توسعه بین‌المللی و حقوق بشر را فراهم آورده و برای تحقق توسعه جوامع یک ابزار اثرگذار مهم هستند. پیشران‌های فناورانه که می‌توانند بر سیاست‌گذاری‌های توسعه ایران تأثیر بگذارند در گزارش‌های پژوهشی و جلسات هم‌اندیشی به صورت زیر احصا شده‌اند.

- **استقلال نهاد آموزش عالی:** استقلال نهاد آموزش به‌ویژه نهاد دانشگاه باید در سه حوزه مالی، مدیریتی و هویتی دارای استقلال باشد. چراکه فقدان استقلال برای دانشگاه، این نهاد را در ایران عمدتاً به نهادی خدمت‌گزار تبدیل کرده است و به میزانی که به نهادهای بیرونی خدمت کرده است، از مقبولیت و مشروعیت برخوردار شده و آنجا هم که نخواست خدمت کند و یا در خدمت کردن عقب مانده است، از آن سلب مشروعیت شده و یا مورد تنبیه و مجازات قرار گرفته است؛ بنابراین آموزش عالی ایران همواره مشروعیت خود را از بیرون و نه از درون به دست آورده است و به این دلیل نتوانسته موتور توسعه کشور باشد. در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته دانشگاه ضمن داشتن استقلال مهم‌ترین منبع نوآوری و تولید ایده برای صنعت است.

اگر چنین الگویی در ایران هم وجود داشت، بخش صنعت و کسب و کارها از نظام دانشگاهی می‌توانست نظام ملی نوآوری و نظام پژوهش و تحقیق و توسعه را ارتقا دهند و با توسعه بخش صنعتی و کسب و کارها نیز این بخش‌ها نیز می‌توانند از نظام آموزش و پژوهش حمایت مالی کنند.

- **تمرکز بر آموزش و پرورش:** فرآیند توسعه محصول تقابل حوزه‌های، انسانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی انسانی است و آموزش و پرورش از طریق اثرگذاری بر سطح درآمد، کاهش فقر، تغییر نگرش افراد و ایجاد برابری نقش مثبتی در ابعاد توسعه یعنی رشد اقتصادی، توسعه انسانی و حتی حفظ محیط‌زیست دارد. از طرفی هم اجرا برنامه‌های توسعه نیازمند به کارگیری نیروهای آموزش دیده و تحصیل کرده است و نقش آموزش و پرورش در راستای کشف این استعدادها بارز است و آموزش و پرورش ضمن بهره‌گیری مناسب از هوش و استعداد افراد انسانی زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم می‌آورد. در ایران طیف گسترده‌ای از صاحب‌نظران تمرکز بر آموزش و پرورش را پیشران اصلی توسعه می‌دانند. از نظر آنها توسعه باید در دوران کودکی به افراد آموزش داده شود تا در بزرگسالی آنها نیروهای پیش‌قراول توسعه باشند. چراکه دانش و دانایی، رکن اصلی توسعه و نظام آموزشی هم گذرگاه دستیابی به دانایی ملی به شمار می‌آید و جامعه زمانی به اهداف خود دست می‌یابد که از طریق توسعه انسانی مسیر خود را هموار کند.

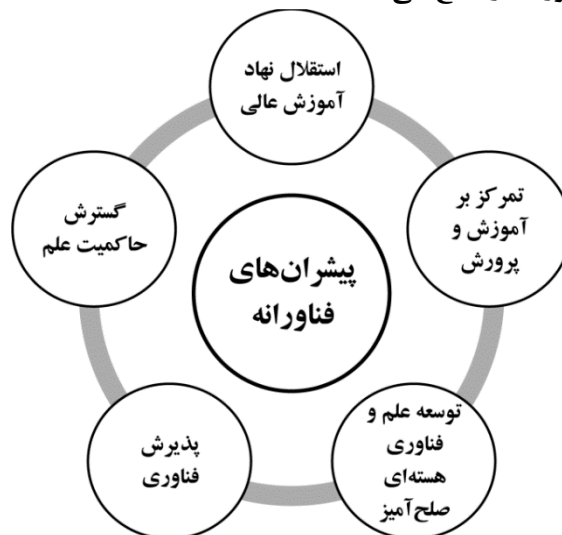
- **گسترش حاکمیت علم:** برای دستیابی به جامعه‌ای توسعه‌یافته در تمامی زمینه‌ها باید ارتباط میان علم و جامعه ناگسستنی باشد تا تفکر علمی ضمن نقش بستن در ذهن همه افراد، مبنای عمل همه افراد جامعه باشد. بر همین اساس برای توسعه جوامع استفاده از علم و حاکمیت رویکردهای علمی می‌تواند روند شتابانی برای توسعه جوامع در حال توسعه ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین مظاهر توسعه جوامع سرآمدی آنها در فناوری است و فناوری اساساً محصول حاکمیت علمی است. شواهد نشان داده که علم و فناوری و برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده، چراکه این کشورها برای رسیدن به توسعه، خود را نیازمند آنها می‌دانند. بر همین اساس در ایران نیز توسعه برای تحقق یافتن به موتور علم و فناوری نیاز دارد و باید علم در همه حوزه‌ها حاکمیت داشته باشد. بسیاری از پژوهشگران داخلی نیز بر نقش بی‌بدیل علم در توسعه ایران اتفاق نظر دارند و از نظر آنان توسعه و مظاهر آن زمانی محقق می‌شوند که مکاتب فکری علم‌محور برای نیل به توسعه در ایران نهادینه شوند و از این مسیر است که ایران به توسعه می‌رسد.

- **توسعه علم و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز:** علم و فناوری هسته‌ای پتانسیل توسعه زیادی دارد و می‌تواند به‌طور مستقیم به توسعه کشورهای توسعه‌نیافته کمک کند. علم و فناوری هسته‌ای در زمینه تولید برق موفقیت اقتصادهای مدرن را قلم می‌زند و پتانسیل توسعه علم و فناوری هسته‌ای در زمینه‌هایی مانند مراقبت‌های بهداشتی و کشاورزی آشکارتر می‌شود. استفاده از علم و فناوری در بسیاری از کشورها این

قابلیت را دارد که محرک کلیدی توسعه در همه دنیا باشد. همچنین باید یادآور شد که علم و فناوری هسته‌ای پتانسیل تغییر جامعه را به سمت بهتر شدن و توسعه دارد؛ اما تغییر مثبت تنها در چارچوب تعهدات قانونی برای استفاده صلح‌آمیز از آن‌ها امکان‌پذیر است.

- **پذیرش فناوری:** جهان امروز با فناوری آن شناخته می‌شود و فناوری به توسعه اقتصادهای پیشرفته‌تر از جمله اقتصاد جهانی امروز کمک کرده و روند توسعه را در بسیاری از مناطق را شتاب بخشیده است. به همین خاطر برخی از کشورها به خاطر عدم دسترسی به فن‌آوری توسعه‌چندانی نداشته و در ردیف کشورهای در حال توسعه مانده‌اند و کشورهایی مانند کره جنوبی، نروژ و پرتغال بهترین عملکرد را در بخش فناوری دارند و دقیقاً به همین خاطر جزو کشورهای توسعه‌یافته هستند؛ بنابراین، سیاست‌گذاری‌های جدید برای توسعه باید با بهبود گسترده در جمع‌آوری و پردازش داده‌های محلی، ملی و جهانی، با استفاده از ابزارهای جدید کامپیوتری، تحلیل داده‌های مکانی و ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی تقویت شود. به‌طور کلی این فناوری‌ها در قالب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پیشران مهمی برای توسعه جوامع هستند و امروزه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته بر پایه فناوری به توسعه رسیده‌اند و کشورهای در حال توسعه نیز با این الگوها می‌توانند سیاست‌های کلی خود را برای رسیدن به توسعه پیش ببرند.

- نمایش پیشران‌های فناورانه در سطح ملی



نمودار ۲: پیشران‌های فناورانه احصا شده برای سیاست‌گذاری توسعه در ایران

۳- پیشران‌های اقتصادی در سطح ملی

اقتصاد زیربنای جوامع امروزی است و اساساً سطح تعیین‌کنندگی بسیاری از پدیده‌های جوامع بر مبنای

اقتصاد آن‌ها انجام می‌گیرد. همسویی اقتصاد و توسعه به گونه‌ای است که اغلب اندیشمندان برای تعرف توسعه جامعه از مفهوم توسعه اقتصادی استفاده می‌کنند و این دقیقاً به این معنی است که فضای مفهومی توسعه و اقتصاد همپوشانی بالایی با هم دارند. در راستای دستیابی به توسعه پیشران‌های اقتصادی مهمی در سطح ملی شناسایی شده‌اند.

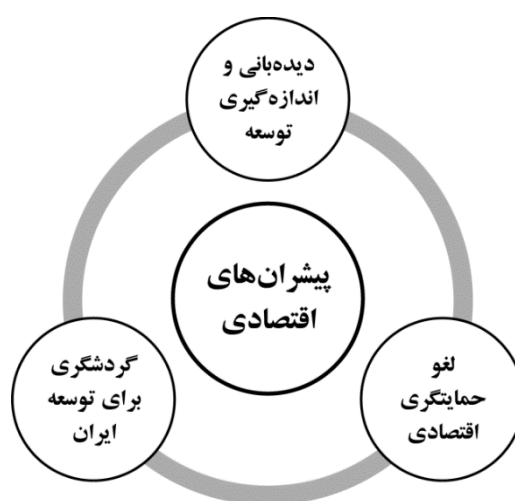
- **دیده‌بانی و اندازه‌گیری توسعه:** یکی از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه در جوامع اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه و ارزیابی فعالیت‌های انجام شده است. همچنان که توسعه با تحول مفهومی و تحول صورت‌بندی نظری همراه بوده است، شاخص‌سازی مفهوم توسعه نیز تحولات مهمی را تجربه کرده است. از همین رو لازم است اندازه‌گیری شاخص‌ها در قالب اسنادی شفاف به‌طور مرتب در زمانبندی مشخصی ارزیابی و اندازه‌گیری شوند، تا با رواج و مقایسه این شاخص‌ها سرعت توسعه را در حوزه‌های مختلف اندازه‌گیری گرفت و از این طریق بر روی نقاط ضعف و قوت‌ها شناخت بیشتری به دست آورد. امروزه در ایران به دلیل نبود چنین شاخصی نمی‌توان همه تلاش‌های گذشته را در راستای نیل به توسعه مورد ارزیابی قرار داد و بدون شک تکرار بسیاری از اشتباهات گذشته هیچ بعید به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین توسعه کشور و سیاست‌گذاری آن به مرکزی به‌عنوان «مصدخانه توسعه» نیاز دارد که هر ساله داده‌ها و تحلیل‌های تازه‌ای از «نقشه توسعه» کشور ارائه دهد و با مقایسه آن شاخص‌ها با سال‌های قبل، عملکرد کلی دولت و نهادهای توسعه‌گرا را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. علاوه بر این توسعه نیاز اساسی به کمی‌سازی شاخص‌هایش دارد.

- **لغو حمایتگری اقتصادی:** اقتصاد به‌عنوان مهم‌ترین نهاد جوامع از گذشته تا کنون همواره مورد توجه دولت‌ها و حاکمیت‌ها بوده و بسیاری از دولت‌ها موجودیت خود را بر مبنای تسلط و تمرکز بر آن بنا نهاده‌اند. یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصادی مهم در جامعه شیوه حمایتگری از اقتصاد بوده که این نوع حمایتگری تعیین‌کننده نوع نظام سیاسی بوده است. این سیاست در سالیان اخیر در راستای جنبش‌های ضد جهانی‌سازی بوده است و مانع اصلی نیل به توسعه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نفوذ پررنگ دولت در اقتصاد در قالب حمایتگری است. در ساده‌ترین حالت حمایتگری از اقتصاد باعث رکود اقتصاد شده و اجازه تحول و پیشرفت را از آن می‌گیرد؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین پیشران‌های ملی در ایران برای نیل به توسعه و سیاست‌گذاری دقیق آن کاهش نقش مداخله‌گری دولت در حوزه اقتصادی است. در این راستا دولت می‌تواند رفته‌رفته نفوذ اقتصادی خود در جامعه را کم کرده و برای کوچک‌تر شدن دولت اقداماتی اساسی مانند واگذاری بخش‌های زیادی از اقتصاد به بخشی خصوصی از نقش حمایتگری به نقش نظارت‌گری برآید. کوچک‌تر شدن دولت به‌منزله چابک‌تر شدن آن در فرایند دسترسی به پیشرفت و توسعه است و دولت فربه در راستای توسعه نه تنها توان دوییدن ندارد، بلکه از راه رفتن معمولی نیز عاجز است.

- **گردشگری برای توسعه ایران:** سیاست‌گذاری گردشگری مهم‌ترین ابزار توسعه است و بررسی

سیاست‌گذاری‌های دولت و دستگاه‌های مرتبط در خصوص صنعت گردشگری در برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی با هدف ارائه الگویی که در قالب آن نظام سیاست‌گذاری کارآمدی که به توسعه پایدار صنعت گردشگری کشور بیانجامد، ضرورت اصلی کشور است. چشم‌انداز توسعه کشورها عموماً تصویری از آینده‌ای روشن است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در افق‌های زمانی بلندمدت برای کشور و مردم خود در نظر دارند. این چشم‌انداز علاوه بر اینکه امیدبخش توسعه آتی کشور خواهد بود، نقشه راه پیش‌روی برنامه‌های اجرایی کوتاه‌مدت را نیز ترسیم خواهد کرد. به‌طور کلی وجود یک برنامه نظام‌مند گردشگری در قالب سیاست‌گذاری‌هایی که هم‌راستا با برنامه‌های توسعه کشور باشد، می‌تواند پیشران مهمی برای توسعه کشور باشد.

- نمایش پیشران‌های اقتصادی در سطح ملی



نمودار ۳: پیشران‌های اقتصادی احصا شده برای سیاست‌گذاری توسعه در ایران

۴- پیشران‌های زیست‌محیطی در سطح ملی

در سال‌های شروع اولیه توسعه و فرایند صنعتی شدن در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته توجه به محیط‌زیست و پایداری آن برای نسل‌های آینده به دلیل بهره‌برداری گسترده از منابع طبیعی، مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار گرفت. از آن زمان تا کنون در برنامه‌های توسعه‌ای مسئله محیط‌زیست بسیار برجسته است و حتی مسئله توسعه پایدار دقیقاً در راستای پاسخ به مسائل زیست‌محیطی توسعه مطرح شده است. مهم‌ترین پیشران‌های زیست‌محیطی در سطح ملی برای توسعه شامل موارد زیر هستند.

- سیاست‌گذاری آمایش سرزمین: آمایش استفاده بهینه و عقلانی و پی بردن به ارزش‌های فضا به‌منظور

کارکردهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی است و بنابراین، تقسیم کار سرزمین از جنبه‌های مهم آن شمرده می‌شود. آمایش سرزمین در خدمت انسان برای ارتقای سطح کیفی زندگی او است و تفکر آمایشی بیانگر روح فعال و جسم پویای بشری با درک جغرافیایی است. آمایش سرزمین در هر ملک و سرزمینی ممکن است بر پایه اهداف متعددی انجام گیرد، اما انجام موفقیت‌آمیز آمایش سرزمین هنگامی است که برای توسعه صورت گیرد. بر همین اساس متخصصان توسعه کشور یکی از پیشران‌های مهم توسعه را آمایش سرزمینی و آماده‌سازی ایران برای سروسامان دادن و تنظیم امور مکانی، جغرافیایی، طبیعی و مسکونی عنوان کرده‌اند.

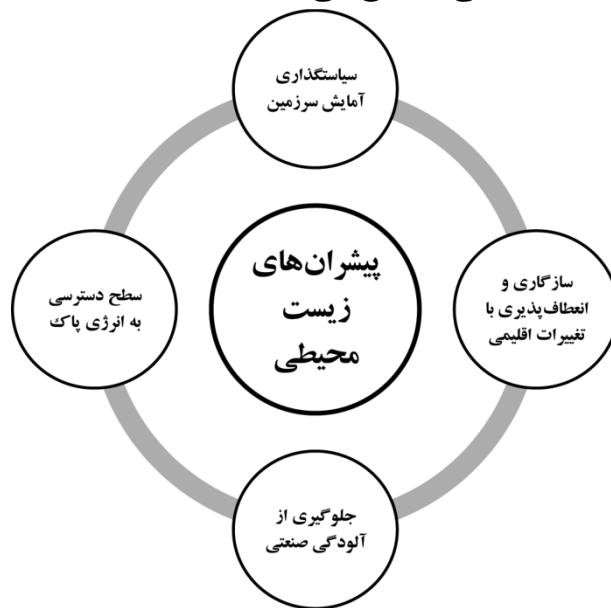
- سازگاری و انعطاف‌پذیری با تغییرات اقلیمی: سازگاری با تغییرات اقلیمی یک راهبرد کلیدی در دستیابی به توسعه پایدار است. تغییرات اقلیمی مانند سیل، خشکسالی و جابجایی جمعیت نیاز به واکنش سریع ندارند، بلکه مدیریت این حوادث در طبیعت باید با اقدامات سازگارانه همراه باشد؛ بنابراین، حمایت از سازگاری با تغییرات اقلیمی مستلزم رویکردی گسترده است که نه تنها به تأثیرات فوری مخاطرات خاص تغییر آب و هوایی می‌پردازد، بلکه باید به ایجاد پایه‌های اجتماعی-اقتصادی و نهادی برای تاب‌آوری کمک کند. این امر مستلزم حمایت در سطوح مختلف توسعه است. اولین قدم برای دستیابی به یک رویکرد یکپارچه، حمایت از پیوندهای وابسته و متقابل بین سازگاری و توسعه است. همان‌طور که سازگاری و توسعه می‌توانند پشتیبان یکدیگر باشند، اگر به‌طور جداگانه انجام شوند نیز می‌توانند بر یکدیگر تأثیر منفی بگذارند. به‌طور کلی فعالیت‌های توسعه نیاز به سازگاری زیادی دارند، اما با توجه به ماهیت مناقشه‌برانگیز تأمین مالی آب و هوا، اطمینان از شفافیت هنگام تلاش برای جریان دادن به فعالیت‌های سازگاری در توسعه مهم است.

- سطح دسترسی به انرژی پاک: امروزه در مصارف اقتصادی استفاده از انرژی باد و آب و برای تهویه و تغییر دما و ذخیره آب برای روزهای گرم سال راهکارهای گوناگونی را می‌توان مورد استفاده قرار داد و مصرف انرژی‌های فسیلی را کاهش داد. با توجه به نیاز بشر به انرژی تمایل و نیاز انسان به استفاده از انرژی پاک و قابل تجدید روز به روز افزوده می‌شود، از این رو پیشرفت تکنولوژی جهت تولید و ذخیره انرژی ایجاد شده است. بر همین اساس میزان استفاده از این انرژی‌های پاک شاخصی از توسعه و توسعه پایدار شده است. توسعه خود ذاتاً با دسترسی به انرژی پاک، کافی و مقرون‌به‌صرفه مرتبط است و کشورهای زیادی برای رشد اقتصادی-اجتماعی خود، تقاضا برای انرژی‌های پاک را در برنامه توسعه‌ای خود قرار داده‌اند. اهداف دسترسی به انرژی پاک به‌واسطه علم و فناوری هسته‌ای به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک راه‌حل بالقوه جذاب برای نیل به توسعه در نظر گرفته می‌شود و کشورهای زیادی تمایل به داشتن چنین انرژی دارند. انرژی پاک توسعه اقتصادی را تقویت می‌کند و به توسعه کلی منجر می‌شود.

- جلوگیری از آلودگی صنعتی: آلاینده‌های صنعتی بزرگ‌ترین تهدیدات زیست‌محیطی و حتی

تهدیدکننده زندگی انسان بر روی کره خاکی هستند. امروزه صنایع بزرگ به خاطر داشتن سهم عمده در توسعه و پیشرفت جامعه، هم به عنوان فرصت توسعه جامعه و هم به عنوان تهدیدی برای آن مطرح هستند. به طور کلی رویکردهای پیشگیری از آلودگی را می توان برای همه فعالیت های احتمالی و واقعی تولید آلودگی، از جمله مواردی که در بخش های انرژی، کشاورزی، مصرف و صنعت یافت می شود، اعمال کرد. از آنجایی که بخش مهمی از صنعت کشور دارای اثرات زیست محیطی مخربی است، لازم است با طراحی مجدد فرآیندهای صنعتی برای بهره وری مواد، بازیافت و مدیریت ایمن زباله اقدامات جدی از طرف شرکت های بزرگ صنعتی در قالب مسئولیت اجتماعی و شرکتهای انجام گیرد.

- نمایش پیشران های زیست محیطی در سطح ملی



نمودار ۴: پیشران های زیست محیطی احصا شده برای سیاست گذاری توسعه در ایران

۵- پیشران های سیاسی یا حاکمیتی در سطح ملی

سیاست جوامع و حاکمیت سیاسی در اغلب کشورها تدوین کننده سیاست گذاری های توسعه ای هستند. بر همین اساس نقش حاکمیت سیاسی در دستیابی به توسعه تعیین کننده است. امروزه همه کشورهای توسعه یافته به خاطر سیستم برنامه ریزی و سیاستی که از طرف دولت هایشان برنامه ریزی شده به توسعه دلخواه دست یافته اند و غالب کشورهای در حال توسعه نیز قربانی سیاست های ناکارآمد حاکمیتی شده اند. بر همین اساس برخی از پیشران های سیاسی مهم برای نیل به توسعه در ایران شناسایی شده اند.

- توسعه نقد افقی: وضعیت تمایل به مدیریت دولت در همه حوزه ها ضمن بازدارندگی روند توسعه

کشورهای در حال توسعه به زایش یک پدیده خاص به نام «نقد عمودی»^۱ منجر شده است. از آنجایی که در اغلب کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران تمایل شدید دولت‌ها به مدیریت همه ابعاد زندگی است، بنابراین دیگر مسئولیتی در امور متوجه مردم عادی نیست و غالباً همه نقدها عمودی و به عبارت دیگر نقدها سیاسی خواهند بود. این نوع نقدها از پایین به بالا هستند چون باور عمومی بر این است که تمام مسائل از بالا مدیریت می‌شوند و کوچک‌ترین نارسایی دقیقاً سرچشمه‌اش به سیاست‌های کلان و نظام سیاسی بازمی‌گردد. بر خلاف این رویه در جوامع توسعه یافته به جای نقد سیاسی، نقد افقی وجود دارد و افراد و نهادهای مدنی در نارسایی‌ها می‌توانند در صورت عملکرد نامناسب به همدیگر نقد کنند و همدیگر را به چالش بکشند تا از این طریق مانع تکرار اشتباهات یا باعث بهبود وضعیت شوند.

- **تصمیم‌گیری متفکرانه:** تصمیم‌های متفکرانه در هر حوزه می‌توانند به توسعه منجر شوند. برای مثال با ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای ایمن و مقرون به صرفه می‌توان نقش انرژی هسته‌ای را در کربن زدایی از سیستم انرژی برجسته‌تر کرد. البته اگر این شیوه تصمیم‌گیری متفکرانه در کار نباشد، بدون شک استفاده از انرژی هسته‌ای خطرناک خواهد بود. دامنه کاربرد تصمیم‌گیری متفکرانه در سایر حوزه‌ها نیز برجسته است و این شیوه تفکر می‌تواند در زمینه ارگانسیم‌های اصلاح شده ژنتیکی که جزو مفید امنیت غذایی جهانی آینده هستند یا تهدیدی برای بشر هستند؛ تصمیم‌گیری کند. علاوه بر این تصمیم‌گیری متفکرانه در بعد کلان مشخص می‌کند که چگونه می‌توان صید بی‌رویه کشورهای بسیار قدرتمند را محدود کرد. تصمیم‌گیری متفکرانه معطوف به آینده است و بر پایه عقلانیت آینده‌نگر می‌توان تصمیم‌های اساسی را برای مدیریت آینده به کار گرفت. در موقعیت‌های خاص جهانی نیز برخی تصمیم‌های متفکرانه به خیر همگانی منجر می‌شوند. تعیین نوع روابط با همسایگان، سیاست‌گذاری در حوزه صادرات و واردات در قالب تصمیم‌های متفکرانه روند توسعه را شتاب خواهند بخشید.

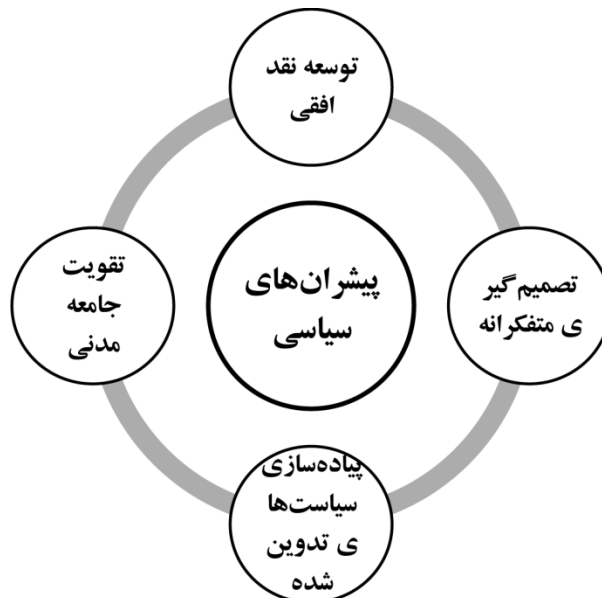
- **تقویت جامعه مدنی:** در راستای نیل به توسعه جوامع میزان مدنیت و قوی بودن جامعه مدنی بر گرایش به توسعه اثر مستقیمی دارند و بسیاری از شاخص‌های توسعه یافتگی در جامعه مدنی تحقق می‌یابند. همچنین بدون انجام وظیفه جامعه مدنی، هیچ توسعه پایداری وجود نخواهد داشت. این شامل سازمان‌های داوطلبانه می‌شود که هم دولت و هم تجارت را از نظر عملکرد و صداقت پاسخگو می‌دانند، جوامع را سازماندهی و بسیج می‌کنند، خدمات ارائه می‌دهند، محله‌ها را دلپذیر و امن نگه می‌دارند و فعالیت‌های فرهنگی را ترویج می‌کنند. علاوه بر این جامعه مدنی می‌تواند در فعالیت‌های خیرخواهانه مانند حوزه‌های حمایت از علم، پژوهش، آموزش و کمک به فقرا فعال باشد. جامعه مدنی همچنین این قابلیت را دارد که از محیط زیست در برابر آلودگی و سایر اثرات خارجی ناشی از اقتصاد دفاع کند. بر همین اساس بازیگران کلیدی در تحولات توسعه‌ای شامل دولت‌ها، مشاغل و جامعه مدنی هستند و دولت‌های محلی و ملی از جمله برای

¹ Vertical criticism

حفظ صلح، حمایت از حاکمیت قانون، تضمین حکمرانی خوب، ارائه کالاها و خدمات عمومی، و برای اعمال سیاست‌هایی برای پرداختن به ابعاد توسعه ضروری هستند.

- **پیاده‌سازی سیاست‌های تدوین شده:** در مورد تدوین سیاست‌های توسعه‌ای در بسیاری از کشورها برنامه و گزارش‌های زیادی وجود دارد، اما پیاده‌سازی در اغلب این برنامه‌ها یک حلقه مفقوده بوده است. بر همین اساس این عدم توجه به اجرای سیاست‌های تدوین شده تأسف آور است و تا حد زیادی شکست برخی از پروژه‌ها به این دلیل است. نهادهای فراملی بزرگی مانند بانک جهانی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری اقلیمی و بانک توسعه جدید از طرح‌های کلان توسعه‌ای در کشورهای در حال توسعه حمایت می‌کنند، اما به دلیل دخالت کمتر آن‌ها در پیاده‌سازی و سپردن طرح‌های تدوین شده به پیمانکاران داخلی برای اجرا، عموماً با چالش‌های پیاده‌سازی نادرست مواجه می‌شوند؛ بنابراین اجرایی شدن توسعه به کمیته‌ای برای پیگیری نیاز دارد تا این طریق پیاده‌سازی سیاست‌های توسعه‌ای را تضمین کنند.

- نمایش پیشران‌های سیاسی یا حاکمیتی در سطح ملی



نمودار ۵: پیشران‌های سیاسی و حاکمیتی احصا شده برای سیاست‌گذاری توسعه در ایران

- **جمع‌بندی پیشران‌های احصا شده برای سیاست‌گذاری توسعه در ایران:** سیاست‌گذاری‌های توسعه به چند پیشران مهم در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فنی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی دارد که با احتمال وقوع و پیگیری این پیشران‌ها نیل به توسعه و توسعه‌یافتگی در کشور قابل تحقق است. بر همین مبنا برای شناسایی این پیشران‌های مهم در این پژوهش اقدام به استفاده از

یک راهبرد ترکیبی برای کشف این مسئله شد. بخش مهمی از یافته‌های کیفی این پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق چندنفره، جلسات هم‌اندیشی و گزارش‌های پژوهشی معتبر در داخل کشور به دست آمده است. به‌طور کلی در این پژوهش ۲۵ پیشران مهم و اساسی در ۵ حوزه اجتماعی، فناوریانه، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی شناسایی شده است. در سطح ملی ۹ پیشران مهم اجتماعی برای سیاست‌گذاری توسعه کشور شناسایی شده است که شامل؛ لغو حمایتگری فرهنگی، ایجاد چشم‌انداز مشترک، گفتگوی ملی برای توسعه، جلب مشارکت همگانی، رفع فقر و نابرابری، شمول اجتماعی، سیاست‌گذاری کنترل جمعیت، سیاست‌گذاری توسعه شهری و تغییر رفتار کنشگران فردی هستند. همچنین پیشران‌های ملی فناوریانه نیز شامل ۵ پیشران مهم؛ استقلال نهاد آموزش عالی، تمرکز بر آموزش و پرورش، گسترش حاکمیت علم، توسعه علم و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز و پذیرش فناوری هستند. پیشران‌های اقتصادی در سطح ملی نیز ۳ پیشران مهم دیده‌بانی و اندازه‌گیری توسعه، لغو حمایتگری اقتصادی و گردشگری برای توسعه ایران هستند؛ اما در حوزه زیست‌محیطی نیز چهار پیشران؛ سیاست‌گذاری آمایش سرزمین، سازگاری و انعطاف‌پذیری با تغییرات اقلیمی، سطح دسترسی به انرژی پاک و جلوگیری از آلودگی صنعتی هستند. نهایتاً پیشران‌های سیاسی و حاکمیتی شناسایی شده در سطح ملی شامل ۴ پیشران؛ توسعه نقد افقی، تصمیم‌گیری متفکرانه، تقویت جامعه مدنی و پیاده‌سازی سیاست‌های تدوین شده هستند. مقایسه پیشران‌های شناسایی شده در بعد ملی نشان می‌دهد که نخبگان، اساتید و کارشناسان توسعه کشور پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی بیشتری برای نیل به توسعه کشور بیان کرده‌اند و در این میان نقش مسائل فنی نیز برجسته است. با توجه به تجارب ناموفق توسعه کشور و تبدیل آن به یک مسئله سیاسی، نتایج نشان داده که پیشران‌های سیاسی نقشی به‌مراتب کم‌رنگ‌تر دارند.

۲-۴) تحلیل کمی پیشران‌ها

در گام دوم پژوهش پیشران‌ها در سه حوزه قابل‌بررسی و تحلیل آماری هستند، در ابتدا می‌توان پیشران‌ها را از لحاظ درجه اهمیت تحلیل کرد. لازم به ذکر است که علاوه بر شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها و جلسات هم‌اندیشی، تعدادی از اساتید دانشگاه، دانشجویان دکتری و برخی مسئولان و برنامه‌ریزان عالی‌رتبه در معرض یافته‌ها قرار داده شدند و از آن‌ها خواسته شد که پیشران‌های به دست آمده ملی را در پنج حوزه اصلی به لحاظ درجه اهمیت، درجه تأثیرگذاری و اهمیت و احتمال وقوع اولویت‌گذاری کنند که این نتایج با امتیازدهی ۲۵ نفر از این افراد واجد شرایط تحلیل کمی شده‌اند.

- تحلیل کمی پیشران‌ها بر اساس درجه اهمیت

در این مرحله از پژوهش همه ۵۶ پیشران تشکیل‌دهنده سیاست‌گذاری توسعه شناسایی شده در پنج حوزه

مشخص در معرض نخبگان، مدیران و اساتید دانشگاه قرار گرفته که بر اساس آن پیشران‌های شناسایی شده نمره‌گذاری و اولویت‌بندی می‌شوند؛ بنابراین برای شناسایی و تحلیل پیشران‌هایی که روندهای آتی حاکم بر سیاست‌گذاری توسعه را شکل می‌دهند، از روش تحلیل پیشران بهره‌گیری شده است. با این روش به‌ویژه می‌توان تعامل بین پیشران‌ها را موردبررسی دقیق قرار داده و بدین طریق پیشران‌هایی اصلی که شکل دهنده آینده هستند، را تشخیص داد. همه پیشران‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری توسعه در کشور در بعد ملی و در ۵ حوزه اصلی و ۲۵ حوزه فرعی شناسایی شده‌اند. در این بخش از پژوهش یافته‌های حاصل از تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده در نشست‌های هم‌اندیشی خبرگان علمی و دانشگاهی توسعه در کشور بررسی و تحلیل می‌شود.

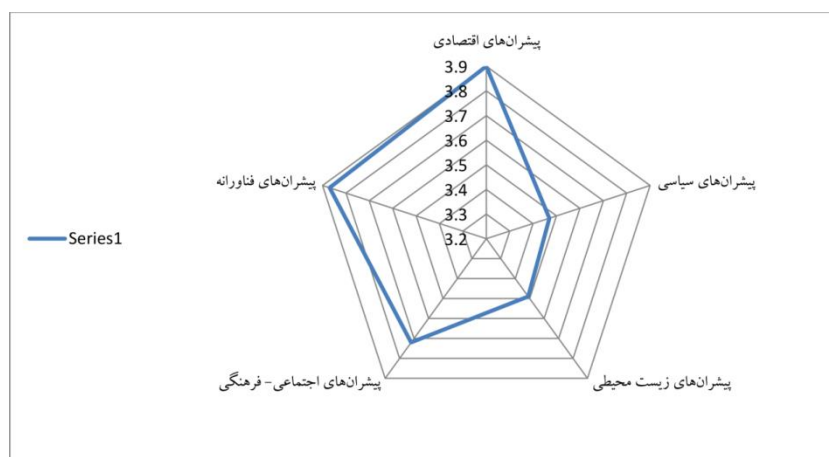
- تحلیل درجه اهمیت پیشران‌ها

به‌منظور شناسایی میزان اهمیت هر یک از پیشران‌ها، پرسشنامه‌هایی طراحی و در هم‌اندیشی خبرگان علمی و دانشگاهی توزیع شد. در این پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود تا درجه اهمیت هر پیشران را با امتیازدهی از ۱ تا ۵ مشخص کنند. جدول زیر، رتبه‌بندی پیشران‌ها را بر اساس درجه اهمیت این پیشران‌ها برای توسعه را نشان می‌دهد.

جدول (۱): رتبه‌بندی پیشران‌ها بر اساس درجه اهمیت در سیاست‌گذاری توسعه کشور

ردیف	پیشران‌های ملی	میانگین
۱	پیشران‌های اقتصادی	۳/۹۰
۲	پیشران‌های فناورانه	۳/۸۷
۳	پیشران‌های اجتماعی- فرهنگی	۳/۷۲
۴	پیشران‌های زیست‌محیطی	۳/۴۹
۵	پیشران‌های سیاسی	۳/۴۷

همان‌طور که مشاهده می‌شود، پیشران‌های کلی در بعد ملی بر اساس اهمیت رتبه‌بندی شده‌اند و در بعد ملی با اهمیت‌ترین پیشران‌ها به ترتیب شامل؛ پیشران‌های اقتصادی، پیشران‌های فناورانه، پیشران‌های اجتماعی- فرهنگی، پیشران‌های زیست‌محیطی و پیشران‌های سیاسی بوده‌اند؛ به عبارت دیگر در بعد ملی مسائل اقتصادی و فنی بسیار مهم‌تر از مسائل اجتماعی و سیاسی هستند. علاوه بر نمودار فوق رتبه‌بندی این پیشران‌ها برای تحلیل بهتر در نمودار راداری به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۷: نمودار راداری درجه اهمیت سیاست‌گذاری‌های توسعه ایران

نمودار راداری تصویری جامع‌تر از گرایش‌های سیاست‌گذاری را نشان می‌دهد که بر اساس آن در حوزه ملی گرایش به سمت اقتصاد و در سطح فراملی به سمت سیاست تمایل دارد. علاوه بر تحلیل کلی پیشران‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری توسعه ایران می‌توان هر کدام از مؤلفه‌های پیشران‌های کلی را نیز تحلیل کرد. بر همین اساس در ادامه همه پیشران‌ها به ترتیب بیشترین درجه اهمیت تحلیل شده‌اند. یافته‌های حاصل از تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده در نشست‌های هم‌اندیشی پیشران‌های با اهمیت در سیاست‌گذاری توسعه بررسی و تحلیل می‌شود. رتبه‌بندی پیشران‌ها را بر اساس درجه اهمیت آن‌ها در جدول زیر مشخص شده‌اند.

جدول (۲): رتبه‌بندی همه پیشران‌های با اهمیت در سیاست‌گذاری توسعه

رتبه‌بندی پیشران‌های با اهمیت	میانگین
دیدهبانی و اندازه‌گیری توسعه	۴.۱۲۰۰
لغو حمایتگری اقتصادی	۴.۰۴۰۰
لغو حمایتگری فرهنگی	۴.۰۴۰۰
گسترش حاکمیت علم	۴.۰۴۰۰
استقلال نهاد آموزش عالی	۴.۰۴۰۰
تمرکز بر آموزش و پرورش	۳.۹۶۰۰
شمول اجتماعی	۳.۹۲۰۰
سیاست‌گذاری کنترل جمعیت	۳.۸۸۰۰
جلب مشارکت همگانی	۳.۸۰۰۰
توسعه نقد افقی	۳.۷۶۰۰

۳.۷۲۰۰	توسعه علم و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز
۳.۷۲۰۰	گفتگوی ملی برای توسعه
۳.۶۰۰۰	سیاست‌گذاری توسعه شهری
۳.۶۰۰۰	جلوگیری از آلودگی صنعتی
۳.۶۰۰۰	پذیرش فناوری
۳.۶۰۰۰	ایجاد چشم‌انداز مشترک
۳.۵۶۰۰	گردشگری برای توسعه ایران
۳.۵۲۰۰	تصمیم‌گیری متفکرانه
۳.۴۸۰۰	سطح دسترسی به انرژی پاک
۳.۴۸۰۰	سیاست‌گذاری آمایش سرزمین
۳.۴۸۰۰	رفع فقر و نابرابری
۳.۴۴۰۰	تغییر رفتار کنشگران فردی
۳.۴۰۰۰	سازگاری و انعطاف‌پذیری با تغییرات اقلیمی
۳.۳۶۰۰	پیاده‌سازی سیاست‌های تدوین شده
۳.۲۴۰۰	تقویت جامعه مدنی

رتبه‌بندی همه پیشران‌های با اهمیت در سیاست‌گذاری توسعه ایران از مسائل مهمی و با اهمیت شروع شده و به مسائل کم اهمیت‌تر می‌رسد. این رتبه‌بندی و شیوه نمره‌گذاری عموماً بر اساس تجمیع آرای ۲۵ نفر از پاسخگویان انجام گرفته و طبیعتاً اضافه کردن تعداد افراد دیگر به این تحلیل‌ها بر روی میانگین‌ها تأثیر می‌گذارد و ممکن است پیشران‌ها را بالاتر یا پایین‌تر نشان دهند؛ اما آنچه از شواهد امر بر می‌آید در حوزه ملی مسائل فنی، اقتصادی و مدیریتی درجه اهمیت بالاتری نسبت به مسائل زیست‌محیطی دارند. بی‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی توسط مسئولان و سیاست‌گذاران همواره یکی از چالش‌های توسعه‌یافتگی کشور بوده است. بر این اساس امروزه اساسی‌ترین مسائل توسعه‌ای کشور توسط کسانی دنبال شده است که توسعه را در تخریب بیشتر محیط‌زیست دیده‌اند.

- تحلیل درجه اثرگذاری پیشران‌ها

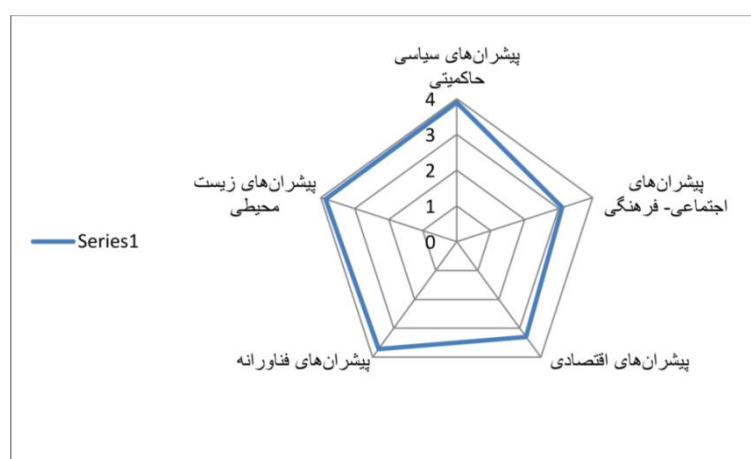
بخش مهمی از تحلیل پیشران‌ها به تحلیل درجه اثرگذاری اختصاص دارد. این مورد که یک پیشران اثرگذاری بالا یا پایینی دارد، به آرای نخبگان این حوزه بستگی دارد و این نخبگان از بین ۲۵ پیشران اصلی به لحاظ تأثیرگذاری نتایج متفاوتی از درجه اهمیت داشته‌اند. به‌منظور شناسایی میزان تأثیرگذاری هر یک از پیشران‌ها، پرسشنامه‌هایی طراحی و در هم‌اندیشی خبرگان علمی و دانشگاهی توزیع شده است. در این پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان خواسته شده تا درجه تأثیرگذاری هر پیشران را با امتیازدهی از ۱ تا ۵ مشخص

کنند. جدول زیر، رتبه‌بندی پیشران‌ها را بر اساس درجه تأثیرگذاری این پیشران‌ها برای توسعه را نشان می‌دهد.

جدول (۳): رتبه‌بندی پیشران‌ها بر اساس درجه اثرگذاری در سیاست‌گذاری توسعه کشور

ردیف	پیشران‌های ملی	میانگین
۱	پیشران‌های سیاسی حاکمیتی	۳/۹۰
۲	پیشران‌های زیست‌محیطی	۳/۸۶
۳	پیشران‌های فناورانه	۳/۷۲
۴	پیشران‌های اقتصادی	۳/۳۰
۵	پیشران‌های اجتماعی-فرهنگی	۳/۰۹

همان‌طور که مشاهده می‌شود، پیشران‌های کلی در بعد ملی بر اساس درجه تأثیرگذاری رتبه‌بندی کرده‌اند و در بعد ملی تأثیرگذارترین پیشران‌ها به ترتیب شامل؛ پیشران‌های سیاسی حاکمیتی، پیشران‌های زیست‌محیطی، پیشران‌های فناورانه، پیشران‌های اقتصادی و پیشران‌های اجتماعی-فرهنگی بوده‌اند؛ به عبارت دیگر در بعد ملی مسائل سیاسی و زیست‌محیطی بسیار مهم‌تر از مسائل اجتماعی و اقتصادی هستند. در ادامه تحلیل این پیشران‌ها برای تحلیل بهتر در نمودار راداری به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۸: نمودار راداری درجه تأثیرگذاری سیاست‌گذاری‌های توسعه ایران

نمودار راداری تصویری جامع‌تر از گرایش‌های سیاست‌گذاری با درجه تأثیرگذاری را نشان می‌دهد که بر اساس آن در حوزه ملی و فراملی گرایش به سمت پیشران‌های سیاسی است. در بین ۲۵ پیشران شناخته شده رتبه‌بندی کلی آن‌ها بر اساس تأثیرگذاری از بیشترین تا کمترین درجه‌بندی شده‌اند.

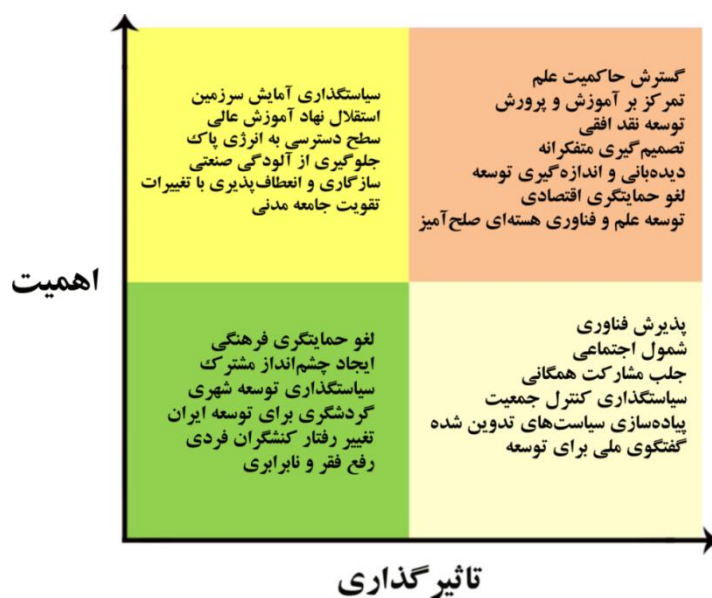
جدول (۴): رتبه‌بندی همه پیشران‌های مؤثر در سیاست‌گذاری توسعه

رتبه‌بندی پیشران‌های مؤثر	میانگین
تصمیم‌گیری متفکرانه	۴۰۸۰۰
تمرکز بر آموزش و پرورش	۳۹۶۰۰
گسترش حاکمیت علم	۳۹۶۰۰
سیاست‌گذاری آمایش سرزمین	۳۹۶۰۰
تقویت جامعه مدنی	۳۹۶۰۰
سطح دسترسی به انرژی پاک	۳۹۲۰۰
توسعه نقد افقی	۳۹۲۰۰
سازگاری و انعطاف‌پذیری با تغییرات اقلیمی	۳۸۴۰۰
توسعه علم و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز	۳۸۰۰۰
جلوگیری از آلودگی صنعتی	۳۷۲۰۰
پیاپی‌سازی سیاست‌های تدوین شده	۳۶۴۰۰
پذیرش فناوری	۳۵۲۰۰
لغو حمایت‌گری اقتصادی	۳۵۲۰۰
دیدهبانی و اندازه‌گیری توسعه	۳۴۸۰۰
استقلال نهاد آموزش عالی	۳۴۰۰۰
جلب مشارکت همگانی	۳۲۸۰۰
گفتگوی ملی برای توسعه	۳۲۴۰۰
ایجاد چشم‌انداز مشترک	۳۲۰۰۰
شمول اجتماعی	۳۲۰۰۰
سیاست‌گذاری کنترل جمعیت	۳۱۶۰۰
سیاست‌گذاری توسعه شهری	۳۱۲۰۰
تغییر رفتار کنشگران فردی	۳۰۰۰۰
گردشگری برای توسعه ایران	۲۹۲۰۰
رفع فقر و نابرابری	۲۸۸۰۰
لغو حمایت‌گری فرهنگی	۲۸۰۰۰

رتبه‌بندی همه پیشران‌های مؤثر در سیاست‌گذاری توسعه ایران از مسائل مهم و مؤثری شروع شده و به مسائل با تأثیرگذاری کمتر می‌رسد. در حوزه تأثیرگذاری مسائل سیاسی نقش پررنگتری دارند. از نظر توصیف دقیق‌تر توجه به ده پیشران اول نیز دارای اطلاعات توصیفی جالبی است. از بین ۲۵ پیشران شناسایی شده مؤثر بر سیاست‌گذاری توسعه ده پیشران دارای میانگین بالاتری نسبت به بقیه هستند؛ که در جدول فوق مشخص هستند.

تحلیل ماتریسی تأثیرگذاری و اهمیت

در توصیف و تحلیل کمی پیشران‌ها ارائه ماتریسی دوگانه از میزان تأثیرگذاری و اهمیت پیشران‌ها یک ضرورت کاربردی است و بر همین اساس با تفاسیر میانگین‌ها و ضرایب انحراف معیار ماتریسی چهار وجهی از تأثیرگذاری بالا و اهمیت بالا، تأثیرگذاری پایین و اهمیت بالا، تأثیرگذاری بالا و اهمیت پایین و تأثیرگذاری پایین و اهمیت پایین از ۲۵ پیشران توزیع شده‌اند که براساس میانگین‌های آن‌ها توزیع پراکندگی در این ماتریس چهارگانه به دست آمده است.



شکل ۳: نمایش پیشران‌ها بر اساس اهمیت و تأثیرگذاری

راهنمای نمودار:	
■	تأثیرگذاری بالا و اهمیت بالا
■	تأثیرگذاری پایین و اهمیت بالا
■	تأثیرگذاری بالا و اهمیت پایین
■	تأثیرگذاری پایین و اهمیت پایین

این ماتریس حامل پیام‌های متعددی برای سیاست‌گذاری در حوزه توسعه کشور است و براساس آن می‌توان برنامه‌ریزی‌های کاربردی را انجام داد. پیشران‌های (گسترش حاکمیت علم، تمرکز بر آموزش و پرورش، توسعه نقد افقی، تصمیم‌گیری متفکرانه، دیدهبانی و اندازه‌گیری توسعه، لغو حمایتگری اقتصادی و توسعه علم و فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز) جزو پیشران مهمی هستند که در زمینه تأثیرگذاری و

درجه اهمیت دارای امتیاز بالایی بوده‌اند و همزمان هم میزان اهمیت بالای دارند و هم درجه اثرگذاری آن‌ها بسیار بالاست. ناگفته پیداست که روند توسعه کشور باید بر چنین پیشران‌هایی متمرکز باشد. در قسمت دیگر ماتریس وضعیت پیشران‌ها از لحاظ تأثیرگذاری پایین و اهمیت بالا بررسی و تحلیل شده است. در چنین موقعیتی این گروه از پیشران‌ها ضمن داشتن تأثیرگذاری پایین، اما از لحاظ اهمیت دارای درجه اهمیت بالایی هستند. این پیشران‌ها شامل (سیاست‌گذاری آمایش سرزمین، استقلال نهاد آموزش عالی، سطح دسترسی به انرژی پاک، جلوگیری از آلودگی صنعتی، سازگاری و انعطاف‌پذیری با تغییرات اقلیمی و تقویت جامعه مدنی) هستند. این پیشران‌ها شاید تأثیرگذاری پایینی داشته باشند، اما در روند توسعه دارای اهمیت بالایی هستند.

در قسمت دیگر ماتریس وضعیت تأثیرگذاری بالا و اهمیت پایین وجود دارد. در این موقعیت پیشران‌های تأثیرگذاری شناسایی شده که از لحاظ اهمیت، درجه اهمیت کمتری در مقایسه با سایر پیشران‌ها دارند. این موارد شامل پیشران‌های (پذیرش فناوری، شمول اجتماعی، جلب مشارکت همگانی، سیاست‌گذاری کنترل جمعیت، پیاده‌سازی سیاست‌های تدوین شده و گفتگوی ملی برای توسعه) هستند. تأثیرگذاری بالای این پیشران‌ها این امکان را به وجود می‌آورد که با برنامه‌ریزی برای مسائل تأثیرگذار، توسعه روند شتابان‌تری به خود می‌گیرد.

در نهایت در قسمت چهارم ماتریس تأثیرگذاری پایین و اهمیت پایین وجود دارد که به نسبت سایر پیشران‌ها دارای اثرگذاری ضعیفی هستند، البته این به منزله بی اهمیت بودن این مسائل نیست، اما در کل در رتبه‌بندی و در مقایسه با بقیه پیشران‌ها جایگاه نازل‌تری را در رتبه‌بندی به خود اختصاص داده‌اند. این پیشران‌ها شامل (لغو حمایتگری فرهنگی، ایجاد چشم‌انداز مشترک، سیاست‌گذاری توسعه شهری، گردشگری برای توسعه ایران، تغییر رفتار کنشگران فردی و رفع فقر و نابرابری) هستند. به‌طور کلی همه ۲۵ پیشران شناسایی شده مسائل مهمی برای توسعه کشور هستند، اما رتبه‌بندی آن‌ها از اهمیت آن‌ها در مسائل توسعه‌ای کشور نمی‌کاهد و صرفاً یک نمره‌دهی مقایسه‌ای بوده است. نکته قابل تأمل این پژوهش رتبه‌بندی این پیشران‌ها در گروه‌های کانونی متعدد است که می‌توان چند جامعه متفاوت را از لحاظ امتیازدهی به این پیشران‌ها باهم مقایسه کرد تا نظرات مختلف را در مورد مسائل توسعه‌ای کشور به بحث گذاشت.

۵) نتیجه‌گیری

بدون اغراق مسئله توسعه در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک پدیده مادر در ارتباط با سایر پدیده‌هاست و نبود آن، دلیل و بستر اصلی همه مسائل و مشکلات کشورها قلمداد می‌شود. در ایران فقدان توسعه‌یافتگی به‌طور مستقیمی به مسائل کلانی مانند بیکاری، مهاجرت، تورم، رکود اقتصادی، آسیب‌های زیست‌محیطی و حتی آسیب‌های اجتماعی دامن زده است. از این رو به‌عنوان یک اقدام زیربنایی برای حل این مسائل توجه

به توسعه و زمینه‌سازی بروز آن، مهم‌ترین سیاست‌گذاری در سطح خرد و کلان خواهد بود. همان‌طور که در بخش‌های مختلف پژوهش اشاره شد، مسئله توسعه سال‌ها جزو مسائل درجه اول کشور بوده که با صرف هزینه‌ها و انرژی‌های زیادی برای آن، نتایج مطلوبی حاصل نشده است؛ بنابراین اتخاذ رویکردی معطوف به آینده نه تنها یک ضرورت کاربردی، بلکه ضرورتی پژوهشی نیز خواهد بود. در این مسیر مطالعه پیشران‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری توسعه در ایران مسائلی را روشن کرده که در پژوهش‌های گذشته به‌ندرت به جزئی‌ترین موارد آن‌ها اشاره شده است. این پژوهش با اتکا بر گزارش‌های معتبر داخلی و خارجی، مطالعه پژوهش‌های موجود و ادبیات نظری، انجام مصاحبه‌های عمیق و جلسات هم‌اندیشی مواردی را در پنج حوزه مشخص برای نیل به سیاست‌گذاری موفق توسعه برشمرده است که بسیار قابل تأمل هستند. هرچند در راستای سیاست‌گذاری توسعه نقش مسائل خارجی و فراملی غیرقابل انکار است؛ اما تمرکز اصلی بر پیشران‌های ملی به نتایجی منتج شده که به‌طور معناداری شتاب‌دهنده یا بازدارنده توسعه کشور بوده‌اند. با تأمل بیشتر در این پیشران‌ها می‌توان به‌طور مشخصی دلایل عدم توسعه‌یافتگی را شناسایی کرد و یا برای نیل به توسعه با تمرکز بر این یافته‌ها و رعایت موارد مرتبط به روند توسعه شتاب بخشید. از آنجایی که پیشران‌ها موتور حرکت به‌سوی آینده هستند، بنابراین این مسیریابی از طریق آینده‌پژوهی بهتر عمل می‌کند. از طرفی هم وضعیت ایران در حال حاضر جدالی تمام‌نشانی بین توسعه‌خواهان و مخالفان توسعه در وضعیتی نابرابر است. چراکه بخش مهمی از دلایل توسعه‌نیافتگی به موانع توسعه در جوامع برمی‌گردد که بیشتر بازیگران توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. میزان قدرت موافقان و مخالفان توسعه هر کشوری تعیین‌کننده سطح توسعه‌یافتگی و عدم توسعه جوامع هستند. در بیشتر کشورهای در حال توسعه نخبگان توسعه‌خواه نه تربیون تأثیرگذار و نه قدرت سیاسی و اجرایی آنچنانی دارند که بتوانند بر توسعه جوامع اثرگذاری داشته باشند. میزان تأثیرگذاری ناچیز این نخبگان عموماً در مجامع علمی و دانشگاهی بوده و از مسیر جامعه و نظام حاکمیتی به دور بوده‌اند. شاخصه غالب کشورهای در حال توسعه حضور مخالفان پر قدرت توسعه بوده که نقش تاریخی خود را در روند توسعه جوامع برجای گذاشته‌اند و همه اقدامات آن‌ها در راستای جریان ضد توسعه بوده است. چراکه توسعه جوامع در تضاد با منافع شخصی آن‌ها بوده است؛ بنابراین توسعه مورد نیاز برای جوامع نه یک هدف، بلکه باید جریانی همگانی و عمومی باشد، که در آن نفع عمومی مقدم بر نفع شخصی گردد. در همین ارتباط برخی از متفکران معاصر رویکردی انسانی و اخلاقی مانند آزادی و گسترش توانمندی‌ها برای زندگی انسانی، اخلاقی و کرامت‌محور موتور توسعه جوامع در نظر می‌گیرند و تجربه توسعه در سطح جهانی نشانگر آن است که هیچ کشوری نتوانسته است بدون اتکا به این ابزارها مسیر موفقیت را در پیش گیرد. البته تجربه توسعه در بسیاری از کشورها متفاوت بوده و بازیگران متفاوتی نیز بار توسعه جوامع را به دوش کشیده‌اند؛ اما در مهم‌ترین تجربه باید دست دخالت‌های دولتی در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای را کوتاه کرد و توسعه را

باید در بطن جوامع برانگیخت. همچنین بازیگران توانا برای توسعه را میدان داده تا آن‌ها در عرصه عمل پشتیبانی کرد. بر این مبنا توسعه نیازمند داشتن بینش و افق روشن است، نوعی نقشه و داشتن طرح و برنامه برای حرکت از نقطه الف به نقطه ب را محقق کند. در این پژوهش مشخص شد برای نیل به توسعه پیشران‌هایی در بعد ملی ظرفیت توسعه را در کشور ایجاد می‌کنند. این پیشران‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فنی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی هستند که به لحاظ درجه اثرگذاری به ترتیب پیشران‌های سیاسی حاکمیتی، پیشران‌های زیست‌محیطی، پیشران‌های فناورانه، پیشران‌های اقتصادی و درنهایت پیشران‌های اجتماعی-فرهنگی وجود دارند، اما بر اساس درجه اهمیت به ترتیب، مسائل اقتصادی، فنی اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی و نهایتاً پیشران‌های سیاسی در اولویت هستند.

References

- Aboal, D.; Crespi, G., & Perera, M. (2020). *How effective are cluster development policies?* Evidence from Uruguay, *World Development Perspectives*, Volume 18, June 2020, 100196; <https://doi.org/10.1016/j.wdp.2020.100196>
- Azkia, M. (2011). *An introduction to the sociology of rural development*, Tehran: Information Publications (in Persian).
- Azkia, M., & Ghafari, Gh. (2017). *Sociology of Development*, Tehran: Kayhan Publishing Company (in Persian).
- Badie, B. (2013). *Political development*, translation: Ahmad Naqibzadeh, Tehran: Qoms Publishing House, 7th edition (in Persian).
- Beheshti, M. B. (2008). *Economic Development of Iran*, Tabriz: Tabriz University Press, second edition (in Persian).
- Campbell, E. J.; Olstad, D. L.; Spence, J. C.; Storey, K. E., & Nykiforuk, C. I. (2020). *Policy-influencer perspectives on the development, adoption, and implementation of provincial school-based daily physical activity policies across Canada: A national case study*. *SSM-Population Health*, 11, 100612.
- Costells, M. (2001). *The age of information, the emergence of a networked society*, translated by: Ahad Aliqlian and Afshin Khakbaz, edited by: Ali Paya, Tehran: New Design Publications, (in Persian).
- De Toni, A.; Vizzarri, M.; Di Febbraro, M.; Lasserre, B.; Noguera, J., & Di Martino, P. (2020). *Aligning Inner Peripheries with rural development in Italy: Territorial evidence to support policy contextualization*, *Land Use Policy*, Volume 100, January 2021, 104899; <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104899>.
- Eyder, N., & Hakiminya, B. (2018). Investigation of social and cultural factors affecting the process of sustainable urban development in Ahvaz city. *Iranian Social Development Studies*, 11. 3(43): 89-105 (in Persian).
- Ghafariard, M. (2018). Investigating the policy process of development and regional balance during development programs in Iran and providing basic

strategies, *Quarterly Journal of Strategic Public Policy Studies*, 9(30): 21-41 (in Persian).

Godarzvand Chegini, M. (2014). *Sustainable Development; Indicators and politics*, scientific research quarterly of global politics, fourth term, second issue, summer 2014; Page 216-237 (in Persian).

Gorbenkova, E.; Shcherbina, E., & Belal, A. (2018). Rural Areas: Critical Drivers for Sustainable Development, *IFAC-PapersOnLine*, 51(30), 2018, Pages 786-790; <https://doi.org/10.1016/j.ifacol.2018.11.195>.

Hamzapour, A. (2009). The concept and essence of the Islamic-Iranian model of progress, the specialized quarterly magazine Daulat-e-Islami, numbers 7 and 8, spring and summer 2018. (in Persian).

Ilin, I.; Kalinina, O.; Iliashenko, O., & Levina, A. (2016). *Sustainable Urban Development as a Driver of Safety System Development of the Urban Underground*, *Procedia Engineering*, Volume 165, 2016, Pages 1673-1682; <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2016.11.909>.

Katz-Gerro, T. (2015). *Introduction—Cultural policy and the public funding of culture in an international perspective*. *Poetics*, 49, 1–4. doi: 10.1016/j.poetic.2015.02.006

Kawashima, N. (2015). Cultural Policies in East Asia. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 453–459. doi:10.1016/b978-0-08-097086-8.10437

Lane, J.; Andrews, G.; Orange, E.; Brezak, A.; Tanna, G.; Lebesse, L.; Carter, T.; Naidoo, E.; Levendal, E., & Katz, A. (2020). Strengthening health policy development and management systems in low- and middle- income countries: South Africa's approach, *Health Policy OPEN*, Available online 1 August 2020, 100010; In Press, Uncorrected Proof, <https://doi.org/10.1016/j.hpopen.2020.100010>.

Leger, A.; Oueslati, W., & Salanié, J. (2013). Public tendering and green procurement as potential drivers for sustainable urban development: Implications for landscape architecture and other urban design professions, *Landscape and Urban Planning*, Volume 116, August 2013, Pages 13-24; <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2013.04.005>

Madirov, E. (2015). Scientific Discoveries as Drivers for Sustainable Development of a Region, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 188, 14 May 2015, Pages 202-205; <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.03.373>

Meijer, L.L.J.; Huijben, J.C.C.M.; Boxstael, A., & Romme, A.G.L. (2019). Barriers and drivers for technology commercialization by SMEs in the Dutch sustainable energy sector, *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, Volume 112, September 2019, Pages 114-126; <https://doi.org/10.1016/j.rser.2019.05.050>

Mosalanejad, A. (2015). Strategic Planning and Development Policy in the Eastern Mediterranean, *Public Policy Quarterly*, 2(1): 29-50. doi: 10.22059/ppolicy.2016.58581 (in Persian).

Motheghi, A. (2016). *Political economy of development and underdevelopment*, Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute (in Persian).

Mwanza, B.G., & Mbohwa, Ch. (2017). Drivers to Sustainable Plastic Solid Waste Recycling: A Review, *Procedia Manufacturing*, Volume 8, 2017, Pages 649-656; <https://doi.org/10.1016/j.promfg.2017.02.083>

Navabakhsh, M., & Arjamandsiahposh, I. (2009). *Basics of sustainable urban development*, Tehran: Sociologists Publications, (in Persian).

Oleynikova, E., & Zorkin, Y. (2016). Social Commerce as a Driver of Sustainable Development of the Information Economy of the City, *Procedia Engineering*, Volume 165, 2016, Pages 1556-1562; <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2016.11.893>

Radcliffe, M. (2004). *Sustainable development*, translated by: Hossein Nair, Tehran: Publications of Center for Agricultural Economics and Planning Studies (in Persian).

Roeder, I.; Severengiz, M.; Stark, R., & Seliger, G. (2017). *Open Educational Resources as a Driver for Manufacturing-related Education for Learning of Sustainable Development*, *Procedia Manufacturing*, Volume 8, 2017, Pages 81-88; <https://doi.org/10.1016/j.promfg.2017.02.010>

Samiei Esfahani, A., & Habibi, F. (2014). Post-development theory and model of resistance economy in the Islamic Republic of Iran; A comparative approach, *Basij Strategic Studies*, Volume 18, Number 67, Serial Number 2, Summer 2014, Pages 51-73 (in Persian).

Sher, A.; Abbas, A.; Mazhar, S.; Azadi, H., & Lin, G. (2020). Fostering sustainable ventures: Drivers of sustainable start-up intentions among aspiring entrepreneurs in Pakistan, *Journal of Cleaner Production*, Volume 262, 20 July 2020, 121269; <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.121269>

Stojanov, R.; Bureš, O., & Duží, B. (2017). *Migration and development policies: The state of affairs before the 2015 European migration crises in the Czech Republic and its current implications*, *Communist and Post-Communist Studies*, Volume 50, Issue 3, September 2017, Pages 169-181; <https://doi.org/10.1016/j.postcomstud.2017.06.002>

Todaro, M. (2011). *Economic development in the third world*, translator: Farjadi, Gholam Ali, Tehran: Publications of the Program and Budget Organization (Center for Economic, Social and Publication Documents) (in Persian).

United Nations Development Program. (2002). *World Summit on Sustainable Development (WSSD)*. 26 August-4 September, Johannesburg. <https://www.un.org/en/conferences/environment/johannesburg 2002>.

Vadiee, S.; Keshani, S., & Rajabaloo, J. (2016). World system theory in Wallerstein's thoughts and opinions. *Social Research*, 9(37), 47-63 (in Persian).



Research Article

Vol. 30, No. 1, 2023, p. 39 - 66



An Analysis of Regional Poverty and Factors Affecting it in Developed and Developing Countries

S. Motaghi^{1*}, R. Gholami Avati², S. Talei Ardakani³, S. Ebrahimi⁴

1- Associate Professor, Department of Economics, Payam-e- Noor University. Tehran, Iran.
(0000-0001-8527-4355)

2- Assistant Professor, Department of Management, Payam-e- Noor University. Tehran, Iran

3- Instructor, Department of Economics, Ardakan University, Ardakan, Iran

4- Department of Economics, Chamran University, Ahvaz, Iran

(*- Corresponding Author Email: samira.motaghi@pnu.ac.ir)

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.79302.1147>

Received: 2022/10/22	How to cite this article: Motaghi, S.; Gholami Avati, R.; Talei Ardakani, S & Ebrahimi, s. (2023). An Analysis of Regional Poverty and Factors Affecting it in Developed and Developing Countries. <i>Economics and Regional Development Journal</i> . 30(1): 39-66. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2023.79302.1147
Revised: 2023/07/19	
Accepted: 2023/09/27	
Available Online: 2023/09/27	

1- INTRODUCTION

The adverse economic, social and political consequences of poverty have prompted governments to put improving the condition of the poor at the top of their priorities. Therefore, proper understanding of poverty and the factors affecting it has importance. But the important issue in this regard is the various definitions related to poverty, which are different depending

on different approaches, including its regionality, and this issue creates the mentality that whether the phenomenon of poverty (for example, based on this approach) is actually. It is a regional and geographical category, in other words, the factors affecting poverty are different in different developed and developing regions (depending on the geographical situation of that region), or is poverty an international phenomenon and the factors affecting it are the same everywhere?

2- THEORETICAL FRAMEWORK

One of the basic issues of recent societies, which is a serious obstacle to development and progress, is poverty, which according to the 2030 report on sustainable development of the United Nations, its elimination is considered one of the 17 primary goals of sustainable development). Poverty is a major concern for policy makers; because its occurrence is directly related to the well-being of the population. In addition in economic aspects, the poverty situation in any society is also important in political and social dimensions, and any economic approach to poverty will inevitably have political and social consequences. Despite extensive studies on poverty, there is still no prevailing consensus on the main factors affecting poverty. Poverty has been looked at from an economic point of view and has attributed only economic approaches to itself in such a way that its main concept is only the lack of individual and household income compared to basic living standards. But this concept, since 1981, with the definition of poverty by the World Bank as the loss of an opportunity and not getting another opportunity as an alternative, including life, social, economic conditions, etc., took on a different definition. In Sen's initial studies in 1982 and 1985, Sen proposed the concept of poverty in a more complete way, according to which, poverty is not only a lack of income, but also the lack of a fixed set of people's life capabilities, which some how. Deprivation refers and of course deprivation itself is a relative concept whose meaning is different in different places and times. Therefore, with a deeper insight into poverty, this category includes all types of deprivation, including economic, social, political, cultural, etc. The aforementioned

deprivations are different, the poverty situation is also different in different societies.

3- METHODOLOGY

In this article, poverty and the factors affecting it have been investigated in different developed and developing regions and according to different geographical conditions. The method used in this research, in order to provide comparative models, is the ARDL panel method and the software used is Eviews 9, and the research data is extracted from the World Bank. The study areas include 30 countries (15 countries in the developing regions of the Middle East and North Africa and 15 countries in the developed regions of Europe and Central Asia). First, this study examines the impact of factors affecting poverty in macro and at the level of developed and developing regions. Then, by analyzing the impact of each region on poverty, it examines the issue of what effect does the geography of the region have on poverty? And is poverty in the regions a function of the geographical situation or not? In other words, are the factors affecting poverty different in different regions (depending on the geographical situation of that region) or is poverty an international phenomenon and the factors affecting it are the same everywhere in the world?

The model used in this research, according to the theoretical foundations and based on the model of Dano-Andonso and Sylvester (2016), is as follows:

$$Pov_{it} = \beta_{it} + \beta_1 Fd_{it} + \beta_2 GDP_{it} + \beta_3 X_{it} + \varepsilon_{it}$$

POV_{it}: poverty index of region i in time period t (in the current research, the percentage of people with a daily income of less than 1.9 dollars is known as poverty index); FDI_{it}: financial development index of region i in time period t (CPIA financial development index is proposed as this index); GDP_{it}: GDP growth rate (in terms of purchasing power parity) of region i in time period t, which indicates the wealth level of the studied region; X_{it}:

control variables of region i in time period t , which include inflation rate (INF), trade ratio (sum of exports + imports) to GDP (TRADE) and UE: unemployment rate; Therefore, the final model will be as follows:

$$Pov_{it} = \beta_{it} + \beta_1 Fd_{it} + \beta_2 GDP_{it} + \beta_3 Inf_{it} + \beta_4 Trade_{it} + \beta_5 Une_{it} + \varepsilon_{it}$$

4- RESULTS & DISCUSSION

Based on the results, it is clear that in the developing countries of the Middle East and North Africa, the coefficients of all the variables except the financial development variable have a high significance, so that the unemployment rate variable has a coefficient of (0.153) at the level of 5% and the gross production growth rate variables. Domestic with coefficient (-0.285), trade to GDP ratio variable with coefficient (-0.058) and inflation rate with coefficient (0.241) are significant at 1% level. On the other hand, in the developed countries of Europe and Central Asia, the coefficients of all variables except the unemployment rate variable are significant, so that the financial development variable with the coefficient (-0.213), GDP growth rate variable with coefficient (-0.213). The variable of trade to GDP ratio with coefficient (-0.117) and inflation rate with coefficient (0.098) is significant at 10% level. According to the results obtained for the countries of developing and developed regions, it is clear that:

The estimated models are significant and the results related to most of their coefficients are also highly significant. Only the financial development variable in the developing countries of the Middle East and North Africa is meaningless, which indicates that the financial development index has no effect on poverty in less developed regions. From another point of view, the reason for the meaninglessness of this index can be seen in the underdevelopment or in a better way, the inefficiency of the financial sector in the Middle East and North Africa regions. The signs of all the coefficients related to the independent variables of inflation rate, international trade, GDP growth, financial development and unemployment are the same in all models, except for the models in which the index is not significant. In other words, the increase in inflation and unemployment in

both developed and developing regions (regardless of the geographical situation) increases the level of poverty; Meanwhile, improving financial development, economic growth and international trade reduces poverty. In the context of the error correction relationship, the value of the estimated ECM coefficient is higher for the group of developed countries. In other words, if there is a shock to poverty, it will return to its long-term trend faster in mainly developed countries than in less developed countries. This issue is probably due to more economic stability in countries with a higher level of development than in less developed countries.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

The variables of economic growth, international trade, inflation, unemployment and financial development are the most important factors affecting the poverty index in developing and developed countries. However, the indicators of inflation and unemployment increase the level of poverty and the improvement of financial development, economic growth and international trade reduces poverty. Meanwhile, the negative effect of the economic growth coefficient on poverty, in both groups of developing and developed countries, indicates the confirmation of Stiglitz's trickle-down effect theory that economic development reduces poverty, and it is suggested that economic development and increased production growth The country has increased the wealth of the rich and in this process, a part of their wealth increase is gradually transferred to the poor. For example, as the wealth of the rich increases, the demand for production factors, especially the labor force of the poor, increases, and as employment increases and unemployment decreases, poverty decreases (the direct relationship between the unemployment rate and poverty also confirms this importance). The variables of economic growth, unemployment and inflation have had the greatest impact on poverty in different regions. In other words, poverty in different regions is mostly an economic category and other different approaches related to poverty are placed in the next levels of importance. In addition, this category, along with the different influence of governments on the level of poverty in developing and developed countries, is a good

confirmation of the theory of political economists in relation to poverty at the international level, who state that the poverty of societies is focused on the mutual relationship between politics and economy and the role of governments and in general, the role of human action and especially the economic and political leaders, is in the poverty of the regions.

Keywords: Trickle Down Effect, Regional Poverty, Economic Poverty, Geography.

تحلیلی بر فقر منطقه‌ای و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

سمیرا منقی*

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

رمضان غلامی اواتی

استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

سمانه طالعی اردکانی

مربی گروه اقتصاد دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

صلاح ابراهیمی

گروه اقتصاد دانشگاه چمران، اهواز، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.79302.1147>

چکیده

پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فقر، دولت‌ها را بر آن داشته تا بهبود وضعیت فقرا را در صدر اولویت‌های خود قرار دهند. از این رو شناخت مناسب فقر و عوامل اثرگذار بر آن، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ اما مسئله حائز اهمیت در این راستا تعاریف متنوع مربوط به فقر است که بسته به رویکردهای مختلف، از جمله منطقه‌ای بودن آن، متفاوت می‌باشد و همین مسئله، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که آیا پدیده فقر (برای نمونه بر اساس این رویکرد)، به واقع یک مقوله منطقه‌ای و جغرافیایی است به عبارتی آیا عوامل اثرگذار بر فقر در مناطق مختلف توسعه یافته و در حال توسعه (بسته به وضعیت جغرافیای آن منطقه)، متفاوت است یا فقر یک پدیده بین‌المللی است و عوامل اثرگذار بر آن در همه جا، یکسان می‌باشد؟ به این منظور و برای پاسخگویی به سؤالات مذکور در تحقیق حاضر به بررسی و مدل‌سازی فقر در دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بر اساس شرایط جغرافیایی، در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، پرداخته شد. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که متغیرهای رشد اقتصادی، تجارت بین‌المللی، تورم، بیکاری و توسعه مالی، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شاخص فقر در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می‌باشند. منتها، شاخص‌های تورم و بیکاری، میزان فقر را افزایش داده و بهبود توسعه مالی، رشد اقتصادی و تجارت بین‌الملل، فقر را کاهش می‌دهد؛ همچنین، ضریب رشد اقتصادی بر فقر، در هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، اثر منفی داشته که این امر حاکی از تأیید تئوری اثر قطره چکانی استیگلیتز است که توسعه اقتصادی موجب کاهش فقر می‌شود؛ بعلاوه، فقر در مناطق مختلف، بیشتر یک مقوله اقتصادی است و سایر رویکردهای مختلف در ارتباط با فقر، در درجات بعدی اهمیت قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: اثر قطره چکانی، فقر منطقه‌ای، فقر اقتصادی، جغرافیا.

* نویسنده مسئول:

samira.motaghi@pnu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰

صفحات: ۳۹-۶۶

مقدمه

یکی از مسائل اساسی جوامع امروزی که مانع جدی در مقابل توسعه و پیشرفت است، فقر^۱ می‌باشد که بر اساس گزارش ۲۰۳۰ مربوط به توسعه پایدار سازمان ملل متحد، از بین بردن آن، از اهداف اولیه ۱۷ گانه توسعه پایدار محسوب می‌شود (Griggs et al., 2013). فقر یک نگرانی اساسی برای سیاست‌گذاران است؛ زیرا بروز آن به طور مستقیم با رفاه جمعیت در ارتباط می‌باشد (Chen & Ravallion, 2013). وضعیت فقر در هر جامعه‌ای علاوه بر جنبه‌های اقتصادی در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است و هر رویکرد اقتصادی به فقر، ناگزیر پیامدهای سیاسی و اجتماعی نیز خواهد داشت. با وجود مطالعات گسترده در زمینه فقر هنوز هم اجماع غالبی در زمینه عوامل اصلی مؤثر بر فقر وجود ندارد (Galli & Hoeven, 2001). فقر، ابتدا با دید اقتصادی نگریده شده و فقط رویکردهای اقتصادی را به خود منتسب کرده است؛ به صورتی که مفهوم اصلی آن تنها، کمبود درآمد فرد و خانوار نسبت به استانداردهای اولیه زندگی، مطرح می‌شود (Zhou et al., 2018)؛ اما این مفهوم، از سال ۱۹۸۱ با تعریف بانک جهانی از فقر به عنوان از دست دادن فرصتی و به دست‌نیاوردن فرصتی دیگر به صورت جایگزین، اعم از شرایط زندگی، اجتماعی، اقتصادی و... تعریف متفاوت تری به خود گرفت (World Bank, 1981). سن در مطالعات اولیه خود در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵، مفهوم فقر را به صورت کامل تری مطرح کرد که بر اساس آن، فقر فقط کمبود درآمد نیست بلکه فقدان مجموعه ثابتی از قابلیت‌های زندگی افراد است که به نوعی، به محرومیت اشاره دارد و البته محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که معنای آن در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، متفاوت است. (Amartya Sen, 1982, 1985)؛ بنابراین با بینشی عمیق‌تر در ارتباط با فقر، این مقوله شامل همه انواع محرومیت، اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... می‌شود (United Nations, 2010) در نتیجه از آنجا که مناطق مختلف به لحاظ ویژگی‌های محرومیتی یاد شده، متفاوت هستند، وضعیت فقر در جوامع مختلف هم متفاوت است.

این تفاوت، به‌ویژه از حیث اقتصادی، رویکردی جامع‌تر به خود اختصاص می‌دهد؛ به صورتی که برای نمونه بر اساس گزارش بانک جهانی، افراد با درآمد روزانه پایین‌تر از ۳.۲۰ دلار در روز، در کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط در خط فقر هستند؛ در حالی که این رقم در کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط، ۵.۵۰ دلار و در کشورهای با درآمد بالا ۲۱.۷۰ می‌باشد (World Bank, 2017)؛ بنابراین، فردی که در

¹ Poverty

یکی از کشورهای توسعه‌یافته عضو OECD، ۲۰ دلار در روز درآمد دارد، فقیر محسوب می‌شود؛ اما همین فرد، حتی در یک کشور با درآمد متوسط، ممکن است در وضعیت متوسط به بالا یا حتی خوب اقتصادی به سر برد و همین عامل، مفهوم نسبی بودن فقر را (فقیر نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه)، در مقابل مطلق بودن آن (فقیر نسبت به دسترسی به حداقل نیازهای اساسی) به تصویر می‌کشد. همچنین، تفاوت یاد شده در سیاست‌های دولت‌ها، نهادهای حاکمیتی، رویکردهای اجتماعی و... نیز مشهود است؛ به صورتی که به‌عنوان مثال، کشورهای اسکاندیناوی و شمال اروپا، نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر که به لحاظ توسعه‌یافتگی اقتصادی، در وضعیت مشابهی به سر می‌برند، از سطح بسیار پایین‌تر فقر برخوردارند (Oxley et al., 1997; Kim et al., 2010). براین اساس و بر پایه تفاسیر مطرح شده از یک سو، نسبی بودن فقر بر مبنای منطقه خاص مطرح می‌شود و از سوی دیگر، تأثیر جغرافیای طبیعی بر فقر، نمایان می‌شود که رویکرد اخیر مطرح شده، ریشه در مباحث مطرح شده توسط اندیشمندانی مانند آدام اسمیت (پدر علم اقتصاد) در ارتباط با اثرگذاری منطقه و جغرافیای طبیعی، بر اقتصاد دارد (Smith, 1776) و البته هر دو رویکرد، مورد نقد و تحلیل بسیاری قرار گرفته و موافقان و مخالفان بسیاری دارد؛ اما به‌صورت جامع و با رویکردی مقایسه‌ای، مورد تحلیل قرار نگرفته است.

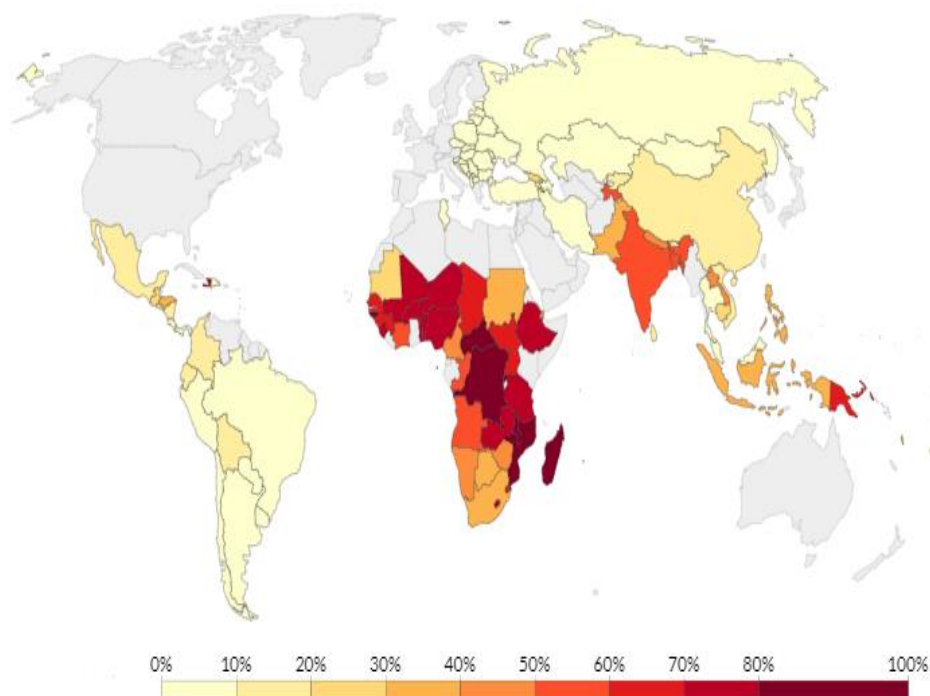
همین مسئله، پژوهشگران تحقیق حاضر را به بحث‌وبررسی پیرامون این نکته فراخواند که جغرافیای منطقه بر فقر چه تأثیری دارد؟ و آیا فقر در مناطق تابعی از وضعیت جغرافیایی محسوب می‌شود یا خیر؟ و به عبارتی آیا عوامل اثرگذار بر فقر در مناطق مختلف (بسته به وضعیت جغرافیای آن منطقه)، متفاوت است یا فقر یک پدیده بین‌المللی است و عوامل اثرگذار بر آن در همه جای دنیا، یکسان است؟

مروری بر گزارش بانک جهانی (۲۰۱۸) در زمینه فقر

با وجود افزایش تولید مواد غذایی در جهان و رشد اقتصادی، هنوز هم بخش بزرگی از مردم جهان در فقر زندگی می‌کنند. بانک جهانی منبع اصلی اطلاعات جهانی در مورد فقر شدید است و خط فقر بین‌المللی^۱ را تعیین می‌کند. خط فقر در سال ۲۰۱۵ مورد بازنگری قرار گرفت. از آن زمان به بعد، در صورتی که فرد کم‌تر از ۱/۹ دلار در روز درآمد داشته باشد، در رده فقر مطلق (شدید) قرار می‌گیرد. بانک جهانی هر ساله

¹ International Poverty Line

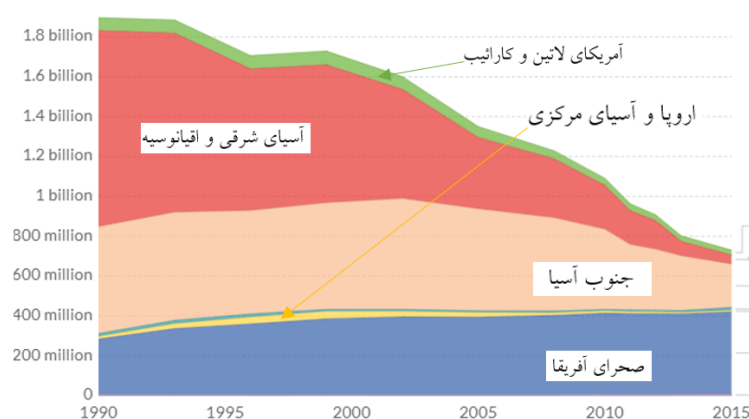
در گزارشی وضعیت فقر مطلق در مناطق مختلف جهان را بررسی می‌کند. در ادامه چکیده‌ای از این گزارش ارائه شده است. در شکل (۱) پراکندگی افراد فقیر با درآمد کم‌تر از ۱/۹ دلار ارائه شده است.



شکل (۱): پراکندگی نسبت افراد با درآمد کم‌تر از ۱/۹ دلار در روز در جهان (World Bank, 2018)

شکل (۱) نشان می‌دهد که عمده افراد با درآمد کم‌تر از ۳ دلار در روز در مرکز و جنوب آفریقا، آسیای غربی، خاورمیانه و آمریکای جنوبی و اروپای شرقی قرار دارند.

در شکل (۲) نیز جمعیت افراد فقیر در فقر مطلق (درآمد کم‌تر از ۱/۹ دلار در روز) به تفکیک مناطق مختلف جهان ارائه شده است.



شکل (۲): جمعیت افراد فقیر با درآمد کم‌تر از ۱/۹ دلار در روز در مناطق مختلف جهان (میلیون نفر) (World Bank, 2018)

نتایج شکل (۲) در جدول (۱) خلاصه شده است.

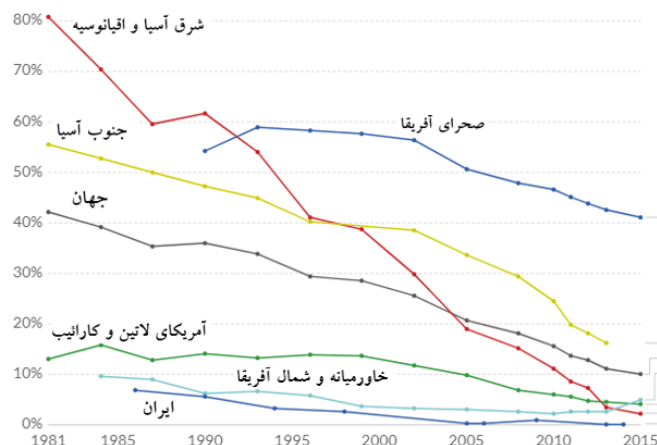
جدول (۱): افراد کم‌تر از ۱/۹ دلار در روز در مناطق مختلف جهان (میلیون نفر) در سال ۲۰۱۵

منطقه	تعداد افراد با درآمد کم‌تر از ۱/۹ (میلیون نفر)
آمریکای لاتین و کارائیب	۲۴/۳۲
آسیای شرقی و اقیانوسیه	۴۷
جنوب آسیا	۲۱۶/۵۷
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۵/۶۵
اروپا و آسیای مرکزی	۷/۱۳
صحرای آفریقا	۴۱۲/۹۹
کل جهان	۷۳۱

(World Bank, 2018)

جدول (۱) نشان می‌دهد که بیشترین تعداد افراد فقیر با درآمد ۱/۹ دلار در روز در صحرای آفریقا و جنوب آسیا متمرکز است. کم‌ترین تعداد افراد فقیر با درآمد ۱/۹ دلار در روز نیز در اروپا، آمریکای شمالی و خاورمیانه و شمال آفریقا متمرکز بوده است. بیشترین کاهش در تعداد افراد فقیر در جهان نیز به منطقه آسیای شرقی و اقیانوسیه مربوط می‌شود که با رشد اقتصادی چین و کشورهای آسیای شرقی قابل توضیح است.

در نمودار (۱) درصد افراد فقیر (با درآمد کم‌تر از ۱/۹ دلار در روز) به تفکیک مناطق مختلف در جهان و همچنین ایران نشان داده شده است.



نمودار (۱): نسبت افراد در فقر مطلق به تفکیک مناطق (World Bank, 2018)

برآوردهای بانک جهانی نشان می‌دهد که نسبت افراد در فقر مطلق در کل جهان طی دوره ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۶ کاهش داشته است. بیشترین نسبت کاهش فقر مطلق در جهان نیز در شرق آسیا و اقیانوسیه از حدود ۸۰ درصد به حدود ۴ درصد بوده است. صحرای آفریقا نیز کم‌ترین کاهش را در نسبت افرادی که در فقر مطلق به سر می‌برند، داشته است. نسبت افرادی که درآمد ۱/۹ دلار در روز داشته‌اند از حدود ۴۰ درصد در سال ۱۹۸۱ به حدود ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

۲. ادبیات تحقیق

۲-۱. مفهوم فقر

فقر به معنای ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی زندگی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و... می‌باشد. مفهوم نیازهای اساسی بر حسب زمان و مکان متفاوت است و از حداقل نیازها برای زنده ماندن تا متوسط سطح زندگی را در بر می‌گیرد. فقر موجب محدود شدن توسعه انسانی گردیده و صدمات گسترده و طولانی مدتی بر جای می‌گذارد (Arzrum Chiller, 2004). از نظر سن کلیه تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند. البته محرومیت خود یک مفهوم

نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت کاملاً با هم فرق داشته باشند. مفهوم محرومیت و فقر در طی زمان و بر اثر تحولات اقتصادی در قرن اخیر تغییر یافته است. در آغاز قرن بیستم، برداشت رایج از فقر و محرومیت در کشورهایی که امروزه جزو کشورهای توسعه‌یافته تلقی می‌شوند، ناتوانی در ارضای حداقلی احتیاجات غذایی و زیستی لازم برای ادامه حیات بود.

به‌طور کلی فقر، هنگامی در یک جامعه بروز می‌کند که رفاه فرد یا خانوار در سطحی کمتر از سطح استاندارد جامعه موردنظر قرار داشته باشد. به عبارت دیگر فرد یا خانوار فقیر فاقد قابلیت و توانایی لازم و کافی برای تأمین ضروریات و نیازهای اساسی زندگی می‌باشد؛ اما ضروریات زندگی خود مسئله‌ای است که توافق کامل در مورد آن وجود ندارد. به بیان دیگر، نیاز خود یک مفهوم پویا است که با پیشرفت علوم و تکنولوژی و تمدن بشری متحول می‌شود و شکل‌ها و اقسام گوناگونی به خود می‌گیرد (Raghfar & Ebrahimi, 2007).

فقر امکان دارد حالت مطلق^۱ داشته باشد و از محرومیت یا ناتوانی فرد در کسب حداقل لوازم معاش^۲ و ارضای نیازهای اساسی^۳ سرچشمه بگیرد (Mehryar, 1994). اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد توان لازم برای ادامه زندگی را نخواهد داشت. به عبارت دیگر، فرد یا خانواری در این رویکرد فقیر محسوب می‌شود که درآمد کافی برای برآورده ساختن نیازهای اولیه‌اش را نداشته باشد؛ بنابراین در شناسایی فقر مطلق، اولین گام تعیین حداقل نیازهای اساسی است و تعریف فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف سطح حداقل دارد. مفهوم حداقل رفاه، مفهومی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و کوچک‌ترین تغییر در مفهوم آن موجب تغییر اساسی در اندازه فقر می‌شود. بوت و روانتری^۴ از پیشگامان مطالعه فقر به صورت مطلق در انگلستان هستند و فقر مطلق را به صورت ناتوانی در کسب حداقل ضروریاتی که برای حفظ کارایی جسمانی فرد لازم است، در نظر می‌گیرند (Kakwani, 2033).

در مقابل، رویکرد دیگری وجود دارد که فارغ از دغدغه‌های در نظر گرفتن ابعاد ضروری و اساسی معیشت، کم‌درآمدترین افراد جامعه را به عنوان فقیر می‌داند. این نوع فقر که فقر نسبی نامیده می‌شود به عنوان ناتوانی در احراز یک سطح معیشت معمولی که در جامعه، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود

^۱ . Absolute

^۲ . Minimal Standarads of Living

^۳ . Basic Necessities

^۴ . Bot & Rovanteri

تعریف شده است. در فقر نسبی که ناشی از اختلافات شدید درآمدی است، فقر صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست؛ بلکه ناشی از کمبود منابع فرد جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه می‌باشد. این مفهوم بیشتر معیاری از توزیع نسبی درآمد و نابرابری است و با محرومیت مطلق و عموماً هزینه کل در یک کشور ارتباط دارد (Khodadad Kashi et al., 2012). مشکل این مفهوم این است که همواره تعدادی از افراد را به عنوان فقیر در نظر می‌گیرد و بر این اساس مشکل فقر، به عنوان یک مسئله ابدی صرف نظر از پیشرفت آن‌ها، وجود خواهد داشت.

بنابراین، باتوجه به تنوع دیدگاه‌ها در این زمینه می‌توان گفت که فقر تعاریف بسیار گسترده‌ای دارد؛ اما از آنجا که در یک پژوهش علمی ارائه هر فرضیه مبتنی بر دو اصل تبیین و پیش‌بینی است و همچنین چون زاویه دید ما صرفاً اقتصادی است، نوع نگرش ما باید نیازهایی باشد که کاملاً به شرایط اقتصادی وابسته‌اند. نیازهای مادی در مطالعات اقتصاددانان عمدتاً شامل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش، جابه‌جایی و رفت و آمد، تشکیل خانواده، ورزش و گذراندن اوقات فراغت بودن است که عموماً حداقلی از آن نیازها که جنبه‌های مختلف زیستی انسان‌ها را در بر می‌گیرد، به عنوان حداقل سطح زندگی قابل قبول تعیین می‌شود و فقر به صورت ناکافی بودن درآمدها و عموماً منابع برای تهیه این حداقل سطح قابل قبول تعریف می‌شود. (Haltberg, 2002). از جدیدترین نظریات در زمینه فقر، نظریه فقر چندبعدی برنامه عمران سازمان ملل متحد است که توسط (Alkire & Foster, 2010) مطرح شد. این شاخص برای اولین بار در سال ۲۰۱۰ برای ۱۰۴ کشور محاسبه شده و دارای سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی است که با استفاده از ده معرف که وزن‌های مساوی دارند، اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص میزان محرومیت خانوارها را در معرف‌های مختلف و میزان و شدت فقر را ارزیابی می‌کند و به صورت نتیجه‌ای، این شاخص عنوان می‌کند که افرادی که بر پایه معیار فقر چندبعدی فقیرند، لزوماً بر اساس سطح درآمدشان فقیر نیستند (Alkire & Santos, 2010).

۲-۲. علل ایجاد فقر

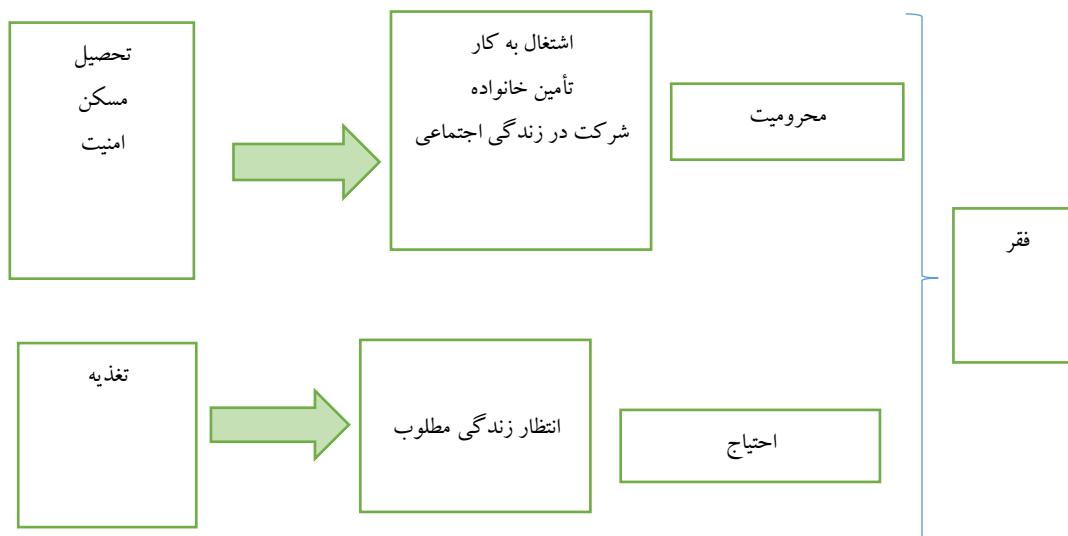
فقر برآیند تعامل فرایندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که حاصل آن تشدید محرومیت برای فقرا است. دارایی‌های ناچیز، بازارهای غیرقابل نفوذ و کمبود فرصت‌های شغلی، مردم را در فقر مادی گرفتار می‌سازد (World Bank, 2002).

در بحث فقر اغلب روی ناکامی در ارضای نیازهای مادی و عدم کفایت درآمد سرانه تأکید می‌کنند؛ اما تعریف فقر و امحای آن را نمی‌توان فقط به این نیازها محدود کرد. در بررسی و تعریف فقر، طی زمان،

باید به ساختارهای نهادی و اجتماعی و اقتصادی نیز توجه کرد. برای دستیابی جمعیت به زندگی مطلوب نیازهای گوناگونی می‌باید برآورده شوند. میزان تأمین این نیازها به توان و قدرت کارکرد نظام اقتصادی - اجتماعی بستگی دارد. زمانی که این نیازها برآورده نشوند، افراد یا خانوارها را گرفتار فقر گوئیم. دادلی جکسون^۱ رابطه میان نیازها، کارکرد اجتماعی و فقر را در الگوی زیر خلاصه کرده است (Fitros, 1997):

کارکرد اجتماعی = تحقق نیازها + نیازها

شکست در تحقق نیازها منجر می‌شود به:



ساختار فقر - (Fitros, 1997)

برای توضیح بیشتر می‌توان گفت که به اعتقاد برخی از اقتصاددانان، نظام مالیاتی و نظام تأمین اجتماعی باعث شده‌اند که فقر به‌عنوان یک پدیده اجتناب‌ناپذیر، بخشی از ساختارهای اقتصادی کشورها را تشکیل دهد. از این پدیده به نام دام فقر^۲ یاد می‌کنند؛ به عبارت دیگر، فرایندهای اقتصادی اجازه نمی‌دهند که انسان‌ها خود را از این دام نجات دهند (Abiri, 2001). به‌طور کلی، فقر ممکن است به دلیل برخی

^۱ . Dudley Jackson, 1972

^۲ . Poverty Trap

از مشخصه‌های اقتصاد ملی، منطقه‌ای و یا برخی ویژگی‌های خانوار یا فرد اتفاق بیفتد. البته باید به نکته مهمی توجه کرد و آن این است که تمایز بین علیت^۱ و همبستگی^۲ بسیار سخت است. به طور مثال می‌دانیم که افراد فقیر، سطح کمتری از آموزش را دارند؛ اما آن‌ها فقیر هستند؛ زیرا آموزش پایین‌تری دارند یا آن‌ها آموزش پایین‌تری دارند؛ چون فقیر هستند. تنها ارتباط یا همراهی آماری برای به اثبات رساندن علیت کافی نیست و اطلاعات اضافی دیگری نیز نیاز است (World Bank, 2019). براین اساس، می‌توان تعیین‌کننده‌های اصلی فقر را به شرح زیر مطرح کرد:

- ۱- ویژگی‌های منطقه‌ای و اجتماعی: مانند میزان دسترسی به بازارها، میزان دسترسی به کالاها و خدمات عمومی، زیرساخت‌های نامناسب و ناکافی، دستیابی به منابع مانند زمین و کیفیت آن، وضعیت آب‌وهوا مانند وقوع زلزله، ساختارهای اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مدیریت منطقه‌ای و نابرابری.
- ۲- ویژگی‌های خانوار: مانند بار تکفل، جنسیت سرپرست خانوار، میزان دارایی‌های خانوار، ساختار درآمدی و وضعیت اشتغال مانند نوع شغل، تحصیلات اعضای خانوار.
- ۳- ویژگی‌های فردی: مانند سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال، وضعیت سلامتی و نژاد.

۳. پیشینه پژوهش

Abunoori et al., (2018)، در مطالعه رویکرد چندبعدی به اندازه‌گیری فقر: مفاهیم نظری و شواهد تجربی، به بررسی فقر چندبعدی در اقتصاد ایران پرداختند؛ به این منظور، برای غلبه بر محدودیت‌های مطالعات پیشین، در این مطالعه از مدل چندسطحی استفاده گردید تا به طور هم‌زمان امکان تجزیه و تحلیل در سطح فردی و کلان (ویژگی‌های اقتصادی و نهادی) فراهم آید. ابتدا در این مطالعه به تفصیل شاخص فقر چندبعدی الکایر فوستر برای ایران و استان‌ها طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۴ محاسبه و ارائه شد. سپس در گروه عوامل فردی مؤثر بر فقر چندبعدی ۷ متغیر بعد خانوار، سطح تحصیل سرپرست و همسر سرپرست خانوار، جنس، سن و وضعیت تأهل سرپرست خانوار و در نهایت متغیر درجه استقلال اعضای خانوار مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که هر دو گروه سطح فردی و سطح نهادی و کلان بر شاخص فقر چندبعدی اثرگذار می‌باشد؛ در بین متغیرهای سطح فردی، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شاخص فقر چندبعدی به ترتیب سال‌های تحصیل سرپرست خانوار، درجه استقلال تعداد اعضای خانوار و

^۱. Causation

^۲. Correlation

در نهایت بعد خانوار است. در بین متغیرهای سطح کلان، نرخ تورم (با یک دوره وقفه) مهم‌ترین و مؤثرترین متغیر (از لحاظ بزرگی ضریب) بر شاخص فقر چندبعدی بوده است.

Mirzaie et al., (2020)، در مطالعه خود به بررسی عوامل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر خانوارهای شهری ایران در ۱۳۹۵ پرداختند. در این پژوهش اثر ۱۲ عامل جمعیتی - اقتصادی - اجتماعی بر احتمال فقیر شدن خانوار، تحت یک مدل رگرسیون پروبیت با روش حداقل رست‌نمایی سنجش شد. نمونه مورد استفاده، شامل ۶۶۰۳۸ نفر و در مجموع ۱۸۸۰۹ خانوار شهری ایران، بوده است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن دو سطح رفاهی بالا و پایین به بررسی احتمال خروج از فقر می‌پردازد. بر این اساس مرز درآمدی سطح رفاهی پایین برای خروج خانوار از فقر برابر با ۱۱۵ میلیون ریال و برای سطح بالای رفاهی، خط فقر برابر با ۲۶۴ میلیون ریال محاسبه شده است. بر اساس نتایج مدل، مهم‌ترین عامل اثرگذار در خروج از فقر خانوار در سطح رفاهی پایین‌تر، وضعیت درآمدی سرپرست و در سطح رفاهی بالاتر، نسبت تعداد افراد دارای درآمد در خانوار بوده و همچنین تعداد مطلق افراد دارای درآمد در خانوار نیز اثر قابل توجهی در خروج خانوار از فقر داشته است. افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار عامل دیگری در خروج از فقر بود. همچنین افزایش تعداد افراد تحصیل کرده در خانوار نیز اثر قابل توجهی در خروج از فقر داشته است و با افزایش بعد خانوار احتمال فقیر شدن کاهش می‌یابد.

Shokohifard et al., (2023)، در مطالعه سنجش فقر در مناطق شهری و روستایی استان آذربایجان غربی، برای اندازه‌گیری و تعیین عوامل مؤثر بر فقر در استان مذکور، ابتدا پایایی متغیرهای موجود را وسط آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته مورد بررسی قرار داده و سپس به کمک مدل خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) و الگوی تصحیح خطا (ECM) در دو مدل مجزا برای شهر و روستا، طی دوره (۱۳۷۲-۱۳۹۹)، اثر تکانه‌ها و شوک‌های وارده بر بردارهای هم‌انباشتگی را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که در سطح معناداری ۵ درصد، متغیرهای ارزش افزوده شهری و روستایی، نرخ ارز، نرخ بیکاری، درآمد کل استان و شاخص قیمت مصرف‌کننده بر شکاف فقر شهری و روستایی تأثیر معنادار دارند.

Chang et al., (2017) به بررسی عوامل مؤثر بر فقر تغذیه‌ای، محرومیت از کالری و دیگر مغذی‌ها در نواحی روستایی چین طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۹۰ با روش پانل دیتا پرداختند. نتایج نشان داد که بهتر شدن وضعیت دریافت مواد غذایی، اثر معنی‌داری بر روی دستمزدهای نواحی روستایی و امکان از بین رفتن فقر غذایی به موازات کاهش فقر در نواحی روستایی چین داشته است.

(2017), Franata et al., در مطالعه‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر سطح فقر در جنوب سوماترای اندونزی، به بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آموزش، بهداشت، سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری خصوصی بر بهره‌وری و همچنین سطح فقر در سوماترای جنوبی پرداختند و نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که اولاً؛ آموزش، بهداشت و سرمایه‌گذاری دولتی، مستقیماً بر بهره‌وری در سوماترای جنوبی تأثیر نمی‌گذارد، درحالی‌که سرمایه‌گذاری خصوصی به طور مستقیم و مثبت بر بهره‌وری در سوماترای جنوبی تأثیر می‌گذارد. در ثانی؛ آموزش، سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری خصوصی مستقیماً بر سطح فقر در سوماترای جنوبی تأثیر نداشت، درحالی‌که سلامت و بهره‌وری مستقیماً و به طور قابل توجهی اما منفی بر سطح فقر در سوماترای جنوبی تأثیر گذاشت.

(2018), Imam et al., در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی بنگلادش با استفاده از داده‌های درآمد و هزینه خانوار، پرداختند. بر اساس مطالعه این پژوهشگران، عوامل بالقوه مرتبط با فقر عبارت‌اند از: سن و تحصیلات سرپرست خانوار، اندازه خانوار، نوع خانوار، تعداد افراد تحت تکفل، درآمد سرانه، زمین شخصی خانوار، دسترسی به برق، میزان زمین قابل کشت، اشتغال به جنگلداری، دام و مزرعه، دارایی‌های غیرکشاورزی خانوار، تعداد صاحبان مرد و تعداد زنان در خانوار؛ و بالتبع هر کدام از این موارد، به صورت مستقیم بر فقر خانوار بنگلادشی، مؤثر است.

(2019), Nguyen et al., در مطالعه خود با عنوان عامل مؤثر بر فقر و پیامدهای سیاست کاهش فقر: مطالعه موردی برای قوم خمر^۱ در استان تراوین، ویتنام، با مصاحبه مستقیم با ۳۰۰ خانوار خمری ساکن در هفت ناحیه و شهر در استان تراوین و با استفاده از رگرسیون چندمتغیره به بررسی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که تعدادی از دلایلی که بر فقر خانوارهای فقیر تأثیر می‌گذارند عبارت‌اند از: کمبود سرمایه برای تولید، کمبود ابزار تولید، وضعیت نامناسب بهداشت و کمبود نیروی کار، خانواده‌های پرجمعیت، کمبود فرصت‌های شغلی یا بیکاری و عدم تمایل به فرار از فقر و تحصیل.

۴. روش شناسی

در مقاله حاضر فقر و عوامل مؤثر بر آن در مناطق مختلف توسعه‌یافته و درحال توسعه و بر حسب شرایط جغرافیایی متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. روش به کار گرفته شده در تحقیق، به منظور ارائه مدل-

^۱ . Khmer

های مقایسه‌ای، روش پانل ARDL و نرم‌افزار مورد استفاده، ایویوز نسخه ۹ بوده و داده‌های تحقیق از بانک جهانی استخراج شده است.

در حال حاضر داده‌های پانلی که بخش سری زمانی نسبتاً بزرگ دارد، به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این حالت می‌توان N رگرسیون سری زمانی اجرا کرد و در ادامه میانگین آن‌ها را محاسبه نمود. با برآوردگر میانگین گروهی تلفیقی (PMG) می‌توان داده‌ها را ترکیب کرد و فرض نمود که ضرایب شیب و واریانس آن‌ها مشابه هستند. پسران، شین و اسمیت (۱۹۹۷) با توسعه روش ARDL، این روش را ارائه کردند. در این روش ضرایب بلندمدت مشابه فرض می‌شوند؛ اما اجازه داده می‌شود که ضرایب شیب کوتاه‌مدت و انحراف معیار آن‌ها در بین واحدهای مقطعی تغییر کنند. پسران و همکاران (۱۹۹۷) ویژگی‌های مجانبی این برآوردگر زمانی که بعد زمان به سمت بی‌نهایت می‌رود هم در حالت ایستایی متغیرها و هم در حالت ریشه واحد بودن متغیرها زمانی را که تعداد واحدهای مقطعی ثابت است، بررسی نمودند. این مطالعه ابتدا تأثیر عوامل مؤثر بر فقر را به صورت کلان و در سطح مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه، مورد بررسی قرار می‌دهد، سپس، با تحلیل تأثیر هر منطقه بر فقر، به بررسی این موضوع می‌پردازد که جغرافیای منطقه بر فقر چه تأثیری دارد؟ و آیا فقر در مناطق تابعی از وضعیت جغرافیایی محسوب می‌شود یا خیر؟ و به عبارتی آیا عوامل اثرگذار بر فقر در مناطق مختلف (بسته به وضعیت جغرافیای آن منطقه)، متفاوت است یا فقر یک پدیده بین‌المللی است و عوامل اثرگذار بر آن در همه جای دنیا، یکسان می‌باشد؟

مدل مورد استفاده در تحقیق حاضر، باتوجه به مبانی نظری و بر اساس مدل دانو - آندونسو و سیلوستر^۱ (۲۰۱۶) به شرح زیر است:

$$Pov_{it} = \beta_{it} + \beta_1 Fd_{it} + \beta_2 GDP_{it} + \beta_3 X_{it} + \varepsilon_{it}$$

POV_{it}: شاخص فقر منطقه i در دوره زمانی t (در تحقیق حاضر، درصد افرادی که درآمد روزانه کمتر از ۱.۹ دلار دارند، به عنوان شاخص فقر شناخته می‌شود)؛
FD_{it}: شاخص توسعه مالی منطقه i در دوره زمانی t (شاخص توسعه مالی C_{PIA}^۱ به عنوان این شاخص مطرح می‌شود)؛

^۱ Donou-Adonsou and Sylwester

GDP_{it} : نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (بر حسب برابری در قدرت خرید) منطقه i در دوره زمانی t که نشان‌دهنده سطح ثروت منطقه مورد مطالعه می‌باشد؛

X_{it} : متغیرهای کنترل منطقه i در دوره زمانی t که این متغیرها شامل نرخ تورم (INF)، نسبت تجارت (مجموع صادرات + واردات) به GDP ($TRADE$) و UE : نرخ بیکاری است؛ بنابراین مدل نهایی به صورت زیر خواهد بود:

$$Pov_{it} = \beta_{it} + \beta_1 Fd_{it} + \beta_2 GDP_{it} + \beta_3 Inf_{it} + \beta_4 Trade_{it} + \beta_5 Une_{it} + \varepsilon_{it}$$

مناطق مورد مطالعه نیز شامل ۳۰ کشور (۱۵ کشور در مناطق در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا و ۱۵ کشور در مناطق توسعه یافته اروپا و آسیای مرکزی) است.

۴-۱. تخمین مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱-۱. آزمون مانایی

به منظور تخمین مدل تحقیق، ابتدا مانایی متغیرهای تحقیق بررسی می‌شود؛ لذا مانایی متغیرهای تحقیق حاضر با استفاده از آزمون لوین و لین^۲ (Noferesti, 1999)، مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): بررسی آزمون ریشه واحد برای متغیرهای موجود در مدل

رشد تولید ناخالص داخلی	توسعه مالی	نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی	نرخ تورم	نرخ بیکاری	شاخص فقر	متغیرها نام	
						سطح	خاورمیانه
۱۴.۸ (۰.۰۰)	۱۰.۷۸ (۰.۰۰)	۱۴.۶۷ (۰.۰۰)	۲.۳۴ (۱.۰۰)	۱۲.۶ (۰.۰۰)	۱۲.۳۴ (۰.۰۰)		

^۱ Country Policy and Institutional Assessment

^۲ Levin, lin and chu

-	-	-	۹.۶۷ (۰.۰۰)	-	-	تفاضل مرتبه اول	و شمال آفریقا
۱۳.۴۶ (۰.۰۰)	۱۵.۷ (۰.۰۰)	۱۰.۶ (۰.۰۰)	۲.۹ (۰.۸۴)	۱۵.۸ (۰.۰۰)	۱۳.۹ (۰.۰۰)	سطح	اروپا و آسیای
-	-	-	۹.۵۶ (۰.۰۰)	-	-	تفاضل مرتبه اول	مرکزی

منبع: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج جدول شماره (۲)، مشخص است که تمامی متغیرهای موجود در تحقیق، به جز شاخص تورم در سطح مانا بوده $I(0)$ و متغیر نرخ تورم نیز، با یک مرتبه تفاضل‌گیری $I(1)$ مانا می‌شوند و براین اساس، به منظور جلوگیری از ایجاد مشکل هم انباشتگی پانلی از مدل پانل ARDL، استفاده شده است.

۴-۱-۲. آزمون هم انباشتگی

آزمون هم انباشتگی به هنگام استفاده از داده‌های پانلی بیشتر با استفاده از روش پدرونی انجام می‌شود. علاوه بر این آزمون همچنین کائو آزمون هم جمعی تعمیم‌یافته دیکی فولر را با فرض اینکه بردارهای هم جمعی در هر مقطع همگن باشند، ارائه می‌نماید. نتایج آزمون هم انباشتگی با استفاده از روش پدرونی و آزمون کائو در جداول (۳) و (۴) آمده است. فرضیه صفر این مدل بیانگر عدم وجود هم انباشتگی بین متغیرها می‌باشد. باتوجه به نتایج جدول، رابطه هم انباشتگی قوی بین متغیرها، می‌باشد.

جدول (۳): نتایج آزمون پدرونی

منطقه	آزمون	مقدار آماره	احتمال
خاورمیانه و شمال آفریقا	آزمون فیلیس - پرون	-۲/۹۴۶۲۹۲	۰/۰۰۲۵
	آزمون دیکی فولر تعمیم یافته	-۲/۳۶۷۵۸۷	۰/۰۰۹۴
اروپا و آسیای مرکزی	آزمون فیلیس - پرون	-۲/۸۶۷۲۶۶	۰/۰۰۱۵
	آزمون دیکی فولر تعمیم یافته	-۲/۲۸۵۹۸۴	۰/۰۰۷۶

منبع: محاسبات تحقیق

همچنین بر اساس آزمون کائو، باتوجه به رد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه هم انباشتگی، می‌توان وجود رابطه بلندمدت بین این متغیرها را اثبات کرد.

جدول (۴): نتایج آزمون کائو

منطقه	آزمون	مقدار آماره	احتمال
خاورمیانه و شمال آفریقا	آزمون دیکی فولر تعمیم یافته	-۹/۲۰۵۰۵	۰/۰۰۰۰
اروپا و آسیای مرکزی	آزمون دیکی فولر تعمیم یافته	-۴/۹۸۸۳۶	۰/۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

۴-۱-۳. آزمون F لیمر

به‌طور کلی روش‌های مختلفی برای برآورد یک الگو با داده‌های تلفیقی وجود دارد که عبارت است از:

- ۱- برآورد مدل با فرض یکسان بودن عرض از مبدأ
 - ۲- برآورد مدل با فرض متفاوت بودن عرض از مبدأ برای مقاطع (کشورهای مختلف)
- به‌منظور تخمین معادله، ابتدا برای تعیین وجود یا عدم وجود عرض از مبدأهای جداگانه برای هر یک از مقاطع، از آماره F استفاده می‌کنیم.

جدول (۵): نتایج آزمون f لیمر

منطقه	آزمون	آمار	احتمال	درجه آزادی
خاورمیانه و شمال آفریقا	آزمون F	۶۰.۴۱۳۰۳۶	۰.۰۰۰۰	(۱۴.۲۷۷)
	آزمون chi-squar	۴۱.۸۶۴۳۰۴	۰.۰۰۰۰	۱۴
اروپا و آسیای مرکزی	آزمون F	۷۰.۸۲۵۳۷	۰.۰۰۰۰	(۱۴.۲۱۴)
	آزمون chi-squar	۹۰.۵۱۴۳۷۶	۰.۰۰۰۰	۱۴

منبع: محاسبات تحقیق

باتوجه به نتایج به‌دست آمده در جدول (۵)، مقدار قابل قبول آماره F لیمر و همچنین مقدار ارزش معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرضیه صفر (مبنی بر استفاده از روش pool) رد شده و فرضیه مخالف مبنی بر استفاده از روش پانل دیتا مورد قبول واقع می‌شود.

۴-۱-۴ آزمون هاسمن

سپس برای آزمون اینکه مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد از آزمون هاسمن استفاده می‌کنیم.

جدول (۶): نتایج آزمون هاسمن

منطقه	آزمون	آزمون chi-sq	درجه آزادی chi-sq	احتمال
خاورمیانه و شمال آفریقا	آزمون random	۴۸.۸۳۷۴۵۴	۸	۰.۰۰۰۰
اروپا و آسیای مرکزی	آزمون random	۲۱.۶۹۲۸۴۳	۷	۰.۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۶) مقدار قابل قبول آماره احتمال آزمون هاسمن کوچک‌تر از ۵٪ است؛ بنابراین فرضیه صفر (مبنی بر استفاده از اثرات تصادفی) رد شده و فرضیه مقابل مبنی بر استفاده از اثرات ثابت مورد قبول واقع می‌شود.

پس باتوجه‌به نتایج مربوط به آزمون‌های F لیمر و هاسمن برای بررسی عوامل مؤثر بر فقر در کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه به این نتیجه نائل شدیم که مدل موردنظر روش پانل دیتا و روش اثرات ثابت می‌باشد.

۴-۲. تخمین مدل

در جدول (۷) نتایج برآورد رابطه بلندمدت ارائه شده است.

جدول (۷): برآورد رابطه بلندمدت

منطقه / متغیر	نرخ بیکاری	توسعه مالی	تولید ناخالص داخلی	نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی	نرخ تورم
خاورمیانه و شمال آفریقا	(۰/۱۵۳)**	(-۰/۰۶۴)	(-۰/۲۸۵)*	(-۰/۰۵۸)*	(۰/۲۴۱)*
اروپا و آسیای مرکزی	(۰/۰۶۷)	(-۰/۲۱۳)**	(-۰/۲۱۳)**	(-۰/۱۱۷)**	(۰/۰۹۸)**

منبع: محاسبات تحقیق (*معنی‌داری در سطح ۱ درصد؛ **معنی‌داری در سطح ۵ درصد؛ ***معنی‌داری در سطح ۱۰ درصد)

بر اساس نتایج جدول شماره (۷) مشخص است که در کشورهای در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا ضرایب تمامی متغیرها به جز متغیر توسعه مالی از معناداری بالایی برخوردار هستند به این صورت که متغیر نرخ بیکاری با ضریب (۰/۱۵۳) در سطح ۵ درصد و متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با ضریب (۰/۲۸۵)، متغیر نسبت تجارت به GDP با ضریب (۰/۰۵۸) و نرخ تورم با ضریب (۰/۲۴۱) در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشد. از طرفی در کشورهای توسعه یافته اروپا و آسیای مرکزی ضرایب تمامی متغیرها به جز متغیر نرخ بیکاری معنادار هستند به این صورت که متغیر توسعه مالی با ضریب (۰/۲۱۳)، متغیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با ضریب (۰/۲۱۳)، متغیر نسبت تجارت به GDP با ضریب (۰/۱۱۷) و نرخ تورم با ضریب (۰/۰۹۸) در سطح ۱۰ درصد معنادار می‌باشد.

در جدول (۸) نیز نتایج برآورد مدل تصحیح خطا ارائه شده است.

جدول (۸): برآورد مدل تصحیح خطا

منطقه / متغیر	نرخ بیکاری	توسعه مالی	تولید ناخالص داخلی	نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی	نرخ تورم	Ecm(-1)
خاورمیانه و شمال آفریقا	(۰/۳۰۷)**	(-۰/۰۱۴)	(-۰/۲۰۴)*	(-۰/۰۳۲)*	(۰/۲۶۱)*	(-۰/۰۹۳)**
اروپا و آسیای مرکزی	(۰/۰۵۳)	(-۰/۱۲۸)**	(-۰/۱۰۳)	(-۰/۰۷۵)**	(۰/۰۴۲)**	(-۰/۲۸۷)**

منبع: محاسبات تحقیق (*معنی داری در سطح ۱ درصد؛ **معنی داری در سطح ۵ درصد؛ ***معنی داری در سطح ۱۰ درصد)

با توجه به نتایج به دست آمده برای کشورهای مناطق در حال توسعه و توسعه یافته مشخص است که: مدل‌های برآورد شده در سطح معنی دار می‌باشند و نتایج مربوط به اغلب ضرایب آن‌ها نیز از معنی داری بالایی برخوردار است. فقط متغیر توسعه مالی در کشورهای در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا، بی‌معنی است که این مورد، حاکی از عدم تأثیرگذاری شاخص توسعه مالی بر فقر در مناطق کمتر توسعه یافته می‌باشد. از دیدگاه دیگر نیز می‌توان علت بی‌معنی بودن این شاخص را در توسعه نیافته بودن و یا به تعبیر بهتر، ناکارآمدی بخش مالی مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا دانست. علامت تمامی ضرایب مربوط به متغیرهای مستقل نرخ تورم، تجارت بین الملل، رشد تولید ناخالص داخلی، توسعه مالی و بیکاری در همه مدل‌ها مشابه می‌باشد، به جز مدل‌هایی که شاخصی در آن معنی دار نیست، به عبارتی، افزایش در

تورم و بیکاری در هر دو منطقه توسعه‌یافته و در حال توسعه (صرف‌نظر از وضعیت جغرافیایی) میزان فقر را افزایش می‌دهد؛ این در حالی است که بهبود توسعه مالی، رشد اقتصادی و تجارت بین‌الملل، فقر را کاهش می‌دهد. در زمینه رابطه تصحیح خطا نیز مقدار ضریب ecm برآوردی برای گروه کشورهای توسعه‌یافته بالاتر است. به عبارتی در صورتی که شوکی به فقر وارد شود، در کشورهای عمدتاً توسعه‌یافته نسبت به کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته با سرعت بیشتری به روند بلندمدت خود باز می‌گردد. این موضوع احتمالاً به دلیل ثبات اقتصادی بیشتر در کشورهای با سطح توسعه بالاتر نسبت به کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته است.

۵. بحث و نتیجه

فقر به عنوان پدیده‌ای نامطلوب و شوم، یکی از مهم‌ترین پیامدهای توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمدهای ایجاد شده در بین افراد هر منطقه است.

وجود این پدیده در هر جامعه، مبین عملکرد نادرست توزیع درآمد در جامعه است و موجب ایجاد نابسامانی در مناطق می‌شود؛ براین اساس لزوم توجه به این مقوله اقتصادی - اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و برنامه‌ریزی‌های بسیاری را در سطح ملی و بین‌المللی می‌طلبد. مسئله حائز اهمیت در این راستا تعاریف متنوع مربوط به فقر است که بسته به رویکردهای مختلف، از جمله منطقه‌ای بودن آن، متفاوت می‌باشد و همین مسئله، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که آیا پدیده فقر (برای نمونه بر اساس این رویکرد)، به واقع یک مقوله منطقه‌ای و جغرافیایی است؟ به عبارتی آیا عوامل اثرگذار بر فقر در مناطق مختلف توسعه‌یافته و در حال توسعه (بسته به وضعیت جغرافیای آن منطقه)، متفاوت است یا فقر یک پدیده بین‌المللی است و عوامل اثرگذار بر آن در همه جای دنیا، یکسان است؟

به این منظور و برای پاسخگویی به سؤالات مذکور در تحقیق حاضر به بررسی و مدل‌سازی دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته بر اساس شرایط جغرافیایی و استفاده از روش PMG در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، پرداخته شد. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که:

متغیرهای رشد اقتصادی، تجارت بین‌المللی، تورم، بیکاری و توسعه مالی، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شاخص فقر در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته‌اند. اما شاخص‌های تورم و بیکاری، میزان فقر را افزایش داده و بهبود توسعه مالی، رشد اقتصادی و تجارت بین‌الملل، فقر را کاهش می‌دهد.

در این میان، تأثیر منفی ضریب رشد اقتصادی بر فقر، در هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، حاکی از تأیید تئوری اثر قطره چکانی استیگلیتز است که توسعه اقتصادی موجب کاهش فقر می‌شود و این گونه مطرح می‌شود که توسعه اقتصادی و افزایش رشد تولیدات کشور، موجب افزایش

ثروت ثروتمندان شده و در این فرایند، بخشی از افزایش ثروت آنها به تدریج و به صورت قطره چکانی، به فقرا منتقل می‌شود. مثلاً برای نمونه، با افزایش ثروت ثروتمندان، تقاضا برای عوامل تولید بالاخص نیروی کار فقرا افزایش می‌یابد و با افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، فقر کاهش می‌یابد (ارتباط مستقیم میان شاخص نرخ بیکاری و فقر نیز، این مهم را تأیید می‌کند). متغیرهای رشد اقتصادی، بیکاری و تورم، بیشترین تأثیر را بر فقر در مناطق مختلف، ایفا کرده‌اند. به عبارتی، فقر در مناطق مختلف، بیشتر یک مقوله اقتصادی است و سایر رویکردهای مختلف در ارتباط با فقر، در درجات بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. بعلاوه، این مقوله، در کنار تأثیر متفاوت دولت‌ها در میزان فقر در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته، به‌خوبی تأییدکننده نظریه اقتصاددانان سیاسی در ارتباط با فقر در سطح بین‌الملل است که بیان می‌کنند فقر جوامع، متمرکز بر ارتباط متقابل میان سیاست و اقتصاد و نقش دولت‌ها و به‌صورت کلان، نقش کنش انسانی و به‌خصوص سرآمدان اقتصادی و سیاسی، در فقر مناطق است.

References

- Abiri, Gh. (2010). The Roots of *Bank and Economy Poverty*, No. 19, 65-67. (In Persian)
- Abu Nouri, S.; Yarmohammadi, I., Arab, J. (2018). multidimensional approach to measuring poverty; Theoretical concepts and empirical evidence of Iran's economy during the years 1370-92. *Social Welfare*, 68(18), 9-41. (In Persian)
- Alkire, S., & Foster, J. E. (2010). Designing the inequality-adjusted human development index.
- Alkire, S., & Santos, M. E. (2010). Acute multidimensional poverty: A new index for developing countries.
- Arzrum Chiller, N. (2004), Various Dimensions of Poverty in Iran, Economic Research Series, No. 27, *Department of Economic Surveys*, Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Chang, S. F. (2017). Frailty is a major related factor for at risk of malnutrition in community-dwelling older adults. *Journal of Nursing Scholarship*, 49(1), 63-72.

Chen, S., & Ravallion, M. (2013). More relatively-poor people in a less absolutely-poor world. *Review of Income and Wealth*, 59(1), 1-28.

Fitros, M. (1997). Investigating some factors that cause poverty in Iran's economy, *collection of papers of the conference on poverty and poverty alleviation*, volume 2, Program and Budget Organization, 35-47. (In Persian)

Franata, J.; Marwa, T., & Yusuf, M. K. (2017). Factors Affecting Poverty Level in South Sumatra Indonesia. *Sriwijaya International Journal of Dynamic Economics and Business*, 1(1), 119-132.

Galli, R., & van Der Hoeven, R. (2001). *Is Inflation Bad for Income Inequality. The Importance of the Initial Rate of Inflation. Employment Paper 2001/29*. International Labour Organization.

Griggs, D.; Stafford-Smith, M.; Gaffney, O.; Rockström, J.; Öhman, M. C.; Shyamsundar, P., ... & Noble, I. (2013). Sustainable development goals for people and planet. *Nature*, 495(7441), 305-307.

Heltberg, R. (2002). Does economic growth reduce child malnutrition. *Copenhagen: Institute of Economics, University of Copenhagen*.

Imam, M. F.; Islam, M. A., & Hossain, M. J. (2018). Factors affecting poverty in rural Bangladesh: an analysis using multilevel modelling. *Journal of the Bangladesh Agricultural University*, 16(1), 123-130.

Kakwani, N. (2003). Issues in setting absolute poverty lines. *poverty and social development papers*, No3. Asian development bank.

Khodadad Kashi, F.; Bagheri, F.; Heydari, Kh., & Khodadad Kashi, O. (2012). Measurement of poverty indices in Iran, application of types of poverty line, poverty gap, poverty index 1363-1379, *Iran Statistics Center*, Economic Statistics Research Group. (In Persian)

Kim, S. H.; Carvalho, J. P., & Davis, A. C. (2010). Talking about poverty: News framing of who is responsible for causing and fixing the problem. *Journalism & Mass Communication Quarterly*, 87(3-4), 563-581.

Mehryar, A. (1994). Poverty: Its Definition and Measurement, *Journal of Program and Development*, Volume 2, Number 8, 39-88. (In Persian)

Mirzaei, Mo, Kobriei. (2020). Demographic, economic and social factors affecting the poverty of urban households in Iran in 2015. *Journal of Iran Demographic Society*, 15(30), 231-259.

Nguyen, T. T.; Nguyen, T. T.; Hoang, V. N.; Wilson, C., & Managi, S. (2019). Energy transition, poverty and inequality in Vietnam. *Energy Policy*, 132, 536-548.

Oxley, H.; Burniaux, J. M.; Dang, T. T., & d'Ercole, M. M. (1997). Income distribution and poverty in 13 OECD countries. *OECD Economic Studies*, 55-94.

Raghofar, H., & Ebrahimi, Z. (2007). Poverty in Iran during the years 1368-1383, *Social Welfare Scientific Research Quarterly*, 6th year, number 24, pp. 55-82. (In Persian)

Sen, A. (1982). *Poverty and famines: an essay on entitlement and deprivation*. Oxford university press.

Sen, A. (1985). A sociological approach to the measurement of poverty: a reply to Professor Peter Townsend. *Oxford Economic Papers*, 37(4), 669-676.

Shokohi Fard, Abolhasani., & Salman Pour Zenouz. (2023). Measuring poverty in urban and rural areas (case study: West Azerbaijan). *Land Geographical Engineering*, 7(1). (In Persian)

Smith, A. (1776). An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations: Volume One. London: printed for W. Strahan; and T. Cadell, 1776.

World Bank. (2018). Targeted Programs for the Poor During Structure Adjustment: A Summary of a Symposium on Poverty, April.

Zhou, Y.; Guo, Y.; Liu, Y.; Wu, W., & Li, Y. (2018). Targeted poverty alleviation and land policy innovation: Some practice and policy implications from China. *Land use policy*, 74, 53-65.



Research Article

Vol. 30, No. 1, 2023, p. 67 - 102



Regional Strategies for the Development of Health Tourism in Iran

S. M. Alerasoul¹, M. Hoshmand², S. S. Maleksadati^{3*}

- 1- M.A. of Economic Development and Planning Ferdowsi University of Mashhad, Iran
- 2- Professor, Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Iran
- 3- Assistant Professor of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

(* - Corresponding Author Email: msadati@um.ac.ir)
<https://doi.org/10.22067/erd.2022.69555.1025>

Received: 2021/03/28	How to cite this article: Alerasoul, S. M.; Hoshmand, M., & Maleksadati, S. S. (2023). Regional Strategies for the Development of Health Tourism in Iran. <i>Journal of Economy and Regional Development</i> , 30(1): 67-102. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2022.69555.1025
Revised: 2021/09/15	
Accepted: 2022/06/11	
Available Online: 2022/06/11	

1- INTRODUCTION

Health tourism is made up of combination of the two high-income branches of tourism and treatment services. The city of Mashhad has many potential and actual potentials in both health tourism sectors, i.e., tourism and health. Nevertheless, there are obstacles and challenges in the development of health tourism in the city of Mashhad, which have prevented it from achieving its rightful position in creating employment, added value and currency production. Therefore, the scientific analysis of the challenges and opportunities of this industry and the adoption of realistic strategies in accordance with the existing strengths, weaknesses,

opportunities and threats are considered a necessary step in the direction of the development of health tourism in Mashhad. Therefore, in this research, through previous studies and in-depth interviews with industry experts, the most important strengths, weaknesses, opportunities and threats of this industry in Mashhad were extracted. In the second step, the data was analyzed by using a questionnaire and SWOT tool, and finally, appropriate strategies were presented.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

The World Tourism Organization defines health tourism as follows: "Using services that lead to improving or increasing health and increasing a person's spirit by using mineral waters, weather or medical interventions and in a place outside of the person's place of residence and it takes more than 24 hours".

The health tourism industry encompasses a chain of services and activities that have together horizontal or vertical link, Therefore the whole chain must be analyzed to better understand the industry. Obviously, the weakness of each component of the chain eliminates the Possibility of benefiting from the opportunities of this industry.

Although, so far, empirical studies have dealt with the issue of health tourism from different aspects, this article has analyzed the health tourism industry with a different approach and from the point of view of the supply chain.

3- METHODOLOGY

The type of this research is applied in terms of nature and analytical - descriptive in terms of methodology. The purpose of this study is to investigate and identify the strengths, weaknesses, opportunities and threats of the health tourism industry in Mashhad, as well as to provide strategies for developing health tourism industry in Mashhad with regard to the strengths, weaknesses, opportunities and threats.

In order to extract strengths, weaknesses, opportunities and threats, the information used in this research has been compiled with the help of a combination of the following methods:

A) Study of the research background, documents and available resources including research projects, undergraduate reports and theses and related articles.

B) To conduct in-depth interviews with experts and authorities of active health tourism units in hospitals and health tourism companies in Mashhad.

The statistical population of this research consist of experts in health tourism industry, active companies in the health tourism industry in Mashhad, hospitals located in Mashhad that have a unit responsible for coordinating health tourism. The method of sampling in this research is non-random sampling method. In the statistical community, about 9 interviews were conducted. Data analysis was done by using questionnaire and SWOT approach.

4- RESULTS & DISCUSSION

The results of the analysis show that among the internal factors, the low cost of tourism and health services is the greatest strength, and weakness in advertising and marketing is the biggest weakness in the health tourism industry in Mashhad. Among the external factors, the presence of Imam Reza's Shrine is the greatest opportunity and the presence of major rivals and major challenges to the Arab and Western countries are among the greatest threats. Based on the results of this research, due to being more the weaknesses of this industry than the strengths and also being more opportunities than threats, the development of the health tourism industry in Mashhad should be pursued through a review strategy.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

The purpose of this research is to extract the strengths, weaknesses, opportunities and threats of health tourism industry in Mashhad and provide solutions for the development and improvement of this industry. The results of the analysis show development of the health tourism industry in Mashhad

should be pursued through a review strategy. It means a strategy that reduces internal weaknesses for foreign opportunities. Therefore, according to the results obtained, the following solutions are suggested:

- Design and compilation of comprehensive and upstream document and perspective of health tourism.
- Determine a specific trustee that have not dependency with any organization.
- Organizing and overseeing dealers in a variety of ways. (Organizing and Supervision dealers in different ways)
- Creation and expansion of transportation infrastructure.
- Creating a brand called Hospital Hotel.
- Branding for Iran in the field of treatment.
- Standardization and Accreditation of Hospitals and Therapeutic Centers.
- Establishing appropriate capacities in hospitals and health centers.
- Dispatched doctor abroad.
- Training human resources and efficient.
- Upgrade improving health tourism capacity.
- Private sector presence alongside the public sector.
- Creating coordination between different businesses in the health tourism industry.
- Provide a complete package of services to health tourists.
- Granting facilities to international patients.
- Reflecting the costs of tourism and health care and maintaining a low-cost brand.
- Investing, planning and supporting this industry.
- Extensive advertisement.

Keywords: Health Tourism; Supply Chain; SWOT.

راهبردهای منطقه‌ای توسعه گردشگری سلامت در ایران

سیده محبوبه آل رسول

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

محمود هوشمند

استاد گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

سید سعید ملک الساداتی *

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

<https://doi.org/10.22067/erd.2022.69555.1025>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

گردشگری سلامت یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های صنعت گردشگری است که دارای مزایای اقتصادی و اجتماعی بالایی همچون افزایش اشتغال، ارزآوری و درآمدزایی است. با توجه به پتانسیل‌های بالای شهر مشهد به‌عنوان یکی از مقاصد اصلی گردشگری سلامت در منطقه خاورمیانه، این مطالعه به شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای گردشگری سلامت در این شهر می‌پردازد. بدین منظور ابتدا از طریق مصاحبه‌های عمیق با خبرگان صنعت گردشگری سلامت شامل مدیران و مسئولین بخش‌های پذیرش بیماران بین‌الملل بیمارستان‌های خصوصی و دولتی شهر مشهد و همچنین مدیران شرکت‌های گردشگری سلامت، مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این صنعت استخراج گردیده. در گام دوم با بهره‌گیری از پرسش‌نامه و با کمک روش SWOT نظرات کارشناسان و خبرگان این صنعت در خصوص نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای استخراج شده، دریافت و تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در میان عوامل داخلی پایین بودن هزینه‌های خدمات گردشگری و درمانی بزرگ‌ترین نقطه قوت و ضعف در تبلیغات و بازاریابی بزرگ‌ترین نقطه ضعف محسوب می‌شود. از بین عوامل خارجی نیز، وجود بارگاه امام رضا (ع) بزرگ‌ترین فرصت و وجود رقابتی بزرگ و چالش‌های اساسی با کشورهای عربی و غربی از بزرگ‌ترین تهدیدها به شمار می‌آید. همچنین با توجه به بیشتر بودن نقاط ضعف این صنعت از نقاط قوت و بیشتر بودن فرصت‌ها از تهدیدها، توسعه صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد باید از طریق استراتژی بازنگری دنبال شود.

کلیدواژه‌ها: گردشگری سلامت، زنجیره تأمین، SWOT.

msadati@um.ac.ir

*نویسنده مسئول:

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۸

صفحات: ۶۷-۱۰۲

۱- مقدمه

گردشگری سلامت از به هم پیوستن دو شاخه بسیار پر درآمد گردشگری و خدمات درمان به وجود آمده است (Vafanoush, 2014, p.9). سازمان جهانی گردشگری، گردشگری سلامت را چنین تعریف می‌کند: «استفاده از خدماتی که به بهبود یا افزایش سلامتی و افزایش روحیه فرد با استفاده از آب‌های معدنی، آب‌وهوا یا مداخلات پزشکی منجر می‌شود و در مکانی خارج از محل سکونت فرد و بیش از ۲۴ ساعت به طول می‌انجامد» (Salmani, 2013, p.20).

بنابراین، سلامت می‌تواند به‌عنوان یک عامل در تصمیم‌گیری افراد به خارج از کشور، البته به دلایل مختلف، مورد توجه قرار گیرد. یکی ممکن است برای جراحی‌های ویژه، درحالی که دیگری ممکن است فقط برای استراحت و کسب آرامش سفر کند (Hui & Wan, 2009, p.110). یانگ و همکاران، انگیزه گردشگران سلامت برای دریافت مراقبت‌های بهداشتی در خارج از منطقه سکونت خود را تحت تأثیر عوامل بسیاری از جمله هزینه، زمان، قوانین و مقررات، ترجیحات پزشکی و در دسترس بودن خدمات، کیفیت، گردشگری اوقات فراغت و در دسترس بودن اطلاعات می‌دانند (Wong et al., 2014, p.1).

پیش‌بینی می‌شود که رشد سلامتی، به‌اصطلاح سلامتی و یا رونق پیشگیری، "قدرت اقتصادی" جدیدی باشد. این مسئله به خاطر محدودیت کمتر، پتانسیل نوآوری بالاتر و تمرکزی به وجود آمده است که بر روی مشتریان و خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها قرار گرفته است (Hofer et al., 2012, p.60). از طرف دیگر در شرایطی که فقر سلامتی از بزرگ‌ترین مشکلات در کشورهای در حال توسعه است، گردشگری سلامت می‌تواند یک راه حل باشد (Bookman & Bookman, 2007, p.7).

شهر مشهد در هر دو بخش گردشگری سلامت یعنی گردشگری و سلامت، دارای پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل زیادی است. در بخش گردشگری وجود هتل‌ها، مهمان‌پذیرها، بازارها، مراکز بازدید، فضاهای بازی، مجتمع‌های آبی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل مانند فرودگاه، راه‌آهن، مترو و ... به‌عنوان یک سیستم ساختاریافته می‌تواند گردشگر سلامت را به خود جذب کند. در بخش درمان نیز وجود پزشکان حاذق، کادر درمانی متبحر، مراکز درمانی مجهز، بیمارستان‌های تخصصی و فوق تخصصی و انجام پیچیده‌ترین اعمال جراحی مطابق با علم روز می‌تواند مهم‌ترین ظرفیت‌ها در این زمینه به شمار آید.

با این وجود، موانع و چالش‌هایی در مسیر توسعه گردشگری سلامت در شهر مشهد وجود دارد که مانع دستیابی این شهر به جایگاه شایسته خود در ایجاد اشتغال، ارزش افزوده و ارزآوری شده است؛ بنابراین تحلیل علمی چالش‌ها و فرصت‌های این صنعت و اتخاذ استراتژی‌های واقع‌بینانه متناسب با نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود گامی ضروری در جهت توسعه گردشگری سلامت در شهر مشهد

به شمار می‌رود. اگرچه مطالعات تجربی تاکنون از جنبه‌های مختلف به مسئله گردشگری سلامت پرداخته‌اند، این مقاله با رویکردی متفاوت و از دیدگاه زنجیره تأمین، صنعت گردشگری سلامت را تحلیل کرده است. بدین منظور ابتدا از طریق مصاحبه‌های عمیق با خبرگان صنعت گردشگری سلامت شامل مدیران و مسئولین بخش‌های پذیرش بیماران بین‌الملل در بیمارستان‌های خصوصی و دولتی شهر مشهد و همچنین مدیران شرکت‌های گردشگری سلامت، مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این صنعت استخراج گردیده است. سپس با بهره‌گیری از پرسش‌نامه و با کمک روش SWOT نظرات کارشناسان و خبرگان این صنعت در خصوص نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای استخراج شده، دریافت و تجزیه و تحلیل شده است.

۲- ادبیات موضوع

۲.۱. مبانی نظری

صنعت گردشگری مانند بسیاری از صنایع، خدمات خود را از رهگذر پیوند زنجیره‌ای از فعالیت‌های مکمل تدارک دیده و در اختیار گردشگران قرار می‌دهد. در حال حاضر در کشور، صنایع و خدمات متعددی را می‌توان برشمرد که فعالیت اصلی آن‌ها به‌نوعی با تدارک بخشی از حلقه‌های زنجیره تأمین صنعت گردشگری سلامت مرتبط است. صنعت هواپیمایی، شرکت‌های حمل و نقل ریلی، بیمارستان‌های مختلف و مراکز خدمات درمانی، صنعت هتلداری و ... هر یک در حوزه‌ای خاص به متقاضیان خود خدمات می‌دهند. با این حال با نگاهی اجمالی به این صنایع می‌توان دریافت که در وضع موجود اولاً فعالیت اکثر آن‌ها به‌طور تخصصی بر صنعت گردشگری متمرکز نشده و گردشگران تنها بخشی از تقاضای پیش روی این شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند. ثانیاً در پاسخگویی به تقاضای گردشگران این صنایع به‌تنهایی قادر به تهیه و تدارک همه حلقه‌های زنجیره تأمین بخش گردشگری نیستند. حال آنکه لازمه توسعه صنعت گردشگری تأمین و عرضه بسته کاملی از خدمات مرتبط با این صنعت شامل هتل، امکانات حمل و نقل، مجموعه‌های تفریحی، خدمات بانکی و ... به گردشگران است و عدم توجه به هر یک از اجزای این بسته می‌تواند با کاهش رضایتمندی و مطلوبیت سفر از حجم تقاضای گردشگران بکاهد.

زنجیره تأمین گردشگری به‌عنوان شبکه‌ای از سازمان‌های گردشگری درگیر در فعالیت‌های مختلف اعم از تأمین اجزاء مختلف خدمات گردشگری مانند پرواز و محل اقامت تا توزیع و بازاریابی محصول نهایی گردشگری در یک مقصد خاص گردشگری تعریف شده است و شامل طیف گسترده‌ای از شرکت‌کنندگان در هر دو بخش خصوصی و عمومی است. تاپر و فونت، زنجیره تأمین گردشگری را

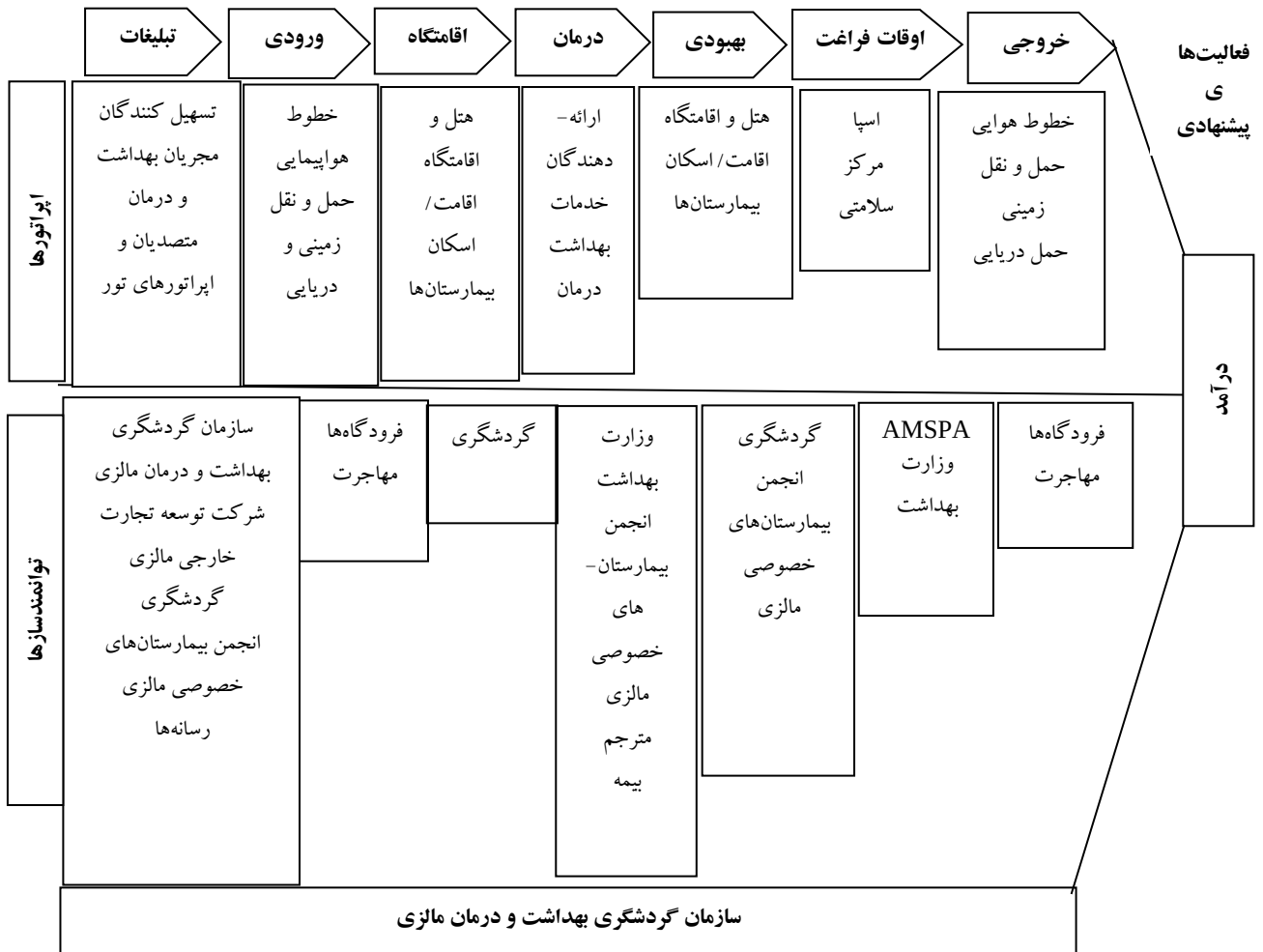
به‌عنوان زنجیره‌ای تعریف می‌کنند که در برگیرنده تأمین‌کنندگان تمامی کالاها و خدماتی است که به ارائه محصولات گردشگری به مصرف‌کنندگان می‌پردازند (Zhang et al., 2009, p.347).

پنگ، سو و چن، نشان می‌دهند که زنجیره تأمین گردشگری متشکل از مجموعه سازمان‌ها و نهادهایی مانند تأمین‌کنندگان حمل‌ونقل، فروشگاه‌های سوغات، آژانس‌های مسافرتی، بخش‌های دولتی و ... است که کالا و خدمات را به گردشگران عرضه می‌کنند. چن، معتقد است زنجیره تأمین گردشگری مداوم و ماندگار نیست؛ چراکه خواسته‌ها و مطالبات مشتریان متفاوت و سیری‌ناپذیر است. این ویژگی و خصوصیت درواقع این صنعت را خاص و ویژه می‌سازد، از این حیث که تأمین‌کنندگان متفاوت از بخش‌های مختلف محصولات و خدمات عرضه می‌کنند (Lee & Fernando, 2015, p.149).

دغدغه و اهمیت کلیدی مدیریت زنجیره تأمین، به رسمیت شناختن وابستگی متقابل اعضا در زنجیره تأمین و ایجاد استراتژی‌هایی است که ادغام بهینه پیوندهای مختلف و متعدد را پشتیبانی می‌کند؛ به عبارت دیگر، مدیریت زنجیره تأمین یک رویکرد سیستمی به خود می‌گیرد، زنجیره تأمین را به‌عنوان یک کل در نظر می‌گیرد و بر نیاز به ادغام پیوندهای مختلف زنجیره تأکید می‌کند (Zhang et al., 2009, p.347). همچنین اهمیت همکاری در زنجیره تأمین در بسیاری از مطالعات تأکید شده و بیان شده که نتایج دو جانبه و متقابلاً سودمندی می‌تواند از طریق همکاری استراتژیک از روابط زنجیره تأمین ایجاد شود (Lee & Fernando, 2015, p.150).

صنعت گردشگری سلامت زنجیره‌ای از خدمات و فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد که با هم پیوند افقی یا پیوند عمودی دارند، بنابراین برای شناخت بهتر این صنعت، باید کل این زنجیره را تحلیل کرد. بدیهی است ضعف هر یک از اجزای این زنجیره امکان بهره‌مندی از فرصت‌های این صنعت را از بین می‌برد. زنجیره تأمین گردشگری سلامت^۱ شبکه‌ای از نهادها و سازمان‌هایی است که منابع مالی، توزیع خدمات پزشکی، مدیریت اطلاعات مرتبط و امور مالی از تولیدکنندگان به نقاط ارائه خدمات پزشکی را سازماندهی می‌کنند (Lee & Fernando, 2015, p.149). از آنجا که ساختار این صنعت بسیار رقابتی است، چارچوب زنجیره تأمین برای شناسایی فعالان کلیدی صنعت به‌منظور تعیین استراتژی بسیار مهم است. نمودار زیر با بهره‌گیری از تجربه کشور مالزی، زنجیره تأمین صنعت گردشگری سلامت را نمایش می‌دهد.

¹ MTSC



نمودار (۱): زنجیره تأمین صنعت گردشگری سلامت (Noorainie et al., 2011, p.67)

با توجه به نمودار (۱)، هفت فعالیت اصلی و عمده زنجیره تأمین شناسایی و توسط محققان در این چارچوب زنجیره تأمین گردشگری سلامت ارائه شده که عبارتند از:

- **تبلیغات:** متصدیان اصلی این فعالیت، تسهیل‌کنندگان بهداشت و درمان و نمایندگان تور هستند. این عاملان در مالزی بیمارستان‌های خصوصی و یا عوامل تعیین شده از سوی بیمارستان‌ها هستند.
 - **ورودی:** فعالیت ورودی به‌عنوان حرکت ورودی بیماران خارجی به مالزی تعریف شده است که حمل‌ونقل زمینی، دریایی و هوایی به‌عنوان بازیکنان کلیدی آن به شمار می‌روند. توانمندساز برای فعالیت ورودی، اداره مهاجرت است.
 - **اسکان:** گردانندگان اصلی، هتل‌ها، استراحتگاه‌ها و اسکان بیمارستان‌ها هستند. توانمندساز پیشنهاد شده گردشگری مالزی است.
 - **درمان:** فعالان کلیدی این بخش، ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی هستند.
 - **بهبود یا بازیابی:** پس از درمان و یا در زمان پیگیری درمان، بیماران خارجی ممکن است تمایل به تجدیدقوا و نیرو گرفتن در هتل‌ها و یا استراحتگاه داشته باشند. توانمندساز پیشنهادی انجمن بیمارستان‌های خصوصی مالزی است.
 - **اوقات فراغت:** بیماران می‌توانند از امکانات سلامتی موجود مانند چشمه‌های معدنی و مرکز سلامتی استفاده کنند. توانمندساز این قسمت انجمن اسپای مالزی و وزارت بهداشت است.
 - **خروجی:** بازیگران اصلی تا زمانی که بیماران خارجی به شهر خود برگردند، حمل‌ونقل هوایی، دریایی و زمینی هستند. توانمندساز برای فعالیت خروجی نیز اداره مهاجرت است.
- هسته و توانمندساز اصلی:** در طول این چارچوب زنجیره تأمین، هسته و توانمندساز اصلی انجمن گردشگری سلامت مالزی است. انجمن گردشگری سلامت مالزی انجمنی است که به‌منظور ارتقاء، توسعه و بهبود خدمات بهداشتی و درمانی تأسیس شده است و نقطه کانونی یا کانال بین ارائه‌دهندگان دولت و ارائه‌دهندگان خدمات بهداشت و درمان خواهد بود (Noorainie et al., 2011, pp.65-67).

۲.۲. پیشینه تحقیق

کنل (۲۰۰۶)، در مقاله خود به این مسئله می‌پردازد که در دهه گذشته تلاش برای رسیدن به سلامت بهتر در تعطیلات، از طریق آرامش، ورزش و یا بازدید از چشمه‌های معدنی، با ظهور گردشگری پزشکی پدید آمده است. وی همچنین به بیان برخی از اشکال اولیه گردشگری (چشمه-های معدنی، ورزش‌هایی مانند گلف، دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی، کوهنوردی و ...) می‌پردازد که به‌طور مستقیم افزایش سلامت و رفاه را هدف قرار می‌دهند. حتی اخیراً گردشگران در جستجوی یوگا و مدیتیشن سفر می‌کنند.

جانسون و گارمن (۲۰۱۰)، در پژوهش خود به تخمین بالاترین و پایین‌ترین تعداد از مسافران پزشکی داخل و خارج از آمریکا و ارزش این خدمات پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین ۱۰۳۰۰۰-۴۳۰۰۰۰ خارجی به آمریکا وارد شده‌اند و بین ۱۲۱۰۰۰-۵۰۰۰۰ آمریکایی به خارج از آمریکا برای مراقبت‌های پزشکی سفر کرده‌اند. با وجود از دست دادن و فقدان خالص در تعداد گردشگران پزشکی که برای درمان وارد آمریکا می‌شوند، مازاد تجاری برای سفرهای پزشکی می‌تواند تا یک میلیارد دلار باشد. این مسئله نشان می‌دهد که به خاطر هزینه‌های متوسط بالاتر هر بیماری که به آمریکا سفر می‌کند اثر حاصل شده بر صادرات هنوز در آمریکا مثبت است.

داون و پال (۲۰۱۱)، در مطالعه خود مزایای رقابتی گردشگری پزشکی هند را هزینه‌های پایین و شهرت زیاد در بخش بهداشت و درمان عنوان کردند. همچنین مشکلات اصلی پیش روی صنعت را عدم ابتکار عمل دولت، فقدان تلاش برای ترویج و ارتقاء صنعت، نبود مکانیسم مجوز رسمی برای بیمارستان‌ها و فقدان سیاست قیمت‌گذاری یکنواخت و استاندارد بیان کردند.

ریکافرت (۲۰۱۱)، به بررسی عوامل مؤثری که بیماران بین‌المللی، بیمارستان‌های تایلند را به‌عنوان مقصد گردشگری پزشکی انتخاب می‌کنند، پرداخت. وی بیان کرد که سازمان گردشگری تایلند در حال راه‌اندازی یک کمپین بازاریابی الکترونیکی است که هم تعداد گردشگران پزشکی و هم به‌طور متوسط، زمانی را که گردشگران در تایلند باقی می‌مانند را افزایش خواهد داد. این مسئله به دیگر کسب‌وکارهای مرتبط با بخش گردشگری مانند هتل‌ها، چشمه‌های معدنی و رستوران‌ها کمک خواهد کرد.

نورنی و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهش خود به بیان عملکرد سازمان گردشگری بهداشت و درمان مالزی در توسعه صنعت گردشگری سلامت پرداختند. در این پژوهش، روش کسب اطلاعات، مصاحبه بوده است. نمونه مورد مطالعه تشکیل شده است از: ۴ نمایندگی سازمان‌های دولتی و وزارتخانه، ۱ انجمن و ۷ بیمارستان خصوصی در دره کلانگ و پوتراجایا که به‌عنوان مروج گردشگری سلامت در این کشور شناسایی شده‌اند. در مجموع ۱۲ سازمان شناسایی شدند که شامل سازمان‌های خصوصی و عمومی بوده‌اند. ایشان همچنین به ارائه چارچوب مناسب زنجیره ارزش برای صنعت گردشگری سلامت مالزی پرداختند.

آلتین و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی به بیان این مسئله پرداختند که ترکیه دارای پتانسیل بسیار زیادی برای گردشگری سلامت به همراه مکان‌های جغرافیایی، آب‌وهوا، منابع حرارتی، زیبایی‌های طبیعی و کارکنان پزشکی واجد شرایط است.

جورلینا و ویدا (۲۰۱۴)، به‌منظور کشف سطح و حجم اقامت، بهبود و توسعه گردشگری سلامت در اوسییک-بارانجا و برای تعیین اینکه آیا پتانسیل‌های اقتصادی در منطقه وجود دارد پژوهشی انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که محدوده قابل توجهی برای بهبود بیشتر این بخش در اوسییک-بارانجا وجود دارد که توسعه شهرستان و منطقه اصلی کروات را تشویق می‌کند.

لنگوینین (۲۰۱۴)، در مقاله خود به ارائه تغییر الگوها در بخش گردشگری سلامت نسبت به تغییرات گردشگری، به‌طور کلی گردشگری برای مقاصد شخصی، کسب‌وکار، سلامت و تفریح می‌پردازد. وی همچنین به تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای از داده‌های ثانویه از جمله آمار تشکیلات اقتصادی خدمات گردشگری سلامت، تعداد کارکنان، نرخ اشتغال، مشخصات مشتری، طول مدت اقامت و ارزیابی خدمات گردشگری سلامت می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد ویژگی‌های تغییر گردشگری سلامت در لیتوانی می‌تواند توسط عوامل بازار گردشگری و توسط دولت لیتوانی برای موقعیت‌یابی این کشور به‌عنوان تأمین‌کننده گردشگری سلامت استفاده شود.

شهزاد خان و شریفول عالم (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با ذکر موانع گردشگری پزشکی در عربستان سعودی که عبارتند از: نادیده گرفتن گردشگری پزشکی توسط دولت و بخش خصوصی، فرآیندهای دشوار ویزا، اسناد و مدارک، بازاریابی نامناسب، همکاری ضعیف بین اپراتورهای تور پزشکی و واحدهای پزشکی، اطلاعات ناکافی و ... به ارائه راه‌حل‌هایی از جمله: شناسایی حوزه‌های خاص برای گردشگری پزشکی، شناسایی جامعه هدف، سیاست‌گذاری و مسائل قانونی آسان و سیستماتیک، همکاری‌های بین-المللی بیشتر، استفاده گسترده از اطلاعات سلامت مبتنی بر اینترنت و سلامت-الکترونیک پرداخته‌اند.

نورهایلا و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهش خود به دنبال کشف ادراک بیماران بین‌المللی در مالزی، کشف رضایت بیماران، ارزش دریافت شده و مقصد آینده برای تکرار درمان بوده‌اند. روش جمع‌آوری داده پرسش‌نامه بوده که پنج بُعد از گردشگری پزشکی در مالزی شامل بیمارستان و کارکنان، عامل کشور، ترکیب گردشگری و خدمات سلامت، صرفه‌جویی در هزینه و بیمه و عدم دسترسی به درمان شناسایی شدند. از این تعداد، بیمارستان و کارکنان مهم‌ترین عامل برای بیماران و احساس ارزش، رضایت کلی و قصد درمان در آینده در سطح بالایی مشاهده شده است.

یون یانگ و همکاران (۲۰۱۵)، به بررسی اثر نیازهای گردشگران برای تجربه درمان بر روی عملکردهای رفتاری برای تحول و دگرگونی با مشارکت بهبودی به‌عنوان یک واسطه و میانجی از دیدگاه تحول اقتصادی پرداختند و از دو زیرسازه تحول (به‌عنوان مثال انتخاب محصولات و قصد و نیت بهبودی)

استفاده کردند. یک نظرسنجی از بازدیدکنندگان در مراکز و استراحتگاه‌های بهبود و سلامتی در کره انجام دادند. ۳۸۳ پرسشنامه به‌منظور بررسی روابط فرض شده در این مطالعه با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون انجام شد. نتایج روابط فرض شده را تأیید کرده است: اثرات مثبتی بین نیازهای گردشگران برای تجربه درمان و عملکردهای رفتاری برای تحول و دگرگونی وجود دارد و نقش واسطه در روابط بین این دو قابل توجه است.

عربشاهی کریزی و آریان فر (۲۰۱۲)، در مقاله خود چهار مقوله مهم گردشگری سلامت شامل چشمه‌های آب گرم و آب‌های معدنی، گنبد‌های نمکی، طبیعت‌گردی (اکوتوریسم) و توریسم پزشکی با تأکید بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های ایران در هر مقوله را مورد تحلیل و بررسی قرار دادند.

ابراهیم زاده و همکاران (۲۰۱۳)، با بهره‌گیری از مدل SWOT و فرایند سلسله مراتبی AHP، به بررسی تطبیقی ظرفیت‌های گردشگری سلامت ایران و هند پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که در هند، نمره وزنی نقاط قوت ۳.۶ با بازدهی و راندمان بالا و نمره وزنی نقاط ضعف ۲.۸ با بازدهی پایین است. همچنین، نمره وزنی فرصت‌ها و تهدیدها به ترتیب ۳.۶ و ۳.۴ است. نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در ایران به ترتیب ۳.۸، ۳.۵، ۳.۸ و ۱.۴ با نرخ بالایی از بهره‌وری ارزیابی شده است.

تقوایی و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی به مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری سلامت اشاره کردند. این عوامل عبارتند از قیمت، کیفیت، تفاوت‌ها و غیره.

۳- روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کاربردی و از نظر روش، تحلیلی-توصیفی است. هدف از این پژوهش بررسی و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد و همچنین ارائه راهکارهای توسعه صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد با توجه به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها است. اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش به‌منظور استخراج نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها با کمک ترکیبی از روش‌های زیر گردآوری شده است:

الف) مطالعه پیشینه تحقیق، اسناد و منابع موجود شامل طرح‌های تحقیقاتی، گزارش‌های کارشناسی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مرتبط با موضوع.

ب) انجام مصاحبه عمیق با خبرگان و مسئولین واحدهای فعال در زمینه گردشگری سلامت در بیمارستان‌ها و شرکت‌های گردشگری سلامت در شهر مشهد.

جامعه آماری این تحقیق را افراد خبره در صنعت گردشگری سلامت و شرکت‌های فعال در صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد و همچنین بیمارستان‌هایی تشکیل می‌دهند که در شهر مشهد قرار داشته و دارای واحدی با وظیفه هماهنگی امور گردشگری سلامت باشند. طبق تحقیقات انجام شده، در حال حاضر تعداد ۱۴ شرکت در عرصه گردشگری سلامت در شهر مشهد مشغول به فعالیت هستند که عبارتند از: شرکت‌های علاج گردشگر رضوی، سیب سبز سلامت، کاج نقره‌ای، لیان کاوان، ایرانیان بهبود سیر سینا، پویندگان سلامتی ققنوس، بهراد سلامت توس آسایش، فراهم درمان کارینا، صحت سیاحت آسیا گشت، آبنوس طب توس، نیکان‌درمان آسمان کویر، شفا فردوس، درمان‌مهر خاوران، سینا مهر بهار تندرستی. علاوه بر این در مجموع از میان کل بیمارستان‌های دولتی و خصوصی دایر در شهر مشهد، تنها ۸ بیمارستان دارای واحدی با وظیفه هماهنگی امور گردشگری سلامت هستند که عبارتند از: مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی امام رضا (ع)، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی قائم (عج)، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی دکتر شیخ، بیمارستان دکتر شریعتی، بیمارستان فوق تخصصی رضوی، بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی مهر، بیمارستان و زایشگاه خصوصی بنت‌الهدی، بیمارستان و زایشگاه سینا.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند است. از بین جامعه آماری حدود ۹ مصاحبه با مسئولین بخش‌های پذیرش بیماران بین‌الملل در بیمارستان‌های مهر، رضوی، بنت‌الهدی، امام رضا (ع)، قائم (عج) و شرکت‌های گردشگری سلامت سیب سبز سلامت، لیان کاوان و کاج نقره‌ای و با مسئول مدیریت و برنامه‌ریزی گردشگری پژوهشکده گردشگری صورت گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه و روش SWOT انجام شده است. بدین منظور پس از استخراج نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها به دو روش ذکر شده فوق از ماتریس SWOT استفاده شد. به‌طور خلاصه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مراحل زیر انجام شده است:

- تنظیم پرسشنامه پس از جمع‌آوری داده‌ها و ارسال آن‌ها برای ۳۰ نفر خبره و کارشناسان در صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد برای ارزیابی عوامل داخلی و خارجی؛ (البته ۲۴ پرسشنامه برگشت داده شد).
- تنظیم ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE^1) مؤثر بر صنعت گردشگری سلامت شهر مشهد؛
- تنظیم ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE^1) مؤثر بر صنعت گردشگری سلامت شهر مشهد؛

¹ Internal Factors Evaluation Matrix

- اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر صنعت گردشگری سلامت شهر مشهد بر اساس مدل SWOT؛
 - تنظیم ماتریس SWOT؛
 - تدوین استراتژی‌های مناسب برای صنعت گردشگری سلامت شهر مشهد بر اساس مدل SWOT.
- تجارت و کسب‌وکار خواهان و درصدد بقا، پیشرفت و موفقیت است. برای تحقق بخشیدن به نتایج این چینی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مدیریت مستلزم اطلاعات در مورد عملیات کسب‌وکار و شرایطی است که آن را احاطه کرده است؛ چنین اطلاعاتی مبنای تصمیم‌گیری‌های تجاری است که ممکن است اتخاذ شود. به دست آوردن یک دیدگاه از بازار و موقعیت رقابتی کسب‌وکار از طریق نظارت بر محیط کسب‌وکار آن، امکان‌پذیر است. اگر چنین فعالیتی انجام نشود، ریسک در کسب‌وکار افزایش می‌یابد تا جایی که بقای آن به مخاطره می‌افتد (Pickton & Wright, 1998, p.102). همچنین در فرآیند خود ارزیابی برای توسعه برنامه‌ریزی استراتژیک، این امر متداول است که از یک ابزاری که از دنیای کسب‌وکار می‌آید (تجزیه و تحلیل SWOT)، استفاده کنیم (Romero-Gutierrez et al., 2016, p.42).
- مدیریت استراتژیک باید شامل تدوین، اجرا و ارزیابی استراتژی باشد که توسط یک تجزیه و تحلیل SWOT از محیط داخلی و خارجی گزارش شده باشد. کاتلر یک فهرستی برای ارزیابی نقاط قوت و ضعف در رابطه با سهم بازار بسط و توسعه داد، اما این رویکرد تنها یک توصیف از ویژگی‌های موجود در شرکت، بدون ارائه بینش به مسائل مهم و چالش‌های فرا روی آن را ثمر داد. تجزیه و تحلیل استراتژیک SWOT فراتر از تجزیه و تحلیل وضعیت ساده، برای تمرکز بر روی اقداماتی حرکت می‌کند که مجموعه پویاتری از واکنش‌ها توسط مدیریت برای چالش‌های متعدد و فرصت‌های پیش روی آن‌ها را فراهم می‌سازد (Carlsen & Andersson, 2011, p.84).
- منشأ تجزیه و تحلیل SWOT در دهه ۱۹۵۰ توسط دو فارغ‌التحصیل مدرسه کسب‌وکار دانشگاه هاروارد، جورج آلبرت اسمیت و رولاند کریستنسن بود که موفقیت‌های زیادی به‌عنوان یک ابزار مدیریت به دست آورد. شاید بهترین و شناخته شده‌ترین موفقیت در این زمینه در دهه ۱۹۸۰ پدید آمد، زمانی که جک ولش از جنرال الکتریک، SWOT را برای تجزیه و تحلیل استراتژی‌های جنرال الکتریک اجرا کرد. امروزه، بسیاری از شرکت‌های بزرگ از تجزیه و تحلیل SWOT استفاده می‌کنند (Duarte et al., 2006, p.234).

تجزیه و تحلیل SWOT بررسی نقاط قوت و ضعف داخلی یک سازمان، فرصت‌های آن برای رشد و توسعه و بهبود و ارائه تهدیدات محیط خارجی برای بقای آن است (Harrison, 2010, p.92). به‌طور خاص، SWOT یک مدل اولیه و صریح است که ارزیابی می‌کند آنچه را که یک کسب و کار می‌تواند انجام دهد و آنچه را که نمی‌تواند انجام دهد و همچنین فرصت‌ها و تهدیدات بالقوه آن را ارزیابی می‌کند. روش تجزیه و تحلیل SWOT برای گرفتن اطلاعات از یک تجزیه و تحلیل محیطی آن را به مسائل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و مسائل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) تفکیک می‌کند. پس از تکمیل این تفکیک، تجزیه و تحلیل SWOT به شرکت کمک می‌کند در تعیین اینکه چه عواملی را باید در رسیدن به اهدافش به کار برد و چه موانعی را باید بر آن فائق آید یا به حداقل رساند (Ommani, 2011, p.9448).

تجزیه و تحلیل SWOT در پی شناسایی نقاط قوت و ضعف در سازمان و فرصت‌ها و تهدیدات در محیط است. پس از شناسایی این عوامل، استراتژی‌هایی که ممکن است بر ایجاد نقاط قوت، از بین بردن نقاط ضعف، بهره‌برداری از فرصت‌ها و یا مقابله با تهدیدها ایجاد شود، توسعه می‌یابد. نقاط قوت و ضعف توسط ارزیابی داخلی سازمان و فرصت‌ها و تهدیدها توسط ارزیابی خارجی مشخص می‌شوند (Dyson, 2004, p.632). به‌طور کلی، استراتژی باید نقاط قوت و فرصت را به حداکثر برساند و نقاط ضعف و تهدیدات را به حداقل برساند. ماتریس SWOT به‌طور منطقه‌ای، تدوین استراتژی‌ها را پشتیبانی می‌کند. چهار نوع استراتژی استنتاج می‌شود که عبارتند از:

- ۱- استراتژی SO: حالت ایده آل، استراتژی استفاده از نقاط قوت داخلی برای کسب فرصت‌های خارجی؛
- ۲- استراتژی ST: استراتژی‌ای که با استفاده از نقاط قوت داخلی، اثرات تهدیدات خارجی را کاهش دهد؛
- ۳- استراتژی WO: استراتژی‌ای که ضعف‌های داخلی را برای کسب فرصت‌های خارجی کاهش دهد؛
- ۴- استراتژی WT: استراتژی اجتناب از تهدیدات خارجی به‌وسیله کاهش ضعف‌های داخلی (Rauch et al., 2015, p.90).

۵- نتایج پژوهش

با توجه به هدف و روش پژوهش، پس از انجام مصاحبه، پرسشنامه و استفاده از روش SWOT نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات به شرح ذیل است.

تنظیم ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

در این قسمت با توجه به جدول ماتریس ارزیابی عوامل داخلی، عوامل داخلی صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جدول (۱)، جدول ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

صنعت گردشگری سلامت است که شامل ۴ ستون است. ستون اول این جدول لیست مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف این صنعت را بیان می‌کند که این لیست از طریق مصاحبه عمیق جمع‌آوری شده است. داده‌های جمع‌آوری شده در ستون اول این جدول (عوامل داخلی اولویت‌دار) ارائه شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری به‌صورت پرسشنامه برای ۳۰ نفر خبره و کارشناس در حوزه گردشگری سلامت در شهر مشهد فرستاده شد. خبرگان و کارشناسان این عوامل را یک‌بار از نظر ضریب اهمیت و یک‌بار از نظر رتبه ارزیابی کردند که نتایج آن در ستون دوم (ضریب اهمیت) و ستون سوم (رتبه) ارائه شده است. ستون چهارم نیز از ضرب ستون دوم و سوم به دست آمده که امتیاز نهایی عامل را نشان می‌دهد. ارقام ارائه شده در ستون دوم و سوم و چهارم جدول برآیند نظر تمام خبرگان و کارشناسان است.

جدول (۱): نمایش ماتریس ارزیابی عوامل داخلی در صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد

عوامل داخلی اولویت‌دار	ضریب اهمیت (۰-۱)	رتبه (۱-۴)	امتیاز = ضریب اهمیت × رتبه
نقاط قوت:			
۱. برخورداری از زیرساخت‌های فیزیکی (حمل‌ونقل، اماکن اقامتی، هتل‌ها ...)	۰.۰۴۹۵۲۹	۳.۰۴۱۶۶۷	۰.۱۵۰۶۴۹
۲. برخورداری از زیرساخت‌های درمانی (بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و تشخیصی مجهز)	۰.۰۵۸۴۰۹	۳.۳۳۳۳۳۳	۰.۱۹۴۶۹۷
۳. پایین بودن نسبی هزینه‌های ارائه خدمات گردشگری و خدمات درمانی در مقایسه با قیمت‌های جهانی	۰.۰۴۹۰۶	۳.۴۱۶۶۶۷	۰.۱۶۷۶۲۳
۴. برخورداری از تنوع در ارائه خدمات در زمینه‌های مختلف پزشکی (در زمینه‌های نازایی، زیبایی، جراحی قلب و ...)	۰.۰۴۴۴۳۱	۳.۲۹۱۶۶۷	۰.۱۴۶۲۵۱
۵. برخورداری از دانش پزشکی روز در عرصه‌های مختلف پزشکی	۰.۰۵۰۵۶۶	۳.۲۵	۰.۱۶۴۳۴۱
۶. وجود پزشکان حاذق و کادر درمان متبحر	۰.۰۵۶۳۳۶	۳.۲۹۱۶۶۷	۰.۱۸۵۴۳۸
۷. وجود پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری سلامت	۰.۰۴۱۲۵۶	۲.۹۵۸۳۳۳	۰.۱۲۲۰۴۹
نقاط ضعف:			
۱. عدم وجود سند جامع و بالادستی	۰.۰۵۰۷۰۳	۱.۴۵۸۳۳۳	۰.۰۷۳۹۴۱

۰.۰۷۱۱۸۹	۱.۳۳۳۳۳۳	۰.۰۵۳۳۹۲	۲. عدم وجود یک متولی خاص برای مدیریت یکپارچه گردشگری سلامت
۰.۰۷۳۱۱۸	۱.۴۵۸۳۳۳	۰.۰۵۰۱۳۸	۳. عدم هماهنگی بین کسب و کارهای مرتبط با صنعت (مانند آژانس‌های مسافرتی، هتل‌ها و اماکن اقامتی، بیمارستان‌ها و ...)
۰.۰۷۳۶۳۷	۱.۴۱۶۶۶۷	۰.۰۵۱۹۷۹	۴. فعالیت دلالتان، واسطه‌ها، افراد غیرحرفه‌ای و عدم نظارت بر عملکرد آن‌ها
۰.۰۷۹۳۶۸	۱.۵۸۳۳۳۳	۰.۰۵۰۱۲۷	۵. مشخص نبودن جایگاه بخش خصوصی و عدم مشارکت ذی‌نفعان مدیریت گردشگری سلامت
۰.۰۸۰۷۹	۱.۵۸۳۳۳۳	۰.۰۵۱۰۲۵	۶. ضعف زیرساخت‌ها (حمل و نقل و هتل، اقامت و ...)
۰.۰۸۳۹۵۹	۱.۵۴۱۶۶۷	۰.۰۵۴۴۶	۷. ضعف در ارائه تسهیلات به بیماران بین‌المللی (صدور ویزا، بیمه‌های درمان، خدمات بانکی و ...)
۰.۰۶۹۸۹۹	۱.۴۵۸۳۳۳	۰.۰۴۷۹۳۱	۸. عدم ارائه خدمات مطابق با استانداردهای جهانی
۰.۰۶۷۹۷۹	۱.۲۹۱۶۶۷	۰.۰۵۲۶۲۹	۹. ضعف در تبلیغات و بازاریابی
۰.۰۷۷۳۷۷	۱.۵۴۱۶۶۷	۰.۰۵۰۱۹۱	۱۰. کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده و مسلط به زبان‌های خارجی (عربی، انگلیسی و ...)
۰.۰۶۲۶۸۵	۱.۵۴۱۶۶۷	۰.۰۴۰۶۶	۱۱. عدم استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مختلف گردشگری سلامت مثل چشمه‌های آبگرم، طب سنتی، آب‌های معدنی، نمک درمانی و مناطق دارای آب‌وهوای مناسب
۰.۰۶۶۷۳۷	۱.۳۷۵	۰.۰۴۸۵۳۶	۱۲. بازار محدود به کشورهای همسایه و همسایه ایران، با قدرت خرید و هزینه کرد پایین
۰.۰۷۰۹۳۸	۱.۴۵۸۳۳۳	۰.۰۴۸۶۴۳	۱۳. فقدان پاسخگویی مناسب به بیماران پس از درمان، تکریم بیمار
۲.۰۸۲۶۶۵		۱	جمع نمره
یادآوری:			
• اگر جمع کل نمره ماتریس، بیشتر از ۲/۵ باشد، نقاط قوت داخلی صنعت بیش از نقاط ضعف آن خواهد بود. • اگر جمع کل نمره ماتریس، کمتر از ۲/۵ باشد، نقاط ضعف داخلی صنعت بیش از نقاط قوت آن خواهد بود.			

(منبع: یافته‌های تحقیق)

با توجه به جدول (۱)، از دید خبرگان و کارشناسان و از نظر ضریب اهمیت در نقاط قوت، بیشترین ضریب اهمیت را برخورداری از زیرساخت‌های درمانی دارد. وجود پزشکان حاذق و کادر درمان متبحر دومین ضریب اهمیت را دارد و درنهایت وجود پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری کمترین ضریب اهمیت را داراست. در بین نقاط ضعف، بیشترین ضریب اهمیت را ارائه تسهیلات به بیماران بین‌المللی دارد، وجود یک متولی خاص در مقام دوم قرار گرفته و درنهایت استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گردشگری سلامت کمترین ضریب اهمیت را دارد.

در ستون رتبه، رتبه ۱ بیانگر ضعف اساسی، رتبه ۲ ضعف کم، رتبه ۳ بیانگر نقطه قوت پایین و رتبه ۴ نشان‌دهنده قوت بسیار بالای عامل مورد بحث است. از دید خبرگان و کارشناسان در بین نقاط قوت، پایین بودن هزینه‌های ارائه خدمات گردشگری و درمانی، بالاترین نقطه قوت صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد در حال حاضر محسوب می‌شود. برخورداری از زیرساخت‌های درمانی در جایگاه دوم قرار گرفته است. وجود پزشکان حاذق و کادر درمان متبحر و برخورداری از تنوع در ارائه خدمات درمانی در جایگاه سوم قرار گرفته‌اند. وجود پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری نیز پایین‌ترین نقطه قوت موجود است. در بین نقاط ضعف، ضعف در تبلیغات و بازاریابی بالاترین نقطه ضعف است. عدم وجود یک متولی خاص، بازار محدود به کشورهای همسایه ایران، با قدرت خرید و هزینه کرد پایین و فعالیت دلالتان، واسطه‌ها، افراد غیرحرفه‌ای و عدم نظارت بر عملکرد آن‌ها به ترتیب در جایگاه دوم و سوم و چهارم قرار گرفته‌اند. ستون چهارم امتیاز هر عامل را نشان می‌دهد که از ضرب ضریب اهمیت هر عامل در رتبه آن به دست آمده است. در مجموع، جمع امتیاز تمام عوامل (جمع اعداد ستون چهارم) برابر با عدد ۲۰۸۲ شده است. چون عدد به دست آمده کمتر از ۲/۵ است بیانگر این است که در حال حاضر نقاط ضعف داخلی صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد بیشتر از نقاط قوت داخلی آن است.

۵.۱. تنظیم ماتریس عوامل خارج

بر طبق روش پژوهش، پس از ارزیابی عوامل داخلی برای درک بهتر وضعیت صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد لازم است به ارزیابی عوامل خارجی نیز پرداخته شود. برای ارزیابی عوامل خارجی از جدول ماتریس ارزیابی عوامل خارجی استفاده شده است. جدول (۲)، جدول ماتریس ارزیابی عوامل خارجی است که مانند جدول ماتریس ارزیابی عوامل داخلی شامل ۴ ستون است. ستون اول این جدول لیست مهم‌ترین عوامل خارجی صنعت گردشگری سلامت را بیان می‌کند که این لیست شبیه ستون اول جدول (۱) از طریق مصاحبه جمع‌آوری شده است. ارقام ارائه شده در ستون دوم و سوم، برآیند نظر تمام

خبرگان و کارشناسان است که از پرسشنامه استخراج شده است. ستون دوم ضریب اهمیت این عوامل که عددی بین صفر و یک است و ستون سوم رتبه این عوامل که عددی از ۱ تا ۴ است را نشان می‌دهد. عدد ۱ نشان دهنده یک تهدید بزرگ، عدد ۲ یک تهدید جزئی، عدد ۳ یک فرصت جزئی و عدد ۴ یک فرصت بزرگ است.

جدول (۲): نمایش ماتریس ارزیابی عوامل خارجی در صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد

عوامل خارجی اولویت‌دار	ضریب اهمیت (۰-۱)	رتبه (۱-۴)	امتیاز = ضریب اهمیت × رتبه
فرصت‌ها:			
۱. وجود بارگاه حضرت امام رضا (ع)	۰.۰۵۷۷۳۹	۳.۸۷۵	۰.۲۲۳۷۳۹
۲. افزایش تقاضا و تمایل برای دریافت خدمات درمانی در جهان و کشورهای همسایه	۰.۰۵۲۵۸۸	۳.۶۲۵	۰.۱۹۰۶۳۱
۳. کمبود عرضه خدمات سلامت در کشورهای همسایه و نیاز مبرم به دریافت این خدمات	۰.۰۵۰۶۶۸	۳.۵۸۳۳۳	۰.۱۸۱۵۶۱
۴. وجود باورهای مثبت در جهان و کشورهای همسایه در مورد توانمندی‌ها و قابلیت‌های نظام خدمات پزشکی و پزشکان ایران	۰.۰۵۰۴۳۳	۳.۵	۰.۱۷۶۵۱۷
۵. تجانس و شباهت فرهنگی و زبانی با کشورهای همسایه و محیط فرهنگی مناسب برای کشورهای مسلمان	۰.۰۵۳۰۷۳	۳.۶۶۶۶۷	۰.۱۹۴۶۰۲
۶. وجود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوان طبیعی و علمی در گردشگری سلامت و همچنین میراث فرهنگی در زمینه طب سنتی و اسلامی	۰.۰۴۴۲۸۲	۳.۲۵	۰.۱۴۳۹۱۸
۷. جاذبه‌های گردشگری طبیعی، فرهنگی، تاریخی و ...	۰.۰۴۴۶۲۵	۳.۳۷۵	۰.۱۵۰۶۰۹
۸. شرایط آب‌وهوایی مطلوب و گوناگون (چهار فصل بودن)	۰.۰۴۴۰۹	۳.۳۷۵	۰.۱۴۸۸۰۳
۹. نزدیکی جغرافیایی به آسیای مرکزی، خاورمیانه و کشورهای عربی	۰.۰۵۳۵۴۹	۳.۶۲۵	۰.۱۹۴۱۱۶
۱۰. تمایل بخش خصوصی به فعالیت و سرمایه‌گذاری در این صنعت (به علت سودآور بودن)	۰.۰۴۴۷۰۷	۲.۸۷۵	۰.۱۲۸۵۳۲
۱۱. وجود قوانین آزاد پزشکی در ایران که در	۰.۰۴۹۹۳۹	۳.۲۰۸۳۳	۰.۱۶۰۲۲۱

			کشورهای همسایه وجود ندارد
			تهدیدها:
۰۰۷۵۱۸۸	۱.۳۳۳۳۳	۰۰۵۶۳۹۱	۱. وجود رقبای بزرگ در منطقه و ورود رقبای جدید به بازار
۰۰۷۰۵۱۳	۱.۴۵۸۳۳۳	۰۰۴۸۳۵۲	۲. ناامنی سیاسی در ایران از دیدگاه گردشگران خارجی به دلیل تبلیغ‌های نادرست رسانه‌های غربی
۰۰۷۰۵۵۶	۱.۳۳۳۳۳	۰۰۵۲۹۱۷	۳. اختلاف و چالش‌های بزرگ با کشورهای غربی و عربی همسایه
۰۰۸۱۰۹۹	۱.۵	۰۰۵۴۰۶۶	۴. عدم بینش درست مدیران و سیاستگذاران نسبت به صنعت گردشگری سلامت
۰۰۷۲۳۱۴	۱.۴۱۶۶۶۷	۰۰۵۱۰۴۵	۵. عدم کنترل، نظارت و حمایت از این صنعت
۰۰۷۴۱۲۲	۱.۵۴۱۶۶۷	۰۰۴۸۰۷۹	۶. عدم تمایل به سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران خارجی، به دلیل فقدان و عدم شفافیت فرایند قانونی جذب و درمان بیماران خارجی
۰۰۷۴۵۴۵	۱.۵۸۳۳۳۳	۰۰۴۷۰۸۱	۷. بی‌ثباتی قیمت‌ها و نرخ ارز
۰۰۷۲۲۷۸	۱.۶۲۵	۰۰۴۴۴۷۹	۸. افزایش هزینه تجهیزات پزشکی مدرن و در نتیجه افزایش هزینه‌های تشخیصی و درمانی
۰۰۷۵۶۸۲	۱.۴۵۸۳۳۳	۰۰۵۱۸۹۶	۹. وجود موانعی که دولت‌های اطراف برای شهروندان خود برای ورود به ایران به قصد گردشگری سلامت ایجاد کرده‌اند.
۲.۵۵۹۵۴۶		۱	جمع نمره
یادآوری: • اگر جمع کل نمره ماتریس، بیشتر از ۲/۵ باشد، فرصت‌های محیطی سازمان بیش از تهدیدهای محیطی آن خواهد بود. • اگر جمع کل نمره ماتریس، کمتر از ۲/۵ باشد، تهدیدهای محیطی سازمان بیش از فرصت‌های آن است.			

(منبع: یافته‌های تحقیق)

از دید خبرگان و کارشناسان، از جنبه ضریب اهمیت، از بین فرصت‌ها، وجود بارگاه امام رضا (ع) بالاترین ضریب اهمیت را دارد. سپس نزدیکی جغرافیای به بازارهای آسیای مرکزی، خاورمیانه و کشورهای عربی در جایگاه دوم قرار گرفته و در نهایت شرایط آب‌وهوایی مطلوب کمترین اهمیت را دارد.

از جنبه رتبه، وجود بارگاه امام رضا (ع) بزرگ‌ترین فرصت در صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد است و پس از آن تجانس و شباهت فرهنگی و زبانی با کشورهای همسایه در جایگاه دوم قرار گرفته و در نهایت تمایل بخش خصوصی به فعالیت و سرمایه‌گذاری کمترین فرصت محسوب می‌شود.

از بین تهدیدها، از نظر ضریب اهمیت، به ترتیب وجود رقابتی بزرگ در منطقه، عدم بینش درست مدیران و سیاست‌گذاران نسبت به صنعت و اختلاف و چالش‌های بزرگ با کشورهای غربی و عربی جایگاه اول، دوم و سوم را دارند. از نظر رتبه، بزرگ‌ترین تهدید وجود رقابتی بزرگ در منطقه است و چالش‌های بزرگ با کشورهای غربی و عربی تهدید دوم است. نهایتاً، افزایش هزینه تجهیزات پزشکی مدرن و در نتیجه افزایش هزینه‌های تشخیصی و درمانی کوچک‌ترین تهدید محسوب می‌شود.

ستون سوم امتیاز هر عامل است که از ضرب ضرایب اهمیت و رتبه هر عامل به دست آمده است. در نهایت جمع امتیاز تمام عوامل (جمع اعداد ستون چهارم) برابر با عدد ۲.۵۵ شده است. چون عدد به دست آمده بیشتر از ۲/۵ است بیانگر این است که در حال حاضر فرصت‌های محیطی بیشتر از تهدیدهای محیطی در صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد است.

۵.۲. تدوین استراتژی

برای تدوین استراتژی ابتدا باید مشخص کرد که در چه ناحیه استراتژیکی قرار گرفته‌ایم و سپس به تدوین استراتژی پرداخت. بر حسب اینکه ارزیابی و تحلیل ما از عوامل داخلی و عوامل خارجی به چه صورت باشد، موقعیت ما در صنعت مورد نظر در چارچوب شکل زیر می‌تواند در یکی از چهار بخش راهبرد بازنگری، راهبرد تهاجمی، راهبرد تدافعی و راهبرد رقابتی قرار گیرد.

بررسی نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات و اعداد به دست آمده از جدول ارزیابی عوامل داخلی (۲۰۸۲) و جدول ارزیابی عوامل خارجی (۲.۵۵) نشان می‌دهد در حال حاضر وضعیت صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد از میان ۴ راهبرد فوق، در موقعیت ۱ قرار گرفته که به آن راهبرد بازنگری می‌گویند. در شکل (۳)، علامت ستاره نشان‌دهنده موقعیت ما در صنعت گردشگری سلامت برای اعمال استراتژی‌های مورد نظر است؛ بنابراین در ناحیه‌ای قرار گرفته‌ایم که باید بر روی استراتژی‌های بازنگری (استراتژی‌های WO) تمرکز کرد؛ یعنی استراتژی‌هایی که ضعف‌های داخلی را برای کسب فرصت‌های خارجی کاهش دهد.

جدول (۳): نمایش ماتریس داخلی و خارجی ۴ خانه‌ای

نمره نهایی ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

		ضعیف		قوی	
		۱	۲/۵	۴	
نمره نهایی ماتریس ارزیابی عوامل خارجی	قوی	۱ راهبرد بازنگری	۲ راهبرد تهاجمی		
	ضعیف	۳ راهبرد تدافعی	۴ راهبرد رقابتی		
		۱	۲/۵	۴	

(منبع: یافته‌های تحقیق)

پس از مشخص شدن موقعیت ما در صنعت گردشگری سلامت اکنون با کمک جدول (۴) به تدوین استراتژی‌های مورد نظر خواهیم پرداخت.

جدول (۴): ماتریس نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای (SWOT) ارتقاء یافته

عوامل داخلی	نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)
عوامل خارجی	۱- پایین بودن نسبی هزینه‌های ارائه خدمات گردشگری و خدمات درمانی در مقایسه با قیمت‌های جهانی ۲- وجود پزشکان حاذق و کادر درمان متبحر ۳- برخورداری از تنوع در ارائه خدمات در زمینه‌های مختلف پزشکی (در زمینه نازایی، زیبایی، جراحی قلب و ...) ۴- برخورداری از زیرساخت‌های درمانی (بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و تشخیصی مجهز) ۵- برخورداری از دانش پزشکی روز در عرصه‌های مختلف پزشکی ۶- برخورداری از زیرساخت‌های فیزیکی (حمل و نقل، اماکن اقامتی، هتل‌ها و ...) ۷- وجود پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری سلامت	۱- ضعف در تبلیغات و بازاریابی ۲- عدم وجود یک متولی خاص ۳- بازار محدود به کشورهای همسایه و همسایه ایران، با قدرت خرید و هزینه کرد پایین ۴- فعالیت دلالتان، واسطه‌ها، افراد غیرحرفه‌ای و عدم نظارت بر عملکرد آن‌ها ۵- عدم وجود سند جامع و بالادستی ۶- عدم هماهنگی بین کسب و کارهای مرتبط با صنعت ۷- عدم ارائه خدمات مطابق با استانداردهای جهانی ۸- فقدان پاسخگویی مناسب به بیماران پس از درمان، تکریم بیمار ۹- ضعف در ارائه تسهیلات به بیماران بین‌المللی ۱۰- کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده و مسلط به زبان‌های خارجی (عربی، انگلیسی و ...) ۱۱- عدم استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مختلف گردشگری سلامت ۱۲- ضعف زیرساخت‌ها (حمل و نقل و هتل، اقامت) ۱۳- مشخص نبودن جایگاه بخش خصوصی و عدم مشارکت ذی‌نفعان
	۱- استراتژی S6O4، اصلاح و نوسازی و زیرساخت‌های حمل و نقل ۲- استراتژی S6O4، ایجاد برندی به نام هتل-بیمارستان ۳- استراتژی S2O4، S2O6، برندسازی برای ایران در حوزه درمان ۴- استراتژی S2O6، اعزام (موقت) پزشک به کشورهای هدف گردشگری ۵- استراتژی S4O9، ایجاد ظرفیت‌های مناسب در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی	۱- استراتژی W5O11، طراحی و تدوین سند بالادستی و چشم‌انداز گردشگری سلامت ۲- استراتژی W2O11، تعیین یک متولی مشخص برای صنعت گردشگری سلامت ۳- استراتژی W12O4، اصلاح و نوسازی و زیرساخت‌های حمل و نقل ۴- استراتژی W12O4، ایجاد برندی به نام هتل-بیمارستان ۵- استراتژی W7O6، استانداردسازی و اعتباربخشی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ۶- استراتژی W10O6 آموزش نیروی انسانی
فرصت‌ها (O)	استراتژی (SO)	استراتژی (WO)
۱- وجود بارگاه امام رضا (ع) ۲- تجانس و شباهت فرهنگی و زبانی با کشورهای همسایه ۳- نزدیکی جغرافیایی به آسیای مرکزی، خاورمیانه و عرب ۴- افزایش تقاضا و تمایل برای دریافت خدمات درمانی در جهان و کشورهای همسایه ۵- کمبود عرضه خدمات سلامت در کشورهای همسایه ۶- وجود باورهای مثبت در جهان و		

۷- استراتژی $W_{11}O_9$، ارتقاء ظرفیت‌های گردشگری سلامت و استفاده بهینه از آن‌ها ۸- استراتژی W_3O_4، شناسایی بازارهای هدف و انطباق صنعت با نیازهای آن‌ها ۹- استراتژی $W_{13}O_{11}$، حضور فعال بخش خصوصی در کنار بخش دولتی ۱۰- استراتژی W_1O_9، تبلیغات بخش خصوصی و دولتی برای معرفی ظرفیت‌های گردشگری سلامت ۱۱- استراتژی W_3O_4، برقراری تعامل بیشتر با کشورهای همسایه و سایر کشورها ۱۲- استراتژی W_9O_1، ارائه یک بسته کامل خدمات به گردشگران سلامت		کشورهای همسایه در مورد توانمندی‌های نظام خدمات پزشکی و پزشکان ایران ۷- جاذبه‌های گردشگری طبیعی، فرهنگی، تاریخی و ... ۸- شرایط آب‌وهوایی مطلوب و گوناگون ۹- وجود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوان طبیعی و علمی در حوزه گردشگری سلامت و همچنین میراث فرهنگی در زمینه طب سنتی، اسلامی ۱۱- تمایل بخش خصوصی به فعالیت و سرمایه‌گذاری
استراتژی (WT) ۱- استراتژی W_5T_7، طراحی و تدوین سند بالادستی و چشم‌انداز گردشگری سلامت ۲- استراتژی W_2T_7، W_2T_6، تعیین یک متولی مشخص برای صنعت ۳- استراتژی W_4T_3، ایجاد مراکز معتبر و شرکت‌های گردشگری سلامت رسمی ۴- استراتژی W_4T_3، ایجاد Police Tourism برای نظارت بر دلالان و سودجویان ۵- استراتژی W_4T_3، تبلیغات برای آگاهی گردشگران سلامت از فرایند درمان تا سودجویان از ناآگاهی آن‌ها سوءاستفاده نکنند ۶- استراتژی W_1T_4، تبلیغات گسترده رسانه ملی در مورد امنیت داخلی ۷- استراتژی W_3T_2، بهبود روابط سیاسی با دول غربی و عربی ۸- استراتژی W_9T_1، اعطای تسهیلات به بیماران بین‌المللی	استراتژی (ST) ۱- استراتژی S_1T_8، S_1T_1، شفاف سازی هزینه‌های خدمات گردشگری و درمانی و حفظ برند هزینه‌های پایین ۲- استراتژی S_7T_3، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و حمایت از این صنعت	تهدیدات (T) ۱- وجود رقبای بزرگ در منطقه و ورود رقبای جدید به بازار ۲- اختلاف و چالش‌های بزرگ با کشورهای غربی و عربی همسایه ۳- عدم کنترل، نظارت و حمایت از اصنعت ۴- ناامنی سیاسی در ایران از دیدگاه گردشگران خارجی به دلیل تبلیغ‌های نادرست رسانه‌های غربی ۶- عدم بینش درست مدیران و سیاستگذاران نسبت به صنعت گردشگری سلامت ۷- عدم تمایل به سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران خارجی، به دلیل فقدان و عدم شفافیت فرایند قانونی جذب و درمان بیماران خارجی ۸- بی‌ثباتی قیمت‌ها و نرخ ارز

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

صنعت گردشگری سلامت مهم‌ترین زیر شاخه صنعت گردشگری است که دارای مزایای اقتصادی و اجتماعی بالاتری همچون افزایش اشتغال، ارزآوری و درآمدزایی نسبت به دیگر زیرشاخه‌ها است. شهر مشهد نیز دارای فرصت‌ها و ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فردی نسبت به سایر شهرهای دیگر کشور در حوزه گردشگری سلامت است اما به دلیل وجود چالش‌هایی در این صنعت هنوز به جایگاه اصلی خود نرسیده است. هدف بالفعل گردشگران در شهر مشهد زیارت است و هدف بالقوه آن‌ها درمان است و این توانایی دست‌اندرکاران این صنعت است که این هدف بالقوه را با برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، سازماندهی و استفاده از قابلیت‌ها و توانمندی‌های موجود، تبلیغات صحیح و غیره به بالفعل تبدیل کنند. امید است با تلاش مسئولان این امر محقق شود.

بنابراین هدف از این پژوهش استخراج نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد و ارائه استراتژی و راهکارهایی جهت توسعه و بهبود این صنعت است. برای رسیدن به این هدف، پس از مصاحبه عمیق با خبرگان این صنعت شامل مدیران و مسئولین بخش‌های پذیرش بیماران بین‌الملل بیمارستان‌های خصوصی و دولتی شهر مشهد و مدیران شرکت‌های گردشگری سلامت فعال در این صنعت در شهر مشهد، اطلاعات استخراج شد و از طریق پرسشنامه و روش SWOT، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که از بین عوامل داخلی پایین بودن هزینه‌های خدمات گردشگری و درمانی بزرگ‌ترین نقطه قوت و ضعف در تبلیغات و بازاریابی بزرگ‌ترین نقطه ضعف در صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد است. از بین عوامل خارجی نیز، وجود بارگاه امام رضا (ع) بزرگ‌ترین فرصت و وجود رقبای بزرگ و چالش‌های اساسی با کشورهای عربی و غربی از بزرگ‌ترین تهدیدها به شمار می‌آید. بر اساس نتایج این پژوهش با توجه به بیشتر بودن نقاط ضعف این صنعت از نقاط قوت و همچنین بیشتر بودن فرصت‌ها از تهدیدها، توسعه صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد باید از طریق استراتژی بازنگری دنبال شود؛ بنابراین در این قسمت با توجه به نتایج به دست آمده استراتژی و راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- طراحی و تدوین سند جامع و بالادستی و چشم‌انداز گردشگری سلامت (W₅T₇، W₅O₁₁) که در این سند جایگاه نهادهای مختلف و نقش و اختیارات بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی تعریف و مشخص گردد تا زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه کسب‌وکارهای مختلف

در حوزه گردشگری سلامت باشد. به دلیل اینکه هنوز یک سند بالادستی و یا برنامه جامع نه برای صنعت گردشگری و نه برای صنعت گردشگری سلامت به‌عنوان یک جزء وجود ندارد.

- تعیین یک متولی خاص (استراتژی W_2T_7 ، W_2T_6 ، W_2O_{11}) که وابستگی به هیچ سازمان و ارگانی نداشته باشد؛ برای مدیریت یکپارچه صنعت گردشگری سلامت تا این صنعت به‌صورت یک کل در نظر گرفته شود که دارای اجزاء مختلفی است و همه اجزاء با هماهنگی در کنار هم قرار گیرند. واقعیت امر این است که نه‌تنها در شهر مشهد بلکه در کل کشور برای صنعت گردشگری سلامت متولی خاصی وجود ندارد. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به لحاظ مبحث گردشگری ذی-مدخل است، وزارت بهداشت و درمان به‌عنوان متولی حوزه سلامت ذی‌مدخل است و سایر ارگان‌ها مثل وزارت امور خارجه، استانداری و ... نیز دخیل هستند. درعین حال توسعه این صنعت با مشارکت فعال تمامی نهادهای ذی‌ربط امکان‌پذیر است.
- سازمان‌دهی و نظارت بر دلالات (استراتژی W_4T_3) از طرق مختلف ازجمله: ایجاد مراکز معتبر گردشگری و شرکت‌های گردشگری سلامت رسمی و قدرتمند که بتوانند اعتماد گردشگران را جلب نمایند و بیماران را از مبدأ تا مبدأ همراهی کنند تا بیماران بین‌الملل در دام دلالات نیافتند، ایجاد سایت‌های معتبر و رسمی برای معرفی پتانسیل‌های گردشگری سلامت تا بیماران خارجی با مراکز درمانی از طریق این سایت‌ها آشنا شوند و از نحوه دسترسی به آن‌ها و خدماتی که ارائه می‌دهند، آگاهی یابند، ایجاد تعامل منطقی و عادلانه بین شرکت‌های گردشگری سلامت و مراکز درمانی که به‌محض پذیرش بیماران اقدامات لازم اعم از تشخیص و یا درمان طبی یا جراحی در کوتاه‌ترین زمان صورت گیرد تا بیماران سردرگم نمانند و باز در دام سودجویان گرفتار نشوند. درنهایت ایجاد Tourism Police برای نظارت بر دلالات می‌تواند مثمر ثمر باشد؛ به دلیل اینکه وجود دلالات آسیب-های جدی را به صنعت گردشگری سلامت وارد می‌کند.
- ایجاد و گسترش زیرساخت‌های حمل‌ونقل (استراتژی $W_{12}O_4$). شهر مشهد دارای امکانات و زیرساخت‌های گردشگری، اقامتی و حتی درمانی است. رشد هتل‌ها، مهمان‌پذیرها، آژانس‌های مسافرتی و رشد زیرساخت‌های حمل‌ونقل: راه‌آهن، مترو، فرودگاه بین‌المللی و غیره در شهر مشهد به‌عنوان یک سیستم ساختاریافته است که بیمار خارجی را جذب می‌کند. با این وجود، در زمینه حمل‌ونقل هوایی، از نظر تعداد پروازهایی که به شهر مشهد می‌شود و خطوط هوایی موجود ضعف وجود دارد. در زمان‌های خاص مثل ماه‌های آگوست و سپتامبر که در شهر مشهد تقاضا به اوج خود

می‌رسد، کمبود عرضه وجود دارد. در این زمینه خرید هواپیماهای جدید و متنوع از ضروریات اساسی است. حمل‌ونقل ریلی نیز که عمدتاً از ارزان‌ترین و ایمن‌ترین انواع حمل‌ونقل به شمار می‌رود، چندان توسعه نیافته و سن این ناوگان در کشور بسیار بالا است؛ بنابراین توسعه خطوط راه آهن و ارتقای سطح کیفی ارائه خدمات در آن‌ها از مهم‌ترین راهکارها به شمار می‌رود. همچنین مشکلات ترافیکی اطراف حرم وجود دارد که باید برطرف شود.

- ایجاد برندی به نام هتل-بیمارستان (استراتژی $W_{12}O_4$). بسیاری از هتل‌ها در سطح شهر مشهد آماده پذیرایی از گردشگر سلامت نیستند و امکانات و استانداردهای لازم برای بیمار خارجی را ندارند. هتل-بیمارستان یک برندی است که باید تمام امکانات هتلینگ را داشته باشد به علاوه امکانات بیمارستان شامل تخت طبی، ویلچر، پرستار و غیره که البته باید مطابق با استانداردهای جهانی باشد.
- برندسازی برای ایران در حوزه درمان (استراتژی S_2O_4 ، S_2O_6). در دوره زمانی نسبتاً طولانی به علت شرایط خاص حاکم علیه ایران به خصوص در فضای رسانه‌ای، تصویر روشنی از کشورمان ترسیم نمی‌شد که سبب تأثیر منفی در کل صنعت گردشگری کشور نیز شده است، اما در زمینه گردشگری سلامت از دیرباز نام و آوازه پزشکان ایرانی و تبحر آن‌ها سر زبان‌ها بوده است. همچنین پیوند آن‌ها با سابقه دیرینه ایرانیان در طب، سبب شده است که در کشورهای اطراف که یکی از بازارهای هدف فعال ایران محسوب می‌شود، نام ایران یک برند غیرقابل انکار باشد؛ اما غفلت از یک برند، سبب فراموشی آن شده و کم‌کم جایگزین‌هایی برای رده محصولات آن برند وارد بازار می‌شود. غفلت از این توان بالقوه و بالفعل سبب می‌شود کشورهای دیگر، عملاً نام کشورمان را از فهرست کشورهای ارائه‌دهنده خدمات گردشگری سلامت حذف کنند.
- استانداردسازی و اعتباربخشی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی (استراتژی W_7O_6). نظام پزشکی کشور و شهر مشهد، استانداردهای داخلی را رعایت می‌کنند، در صورتی که در این صنعت نیاز به استانداردهای بین‌المللی داریم تا مجامع بین‌المللی ما را به عنوان یک سیستم استاندارد بپذیرند. با استانداردهای داخلی به صنعت گردشگری سلامت داخل شده‌ایم و از الگوی داخلی برای بیمار خارجی استفاده می‌کنیم؛ به همین دلیل بازارهای ما در صنعت گردشگری سلامت محدود به بازارهای منطقه با سطح توقع پایین است.

هیچ‌کدام از مراکز درمانی کشور و شهر مشهد JCI¹ (معتبرترین استاندارد جهانی کیفیت خدمات درمانی در جهان) را ندارند، فقط بیمارستان رضوی ACI²، اعتباربخشی بین‌المللی کانادا را دارد. حال آنکه مراکز درمانی متعددی در کشورهای هند، ترکیه، تایلند، سنگاپور، عربستان، امارات متحده عربی و ... دارای این استانداردها هستند. به‌رحال اعتباربخشی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بر گردشگری سلامت تأثیر مستقیم دارد و دریافت استانداردهای بین‌المللی باعث ارائه خدمات با کیفیت به بیماران داخلی و خارجی، معتبر شناخته شدن بیمارستان‌ها و مراکز درمانی توسط سازمان‌های بین‌المللی، افزایش اعتماد بیماران در مبدأ و درنهایت منجر به حفظ و توسعه بازار خواهد شد.

- ایجاد ظرفیت‌های مناسب در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی (استراتژی S₄O₉). با توجه به اینکه بیمارستان‌ها مهم‌ترین بخش گردشگری سلامت هستند باید برای بالا رفتن راندمان کاری خود از جنبه‌های مختلف (امکانات فیزیکی بیمارستان، محل استقرار بیمارستان، امکانات و تجهیزات بیمارستان، نیروی انسانی متخصص در زمینه‌های مختلف پزشکی و غیره) مطابق با استانداردهای بین‌المللی شوند. ایجاد ظرفیت مناسب در بیمارستان‌ها و مراکز دولتی و خصوصی باعث جذب گردشگر سلامت بیشتر خواهد شد؛ به دلیل اینکه تمامی بیمارستان‌های بخش‌های دولتی و خصوصی در مشهد مورد توجه بیماران خارجی هستند.
- اعزام پزشک به خارج (استراتژی S₂O₆)، برای کمک به کشور در توسعه بخش گردشگری سلامت و بهبود تصویر آن به‌عنوان یک مقصد با کیفیت در گردشگری سلامت از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌علاوه این اقدام باعث تبلیغات و معرفی توانمندی‌های نظام پزشکی ما در کشورهای دیگر خواهد شد.
- آموزش نیروی انسانی و کارآمد (استراتژی W₁₀O₆). یکی از نقطه‌ضعف‌های ما در این صنعت کمبود نیروی انسانی آموزش دیده و کارآمد است، افرادی که توانایی برقراری ارتباط مناسب با بیماران بین‌المللی را داشته باشند. در بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شاهد هستیم که برخورد نیروی انسانی با بیمار خارجی همانند یا حتی بدتر از برخورد آن‌ها با بیمار داخلی است و به علت نا آشنا بودن با زبان آن‌ها امکان برقراری ارتباط با بیماران خارجی وجود ندارد تا بتوانند به‌طور صحیح به

¹ Joint Commission International

² Accreditation Canada International

آن‌ها خدمات مورد نیازشان را ارائه دهند و به این صورت باعث نارضایتی بیمار و از دست دادن آن‌ها می‌شوند؛ بنابراین آموزش نیروی انسانی، وجود مترجم و پزشکان، متخصصان، پرستاران آشنا به زبان انگلیسی و عربی و حتی مسلط به زبان محلی گردشگران سلامت یکی دیگر از راهکارها برای توسعه این صنعت به شمار می‌رود.

- ارتقاء ظرفیت‌های گردشگری سلامت (استراتژی W₁₁O₉). در شهر مشهد ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زیادی در زمینه گردشگری سلامت وجود دارد از جمله: چشمه‌های آب گرم و آب‌های معدنی، غارهای نمکی و طبیعت گردی (اکوتوریسم). چشمه‌های آب گرم و آب‌های معدنی دارای آثار و فواید درمانی بسیاری است. در اطراف مشهد، چشمه گرماب طاقانکوه (واقع در جاده سبزوار به نیشابور)، چشمه شاهان گرماب (واقع در دهکده شاهان گرماب در نزدیکی شهر مشهد)، چشمه گراب (واقع در جاده مشهد به نیشابور)، چشمه هجده پیر در منطقه مزدوران سرخس، چشمه ایوب در شمال بجنورد وجود دارد. غارهای نمکی نیز دارای قابلیت‌های درمانی به‌ویژه در زمینه بیماری‌های تنفسی و ریوی می‌باشند. در مشهد غار نمکسار (معدن نمک) در محدوده روستای گلبقرائی در مسیر جاده مشهد- تربت حیدریه وجود دارد. شهر مشهد در زمینه گردشگری طبیعت گردی نیز دارای پتانسیل‌هایی است؛ همچون مناطق خوش آب‌وهوا و ییلاق طرqbه، کنگ، شاندیز، جاغرق، غندر، عنبران، حصار، زشک، سد طرق، سد چالیدره، بند گلستان، کوهسنگی، باغ ملی، پارک ملت، غار مغان، غار دره آل، غار هندل آباد، آبشار اخلمد، سرزمین موج‌های آبی، پاک ساحلی ایرانیان و بسیاری جاهای تفریحی و دیدنی دیگر. متأسفانه با وجود دارا بودن چنین ظرفیت‌هایی در شهر مشهد، هیچ استفاده بهینه‌ای از آن‌ها نشده است؛ به دلیل اینکه زیرساخت‌های لازم جهت بهره‌برداری از آن‌ها توسعه نیافته است. به‌عنوان مثال در اطراف این چشمه‌ها اماکن و اقامتگاه‌هایی برای استفاده و سهولت دسترسی گردشگران سلامت به آن‌ها وجود ندارد. همچنین این ظرفیت‌ها در حد استانداردهای بین‌المللی نیستند تا بتوانند گردشگران خارجی را جذب کنند و تمایل به استفاده از این خدمات داشته باشند. حتی گردشگر و بیمار داخلی را هم جذب نمی‌کنند چه برسد به گردشگر خارجی؛ بنابراین نیاز به برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، فراهم کردن زیرساخت‌های لازم و تبلیغات در این زمینه وجود دارد تا آماده ارائه به بازار شود.
- حضور فعال بخش خصوصی در کنار بخش دولتی (استراتژی W₁₃O₁₁) می‌تواند نقش بسیار مؤثری در رونق صنعت گردشگری سلامت داشته باشد. در تمام نقاط موفق دنیا، دولت‌ها سیاست‌گذاری و

نظارت می‌کنند و بخش خصوصی اجرا می‌کند. به‌عنوان مثال در شهر مشهد بیمارستان‌های خصوصی که در این زمینه فعالیت می‌کنند بیمارستان رضوی، مهر، بنت‌الهدی و ... هستند که جزء سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در گردشگری سلامت در شهر مشهد محسوب می‌شوند. همچنین شرکت‌های گردشگری سلامت به‌عنوان تسهیل‌کنندگان در این حوزه در شهر مشهد وجود دارند. این شرکت‌ها وظیفه آوردن بیمار به مراکز درمانی داخل کشور^۱ و همچنین فرستادن بیمار به مراکز درمانی خارج کشور^۲ را دارند. دولت باید به شکل همه‌جانبه برای تسهیل حضور بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران این بخش فعالیت کند و از آن‌ها حمایت کند.

- ایجاد هماهنگی بین کسب‌وکارهای مختلف در صنعت گردشگری سلامت (استراتژی W_6T_6 ، W_6O_4). صنعت گردشگری سلامت باید از یک دیدگاه یکپارچه، به‌عنوان یک شبکه زنجیره تأمین گردشگری مورد نگرش قرار گیرد. در کشورهای پیشرو در صنعت گردشگری سلامت، ادغام‌های افقی به معنای همکاری مراکز درمانی با دیگر ارائه‌دهندگان خدمات گردشگری سلامت برای ارائه بسته‌های خدمات جذاب و متنوع به گردشگران سلامت به‌خوبی مشاهده می‌شود. در این ادغام‌ها بیمارستان‌ها با دیگر بازیگران و فعالان گردشگری سلامت مانند تورگردانان، هتل‌ها و مراکز اقامتی، شبکه‌های حمل‌ونقل و ... متحد شده‌اند تا بسته‌های خدماتی حداکثر ارزش‌افزوده را برای مشتری ایجاد کنند. متأسفانه در صنعت گردشگری سلامت در شهر مشهد بین کسب‌وکارهای مختلف هماهنگی وجود ندارد و هرکدام از اجزاء این زنجیره جداگانه و به‌صورت جزیره‌ای به فعالیت می‌پردازند؛ در صورتی که اهمیت همکاری در زنجیره تأمین و ایجاد هماهنگی بین کسب‌وکارهای مختلف در صنعت گردشگری سلامت در بسیاری از مطالعات تأکید شده است.
- ارائه یک بسته کامل خدمات به گردشگران سلامت (استراتژی W_9O_1). شهر مشهد یک بسته کامل است؛ هم زیارت هم سیاحت و هم درمان، اما متأسفانه در شهر مشهد این خدمات به‌صورت مدیریت یکپارچه و ساختاریافته نیست به علت اینکه یک متولی خاص وجود نداشته است؛ بنابراین اگر یک ساختار مشخصی وجود داشته باشد که شرکت‌های گردشگری سلامت یک بسته کامل خدمات برای بیمار ارائه کنند، به‌عنوان یک راهکار می‌تواند ثمربخش باشد. البته این شرکت‌ها باید تخصص این

^۱ Inbound

^۲ Outbound

کار را هم داشته باشند و نیروهای متخصصی داشته باشند که دارای اطلاعات پرواز، اطلاعات پزشکی، اطلاعات فنی و غیره باشند تا بتوانند به صورت کامل خدمات ارائه دهند.

- اعطای تسهیلات به بیماران بین‌المللی (استراتژی W_9T_1). اگر شرایط و امکانات لازم برای بیماران خارجی و همراهان آن‌ها فراهم نباشد باعث نارضایتی بیماران خارجی از خدمات ارائه شده خواهد شد و همچنین فرصتی که می‌تواند درآمد ارزی زیادی ایجاد کند را به تهدید تبدیل می‌کند. در ایران و همچنین شهر مشهد تسهیلات لازم برای ورود بیمار به کشور از جمله تسهیلات ویزای درمان، خدمات بانکی، بیمه‌های بین‌المللی وجود ندارد. به عنوان یک راهکار، ارائه یک ویزای درمان رایگان به بیماران خارجی می‌تواند مفید باشد. این ویزای درمان باید از طریق شرکت‌های گردشگری سلامت، پس از بررسی پرونده پزشکی بیمار ارائه شود تا فقط بیماران واقعی این ویزا را دریافت کنند.
- شفاف‌سازی هزینه‌های گردشگری و درمانی و حفظ برند هزینه‌های پایین (استراتژی S_1T_1 ، S_1T_8). گردشگری سلامت در ایران از چند جهت مقرون به صرفه بوده که از مهم‌ترین آن‌ها قیمت‌های پایین خدمات گردشگری و درمانی است. هزینه‌های درمان در شهر مشهد حتی نسبت به شهرهای دیگر کشور پایین‌تر است. قیمت و کیفیت دو عامل اصلی برای جذب گردشگران سلامت است. به عنوان یک راهکار برای حفظ برند قیمت‌های پایین باید اقدام به یکپارچه‌سازی و شفاف‌سازی قیمت‌ها کرد. اگر نرخ‌های درمان افزایش یابد با توجه به اینکه در حوزه درمان استانداردهای داخلی رعایت می‌شود، بیماران رغبتی به انتخاب ایران به عنوان یک مقصد گردشگری سلامت نشان نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند به مقاصد دیگر چون ترکیه، هند و ... سفر کنند؛ یعنی مقاصدی با همین قیمت‌ها اما با استانداردهای اروپایی.
- سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و حمایت از این صنعت (استراتژی $W_{13}O_{11}$ ، $W_{13}T_7$). دولت در توسعه گردشگری سلامت به عنوان یک تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نقش بسیار مهمی دارد. به عنوان یک راهکار همان‌طور که به صنایع دیگر اعتبارات و تسهیلات اعطا می‌شود، دولت می‌تواند برای توسعه صنعت گردشگری سلامت نیز تسهیلات و اعتبارات در نظر گیرد، به منظور جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، صنعت گردشگری سلامت را در کشور و سایر کشورها ترویج دهد. دولت می‌تواند برای سرمایه‌گذاران مشوق‌های مالیاتی برای فعالیت در این زمینه در نظر گیرد که این اقدامات باعث ارائه خدمات سلامت با کیفیت و حفظ قیمت‌های رقابتی و جذب هرچه بیشتر گردشگران سلامت خواهد شد.

- تبلیغات گسترده (استراتژی W_4T_3 ، W_1T_4 ، W_1O_9). یکی از ضعف‌های عمده و شدید ما در صنعت گردشگری سلامت تبلیغات و بازاریابی است. در حال حاضر نحوه بازاریابی بیشتر معرفی شخص به شخص است و هنوز از روش‌های سنتی و قدیمی در بازاریابی استفاده می‌شود که مبتنی بر دلالتان و واسطه‌هاست؛ بنابراین برای گسترش گردشگری سلامت به اطلاع‌رسانی قوی و تبلیغات خوبی در سطح بین‌المللی نیاز داریم که باید از طریق دولت و بخش خصوصی و فعالان این عرصه صورت گیرد. در این زمینه راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:
- راه‌اندازی یک پرتال دولتی برای معرفی و نمایش سطح پزشکی و درمانی کشور و همچنین معرفی خدمات گردشگری سلامت در کشور، ساخت فیلم‌ها و برنامه‌های متعدد از طریق رسانه ملی، ایجاد سایت‌های معتبر و جامع از طریق بخش خصوصی برای معرفی پتانسیل‌های درمانی و انواع خدمات در این زمینه به بیماران بین‌المللی و دسترسی آسان آن‌ها به اطلاعات، قیمت‌ها و گزینه‌ها، دعوت از آژانس‌های کشورهای دیگر برای بازدید از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، دعوت از رؤسای بخش‌ها و سازمان‌های مختلف (استانداری، وزیرای علوم، پارلمان بهداشت و درمان، بیمارستان‌ها ...) کشورهای همسایه و بازارهای هدف، شرکت فعال تمام بخش‌های زنجیره‌ای گردشگری (آژانس‌های مسافرتی، هتل‌ها، شرکت‌های گردشگری سلامت، دانشگاه علوم پزشکی، بیمارستان‌ها و ...) در نمایشگاه‌های بین‌المللی گردشگری، ارائه بنر، تیزر... در خطوط هوایی، هتل‌ها، آژانس‌های مسافرتی و ...، بازدید کاروان‌های زیارتی که به شهر مشهد مراجعه می‌کنند برای بالفعل کردن انگیزه بالقوه درمان در مشهد.

References

- Altin, U.; Bektas, G.; Antep, Z., & İrbana, A. (2012). The international patient's and marketing of Turkish, *Social and Behavioral Sciences*, 58, 1004-1007.
- Arabshahi Karizi, A., & Arianfar, M. (2012). Health tourism and medical therapeutic tourism potentials in Iran, *Journal of Tourism Space*, Third Year, (9), 113-151. (in Persian)
- Bookman, M. Z., & Bookman, K. R. (2007). *Medical tourism in developing countries*, palgrave macmillan, New York
- Carlsen, J., & Andersson, T. D. (2011). Strategic SWOT analysis of public, private and not-for-profit festival organizations, *International Journal of Event and Festival Management*, 2(1), 83-97.

Connell, J. (2006). Medical tourism: Sea, sun, sand and ... surgery, *Tourism Management*, 27, 1093-1100.

Dawn, S. K., & Pal, S. (2011). Medical tourism in India: issues, opportunities and deigning strategies for growth and development, *Zenith International Journal of Multidisciplinary Research*, 1(3), 185-202.

Duarte, C.; Lawrence, P. E.; Marilyn, M. H., & Anderson, M. S. (2006). The challenge of Venezuela: a SWOT analysis, *Competitiveness Review An International Business Journal Incorporating Journal of Global Competitiveness* 16(3/4), 233-247.

Dyson, R. G. (2004). Strategic development and SWOT analysis at the University of Warwick, *European Journal of Operational Research*, 152, 631–640

Ebrahimzadeh, I.; Sakhavar, N., & Taghizadeh, Z. (2013). A comparative study of health tourism potentials in Iran and India, *Journal of Subcontinent Researches University of Sistan and Baluchestan*, 5(15), 51-78. (in Persian)

Harrison, J. P. (2010). *Essentials of Strategic Planning in Healthcare, Health Administration Press*, Gateway to Healthcare Management; Third edition, Chapter 5: Strategic Planning and SWOT Analysis, 91-97.

Hofer, S.; Honegger, F., & Jonas, H. (2012). Health tourism: definition focused on the Swiss market and conceptualization of health (i) ness, *Journal of Health Organization and Management*, 26(1), 60-80.

Hui, T., & Wan, D. (2009). Health–Care tourism in Singapore, *Advances in Hospitality and Leisure*, 5, 109-123

Johnson, T. J., & Garman, A. N. (2010). Impact of medical travel on imports and exports of medical services, *Health Policy*, 98, 171-177.

Jurlina, M., & Vida, D. (2014). Development level of health tourism in Osijek- Baranja county, *Economy of Eastern Croatia Yesterday, Today, Tommorrow*, 2, 201-207.

Langviniene, N. (2014). Changing Patterns in the Health Tourism Services Sector in Lithuania, *Social and Behavioral Sciences*, 156, 310 – 316.

Lee, H. K., & Fernando, Y. (2015). The antecedents and outcomes of the medical tourism supply chain, *Tourism Management*, 46, 148-157.

Noorainie Saadiah, M. S.; Syed Jamal Abdul Nasir, S. M., & Siti Syairah Binti, T. (2011). Investigating critical success factors of value chain in health tourism industry in Maiaysia, *Business & Management Quarterly Review*, 2(3), 59-69.

Noor Hazilah, A. M.; Husnayati, H.; Puteri Nemie, J. K.; Rokiah, A., & Zainurin, D. (2015). Country perspective on medical tourism: The Malaysian experience, *Leadership in Health Services*, 28(1), 43 – 56.

Ommani, A. R. (2011). Strengths, weaknesses, opportunities and threats (SWOT) analysis for farming system businesses management: Case of wheat farmers of Shadervan District, Shoushtar Township, Iran, *African Journal of Business Management*, 5(22), 9448-9454.

Pickton, D. W., & Wright, S. (1998). What's SWOT in strategic analysis? *Strategic Change*, 7, 101-109.

Rauch, P.; Wolfsmayr, U. J.; Alexandru Borz, S.; Triplat, M.; Krajnc, N.; Kolck, M.; Oberwimmer, R.; Ketikidis, C.; Vasiljevic, A.; Stauder, M.; Mühlberg, C.; Derczeni, R.; Oravec, M.; Krissakova, I., & Handlos, M. (2015). SWOT analysis and strategy development for forest fuel supply chains in South East Europe, *Forest Policy and Economics*, 61, 87–94.

Ricafort, K. M. F (2011). *A study of influencing factors that lead medical tourists to choose Thailand hospitals as medical tourism destination*, Webster University, Thailand

Romero-Gutierrez, M.; Jimenez-Liso, M. R., & Martinez-Chico, M. (2016). SWOT analysis to evaluate the programme of a joint online/onsite master's degree in environmental education through the students' perceptions, *Evaluation and Program Planning*, 54, 41–49.

Salmani, L. (2013). *Medical tourism: business in health services*, Royan Pajouh, First Edition, Tehran.

Shahzad Khan., & Shariful Alam (2014). Kingdom of Saudi Arabia: A potential Destination for Medical Tourism, *Journal of Taibah University Medical Sciences* 9(4), 257-262.

Taghvaii, M.; Alizadeh Asl, J.; Khazrinejad, D., & Abbasi, S. (2014). Evaluation of factors affecting health tourism development, *First National Conference on Geography, Tourism, Natural Resources and Sustainable Development*, Tehran, Iranian Institute, Scientific Center Sustainable Tourism Planning and Development, University of Tehran. (in Persian)

Vafanoush, M. (2014). *A look at health tourism in Iran and the World*, Royan Pajouh, First Edition, Tehran.

Wong, K. M.; Peramarajan, V., & Tengku, N. T. A. (2014). Medical tourism destination SWOT analysis: A case study of Malaysia, Thailand, Singapore and India, *SHS Web of Conferences*, 12, 1-8.

Yeon Yang, J.; Paek, S.; Kim, T. (Terry), & Hee Lee, T. (2015). Health tourism: Needs for healing experience and intentions for transformation in wellness resorts in Korea, *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 27(8), 1881-1904.

Zhang, X.; Song, H., & Huang, G. Q. (2009). Tourism supply chain management: A new research agenda, *Tourism Management*, 30, 345-358.



Research Article

Vol. 30, No. 1, 2023, p. 103-139



Identification Concentrated Industrial Activities with Comparative Advantage Export and Determination of Target Markets

A. K. Hosseinpour ¹, A. Ahmadi ^{2*}

1- Department of Economics, Persian Gulf university of Bushehr, Bushehr, Iran.
2- PhD of International Economics

(* - Corresponding Author Email: atefe-ahmadi@stu.scu.ac.ir)
<https://doi.org/10.22067/erd.2023.80494.1164>

Received: 2023/01/08	How to cite this article: Hosseinpour, A. K., & Ahmadi, A. (2023). Identification Concentrated Industrial Activities with Comparative Advantage Export and Determination of Target Markets. <i>Economics and Regional Development Journal</i> , 30(1): 103-139. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2023.80494.1164
Revised: 2023/04/19	
Accepted: 2023/06/18	
Available Online: 2023/06/18	

1- INTRODUCTION

The expansion of trade among countries in recent years is one of the main reasons for economic growth. In order to achieve export development, it is necessary to use a principled and modern method to identify, determine and prioritize export target markets. In this regard, Bushehr province in the economic field (production, trade and services) with issues such as growth based on a single product and sector economy, weak technical and specialized knowledge in economic sectors, traditional production methods and lack of investment platforms in the sectors private and public aspect. Therefore, in the present research, in order to develop non-oil exports at the regional and national levels, by benefiting from the theories of comparative

advantage, the activities with comparative advantage in export in Bushehr province are identified.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Based on different theories in the field of comparative advantage, countries or regions being rich in resources cause countries (regions) to have a potential relative advantage for exporting manufactured goods related to resource abundance. Also, the export of goods should be based on the trade costs and market size of the target countries. Therefore, according to the proposed theories, the export of goods based on the comparative advantage and the concentration of companies in a geographical area, while enjoying the benefits of forming an industrial cluster, causes the organization of industries and the specialization of activities.

3- METHODOLOGY

In this research, the cluster index method is used to investigate the concentration of industrial activities in the province. Due to this issue comparative advantage is one of the key concepts in international trade theory, and also one of the indicators that has been widely used in this field is the Balasa Revealed Comparative Advantage Index. After identification of the concentrated activities through the Balasa index and Balasa symmetry, the concentrated industrial activities with relative export advantage are identified and then based on a series of indicators, the target countries of Bushehr province are prioritized by using the numerical taxonomy method.

4- RESULTS & DISCUSSION

In the recent research, by benefiting from the theories of comparative advantage and using indices such as cluster index, Balassa index and Balassa symmetry index, concentrated industrial activities were identified and then has been determined the activities with comparative advantage in exports in the years 2005 to 2019. In the following, considering the importance of non-oil export development based on five relative import

indicators, the number of countries participating in imports, the lack of advantage of the target country in product production, the average tariff and the distance between the target country and Bushehr province using the numerical taxonomy method of the most important markets were identified as the target of the selected product in the last statistical year (2021). According to the results obtained in the recent research, the activity of producing chemicals and chemical products has a relative advantage of export. Also, based on the final prioritization of the countries based on all the introduced indicators, it was determined that the countries of Turkmenistan, Tajikistan, Kyrgyzstan and Qatar are the most important target countries for the chemical products of Bushehr province, respectively, they have the first to fourth priority.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

Bushehr province has opportunities and strengths in various fields of oil, gas, petrochemicals, power plants, agriculture and fisheries, mines, nuclear facilities, marine industries, commercial activities and proximity to the Persian Gulf. The results of calculating the cluster index indicate that each city in Bushehr province has a series of concentrated activities. Each of these activities can be susceptible to the formation of industrial clusters with a more detailed investigation. The results obtained from the calculations of revealed and revealed symmetric relative advantage indicators based on the statistics of added value and export of activities also showed that among the concentrated activities susceptible to cluster formation in Bushehr province, the activity of coke production and oil refining products; production of chemicals and chemical products. The production of pharmaceuticals and chemical and herbal medicinal products has a relative advantage in export. In addition, the results of the prioritization of the target countries showed that the countries of Turkmenistan, Tajikistan, Kyrgyzstan and Qatar are the most important target countries for the chemical products of Bushehr province. According to these results, it is suggested:

1. It is possible to form an industrial cluster in the production of chemical substances and chemical products in Asaluyeh city.

2. Regional imbalances caused by the concentration of population and facilities in a province occur within a region, which are reduced by identifying and developing susceptible areas.

Keywords: Regional Planning, Comparative Advantage, Export, Cluster Index, Target Market.

شناسایی فعالیت‌های صنعتی متمرکز دارای مزیت نسبی صادرات و تعیین بازارهای هدف

عبدالکریم حسین پور

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه خلیج فارس بوشهر

عاطفه احمدی*

دکتری اقتصاد بین‌الملل

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.80494.1164>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

شناسایی مزیت نسبی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مختلف هر کشور امکان برنامه‌ریزی صحیحی را در اختیار برنامه‌ریزان اقتصادی قرار می‌دهد. در این راستا استان بوشهر به‌عنوان یک منطقه مستعد به لحاظ دارا بودن پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل در زمینه‌های مختلف در برخی فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های صنعتی دارای مزیت نسبی است. از این رو در پژوهش حاضر با بهره‌مندی از نظریه‌های مزیت نسبی و با استفاده از شاخص‌هایی چون شاخص خوشه، شاخص بالاسا و شاخص تقارن بالاسا فعالیت‌های صنعتی متمرکز شناسایی و سپس به تعیین فعالیت‌های دارای مزیت نسبی در صادرات در سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۸ پرداخته شده است. در ادامه با توجه به اهمیت توسعه صادرات غیر نفتی بر اساس پنج شاخص واردات نسبی، تعداد کشورهای سهم در واردات، عدم مزیت کشور هدف در تولید محصول، میانگین تعرفه و فاصله کشور هدف تا استان بوشهر با استفاده از روش تاکسونومی عددی مهم‌ترین بازارهای هدف محصول منتخب در آخرین سال آماری ۱۴۰۰ شناسایی شدند. نتایج حاصل شده نشان می‌دهد استان بوشهر از میان فعالیت‌های مختلف صنعتی متمرکز در فعالیت تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی دارای مزیت نسبی در صادرات است. همچنین نتایج تعیین اولویت بازارهای هدف در محصول مذکور نشان داد کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قطر به‌عنوان مهم‌ترین کشورهای هدف محصولات شیمیایی استان بوشهر به ترتیب دارای اولویت اول تا چهارم هستند.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مزیت نسبی، صادرات، شاخص خوشه، بازار هدف.

طبقه‌بندی JEL: R11, P52, F1

* نویسنده مسئول: atefe-ahmadi@stu.scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

صفحات: ۱۳۹-۱۰۳

مقدمه

گسترش تجارت در بین کشورها در سال‌های اخیر یکی از دلایل اصلی رشد اقتصادی شناخته شده و کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته که وارد چرخه تجارت جهانی شده‌اند به واسطه بهره‌مندی از مزایای تجارت جهانی توانسته‌اند در زمره کشورهای توسعه یافته قرار گیرند و رشدهای اقتصادی بالایی را تجربه کنند (Nili et al., 2020, p.341).

به دلیل وسعت بازارهای جهانی و تفاوت‌هایی که بین گروه‌های مصرف کننده و جوامع مختلف از نظر اجتماعی و اقتصادی وجود دارد، به منظور دستیابی به توسعه صادرات به کارگیری روش اصولی و مدرن در جهت شناسایی و تعیین و اولویت بندی بازارهای هدف صادراتی لازم است. چه بسا کشوری در تولید و صدور کالایی مزیت نسبی داشته باشد ولی شناخت ناکافی از بازارهای هدف صادراتی و موانعی که در این بازارها وجود دارد و یا همچنین ناآگاهی از قوانین و مقررات حاکم بر آنها، مانعی برای صدور مؤثرتر کالاها به بازارهای هدف شود. بر اساس تحلیل عملکرد تجارت خارجی کشور ایران با کشورهای مقصد عدم شناخت صحیح از بازارهای هدف یکی از مهم ترین مسائل در توسعه صادرات است (Iran Trade Promotion Organization, 2019, p. محوری ترین مباحث در تجارت بین الملل است که باعث می شود با آگاهی از شرایط عرضه و تقاضا، ترجیحات مصرف کنندگان، کمیت و تقاضای وارداتی، مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر این بازارها و ساختارهای متفاوت اجتماعی و فرهنگی آنها، راهبرد مناسب بازاریابی برای صدور کالاهای صادراتی مورد نظر اتخاذ شود.

در این راستا، در پژوهش حاضر در جهت توسعه صادرات غیرنفتی در سطوح منطقه‌ای و ملی با بهره‌مندی از نظریه‌های مزیت نسبی به شناسایی فعالیت‌های دارای مزیت نسبی در صادرات در استان بوشهر پرداخته می‌شود. استان بوشهر با وجود ویژگی‌های خاص زیست محیطی و اقلیمی دارای پتانسیل‌های بالایی در حوزه‌های مختلف است. این استان با دارا بودن موقعیت ویژه جغرافیایی طبیعی از جمله ساحل طولانی، دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی، مجاورت با کشورهای حاشیه خلیج فارس، منابع غنی فرآورده‌های دریایی، امکانات مربوط به پرورش آبزیان به ویژه میگو، وجود تأسیسات بندری مناسب، کشت وسیع نخیلات و تولید بیش از ۱۳۰ هزار تن محصول خرما، ذخایر و منابع غنی نفت و گاز در پارس جنوبی) بزرگ ترین میدان گازی جهان (وجود بزرگ ترین پایانه نفتی کشور در جزیره خارک، پالایشگاه گاز فجر جم و پتروشیمی جزیره خارک و ده‌ها واحد پالایشگاهی و پتروشیمی در حال احداث و وجود منابع غنی معدنی و جذابیت‌های گردشگری، از پتانسیل‌های اقتصادی و ثروت‌های طبیعی ارزشمندی برخوردار است (Zarei, 2018, p.

p.114). بر اساس سند آمایش سرزمین استان بوشهر، استان در تقسیم کار منطقه‌ای، نقش‌های مختلفی از جمله توسعه فعالیت‌های بازرگانی و ترانزیت کالا، تأمین نیازهای منطقه در بخش شیلات و ماهیگیری، بخش صنعتی و معدنی (صنایع غذایی، شیمیایی و فلزات اساسی)، تأمین منابع نفت و گاز و مشتقات آن و غیره دارد (Abbasi et al., 2019, p. 178). این در حالی است که این استان در حوزه اقتصادی (تولید، تجارت و خدمات) با مسائلی چون رشد متکی به اقتصاد تک‌محصولی و بخشی، ضعف دانش فنی و تخصصی در بخش‌های اقتصادی، سنتی بودن شیوه‌های تولید و فراهم نبودن بسترهای سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و عمومی مواجه است. این مسائل موجب بروز مشکلاتی نظیر تجمع سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و خدمات سطح پایین و تضعیف بخش‌های دیگر اقتصادی، پراکنش فضایی و تمرکز نامناسب صنایع به‌ویژه صنایع بزرگ در شهرستان بوشهر، کاهش تولیدات غیر نفتی و اتکا درآمدی استان به صنایع نفت و گاز، محدود بودن بازارهای هدف و پایین بودن کیفیت کالاهای صادراتی، راندمان پایین بخش‌های صنعتی، تولیدی خصوصی و عمومی، کوچک بودن مقیاس فعالیت و فقدان برنامه‌ریزی مدون در جهت فعال‌سازی بخش‌های موجود، فراهم نبودن محیط مناسب کسب و کار در مقیاس سرمایه‌گذاری محلی، ملی و خارجی و شکل نگرفتن حوزه‌های هم پیوند و صنایع بالادستی و پایین‌دستی در قالب خوشه‌های صنعتی در استان شده است. این موارد استان بوشهر را با چالش‌ها و تهدیدات مختلفی روبرو کرده است که می‌توان به مواردی چون ادامه روند اقتصاد تک‌محصولی و ناپایداری توسعه در استان، افزایش عدم تعادل فضایی در نظام اسکان و فعالیت، اقتدار، حاکمیت و مدیریت ناکافی و کم‌توان استانی بر حوزه بازار کار و محیط کسب و کار استان، ادامه روند عدم بهره‌مندی و بازگشت سرمایه‌های ناشی از توان‌های درونی استان به منابع استانی و جامعه محلی و ادامه نقش ضعیف مبادی ورودی و خروجی و بنادر بازرگانی و تجاری استان در جذب سرمایه و بازار هدف در مقابل رقبای منطقه‌ای اشاره نمود (Ahmadian & Abdullah, 2017, p.26-27). در این شرایط بررسی وضعیت رقابتی تولیدات داخلی استان در سطح بین‌الملل می‌تواند راهبردی در جهت رشد تولیدات مختلف صنعتی متناسب با مزیت نسبی استان و در نتیجه افزایش سهم بازار صادراتی به مسئولین ذی‌ربط ارائه دهد.

با توجه به این که بخش صنعت محرک اصلی رشد، توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی محسوب می‌شود. تمرکز بنگاه‌های صنعتی در یک حوزه جغرافیایی مزایایی برای تشکیل خوشه‌های صنعتی داشته که علاوه بر سازماندهی صنایع به هدفمند شدن و تخصصی‌تر شدن فعالیت‌ها کمک شایانی می‌نماید (Anvari, 2021, p.57). از این رو در این پژوهش جهت تقویت توان تولید و بهره‌گیری از پتانسیل‌های بالقوه در سطح استان

بوشهر با استفاده از شاخص خوشه فعالیت‌های صنعتی متمرکز شناسایی می‌شود. شناسایی این فعالیت‌ها امکان تخصصی‌سازی محصول را فراهم نموده و بازده کل و رقابت صنعتی را از طریق زنجیره‌های ارزش کسب و کار بهبود می‌بخشد. شناسایی فعالیت‌های مستعد خوشه که متناسب با ویژگی‌های هر منطقه صورت می‌گیرد مزیت پژوهش حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های مشابه است. در ادامه به تعیین مزیت‌های نسبی صادرات غیرنفتی استان بوشهر پرداخته می‌شود. در ادامه جهت توسعه صادرات فعالیت‌های منتخب مهم‌ترین بازارهای هدف با تمرکز بر استان بوشهر مشخص می‌شود.

از این‌رو پژوهش حاضر در ۵ بخش تنظیم شده است. بخش اول به مقدمه و بخش دوم به ارائه مبانی نظری و مطالعات انجام شده اختصاص یافته است. بخش سوم به روش تحقیق و معرفی متغیرهای مورد استفاده پرداخته شده و سپس در بخش چهارم و پنجم به ترتیب تحلیل نتایج و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری

توسعه اقتصادی با تغییرات گسترده در بسیاری از جنبه‌های اقتصاد یک کشور همراه شده است. جنبه‌ای که طی سالیان اخیر مورد توجه قرار گرفته، تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که با رسیدن کشورها به سطح بالاتری از رفاه مشاهده می‌شود. همزمان با توسعه، فعالیت‌های درون صنایع به سمت فعالیت‌های دارای ارزش افزوده بالاتر تغییر یافته و قادر می‌شوند با موفقیت در مجموعه گسترده‌ای از صنایع رقابت کنند (Ketels, 2015, p.2). از این‌رو، شناسایی مزیت نسبی فعالیت‌های اقتصادی در نواحی مختلف خصوصاً در مناطق دارای فعالیت‌های متمرکز، امکان ایجاد صرفه ناشی از تجمع اقتصادی و تخصیص بهینه منابع توسط سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را فراهم می‌کند. این امر می‌تواند به توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی دارای مزیت و تخصصی‌تر شدن آن‌ها کمک بسزایی نماید. مزیت نسبی منطقه‌ای می‌تواند منجر به تغییر تولیدات و مبادله تولیدکنندگان در مناطق شود. تولیدکنندگان می‌توانند از بازدهی بالای تخصیص کارای منابع و مصرف‌کنندگان نیز از انتخاب، کیفیت برتر و قیمت‌های پایین‌تر منتفع شوند. مزیت نسبی گواهی بر میزان کسب مبادلات منطقه‌ای است. این اندازه‌گیری و ارزیابی می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاری و توزیع مطلوبیت بهتر مزیت نسبی و افزایش رشد اقتصادی در آینده شود (Zhong et al., 2001, p.11). در این راستا در این بخش ابتدا به مفهوم فعالیت‌های صنعتی متمرکز و سپس به نظریه‌های مختلف پیرامون مزیت نسبی پرداخته می‌شود. در انتها نیز پیشینه پژوهش ارائه می‌شود.

فعالیت‌های صنعتی متمرکز: پشتوانه نظری پدیده خوشه شدن یا تجمع را برای اولین بار می‌توان در نظریات آلفرد مارشال^۱ یافت. مفهوم تجمع به تمرکز فضایی مردم و فعالیت‌های اقتصادی اطلاق می‌شود. بیش از یک از قرن پیش، آلفرد مارشال برای توجیه فعالیت‌های متمرکز شده از مفهوم صرفه‌های اقتصادی بیرونی استفاده کرد. مزایای تجمع منتج شده از سه دسته صرفه‌های مکانی است که این صرفه‌ها شامل بازار مشترک برای کارگران با مهارت و متخصص، دسترسی به دروندادها و خدمات تخصص یافته است. این سه مزیت ناشی از تمرکز مکانی هسته اصلی حاصله برای بنگاه‌های متمرکز شده در خوشه را با استفاده از مفهوم صرفه‌های تجمع توجیه نمودند (Barmaki, 2009, p. 38). نظریه خوشه نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که بخشی از خوشه تعریف شده جغرافیایی هستند، از فرصت‌های درون خوشه استفاده می‌کنند و این مزایا منجر به رشد خروجی اقتصادی منطقه می‌شود. این مزایا به علت نزدیکی جغرافیایی به وجود می‌آید که به نوبه خود دو فرصت را ایجاد می‌کند: اول، هزینه‌های ورودی پایینی برای شرکت‌ها از طریق صرفه ناشی از تجمع اقتصادی ایجاد می‌کند و دوم، تسریع در گسترش دانش ایجاد کرده که نوآوری و بهره‌وری را افزایش می‌دهد (Wolman & Hincapie, 2015, p. 135).

نظریه‌های تجارت بین‌الملل: نظریه تجارت بین‌الملل متناسب با تحولات اقتصادی و شرایط تجارت، مانند سایر زمینه‌های علم اقتصاد در حال گسترش است. می‌توان نظریه‌های تجارت بین‌الملل را به دو گروه نظریات سنتی و مدرن تقسیم کرد. از گروه نظریات سنتی می‌توان به مزیت مطلق اسمیت (۱۷۷۶)، مزیت نسبی ریکاردو (۱۸۱۷)، نظریه هکشر-اوهلین (۱۹۳۳) و هزینه فرصت هابزلر (۱۹۳۶) اشاره کرد. این نظریات مبتنی بر عوامل سنتی تولید مانند کار و سرمایه است. در این نظریات، تلاش بر آن بوده است که روابط بازرگانی بین‌الملل بر اساس نظریه‌های کلاسیک تجارت بین‌الملل توجیه شود. گروه دوم نظریه‌های مدرن هستند که در این نظریات، مزیت مبتنی بر عوامل جدید تولید مثل سلیقه مصرف‌کنندگان، شکاف دانش و تکنولوژی، مقیاس فعالیت اقتصادی، بازاریابی، نوآوری و عوامل سیاسی، اجتماعی و نهادی است. به طور مثال، در نظریه تشابه ترجیحات لیندر (۱۹۶۱) سلیقه و صرفه‌های مقیاس در تعیین مزیت و توضیح تجارت کالاهای صنعتی اهمیت بیشتری دارد (Saadat et al., 2018, p. 164). در این بخش به نظریات مذکور پرداخته شده است.

نظریه مزیت نسبی: مزیت نسبی توسط ریکاردو پایه‌گذاری شد. این نظریه پس از نظریه مزیت مطلق اسمیت در مبحث مزایای تجارت آزاد بین‌المللی مطرح شد. بر اساس مفهوم مزیت نسبی، چنانچه کشوری یک کالا

^۱ . Alfred Marshall

را نسبت به دیگر کالاها ارزان‌تر تولید کند، این کشور در تولید چنین کالایی مزیت نسبی دارد. به علاوه، اگر کشور یاد شده بتواند کالای مورد نظر را در مقایسه با سایر کشورها با هزینه پایین‌تری صادر کند در مقایسه با سایر کشورها از مزیت نسبی در صادرات برخوردار خواهد بود (Agha Mohammadi, 2021, p.89).

نظریه هکشر - اوهلین: در الگوی ریکاردو، بازدهی عوامل تولید که در واقع همان بهره‌وری نیروی کار است سبب برقراری تجارت می‌شود. نظریه ریکاردو راجع به این که چه عاملی باعث این اختلاف است توضیحی نمی‌دهد. لیکن دو اقتصاددان سوئدی به نام‌های هکشر (۱۹۵۲-۱۹۷۹) و به دنبال او اوهلین (۱۸۷۹-۱۹۹۹) درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال برآمده و برخلاف نظریه ریکاردو که بازدهی عوامل تولید را عامل اساسی در برقراری تجارت بین‌المللی می‌داند، نظریه هکشر - اوهلین بر تفاوت در موجودی عوامل و شدت کاربرد عوامل در هر کشور استوار است. براساس این نظریه، هر کشور در تولید کالایی مزیت نسبی دارد که عوامل تولید آن کالا به‌طور نسبی در کشور به‌وفور یافت شود. بنابراین هر کشور به صادرات کالایی می‌پردازد که عوامل تولید آن کالا در کشور فراوان بوده و استفاده از آن برای کشور ارزان تمام شود و به واردات کالایی روی می‌آورد که عوامل تولید آن کالا در کشور کمیاب و استفاده از آن گران باشد. به عبارت دیگر کشوری با عامل سرمایه فراوان مبادرت به صادرات کالاهای سرمایه‌بر و کشوری با عامل تولید نیروی کار فراوان اقدام به صادرات کالاهای کاربر می‌کند. به‌طور خلاصه اختلاف در موجودی عوامل و شدت کاربرد عوامل تولید باعث اختلاف در قیمت‌های نسبی شده و باعث به وجود آمدن تجارت بین‌المللی خواهد شد (Hosseini, 2012, p.56).

نظریه هزینه فرصت هابزلر: هابزلر نظریه مزیت نسبی را براساس «نظریه هزینه فرصت» تشریح نمود. نظریه هزینه فرصت حاکی از آن است که اگر منابع تولیدی آزاد شود و بتوان با این عوامل یک واحد اضافی از کالای نخست را تولید نمود این نشان مزیت نسبی است. یکی از نکات برجسته این نظریه در نظر گرفتن عوامل تولیدی دیگر غیر از نیروی کار است. اگر کشوری در تولید کالایی با هزینه فرصت کمتر مواجه باشد در تولید آن کالا مزیت نسبی دارد (same). بدین ترتیب نظریه هزینه فرصت‌های از دست رفته به‌صورتی قابل قبول، قانون مزیت نسبی را بیان می‌کند. زیرا می‌پذیرد که یک سری از عوامل تولید غیر همگن معمولاً به نسبت‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند تا محصولات متنوعی تولید کنند. همچنین امکان افزایش هزینه فرصت‌های از دست رفته را در تولید بیشتر هر کالا قبول دارد. به این ترتیب قانون مزیت نسبی را می‌توان بر

حسب هزینه فرصت‌های از دست رفته مختلف یا برحسب اختلاف قیمت نسبی کالاها در کشورهای مختلف بیان کرد که اساس تجارت بین کشورها است (Farid vand, 2017, p.22).

نظریه لیندر: لیندر (۱۹۶۱) در شمار اولین کسانی است که تجارت بین‌الملل را از دیدگاه تقاضا مورد بررسی قرار داده است. براساس نظریه لیندر سطح درآمد سرانه یک کشور الگوی خاصی از سلیقه‌ها را به بار می‌آورد. سلیقه‌های مصرف‌کنندگان نوعی، تقاضا برای محصولات را ایجاد می‌کند و این تقاضاها، پاسخ تولید بنگاه‌ها را برمی‌انگیزد. بنابراین، انواع کالاها تولید شده در یک کشور سطح درآمد آن کشور را منعکس می‌کند. در واقع، براساس نظریه همپوشانی تقاضای لیندر، تجارت دوجانبه بین کشورهای با درآمد سرانه مشابه بیشتر از کشورهای با درآمد سرانه متفاوت است. درحالی‌که نظرات مطرح شده تجارت بین‌الملل را از دیدگاه عرضه مطرح کرده‌اند. لیندر معتقد است که نظریه هکشر-اوهلین برای توضیح الگوی تجارت کالاهای اولیه و عموماً کالاهای مبتنی بر منابع طبیعی بسیار مناسب است اما نمی‌تواند برای توضیح الگوی تجارت کالاهای صنعتی مناسب باشد (Yazdan Prast, 2015, p.168).

مدل کروگمن^۱: کروگمن در مدل خود با فرض وجود فناوری یکسان، سلیقه و عوامل یکسان در کشورهای طرف تجاری ثابت می‌کند که بنگاه‌ها در شرایط رقابت انحصاری می‌توانند بدون هزینه محصولات خود را متمایز کنند. در تعادل هر بنگاهی مقداری قدرت انحصاری دارد، ورود بنگاه‌ها سود انحصاری را به صفر می‌رساند. وی جهت تجزیه و تحلیل تعادل هزینه‌های تجارت را در نظر می‌گیرد. بدین ترتیب:

فرض می‌شود دو کشور با وجود هزینه‌های حمل و نقل (g) وجود دارند، یک فرد در کشور خود بین n محصول تولید شده در داخل و n^* محصول تولید شده در خارج از کشور حق انتخاب خواهد داشت. قیمت کالای داخلی همان قیمتی خواهد بود که تولیدکننده دریافت می‌کند. اما محصولات خارجی قیمت بیشتری نسبت به قیمت تولیدکننده خواهند داشت. اگر بنگاه‌های خارجی قیمت p^* را وضع کنند، مصرف‌کنندگان کشور داخلی می‌بایست قیمتی به میزان $\hat{p}^* = p^*/g$ بابت محصول بپردازند. به همین ترتیب، خریداران خارجی محصولات داخلی، میزان $\hat{p} = p/g$ را پرداخت خواهند کرد. از آنجایی که قیمت برای مصرف‌کنندگان کالاها کشورهای مختلف به‌طور کلی یکسان نخواهد بود، مصرف هر کالای وارداتی با مصرف هر کالای داخلی متفاوت خواهد بود (Krugman, 1997, p. 950). الگوی کروگمن که تأییدی بر نظریه جهانی‌شدن و آزادی تجارت است تمامی عوامل تأثیرگذار در تعاملات تجاری را در برمی‌گیرد. کروگمن جمع‌آوری مزیت‌های نسبی را در یک الگوی واحد اقتصادی ارائه داد. وی به‌طور خلاصه فرضیه‌هایی در

^۱. Krugman

مورد این که افزایش انتقالات یا به تعبیر دیگر جابجایی عوامل اقتصادی از یک بخش دنیا به بخش دیگر دنیا چگونه در الگوهای اقتصادی قابل پیگیری است، ارائه داده است. الگوی کروگمن در سال ۱۹۹۱ که نمای ریاضی آن در سال ۱۹۷۹ ارائه شده بود، مهاجرت نیروی کار، سرمایه و تغییرات هزینه حمل و نقل را نیز در یک الگو جمع آوری کرد. این الگوی بسیار پیچیده اقتصادی برای تشریح تجارت بین‌المللی قابل استفاده است (Hosseini, 2017, p.47).

مدل هلپمن^۱: هلپمن با بهره‌مندی از مدل کروگمن، میزان تجارت درون صنعتی را بررسی کرده است. در این مدل تجارت بین کشورها به اندازه کشورهای طرف تجارت بستگی دارد. بدین ترتیب جهانی را در نظر گرفته شود که در آن همه بخش‌ها محصولات متمایز تولید می‌کنند اما ترجیحات بخش‌ها همسان هستند. از این رو، واردات i از کشور j برابر با نسبتی از GDP کشور j است (G^j). با فرض این که مخارج نسبتی از GDP باشد، حجم تجارت دو طرفه برابر با رابطه (۱) است:

$$T^{ij} = s^i G^j + s^j G^i = 2 G^i G^j / G \quad (1)$$

در این رابطه G ، GDP جهان و s سهم واردات کشور وارد کننده به کشور مقصد است. از این رو، حجم تجارت دوجانبه باید به‌طور مثبت با سطح درآمد مرتبط باشد. علاوه بر این، از طریق رابطه (۱)، رابطه (۲) برای حجم تجارت جهانی به دست می‌آید:

$$T = \left[1 - \sum_i (s^i)^2 \right] G \quad (2)$$

در این رابطه، عبارت درون پرانتز، درجه پراکندگی را در اندازه نسبی کشور اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین هر چه اندازه کشورهای مشابه بیشتر باشد، تجارت به‌عنوان نسبتی از تولید ناخالص داخلی بیشتر است (Helpman, 1990, p.7).

به‌طور کلی براساس نظریات مختلف در حوزه مزیت نسبی، غنی بودن کشورها یا مناطق از منابع سبب می‌شود که کشورها (مناطق) برای صدور کالاهای تولید شده مرتبط با وفور منبع، مزیت نسبی بالقوه داشته باشند. همچنین صدور کالا براساس هزینه‌های تجارت و اندازه بازار کشورهای هدف باشد. بنابراین طبق نظریات مطرح شده در این بخش، صادرات کالا بر اساس مزیت نسبی و تمرکز بنگاه‌ها در یک حوزه جغرافیایی ضمن برخورداری از مزایای تشکیل خوشه صنعتی، موجب سازماندهی صنایع و تخصصی‌تر شدن فعالیت‌ها می‌شود.

^۱. Helpman

پیشینه تحقیق

Kazem pour et al., (2021) در مقاله‌ای در دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۸۰ با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی آشکار شده، مزیت نسبی آشکار شده متقارن، نسبت‌های تمرکز و شاخص هرfindahl-هیرشمن^۱ به بررسی الگوی تجاری و ساختار بازار گوجه فرنگی ایران پرداخته‌اند. سپس با استفاده از روش تاکسونومی عددی^۲ به اولویت‌بندی بازارهای هدف این محصول پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مزیت نسبی گوجه فرنگی ایران در سال‌های مورد مطالعه با نوسانات زیادی همراه بوده و ریسک رقابتی برای صادرکنندگان این محصول در ایران نسبت به رقبا بالاتر بوده است. ساختار بازار این محصول نیز انحصار چندجانبه است. همچنین با توجه به شاخص‌های مورد بررسی نتایج حاکی از آن است کشورهای ازبکستان، ارمنستان، اکراین، قرقیزستان و آذربایجان به ترتیب بهترین بازارها برای گوجه فرنگی ایران محسوب می‌شوند. (Lotf Alipour 2021) در پژوهشی با بهره‌مندی از نظریات مزیت نسبی بر اساس شاخص‌های تحلیل داده-ستانده به تعیین فعالیت‌های دارای اولویت‌های سرمایه‌گذاری در ناحیه غرب کارون در سال ۱۳۹۰ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش گویای آن است که بخش کشاورزی و صنعت بخش‌های پیشرو هستند، که بیشترین پیوند پسین و پیشین را با سایر بخش‌های اقتصادی دارند. (Ahmadi 2014) در پایان‌نامه خود به تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری در استان بوشهر پرداخته است. در این پایان‌نامه محقق با استفاده از روش‌های متفاوت تاکسونومی عددی، تحلیل عاملی و ضریب مکان در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ به رتبه‌بندی فعالیت‌های مختلف صنعتی بر اساس شاخص‌های مختلف صادراتی، تولیدی، هزینه منابع داخلی و اشتغال پرداخته است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد در استان بوشهر در سال‌های مذکور با توجه به قدرت رقابت داخلی، در بخش صنعت در فعالیت‌هایی نظیر ساخت کاغذ و محصولات کاغذی، ساخت سایر محصولات کانی غیر فلزی و ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی، در بخش خدمات و بازرگانی در فعالیت‌های حمل‌ونقل، در بخش کشاورزی در فعالیت‌های زراعت و باغداری، ماهیگیری و دامداری، مرغداری، پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل و شکار و در بخش معدن گاز طبیعی و سنگ، شن و ماسه دارای بیشترین مزیت نسبی است و با توجه به قدرت رقابت خارجی در بخش صنعت و معدن به ترتیب، در فعالیت ساخت سایر محصولات کانی غیر فلزی و سنگ، شن و ماسه در سال ۱۳۸۴ دارای مزیت نسبی بوده است. اما در سال ۱۳۸۶ به دلیل رکود اقتصادی حاکم در ایران در هیچ کدام از فعالیت‌ها دارای مزیت

^۱ . Herfindahl-Hirschman

^۲ . Numerical taxonomy

نسبی نبوده است. (Ahmad et al., 2021) در پژوهشی با استفاده از شاخص مزیت نسبی آشکار و شاخص مزیت نسبی آشکار شده متقارن در دوره زمانی ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۸ به تجزیه و تحلیل رقابت پذیری صادرات میوه‌ها و سبزیجات عمده پاکستان پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کشور پاکستان در صادرات انبه، مرکبات و خرما دارای مزیت نسبی و در صادرات سیب زمینی و پیاز دارای عدم مزیت نسبی در صادرات است. (Alan Eze & Nuri Aras 2021) در مقاله‌ای به بررسی مزیت نسبی صادرات مواد خام، کالاهای واسطه‌ای، کالاهای مصرفی و کالاهای سرمایه‌ای نیجریه به کشور آفریقای جنوبی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق که با استفاده از دو شاخص مزیت نسبی آشکار و شاخص مزیت نسبی آشکار شده متقارن حاصل شده است گویای آن است که نیجریه در صادرات مواد خام دارای مزیت نسبی است، اما در صادرات کالاهای واسطه‌ای، مصرف کننده دارای عدم مزیت نسبی است. (Singh et al., 2020) در پژوهشی با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی آشکار، مزیت نسبی آشکار شده متقارن، مزیت رقابتی آشکار^۱ و ضریب مشخصات تجاری^۲ به بررسی مزیت نسبی صادرات کالاهای کشاورزی و ادویه‌جات از هند در دوره زمانی ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۸ پرداخته‌اند. نتایج حاصل شده در این تحقیق حاکی از آن است که صادرات و واردات کالاهای کشاورزی به جز ارزش واردات کنجاله جو و صمغ دارای روند مثبتی بوده‌اند. تجزیه و تحلیل TSC برای همه محصولات به جز حبوبات، روغن‌های گیاهی، میوه‌های تازه، بادام‌هندی، محصولات کائو و جو خام نشان می‌دهد ارزش صادرات بیش از ارزش واردات بوده است. علاوه بر این تجزیه و تحلیل رقابت پذیری صادرات ادویه‌جات موقعیت رقابتی مطلوب خود را حفظ کرده است. (Nik Rozana et al., 2017) در مقاله‌ای با استفاده از شاخص مزیت نسبی آشکار به بررسی وضعیت رقابتی صادرات میوه‌ای استوایی کشور مالزی در مقایسه با کشورهای آسه آن (اندونزی، فیلیپین و تایلند) و چین و هند در دوره زمانی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است مالزی دارای مزیت رقابتی در انواع میوه‌های منتخب است و به منظور حفظ موقعیت رقابتی خود در بازار هندوانه، باید به جای تمرکز صرف بر بازاریابی یک میوه کامل یا میوه‌ای که کم‌ترین فرآوری شده را انجام می‌دهد، به فرآوری پایین دستی بپردازد تا ارزش افزوده بالاتری داشته باشد.

پیرامون موضوع پژوهش حاضر مطالعات داخلی و خارجی متعددی انجام شده است. اکثر محققان در تحقیقات مشابه با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی فعالیت‌های دارای مزیت نسبی را شناسایی کرده و برخی دیگر علاوه بر بررسی مزیت نسبی محصولات به تعیین بازارهای هدف نیز پرداخته‌اند. اما همه این

^۱. Revealed Competitive Advantage

^۲. Trade Specification Coefficient

محققان وجود صرفه‌های مکانی برای بنگاه‌های متمرکز شده در یک فعالیت در یک منطقه را نادیده گرفته‌اند که در پژوهش حاضر با استفاده از شاخص خوشه این خلأ پر شده است. همچنین در مطالعات داخلی اغلب محققان به تعیین بازار هدف کشور ایران پرداخته‌اند. این در حالی است که تولیدکنندگان و صادرکنندگان در مناطق مختلف کشور هزینه‌های حمل‌ونقل تا کشور مقصد را به‌عنوان یکی از هزینه‌های اصلی تجارت در نظر می‌گیرند که در تحقیق حاضر با در نظر گرفتن شاخص فاصله مکانی از استان بوشهر به بازارهای هدف سعی شده است بازارهای هدف برای استان بوشهر اولویت‌بندی شود.

روش تحقیق

در برخی از روش‌های برنامه‌ریزی با استفاده از یکسری شاخص‌ها امکان مقایسه و ارزیابی فعالیت‌ها وجود دارد. در این پژوهش از روش شاخص خوشه^۱ برای بررسی میزان تمرکز فعالیت‌های صنعتی در استان استفاده می‌شود. با توجه به این که مزیت نسبی یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه تجارت بین‌الملل است، اندازه‌گیری آن نیز با مشکلاتی مواجه می‌شود. یکی از شاخص‌هایی که به‌طور گسترده در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است، شاخص مزیت نسبی آشکار شده (بالاسا) است. این شاخص با رفع محدودیت‌های روش‌های اولیه، در برگیرنده کلیه عوامل مؤثر در مزیت نسبی از جنبه‌های تولیدی، صادرات و تقاضا است (Suri, 2016, p.35). لذا بعد از مشخص شدن فعالیت‌های متمرکز از طریق شاخص بالاسا و تقارن بالاسا فعالیت‌های صنعتی متمرکز دارای مزیت نسبی صادرات شناسایی شده و در ادامه بر اساس یکسری شاخص‌ها با استفاده از روش تاکسونومی عددی^۲ به اولویت‌بندی کشورهای هدف استان بوشهر پرداخته می‌شود. از این‌رو در این بخش ابتدا به معرفی شاخص خوشه پرداخته خواهد شد. سپس شاخص مزیت نسبی آشکار شده و شاخص مزیت نسبی آشکار شده متقارن معرفی خواهند شد. در ادامه شاخص‌ها و روش اولویت‌بندی مورد استفاده جهت تعیین مهم‌ترین کشورهای هدف بررسی می‌شوند.

شاخص خوشه (CI)

به‌منظور شناسایی اولیه خوشه‌ها، اندازه‌های کمی می‌توانند مفید باشند. از این‌رو، شاخصی نظیر شاخص خوشه اخیراً توسط اشترنبرگ و لیتزنبرگر^۳ در سال ۲۰۰۴ توسعه یافته است. از مزایای این شاخص، می‌توان به

^۱. Cluster Index

^۲. این روش امکان اولویت‌بندی فعالیت‌ها را بر اساس شاخص‌های کمی فراهم می‌کند.

^۳. Sternberg & Litzenger

انعطاف‌پذیری، محاسبه مستقیم و وجود داده‌های لازم اشاره کرد. محاسبه این شاخص برای صنعت i در منطقه r به صورت رابطه (۳) است (Koschatzky & Lo, 2007, p.8):

$$CI_{ir} = ID_{ir} \times IS_{ir} \times \frac{1}{SB_{ir}} = (e_{ir} / \sum_r e_{ir}) (b_{ir} / \sum_r b_{ir}) / (p_r / \sum_r p_r) (a_r / \sum_r a_r) \quad (3)$$

در رابطه فوق، ID ، IS و SB به ترتیب نماد تراکم یا تمرکز نسبی بنگاه، موجودی نسبی بنگاه و اندازه نسبی، e میزان اشتغال در بنگاه و b تعداد مؤسسات یا بنگاه است. p به معنی تعداد ساکنین منطقه مورد بررسی بوده و a_r نیز مساحت ناحیه یا بخش را نشان می‌دهد. رابطه (۱) نشان می‌دهد که CI با تعداد افراد شاغل، تعداد بنگاه‌ها متناسب است و با اندازه‌های نواحی و تعداد ساکنان رابطه عکس دارد. دامنه مقادیر CI بین صفر تا بی‌نهایت می‌تواند باشد. ارزش CI باید برای تعیین خوشه بزرگ‌تر از ۱ باشد. اگر مقدار شاخص خوشه بالاتر از یک باشد، بیانگر پیدایش تمرکز فضایی، تخصصی و تشکیل یک خوشه مستعد است. خوشه‌ها نیز به فعالیت اقتصادی در سراسر منطقه وابسته هستند. اشتراک و لیتزبرگر^۱ ارزش آستانه‌ای را جهت تعیین خوشه تعیین کرده‌اند که مقدار آن از مجموع انحراف معیار و میانگین هر صنعت به دست می‌آید. از این رو، اگر صنعتی ارزش CI آن از حد آستانه فراتر رود، آن صنعت در آن منطقه متمرکز است (Joo Cho, 2018, p.5). در این پژوهش برای هر رسته در فعالیت‌های صنعتی در بخش‌های مختلف شاخص خوشه محاسبه شده است.

روش‌های تعیین فعالیت‌های دارای مزیت نسبی در صادرات

برای اندازه‌گیری مزیت نسبی صادرات از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که در ادامه به آن پرداخته شده است.

شاخص مزیت نسبی آشکار شده

یکی از شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری مزیت‌های نسبی بارها مورد استفاده بسیاری از اقتصاددانان نئوکلاسیک نظیر بالاسا، والراس^۲، بوون لی^۳ و غیره قرار گرفته، شاخص مزیت نسبی آشکار (RCA) بوده

^۱ Sternberg & Litzberger

^۲ Walras

^۳ Boon Lee

است. این شاخص سهم صادرات یک کالا از مجموعه صادرات کالاهای یک کشور در اصل ساختار صادراتی آن کشور را نشان می‌دهد و سهم مجموعه کشورهای صادرکننده یک کالا از کل صادرات جهانی و یا منطقه‌ای ساختار صادرات جهانی و یا منطقه مورد نظر را نمایان می‌سازد. بنابراین تغییرات شاخص پیش گفته طی زمان را می‌توان چگونگی واکنش الگوی صادراتی یک کشور در برای تغییرات الگوی صادراتی کل جهان و یا یک منطقه دانست. روند افزایشی شاخص یاد شده در طی زمان را می‌توان نشان دهنده بهبود موقعیت رقابتی یک کالا در سطح جهانی و یا منطقه‌ای و تلاش‌های انجام شده در راستای ایجاد فرصت‌های مناسب و یا استفاده به موقع از فرصت‌های پیش آمده در سطح جهانی برای کشور مورد نظر به شمار آورد. افزون بر این، نوسان‌های زیاد این شاخص را طی زمان می‌توان به عنوان معیاری برای عدم ثبات در رژیم تجاری یک کشور تلقی کرد (Farid vand, 2017, p.86). شاخص مزیت نسبی آشکار شده طبق رابطه (۴) استفاده می‌شود:

$$RCA_{ij}^c = \frac{\frac{X_{im}}{X_m}}{\frac{X_{ic}}{X_c}} \quad (۴)$$

در این رابطه RCA_{ij}^c مزیت نسبی آشکار شده استان در صادرات کالای i در کشور، X_{im} ارزش صادرات استان برای کالای i ، X_m ارزش کل صادرات استان، X_{ic} ارزش کل صادرات کالای i در کشور، X_c ارزش کل صادرات غیر نفتی ایران است. در صورتی که دو شاخص بالا در بازه صفر تا یک قرار گیرد، نشان‌دهنده عدم مزیت نسبی و اگر بزرگ‌تر از یک باشد، نشانگر وجود مزیت نسبی در صادرات کالای i خواهد بود (Nowrozi & Sorayai, 2009, p. 17).

شاخص مزیت نسبی آشکار شده متقارن

شاخص بالاسا دارای دو مشکل اساسی است. اولین مشکل آن نامتقارن بودن این شاخص است که برای پرداختن به این موضوع عدم تقارن، دالوم و همکاران از تغییر شاخص RCA، به شاخص مزیت نسبی آشکار شده متقارن اشاره می‌کنند و مشکل دیگر آن است که بر روی عملکرد صادراتی مرتبط تمرکز می‌کند، در نتیجه جریان تجارت خالص و تجارت‌های درون صنعتی را نادیده می‌گیرد (Suri, 2016, p.47). عدم تقارن این شاخص بدین معنی است که عدم وجود مزیت نسبی در بازه صفر تا یک و وجود مزیت نسبی در بازه یک تا بی‌نهایت بیان می‌شود. لذا برای بررسی و مقایسه بهتر مزیت نسبی و نبود تقارن باعث شد تا لارسن

و بلاسیلی^۱ شکل دیگری از شاخص یاد شده را با عنوان شاخص مزیت نسبی آشکار شده متقارن (RSCA) برای مقایسه مزیت نسبی به صورت رابطه (۵) مورد استفاده قرار دهند:

$$RSCA = \frac{RCA - 1}{RCA + 1} \quad (5)$$

دامنه تغییرات رابطه بالا بین مثبت یک و منفی یک است. مقادیر منفی نشان دهنده نبود مزیت نسبی و مقادیر مثبت بیانگر وجود مزیت نسبی در صادرات محصولات مورد نظر است (Khaksar, 2008, p.11). (Astana)

با مشخص شدن فعالیت‌های دارای مزیت نسبی صادرات، در ادامه به تعیین مهم‌ترین کشورهای هدف فعالیت مورد نظر پرداخته می‌شود.

تعیین بازارهای هدف

در برخی از روش‌های برنامه‌ریزی با استفاده از یکسری شاخص‌ها امکان مقایسه و ارزیابی بازارهای هدف وجود دارد. لذا در پژوهش حاضر سعی شده است از شاخص‌های معتبر و سازگار با مفاهیم اقتصادی استفاده شود. شاخص‌های منتخب برگرفته از مطالعات و پژوهش‌های مشابه انجام شده در این راستا است که در جدول (۱) به معرفی آن‌ها پرداخته شده است.

جدول (۱): معرفی شاخص‌های تحقیق

ردیف	رابطه شاخص	عنوان شاخص	منبع
۱	$I_1 = \frac{IM_{ij}}{IM_{iw}}$	شاخص واردات کالا توسط کشور نسبت به واردات جهانی کالا بیانگر پتانسیل وارداتی یا اندازه بازار هدف است.	Mojavarian et al., 2014
۲	$I_2 = \frac{1}{N_m}$	شاخص تعداد کشورهای سهم در واردات کالا به کشور مورد نظر، بازار هدف بالقوه را تعیین می‌کند. این شاخص به دلیل تأثیر منفی به صورت معکوس در نظر گرفته می‌شود (مجاوریان)	Mojavarian et al., 2014

¹. Larsen and Bacilli

Amjadi et al.,) (2009	شاخص ارجحیت وارداتی نشان‌دهنده عدم مزیت کشور j در تولید کالای i است.	$I_3 = \frac{IM_{ij}/IM_j}{IM_{iw}/IM_w}$	۳
Fahimi Far,) (2004	شاخص معکوس میانگین نرخ تعرفه‌های محصولات صنعتی در کشور j .	$I_4 = \frac{1}{\tau_j}$	۴
Mojavarian et) (al., 2014	شاخص معکوس فاصله استان بوشهر (b) با کشور j بیانگر هزینه حمل‌ونقل صادرات به کشور هدف است.	$I_5 = \frac{1}{d_{bj}}$	۵

مأخذ: مطالعات پیشین و محاسبات تحقیق

با محاسبه شاخص‌ها، در ادامه با استفاده از روش تاکسونومی عددی به اولویت‌بندی بازارهای هدف پرداخته می‌شود.

قلمرو زمانی و مکانی تحقیق

جهت شناسایی فعالیت‌های صنعتی دارای مزیت نسبی در استان بوشهر، ابتدا میزان تمرکز فعالیت‌های مختلف در ده شهرستان استان بوشهر (شهرستان‌های بوشهر، دشتستان، تنگستان، دشتی، دیلم، دیر، کنگان، جم، عسلویه و گناوه) محاسبه شده است. در ادامه جهت شناسایی فعالیت‌های دارای مزیت نسبی، فعالیت‌های مختلف صنعتی متمرکز بر اساس کدهای آی‌سک دو رقمی در استان بوشهر مبنای تجزیه و تحلیل‌ها قرار گرفته‌اند. دوره زمانی تحقیق نیز بر اساس تغییرات شرایط سیاسی و اقتصادی در کشور از سال ۱۳۸۴ تا آخرین آمارهای در دسترس در سال ۱۳۹۸ با فاصله دو سال انتخاب شد. معرفی یک فاصله دو ساله بین متغیرهای مشاهده شده و تغییر وضعیت صادرات و آرش افزوده دو فایده برای تفسیر نتایج دارد. اول از همه، این احتمال وجود دارد که بین تصمیم‌گیری بنگاه‌ها برای شروع صادرات و صادرات واقعی یک تأخیر زمانی وجود داشته باشد، زیرا آن‌ها نیاز به راه‌اندازی یک شبکه فروش خارجی دارند و ممکن است برای اطمینان به مدتی زمان نیاز داشته باشند. همچنین متغیرهای تحقیق معمولاً در پایان سال گزارش می‌شوند. بنابراین، برای اطمینان از اینکه حداقل یک سال کامل بین مشاهده متغیرهای سطح بنگاه‌ها و تصمیم صادرات وجود دارد، از فاصله دو ساله استفاده شده است. در ادامه جهت تعیین بازارهای هدف برای فعالیت‌های صنعتی منتخب در استان بوشهر، در آخرین سال آماری (سال ۱۴۰۰) مهم‌ترین بازارهای هدف مشخص شده است.

معرفی متغیرهای تحقیق

با توجه به اهداف پژوهش متغیرهایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند در جدول (۲) معرفی شده‌اند.

جدول (۲): معرفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	نحوه محاسبه (تعریف)	مأخذ
e_{ir}	اشتغال هر صنعت در ناحیه	سرشماری نفوس و مسکن استان بوشهر (۱۳۹۵)
b_{ir}	تعداد مؤسسات هر صنعت در ناحیه	سرشماری نفوس و مسکن استان بوشهر (۱۳۹۵)
P	تعداد ساکنین	سرشماری نفوس و مسکن استان بوشهر (۱۳۹۵)
a_r	اندازه ناحیه یا بخش	سالنامه‌های آماری استان بوشهر
X	تعداد اشتغال ناحیه همسایه استان در هر صنعت	سرشماری نفوس و مسکن استان بوشهر (۱۳۹۵)
N	تعداد بنگاه‌های استان همسایه	سرشماری نفوس و مسکن استان بوشهر (۱۳۹۵)
w_{ij}	معکوس مسافت‌های فاصله بین مراکز منطقه	محاسبات تحقیق
V_{im}	ارزش افزوده فعالیت i در صنعت استان	سالنامه‌های آماری استان بوشهر
V_m	ارزش افزوده کل صنعت در استان	سالنامه‌های آماری استان بوشهر
V_{ic}	ارزش افزوده فعالیت i در صنعت کشور	سالنامه‌های آماری کشور
V_c	ارزش افزوده کل صنعت در کشور	سالنامه‌های آماری کشور
X_{im}	ارزش صادرات استان برای کالای i	نتایج سرشماری کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر کل کشور
X_m	ارزش کل صادرات استان	نتایج سرشماری کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر کل کشور
X_{ic}	ارزش کل صادرات کالای i در کشور	نتایج سرشماری کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر کل کشور
X_c	ارزش کل صادرات غیر نفتی ایران	نتایج سرشماری کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر کل کشور

مأخذ: مطالعات پیشین و محاسبات تحقیق

در این بخش نتایج حاصل از برآوردهای مدل تجزیه و تحلیل می شوند. لذا، ابتدا جهت تعیین فعالیت های متمرکز در استان بوشهر با استفاده از آمارهای ارائه شده از آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ و سالنامه های آماری استان بوشهر شاخص خوشه محاسبه شده است. با توجه به این که در محاسبه شاخص خوشه نیاز به اطلاعات اشتغال رسته فعالیت های هر بخش صنعت بود، فعالیت ها با کد آیسیک ۴ رقمی شناسایی شدند.

نتایج حاصل از محاسبه شاخص خوشه برای هر فعالیت صنعتی در سطوح شهرستان‌های استان بوشهر در جدول (۳) ارائه شده است.

استخراج سایر معادن	شاخص خوشه	میزان آسمانده	یوشهر	تنگستان	دشتستان	دشتی	دیلم	دیر	جم	کیگان	عسلویه	گیاوه
		۳/۶۶		۲/۳۶	۱/۷۲	۴/۸۹	۱/۷۵ ۳	۰/۵۹	۱/۳۷ ۰		۴/۰۸	

². Google map

۳. خانه‌های رنگی، در جدول بیانگر آن است که یک فعالیت در یک یک شهرستان با توجه مقدار آستانه خوشه دارای تمرکز است.

ساخت محصولات غذایی و آشامیدنی	۵/۶۹	۱/۳۵ ۲	۰/۷۷	۰/۴	۰/۱۷	۰/۱۵ ۰	۰/۹۸	۰/۰۹ ۰	۰/۵۲ ۲	۱/۷۶	۰/۲۷
ساخت فراورده‌های توتون و تنباکو	۱۶/۹۲			۱/۹۲ ۶							
ساخت منسوجات	۱۱/۵۹			۱/۲۹ ۰							۴/۰۵
ساخت پوشاک	۸/۷۹	۲/۴۸ ۰		۰/۹۵	۲/۴۸						
ساخت کفش و محصولات چرمی	۴/۵۴	۸/۴۷		۲/۵۳							۵/۰۳
ساخت چوب و فراورده‌های حاصل از چوب	۱۳/۹۶	۳/۸۹ ۲	۰/۲	۰/۱۹			۰/۰۸	۰/۳۳ ۰	۰/۸۱ ۲		
ساخت کاغذ، محصولات کاغذی و چاپ	۲/۶۱	۴/۶۵		۱/۹۱	۰/۴۳		۱/۶۶		۱/۶۶ ۰		۲
ساخت کُک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت	۲۳/۹۹	۲/۶۸		۰/۰۶	۰/۰۳	۱/۶۳ ۳				۵/۵۱ ۶	۰/۰۵
ساخت مواد و فراورده‌های شیمیایی	۱۳/۶۲	۷/۶۶		۰/۳۴		۰/۰۴ ۰		۰/۰۱ ۰	۰/۱۴ ۰	۳/۷۴ ۰	۰/۰۱

۰/۱۱	۰/۳۱	۳۴ ۰	۰/۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۸۹	۰/۰۰۷	۲۳/۸	۱۰/۰۳	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۰/۴۲	۰/۸۶	۵۴ ۸	۲۹ ۰	۰/۳۵	۳۶ ۰	۱/۷۳	۱/۲۷	۰/۶۴	۱/۴۱	۴/۰۸	ساخت محصولات کافی غیر فلزی
۰/۰۱	۵/۶۰	۱۶۳ ۲					۰/۷۰		۱/۸۹ ۶	۷/۹۳	محصولات فلزی فابریکی
۰/۲							۰/۴		۴/۴۳ ۱	۱۷/۲۸	ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی
									۶/۰۶ ۶	۶۶/۰۶	راد یوتلویزی ون وسایل ارتباط
۰/۱۳		۴۳ ۶		۰/۱۹			۲/۵۶		۹/۱۲	۵/۱۳	سایر فعالیت‌های خدمات مهندسی
		۰/۰۲ ۰		۰/۲				۱/۷۳	۳/۳۶ ۹	۱۶/۵۲	سایر تجهیزات حمل و نقل
۱۶/۲۸ ۷							۱/۵۳ ۳			۱۹/۱۳ ۹	ساخت سایر فلزات اساسی و ریخته‌گری فلزات
۰/۸۹		۱۶ ۴					۵/۸۴		۳/۲۳	۳/۵۹	ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات
									۶/۰۶ ۶	۶۶/۰۶	ماشین‌آلات با کاربرد عام

ساخت مبلمان	۱۶/۹۲		۱/۹۲ ۶						
ساخت، تعمیر و نصب سایر	۱۲/۶۷ ۵	۳/۰۳ ۳				۲۹/۳۸ ۵			
ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری	۱۶/۹۲		۱/۹۲ ۶						
باز یافت	۶۶/۰۶ ۶	۶/۰۶ ۶							

مأخذ: نتایج تحقیق

همان‌طور که از نتایج ارائه شده در جدول (۳) مشخص است، در استان بوشهر یکسری فعالیت‌های صنعتی در سطح یک شهرستان نسبت به سایر شهرستان‌ها دارای تمرکز بالایی هستند. در جدول (۴) شهرستان‌هایی که دارای فعالیت‌های متمرکز هستند ارائه شده است.

جدول (۴): فعالیت‌های متمرکز به تفکیک شهرستان

شهرستان	فعالیت‌های متمرکز
بوشهر	محصولات غذایی و آشامیدنی، پوشاک، کفش و محصولات چرمی، چوب و فرآورده‌های حاصل از چوب، کاغذ، محصولات کاغذی و چاپ، محصولات لاستیکی و پلاستیکی، محصولات فلزی فابریکی، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی، سایر فعالیت‌های خدمات مهندسی
تنگستان	
دشتستان	ماشین‌آلات و تجهیزات
دشتی	استخراج سایر معادن
دیلم	استخراج سایر معادن
دیر	ساخت، تعمیر و نصب سایر مصنوعات
جم	
کنگان	کشاورزی، محصولات کانی غیرفلزی، سایر فعالیت‌های خدمات مهندسی، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات، ساخت، تعمیر و نصب سایر مصنوعات
عسلویه	استخراج سایر معادن، ساخت کُک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت، ساخت مواد و فرآورده‌های شیمیایی
گناوه	ساخت کفش و محصولات چرمی

مأخذ: نتایج تحقیق

در ادامه به شناسایی فعالیت‌های دارای مزیت نسبی در استان بوشهر پرداخته می‌شود. نتایج این بخش و بخش بعدی می‌تواند مشخص کننده یک فعالیت متمرکز دارای مزیت صادرات در شهرستان خاصی از استان باشد.

نتایج حاصل از شاخص بالاسا در فعالیت‌های صنعتی استان بوشهر

برای محاسبه شاخص بالاسا و تقارن بالاسا نیاز به وجود آمار و اطلاعات صادرات در فعالیت‌های مختلف در شهرستان‌های مختلف استان بوشهر است که با توجه به عدم وجود آمارهای موجود میزان دقیق صادرات هر فعالیت به تفکیک فعالیت در هر شهرستان، از آمار صادرات استانی استفاده شده است. چه‌بسا که بر اساس تمرکز فعالیت‌های مختلف در بخش‌های مختلف استان، بخش اعظم صادرات محصولات مربوط به یک فعالیت در سطح استان متعلق به شهرستانی است که در فعالیت مورد نظر دارای تمرکز صنعتی است. لذا بنا به وجود آمار صادرات استانی تنها در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و در دسترس بودن آمار ارزش افزوده فعالیت‌های مختلف در سال‌های مختلف، در این تحقیق شاخص بالاسا و متقارن بالاسا یک بار بر اساس ارزش افزوده در سال‌های مختلف (جدول (۵)) و بار دیگر بر اساس آمارهای صادرات در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ محاسبه شد (جدول (۶)).

جدول (۵): محاسبه شاخص بالاسا برای فعالیت‌های صنعتی در استان بوشهر

فعالیت/ سال	۱۳۸۴	۱۳۸۶	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۳۹۸
محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، تولید محصولات از توتون و تنباکو- سیگار	۰/۰۹۳	۰/۰۴۶	۰/۰۲۴	۰/۰۶۲	۰/۰۶۶	۰/۰۶۰	۰/۱۱۱	۰/۰۳۷
ساخت منسوجات	۰/۱۳۳	۰/۰۴۴	۰/۰۱۹	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵
چوب و محصولات چوبی	۰/۸۱۶	۰/۳۴۴	۰/۰۹۲	۰/۱۵۵۹	۰/۰۵۵	۰/۰۴۶	۰/۰۵۸	۰/۰۶۶
کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی	۸/۰۳۴	۴/۷۳	۴/۲۰۵	۲/۹۳۵	۲/۴۲۳	۲/۸۸۷	۲/۸۹۶	۲/۷۹
محصولات از لاستیک و پلاستیک	۰/۰۳	۰/۰۴۱	۰/۰۴۷	۰/۰۲۱	۰/۰۱۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۸۷

۰/۰۶۱	۰/۰۲۳	۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	۰/۰۷۳	۰/۰۸۱	۰/۰۹۶	۰/۲۹۳	سایر محصولات کانی غیر فلزی ساخت فلزات اساسی
۰/۰۲۴	۰/۰۱۹	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۲۹	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۲	محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین آلات و تجهیزات
۰/۰۱۹	۰/۰۱۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	ماشین آلات و دستگاه‌های برقی
۰/۲۶۱	۰/۱۹۲	۰/۰۶۳	۰/۰۰۵	۰/۰۶۳	۰/۱۲۴	۰/۱۷۲	۲/۱۶	وسایل نقلیه موتوری

مأخذ: نتایج تحقیق

نتایج حاصل شده در جدول (۵) گویای آن است که از میان فعالیت‌های مورد بررسی، فعالیت ساخت کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای، ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی در استان بوشهر دارای مزیت نسبی است. چنانچه محاسبه شاخص بالاسا از طریق آمار و اطلاعات موجود صادرات فعالیت‌های استان در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نیز بیانگر چنین نتیجه‌ای است (جدول (۶)).

جدول (۶): محاسبه شاخص بالاسا (از طریق صادرات) برای فعالیت‌های صنعتی در استان بوشهر

۱۳۹۸	۱۳۹۷	فعالیت/ سال
۰/۲۲	۰/۱۳	ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، تولید محصولات از توتون و تنباکو- سیگار
۱/۳۷	۲/۰۷	تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت؛ تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی؛ تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی
۰/۰۴	۰/۱	تولید سایر فراورده‌های معدنی غیر فلزی؛ تولید فلزات پایه

مأخذ: نتایج تحقیق

نتایج حاصل از شاخص بالاسای متقارن در فعالیت‌های صنعتی استان بوشهر

محدوده شاخص متقارن بالا {۱+ و ۱-} است. لذا فعالیتی که مقدار شاخص محاسبه شده برای آن در محدوده {۱+ و ۱-} قرار گیرد دارای عدم مزیت نسبی در استان (کشور) است. همچنین فعالیت‌هایی که مقدار شاخص آن‌ها در محدوده {۱+ و ۱-} باشد، دارای مزیت نسبی در استان (کشور) خواهد بود. از این رو نتایج محاسبه این شاخص در جدول (۷) برای فعالیت‌های مختلف صنعتی استان بوشهر ارائه شده است.

جدول (۷): محاسبه شاخص بالاسا متقارن برای فعالیت‌های صنعتی در استان بوشهر

فعالیت / سال	۱۳۸۴	۱۳۸۶	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۳۹۸
محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، تولید محصولات از توتون و تنباکو-سیگار	-۹/۶۵	-۹/۹۱	-۰/۹۵	-۰/۸۸	-۰/۸۷	-۰/۸۸	-۰/۸۱	-۰/۹۲
منسوجات	-۶/۴۷	-۹/۹۱	-۰/۹۶	-۰/۹۹	-۰/۹۸	-۰/۹۹	-۰/۹۹	-۰/۹۹
چوب و محصولات چوبی	-۰/۲۲	-۴/۴۸	-۰/۸۳	-۰/۷۲	-۰/۹۰	-۰/۹۱	-۰/۹۲	-۰/۸۷
کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی	۰/۸۷	۰/۶۵	۰/۶۱	۰/۴۹	۰/۴۱	۰/۴۸	۰/۴۴	۰/۴۷
محصولات از لاستیک و پلاستیک	-۳۱/۹۵	-۹/۹۱	-۰/۹۰	-۰/۹۵	-۰/۹۶	-۰/۹۸	-۰/۹۰	-۰/۸۳
محصولات کانی غیر فلزی ساخت فلزات اساسی	-۲/۴۰	-۰/۸۲	-۰/۸۴	-۰/۸۶	-۰/۸۸	-۰/۹۴	-۰/۸۹	-۰/۸۸
محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات	-۷۸/۷۴	-۰/۹۸	-۰/۹۷	-۰/۹۴	-۰/۹۸	-۰/۹۸	-۰/۹۷	-۰/۹۵
ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی	-۱۲۷/۸۷	-۰/۹۹	-۰/۹۷	-۰/۹۸	-۰/۹۹	-۰/۹۸	-۰/۹۱	-۰/۹۶
وسایل نقلیه موتوری	۰/۵۳	-۰/۸۳	-۰/۷۷	-۰/۸۸	-۰/۹۸	-۰/۸۸	-۰/۴۸	-۰/۵۸

مأخذ: نتایج تحقیق

نتایج حاصل شده در جدول (۷) گویای آن است که مانند نتایج بخش پیش، فعالیت ساخت کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای، ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی در استان بوشهر دارای مزیت نسبی است. چنانچه محاسبه شاخص متقارن از طریق آمار صادرات استان نیز گویای همین مطلب است (جدول (۸)).

جدول (۸): محاسبه شاخص بالاسا متقارن (از طریق صادرات) برای فعالیت‌های صنعتی در استان بوشهر

فعالیت / سال	۱۳۹۷	۱۳۹۸
ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، تولید محصولات از توتون و تنباکو- سیگار	-۰/۷۶	-۰/۶۲
تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت؛ تولید موادشیمیایی و فراورده‌های شیمیایی؛ تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی	۰/۳۴	۰/۱۵
تولید سایر فراورده‌های معدنی غیر فلزی؛ تولید فلزات پایه	-۰/۸۰	-۰/۹۴

مأخذ: نتایج تحقیق

بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر و مطالعات انجام شده (احمدی، ۱۳۹۳) فعالیت تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی با کد آیسیک دو رقمی (۲۰) به عنوان فعالیت دارای مزیت نسبی صادرات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس طبقه‌بندی فعالیت‌ها بر اساس کدهای آیسیک مرکز آمار ایران، این فعالیت شامل زیر بخش‌هایی با کد چهار رقمی مانند تولید مواد شیمیایی اساسی (۲۰۱۱)، تولید کود شیمیایی و ترکیبات نیتروژن (۲۰۱۲)، تولید پلاستیک و لاستیک مصنوعی در شکل نخستین (۲۰۱۳)، تولید آفات‌کش‌ها و سایر فراورده‌های شیمیایی مورد استفاده در کشاورزی (۲۰۲۱)، تولید انواع رنگ و روغن جلا و پوشش‌های مشابه، جوهر چاپ و بتانه (۲۰۲۲)، تولید صابون و شوینده‌ها، ترکیبات تمیزکننده و براق‌کننده، عطرها و مواد آرایشی (۲۰۲۳)، تولید سایر فراورده‌های شیمیایی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر (۲۰۲۹) و تولید الیاف مصنوعی (۲۰۳۰) است. در ادامه به تعیین مهم‌ترین بازارهای هدف این محصول در استان بررسی می‌شود.

تعیین مهم‌ترین کشورهای هدف

به منظور تعیین کشورهای هدف با توجه به اهمیت کشورهای حوزه خلیج فارس، کشورهای مشترک‌المنافع، کشورهای همجوار و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در این پژوهش سعی شد مهم‌ترین کشورهای هدف از میان کشورهای مذکور انتخاب شود. شایان ذکر است که در انتخاب این کشورها چند دغدغه وجود داشته است. نخست آن که گسترش روابط تجاری دو یا چند جانبه میان ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس از جهت‌های گوناگونی با اهمیت است به طوری که ایران و اغلب این کشورها بخش اصلی کشورهای منطقه‌ای پر تنش خاورمیانه را تشکیل می‌دهند که توسعه‌ی روابط تجاری متقابل می‌تواند در کاهش بحران‌های سیاسی منطقه‌ای نقش مناسبی را ایفا کند. همچنین ایران و بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس از اكمال تجاری بالنسبه مناسبی برخوردارند که این عامل می‌تواند به عنوان مشوقی برای تشکیل

یک هم‌پیوندی تجاری منطقه‌ای محسوب می‌شود (Abedin Mughanaki, 2006. P. 207). از طرفی با توجه به تحریم‌های اقتصادی، ایران تمایل بیشتری به تجارت با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع پیدا کرده است. اگرچه سهم تجارت خارجی ایران با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۴۰۰ حدود ۵٪ بوده، ولی ارزش تجارت با این کشورها رو به رشد بوده است (Rasakhi and Karimi, 2021, p.115). همچنین گسترش روابط با کشورهای همسایه، کمک به توسعه منطقه‌ای، افزایش رقابت‌مندی ایران در منطقه و همچنین توسعه تجارت با کشورهای واقع در منطقه آسیای جنوب غربی جزو اولویت برنامه‌های توسعه و محور فعالیت بخش بازرگانی است (Kiai, 2020, p.308). علاوه براین با توجه به عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای در اکتبر سال ۲۰۲۲، لازم است در کنار سایر کشورها، کشورهای عضو این سازمان نیز در نظر گرفته شوند. از این رو، از میان کشورهای واردکننده محصولات پتروشیمی در سال ۲۰۲۱، ۲۱ کشور (چین، هند، تاییه، ترکیه، روسیه، امارات، پاکستان، عربستان، عمان، قزاقستان، قطر، کویت، ازبکستان، عراق، بحرین، آذربایجان، مولداوی، قرقیزستان، ارمنستان، ترکمنستان و تاجیکستان) به‌عنوان کشور هدف محصولات صادراتی استان بوشهر در نظر گرفته شد. در ادامه با استفاده از آمارهای لازم کشورها، ۵ شاخص ذکر شده در جدول (۱) برای هر کشور محاسبه (جدول (۹)) شد.

جدول (۹): شاخص‌های محاسبه شده (جدول (۱)) برای اولویت‌بندی کشورها

شاخص / کشور	I1	I2	I3	I4	I5
تاییه (چین)	۰/۱۱۳	۰/۰۱	۰/۹۴۱	۲/۷۴	۰/۰۰۰
روسیه	۰/۰۵۱	۰/۰۰۸	۱/۹۹۹	۶/۷۲	۰/۰۰۰
چین	۰/۰۱۹	۰/۰۱۴	۱/۱۵۷	—	۰/۰۰۰
قزاقستان	۰/۰۱۷	۰/۰۱۱	۱/۴۴۰	۱/۳۴	۰/۰۰۰
مولداوی	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳	۰/۸۳۴	۴/۰۹	۰/۰۰۰
قرقیزستان	۰/۰۰۵	۰/۰۱۳	۰/۵۲۳	۳/۲۵	۰/۰۰۰
هند	۰/۰۰۵	۰/۰۱۳	۱/۷۲۵	۱۰/۱	۰/۰۰۰
ازبکستان	۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	۰/۶۳۵	۴/۲	۰/۰۰۰
ترکیه	۰/۰۰۱	۰/۰۲۳	۱/۰۰۳	۱/۷۵	۰/۰۰۰
تاجیکستان	۰/۰۰۰	۰/۰۲	۰/۲۱۱	۲/۰۴	۰/۰۰۰
امارات	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸	۰/۲۹۱	۳/۷۷	۰/۰۰۲
پاکستان	۰/۰۰۰	۰/۰۱۸	۰/۲۶۷	۳/۳	۰/۰۰۱
آذربایجان	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۳۰۸	۳	۰/۰۰۰

عربستان	۰/۰۰۰	۰/۰۷۶	۰/۱۹۷	–	۰/۰۰۰
عمان ^۱	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۲۱۵	۲/۷۳	۰/۰۰۰
قطر	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۱۴۳	۶/۳۲	۰/۰۰۰
ترکمنستان	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۰۸۹	۱/۰۹	۰/۰۰۰
ازمنستان	۰/۰۰۰	۰/۰۴۱	۰/۱	۲/۷۱	۰/۰۰۰
بحرین	۰/۰۰۰	۰/۰۲۶	۰/۱۰۴	۳/۶۷	۰/۰۰۰
عراق ^۲	۰/۰۰۰	۰/۰۴۵	۰/۱۲	–	۰/۰۰۰
کویت	۰/۰۰۰	۰/۰۳۲	۰/۰۷	۵/۶۴	۰/۰۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق

نتایج جدول (۹) نشان می‌دهد از میان کشورهای مورد بررسی کشورهای تایپه، روسیه و چین بیشترین میزان واردات محصولات شیمیایی را در جهان به خود اختصاص داده‌اند. بررسی وضعیت واردات کشورهای هدف نشان داد کشورهای هند و چین بیشترین سهم و کشور ترکمنستان کم‌ترین سهم از صادرات سایر کشورها داراست. لذا کشور هند و چین بازاری بالقوه برای صادرات محصولات شیمیایی ایران است. همچنین با بررسی شاخص عدم مزیت نسبی محصولات شیمیایی مشخص شد مقدار این شاخص برای کشورهای هند، پاکستان، ترکیه، تایپه و عمان بزرگ‌تر از عدد یک است. این مقدار بیانگر وابستگی این کشورها به این محصول است. کشورهای مولداوی، ترکیه و عمان نیز با برخورداری از کمترین میزان تعرفه جزو کشورهایی هستند که می‌توانند به‌عنوان مهم‌ترین کشورها برای افزایش صادرات محصول به شمار آیند. علاوه بر این با در نظر گرفتن فاصله بین استان بوشهر و کشورهای هدف، محاسبه شاخص پنجم مشخص کرد صدور کالا از این استان به کشورهای قطر، کویت، عراق و بحرین از کم‌ترین میزان هزینه حمل و نقل نسبت به سایر کشورها برخوردار است.

در ادامه با در نظر گرفتن کلیه شاخص‌ها از طریق روش تاکسونومی عددی به اولویت‌بندی مهم‌ترین کشورهای هدف جهت صادرات محصولات شیمیایی از استان بوشهر پرداخته می‌شود.

^۱. شاخص‌های مورد استفاده برای کشور عمان بر اساس آخرین آمارهای این کشور در سال ۲۰۱۸ محاسبه شده است.

^۲. شاخص‌های مورد استفاده برای کشور عراق بر اساس آخرین آمارهای این کشور در سال ۲۰۱۴ محاسبه شده است.

اولویت‌بندی نهایی کشورهای هدف محصولات شیمیایی

اولویت‌بندی نهایی کشورها بر اساس کلیه شاخص‌های معرفی شده با استفاده از روش تاکسونومی عددی صورت می‌گیرد. در این بخش شاخص‌ها برای هر ۲۱ کشور منتخب بر اساس آمارهای سال ۱۴۰۰ محاسبه شد. سپس با انجام محاسبات روش تاکسونومی مشخص شد کشورهای تاییه و امارات با سایر کشورهای مورد بررسی اختلاف زیادی با سایر کشورها داشتند (ناهمگن بودند). لذا از فهرست کشورها جهت تعیین اولویت حذف شدند. نهایتاً از میان کشورهای همگن با استفاده از شاخص درجه برخورداری به تعیین اولویت کشورهای مورد بررسی پرداخته شد (جدول (۱۰)).

جدول (۱۰): اولویت‌بندی صادرات به کشورهای هدف

رتبه	fi	کشور	رتبه	fi	کشور
۱۱	۵/۰۱	کویت	۱	۵/۵۳	ترکمنستان
۱۲	۴/۹۰	چین	۲	۵/۴۷	تاجیکستان
۱۳	۴/۷۷	قزاقستان	۳	۵/۳۵	قرقیزستان
۱۴	۴/۷۶	ارمنستان	۴	۵/۲۳	قطر
۱۵	۴/۶۹	روسیه	۵	۵/۲۲	آذربایجان
۱۶	۴/۶۵	هند	۶	۵/۱۶۷	مولداوی
۱۷	۴/۲۲	ترکیه	۷	۵/۱۶۱	پاکستان
۱۸	۴/۳۸	عراق	۸	۵/۱۵	عمان
۱۹	۳/۷۱	عربستان	۹	۵/۱۰	ازبکستان
			۱۰	۵/۰۸	بحرین

مأخذ: نتایج تحقیق

طبق نتایج جدول (۱۰) مشخص شد کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قطر به‌عنوان مهم‌ترین کشورهای هدف محصولات شیمیایی استان بوشهر به ترتیب دارای اولویت اول تا چهارم هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

استان بوشهر دارای فرصت‌ها و نقاط قوتی در حوزه‌های مختلف نفت، گاز، پتروشیمی، نیروگاه‌ها، کشاورزی و شیلات، معادن، تأسیسات هسته‌ای، صنایع دریایی، فعالیت‌های تجاری و همجواری با دریای خلیج فارس است. با وجود چنین موقعیتی در این استان لازم است یکسری فعالیت‌ها که مستعد تخصصی سازی در استان

بوشهر هستند شناسایی شده و اقدامات راهبردی جهت توسعه منطقه‌ای فعالیت‌ها و در نتیجه توسعه صادرات غیر نفتی و رهایی از اقتصاد تک‌محصولی اتخاذ شود. با توجه به اهمیت فعالیت‌های صنعتی در راستای چنین هدفی در این پژوهش ابتدا فعالیت‌های صنعتی متمرکز شناسایی شده و سپس از میان آن فعالیت‌ها، فعالیت‌های دارای مزیت نسبی صادرات مشخص و نهایتاً بازارهای هدف این محصولات تعیین شدند. بدین ترتیب نتایج به دست آمده از محاسبه شاخص خوشه حاکی از آن است که هر شهرستان در استان بوشهر دارای یکسری فعالیت‌های متمرکز است. به‌طوری‌که در شهرستان بوشهر ۹ فعالیت محصولات غذایی و آشامیدنی، پوشاک، کفش و محصولات چرمی، چوب و فرآورده‌های حاصل از چوب، کاغذ، محصولات کاغذی و چاپ، محصولات لاستیکی و پلاستیکی، محصولات فلزی فابریکی، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی، سایر فعالیت‌های خدمات مهندسی، در شهرستان دشتستان نیز فعالیت ماشین‌آلات و تجهیزات، در شهرستان دشتی و دیلم استخراج سایر معادن، در شهرستان دیر ساخت، تعمیر و نصب سایر مصنوعات، در شهرستان کنگان ۵ فعالیت کشاورزی، محصولات کانی غیرفلزی، سایر فعالیت‌های خدمات مهندسی، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات، ساخت، تعمیر و نصب سایر مصنوعات، در شهرستان عسلویه ۳ فعالیت استخراج سایر معادن، ساخت کُک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت، ساخت مواد و فرآورده‌های شیمیایی و در شهرستان گناوه ساخت کفش و محصولات چرمی دارای تمرکز صنعتی هستند. هرکدام از این فعالیت‌ها می‌توانند با بررسی دقیق‌تر مستعد تشکیل خوشه‌های صنعتی باشند. بر اساس این نتایج مشخص است از میان ۱۰ شهرستان، شهرستان بوشهر دارای بیشترین تعداد تمرکز بوده است که این خود گویای آن است که این استان در کنار فرصت‌های تخصصی‌سازی یکسری فعالیت در هر شهرستان، دارای عدم تعادل‌هایی از لحاظ جمعیتی و ارائه خدمات است به گونه‌ای که بخش اعظم جمعیت و امکانات در شهرستان بوشهر (مرکز استان) متمرکز است. نتایج به دست آمده از محاسبات شاخص‌های مزیت نسبی آشکار شده و آشکار شده متقارن بر اساس آمارهای ارزش افزوده و صادرات فعالیت‌ها نیز نشان داد از میان فعالیت‌های متمرکز و مستعد تشکیل خوشه در استان بوشهر فعالیت تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت؛ تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی؛ تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی دارای مزیت نسبی در صادرات است. نتیجه به دست آمده در این بخش از پژوهش، نتایج تحقیقات پیشین (احمدی، ۱۳۹۳) در این استان را تأیید می‌کند. طبق نتایج این تحقیقات در تعیین اولویت سرمایه‌گذاری فعالیت‌های صنعتی در استان بوشهر در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ فعالیت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی به ترتیب در رتبه‌های چهارم، اول، اول و دوم قرار داشته است. در پژوهش حاضر براساس بررسی‌های صورت گرفته و نتایج تحقیق

شهرستان عسلویه در این فعالیت دارای تمرکز صنعتی است. چنانچه طبق شواهد موجود اغلب شرکت‌های تولیدی در فعالیت مذکور در این شهرستان مستقر هستند. در ادامه این نتایج طبق آخرین سال آماری (۱۴۰۰) مهم‌ترین بازارهای هدف این محصول در استان مشخص شدند. با توجه به اهمیت کشورهای همجوار، مشترک‌المنافع، حوزه خلیج فارس و عضو شانگهای به عنوان بازار صادراتی استان بوشهر، بر اساس یکسری شاخص‌های مرتبط با تعیین بازار و روش رتبه‌بندی تاکسونومی عددی مهم‌ترین بازارهای هدف میان کشورهای مذکور انتخاب شد. نتایج حاصل از این بررسی‌ها و محاسبات نشان داد مهم‌ترین بازارهای هدف استان بوشهر کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قطر به عنوان مهم‌ترین کشورهای هدف هستند.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود:

۱. نتایج بررسی تمرکز فعالیت‌های مختلف صنعتی در ده شهرستان بوشهر مشخص کرد که هر شهرستان در یکسری فعالیت‌های صنعتی دارای تمرکز بوده لذا مستعد تشکیل خوشه صنعتی است. این نتیجه راهبردی جهت انجام فعالیت‌های امکان‌سنجی خوشه‌های صنعتی برای مسئولین ذی‌ربط است.
۲. با بررسی فعالیت‌های مختلف صنعتی مشخص شد فعالیت تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی در استان بوشهر دارای مزیت نسبی صادرات است که شهرستان عسلویه واقع در این استان در این فعالیت دارای تمرکز است. لذا این شهرستان از صرفه‌های مکانی در این فعالیت برخوردار است. بنابراین امکان تشکیل خوشه صنعتی در این فعالیت در شهرستان مذکور وجود دارد. چه بسا با تشکیل خوشه صنعتی در این فعالیت سایر فعالیت‌های مرتبط با این فعالیت نیز رشد و توسعه یابند. با این اقدام ضمن افزایش تولید در بخش‌های مختلف و مرتبط، زمینه ایجاد اشتغال در استان نیز افزایش می‌یابد.
۳. مهم‌ترین بازارهای هدف استان بوشهر کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قطر هستند. صادرکنندگان و سیاست‌گذاران می‌بایست جهت صادرات محصولات شیمیایی به این کشورها برنامه‌ریزی دقیق‌تری داشته باشند.
۴. نتایج تحقیق مشخص کرد مزیت نسبی صادرات در یک فعالیت صنعتی خاص وجود دارد. این در حالی است که امکان تشکیل خوشه صنعتی در شهرستان‌های مختلف استان وجود دارد. این عدم تعادل‌های منطقه‌ای ناشی از تجمع جمعیت و امکانات در یک استان درون یک منطقه رخ می‌دهد.

که با شناسایی و توسعه مناطق مستعد کمتر می‌شود. لذا با توسعه و تخصصی شدن تولیدات مختلف می‌توان به تقویت هویت اقتصادی و رفع این عدم تعادل‌ها در استان بوشهر کمک بسزایی نمود.

References

- Abbasi, I.; Bastin, A., & Arami, A. (2019). *Abstract of research studies of bushehr province*, Management and planning organization of Bushehr province, Bushehr: vice president of program and budget coordination, planning and productivity (in Persian).
- Abedin, M.R.; Rahmani, M., & Mohammad Saeid, H. (2006). Determining the scope of trade expansion between iran and gulf cooperation council (gcc) countries, *Iranian Journal of Economic Research*, 28, 195-217(In Persian).
- Aghamohammadi, S.N.; Haji, G.; ghafari, H., & Ghafari Ashtiani, P. (2021). The effect of the comparative advantage of economic activities on the gdp of the provinces, *Quarterly Journal of Economic Modelling*, 15(54),87-104 (in Persian).
- Ahmad, B.; Anwar, M.; Badar, H.; Mehdi, M., & Tanveer, F. (2021). Analyzing export competitiveness of major fruits and vegetables of Pakistan: an application of revealed comparative advantage indices, *Pakistan Journal of Agricultural Sciences*, 58(2), 719-730
- Ahmadi, A. (2014). *Identify investment priorities in order to create a free trade zone in Bushehr province*, master's thesis of economic development and planning, university of esfahan (in Persian).
- Ahmadian, R., & Abdollah, B. (2017). Planning with a problem-solving approach, a new approach in regional planning (case study: the experience of Bushehr province), *Geographical Engineering of Territory (GET)*, 1(2), 15-29 (in Persian).
- Alan Eze, I., & Nuri Aras, O. (2021). Investigation of nigeria's comparative advantage for the african continental free trade area, *Journal of Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi*, 6(24), 422-433.
- Amjadi, A.; Mohammad Zadeh, R., & Barikani, E. (2008). Determining target market of Iran's pistachio and date export using export demand model and screening method, *Eqtesad-E Keshavarzi Va Towse'e*, 18(70), 193-220 (in Persian).
- Barmaki, A. (2009). *Identification of future industrial clusters in tehran province*, master's thesis, allameh tabatabai university (in Persian).

Fahimifar, J., Valibeigi, H., & Abedin M, R. (2004). The ranking of target markets of selected petrochemical products of Iran, *Iranian Journal of Trade Studies (Ijts)*, 31, 153-202 (In Persian).

Farid vand, E. (2016). *Investigating the relative advantage of apple production and export in West Azerbaijan province*, master's thesis, agricultural economics engineering, urmia university (in Persian).

Helpman, E. (1995) Monopolistic competition in trade theory, *The Quarterly Journal of Economics*, 110 (3), 799-836.

Hosseini, M.A. (2017). *New economic geography and structure of foreign trade: selected countries and Iran*, doctoral dissertation in the field of economic sciences, mazandaran university (in Persian).

Hosseini, R. (2012). *The effects of iran's accession to the world trade organization on the competitiveness of iran's rubber industry "case study: Yazd rubber industries complex"*, master's thesis of economic development and planning, university of esfahan (in Persian).

Iran Trade Promotion Organization. (2019). *Analysis of the foreign trade performance of the Office of Export Coordination of Agricultural Products and Transformation Industries in 2019*, tehran (in Persian).

Iran Statistics Center. (2018). *Statistical results from the census of industrial workshops with 10 employees and more, 2014-2019*. program and budget organization, Tehran (in Persian).

Iran Statistics Center. (2022). *Statistical results from the census of industrial workshops with 10 employees and more, 2000-2019*. program and budget organization, Tehran (in Persian).

Joo Cho, C. (2018). The identification of industrial clusters in the chungbuk region in Korea, *World Technopolis Review*, 6(2), 130-147.

Kazem pour, A.; Rafiee, H.; Noroozi, H.; Zarer, S.A.; Yousef Zadeh, L., & Kaboud Tabar, M. (2021). Prioritization of iranian tomato target markets based on market competition indicators, *Journal of Agricultural Economics & Development*, 36(1), 49-65 (in Persian).

Ketels, C. (2015). Competitiveness and clusters: implications for a new european growth strategy, *Working Paper*, 84.

Khaksar Astaneh, H.; Mazhari, M., & Shahnooshi, N. (2008). Determining comparative advantage and recognizing target markets of Iran's hand-woven carpet, *Journal of Goljaam*, 11, 113-124 (in Persian).

Kiaee, H.; Ghaemi, M., & Hashemifarid, M. (2020). Presenting the strategy of iran-iraq trade interactions based on importance-performance analysis, *Journal of Economic Research and Policies*, 28(96), 285-330 (In Persian).

Koschatzky, K., & Lo, V. (2007). Methodological framework for cluster analyses, *Arbeitspapiere Unternehmen Und Region*, R1/2007, Fraunhofer ISI, Karlsruhe .

Krugman, P. (1997). Scale economies, product differentiation, and the pattern of trade, *American Economic Review*, 70(5), 950-59.

Lotf Alipour, M.R.; Ashna, M., & Tarhami, F. (2021). Comparative advantage of the economic sectors of the oil-rich regions using the regional data-output table: a case study of West Karun region, *Development strategy magazine*, 67(3), 100-128 (in Persian).

Management and Planning Organization of Bushehr Province. (2021). *Statistical yearbook of bushehr province (2015-2020)*, Tehran: program and budget organization of the country, center for documents, documents and publications (in Persian).

Management and Planning Organization of Bushehr Province. (2021). *Population and Housing Census of Bushehr Province (2015)*, Tehran: Organization of Program and Budget of the country, Center for Documents, Documents and Publications (In Persian).

Modarresi, M.; Afrasiabi, S.; Bagheri Garbollah, H., & Khani, F. (2020). Prioritizing export target markets of tomato iran using numerical taxonomy analysis, *Journal of International Business Administration*, 3(2), 103-119 (in Persian).

Mojavarian, S.M., Ahmadi Kiliji, S., & Amin Rawan, M. (2015). Determination of medical plant export target markets in iran, *Iranian Journal of Agricultural Sciences*, 46(4), 729-737 (in Persian).

Nik Rozana, N. M. M.; Suntharalingam, C., & Othman, M. F. (2017). Competitiveness of malaysia's fruits in the global market: revealed comparative advantage analysis, *Malaysian Journal of Mathematical Sciences*, 11(S), 143-157.

Nili, M. et al. (2020). *Which way is Iran's economy going*, Tehran: dunay eghtasad (in persian).

Nowrozi, Q., & Sorayai, A. (2009). Investigating the relative advantage and prioritization of target markets for the export of agricultural products of Iran (case study: Mazandaran province). *The 6th Conference on Agricultural Economics of Iran* (in Persian).

Rasakhi, S., & Karimi, M. (2021). Virtual water trade between Iran and CIS, *Applied economic studies of Iran*, 11(42), 109-134 (in Persian).

Saadat, R.; Abounoori, E.; Rasekhi, S., & Mardani, M.R. (2019). The home market effect on exports and manufacturing products in Iran, *Quarterly Journal of Economic Modelling*, 12(43), 163-183. (in Persian).

Singh, O.P.; Anoop, M., & Singh, P.K. (2020). Revealed comparative advantage, competitiveness and growth performance: evidences from india's foreign trade of agricultural commodities, *Indian Journal of Agricultural Economics*, 75(4), 560- 577.

Suri, A. (2015). *Evaluation of comparative advantage in Iran's bilateral trade with China and Turkey (case study: basic metals)*, master's thesis, department of economic sciences, ashrafi university of Esfahani (in Persian).

Wolman, H., & Hincapie, D. (2015). Clusters and cluster-based development policy, *Economic Development Quarterly*, 29(2), 135– 149.

Yazdanparast, Z.; Karimzadeh, M., & Falahi M. A. (2015). Empirical test of linder's effect in the iran pattern of international trade, *Journal of Economic Research and Policies*, 23(76), 167-186 (in Persian).

Zarei, M. (2018). *Economic report of Bushehr province (year 2016)*, general directorate of economic affairs and finance of Bushehr province, economic deputy (in Persian).

Zhong, F.; Xu, Z., & Fu, L. (2001). Regional comparative advantage in china's main grain crops digital collections, *ANU Open Access Research*, Australian national university.



Research Article

Vol. 30, No1, 2023, p. 140 - 179



Investigation the Effects of Disinflation Monetary Policies on Economic Security and Growth in Iran

H. Khavari¹, T. Ebrahimi Salari^{2*}

1-Ph. D Student of Monetary Economics at Ferdowsi University of Mashhad.

2-Associate Professor, of Ferdowsi University of Mashhad

(* - Corresponding Author Email: ebrahimi@um.ac.ir)

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.79685.1150>

Received: 2022/11/20	How to cite this article: Khavari, H.; & Ebrahimi Salari, T. (2023). Investigation the Effects of Disinflation Monetary Policies on Economic Security and Growth in Iran. <i>Economics and Regional Development Journal</i> , 30(1): 140-179. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2023.79685.1150
Revised: 2023/06/17	
Accepted: 2023/11/12	
Available Online: 2023/11/12	

1- INTRODUCTION

Economic insecurity means the existence of risks limiting economic growth. On the other hand, considering that economic insecurity has important effects on consumption decisions, savings and labor market balance, it can be said that economic security is an important part of economic well-being, which is largely affected by the country's economic policies. Policies and programs to deal with inflation and especially the effect of monetary policies on the nominal and real variables of the economy is one of the most important topics in the literature of monetary economics. Price stability is considered as the main goal of monetary policy in almost all countries. In order to achieve low and stable inflation, effective and efficient tools should be used in monetary policy affairs. Of course, the

correct understanding of the concept of inflation and the factors affecting is considered essential to achieve price stability. Economists believe that the costs that inflation imposes on society can be much more serious than the costs of slowing down economic growth. Instability resulting from inflation not only damages the credibility of macroeconomic policymakers, especially the central bank, but its continuation can also cause acute cases of political instability in countries. In this regard, demand management policies and especially monetary policies are one of the important tools to achieve these goals. Monetary policies are without a doubt the most direct influencing and determining factor of inflation, and by using and correctly guiding monetary policies, one can achieve stable economic growth while achieving low and stable inflation. Trade-off between inflation and unemployment has always been the concern of economists and basic theories such as the Phillips curve have been proposed in this regard. Economists have generalized the aforementioned trade-off and used economic growth instead of unemployment and put forward a concept called the sacrifice ratio. Sacrifice ratio shows the amount of lost production per 1% reduction in inflation, and along with the Phillips curve, it has always been very important in the direction of government and central bank policies, especially contractionary policies.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Based on this, the purpose of this study is to investigate the effects of inflation-fighting monetary policies on economic growth and security in Iran. As a result of the study, the costs of a deflationary policy are also measured in terms of lost production during the years (1998-2021). For this purpose, after examination the theoretical foundations of the research in relation to the concept and indicators of economic security, the benefits and harms of inflation on the risks that reduce economic growth and security, and the effects of policies to deal with inflation, a review of the background Studies of the studied subject are carried out.

3- METHODOLOGY

This research examines changes in economic growth and economic security index in Iran. Through modeling the application of a contractionary monetary policy for the period of 1988-2021 by using the Structural Autoregression model (SVAR).

4- RESULTS & DISCUSSION

Our results show that the contractionary impulse on the growth of the country's liquidity has a negative reaction on the growth of GDP per capita in the short run. But in the long run and gradually with the reduction of inflation, its initial effects will be moderated and the country's economic growth will improve. Based on this, the calculated production sacrifice ratio is -3.52. According to the results of the research, the negativeness of the calculated ratio means that in Iran's economy, the application of monetary policy to achieve a lower inflationary trend has a long effect interval (about five years). Over the years, production not only compensates for its initial decrease over time, but also increases by 3.52%. Also, in the examination of the relationship between the economic security index and the negative impulse of the monetary policy, it can be seen that it has a negative reaction in the short run, which is mostly due to the direct effects of the reduction in production growth and also the reverse effects of the growth of the prices on the economic security index. In the long run, the gradual decrease in inflation leads to the improvement of the economic security index. The results also show that both in the short run and in the long run, the most important variable affecting the changes in production growth is the impulse resulting from the economic security index, which indicates the great importance of the stability of economic conditions, whether the absence or reduction of unemployment risks, the risk of growth of health costs and private treatment shows the risk of poverty and risks caused by inflationary uncertainties.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

To achieve the purpose of conducting the study we investigated the effects of disinflation monetary policies on the country's economic growth and security, as well as measuring the costs of a deflationary policy in terms of lost production during the period under review, first, the economic security index based on Ozberg and Sharp's study (2001) calculation and its trend was analyzed. Then, by specifying the theoretical model of the research, the stationarity of the variables was checked by using the Augmented Dickey-Fuller test. The final variables used in this research are: economic security index, per capita GDP growth, liquidity growth and inflation changes. The results of the Augmented Dickey-Fuller stationarity test showed that all these variables have unit root. Next, the SVAR model was estimated and structural constraints were applied, and after that, impulse response functions and variance decomposition were analyzed. The results showed that the contractionary impulse on the growth of liquidity has a negative reaction on the part of production growth in the short run, but in the long run due to its moderating effects on the country's inflation, the economic growth gradually increased and its fluctuations trended up to 7 periods are completely lost. According to the definition of production sacrifice ratio, it measures the accumulated loss in real production as a result of a permanent decrease in the inflation process. It is observed that with the applied deflationary policy, it takes about 5 periods (years) for inflation to be permanently moved to a lower level. The reduction rate of inflation is about 0.17%. Also, the total production loss due to the application of this policy during the five-year period is equal to -0.6%. Therefore, the calculated sacrifice ratio is equal to -3.52. The negativeness of the calculated ratio means that in Iran's economy, applying monetary policy to achieve a lower inflationary trend has a long effect interval (about five years) and during these years, not only production compensates its initial decrease over time, but also increases by 3.52%. Also, in the examination of the relationship between the economic security index and the negative impulse of the monetary policy, it can be observed that it has a negative reaction in the short run, which is mostly due to the direct effects of the

reduction in production growth and also the reverse effects of the growth of the prices on the economic security index. In the long run, the gradual decrease in inflation leads to the improvement of the economic security index. To summarize the degree of importance and the degree of influence of each variable, analysis of the variance of the prediction error of the production growth variable was used. The results of this study show that both in the short run and in the long run, the most important variable influencing changes in production growth is the impulse of the economic security index, which is very important for the stability of economic conditions, whether the absence or reduction of unemployment risks, the risk of growth of health costs. And private treatment shows the risk of poverty and risks caused by inflationary uncertainties. The results of the analysis of the variance of the prediction error of the economic security index variable also show, the most important factors explaining the changes in the country's economic security are different in the short and long run. According to the specified model, in the short run, changes in production growth and inflation cause more than half of the changes in the economic security index. But in the long run, their effects will decrease and the growth momentum of liquidity is able to explain about 10% of the changes in the economic security index. Therefore, the effect of the contractionary impulse of the growth of liquidity through reducing inflation and promoting the growth of GDP in the long run has a positive effect on the country's economic security index. According to the results obtained from the analysis of research results regarding Iran, inflation control policies are recommended despite its adverse effects on production levels in the short-term, taking into account the long-term positive effects on the security index and economic growth. and follow up policy makers.

Keywords: Economic Security, Economic Growth, M2, CPI, Iran.

بررسی آثار سیاست‌های پولی مقابله با تورم بر امنیت و رشد اقتصادی در ایران

حمید خاوری

دانشجوی دکترای اقتصاد پولی، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

تقی ابراهیمی سالاری*

دانشیار گروه علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.79685.1150>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

ناامنی اقتصادی به مفهوم وجود ریسک‌های محدودکننده رشد اقتصادی است که تا حد زیادی متأثر از سیاست‌های اقتصادی کشور است. از طرفی برنامه‌های مقابله با تورم، یکی از مهم‌ترین موضوعات در ادبیات اقتصاد پولی است. این پژوهش به بررسی تغییرات رشد اقتصادی و همچنین شاخص امنیت اقتصادی در ایران می‌پردازد. از طریق مدل‌سازی اعمال یک سیاست انقباضی پولی برای دوره ۱۳۶۷-۱۴۰۰ با استفاده از الگوی خود بازگشت برداری ساختاری (SVAR)، نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که تکانه انقباضی وارده بر رشد حجم نقدینگی کشور، واکنش منفی رشد تولید ناخالص داخلی سرانه را در کوتاه‌مدت به دنبال دارد؛ اما در بلندمدت و به تدریج با کاهش تورم، آثار اولیه آن تعدیل شده و رشد اقتصادی کشور بهبود می‌یابد. بر این اساس نسبت فداکاری تولید (مقدار تولید از دست رفته به ازای ۱ درصد کاهش در تورم) محاسبه شده برابر ۳/۵۲- به دست می‌آید. بر اساس نتایج پژوهش، منفی بودن نسبت محاسبه شده، به این معنی است که در اقتصاد ایران، اعمال سیاست پولی جهت دستیابی به یک روند تورمی پایین‌تر، دارای وقفه اثرگذاری طولانی (حدود پنج سال) است و طی این سال‌ها نه تنها تولید، کاهش اولیه خود را در طول زمان جبران می‌کند، بلکه به میزان ۳/۵۲ درصد افزایش نیز می‌یابد. همچنین در بررسی رابطه شاخص امنیت اقتصادی با تکانه منفی سیاست پولی، مشاهده می‌شود واکنشی منفی در کوتاه‌مدت دارد که بیشتر به خاطر آثار مستقیم کاهش رشد تولید و همچنین آثار معکوس رشد سطح عمومی قیمت‌ها بر شاخص امنیت اقتصادی است. در بلندمدت کاهش تدریجی تورم منجر به ارتقای شاخص امنیت اقتصادی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ایران، رشد اقتصادی، امنیت اقتصادی، تورم، حجم نقدینگی (M2).

طبقه بندی JEL: E51, G28, O42

Ebrahimi@um.ac.ir

* نویسنده مسئول:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

صفحات: ۱۷۹-۱۴۰

مقدمه

با وجود آن که در سده‌های پیشین مهم‌ترین رویکرد به امنیت را نگاه نظامی و سیاسی تشکیل داده است، امنیت در قرن حاضر به مفهومی گسترده و پیچیده تبدیل شده است که ابعاد مختلفی از زندگی بشر را در بر می‌گیرد و در سال‌های اخیر، "امنیت اقتصادی" در اولویت قرار گرفته است که به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های امنیت انسان، نقش مهمی در رفاه جوامع بشری ایفاء می‌کند و تأثیر آن در توسعه باثبات نظام اقتصادی کشورها قابل‌انکار نیست. امنیت اقتصادی به میزان حفظ و ارتقاء سطح زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، از مجرای عملکرد داخلی و بین‌المللی اشاره دارد. از این‌رو، هر تهدید و ریسک داخلی و خارجی که امکان استفاده کارآمد از منابع را در اقتصاد به مخاطره اندازد و رشد توسعه‌گرا و باثبات اقتصاد را با اختلال روبه‌رو کند، به امنیت اقتصادی کشور ضربه می‌زند.

امنیت اقتصادی به دستیابی به منابع (اعم از مالی و غیرمالی) و بازارهای لازم جهت حفظ سطوح قابل‌قبول رفاه و قدرت در جامعه گفته می‌شود (Ianioglo & Polajeva, 2016)؛ بنابراین امنیت اقتصادی کل کشور در گروی ایجاد توازن بین سه مؤلفه کلیدی در نظر گرفتن منافع مصرف‌کنندگان، امکان تداوم و توسعه فعالیت تولیدکنندگان و تأمین منابع مورد نیاز جهت کارکردهای اصلی اقتصاد است (Ioan-franc & Diamescu, 2010). از آثار مهم امنیت اقتصادی، به بهبود شرایط سرمایه‌گذاری و به دنبال آن، افزایش رشد اقتصادی کشورها می‌توان اشاره نمود. از طرفی یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، تورم و ناپایداری‌های حاصل از آن است تا حدی که در بسیاری از کشورها، کنترل آن و ثبات قیمت‌ها از اهداف کلان سیاست‌گذاران است؛ زیرا تثبیت سطح قیمت‌ها باعث افزایش روند رشد حقیقی بلندمدت اقتصاد خواهد شد (Cecchetti & Rich, 2001).

ثبات قیمت‌ها تقریباً در کلیه کشورها به‌عنوان هدف اصلی سیاست‌گذاری پولی در نظر گرفته شده است. جهت دستیابی به تورم پایین و باثبات، بایستی از ابزارهای مؤثر و کارا در امور سیاست‌گذاری پولی استفاده کرد. البته درک صحیح مفهوم تورم و عوامل اثرگذار بر آن از ضروریات دستیابی به ثبات قیمت‌ها محسوب می‌شود. اقتصاددانان معتقدند که هزینه‌هایی را که تورم به جامعه تحمیل می‌کند، می‌تواند بسیار جدی‌تر از هزینه‌های کند شدن رشد اقتصادی باشد. بی‌ثباتی حاصل از تورم نه تنها موجب خدشه‌دار شدن اعتبار سیاست‌گذاران کلان اقتصادی به‌ویژه بانک مرکزی می‌شود، بلکه تداوم آن می‌تواند موارد حاد بی‌ثباتی سیاسی کشورها را نیز موجب گردد. در این راستا، سیاست‌های مدیریت تقاضا و به‌خصوص سیاست‌های پولی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای نیل به این اهداف است. سیاست‌های پولی بدون

شک مستقیم‌ترین عامل اثرگذار و تعیین‌کننده تورم است و با به‌کارگیری و هدایت صحیح سیاست‌های پولی می‌توان ضمن دستیابی به تورم پایین و باثبات به رشد اقتصادی پایدار نیز دست یافت. تبادل بین تورم و بیکاری همیشه موردتوجه اقتصاددانان بوده و نظریه‌های اساسی مانند منحنی فیلیپس^۱ در این خصوص مطرح شده است. اقتصاددانان بده-بستان مذکور را تعمیم داده و از رشد اقتصادی به‌جای بیکاری استفاده کرده‌اند و مفهومی با عنوان نسبت فداکاری^۲ مطرح می‌کنند. نسبت فداکاری مقدار تولید از دست رفته به ازای ۱ درصد کاهش در تورم را نشان می‌دهد و در کنار منحنی فیلیپس همواره از اهمیت زیادی در جهت‌گیری سیاست‌های دولت و بانک مرکزی، به‌خصوص سیاست‌های انقباضی، برخوردار بوده است (Sargent & Wallace, 1975).

بر این اساس هدف از انجام این مطالعه، بررسی آثار سیاست‌های پولی مقابله با تورم بر رشد و امنیت اقتصادی در ایران است. در نتیجه مطالعه همچنین به اندازه‌گیری هزینه‌های یک سیاست تورم‌زدایی^۳ بر حسب تولید از دست رفته طی سال‌های (۱۴۰۰-۱۳۶۷) پرداخته می‌شود. برای این منظور، بعد از بررسی مبانی نظری پژوهش در رابطه با مفهوم و شاخص‌های امنیت اقتصادی، منافع و آسیب‌های حاصل از تورم بر ریسک‌های کاهنده رشد و امنیت اقتصادی و آثار سیاست‌های مقابله با تورم، مروری بر پیشینه مطالعاتی موضوع مورد مطالعه انجام می‌شود. بخش بعدی بررسی روش‌شناسی و تصریح مدل تجربی مطالعه است و در نهایت نتایج حاصل از مدل اصلی پژوهش مورد بحث، تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

ادبیات موضوع

امنیت اقتصادی

در اقتصاد، دامنه تعریف امنیت و تهدیدهای بالقوه پیچیده‌تر از سایر حوزه‌ها است. امنیت در اقتصاد دارای مفهومی پویا، عناصر چندجانبه و چندوجهی است که نمی‌توان آن را به‌طور مطلق تعریف کرد. در واقع بخش مهمی از امنیت ملی است و از طرفی ابزار مبارزه با فقر، قحطی، نابرابری اقتصادی و اجتماعی است و همچنین از آن به‌عنوان وسیله حمایت از منافع حیاتی جامعه، دولت و شهروندان در برابر تهدیدهای خارجی و داخلی یاد می‌شود (Ioan-franc & Diamescu, 2010). در یک تعریف جامع، امنیت اقتصادی

^۱ Philips Curve

^۲ Sacrifice Ratio

^۳ Disinflation

به معنای ظرفیت یک کشور برای مقاومت در برابر حملات، تهاجم و تأثیرات اقتصادی نیروهای خارجی است. امنیت اقتصادی، فضایی در داخل کشور و در عرصه بین‌المللی ایجاد می‌کند که حافظ صلح و امنیت است و در آن، نظام اقتصادی کشورها می‌تواند توسعه مستمر، باثبات و ایمن داشته باشد (Elliott, 2012). بر اساس تعریف فوق، امنیت اقتصادی به وضعیتی اشاره دارد که تهدیدهای اقتصادی-مالی با منشأ خارجی و داخلی در اقتصاد وجود ندارد و خطری توان اقتصاد ملی برای تأمین منابع موردنیاز جهت ایفای کارکردهایش، فعالیت تولیدکنندگان و منافع مصرف‌کنندگان را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد؛ بنابراین امنیت اقتصادی کل کشور در گروی ایجاد توازن بین سه مؤلفه کلیدی در نظر گرفتن منافع مصرف‌کنندگان، امکان تداوم و توسعه فعالیت تولیدکنندگان و تأمین منابع مورد نیاز جهت کارکردهای اصلی اقتصاد است.

شاخص‌های ریسک و امنیت اقتصادی

مؤسسات بین‌المللی متعددی به‌طور منظم شاخص‌هایی را تحت عنوان رتبه ریسک کشوری محاسبه و اعلام می‌کنند. از آنجاکه هر یک از این مؤسسات، روش و متدولوژی خاص خود را دارند، نتایج به‌دست‌آمده ممکن است، یکسان نباشد. از مهم‌ترین مؤسسات و منابع محاسبه و انتشار شاخص‌های ریسک و امنیت اقتصادی می‌توان به سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۱، مؤسسه پی.آر.اس.^۲، بانک جهانی^۳، مؤسسه فیتچ^۴، استاندارد و پورز^۵، بنیاد هریتیج^۶ و غیره اشاره نمود. در این بخش به‌طور خلاصه به برخی موارد مهم از روش‌های محاسبه امنیت و ریسک اقتصادی، پرداخته شده و شاخص مورد استفاده در مطالعه بررسی می‌گردد.

سازمان بین‌المللی کار (ILO)، در قالب یک برنامه امنیت اجتماعی-اقتصادی^۷، ۷ نوع مؤلفه از امنیت را تحت عنوان شاخص امنیت اقتصادی شناسایی کرده است که مؤلفه‌های این شاخص بیشتر از زاویه اشتغال به مقوله امنیت می‌پردازند. ۱- امنیت بازار کار^۸؛ فرصت‌های کافی اشتغال ۲- امنیت اشتغال^۱؛ حمایت در

¹ International Labor Organization (ILO)

² Political Risk Service (PRS)

³ World Bank

⁴ Fitch

⁵ Standard and Poors (S&P)

⁶ Heritage Foundation

⁷ Socio-Economic Security Programme

⁸ Labor market security

برابر اخراج غیرمنصفانه، برخورداری از مقررات اخراج و استخدام و تحمیل هزینه‌بر کارفرمایانی که قوانین مربوطه را رعایت نمی‌کنند ۳- امنیت شغلی^۲؛ وجود طبقه‌بندی مشاغل به‌منظور جلوگیری از فرسودگی شغلی و تقلیل رفتن مهارت‌ها، جلوگیری از اعمال رویه‌های محدودکننده، امکان دنبال کردن گرایش‌های منطبق با علاقه، تخصص و مهارت‌های فرد در کار ۴- امنیت کار^۳؛ وجود حمایت در برابر حوادث و بیماری‌های ناشی از کار از طریق اعمال مقررات ایمنی و سلامت کارکنان، داشتن سقف برای ساعات کاری و کار زنان در شب. ۵- امنیت مهارت شغلی^۴؛ برخورداری از فرصت‌های کافی در زمینه آموزش و حرفه‌ای به‌منظور به‌روز نگه‌داشتن مهارت‌ها. ۶- امنیت درآمدی^۵؛ حمایت از درآمدها از طریق قانون حداقل دستمزد، بیمه‌های اجتماعی، مالیات بر درآمد تصاعدی به‌منظور کاهش نابرابری‌های درآمدی. ۷- امنیت اظهارنظر نمایندگی‌های کارگری^۶؛ حمایت از نظرات اتحادیه‌های کارگری از طریق انجمن‌های کارفرمایی و برخورداری از حق اعتصاب. بنا بر تعریف سازمان بین‌المللی کار، از بین ۷ مؤلفه فوق، امنیت درآمدی و امنیت اظهارنظر نمایندگی‌های کارگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند؛ زیرا این دو، ارکان اصلی تشکیل‌دهنده امنیت پایه (سطوح حداقلی از امنیت اقتصادی) انسان را تشکیل می‌دهند. در ادبیات سازمان بین‌المللی کار، همه انسان‌ها دارای حق برخورداری از امنیت پایه هستند که به معنای کاهش نااطمینانی در زندگی شخصی افراد و تأمین محیطی اجتماعی است که انسان‌ها در آن احساس تعلق خاطر به انجمن‌ها یا گروه‌هایی داشته باشند (Report of the International Labor Organization, 2004).

مؤسسه ارائه‌دهنده خدمات بررسی ریسک سیاسی (PRS) در آمریکا، وظیفه جمع‌آوری اطلاعات در مورد کشورهای مختلف به‌منظور اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران را بر عهده دارد. قدرت رهبری دولت، ریسک منازعات خارجی، فساد، حاکمیت قانون، کشمکش‌های نژادی، تروریسم سیاسی، خطر جنگ داخلی، کیفیت دیوان‌سالاری، ریسک نکول قراردادها توسط دولت و ریسک مصادره از مهم‌ترین فاکتورهای موردبررسی این مؤسسه در محاسبه ریسک و امنیت اقتصادی کشورهاست (Ezzati & Dehghan, 2009).

¹ Employment security

² Job security

³ Work security

⁴ Skill reproduction security

⁵ Income security

⁶ Representation security

بر اساس رویکرد بنیاد هریتیج به مقوله امنیت اقتصادی، این دولت‌ها هستند که با فشار یا اجبار بیش‌ازحد نیاز، عرصه را بر بخش خصوصی تنگ کرده و محیط را برای آن‌ها ناامن می‌سازند. امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در جایی مستقر می‌شود که در آن آزادی اقتصادی از سوی دولت تأمین و تضمین شده باشد. از مواردی که بنیاد هریتیج در برآورد شاخص خود مدنظر قرار می‌دهد، می‌توان به سیاست تجاری، دخالت دولت، سرمایه‌گذاری خارجی، قیمت و دستمزد، قوانین و مقررات، مالیات، سیاست پولی، بانکداری، حقوق مالکیت و اقتصاد (بازار) سیاه^۱ اشاره نمود.

در زمینه شاخص امنیت اقتصادی هرکدام از مؤسساتی که در بالا ذکر شد روش و متغیرهای خاصی برای برآورد این شاخص مدنظر قرار می‌دهند که به برخی از متغیرهای مورد استفاده آنان، اشاره شد. در داخل کشور نیز در زمینه برآورد شاخص امنیت اقتصادی مطالعات اندکی انجام گرفته است. از جمله می‌توان به مطالعه هاشمیان و گرجی (۲۰۰۷) اشاره کرد که به دنبال بررسی آثار آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی در کلیه زمینه‌های بازرگانی و انتقال اعتبارات برون‌مرزی در بستر جهانی‌شدن اقتصاد کشورها به محاسبه کمی شاخص امنیت اقتصادی برای توضیح دلایل و عوامل اختلاف در رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته پرداخته‌اند و همچنین مطالعه صادقی و همکاران (۲۰۱۳) که به کمک منطق فازی به برآورد شاخص امنیت اقتصادی در ایران پرداختند. طبق معیار برآوردی شاخص آن‌ها، بیشترین مقدار شاخص امنیت اقتصادی مربوط به سال ۱۳۵۵ و کمترین مقدار آن مربوط به سال ۱۳۶۱ است. همچنین در ده سال آخر دوره موردبررسی آن‌ها (۱۳۷۶-۱۳۸۶)، این شاخص روند رو به رشدی از خود نشان داده است. در بسیاری از مطالعات نیز با در نظر گرفتن شاخص‌های موجود بر اساس برآورد مؤسسات بین‌المللی و یا به‌کارگیری متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی، نرخ رشد قیمت ارز و غیره به‌عنوان جایگزین‌هایی برای امنیت اقتصادی به آثار آن پرداخته‌اند (Mehrabani & Farzin, 2007؛ Mikaili & Mehnatfar, 2013؛ Mehrara et al., 2018).

شاخص امنیت اقتصادی به کار گرفته شده در این پژوهش نیز برگرفته شده از یکی از مؤلفه‌های شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی (IEWB)^۲ محاسبه شده توسط اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۲) است. در محاسبه این شاخص فرض می‌شود که رفاه اقتصادی به چهار مؤلفه جریان مصرف مؤثر سرانه، تجمیع انباشت سرمایه

^۱ The black economy

^۲ The Index of Economic Weil-Being

مولد، فقر و نابرابری در توزیع درآمدهای فردی و ناامنی در پیش‌بینی درآمدهای آتی وابسته است و برای هر یک از این اجزا وزن‌هایی در نظر گرفته است. مؤلفه ریسک اقتصادی (Es) مطابق رابطه زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$Es = \alpha_1 \cdot Ur + \alpha_2 \cdot Hcr + \alpha_3 \cdot Dr + \alpha_4 \cdot Ir$$

در این رابطه، (Ur) به امنیت ناشی از ریسک بیکاری اشاره دارد. بازار کار نقش مهمی در درآمدهای پولی افراد دارد. هرچند از دست دادن شغل و ناامنی در شغل آثار اجتماعی نیز دارد با این وجود، هدف عمده ناامنی بیکاری، تغییر شرایط جریان درآمدی افراد است که در دوره‌های بیکاری ایجاد می‌شود. لذا برای پوشش ریسک اقتصادی مربوط به بیکاری در اکثر تحقیقات از حاصل ضرب نرخ بیکاری با نرخ مشارکت در بیکاران منتفع از بیمه بیکاری به صورت استاندارد شده، استفاده شده است. این جزء می‌تواند نشان‌دهنده آثار مالی بیکاری باشد (Hosseini & Jafari Samimi, 2010).

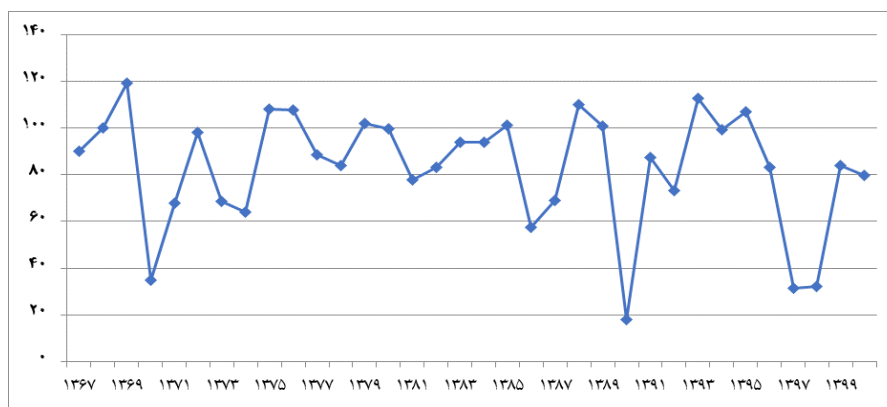
جزء (Hcr)، نشان‌دهنده امنیت ناشی از ابتلا به بیماری است. درصد هزینه‌های بهداشت و درمان از کل هزینه‌های مصرفی خصوصی به عنوان یک متغیر برای امنیت ناشی از ابتلا به بیماری در نظر گرفته می‌شود. افزایش این متغیر به مفهوم کاهش رفاه است، به همین دلیل این متغیر در عدد ۱- ضرب می‌شود تا سازگاری بین تغییر متغیر و تغییر شاخص امنیت اقتصادی حفظ شود. در ضمن، به منظور سازگاری اعداد با عدد ۱ (مقدار متغیرها در سال پایه)، این متغیر با عدد ۲ جمع شده است.

جزء (Dr)، به مفهوم امنیت ناشی از ریسک فقر در صورت تک‌والدین شدن است. هرچند نمی‌توان منکر مسئله فقر در میان خانوارهای تک‌والدین با سرپرست مرد شد ولی از آنجاکه ریسک و فقدان درآمد برای چنین خانوارهایی بسیار کمتر از زن‌ها است و از طرفی خانوارهای با سرپرست زن در معرض خطر زیادی برای از دست دادن درآمد قرار دارند و یافتن شغل و از دست دادن آن به خاطر مراقبت‌های از فرزندان خطری است که اکثر این خانوارها از آن رنج می‌برند. در اکثر تحقیقات در شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی از شاخص‌های ریسک فقر در خانوارهای با سرپرست زن استفاده شده است. در این پژوهش، این شاخص از حاصل ضرب نرخ طلاق خانوارها در نرخ بیکاری زنان به عنوان تقریبی از نرخ فقر زنان خانوارهای منفرد استفاده شده است.

جزء (Ir) نیز امنیت ناشی از ریسک تورمی را نشان می‌دهد. تورم پیش‌بینی نشده باعث تغییرات در ارزش پولی دارایی‌ها و بدهی‌ها شده و توزیع مجدد پیش‌بینی نشده‌ای در درآمد واقعی ایجاد می‌کند. در اقتصاد

ایران به لحاظ تغییرات غیرمنتظره زیاد تورم، انتظار می‌رود که اثر این متغیر روی امنیت اقتصادی زیاد باشد. از این جهت، درصد تغییرات تورمی به عنوان ریسک تورمی در نظر گرفته می‌شود.

نمودار (۱)، روند شاخص امنیت اقتصادی در ایران را در دوره مورد مطالعه در این پژوهش و بر اساس محاسبه اجزاء فوق به دست می‌دهد. بیشترین مقادیر این شاخص مرتبط با دوره‌های ابتدایی پس از جنگ با عراق است. زمانی که اجزاء مرتبط با ریسک بیکاری، هزینه‌های درمان خصوصی و ریسک تورمی رو به افول گذاشته و موجب ارتقاء امنیت اقتصادی کشور شدند. در سه مقطع زمانی سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸، کاهش شدید این شاخص عمدتاً به دلیل اثرپذیری از عامل بسیار مهم ریسک‌های تورمی است. مقادیر تغییر تورم مصرف‌کننده از سال ۱۳۶۹ به سال ۱۳۷۰، از ۷/۶۳٪ به ۱۷/۱۳٪ رسیده است (تغییر ۱۲۵ واحدی). میزان تغییرات تورم از سال ۱۳۸۹ به سال ۱۳۹۰ نیز بالغ بر ۱۶۰ واحد است (از ۱۰/۰۹٪ به ۲۶/۲۹٪). تورم همچنین از ۸/۰۴٪ به ۱۸/۰۱٪ در سال ۱۳۹۷ و سپس به میزان ۳۹/۹۱٪ در سال ۱۳۹۸ رسیده است.



نمودار ۱: شاخص امنیت اقتصادی

تورم، امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی

یکی از آثار مثبت امنیت اقتصادی، اثر آن بر افزایش سرمایه‌گذاری است. به گونه‌ای که بهبود وضعیت کشورها در جذب سرمایه، در نتیجه افزایش امنیت اقتصادی رخ می‌دهد. صندوق بین‌المللی پول در

مطالعه‌ای که با استفاده از روش‌های محاسباتی گزارش راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها^۱ در یک بازه زمانی یازده ساله مطالعه‌ای روی ۵۳ کشور در حال توسعه انجام داده است، این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که بهبود امنیت اقتصادی در این کشورها به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی منجر شده است. البته، سرمایه‌گذاری خصوصی تحت تأثیر عواملی چون خطر مصادره اموال، درجه آزادی مدنی و کیفیت بوروکراسی نوسان خواهد یافت (Ward, 1998).

نظریات مختلفی در خصوص ارتباط بین تولید و تورم بین مکاتب مختلف اقتصادی وجود دارد. در مکتب کلاسیکی افرادی همانند بگواتی (۱۹۷۸) و دورنبوش (۱۹۸۹) بر این باورند که تورم میزان پس-انداز را کاهش داده و هزینه و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، به گونه‌ای که میزان بالای تورم به تخصیص نامناسب منابع سرمایه‌گذاری به سمت فعالیت‌های کمتر تولیدی منجر می‌گردد (Tabatabai, 2001).

نظریه پولی کینزین‌ها اظهار می‌کند که سطح قیمت‌ها تحت شرایط اشتغال ناقص به دلیل افزایش در مقدار پول به‌طور متناسبی افزایش نمی‌یابد. افزایش ایجاد شده در مقدار واقعی پول، نرخ بهره را کاهش و سرمایه‌گذاری و تولید واقعی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، بر اساس نظریه پولی فریدمن در کوتاه‌مدت، افزایش غیرمنتظره تورم، دستمزدهای واقعی را کاهش می‌دهد، در نتیجه کارفرمایان دستمزدهای اسمی بالاتری را پیشنهاد می‌کنند و کارگران به دلیل اطلاعات ناقص آن را به‌عنوان دستمزدهای واقعی بالاتر قلمداد می‌کنند. این اختلاف به‌طور مشابهی کارفرمایان را تشویق به پیشنهاد اشتغال بالاتر و کارگران را نیز تشویق به پذیرش اشتغال بالاتر می‌نماید (Svensson, 1997).

مکتب پولیون نیز تورم را یک پدیده پولی می‌دانند. این ادعا به این معناست که رشد مستمر و بالای حجم پول در اقتصاد تورم را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، نرخ تورم بالا قادر نیست بدون میزان بالای رشد پول به‌صورت طولانی‌مدت ادامه یابد. البته در نظریه مقداری پول جدید پولیون در کوتاه‌مدت پول خنثی نیست و بر متغیرهای حقیقی اثر دارد. این گروه از اقتصاددانان در بلندمدت نظریه کلاسیک‌ها را مبنی بر خنثی بودن پول می‌پذیرند. مکتب ساختارگرایان نیز ریشه تورم را ضعف در بخش‌های کشاورزی، تجارت خارجی یا کشش درآمدی اندک نظام‌های مالیاتی معرفی می‌کنند (Kamijani et al., 2015).

¹ International Country Risk Guide (ICRG)

گالوب (۱۹۹۳)، نااطمینانی تورم را یکی از مهم‌ترین هزینه‌های تورم معرفی می‌کند. وی معتقد است نااطمینانی تورم مانند ابری بر تصمیمات عاملان اقتصادی سایه می‌افکند و موجب کاهش رفاه آن‌ها می‌شود. زیرا آن‌ها بدون وجود نااطمینانی می‌توانند تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. وی معتقد است آثار نااطمینانی‌های تورمی زمانی اتفاق می‌افتند که تورم واقعی با آن چیزی که پیش‌بینی شده بود، متفاوت باشد. بنابراین اثر نااطمینانی تورم به درک اشتباه از سطوح قیمت‌های نسبی و انحراف نشانه‌های قیمتی منجر شده و در نتیجه برنامه‌های سرمایه‌گذاری را ناکارآمد کرده و از سطح سرمایه‌گذاری می‌کاهد. با کاهش سرمایه‌گذاری، انباشت سرمایه کاهش یافته و این کاهش اثر پایدار و بلندمدت بر اقتصاد داشته و سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

همان‌گونه که اشاره شد نااطمینانی تورمی بر متغیرهای حقیقی اثر می‌گذارد. از طرفی نااطمینانی تورمی، تورم را تشدید و ماندگاری و آثارش را بیشتر می‌کند. بنابراین نسبت فداکاری تولیدات هم به‌صورت حقیقی (ارتباط متغیرهای حقیقی با تولید و بیکاری) و هم به‌صورت اسمی (ارتباط نااطمینانی تورمی با تورم) از نااطمینانی تورمی، اثر می‌پذیرد.

هزینه‌ها و منافع تورم

اقتصاددانان تلاش قابل‌ملاحظه‌ای برای بررسی هزینه‌های تورم کرده‌اند که چندان سراسر نیستند. این هزینه‌ها می‌تواند ناشی از تورم ملایم، تورم پیش‌بینی شده یا ناشی از تورم و تغییرپذیری آن باشد. این بحث بیانگر سه نوع هزینه بالقوه و مهم برای تورم است. اولاً چون بسیاری از دارایی‌ها بر حسب مقادیر اسمی اندازه‌گیری می‌شوند، در این صورت تغییرات پیش‌بینی‌نشده در تورم موجب توزیع مجدد ثروت می‌شود؛ بنابراین، تغییرپذیری بالاتر تورم موجب افزایش عدم اطمینان شده و ثروت را کاهش می‌دهد. ثانیاً بدهی‌هایی که بر حسب ارقام اسمی ارزش‌گذاری شده‌اند، افزایش عدم اطمینان در مورد تورم موجب می‌شود که افراد و بنگاه‌ها تمایل کمتری به اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری به‌ویژه پروژه‌های بلندمدت داشته باشند. ثالثاً تغییرپذیری بالاتر تورم (حتی بالا بودن متوسط تورم) می‌تواند مانع سرمایه‌گذاری بلندمدت نیز شود، زیرا افراد و بنگاه‌ها آن را نشانه‌ای از عملکرد بد دولت می‌دانند و لذا ممکن است متوسل به وضع مالیات‌های اجحاف‌آمیز یا سایر سیاست‌هایی شود که برای صاحبان سرمایه ناخوشایند و زیان‌آور است.

از نظر تجربی، یک رابطه منفی بین تورم و سرمایه‌گذاری و بین تورم و رشد اقتصادی وجود دارد (Easterly & Bruno, 1990)؛ اما در مورد این که آیا این روابط بین این متغیرها علی هستند، اطمینانی وجود ندارد و بنابراین روابط ممکن است آثار واقعی تورم را بیان نکنند.

علاوه بر هزینه‌ها، تورم می‌تواند منافع بالقوه‌ای داشته باشد. دو فایده بالقوه تورم، بسیار مهم هستند. اولاً همان‌طور که توپین (۱۹۷۲) می‌گوید، تورم می‌تواند روغن چرخ‌دنده‌ها برای بازار کار باشد به این معنی که اگر برای بنگاه، کاهش دستمزدهای اسمی دشوار است، دستمزدهای حقیقی می‌تواند تعدیلات لازم را در مقابل شوک‌های خاص یک بخش، در زمانی که تورم بالاتر است، ایجاد نماید. از نظر تجربی، معمولاً تغییرات اندکی در توزیع دستمزد اسمی و همچنین کاهش‌های اندکی در دستمزد اسمی قابل مشاهده است. با وجود این، دو سؤال اساسی مطرح می‌شود اینکه آیا تورم منجر به تخصیص نادرست می‌شود و آیا مقاومت کاهش دستمزد اسمی بستگی قوی به متوسط تورم دارد.

ثانیاً وقتی نرخ تورم به‌طور متوسط بالاتر است، احتمال کمتری وجود دارد که سیاست پولی توسط "حد پایین صفر برای نرخ بهره اسمی" محدود شود. برای مثال، اگر بحران مالی که از سال ۲۰۰۷ شروع گردید، در شرایطی رخ می‌داد که تورم به‌طور متوسط بالاتر بود (و در نتیجه نرخ بهره اسمی نیز بالاتر بود)، بانک‌های مرکزی فضای بیشتری برای کاهش نرخ‌های بهره داشتند. این محرک قطعاً می‌توانست بحران را تخفیف دهد (William, 2009).

به‌هر حال تحقیقات هنوز هیچ نتیجه قابل اجماعی در مورد هزینه‌ها و منافع تورم و نرخ بهینه تورم ارائه نداده‌اند؛ بنابراین، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بایستی متکی به قضاوت خودشان در وزن‌دهی به ملاحظات مختلف باشند. شاید بتوان آن‌ها را به دو گروه تقسیم نمود. یک گروه تورم را مضر می‌دانند و معتقدند که سیاست بایستی بر حذف تورم متمرکز شود و توجه چندانی به سایر ملاحظات نداشته باشد. این گروه معتقدند که هدف‌گیری سیاست بایستی تورم صفر یا انقباض^۱ ملایم باشد. گروه دیگر نتیجه‌گیری می‌کنند که تورم‌های بسیار پایین، منافع اندکی دارند یا شاید حتی مضر باشند و لذا بر این باورند که هدف سیاست بایستی پایین بودن متوسط تورم یا تورم ملایم باشد، اما سایر اهداف را نیز مدنظر داشته باشد. ایده‌های این گروه درباره تورم این است که هدف سیاست بایستی عموماً دامنه‌ای از تورم پایین تا حدود ۵ درصد باشد.

¹ Deflation

آثار سیاست‌های مقابله با تورم

در این بخش به دغدغه‌های سیاست‌گذاران در مورد تولید حقیقی، بیکاری و اشتغال پرداخته می‌شود. بدیهی است که سیاست‌گذاران بایستی به دنبال تخفیف نوسانات در طی دوره‌های رکود و رونق باشند؛ اما این موضوع تا حدود زیادی پیچیده است.

یکی از ملاحظات مهم این است که همه نوسانات تولید نامطلوب نیستند. در میان‌مدت، بخش عمده‌ای از تغییرات تولید مطمئناً منعکس‌کننده شوک‌های تقاضای کل و چسبندگی قیمت‌ها و تغییر در نرخ رشد بهره‌وری اقتصاد را منعکس می‌کند. در چنین شرایطی هیچ دلیلی برای استفاده از سیاست پولی و مالی برای جلوگیری از این نوسانات وجود ندارد. حتی نوسانات کوتاه‌مدت ممکن است ناشی از تغییر در رابطه مبادله، تکنولوژی و سایر نیروهایی باشد که تحت شرایط انعطاف‌پذیری کامل قیمت‌ها، بر تولید اثر می‌گذارند. لذا بسیار دشوار است که بتوان مورد محکمی یافت که بر اساس آن بتوان گفت که سیاست‌گذار بایستی برای ممانعت از نوسانات تولید (که در صورت عدم‌مداخله وی، از این نیروها ناشی می‌شد) تلاش نماید (Romer & Romer, 1989).

قدرت سیاست پولی ناشی از این حقیقت است که قیمت‌ها کاملاً انعطاف‌پذیر نیستند؛ بنابراین گفتن این که سیاست پولی بایستی تلاش نماید تا انحراف تولید از سطح تولید متناسب با قیمت‌های انعطاف‌پذیر را حداقل نماید، همواره صحیح نخواهد بود؛ اما همه نوسانات در تولید متناسب با قیمت‌های انعطاف‌پذیر، الزاماً مطلوب نیستند. اگر نوسان تولید ناکارا باشد (برای مثال به خاطر تغییر در قدرت بازاری بنگاه‌ها که منجر به تغییر در حاشیه سودها^۱ می‌شود)، سیاست پولی می‌تواند رفاه را از طریق تخفیف نوسانات تولید، بهبود بخشد.

دومین ملاحظه مهم این است که منافع بالقوه این نوع تثبیت اقتصادی روشن نیست. چون سیاست پولی می‌تواند اثر قوی بر متوسط تورم بگذارد، لذا منافع بالقوه آن در بخش تورم مشخص است؛ اما در بسیاری از مدل‌ها، سیاست تثبیت اثر کوچکی بر تولید متوسط دارد یا حتی هیچ اثری بر آن ندارد؛ بنابراین با اینکه اختلالات موجب می‌شود که تولید احتمالاً به‌طور سیستماتیک کمتر از سطح بهینه آن باشد، اما شاید فضای ناچیزی برای سیاست تثبیت به‌منظور افزایش رفاه از طریق افزایش متوسط تولید، وجود داشته باشد (Romer & Romer, 1989).

¹ Mark-up

رابطه علت و معلولی بین نرخ سود به‌عنوان یک ابزار اساسی در سیاست‌گذاری و نرخ تورم در اقتصاد را می‌توان در چارچوب سیاست‌های انقباضی پولی و انبساطی مالی و سیاست‌های طرف عرضه شامل افزایش بهای هر یک از نهاده‌های تولید همچون کار، سرمایه و زمین بررسی نمود. در طرف تقاضای اقتصاد چنانچه سیاست پولی انقباضی باشد منجر به افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی خواهد شد که افزایش سود سپرده‌ها را نیز به‌طور متناسب در پی دارد. افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی از یک سو با افزایش هزینه تمام شده کالاها و خدمات نهایی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در اقتصاد به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد و از سوی دیگر کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش تقاضای کل به کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، منجر می‌شود؛ بنابراین هنگام اجرای سیاست پولی در بررسی رابطه علی بین نرخ سود و تورم، تغییر در نرخ سود علت و تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها معلول خواهد بود (Babai et al., 2018).

هنگام اجرای سیاست انبساطی مالی افزایش مخارج دولتی یا کاهش مالیات، تقاضای کل در طرف تقاضای اقتصاد افزایش یافته که سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نیز در گام بعد به افزایش نرخ سود خواهد انجامید؛ بنابراین در صورت اجرای سیاست مالی، تغییر سطح عمومی قیمت‌ها دلیل تغییر در نرخ سود خواهد بود.

در طرف عرضه اقتصاد نیز اجرای سیاست افزایش بهای نهاده‌های تولید یا افزایش هزینه‌های تولید به افزایش بهای تمام شده کالاها و خدمات تولیدی و در نهایت تورم در اقتصاد منجر خواهد شد. با توجه به مباحث مطرح شده، انتظار می‌رود رابطه علی دوطرفه بین نرخ تورم و نرخ سود برقرار باشد زمانی که نرخ سود سپرده‌ها افزایش بیابد، مردم ترجیح می‌دهند نقدینگی را در بانک‌ها نگهداری کنند. در چنین شرایطی منابع مردم به سمت بانک‌ها هدایت می‌شود و از افزایش تقاضا بدون افزایش عرضه جلوگیری می‌کند (Babai et al., 2018).

بحث اعتبار^۱ مقام پولی در اجرای سیاست پولی را بارو و گوردون (۱۹۸۳) مطرح می‌کنند. به این ترتیب که در یک ساختار اقتضایی، سیاست‌گذار پولی می‌تواند نسبت به آنچه مردم انتظار دارند، مقدار بیشتری پول چاپ کرده و تورم خلق کند. منافع حاصل از این تورم غیرمنتظره ممکن است شامل مواردی همچون توسعه فعالیت‌های اقتصادی و کاهش ارزش بدهی‌های اسمی دولت شود. با این حال به دلیل آن که مردم متوجه انگیزه‌های سیاست‌گذاران می‌شوند. این نوع از سیاست‌های غیرمنتظره و منافع حاصل از آن‌ها

¹ Reputation

نمی‌توانند به‌طور سیستماتیک در تعادل رخ دهند. مردم انتظارات تورمی خود را باهدف از بین بردن الگویی استوار از سیاست‌های غیرمنتظره تعدیل می‌کنند. در این حالت پتانسیل خلق شوک‌های تورمی بر اساس نتایج حقیقی به این معناست که در حالت تعادل میانگین نرخ‌های تعادلی تورم و رشد پولی - و هزینه‌های مربوط به تورم - نسبت به حالات دیگر تعهدات اجباری درمکرد رفتار پولی که در قوانین پولی یا قیمت‌ها تجسم می‌یابد، پتانسیل موجود را برای اجرای سیاست‌های غیرمنتظره از بین می‌برد. در نتیجه نرخ‌های تعادلی تورم و رشد پولی می‌تواند کاهش یابد.

حال سؤالی که باید پاسخ داده شود این است که تا چه اندازه سیاست‌های پولی انقباضی ازجمله کاهش سطح نقدینگی به بهبود شرایط تورمی منجر می‌شود و تحت کدام شرایط به کاهش درآمد سرانه منتهی می‌گردد. یا به‌طور دقیق‌تر آیا سیاست تورم‌زدایی در واکنش به افزایش سطح قیمت‌ها در مورد مطالعه این پژوهش (ایران)، موجب کاهش رشد اقتصادی و شاخص امنیت اقتصادی خواهد شد؟

مروری بر مطالعات تجربی

در این بخش مجموعه مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع سیاست‌های مقابله با تورم و آثار آن‌ها بر سطح رشد و امنیت اقتصادی در دو قسمت مطالعات انجام شده خارجی و داخلی معرفی می‌شوند:

مطالعات خارجی

قوش و فیلیس (۱۹۹۸) با تأکید بر این که تورم بسیار بالا برای رشد مضر است، در پژوهشی عدم توافق در مورد آثار تورم متوسط را در ادبیات اقتصادی بررسی می‌کنند. مطالعه آن‌ها با استفاده از رگرسیون داده-های تابلویی و قیود غیرخطی بر مجموعه داده‌های پانل بزرگی از کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول طی سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۹۶، رابطه منفی معنادار آماری و اقتصادی را بین تورم و رشد پیدا می‌کند. این نتیجه به‌جز شرایطی که نرخ تورم بسیار پایین است، در نمونه‌ها و قیود مختلف پایدار است. با استفاده از الگوی درخت باینری بازگشتی^۱، تورم را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل آماری تعیین‌کننده رشد اقتصادی شناسایی می‌کند. درنهایت، درحالی که هزینه‌های کند شدن رشد تولید کوتاه‌مدت در برابر

¹ Binary Recursive Trees

کاهش تورم وجود دارد، این هزینه‌ها فقط برای شدیدترین کاهش‌های تورم یا زمانی که نرخ تورم اولیه به‌خوبی در محدوده تک‌رقمی باشد، رخ خواهد داد (Ghosh & Philips, 1998).

سجّتی و ریچ در پژوهشی به بررسی ویژگی‌های آماری نسبت فداکاری تولید در ایالات متحده می‌پردازند -زبان انباشته کاهش تولید ناشی از کاهش دائمی تورم- آن‌ها تخمین‌هایی از نسبت فداکاری تولید را از سه مدل خود رگرسیون برداری ساختاری برای دوره ۱۹۵۹-۱۹۹۷ در ایالات متحده استخراج می‌کنند و سپس با استفاده از شبیه‌سازی‌هایی برای تجزیه و تحلیل توزیع نمونه‌گیری داده‌ها انجام می‌دهند. تخمین‌های نسبت فداکاری بر اساس تبدیل متفاوتی از داده‌ها برای تولید و قیمت است. رشد تولید با نرخ سه‌ماهه بر حسب درصد اندازه‌گیری می‌شود، درحالی‌که تورم با نرخ سالانه بر حسب درصد اندازه‌گیری می‌شود. نرخ بهره کوتاه‌مدت نشان‌دهنده بازده اسناد خزانه سه‌ماهه است و کل پولی با M1 اندازه‌گیری می‌شود. برآوردهای نقطه‌ای از نسبت فداکاری تولید به دست آورده‌اند که با نتایج گزارش شده در مطالعات قبلی مطابقت دارد. در مدل‌های مختلف، تخمین‌های نسبت فداکاری تولید نشان می‌دهد که کاهش دائمی یک درصدی تورم مستلزم از دست دادن تقریباً ۱ تا ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی واقعی در سال است. (Cecchetti & Rich, 2001).

کلارد و همکاران در مقاله‌ای به بررسی آثار سیاست‌های کاهش تورم بر متغیرهای کلیدی کلان اقتصادی می‌پردازند. آن‌ها با استفاده از داده‌ها و تکنیک‌های تاریخی دوره پس از جنگ ایالات متحده، شوک‌های کاهش تورم را به‌عنوان شوک‌هایی شناسایی می‌کنند که نرخ تورم را در بلندمدت به سطح پایین‌تری هدایت می‌کند. سپس به‌منظور جداسازی ویژگی‌های خاص دوره‌های کاهش تورم، با بهره‌گیری از الگوی خودرگرسیون برداری برآورد تجربی از سیاست‌های ضدتورمی در اقتصاد ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم ارائه می‌کنند که امکان بازیابی پاسخ متغیرهای کل به شوک کاهش تورم را بدون نیاز به تعیین قاعده سیاست پولی خاصی فراهم می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که بلافاصله پس از یک سیاست کاهش تورم، اقتصاد وارد یک رکود مداوم می‌شود. نرخ تورم بالاتر از سطح بلندمدت خود افزایش می‌یابد و یک واکنش به شکل U معکوس از خود نشان می‌دهد. الگوی مشابهی برای نرخ بهره اسمی یافت می‌شود که در کوتاه‌مدت با شدت بیشتری پاسخ می‌دهد. سپس با به‌کارگیری مدل DSGE کامل^۱ نشان می‌دهند که مدل استاندارد جدید کینزی نمی‌تواند پویایی اقتصاد کلان را در زمان‌های کاهش تورم محاسبه کند.

^۱ Fully Fledged DSGE Model

برعکس، یک نسخه مدل مبتنی بر سبب عادات مصرفی عمیق، اثرات سیاست‌های کاهش تورم را بهتر توضیح می‌دهد (Collard et al., 2007).

آسکاری و روپل در مطالعه‌ای تحت عنوان "کاهش تورم در دیدگاه DSGE: نسبت فداکاری یا نسبت عایدی افزایش رفاه؟" به بررسی پیامدهای سیاست پولی مقابله با تورم، با استفاده از مدل عملیاتی مقیاس متوسط DSGE نیوکینزی^۱ می‌پردازند. طبق پژوهش آن‌ها، مدل تعادل عمومی تصادفی پویای نوسانات چرخه تجاری می‌تواند به‌طور کمی حقایق تجربی مورد انتظار در رابطه با آثار رکودی و نسبت فداکاری تولید در ایالات متحده را توضیح دهد. آن‌ها علاوه بر تحلیل انتقالی هزینه‌های کوتاه‌مدت سیاست تورم-زدایی بر سطوح رشد تولید، یک ارزیابی دقیق رفاهی از آثار این سیاست انجام می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که علی‌رغم رکود اقتصادی طولانی‌مدت، کاهش تورم می‌تواند منافع رفاهی نیز برای کشورهای نوظهور در حال توسعه داشته باشد (Ascarì & Ropele, 2010).

آدامز و همکاران در پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی ریسک‌های اقتصاد کلان، ریسک‌های مورد انتظار را حول پیش‌بینی‌های اجماع از رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، بیکاری و تورم مورد بررسی قرار می‌دهند. آن‌ها با استفاده از رگرسیون چندکی^۲ برای توصیف ریسک‌های صعودی و نزولی پیرامون پیش‌بینی‌های اجماع میانه داده‌ها از پیش‌بینی‌های پیش‌بینی‌کننده حرفه‌ای (SPF)^۳ برای هر شاخص، به عنوان تابعی از شرطی‌سازی اطلاعات موجود در زمان انجام پیش‌بینی‌ها استفاده می‌کنند (به‌ویژه، یک شاخص گسترده برای توصیف شرایط مالی). با توجه به چندک‌های تخمینی به‌دست آمده از این رگرسیون‌های چندکی، سپس یک تابع توزیع صاف انعطاف‌پذیر را به‌منظور به دست آوردن یک توزیع احتمال کامل برازش می‌کنند. بر اساس نتایج ریسک‌های موجود، متغیر با زمان، نامتقارن و تا حدی قابل پیش‌بینی هستند. شرایط سخت مالی پیش‌بینی ریسک رشد اقتصادی نزولی، افزایش ریسک بیکاری و افزایش عدم اطمینان در مورد تورم را به دنبال دارد. آسیب‌پذیری رشد اقتصادی زمانی به وجود می‌آید که میانگین و واریانس شرطی رشد تولید ناخالص داخلی همبستگی منفی دارند؛ ریسک‌های نزولی توسط میانگین کمتر و واریانس بالاتر در هنگام محدودتر شدن شرایط مالی، به وجود می‌آیند. به‌طور مشابه، آسیب‌پذیری اشتغال به دلیل همبستگی مثبت میان میانگین و واریانس شرطی بیکاری افزایش می‌یابد. با شرایط مالی سخت‌تر،

^۱ Operational Medium-scale New Keynesian DSGE Model

^۲ Quantile Regression

^۳ Survey of Professional Forecasters

بیکاری پیش‌بینی شده بالاتر و واریانس بالاتر حول پیش‌بینی اجماع، ایجاد می‌شود (Adams et al., 2021).

مطالعات داخلی

در گاهی و شربت‌اوغلی در مطالعه‌ای دو هدف عمده را در مورد اقتصاد ایران دنبال می‌کنند. هدف اول، بررسی فرضیه وجود پایداری و یا ماندگاری تورم و هدف دوم، طراحی یک قاعده سیاست پولی با استفاده از نظریه کنترل بهینه است. آن‌ها با استفاده از داده‌های فصلی شاخص قیمت مصرف‌کننده و شاخص قیمت ضمنی تولید در بازه سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵ به بررسی پایداری تورم در ایران پرداخته و سپس با مدل-سازی تابع هدف بانک مرکزی با نگاه به شکاف تولید و ابزار حجم پول می‌خواهد روش هدف‌گذاری تورم انعطاف‌پذیر را به منظور ایجاد ثبات در تورم اجرا کند. بر اساس نتایج حاصله، بررسی پایداری تورم با روش‌های مختلف نشان می‌دهد که تورم در اقتصاد ایران پایدار است؛ بنابراین در اجرای سیاست پولی، می‌بایست آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت آن در نظر گرفته شود. در این رابطه ترکیبی از دو هدف رشد اقتصادی و نرخ تورم در چارچوب یک قاعده بهینه پولی، طراحی و تلاش می‌شود تا با تعیین رشد بهینه متغیر حجم نقدینگی، تابع زیان سیاست‌گذار حداقل شود. این موضوع از آن‌جهت دارای اهمیت است که سیاست‌گذار پولی می‌تواند با انبساط پولی، رشد اقتصادی را در کوتاه‌مدت افزایش دهد، ولی تورش تورمی بالاتر و رشد بلندمدت پایین را بپذیرد، یا با انقباض پولی منفی به شکل کاهش تورم و رشد بلندمدت را در مقابل پرداخت هزینه کاهش رشد اقتصادی کوتاه‌مدت حاصل کند؛ بنابراین توازن میان منافع و هزینه‌های دستیابی به تورم مورد هدف با در نظر گرفتن ثبات تولید، وظیفه خطیر سیاست‌گذار پولی است (Dargahi & Sharbatoghli, 2010).

صیادزاده و همکاران در پژوهشی تحت عنوان "اثر کسری بودجه بر امنیت اقتصادی ایران" ضمن بررسی شاخص‌های امنیت اقتصادی، تأثیر بلندمدت کسری بودجه را بر نرخ تورم به عنوان جایگزینی از متغیر امنیت اقتصادی تبیین می‌کنند. آن‌ها برای این منظور با استفاده از داده‌های سالانه چهار متغیر نرخ رشد کسری بودجه، نرخ رشد تولید ناخالص واقعی، نرخ رشد حجم پول خالص از کسری بودجه و نرخ تورم و به کارگیری روش خودرگرسیون برداری ساختاری برای بررسی آثار شوک‌های ناشی از کسری بودجه دولت بر این متغیر استفاده کرده‌اند. بر اساس یافته‌های این مقاله، شوک‌های ساختاری و نوسانات کسری بودجه اثر مثبت و معناداری بر روی نرخ تورم و اثر منفی و معناداری بر روی رشد اقتصادی دارد، اما این آثار از اثر حجم پول خالص از کسری بودجه دولت، کمتر است؛ بنابراین، ضمن آن‌که می‌توان گفت

ریشه تورم در ایران پولی است، باید بیان داشت که کسری بودجه باعث افزایش تورم و در نتیجه، کاهش امنیت اقتصادی می‌شود (Sayadzadeh et al., 2013).

محنت‌فر و میکائیلی به ارزیابی ارتباط نرخ تورم و شکاف تولید در ایران پرداخته‌اند. بر اساس مطالعه آن-ها، یکی از راه‌های اصلی مقابله با تورم، افزایش سطح تولید است. از این‌رو طی دوره (۱۳۹۰ - ۱۳۵۰) با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری رابطه این دو متغیر را مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ریشه تورم در ایران صرفاً یک رابطه پولی نیست. با توجه به نتایج توابع عکس‌العمل آنی رابطه شکاف تولید ناخالص داخلی ابتدا روندی کاهشی و در بلندمدت روندی افزایشی داشته است، اما با در نظر گرفتن تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی، می‌توان دید که این روند در طول زمان افزایشی بوده است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که تنها سیاست‌های پولی قادر به کنترل نرخ تورم نیستند، بلکه تولید می‌بایست در بخش واقعی اقتصاد مدنظر قرار گیرد (Mehnatfar & Mikaili, 2013).

شاه‌آبادی و همکاران طی مطالعه‌ای به بررسی اثر امنیت اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخبی از گروه (G77) می‌پردازند. در این مطالعه تأثیر امنیت اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو جنبش عدم تعهد طی بازه زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۱ به کمک روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی بررسی شده و برای نشان دادن متغیر امنیت اقتصادی از شاخص‌های حکمرانی منتشر شده توسط بانک جهانی، استفاده می‌شود. نتایج این پژوهش، نشانگر تأثیر مثبت و معنادار متغیر امنیت اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد بررسی است. همچنین، تأثیر متغیرهای انباشت سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ثروت‌های طبیعی بر تولید ناخالص داخلی، مثبت و معنادار است (Shahabadi et al., 2015).

مهرآرا و همکاران بررسی تأثیر نااطمینانی تورمی بر نسبت فداکاری در کشورهای در حال توسعه را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها به بررسی تأثیر نااطمینانی تورمی بر نسبت فداکاری ۳۱ کشور در حال توسعه، با استفاده از متوسط داده‌های تورم، نااطمینانی تورمی و درجه باز بودن اقتصاد طی دوره ۲۰۱۵-۱۹۸۱ پرداخته‌اند. نااطمینانی تورمی با استفاده از روش واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیون تعمیم‌یافته مدل-سازی شده است. نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین تورم و نااطمینانی تورمی با نسبت فداکاری است، به نحوی که نااطمینانی تورمی بیشتر از خود تورم بر نسبت فداکاری تأثیر می‌گذارد. همچنین درجه باز بودن اقتصاد در این مطالعه، نتوانسته نقشی در توضیح نسبت فداکاری ایفا کند و از لحاظ

آمار بی‌معناست. تورش‌ها و نااطمینانی تورمی با ایجاد چسبندگی‌ها، سرعت تورم‌زدایی را کاهش می‌دهد و احتمالاً نسبت فداکاری را بزرگ‌تر می‌کند (Mehrrara et al., 2018).

روش‌شناسی

در این مطالعه، از داده‌های سری زمانی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۴۰۰ استفاده شده است. متغیرهای موردبررسی در این پژوهش عبارت‌اند از شاخص امنیت اقتصادی (Es)، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (Gdp)، نرخ تورم (شاخص قیمت مصرف‌کننده (P))، رشد حجم نقدینگی (M2) به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳. داده‌های مورد استفاده نیز، مرکز داده‌های بانک مرکزی، داده‌های بانک جهانی و درگاه ملی آمار رسمی کشور استخراج شده‌اند.

جدول (۱)، خلاصه‌ای از آزمون ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم‌یافته^۱ (۱۹۷۹)، برای متغیرهای پژوهش ارائه می‌کند. با توجه به تعیین وقفه اول به وقفه عنوان بهینه آزمون بر اساس معیار اطلاعاتی شوارتز بیزین^۲ و همچنین نمودار روند متغیرها که دارای عرض از مبدأ بوده و روند محسوسی در آن مشاهده نمی‌شود. البته با توجه به اینکه در مدل اصلی پژوهش از نرخ رشد متغیرها استفاده شده است، سایر الگوهای بدون عرض از مبدأ و روند و همچنین بدون عرض از مبدأ و دارای روند نیز نتیجه الگوی جدول فوق مبنی بر پایایی متغیرها در سطح را تأیید می‌کند.

جدول (۱): نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای پژوهش

نتیجه	با عرض از مبدأ		درجه جمعی	متغیر
	مقدار آماره جدول با سطح اطمینان ۹۵٪	مقدار آماره آزمون در وقفه بهینه		
پایا است	۲/۹۵	۴/۹۶	سطح	Gdp
پایا است	۲/۹۵	۴/۹۵	سطح	P
پایا است	۲/۹۵	۵/۰۴	سطح	Es
پایا است	۲/۹۵	۴/۶۲	سطح	M2

به‌منظور برآورد تجربی آثار سیاست‌های مقابله با تورم بر رشد اقتصادی و شاخص امنیت اقتصادی در ایران

^۱ Augmented Dickey- Fuller Test

^۲ Schwarz Bayesian Criterion

در این مطالعه از الگوی خودبازگشت برداری ساختاری (SVAR)^۱ استفاده می‌شود. مزیت اصلی به‌کارگیری از این روش این است که در بررسی آماری یک سیستم معادلات هم‌زمان، متغیرهای توضیحی معمولاً همخطی شدیدی دارند و لذا آماره‌آتمی تواند معیار مطمئنی برای مناسب بودن یا نبودن متغیرها باشد، در تحلیل مدل‌های VAR و استفاده از نتایج آن، معمولاً از دو ابزار تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی و توابع واکنش به ضربه استفاده می‌شود (Enders, 2010).

تصریح مدل نظری پژوهش

در شکل استاندارد یا خلاصه‌شده VAR، مقادیر جاری هر متغیر بر حسب مقادیر گذشته آن و سایر متغیرها نوشته می‌شود. الگوی حل‌شده برای یک VAR چهار متغیره شامل داده‌های پژوهش با یک وقفه، به شکل زیر قابل تعریف است:

$$\begin{bmatrix} Es \\ Gdp \\ M2 \\ P \end{bmatrix}_t = \begin{bmatrix} a_{1t} \\ a_{2t} \\ a_{3t} \\ a_{4t} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} a_{12} & a_{13} & a_{14} \\ a_{22} & a_{23} & a_{24} \\ a_{32} & a_{33} & a_{34} \\ a_{42} & a_{43} & a_{44} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} Es \\ Gdp \\ M2 \\ P \end{bmatrix}_{t-1} + \begin{bmatrix} u_{1t} \\ u_{2t} \\ u_{3t} \\ u_{4t} \end{bmatrix}$$

$$\begin{bmatrix} Es \\ Gdp \\ M2 \\ P \end{bmatrix}_t = \begin{bmatrix} a_{1t} \\ a_{2t} \\ a_{3t} \\ a_{4t} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} a_{12} & a_{13} & a_{14} \\ a_{22} & a_{23} & a_{24} \\ a_{32} & a_{33} & a_{34} \\ a_{42} & a_{43} & a_{44} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} Es \\ Gdp \\ M2 \\ P \end{bmatrix}_{t-1} + \begin{bmatrix} u_{1t} \\ u_{2t} \\ u_{3t} \\ u_{4t} \end{bmatrix}$$

شکل ۱: الگوی حل‌شده برای یک VAR چهار متغیره

الگوهای خودبازگشت برداری شکل خلاصه‌شده هستند و بنابراین غالباً به‌عنوان مکانیسمی برای گردآوری و توضیح پویایی‌های آماری داده‌ها بکار می‌روند. بدون مبانی نظری از یک ساختار اقتصادی مشخص، به‌سختی می‌توان نتایج برآورد یک شکل خلاصه‌شده VAR با تعداد زیادی پارامتر را تحلیل کرد. در این

¹ Structural Vector Auto Regression

راستا یکی از مزیت‌هایی که در مدل‌های SVAR نسبت به مدل‌های VAR وجود دارد، امکان اعمال قیودی بر مدل است که پایه‌ها و مبانی نظری در علم اقتصاد دارند (Lutkepohl & Kratzig, 2004). تفاوت عمده مدل SVAR با مدل‌های سیستم معادلات هم‌زمان پیشین، این است که معمولاً در مدل‌های پیشین محدودیت بیشتری برای شناسایی سیستم وجود دارد، یعنی اغلب بیش‌ازحد شناسایی^۱ می‌شوند. در نقد معروف خود، سیمز (۱۹۸۰) این مدل‌های بیش‌ازاندازه محدود شده را باورنکردنی توصیف کرد؛ بنابراین، توسعه‌دهندگان SVAR سعی می‌کنند از ساختار بیش‌ازحد ساده استفاده نکنند و محدودیت‌هایی را برای شناسایی پارامترها اعمال کنند که فقط به اندازه کافی آن‌ها را محدود کند. بر این اساس، بیشتر مدل‌های SVAR "به اندازه شناسایی شده"^۲ هستند.

برای اعمال محدودیت‌های ساختاری در این پژوهش از رویکرد بلانچارد و کوآ (۱۹۸۹)، بهره گرفته شده است. استفاده از این رویکرد با توجه به این که امکان تفکیک آثار متغیرهای سیستم به بلندمدت و کوتاه‌مدت را می‌دهد، برای شناسایی میزان اثرگذاری هر کدام از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی که مطابق با مبانی نظری دارای اثرگذاری بلندمدت هستند به جهت دستیابی و مقایسه آثار یک سیاست تورم‌زدایی، بسیار با اهمیت است. بر این اساس امکان شناسایی مهم‌ترین عوامل توضیح‌دهنده تغییرات رشد تولید و شاخص امنیت اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت حاصل خواهد شد.

در رویکرد بلانچارد و کوآ (۱۹۸۹)، شناسایی تکانه‌های ساختاری با اعمال محدودیت‌هایی در خصوص آثار بلندمدت تکانه‌ها روی برخی از متغیرها انجام می‌گیرد. درواقع اثر برخی از متغیرها نسبت به برخی از تکانه‌های معین در الگو صفر در نظر گرفته می‌شود. در این مطالعه محدودیت‌های ساختاری زیر را برای شناسایی می‌توان مورد استفاده قرار داد:

- تکانه شاخص امنیت اقتصادی (میزان کیفیت نهادی کشور) با توجه به اثرگذاری این شاخص بر جمع‌بندی ترجیحات موجود فعالان اقتصادی و تشکیل اولویت‌ها در همه شئون سیاست‌گذاری توسعه‌ای کشور، بر سایر متغیرها مؤثر است. در رابطه با کیفیت اثرگذاری شاخص‌های نهادی حکمرانی خوب به‌عنوان جایگزینی از شاخص امنیت اقتصادی بر رشد اقتصادی می‌توان به نتایج مطالعه شاه‌آبادی و همکاران (۲۰۱۵) اشاره کرد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد رشد کیفیت بستر نهادی و قانونی

^۱ Over-identified

^۲ Just-identified

فعالیت‌های اقتصادی ارتباط مثبتی با شاخص نسبت اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی توسط بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی به تولید ناخالص داخلی دارند. همچنین شاخص اثربخشی دولت بر شاخص نسبت M2 به تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی‌داری دارد. لذا بهبود کیفیت نهادی شرط لازم و ضروری برای ارتقاء توسعه مالی بوده و سیاست‌گذاران در این کشورها باید سیاست‌های مناسبی در جهت بهبود وضعیت حکمرانی به کار گیرند.

- تکانه ساختاری وارده بر سطح تولید و رشد اقتصادی کشور در توضیح تغییرات رشد حجم نقدینگی و به تبع آن بر سطح عمومی قیمت‌ها مؤثر است. مطالعات انجام شده در خصوص کیفیت اثرگذاری رشد اقتصادی و توسعه مالی در قالب سه دسته کلی تقسیم می‌شوند (Hosseini et al, 2011). گروه اول شامل مطالعات اقتصاددانی از جمله مک‌کینون (۱۹۷۳)، کینگ و لوین (۱۹۹۳) و لوین و همکاران (۲۰۰۰) می‌شود که معتقد به رابطه علیت از توسعه مالی و رشد میزان نقدینگی به رشد اقتصادی هستند، به این معنی که سیاست‌گذاران با توسعه بخش مالی می‌توانند به رشد اقتصادی دست یابند. گروه دوم از اقتصاددانان مانند پرادان (۲۰۱۸)، لان (۲۰۲۰) و کاوالارو و ویلانی (۲۰۲۲) بر این عقیده‌اند که رشد اقتصادی منجر به توسعه مالی می‌شود. بدین ترتیب که رشد اقتصادی تقاضا برای افزایش حجم نقدینگی و خدمات مالی را در پی دارد که این خدمات منجر به توسعه مالی می‌شود. درنهایت، گروه سوم که به رابطه دوسویه رشد اقتصادی و توسعه مالی اعتقاد دارند. بوتف و همکاران (۲۰۱۹) معتقد است در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، بخش مالی با گسترش و فراهم آوردن نقدینگی موردنیاز باعث رشد اقتصادی می‌گردد و در مراحل بعدی که اقتصاد در حال رشد می‌باشد، تقاضا برای خدمات مالی در آن افزایش می‌یابد و منجر به توسعه مالی می‌شود (Khavari et al., 2020).

همچنین در بسیاری از مطالعات خارجی با توجه به شناور بودن نرخ بهره بانکی، از این متغیر به عنوان کانال واسطه اثرگذار بر رشد اقتصادی بهره گرفته شده است (Davsev et al., 2018)، (Hansen & Seshadri, 2013). با این حال در مطالعات داخلی با در نظر گرفتن عدم تحریک منابع و فعالیت‌های اقتصادی توسط نرخ دستوری بهره که هر ساله توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود از حجم نقدینگی بهره گرفته شده است. نتایج مطالعه فطرس و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد بین متغیرهای رشد اقتصادی و توسعه مالی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین جهت علیت از سمت رشد اقتصادی به توسعه مالی است. نتایج مطالعه آرمن و همکاران (۲۰۰۸) حاکی از رابطه علی از رشد اقتصادی به توسعه مالی و تأیید فرضیه تعقیب تقاضا در ایران است. درگاهی و صداقت‌پرست (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی تأثیر تکانه‌های قیمتی و سیاستی

بر تولید و تورم در اقتصاد ایران به کمک الگوی SVAR به مدل‌سازی می‌پردازد. در این مطالعه همچنین به طرز مشابهی با پژوهش حاضر و بر مبنای مطالعات تجربی انجام شده در این حوزه، علیت از سوی رشد اقتصادی بر رشد حجم نقدینگی فرض شده است.

- با توجه به چارچوب الگوهای مختلف اقتصاد کلان (مانند الگوهای کلاسیک‌های جدید و کینزین‌های جدید)، تکانه رشد حجم نقدینگی در بلندمدت، پس از تعدیل کامل متغیرهای مورد انتظار تنها بر تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در داخل کشور مؤثر است. بحث اثرگذاری پول و به تبع آن نقدینگی بر متغیرهای حقیقی و اسمی اقتصاد جزء چالش‌برانگیزترین مباحث در اقتصاد کلان است و همواره تحقیقات تجربی زیادی را به خود اختصاص داده است. مطالعات فراوانی در خصوص اثرگذاری نقدینگی بر متغیرهای اقتصادی انجام گرفته، اما در خصوص اثرگذاری هم‌زمان پول بر متغیرهای بخش واقعی و همچنین سطح قیمت‌ها، تحقیق‌های زیادی صورت نگرفته است (Samsami et al., 2016). مطابق نظریه‌های اقتصاد پولی، سیاست پولی از راه کانال‌های نرخ بهره، نرخ ارز، قیمت سایر دارایی‌ها و اعتباری می‌تواند تولید و سطح عمومی قیمت‌ها را متأثر کند. در طرف عرضه نیز کاهش ارزش واقعی پول، قیمت کالاهای وارداتی را افزایش می‌دهد و به‌طور مستقیم سبب افزایش تورم می‌شود. افزون بر این، قیمت بالاتر محصول وارداتی عرضه کل را کاهش می‌دهد و با افزایش هزینه تولید، کاهش تولید کل را سبب می‌شود. درباره کانال وام‌دهی بانکی، هنگامی که حجم پول افزایش می‌یابد، به دلیل افزایش ذخایر موردنیاز بانک‌ها، سپرده‌های بانکی افزایش می‌یابد و از این راه مقدار وام‌دهی بانکی‌ها نیز بیشتر می‌شود. از طرفی، چون بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها و مخارج مصرفی کالاهای بادوام با وام بانکی تأمین می‌شود، افزایش وام‌دهی سبب رشد تقاضای سرمایه‌گذاری و مخارج مصرفی می‌شود و در نهایت تقاضای کل و تولید کل را افزایش می‌دهد (Taylor, 1995).

با این وجود بسیاری از مطالعات تجربی خارجی و داخلی در بررسی هم‌زمان آثار رشد حجم نقدینگی بر تولید و تورم بر خنثی بودن پول در بلندمدت تأکید می‌کنند. تاوادرز (۲۰۰۷) در مطالعه خود به آزمون فرضیه خنثی بودن پول در خاورمیانه پرداخت. در این پژوهش داده‌های مربوط به حجم پول و تولید برای کشورهای مراکش، اردن و مصر و هم‌جمعی فصلی آن‌ها به‌منظور آزمون خنثی بودن پول استفاده شد. شواهد تجربی پژوهش بیانگر این است که پول و سطح قیمت‌ها هم جمع‌اند، اما هیچ هم‌جمعی با تولید ندارند؛ بنابراین در بلندمدت پول خنثی است. مصلحی (۲۰۰۶) در تحقیق خود با تأکید بر تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و مالی بر متغیرهای اسمی و حقیقی طی دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۳ و با استفاده از روش SUR به

این نتایج رسید که اعمال سیاست پولی و همچنین مالی در اقتصاد ایران، قادر نیست متغیرهای حقیقی را متأثر کند. در نتیجه قسمت عمده تأثیر آن‌ها در بخش اسمی اقتصاد و به عبارتی سطح قیمت‌ها تخلیه می‌شود. شریفی‌رنانی (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی و سطح عمومی قیمت‌ها در ایران پرداخته است. داده‌های این پژوهش، فصلی و در دامنه زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۷ بوده و رویکرد آن SVECM^۱ است. نتایج پژوهش نشان داد که در کوتاه‌مدت افزایش حجم پول، سطح تولید را افزایش می‌دهد. ولی در بلندمدت اثری بر تولید ندارد، درحالی که حجم پول هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود.

با اعمال محدودیت‌های فوق، ماتریس ضرایب بلندمدت به شکل زیر تعریف می‌شود.

$$\begin{bmatrix} \text{امنیت اقتصادی} \\ \text{رشد تولید} \\ \text{رشد نقدینگی} \\ \text{نرخ تورم} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \text{(Es)} & \text{C(1)} & 0 & 0 & 0 \\ \text{(Gdp)} & \text{C(2)} & \text{C(5)} & 0 & 0 \\ \text{(M2)} & \text{C(3)} & \text{C(6)} & \text{C(8)} & 0 \\ \text{(P)} & \text{C(4)} & \text{C(7)} & \text{C(9)} & \text{C(10)} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} \varepsilon_1 \\ \varepsilon_2 \\ \varepsilon_3 \\ \varepsilon_4 \end{bmatrix}$$

شکل ۲: ماتریس ضرایب بلندمدت

به‌منظور برآورد جهات اثرگذاری متغیرهای مدل اصلی پژوهش بر اساس محدودیت‌های اعمال شده با استفاده از الگوی خودبازگشت برداری اولین مرحله تعیین وقفه بهینه مدل است که نتایج آن در جدول (۲)، ارائه می‌گردد.

¹ Structural Vector Error Correction Model

جدول (۲): نتایج تعیین وقفه بهینه مدل VAR(4)

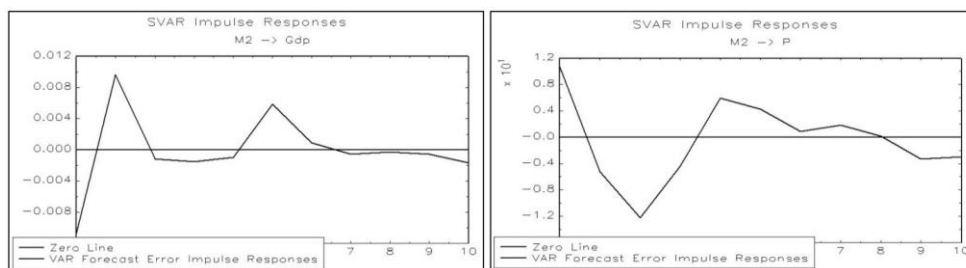
وقفه	آماره LL	آماره AIC	آماره SBC	آماره آزمون LR (سطح احتمال خطا)	آماره آزمون LR تعدیل شده (سطح احتمال خطا)
۰	-۲۴۲/۶۹	-۲۴۲/۶۹	-۲۴۲/۶۹	(۰/۰۰) ۲۷۷/۲۳	(۰/۰۰) ۱۲۴/۲۷
۱	-۱۹۶/۴۶	-۲۱۲/۴۶	-۲۲۳/۴۰	(۰/۰۰) ۱۸۴/۷۶	(۰/۰۰) ۸۲/۸۲
۲	-۱۵۸/۳۴	-۱۹۰/۳۴	-۲۱۲/۲۲	(۰/۰۰) ۱۰۸/۵۳	(۰/۰۳) ۴۸/۶۵
۳	-۱۲۹/۴۴	-۱۷۷/۴۴	-۲۱۰/۲۶	(۰/۰۱) ۵۰/۷۳	(۰/۷۴) ۲۲/۷۴
۴	-۱۰۴/۰۷	-۱۶۸/۰۷	-۲۱۱/۸۳	----	----

با توجه تواتر سالیانه داده‌ها، یک الگوی خودبازگشت برداری با ۴ وقفه برآورد شده به‌طوری که انتظار تجربی اولیه اثرگذاری متغیرهای مدل بر هم با حداکثر چهار سال تأخیر در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که نتایج آزمون تعیین وقفه بهینه با توجه به معیارهای اطلاعاتی مختلف در جدول فوق، قابل ملاحظه است. بیشترین مقدار (کمترین مقدار منفی) آماره‌های با وقفه آکائیک و شوارز بیزین، وقفه سوم را بهینه نشان می‌دهد. بر اساس آزمون نرخ راست‌نمایی، بزرگ‌ترین مقداری که سطح احتمال خطای آن فرض صفر آزمون مبنی بر بهینه بودن وقفه موردنظر را رد نمی‌کند، در این بازه نیست؛ اما مهم‌ترین آماره آزمون نرخ راست‌نمایی تعدیل شده، آثار متقابل متغیرها را بدون وقفه (وقفه صفر) در نظر می‌گیرد و بزرگ‌ترین مقدار نیز آماره وقفه صفر (۱۲۴/۲۷) می‌باشد؛ بنابراین الگوی بهینه بررسی آثار متقابل متغیرهای مدل، الگوی خودبازگشت مرتبه سوم در نظر گرفته می‌شود.

همان‌طور که در ابتدای این بخش نیز بحث شد، در تحلیل الگوهای خودبازگشت برداری آماره t نمی‌تواند معیار مطمئنی برای بررسی کیفیت اثرگذاری و مناسب یا نامناسب بودن متغیرها باشد. لذا برای تجزیه و تحلیل دقیق واکنش متغیرهای اصلی مورد پژوهش در مدل به آثار حاصل از تکانه آن‌ها، از دو ابزار توابع واکنش به ضربه و تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی بهره گرفته می‌شود.

نتایج حاصل از توابع واکنش به ضربه

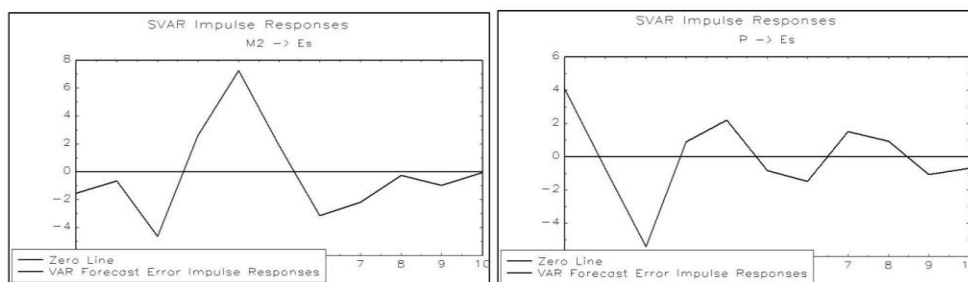
در این بخش واکنش رشد تولید و تغییرات تورم در پاسخ به تکانه سیاست پولی انقباضی بر اساس مدل



نمودار ۲: واکنش تولید و تورم به تکانه انقباضی سیاست پولی

اصلی پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به منظور بررسی آثار سیاست پولی تورم‌زدایی، به بررسی واکنش شاخص امنیت اقتصادی پرداخته می‌شود. نکته حائز اهمیت در استخراج توابع واکنش متغیرهای تولید و تورم، در نظر گرفتن تقارن آثار تکانه پولی است. به این معنا که تکانه مثبت و منفی در اثرگذاری بر متغیرهای مورد نظر تفاوتی ندارند و یکسان فرض می‌شوند.

نمودار (۲)، عکس‌العمل رشد تولید ناخالص داخلی سرانه و همچنین تغییرات تورم به تکانه انقباضی پولی را نشان می‌دهد. رشد تولیدات در ابتدا کاهش یافته که با توجه به کاهش رشد حجم و جوه نقدینگی قابل تخصیص به فعالیت‌های مختلف اقتصادی و به تبع آن کاهش اسمی مقادیر تقاضا بدیهی است؛ اما این کاهش به تدریج و با توجه به آثار با وقفه سیاست پولی انقباضی بر روند کاهش تورم می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود. در نهایت آثار این تکانه با ایجاد نوساناتی در سطوح تولید در دوره هفتم میرا می‌شود. در رابطه با تغییرات تورم در واکنش به تکانه انقباضی پولی نیز در کوتاه‌مدت و طی یک دوره با توجه به انتظارات تورمی شکل گرفته در کشور، ابتدا تورم افزایش می‌یابد و بلافاصله آثار کاهش تورمی تا حدود ۵ دوره فعال می‌شود. نهایتاً این آثار تا حداکثر ۸ دوره کاملاً تضعیف می‌شود. مگر اینکه سیاست‌های دیگر بر تداوم یا تغییر جهت تغییرات تورم کشور اثر بگذارد.



نمودار ۳: واکنش شاخص امنیت اقتصادی به تکانه سیاست پولی و تورمی

نمودار (۳)، نشان‌دهنده تابع تغییرات شاخص امنیت اقتصادی در پاسخ به تکانه سیاست پولی و تورمی است. یک تکانه انقباضی در رشد حجم نقدینگی تا ۴ دوره کاهش خفیفی را در شاخص امنیت اقتصادی کشور به دنبال دارد که بیشتر به خاطر متأثر شدن از کاهش امکان به کارگیری اعتبارات در فعالیت‌ها و رشد اقتصادی و همچنین واکنش مثبت تورم در کوتاه‌مدت به این تکانه است که بی‌ثباتی بیشتر را موجب می‌شود؛ اما از پایان دوره چهارم با توجه به آثار کاهشی تکانه انقباضی سیاست پولی بر تورم، وضعیت شاخص امنیت اقتصادی نیز بهبود می‌یابد. آثار این تکانه تا ۱۰ دوره موجب نوسانات امنیت اقتصادی شده و پس از آن از بین می‌رود.

تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی

در این بخش به کمک ابزار تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی به بررسی مهم‌ترین عوامل اثرگذار در توضیح‌دهندگی تغییرات رشد اقتصادی و همچنین شاخص امنیت اقتصادی پرداخته می‌شود. جدول (۳) و (۴)، به ترتیب در ۱۰ دوره مختلف روند تغییرات این دو متغیر و میزان اثرگذاری سایر اجزای مدل بر آنها را نمایش می‌دهد.

جدول (۳): نتایج تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی رشد اقتصادی

دوره	Gdp	Es	M2	P
۱	۰/۸۱	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۰۱
۲	۰/۶۸	۰/۱۸	۰/۰۹	۰/۰۴
۳	۰/۵۷	۰/۳۳	۰/۰۷	۰/۰۳
۴	۰/۵۴	۰/۳۶	۰/۰۷	۰/۰۴

۰/۵۳	۰/۳۶	۰/۰۷	۰/۰۴	۵
۰/۵۲	۰/۳۶	۰/۰۷	۰/۰۴	۶
۰/۵۲	۰/۳۶	۰/۰۸	۰/۰۴	۷
۰/۵۲	۰/۳۷	۰/۰۸	۰/۰۴	۸
۰/۵۲	۰/۳۷	۰/۰۸	۰/۰۴	۹
۰/۵۲	۰/۳۷	۰/۰۸	۰/۰۴	۱۰

جدول (۴): نتایج تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی شاخص امنیت اقتصادی

دوره	<u>Es</u>	Gdp	M2	P
۱	۰/۴۲	۰/۲۲	۰/۰۴	۰/۳۱
۲	۰/۴۰	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۳۱
۳	۰/۸۷	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۷
۴	۰/۸۶	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۷
۵	۰/۷۹	۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۰۷
۶	۰/۷۹	۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۰۷
۷	۰/۷۸	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۷
۸	۰/۷۷	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۷
۹	۰/۷۷	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۷
۱۰	۰/۷۷	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۷

با استفاده از ابزار تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی می‌توان بررسی نمود که تغییرات یک متغیر تا چه اندازه متأثر از اجزای اخلاص خود متغیر بوده و تا چه میزان از اجزای سایر متغیرهای درون سیستم تأثیر پذیرفته است. با توجه به نتایج جدول (۳) می‌توان مشاهده کرد پس از اجزاء اخلاص متغیر رشد تولید، شاخص امنیت اقتصادی مهم‌ترین توضیح‌دهنده تغییرات رشد تولید است که به تدریج و تا دوره ۱۰، آثار آن بر رشد اقتصادی در حال افزایش است؛ یعنی در بلندمدت شاخص امنیت اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای بر رشد اقتصادی کشور دارد. اثر تغییرات رشد حجم نقدینگی و تورم نیز چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت مجموعاً قادر به توضیح بیش از ۸ درصد از تغییرات رشد تولیدات در کشور را دارد.

جدول (۴)، نتایج تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی شاخص امنیت اقتصادی را نشان می‌دهد که نتایج توابع واکنش به تکانه متغیرهای رشد حجم نقدینگی و تورم را تأیید می‌کند. در کوتاه‌مدت تورم و رشد

اقتصادی به ترتیب با ۳۱ و ۲۲ درصد بعد از اجزای اخلاص خود شاخص امنیت اقتصادی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تغییرات آن هستند. میزان اثرگذاری این دو متغیر به تدریج و تا ۳ دوره کاهش یافته و ثابت می‌شود اما تغییرات رشد حجم نقدینگی در بلندمدت با توجه به اثرگذاری آن بر هر دو متغیر رشد تولیدات و تورم، بیشترین آثار را بر شاخص امنیت اقتصادی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

برای دستیابی به هدف از انجام مطالعه؛ بررسی آثار سیاست‌های پولی مقابله با تورم بر رشد و امنیت اقتصادی کشور و همچنین اندازه‌گیری هزینه‌های یک سیاست تورم‌زدایی بر حسب تولید از دست رفته طی دوره موردبررسی ابتدا شاخص امنیت اقتصادی بر اساس مطالعه اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۱) محاسبه و روند آن (نمودار ۱)) مورد تحلیل قرار گرفت. سپس با تصریح مدل نظری پژوهش، با استفاده از آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته پایایی متغیرهای مورد استفاده در مدل بررسی شد. متغیرهای نهایی به کار رفته در این پژوهش عبارت هستند از: شاخص امنیت اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد حجم نقدینگی و تغییرات تورم. نتایج حاصل از آزمون پایایی دیکی-فولر نشان داد که تمامی این متغیرها در سطح، پایا هستند.

در ادامه به برآورد مدل SVAR و اعمال قیود ساختاری پرداخته شد و پس از آن توابع واکنش به ضربه و تجزیه واریانس موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان دادند که تکانه انقباضی وارده بر رشد حجم نقدینگی، عکس‌العملی منفی از سوی رشد تولید در کوتاه‌مدت در پی دارد؛ اما در بلندمدت با توجه به آثار تعدیل‌گری آن بر تورم کشور، به تدریج رشد اقتصادی افزایش یافته و روند نوسانات آن تا ۷ دوره به‌طور کامل از بین می‌رود. بنا بر تعریف نسبت فداکاری تولید، زیان انباشته در تولید واقعی را در نتیجه یک درصد کاهش دائمی در روند تورم اندازه‌گیری می‌کند. با توجه به نمودار (۱)، ملاحظه می‌شود که با سیاست تورم‌زدایی اعمال شده، حدود ۵ دوره (سال) طول می‌کشد تا تورم به‌طور دائمی به یک سطح پایین‌تری منتقل شود. میزان کاهش روند تورمی حدود ۰/۱۷ درصد است. همچنین میزان کل زیان تولیدی که به واسطه اعمال این سیاست طی دوره پنج‌ساله از دست می‌رود برابر با عدد ۰/۶- درصد می‌باشد. لذا نسبت فداکاری محاسبه شده برابر ۳/۵۲- به دست می‌آید. منفی بودن نسبت محاسبه شده، به این معنی است که در اقتصاد ایران، اعمال سیاست پولی جهت دستیابی به یک روند تورمی پایین‌تر، دارای وقفه اثرگذاری طولانی (حدود پنج سال) می‌باشد و طی این سال‌ها نه تنها تولید، کاهش اولیه خود را در طول زمان جبران می‌کند، بلکه به میزان ۳/۵۲ درصد افزایش نیز می‌یابد. همچنین در بررسی رابطه شاخص

امنیت اقتصادی با تکانه منفی سیاست پولی، مشاهده می‌شود واکنشی منفی در کوتاه‌مدت دارد که بیشتر به خاطر آثار مستقیم کاهش رشد تولید و همچنین آثار معکوس رشد سطح عمومی قیمت‌ها بر شاخص امنیت اقتصادی است. در بلندمدت کاهش تدریجی تورم در بلندمدت منجر به ارتقای شاخص امنیت اقتصادی می‌شود.

برای جمع‌بندی درجه اهمیت و میزان اثرگذاری هر متغیر از تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی متغیر رشد تولید استفاده شد. نتایج این بررسی (جدول ۳)، نشان می‌دهد هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر تغییرات رشد تولید، تکانه شاخص امنیت اقتصادی است که اهمیت بسیار زیاد ثبات شرایط اقتصادی اعم از عدم وجود یا کاهش ریسک‌های بیکاری، ریسک رشد هزینه‌های بهداشت و درمان خصوصی، ریسک فقر و ریسک‌های ناشی از ناپایداری‌های تورمی را نشان می‌دهد. نتایج تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی متغیر شاخص امنیت اقتصادی نیز نشان می‌دهد (جدول ۴)، مهم‌ترین عوامل توضیح‌دهنده تغییرات امنیت اقتصادی کشور، در کوتاه‌مدت و بلندمدت متفاوت هستند. با توجه به مدل تصریح شده، در کوتاه‌مدت تغییرات رشد تولید و تورم بیش از نیمی از تغییرات شاخص امنیت اقتصادی را سبب می‌شوند؛ اما در بلندمدت آثار آن‌ها کاهش می‌یابد و تکانه رشد حجم نقدینگی قادر به توضیح حدود ۱۰ درصدی تغییرات شاخص امنیت اقتصادی است؛ بنابراین اثر تکانه انقباضی رشد حجم نقدینگی از طریق کاهش تورم و ارتقای رشد تولید ناخالص داخلی در بلندمدت بر شاخص امنیت اقتصادی کشور اثر مثبت دارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل نتایج پژوهش در مورد ایران توصیه می‌شود سیاست‌های کنترل تورم علی‌رغم آثار سوء آن بر سطوح تولیدات در کوتاه‌مدت، با در نظر گرفتن آثار بلندمدت مثبت بر شاخص امنیت و رشد اقتصادی موردتوجه و پیگیری سیاست‌گذاران قرار گیرد.

References

- Adams, P. A.; Tobias, A., Boyarchenko, N., & Domenico, G. (2021). Forecasting macroeconomic risks. *International Journal of Forecasting*, 37(3), 1173-1191.
- Arman, S. A.; Tabeyazdi, A., & Hosseinpour, F. (2008). Triangle of financial development, economic growth and foreign trade in Iran. *Quantitative economics*, 5(3), 36-51. (in Persian)
- Ascari, G., & Ropele, T. (2012). Disinflation in a DSGE perspective: Sacrifice ratio or welfare gain ratio?. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 36(2), 169-182.

- Babaii, M.; Tavakoliyan, H., & Shakeri, A. (2018). Predicting the effect of factors affecting inflation using dynamic averaging models. *economics*, 18(71), 261-311. (in Persian)
- Barro, R. J. & Gordon, D. (1983). Rules, discretion and reputation in a model of monetary polic. *Journal of Monetary Economics*, 12(1), 101-21.
- Blanchard, O. J. & Quah, D. (1989). "The Dynamic Effects of Aggregate Demand and Supply Disturbance. *The American Economic Review*, 4(79), 655-673.
- Botev, J.; Egert, B., & Jawadi, F. (2019). The nonlinear relationship between economic growth and financial development: Evidence from developing, emerging and advanced economies. *International Economics*, 160(2), 3-13.
- Bruno, M., & Esterly, W. (1998). Inflation Crisis and Long-Run Growt. *Journal of Monetary Economics* 41(2): 3-26.
- Cavallaro, E., & Villani, I. (2022). Beyond financial deepening: Rethinking the finance-growth relationship in an uneven world. *Economic Modelling*, 116(3), 16-31.
- Cecchetti, S., & Robert, W. (2001). Structural estimates of the u.s. sacrifice ratio. *journal of Business and Economic statics*, 416-27.
- Collard, F.; Fève, P., & Matheron, J. (2007). The Dynamic Effects of Disinflation Policies, *Banque de France*.
- Dargahi, H., & Sedaghatparrast, E. (2012). Investigating the effect of price and policy impulses on production and inflation in the Iranian economy: a SVAR approach. *Economics and Modeling*, 4(13), 1-33. (in Persian)
- Dargahi, H., & Sherbatoghli, R. (2010). Determining the rule of monetary policy in the conditions of stable inflation of the Iranian economy using the optimal control method. *Economic Research*. 45(4), 1-27. (in Persian)
- Davsev, L.; Hourvouliades, N., & Komic, J. (2018). Impact of Interest Rate and Inflation on GDP in Bulgaria, Romania and FYROM. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 20(2), 131-147.
- Dicky, D. A., & Fuller, W. A. (1979). Distribution of the Estimators for Autoregressive Time Series with a Unit Root. *Journal of the American Statistical Association*. 74(336), 427-731.
- Elliott, D. W. (2012). *Changing Worlds: Vietnam's Transition From Cold War to Globalization*. Oxford: Oxford University Press.
- Enders, w. (2010). *Time Series Econometrics*, Third Edition, John Wiley and Sons Press.
- Ezzati, M., & Dehghan, M. A. (2008). Economic security in Iran. Tehran:

Majlis Research Center. (in Persian)

Farzinvash, A., & Alinejadmehraban, F. (2007). Calculation of the exchange rate of production and inflation (the case of Iran's economy). *Economic studies and policies*. 0(12), 3-24. (in Persian)

Fitras, M. H.; Najarzadeh, A., & Mahmoudi, H. (2010). Investigating the relationship between financial development and economic growth in Iran: using the factor analysis method. *economic researches and policies*. 18(56). (in Persian)

Ghosh Atish R. & Phillips Steven T, (1998). Inflation, Disinflation, and Growth, *IMF Working Papers 1998/068*, International Monetary Fund.

Golob, J. E. (1993). Inflation, Inflation Uncertainty and Relative Price Variability; A Survey", *Research Working Paper*, Federal Reserve Bank of Kansas City, 15- 93.

Hansen, B., & Seshadri, A. (2013). *Uncovering the Relationship between Real Interest Rates and Economic Growth*. University of Michigan Retirement Research Center.

Hashemianesfahani, M., & Gorji, E. (2007). The use of economic security index in explaining geo-economic developments in the process of globalization. *Geopolitics*. 3(7), 50-74. (in Persian)

Hosseini, M., & Jafarisamimi, A. (2010). Estimating and evaluating the trend of Iran's economic well-being using a composite index CIEWB, *Economic researches of Iran*, 14(42), 101-122. (in Persian)

Hosseini, S.M.; Ashrafi, Y., & Siyami, A. (2011). Investigating the relationship between financial development and economic growth in Iran by introducing new variables, *Researches and economic policies*, 19(60), 19-34. (in Persian)

Ianioglo, A., & Polajeva, T. (2016). Origin and Definition of the Category of Economic Security of Enterprise. *Business and Management*, Lithuania: VGTU Press, 1-8.

Ioan-franc, V., & Diamescu, M. A. (2010). Some Opinions on the Relation between Security Economy and Economic Security. *Romanian Journal of Economics*, 129–159.

Khavari, H.; Falahi, M. A., & Salehnia, N. (2021). Investigating the influence channels of oil price volatility on Iran's economic growth through some institutional, monetary and financial variables. *Economic growth and development research*, 11(43), 31-50. (in Persian)

King, R. G., & Levine, R. (1993), Financial Intermediation and Economic Development. In *Financial Intermediation in the Construction of Europe*, Eds.: Colin Mayer and Xavier, 156-189.

Komijani, A.; Elahi, N., & Bijanimirza, T. (2015). The effect of monetary policies on the price fluctuation of financial and real assets. *economic studies and policies*. 2(1), 24-3. (in Persian)

Lan Khanh., C. (2020). Financial structure and economic growth nexus revisited. *Borsa Istanbul Review*, 20(1), 24-36.

Levine, R.; Loayza, N., & Beck, T. (2000). Financial Intermediation and Growth: Causality and Causes. *Journal of Monetary Economics*, 46(1): 31-77.

Lutkepohl, H., & Kratzig, M. (2004). *Applied Time Series Econometrics*. Cambridge University Press, 159-162.

McKinnon, R. (1973). *Money and Capital in Economic Development*. Washington DC: Brooking Institution.

Mehnatfar, Y., & Mikaili, V. (2013). Evaluating the relationship between inflation rate and production gap in Iran. *Financial and Economic Policy*. 1(3), 116-97.

Mehrara, M.; Bakhrodidorbash, S., & Behzadisofiani, M. (2019). Investigating the effect of inflation uncertainty on the sacrifice ratio in developing countries, *Assembly and strategy*. 26(97), 39-70. (in Persian)

Moslehi, Fariba. (1385). The impact of monetary policies on Iran's economy, *Economic Research*. 8(27), 133-151. (in Persian)

Office, I. L. O. (2004). *Economic Security for a Better World*. Geneva: ILO.

Osberg, L.; Andrew, S., & Jeremy, S. (2002). An index of Labor Market Well-being for Canada and the United States. paper presented at the *General Conference of the International Association for Research in Income and Wealth*, Stockholm, Sweden, 82(8) 18-23.

Poirson Ward, H. (1998). Economic Security, Private Investment, and Growth in Developing Countries. Retrieved from *IMF Working Papers*: <https://WP/Issues/2016/12/30/Economic-Security-Private-Investment-and-Growth-in-Developing-Countries-2456>.

Pradhan, R. P.; Arvin, M. B., & Bahmani, S. (2018). Are innovation and financial development causative factors in economic growth? Evidence from a panel granger causality test. *Technological Forecasting and Social Change*, 132, 130-142.

Romer, C. D., & Romer D. H. (1989). Does Monetary Policy Matter? A New Test in the spirit of Friedman and Schwartz. *NBER Macrorconomics*, 4, 121-170.

Sadeghisagdel, H.; Galvani, A., & Khushkho, A. (2014). Estimating the trend of economic security index in Iran (using fuzzy logic). *Economic studies and policies*. 1(2), 153-170. (in Persian)

Samsami, H.; Davodi, P., & Amiri, H. (2016). Comparing the effectiveness of liquidity growth on gross domestic product, private sector investment and employment with asset market bubble. *Economic Research*. 51(2), 457-492. (in Persian)

Sargent, T. J., & Wallace, N. (1975). Rational" Expectations, the Optimal Monetary Instrument, and the Optimal Money Supply Rule, *Journal of Political Economy*, University of Chicago Press, 83(2), 241-254.

Sayadzadeh, A.; Farjamnia, I.; Hajarian, A., & Taheri, B. (2013). The effect of budget deficit on Iran's economic security. *Strategic Studies*. 16(60), 91-124. (in Persian)

Shahabadi, A.; Amiri, B., & Samari, H. (2015). The impact of economic security on the GDP of selected G77 countries. *Commerce*. 19(76), 115-150. (in Persian)

Sharifirenani, H. (2010). Investigating the effects of monetary policy on production and the general level of prices in Iran using the structural vector error correction (SVEC) approach, *economic policy*. 7-45. (in Persian)

Sims, C. A. (1980). "Macroeconomics and Reality". *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 48, 11-15.

Svensson, L. O. (1997). Inflation forecast targeting: Implementing and monitoring inflation targets, *European Economic Review*, 41, 1111-1146.

Tabatabaiqomi, Z. (2001). Investigating the relationship between inflation and economic growth in Iran's economy. *Bank and Economy*, 20, 52-67. (in Persian)

Tawadros, B. G. (2007). Testing the Hypothesis of Long Run Money Neutrality in the Middle East. *Journal of Economics Studies*, 34(1), 13-28.

Taylor, J. B. (1995). The Monetary Transmission Mechanism: An Empirical Framework, *Journal of Economic Perspectives*, 9(4), 11-26.

Tobin, J. (1972). Inflation and Unemployment. *American Economic Review*, 62 (3), 1-18.

Williams, J. C. (2009). Heeding Daedalus: Optimal Inflation and the Zero Lower Bound. Unpublished paper (October). Brooking Papers on Economic Activity, forthcoming.



Research Article

Vol. 30, No. 01, 2023, p. 180 -214



The Effect of Wages and Inflation on the Labor Productivity in Selected Developing Countries

A. Hasannejad Koshki¹, M. Moradi^{2*}, S. Eskandari Sabzi³

1- Ph.D. Candidate, Department of Economics, Miyaneh Branch, Islamic Azad University, Miyaneh, Iran

2- Assistant Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3- Assistant Professor, Department of Economics, Miyaneh Branch, Islamic Azad University, Miyaneh, Iran

(*- Corresponding Author Email: moradi@pnu.ac.ir)

<https://orcid.org/0000-0002-1939-0710>

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.81678.1176>

Received: 2023/03/18	How to cite this article: Hasannejad Koshki, A.; Moradi, M., & Eskandari Sabzi, S. (2023). The Effect of Wages and Inflation on the Labor Productivity in Selected Developing Countries. <i>Economics and regional Development Journal</i> , 30(1): 180-214. (In Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2023.81678.1176
Revised: 2023/07/16	
Accepted: 2023/08/26	
Available Online: 2023/08/26	

1- INTRODUCTION

In today's competitive world, productivity as a philosophy and a vision based on the strategy of improving operations is the most important goal of leading organizations and is a necessity for economic growth and improving the living and welfare of a country. The amount and rate of productivity growth in each country has a significant impact on the trend of macroeconomic variables at the global level. Many factors affect

productivity, among which, the role of wages and inflation can be very important.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

In the inflationary state, a misunderstanding is created in relation to the levels of relative prices in societies; therefore, in such a situation, an atmosphere of uncertainty dominates the economy of countries and production costs increase due to inflation, and this can affect the wages paid by the employer to the workforce. As a result of the increase in prices and the disproportion of salary increase with inflation, the real income of the labor force decreases and the labor force cannot cover all its expenses. Therefore, in an inflationary state, we will witness things such as a decrease in the health of the workforce, a decrease in the level of education of the workforce, a decrease in the motivation of the workforce, and the creation of a class gap; therefore, labor productivity can gradually decrease.

3- METHODOLOGY

The aim of this study is to determine the effect of wages and inflation on labor productivity by using Markov switching econometric technique in 15 selected developing countries (Iran, Brazil, Egypt, Indonesia, Jordan, Mauritius, Mongolia, Philippines, Thailand, Colombia, India, Kazakhstan, Mexico, Peru and South Africa) during the period 2006 to 2017. In this paper, the indicators of foreign direct investment, human capital, business environment, corruption control, and trade liberalization were considered as control variables in the model.

Markov switching econometric technique was used to estimate the effects of variables. Also, for more detailed investigations, the causal relationship between inflation and wages and labor productivity was investigated by using the Granger method.

4- RESULTS & DISCUSSION

The results of the estimations indicated the negative effect of inflation on labor productivity in both regimes (boom and recession). This result was consistent with the results of most domestic and foreign studies, but it is somewhat contradictory to Aiheanacho's (2017) study. The impact of wages on labor productivity was positive in both regimes (boom and recession), which indicates the confirmation of efficiency wage theories. In connection with control variables, human capital variables, trade liberalization and business climate had a positive effect on labor productivity in both the first and second regimes. In confirming the positive relationship of the business environment on productivity, it can be acknowledged that the business environment is a political, institutional and behavioral environment that affects the efficiency and risks associated with economic activities and investment. It provides the basis for more production, so production per worker also increases, which means increased labor productivity.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

The results show that there is a negative and significant relationship between inflation and labor productivity in the studied countries. Therefore, governments should through reducing interference in the economy and compliance with the monetary rule and management of liquidity growth rate and creating grounds for economic stability, deal with the risk and uncertainty resulting from inflation.

Also, according to the results, there is a positive and significant relationship in both the first and second regimes, between labor wages and labor productivity, so it is necessary to adjust the wage laws based on the real value of labor (productivity) to strengthen the merit system and improve productivity. It is also necessary to adopt policies according to the theory of the value of the final product. So that the increase in wages without the destructive effects of inflation caused by cost pressure, leads to an increase in productivity. For this purpose, the labor law and wage payment

mechanism should be amended. The findings of the research show that there is a positive and significant relationship between the business environment and the productivity of the labor force in both boom and recession regimes, so it is suggested that sustainable and coherent planning in order to improve and expansion of the infrastructure of the business space in the investigated communities. Therefore, it seems necessary for governments to think of measures that lead to productive investments in the business space.

The results show that the effect of wages on labor productivity is positive in both regimes (boom and recession). In relation to the control variables, the variables of human capital, trade liberalization and business climate have a positive effect on labor productivity in both regimes (boom and recession). But regarding the variables of foreign direct investment and corruption control, we observe a positive relationship in the first regime (prosperity) and a negative relationship in the second regime (recession). Also, for more detailed studies, the causal relationship between inflation and wages with labor productivity has been investigated by using the Granger method, which indicates a two-way causal relationship between the investigated variables.

Keywords: Wages, Inflation, Labor Productivity, Markov-Switching.

تأثیر دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار در کشورهای منتخب در حال توسعه

اکرم حسن نژاد کشکی

دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

مهدی مرادی *

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

سیما اسکندری سبزی

استادیار گروه اقتصاد، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.81678.1176>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیر دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ در ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه طی بازه زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۷ است. در این مقاله شاخص‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی، فضای کسب و کار، کنترل فساد و آزادسازی تجاری به عنوان متغیرهای کنترل در مدل لحاظ شدند. نتایج برآوردها حاکی از تأثیر منفی تورم و تأثیر مثبت دستمزد بر بهره‌وری نیروی کار در هر دو رژیم (رونق و رکود) است. در ارتباط با متغیرهای کنترل نیز، متغیرهای سرمایه انسانی، آزادسازی تجاری و فضای کسب و کار در هر دو رژیم (رونق و رکود) دارای تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار هستند. ولی در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کنترل فساد، در رژیم اول (رونق) شاهد رابطه مثبت و در رژیم دوم (رکود) شاهد رابطه منفی هستیم. همچنین جهت مطالعه دقیق‌تر، به بررسی رابطه علی تورم و دستمزد با بهره‌وری نیروی کار با روش گرنجر پرداخته شد که نتایج مبین رابطه علیت دوسویه بین متغیرهای موردبررسی است.

کلیدواژه‌ها: دستمزد، تورم، بهره‌وری نیروی کار، مارکوف سوئیچینگ.

طبقه‌بندی JEL: E24, E23, E31, C24

moradi@pnu.ac.ir

* نویسنده مسئول:

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

صفحات: ۲۱۴-۱۸۰

مقدمه

در دنیای رقابتی امروز، بهره‌وری به‌عنوان یک فلسفه و یک دیدگاه مبتنی بر استراتژی بهبود عملیات مهم‌ترین هدف سازمان‌های پیشرو است و یک ضرورت برای رشد اقتصادی و ارتقای سطح زندگی و رفاه یک کشور محسوب می‌شود. مقدار و نرخ رشد بهره‌وری در هر کشور، تأثیر بسزایی در روند متغیرهای کلان اقتصادی در سطح جهانی دارد. عوامل بسیاری بر بهره‌وری تأثیرگذارند که دراین‌بین، نقش دستمزد و تورم می‌تواند حائز اهمیت فراوانی باشد. هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیر دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ در ۱۵ کشور منتخب درحال توسعه طی بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ است. در این مقاله شاخص‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی، فضای کسب و کار، کنترل فساد و آزادسازی تجاری به‌عنوان متغیرهای کنترل در مدل لحاظ شدند. نتایج برآوردها حاکی از آن است که، تورم در هر دو رژیم (رونق و رکود) بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر منفی داشته و تأثیر دستمزد بر بهره‌وری نیروی کار در هر دو رژیم (رونق و رکود)، مثبت است. در ارتباط با متغیرهای کنترل نیز، متغیرهای سرمایه انسانی، آزادسازی تجاری و فضای کسب و کار در هر دو رژیم (رونق و رکود) دارای تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار هستند. ولی، در مورد متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کنترل فساد، در رژیم اول (رونق) شاهد رابطه مثبت و در رژیم دوم (رکود) شاهد رابطه منفی هستیم. همچنین جهت بررسی‌های دقیق‌تر، به بررسی رابطه علی تورم و دستمزد با بهره‌وری نیروی کار با روش گرنجر پرداخته شده است که نتایج مبین رابطه علیت دوسویه بین متغیرهای موردبررسی است.

بهره‌وری از مفاهیم علم اقتصاد و مدیریت است و به مقدار کالا یا خدمات تولید شده در مقایسه با هر واحد از انرژی و یا به کار هزینه شده بدون کاهش کیفیت یا به اثربخشی همراه کارایی، بهره‌وری گفته می‌شود (Neupane, 2013). بهره‌وری نیروی کار رایج‌ترین مقیاسی است که، در مورد یک اقتصاد، صنعت و یا یک واحد تولیدی به‌کاربرده می‌شود. از دلایل این امر می‌توان به سهم نسبتاً زیاد هزینه نیروی کار در ارزش بسیاری از فرآورده‌ها و نیز موجود بودن اطلاعات مربوط به نهاده نیروی کار در مقایسه با آمار و اطلاعات موجود مربوط به نهاده‌های دیگر مانند سرمایه اشاره نمود، که تغییرات بهره‌وری نیروی کار به دلایل مختلفی، نظیر تغییر سطح کیفی نیروی کار به‌واسطه آموزش، کسب تجربه و تخصص در کار، تغییر شرایط کار، مهارت در مدیریت و ... است. شناسایی علت یا علل تغییر بهره‌وری نیروی کار از اهمیت

خاصی برخوردار است، زیرا از این طریق می‌توان روند تغییر بهره‌وری نیروی کار را در جهت دلخواه تغییر داد (Davis & Madsen, 2008).

با توجه به مشکلاتی که جوامع در حال توسعه با آن روبه‌رو هستند، از قبیل اقتصاد تک‌محصولی، ساختار نامناسب نظام اقتصادی و اداری، افزایش بیکاری و پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری، توجه بیشتر به مقوله بهره‌وری بیش‌ازپیش در اقتصاد کشورهای در حال توسعه ضروری به نظر می‌رسد، طوری که طی دهه‌های اخیر توجه به اهمیت روزافزون بهره‌وری نیروی کار و عوامل مؤثر بر آن، به یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مباحث اقتصادی تبدیل شده است (Tabaghchi Akbari, Babazadeh & Akhundzadeh, 2022). همچنین در تحولات اقتصادی به دوره‌ای قدم نهاده‌ایم که عوامل سنتی اقتصادی یعنی زمین، ماشین‌آلات و نیروی کار تنها عوامل تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی کشورها نیستند؛ امروزه موفقیت کشورها به صلاحیت‌های علمی مانند دانش فنی، خلاقیت کارکنان، به‌کارگیری شیوه‌های نوین علمی در مدیریت و قابلیت نوآوری بستگی دارد. تمامی این عوامل در افزایش بهره‌وری متبلور می‌شوند. اقتصاددانان عوامل مختلفی را در ارتباط با پایین بودن نرخ رشد بهره‌وری در جوامع در حال توسعه مطرح کرده‌اند. از مهم‌ترین این عوامل، تغییرات نرخ تورم و دستمزد است (Abrishami, mehrara & Nouri, 2010). در بیشتر تحقیقات انجام گرفته در زمینه بهره‌وری، عوامل مختلفی مورد بررسی قرار گرفته ولی مطالعه مشخصی در خصوص بررسی تأثیر همزمان دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار در کشورهای منتخب در حال توسعه با تکیه بر روش مارکوف سوئیچینگ^۱ صورت نگرفته است. لذا در این پژوهش، به بررسی تأثیر همزمان دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار در کشورهای منتخب در حال توسعه با استفاده از روش مارکوف سوئیچینگ پرداخته می‌شود. همچنین جهت بررسی‌های دقیق‌تر، به مطالعه رابطه علی تورم و دستمزد با بهره‌وری نیروی کار با روش گرنجر می‌پردازیم. به این منظور ابتدا مبانی نظری تأثیر دستمزد و بهره‌وری نیروی کار و سپس نحوه اثرگذاری تورم بر بهره‌وری نیروی کار تصریح می‌شود و در بخش سوم مطالعات پیشین مورد بررسی قرار گرفته و در بخش چهارم ضمن انجام انواع آزمون‌های ایستایی داده‌ها و تعیین تعداد رژیم‌ها و وقفه‌ها، مدل تحقیق مورد برآورد قرار می‌گیرد و در بخش نهایی نتایج تحلیل و پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌گردد.

^۱ . Markov Switching (MS)

مبانی نظری

در دنیای رقابتی امروز بهره‌وری به عنوان یک فلسفه و یک دیدگاه مبتنی بر استراتژی بهبود عملیات مهم‌ترین هدف سازمان‌های پیشرو است. در پرتو این استراتژی سازمان‌ها با ارتقاء و رشد بهره‌وری به‌ویژه بهره‌وری نیروی کار، منبع و عوامل تولید سودآوری بلندمدت خود را تضمین می‌نمایند. کوشش‌های اقتصادی انسان همواره معطوف بر آن بوده که حداکثر نتیجه را از حداقل تلاش‌ها و امکانات خود به دست آورد. این تمایل را می‌توان اشتیاق وصول به «بهره‌وری» افزون‌تر نام نهاد. تمامی اختراعات و ابداعات بشر از ابتدایی‌ترین ابزار کار در گذشته‌های دور تا پیچیده‌ترین تجهیزات زمان حاضر در نیل به همین تمایل و اشتیاق است تا آنجا که تاریخ ۲۰۰ ساله صنعت و ورود به عصر جدید، عصر فرا صنعتی، عصر اطلاعات و ارتباطات، نتیجه رشد بهره‌وری بوده است. شاخص بهره‌وری نیروی کار را می‌توان به روش‌های زیر تعریف کرد:

الف) شاخص بهره‌وری نیروی کار بر حسب تولید ناخالص داخلی و تعداد شاغلان در سطح کل اقتصاد: بهره‌وری نیروی کار عبارت است از تولید ناخالص داخلی، تقسیم بر تعداد شاغلان کل اقتصاد.

ب) شاخص بهره‌وری نیروی کار بر حسب ارزش ستانده و تعداد شاغلان در سطح کل اقتصاد: بهره‌وری نیروی کار عبارت است از ارزش ستانده کل اقتصاد، تقسیم بر تعداد شاغلان کل اقتصاد.

پ) شاخص بهره‌وری نیروی کار بر حسب تولید ناخالص داخلی و نفر-ساعت اشتغال کل اقتصاد: بهره‌وری نیروی کار عبارت است از تولید ناخالص داخلی، تقسیم بر نفر-ساعت اشتغال کل اقتصاد.

ت) شاخص بهره‌وری نیروی کار بر حسب ارزش ستانده و نفر-ساعت اشتغال کل اقتصاد: برابر ارزش ستانده کل اقتصاد، تقسیم بر نفر-ساعت اشتغال کل اقتصاد (Afrooznia & tavakkoli, 2017).

امروزه رقابتی بودن برابر با بهره‌وری در نظر گرفته می‌شود، سازمان همکاری اقتصادی اروپا به‌طور رسمی بهره‌وری را چنین تعریف می‌کند: بهره‌وری حاصل کسری است که از تقسیم مقدار یا ارزش محصول بر مقدار یا ارزش یکی از عوامل تولید به دست می‌آید. عوامل مختلفی بر نسبت مقدار محصول بر تعداد نیروی کار به‌عنوان بهره‌وری اثر می‌گذارد، که در این بین عواملی چون دستمزد و تورم نقش به‌سزایی در تعیین میزان بهره‌وری دارند (Bakir & Eryilmaz, 2018) و می‌بایست مورد بررسی قرار گیرند.

نقش دستمزد در بهره‌وری نیروی کار

ارتباط دستمزد و بهره‌وری نیروی کار همراه با توسعه صنعتی و آغاز بنگاه‌داری به شیوه‌های نوین در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی مطرح شد و همگام با رشد آن‌ها، انواع نظام‌های مزدی منطبق با بازده و حجم تولید به وجود آمد. در تمام نظام‌های دستمزدی، بخشی از مزد یا تمامی آن به بهره‌وری فردی یا گروهی ارتباط پیدا می‌کند. در ادامه این تحولات، امروزه پرداخت به نیروی کار بر اساس نتایج و دستاوردهای او به یک امر بدیهی تبدیل شده و تعدیل دستمزدها در تمام سطوح کاری و گروه‌های شغلی بدون توجه به تغییر در بهره‌وری نیروی کار و وضعیت کشور انجام نمی‌پذیرد. خلاصه اینکه دستمزد مانند هر قیمت دیگری نقش اطلاع‌رسانی مهمی را ایفا می‌کند. درواقع دستمزد باید بهره‌وری واقعی نیروی کار را منعکس کند و انحرافات این دو متغیر از یکدیگر، عدم کارایی اقتصادی و کاهش اشتغال را به دنبال دارد. در تمامی جوامع به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است که بی‌توجهی به ارتباط مهم بین بهره‌وری و دستمزد، نتایج وخیمی به دنبال داشته و می‌تواند منشأ بسیاری از عدم تعادل‌ها در بازار کار و کل اقتصاد قرار بگیرد (Aleemran, & Aleemran, 2015).

با توجه به نیاز اقتصادی انسان برای تأمین و معیشت زندگی، حقوق و دستمزد است که در سازمان‌ها می‌تواند نقش بسزایی در انگیزه کارکنان ایفا کند. نظریه دستمزد-کارایی به‌طور ساده و مشخص بیان می‌کند در شرایطی پرداخت دستمزدهای بالاتر از دستمزدهای بازار عقلایی است که این استراتژی در راستای جذب نیروی کار با کارایی بالاتر باشد. بر اساس این نظریه کسی که دستمزد بالاتر از دستمزد تعادلی دریافت می‌کند، نیروی انسانی ماهر و با بهره‌وری بالاست که تمام تلاش خود را برای حفظ یا حتی ارتقای موقعیت شغلی به کار می‌گیرد. هرچند ممکن است به نظر برسد با این عمل هزینه‌های جاری بنگاه مورد نظر افزایش یابد و موجب افزایش هزینه تمام شده کالا یا خدمات شود، اما نباید فراموش کرد نیروی کار دانا شرایطی را در فرایند تولید ایجاد خواهد کرد که در میان‌مدت و بلندمدت، بنگاه اقتصادی بتواند در همان سطح از نهاده‌ها، محصول بیشتری تولید کند؛ بنابراین بنگاه‌ها حاضر به از دست دادن نیروهای کارآمد خود نخواهند بود (Tabaghchi Akbari et al., 2022).

نقش تورم در بهره‌وری نیروی کار

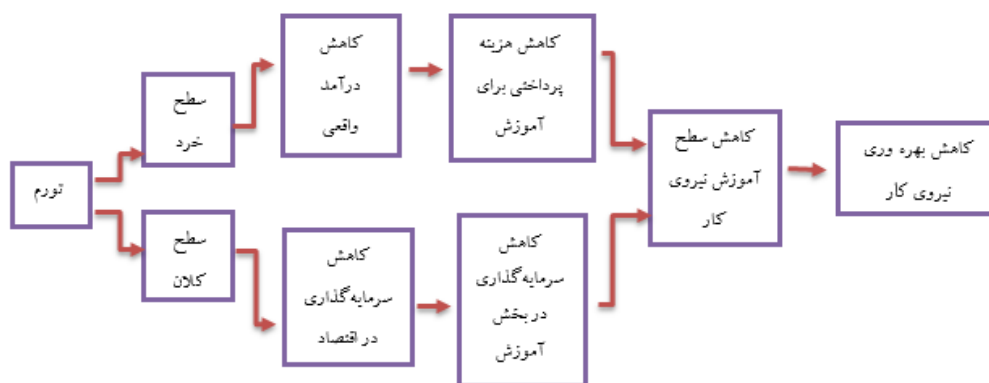
تورم وضعیتی است که طی آن سطح عمومی قیمت‌ها، به‌طور مداوم و به‌مرورزمان افزایش می‌یابد (Tafazoli, 1997). تورم می‌تواند اثرات قابل‌توجهی بر بهره‌وری نیروی کار داشته باشد که از طریق کانال‌های زیر قابل‌بررسی است.

نقش تورم در کاهش سطح آموزش نیروی کار:

افزایش در سطح آموزش و تحصیلات منجر به افزایش سرمایه انسانی می‌شود. در بسیاری از نظریه‌های رشد، سرمایه انسانی نقش بسزایی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. سرمایه انسانی به عنوان یک عامل در تابع تولید منظور شده و موجب بازده صعودی نسبت به مقیاس می‌شود. این نقش بالأخص در مدل‌های رشد درون‌زا جلوه بیشتری پیدا می‌کند. سرمایه انسانی از طریق دانش و R&D به وسیله ایجاد اثرات خارجی مثبت در تولید موجب افزایش بهره‌وری عوامل تولید می‌شود.

در سطح خرد تورم موجب کاهش درآمد حقیقی خانوارها می‌شود که این امر سبب کاهش هزینه آموزشی خانوار در بودجه خود می‌شود. لذا در بلندمدت، سطح کیفی نیروی کار کاهش می‌یابد. علاوه بر این، در سطح کلان تورم موجب کاهش سرمایه‌گذاری در بخش آموزش می‌شود. لذا این دو اثر، سطح سرمایه انسانی یک کشور را کاهش داده و در نهایت، منجر به کاهش بهره‌وری نیروی کار خواهد شد.

(Mehr Ara & Noori, 2017)



شکل (۱): اثر تورم در کاهش سطح آموزش نیروی کار

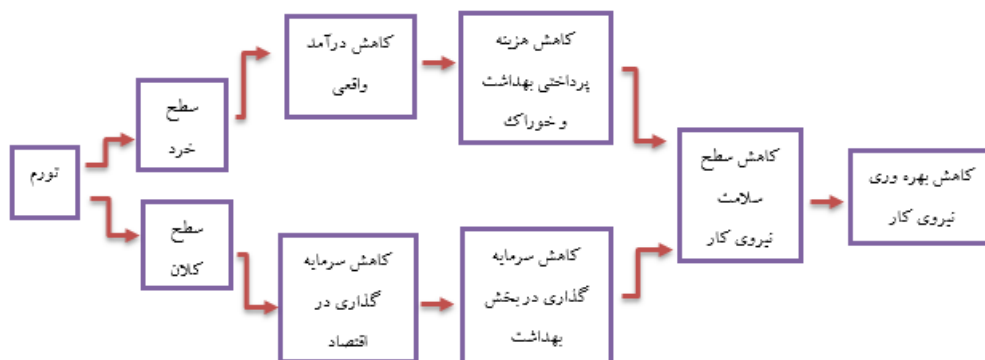
نقش تورم در کاهش سلامت نیروی کار:

افزایش سطح بهداشت و سلامت نیروی کار، یکی از عوامل مؤثر بر بهبود بهره‌وری نیروی کار است. به بیان دیگر افزایش سطح سلامت نیروی کار موجب بهبود کیفی نیروی انسانی خواهد شد. بهداشت مناسب، موجب تندرستی مردم و افزایش توان بالقوه و بالفعل نیروی کار می‌شود و نیروی کار سالم نیز سهم بیشتری در افزایش تولید و رشد اقتصادی خواهد داشت. کارشناسان بهداشت، اغلب بر این باورند که کارگران تندرست کار بیشتری در هر ساعت انجام می‌دهند، توان جسمی و ذهنی بیشتری دارند و ساعات

بیشتری کار می‌کنند؛ زیرا کمتر به دلیل بیماری خود و خانواده‌شان غیبت کرده و منظم‌تر از کارگران ضعیف و رنجور در سر کار حاضر می‌شوند (Amini & Hejazi, 2007). نوسانات تورمی با تغییر در درآمد واقعی خانوار و اولویت‌های مصرفی، موجب کاهش مخارج مصرفی می‌گردد و با توجه به اینکه سطح مصرف به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی مطلوبیت و سلامت در اقتصاد مطرح است، لذا کاهش سطح سلامت جامعه را به بار می‌آورد. این نتایج جایی که علاوه بر سطح مصرف، تغییر در توزیع مصرف و سبد خانوار از کالاها و خدمات بهداشتی و مرتبط با سلامت را به سمت کالاهای ضروری و کم کیفیت در نظر بگیریم، آثار شدیدتری خواهد داشت (mirshafiee et al., 2022).

در زمینه نقش تورم در سلامت نیروی کار مطالعات زیادی صورت گرفته است. براساس مطالعه وو و همکاران (Wu et al., 2023) تورم در ایالات متحده آمریکا طی سال ۲۰۲۲ به بالاترین حد خود در چهل سال گذشته رسیده و بار اقتصادی قابل توجهی را بر دوش مردم وارد کرده و منجر به ناامنی غذایی، به تعویق انداختن درمان پزشکی و مجموعه‌ای از شرایط استرس‌زا شده است. همچنین بر اساس یافته‌های لویه و همکاران (Louie Patricia et al., 2023) تورم موجب بالا رفتن سطح پریشانی در جامعه می‌شود، یعنی علائم افسردگی و اضطراب در نیروی کار را افزایش می‌دهد.

در سطح خرد افزایش تورم موجب کاهش درآمد حقیقی خانوارها خواهد شد که این امر موجب کاهش هزینه سلامت می‌شود، طوری که خانوارها مجبور خواهند شد از کیفیت سطح غذایی خود بکاهند که خود عامل دیگری برای کاهش سطح سلامت نیروی کار است. علاوه بر این در سطح کلان، تورم موجب کاهش سرمایه‌گذاری (به دلیل افزایش نااطمینانی) در کل اقتصاد و همچنین در بخش بهداشت و سلامت یک کشور شده، لذا این دو اثر، بهره‌وری نیروی کار را کاهش می‌دهد (Mehrra & Noori, 2017).



شکل (۲): اثر تورم در کاهش سلامت نیروی کار

نقش تورم در کاهش انگیزه نیروی کار:

بهره‌وری بالا بر استفاده بجا از نیروی انسانی دانا، مجرب و دارای انگیزش متکی است و بهبود انگیزه با ارتقاء سطح بهره‌وری ارتباط نزدیکی دارد. تورم از طریق کاهش دستمزد حقیقی موجب کاهش انگیزه نیروی کار و در نتیجه کاهش سطح بهره‌وری آن می‌شود (Rohini Dunuwita Liyanage, 2021). به بیان دیگر با افزایش تورم و کاهش دستمزد حقیقی، کارگران مجبور خواهند بود که به مشاغل دیگر و یا اضافه کاری روی بیاورند که هردو موجب عدم تمرکز و کاهش بهره‌وری نیروی کار شده و نیز با شدت گرفتن این امر، موجب بروز مشکلات روحی و روانی برای نیروی کار و خانواده آنها خواهد شد. با توجه به اینکه تورم در برخی اقتصادها بصورت یک مشکل ساختاری درآمده است و طی چند سال اخیر، شاهد تورم‌های دورقمی هستیم، لذا در بلندمدت بدلیل آنکه خانواده‌ها مجبورند زمان بیشتری را برای کسب درآمد اختصاص دهند، می‌توان انتظار داشت سرمایه انسانی بشدت آسیب دیده و بدنبال آن، بهره‌وری کاهش یابد. این آسیب از چندین کانال منعکس می‌گردد:

الف) بکارگیری کودکان در فعالیت‌ها؛

ب) بروز مشکلات روحی و روانی برای خانواده‌ها؛

پ) کاهش زمان لازم برای تربیت فرزندان؛

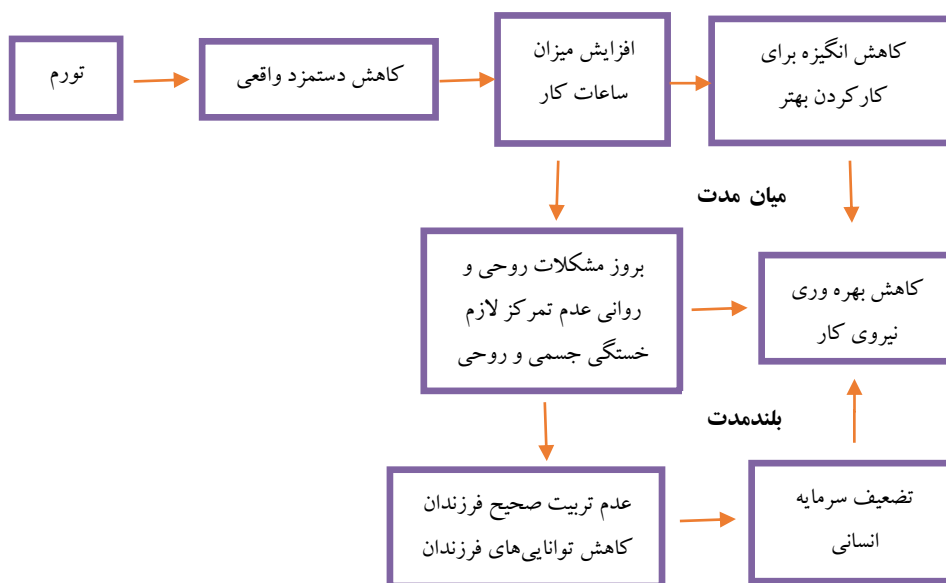
ت) عدم تمرکز و خستگی جسمی و ذهنی.

لذا تورم در بلندمدت، اثرات بسیار نامناسبی بر سرمایه انسانی، به عنوان یکی از عوامل رشد بهره‌وری، خواهد گذاشت (Mehrra & Noori, 2017).

نقش تورم در توزیع نامناسب درآمد:

هنگامی که نرخ تورم افزایش می‌یابد، ارزش حقیقی بدهی‌های اسمی کاهش می‌یابد. بنابراین توزیع مجدد درآمد از بستانکاران به بدهکاران صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، بدهکاران از تورم نفع می‌برند، زیرا دیونی را پرداخت می‌کنند که قدرت خرید واقعی آنها کاهش یافته است. افرادی که تسهیلات بیشتری از سیستم بانکی دریافت کرده‌اند منتفع‌تر خواهند شد و از طرفی، تورم ارزش حقیقی پرداخت‌های انتقالی دولت (مانند یارانه‌های نقدی و بیمه‌های بیکاری) را کاهش می‌دهد و از آنجا که دریافت‌کنندگان پرداخت‌های انتقالی به‌طور معمول جزء فقیرترین بخش جامعه هستند چنانچه این پرداخت‌ها با تورم تعدیل نشود، تورم از این طریق موجب افزایش نابرابری می‌شود. علاوه بر این، تورم با کاهش ارزش حقیقی

دارایی‌های پولی موجب افزایش نابرابری می‌شود. زیرا فقرا در مقایسه با ثروتمندان، نسبت بیشتری از دارایی‌های پولی خود را به شکل پول نقد نگه می‌دارند و به همین دلیل بیشتر در معرض کاهش قدرت خرید ناشی از تورم قرار دارند (Azizi et al., 2022).



شکل (۳): اثر تورم در کاهش انگیزه نیروی کار

با توجه به مبانی مطرح شده، بررسی روند کلی تورم، دستمزد و بهره‌وری نیروی کار در جوامع درحال توسعه، می‌تواند حائز اهمیت فراوانی باشد که در ذیل به بررسی این عوامل می‌پردازیم:

- در دهه‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین مشکلات جوامع درحال توسعه در حوزه مسائل اقتصادی، وجود نرخ‌های تورمی بالا بوده است. درواقع در ایران و اکثر کشورهای درحال توسعه، تورم با سابقه‌ای طولانی و پرفراز و نشیب بر بخش‌های اقتصادی جامعه تأثیرگذار بوده، مسیر توسعه را ناهموار نموده و اقشار آسیب‌پذیر جامعه را تحت فشار قرار داده است، همچنین عدالت اجتماعی را خدشه‌دار نموده و میزان رقابت‌پذیری کالاها را در بازارهای جهانی کاهش داده است.

- در جوامع درحال توسعه، سطح دستمزد پرداختی، با میزان کار انجام شده توسط افراد چندان هم خوانی ندارد و این امر سبب کاهش انگیزه نیروی کار در جهت کار مفیدتر گشته است و به‌عنوان یک

عامل اثرگذار در بهره‌وری، زمینه‌های شکل‌گیری بهره‌وری نیروی کار را در جوامع در حال توسعه، محدود کرده است.

- در اقتصادهای در حال توسعه‌ای همانند ایران که در حال حاضر اقتصادشان عمدتاً در اختیار بخش دولتی است، کاهش سهم بخش دولتی و افزایش سهم بخش‌های تعاونی و خصوصی در چارچوب برنامه خصوصی‌سازی و با هدف ارتقای بهره‌وری یکی از عواملی است که از سوی کارشناسان به عنوان راه‌حلی جهت افزایش بهره‌وری توصیه می‌شود. پایین‌بودن کار مفید کارمندان در چنین جوامعی به نسبت جوامع توسعه‌یافته نیز از عوامل مؤثر بر کاهش بهره‌وری نیروی کار است. با این حال پایین‌بودن این آمار خود نشان از بی‌انگیزگی و معایب ساختاری سازمان‌ها دارد. به این ترتیب تغییر ساختار سازمانی و افزایش انگیزه و رضایت شغلی در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد.

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی

طبقه‌بندی اکبری و همکاران (۲۰۲۲) بررسی تأثیرات غیرخطی یکپارچگی مالی و تورم بر بهره‌وری نیروی کار در ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۹ با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ پرداختند. نتایج برآوردهای ایشان حاکی از آن است که تورم در هر دو رژیم کوتاه مدت و بلند مدت رابطه منفی و معنی‌دار با بهره‌وری نیروی کار دارد. همچنین یکپارچگی مالی در هر دو رژیم دارای تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار می‌باشد. ولی شدت تأثیرگذاری این شاخص، چندان چشم‌گیر نیست. در ارتباط با متغیرهای کنترل نیز فضای کسب و کار در رژیم اول، دارای تأثیر منفی و در رژیم دوم دارای تأثیر مثبت بر بهره‌وری نیروی کار می‌باشد. در مورد شاخص عوامل نهادی نیز در رژیم اول شاهد رابطه مثبت و در رژیم دوم شاهد رابطه منفی بودند. لذا پیشنهاد کردند برنامه‌ریزی‌های پایدار و منسجمی جهت بهبود و گسترش هرچه بیشتر شاخص‌های یکپارچگی مالی و همچنین کنترل تورم در این جوامع صورت گیرد تا بتوان زمینه‌های ارتقای هرچه بیشتر بهره‌وری نیروی کار را فراهم کرد.

شاهین‌پور و کارابولوت (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی بر شاخص کلی بهره‌وری در ایران با استفاده از روش خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی^۱ پرداختند. یافته‌های تحقیق ایشان حاکی از تأثیر مثبت

^۱. ARDL

و معنی‌دار مانده تسهیلات قرض‌الحسنه، مانده تسهیلات قراردادهای مبادله‌ای و مانده تسهیلات مشارکتی به‌عنوان مؤلفه‌های تسهیلات بانکی اسلامی، بر شاخص کلی بهره‌وری بود. همچنین نتایج نشان داد در کوتاه‌مدت و بلندمدت تولید ناخالص داخلی واقعی بر شاخص کلی بهره‌وری تأثیر مثبت دارد. تورم و نرخ ارز رسمی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت اثر منفی و معنی‌دار بر شاخص کلی بهره‌وری دارد.

نوروزی و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل مؤثر بر رشد بهره‌وری نیروی کار پرداختند. طیف وسیعی از متغیرهای مؤثر بر رشد بهره‌وری را معرفی و با استفاده از منطق انتخاب ویژگی (الگوریتم ژنتیک دو هدفه) عوامل مؤثر بر رشد بهره‌وری نیروی کار را شناسایی کردند و سپس با استفاده از شبکه‌های عصبی، مدل انتخابی را برای دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۵ تخمین زدند. همچنین با استفاده از شاخص گارسن، تحلیل حساسیت عوامل مؤثر بر رشد بهره‌وری را انجام دادند. براساس نتایج حاصل از منطق انتخاب ویژگی برای مدل بهره‌وری نیروی کار از میان بیست متغیر، دوازده متغیر از مدل حذف شدند. طبق نتایج شاخص گارسن در میان آنها سرمایه انسانی، دستمزد نیروی کار و کنترل فساد بیشترین تأثیرات را بر رشد بهره‌وری نیروی کار داشته و متغیرها حاکمیت قانون، تحقیق و توسعه و انباشت سرمایه فیزیکی کمترین تأثیر را بر رشد بهره‌وری نیروی کار داشته‌اند.

دهقان منش و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل و بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی کار در جغرافیای انسانی ایران؛ به بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز و بهره بانکی بر بهره‌وری نیروی کار طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۸ با استفاده از روش DOLS و EGARCH پرداختند. ایشان برای محاسبه نوسانات یک بار از متغیرهای اسمی و یک بار از متغیرهای حقیقی استفاده کردند. نتایج تجربی مطالعه نشان می‌دهد نرخ ارز و نرخ بهره در ایران در هر دو حالت اسمی و حقیقی دارای نوسانات نامتقارن می‌باشد. همچنین تخمین‌های ایشان نشان می‌دهد نوسانات نرخ ارز و نرخ سود بانکی هم به صورت اسمی و هم به صورت حقیقی بر بهره‌وری نیروی کار اثر منفی و معنی‌دار داشته است.

بابازاده و همکاران (۲۰۱۸)، به بررسی تأثیر تورم و ریشه‌های آن بر بهره‌وری نیروی کار در ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۶ پرداختند و برای برآورد اثرات متغیرها، از تکنیک اقتصادسنجی جوهانسون استفاده شد. براساس نتایج رگرسیونی، نرخ تورم دارای تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار می‌باشد. در ارتباط با ریشه‌های تورم نیز شاهد رابطه منفی بودیم، که در این بین، تورم ناشی از فشار تقاضا و تورم پولی، تورم ساختاری، تورم وارداتی و تورم ناشی از فشار هزینه به ترتیب دارای بیشترین ضرایب تأثیرگذاری بر بهره‌وری نیروی کار می‌باشند.

فیض‌پور و شمس اسفندآبادی (۲۰۱۹)، به بررسی ارتباط دستمزد و بهره‌وری نیروی کار در صنایع تولیدی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۳ با استفاده از روش داده‌های تلفیقی و روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته پرداختند. یافته‌های مطالعه حاکی از صحت هر دو نظریه کلاسیک‌ها و دستمزد کارآیی است؛ به عبارت دیگر، دستمزد به صورت مثبت و معنی‌داری از بهره‌وری نیروی کار تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. با این وجود، ضریب تأثیرگذاری آن به مراتب بیش از ضریب تأثیرپذیری آن بوده و بنابراین، از دیدگاه سیاست‌گذاری، نتایج مبین لزوم توجه به دستمزد به منظور افزایش بهره‌وری نیروی کار در صنایع تولیدی استان‌های ایران است.

چراغی (۲۰۱۵)، به بررسی تأثیر نرخ تورم بر رشد بهره‌وری بخش کشاورزی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۹ پرداخت. جهت نیل به این مقصود از تکنیک الگوی خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده استفاده شد. براساس نتایج رگرسیونی، نرخ تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر منفی در رشد بهره‌وری کشاورزی دارد.

مولایی و شهاب (۲۰۱۷)، به بررسی میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک و بزرگ در ایران پرداختند. در این تحقیق با استفاده از اطلاعات آماری مرکز آمار ایران برای گروه‌های صنعتی نه گانه و با استفاده از روش رگرسیونی پانل دیتا، اثر متغیر دستمزد واقعی بر متغیر نیروی کار صنایع کوچک و بزرگ مورد تخمین و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که اثر عامل دستمزد بر بهره‌وری نیروی کار مثبت و میزان تأثیرپذیری آن در صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ است.

مبینی دهکردی و رجبی (۲۰۱۳)، به بررسی رابطه بین تورم و بهره‌وری بخش کشاورزی در ایران طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ پرداختند. جهت بررسی این رابطه، از آزمون علیت گرنجری و روش خودرگرسیون برداری استفاده کردند. یافته‌های ایشان حاکی از وجود رابطه دوسویه‌ای بین تورم و بهره‌وری بخش کشاورزی بود. براساس نتایج روش خودرگرسیون برداری نیز، تورم تأثیر منفی بر بهره‌وری بخش کشاورزی داشت.

مطالعات خارجی

نتایج برخی مطالعات مانند دوشه و لویس (۲۰۲۳) و هجین (۲۰۲۲) کومار و همکاران (۲۰۱۲) در سال‌های اخیر حاکی از رابطه مثبت بین دستمزد حقیقی و افزایش بهره‌وری نیروی کار است و برخی دیگر مانند هولدا و یون سانگ (۲۰۲۳) به عدم وجود رابطه بین این دو متغیر تاکید می‌کنند.

کروز (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین بهره‌وری نیروی کار، دستمزد واقعی و اشتغال در پانلی متشکل از ۲۵ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پرداخت و به این نتیجه رسید که یک رابطه دوسویه بین بهره‌وری نیروی کار و اشتغال وجود دارد که از تغییرات فنی القایی و تئوری‌های دستمزد کارایی نسبت به نظریه بهره‌وری نهایی حمایت می‌کند.

استوندزینه و بالیوت (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان هزینه‌های پرسنل و بهره‌وری نیروی کار: مورد مطالعه صنایع تولیدی اروپا با استفاده از داده‌های تابلوی و الگوی خودرگرسیون برداری با وقفه توزیعی^۱ در ۲۷ کشور اروپایی طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۸ میلادی به ارزیابی تأثیر هزینه‌های پرسنل بر بهره‌وری نیروی کار پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از وجود یک رابطه بلندمدت بین هزینه‌های پرسنل و بهره‌وری نیروی کار بود.

هرمن (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به منظور اطمینان از افزایش استانداردهای زندگی کارگران و با انگیزه بهبود بهره‌وری نیروی کار به بررسی تجربی رابطه بهره‌وری نیروی کار و دستمزد در صنعت تولید رومانی، طی بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۸ میلادی می‌پردازد. نتایج تحلیل همبستگی و تخمین رگرسیون نشان می‌دهد، سطح بهره‌وری نیروی کار بر دستمزدها در بخش تولید طی طول دوره مدنظر تأثیر مثبت دارد. همچنین یافته‌های ایشان نشان می‌دهد که سطح بالای دستمزد در برخی زیربخش‌های تولیدی عمدتاً با سطح بالای بهره‌وری نیروی کار قابل توضیح است.

فتولا (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با هدف شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر سطح بهره‌وری نیروی کار در کشورهای اتحادیه اروپا با استفاده از روش شاخص‌های همبستگی و روش گروه‌بندی و بهره‌گیری از داده‌ها گردآوری شده از سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۲ و بانک جهانی به بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی کار پرداخت. نتایج کار ایشان حاکی از وجود یک رابطه معنی‌دار بین متغیرهای دستمزد و تورم با بهره‌وری نیروی کار است.

^۱. ARDL

^۲. OECD

اريلماز و باکیر (۲۰۱۸)، به بررسی رابطه بین دستمزد حقیقی، تورم و بهره‌وری نیروی کار پرداختند. این مطالعه برای داده‌های سری زمانی کشور ترکیه طی دوره‌های زمانی ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۲ میلادی، انجام شد و جهت بررسی روابط فوق نیز، از تکنیک جوهانسون-جوسلیوس استفاده شد. نتایج حاصل از برازش مدل حاکی از این امر است که، تورم تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار داشت. درحالی که، تأثیر دستمزد واقعی بر بهره‌وری نیروی کار مثبت می‌باشد.

آیهیانچو (۲۰۱۷)، به بررسی رابطه بین تورم و بهره‌وری نیروی کار پرداخت. این مطالعه برای کشور نیجریه با بهره‌گیری از داده‌های سری زمانی مربوط به سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۲ میلادی انجام شد. جهت بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت از تکنیک الگوی خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده استفاده شد و درنهایت براساس نتایج رگرسیونی، تورم در کوتاه مدت تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار داشت، درحالی که در بلندمدت شاهد رابطه مثبت بودیم.

بانس آکوتی و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی تأثیر تورم بر بهره‌وری بخش تولید با استفاده از داده‌های سری زمانی کشور غنا طی سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۱۳ میلادی پرداختند. جهت بررسی این رابطه از آزمون جوهانسن و روش حداقل مربعات معمولی استفاده شد. نتایج رگرسیونی نشان داد که تورم منجر به کاهش بهره‌وری بخش تولید در کشور غنا می‌گردد.

دریت ساکی (۲۰۱۶)، به بررسی رابطه بین تورم و بهره‌وری نیروی کار پرداخت. این مطالعه برای دو کشور منتخب عضو اتحادیه اروپا (بلغارستان و رومانی) طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴ میلادی انجام شد. به منظور بررسی رابطه بین این دو متغیر از تکنیک الگوی خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده و آزمون علیتی تودا و یاماموتو استفاده شد. نتایج رگرسیونی نشان داد که تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار داشت. همچنین در ارتباط با بررسی رابطه علی نیز، شاهد رابطه دوسویه‌ای بین تورم و بهره‌وری نیروی کار بودند.

یلدریم (۲۰۱۵)، به بررسی رابطه بین تورم و بهره‌وری نیروی کار در ترکیه پرداخت. این مطالعه با استفاده از داده‌های فصلی مربوط به سال‌های ۱۹۸۸:۱ تا ۲۰۱۲:۴ میلادی با بهره‌گیری از تکنیک علیتی گرنجر و روش حداقل مربعات معمولی انجام شد. نتایج آزمون علیتی نشان داد که هیچ رابطه‌ای بین تورم و بهره‌وری نیروی کار وجود ندارد. در ارتباط با نتایج روش حداقل مربعات معمولی، تورم تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار داشت.

روش‌شناسی و ارائه مدل

در این پژوهش، تأثیر دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار در ۱۵ کشور منتخب درحال توسعه (ایران، برزیل، مصر، اندونزی، اردن، موریتس، مغولستان، فیلیپین، تایلند، کلمبیا، هندوستان، قزاقستان، مکزیک، پرو و آفریقای جنوبی) طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ میلادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که تمرکز این مطالعه بر کشورهای درحال توسعه می‌باشد، ۱۵ کشور درحال توسعه را به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب کردیم. نکته مهمی که در انتخاب کشورهای درحال توسعه مورد توجه قرار دادیم، این بود که سعی شد که کشورهای منتخب از منظر پراکندگی جغرافیایی شامل تمامی مناطق جهان باشند و میزان متغیرهای مدل در بازه زمانی مورد مطالعه نزدیک به هم باشد، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین تلاش شد تا کشورهای انتخاب شده برای این گروه، از میان انواع کشورهای درحال توسعه انتخاب شوند تا بتوانند به طور جامع شرایط مختلفی که در کشورهای درحال توسعه وجود دارد را نمایندگی کنند. از این رو در انتخاب کشورهای درحال توسعه، سعی گردید هم از کشورهایی که اقتصادشان متکی بر منابع طبیعی است و هم در میان کشورهای منتخب از کشورهای نیمه صنعتی و هم از کشورهای درحال توسعه ثروتمند و هم از کشورهای درحال توسعه که دچار فقر می‌باشند، نمایندگانی انتخاب گردد. از این رو به منظور در نظر گرفتن شرایط مذکور، تصمیم گرفتیم که ۱۵ کشور درحال توسعه را از میان چهار گروه از کشورها که دارای داده‌های تحقیق حاضر در بازه مورد مطالعه بود، انتخاب نماییم که این چهار گروه عبارت از کشورهای منطقه منا (MENA)، کشورهای منطقه آسیا، کشورهای منطقه آفریقا، کشورهای منطقه آمریکای لاتین می‌باشد. همچنین بازه زمانی مورد بررسی به دلیل وجود داده‌های متغیرهای مدل انتخاب گردید.

برای برآورد اثرات متغیرها نیز، از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ (MS) استفاده شد. همچنین جهت بررسی‌های دقیق‌تر، به بررسی رابطه علی تورم و دستمزد با بهره‌وری نیروی کار با روش گرنجر پرداخته خواهد شد. از جمله ویژگی‌های این روش، می‌توان به موارد اشاره کرد:

(۱) در این مدلها، امکان وجود یک تغییر دائمی یا چندین تغییر موقت، وجود داشته و این تغییرات، می‌توانند به دفعات و برای مدت کوتاهی اتفاق بیفتند.

(۲) مدل مارکوف سوئیچینگ از چندین معادله برای توضیح رفتار متغیرها در رژیم‌های مختلف استفاده می‌کند.

۳) این مدل، فروض کمتری را بر توزیع متغیرهای مدل تحمیل می‌نماید و همچنین قادر به برآورد هم‌زمان تغییرات متغیرهای مستقل و وابسته، مشروط به درونزا بودن وضعیت اقتصاد کشور در هر مقطعی از زمان (رژیم‌های مختلف) می‌باشد (Yingfu et al., 2007).

۴) در مدل مارکوف-سوئیچینگ به منظور تفکیک متغیرهای سری زمانی و یا روابط بین متغیرها به دو یا چند رژیم از احتمالات استفاده می‌شود و احتمال انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر محاسبه می‌شود.

۵) در مدل مارکوف-سوئیچینگ امکان پیش بینی تغییرات متغیرها از یک رژیم به رژیم دیگر وجود دارد (Kim & Bhattacharya, 2009).

۶) تابع انتقال در الگوی مارکوف سوئیچینگ، به راحتی با استفاده از داده‌ها برآورد می‌شود.

۷) تغییر رژیم در الگوی مارکوف سوئیچینگ، به‌طور درونزا تعیین می‌شود (Deschamps, 2008).

مدل اقتصادی موردبررسی نیز، با استناد بر مبانی نظری و مطالعات تجربی، به‌ویژه مقاله اریلماز و باکیر (۲۰۱۸)، به شرح زیر معرفی می‌شود:

$$\text{LnLP}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LnW}_{it} + \alpha_2 \text{INF}_{it} + \alpha_3 \text{FDI}_{it} + \alpha_4 \text{LnH}_{it} + \alpha_5 \text{LnDB}_{it} + \alpha_6 \text{LnCC}_{it} + \alpha_7 \text{LnO}_{it} + \varepsilon_{it}$$

LP: بیانگر بهره‌وری نیروی کار می‌باشد که از نسبت تولید بر نهاده نیروی کار بدست می‌آید.

W: بیانگر دستمزد می‌باشد که با درآمد سالانه ناشی از کار افراد سنجش می‌شود.

INF: گویای نرخ تورم بر مبنای شاخص قیمتی مصرف‌کننده می‌باشد.

FDI: بیانگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از نوع جریان ورودی است که بصورت درصدی از تولید ناخالص داخلی می‌باشد.

H: نشان‌دهنده سرمایه انسانی می‌باشد که در قالب مخارج آموزشی دولت که بصورت درصدی از تولید ناخالص داخلی است، در مدل وارد می‌شود.

DB: نشانگر شاخص کلی فضای کسب‌وکار می‌باشد، که از مولفه‌های شروع کسب‌وکار، اخذ مجوز، دریافت الکتریسیته، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، تعطیل کردن کسب‌وکار، اجرای قراردادها، استخدام و اخراج نیروی کار، ناشی می‌گردد.

CC: نشانگر کنترل فساد می‌باشد.

O: مبین آزادسازی تجاری می‌باشد که از مجموع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود.

Ln و ε نیز به ترتیب، بیانگر لگاریتم طبیعی و جمله خطای تصادفی می‌باشند.

همچنین اطلاعات مربوط به دستمزد، تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی، فضای کسب‌وکار، کنترل فساد و آزادسازی تجاری، از وب سایت بانک جهانی^۱ گردآوری شده‌اند. اطلاعات مربوط به بهره‌وری نیروی کار نیز از جدول جهانی پن^۲ استخراج شده‌اند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد مدل نیز از نرم‌افزارهای Eveiws و Oxmetrics استفاده شده است.

ارائه نتایج تحقیق

آزمون مانایی

برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چو (Levin, Lin & Chu) استفاده شده است، که خلاصه نتایج این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است. همان‌طور که از جدول فوق پیداست، تمامی متغیرها در سطح مانا می‌باشند ($I(0)$)، لذا نیازی به تفاضل‌گیری وجود ندارد.

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی

متغیر	مقدار آماره	احتمال
LnLP	-۳/۴۹۱۲	۰/۰۰۰۲
LnW	-۵/۴۴۸۹	۰/۰۰۰۰
INF	-۲/۸۵۷۲	۰/۰۰۲۱
FDI	-۷/۹۴۷۸	۰/۰۰۰۰
LnH	-۵/۲۲۹۵	۰/۰۰۰۰
LnDB	-۲/۸۹۳۱	۰/۰۰۱۹
LnCC	-۲/۵۰۹۰	۰/۰۰۶۳
LnO	-۷/۲۷۳۱	۰/۰۰۰۰

منبع: خروجی نرم افزار Eveiws

^۱ . World Bank

^۲ . Penn World Table

آزمون غیرخطی

مدل مارکوف سوئیچینگ زمانی مدل مناسبی است که الگوی داده‌های بررسی شده، غیرخطی باشند. برای اینکه از غیرخطی بودن الگوی داده‌ها اطمینان حاصل کرد، از آزمون درست نمایی^۱ هانسن استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است. همان‌طور که از نتایج جدول (۲) پیداست در مدل موردبررسی، مقدار آماره از مقادیر بحرانی آن بزرگ‌تر است و لذا می‌توان نتیجه گرفت که بجای الگوی خطی، بهتر است که روش غیرخطی مارکوف سوئیچینگ استفاده نمود.

جدول (۲): نتایج آزمون غیرخطی

احتمال	مقدار آماره
۰/۰۰۰۰	۶۸/۷۴۴

منبع: خروجی نرم‌افزار OxMetrics

تعیین تعداد رژیم‌ها و وقفه‌ها

با توجه به مبانی نظری، می‌توان تعداد رژیم بهینه را معادل عدد ۲ فرض نمود (رونق و رکود). با استفاده از آماره‌های اطلاعاتی نیز، این امر مورد تأیید قرار می‌گیرد. آماره‌های اطلاعاتی نیز همچنین، تعداد وقفه بهینه را برای مدل‌ها مشخص کرده است که خلاصه نتایج آماره‌های اطلاعاتی نیز در جدول (۳) ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول (۳)، هر سه آماره اطلاعاتی، تعداد دو رژیم و یک وقفه را برای مدل موردبررسی مشخص می‌کنند.

جدول (۳): تعیین تعداد رژیم‌ها و وقفه‌ها

وقفه	۰	۱	۲
Akaike	-۴/۰۸۸۶	-۴/۱۳۶۲	-۳/۸۲۳۳
Schwarz	-۳/۸۲۱۵	-۳/۸۴۹۱	-۳/۵۱۵۹
Hanan-Quinn	-۳/۹۸۰۳	-۴/۰۱۹۸	-۳/۶۹۸۶

منبع: خروجی نرم‌افزار Eviews

^۱ . Likelihood Ratio Test (LR)

نتایج برآورد مدل

جدول (۴): نتایج برآورد مدل

احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
رژیم ۱ (رونق)				
۰/۰۰۰۰	۶/۷۸۶۸	۰/۱۶۲۱	۱/۱۰۰۶	C
۰/۰۰۰۱	۴/۶۳۹۵	۰/۰۱۹۲	۰/۰۸۹۴	LnW
۰/۰۴۰۴	-۲/۱۵۳۴	۰/۱۵۶۹	-۰/۳۳۷۹	INF
۰/۰۱۴۲	۲/۶۲۱۰	۰/۳۴۰۳	۰/۸۹۱۹	FDI
۰/۰۰۲۹	۳/۱۸۶۷	۰/۰۶۳۹	۰/۲۰۳۶	LnH
۰/۰۰۰۵	۳/۸۳۷۷	۰/۰۱۷۰	۰/۰۶۵۲	LnDB
۰/۰۴۹۳	۲/۰۳۲۸	۰/۰۶۳۸	۰/۱۲۹۷	LnCC
۰/۰۰۰۵	۳/۸۱۹۱	۰/۰۸۷۸	۰/۳۳۵۵	LnO
رژیم ۲ (رکود)				
۰/۰۳۷۳	۲/۱۷۹۶	۱/۳۱۸۲	۲/۸۷۳۲	C
۰/۰۳۹۸	۲/۱۴۸۸	۰/۰۱۵۰	۰/۰۳۲۲	LnW
۰/۰۰۵۰	-۳/۰۲۸۵	۰/۰۳۴۴	-۰/۱۰۴۴	INF
۰/۰۰۶۸	-۲/۹۰۶۳	۰/۰۴۵۹	-۰/۱۳۳۴	FDI
۰/۰۷۶۱	۱/۸۳۷۳	۰/۲۶۵۲	۰/۴۸۷۲	LnH
۰/۰۰۶۷	۲/۸۴۳۸	۰/۰۷۷۲	۰/۲۱۹۶	LnDB
۰/۰۱۱۷	-۲/۶۶۱۴	۰/۰۸۰۲	-۰/۲۱۳۵	LnCC
۰/۰۰۲۸	۳/۲۱۴۰	۰/۰۵۱۳	۰/۱۶۵۰	LnO

منبع: خروجی نرم افزار Eviews

نتایج حاصل از رژیم (۱) را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

- دستمزد تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل ۰/۰۸ می‌باشد یعنی به واسطه یک درصد افزایش در دستمزد، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۰۸ درصد افزایش می‌یابد. لذا، افزایش در دستمزد نیروی کار می‌تواند به مقدار قابل توجهی، انگیزه نیروی کار را جهت انجام کار بهتر، افزایش دهد و زمینه لازم را برای افزایش هرچه بیشتر

بهره‌وری نیروی کار مهیا کند. همچنین دستمزد از طریق ایجاد تغذیه مناسب و آموزش بیشتر و استفاده از امکانات پزشکی بیشتر سبب افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌گردد.

- تورم تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح پنج درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل $0/33$ - می‌باشد و به این معنی است که، به واسطه یک درصد افزایش در تورم، بهره‌وری نیروی کار به میزان $0/33$ درصد کاهش می‌یابد. طبیعی هست که در شرایط تورمی، سطح دستمزدها نیز نمی‌تواند پاسخگوی هزینه‌های عامل نیروی کار باشد، لذا بهره‌وری نیروی کار در سطح پایینی قرار می‌گیرد. چراکه در شرایط تورمی، درآمد حقیقی نیروی کار پایین می‌آید و طبیعتاً در چنین شرایطی می‌توان شاهد کاهش سلامت نیروی کار، کاهش سطح آموزش نیروی کار، کاهش انگیزه نیروی کار و ایجاد شکاف طبقاتی بود، که این موارد می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری نیروی کار گردد. این یافته با نتایج میرشفیعی و همکاران (۲۰۲۲)، مهرآرا و نوری (۲۰۱۷) هم‌خوانی دارد.

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح پنج درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل $0/18$ می‌باشد؛ یعنی به واسطه افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بهره‌وری نیروی کار افزایش می‌یابد؛ بنابراین هرچقدر زمینه‌های جذب برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در این جوامع فراهم شود، بهره‌وری نیروی کار می‌تواند رشد قابل توجهی را به همراه داشته باشد، که این رابطه مثبت همسو با مبانی نظری می‌باشد. به واسطه جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از طریق سرریزهای دانش در کشور میزبان، شیوه‌های مدیریتی سنتی، اصلاح می‌گردد و زمینه‌های هرچه بیشتر تربیت نیروهای کار متخصص شکل می‌گیرد و همین امر نیز می‌تواند به تولیدات قابل توجه نیروی کار یا همان بهره‌وری نیروی کار منجر شود.

- سرمایه انسانی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل $0/20$ می‌باشد و بدان معنی است که، به واسطه یک درصد افزایش در سرمایه انسانی، بهره‌وری نیروی کار معادل $0/20$ درصد افزایش می‌یابد. به عبارتی، هرچقدر میزان سرمایه‌گذاری دولت در مخارج آموزشی بیشتر باشد، بهره‌وری نیروی کار می‌تواند رشد قابل توجهی را به همراه داشته باشد که این امر کاملاً منطبق با مبانی اقتصاد کلان می‌باشد. از طرفی سرمایه انسانی باعث می‌شود از سرمایه فیزیکی مناسب‌تر استفاده کرد و همچنین سرمایه انسانی با ایجاد تخصص و ایجاد درآمد بیشتر و پس انداز بیشتر سبب بالا رفتن کیفیت نیروی کار می‌گردد. هرچند که روش و نحوه انجام این پژوهش با مطالعات پیشین خود متفاوت است، اما از جهت تأکید بر اهمیت بالای عامل سرمایه انسانی نتایج این تحقیق با

مطالعات اسنوکین (۲۰۱۸)، آپاریسیو و همکاران (۲۰۱۶)، نوروزی و همکاران (۲۰۲۱)، آذربایجانی و نجفی (۲۰۱۷)، امینی و حجازی (۲۰۰۷) و شاه‌آبادی و همکاران (۲۰۱۳) هماهنگی دارد.

- فضای کسب‌وکار تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل ۰/۰۶ می‌باشد، یعنی به واسطه یک درصد افزایش در فضای کسب‌وکار، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۰۶ درصد افزایش می‌یابد. گویای این است که در جوامع موردبررسی، هرچه قدر فضای کسب‌وکار گسترده‌تر باشد، بهره‌وری نیروی کار نیز به مقدار قابل توجهی افزایش می‌یابد، که این امر سازگاز با مبانی اقتصادی می‌باشد.

- کنترل فساد تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح پنج درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل ۰/۱۲ می‌باشد و نشانگر این مطلب است که به واسطه یک درصد افزایش در کنترل فساد، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۱۲ درصد افزایش می‌یابد. براین اساس، هرچقدر شاخص عوامل نهادی کنترل فساد در این جوامع قویتر باشد یا به عبارتی سطح فساد مالی تا حد قابل توجهی در این جوامع کنترل گردد، بهره‌وری نیروی کار افزایش قابل توجهی را به همراه خواهد داشت. این نتیجه منطبق بر نتایج مطالعات کروز (۲۰۲۳)، لنسکیو همکاران (۲۰۱۵)، نوروزی و همکاران (۲۰۲۱) و شاه‌آبادی و همکاران (۲۰۱۳) می‌باشد.

- آزادسازی تجاری تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل ۰/۳۳ می‌باشد گویای این است، به واسطه یک درصد افزایش در آزادسازی تجاری، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۳۳ درصد افزایش می‌یابد. این متغیر به دلیل حجم زیاد واردات کالاهای واسطه‌ای که اثرات سرریز دانش و فناوری را در خود دارند می‌تواند به رشد و ارتقای بهره‌وری کمک کنند. این نتیجه توسط مطالعات دیگری از جمله نوروزی و همکاران (۲۰۱۳)، امینی و لطفی‌پور (۲۰۱۴) تأیید شده است.

نتایج حاصل از رژیم (۲) نیز به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- دستمزد تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح پنج درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر نشانگر آن است که به واسطه یک درصد افزایش در دستمزد، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۰۳ درصد افزایش می‌یابد. لذا می‌توان گفت، مطابق مبانی نظری رشد دستمزد از طریق انگیزش نیروی کار می‌تواند سطح محصول تولید شده را ارتقا بخشد و اگر دستمزد هم‌سو با عملکرد و توانایی کارکنان باشد سبب افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌گردد.

- تورم تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل $0/10$ - می‌باشد و به این مفهوم است که، به واسطه افزایش در تورم، بهره‌وری نیروی کار کاهش می‌یابد و طبیعتاً در چنین شرایطی می‌توان شاهد کاهش سلامت نیروی کار، کاهش سطح آموزش نیروی کار، کاهش انگیزه نیروی کار و ایجاد شکاف طبقاتی بود، که این موارد می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری نیروی کار گردد.

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل $0/13$ - می‌باشد؛ یعنی به واسطه افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بهره‌وری نیروی کار کاهش می‌یابد. این بدان مفهوم است که هرچقدر زمینه‌های جذب برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در این جوامع محدود شود، بهره‌وری نیروی کار می‌تواند کاهش قابل توجهی را به همراه داشته باشد.

- سرمایه انسانی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح ده درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل $0/48$ می‌باشد و به این معنی است که، به واسطه یک درصد افزایش در سرمایه انسانی، بهره‌وری نیروی کار معادل $0/48$ درصد افزایش می‌یابد. به‌طور کلی نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیر سرمایه انسانی بیشترین تأثیر را بر رشد بهره‌وری نیروی کار دارد. این متغیر آمیخته‌ای از وضعیت آموزش، سطح رفاه و بهداشتی کشورها می‌باشد و تأکید دارد که در صورت رفع نیازهای مادی انسان، ایجاد بسترها برای آموزش، پیشرفت در سطح بهداشتی جوامع، نظام انگیزشی در جهت تشویق کار و تلاش بیشتر شکل می‌گیرد و باعث رشد تولیدات انسانی در همان سطح سرمایه و دانش می‌شود؛ بنابراین این متغیر در ابتدا سطح بهره‌وری نیروی انسانی را از مسیر انگیزش انسان تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت بهبود آن باعث بهبود سطح بهره‌وری در اجتماع می‌شود.

- فضای کسب و کار تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل $0/21$ می‌باشد و گویای این مطلب است که به واسطه یک درصد افزایش در فضای کسب و کار، بهره‌وری نیروی کار معادل $0/21$ درصد افزایش می‌یابد. پس می‌توان بیان کرد در جوامع مورد بررسی با تقویت فضای کسب و کار، بهره‌وری نیروی کار نیز به مقدار قابل توجهی افزایش می‌یابد، که این امر سازگار با مبانی اقتصادی می‌باشد.

- کنترل فساد تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح پنج درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل $0/21$ - می‌باشد به این معنی که، به واسطه یک درصد افزایش در کنترل فساد، بهره‌وری

نیروی کار معادل ۰/۲۱ درصد کاهش می‌یابد. لذا در صورت ضعف شاخص نهادی کنترل فساد و یا وجود فساد مالی گسترده در جوامع مذکور، بهره‌وری نیروی کار می‌تواند یک سیر نزولی را به همراه داشته باشد. - آزادسازی تجاری تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. ضریب این متغیر معادل ۰/۱۶ می‌باشد، یعنی به واسطه یک درصد افزایش در آزادسازی تجاری، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۱۶ درصد افزایش می‌یابد. به عبارتی، فراهم بودن زمینه‌های هرچه بیشتر برای شکل‌گیری آزادسازی تجاری، می‌تواند منجر به رشد قابل توجهی در بهره‌وری نیروی کار گردد که این امر همسو با مبانی اقتصادی می‌باشد.

برآورد احتمال انتقال هریک از رژیم‌ها

احتمال ماندن در رژیم اول (رونق) معادل ۰/۳۷ و احتمال ماندن در رژیم دوم (رکود) معادل ۰/۹۵، می‌باشد. این امر نشان‌دهنده پایداری بیشتر رژیم دوم نسبت به رژیم اول می‌باشد. احتمال انتقال از رژیم اول به رژیم دوم نیز معادل ۰/۶۲ و احتمال انتقال از رژیم دوم به رژیم اول معادل ۰/۰۴ است. این امر نشانگر موقتی بودن رژیم اول و انتقال سریع از رژیم اول به رژیم دوم می‌باشد.

جدول (۵): احتمال انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر

	رژیم ۱	رژیم ۲
رژیم ۱	۰/۳۷۸۶	۰/۶۲۱۳
رژیم ۲	۰/۰۴۷۲	۰/۹۵۲۷

منبع: خروجی نرم افزار Eveiws

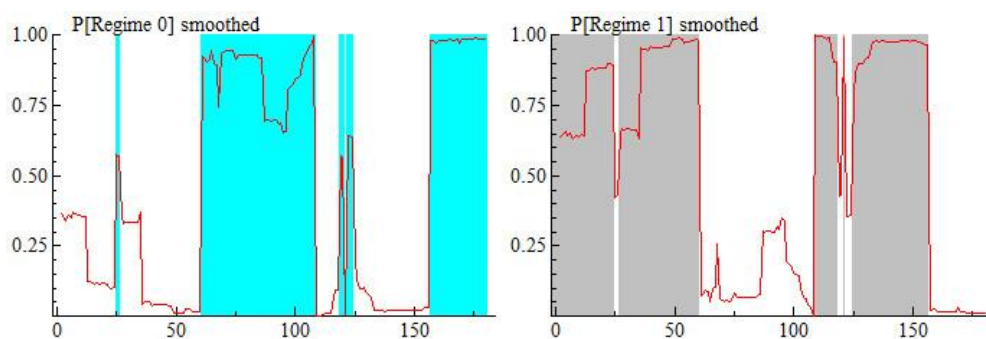
بر آورد ویژگی‌های هر یک از رژیم‌ها:

جدول (۶): ویژگی‌های هر یک از رژیم‌ها

	تعداد مشاهدات قرار گرفته در هر رژیم	احتمال قرار گرفتن در رژیم مورد نظر	میانگین دوره قرار گرفتن در رژیم مورد نظر
رژیم ۱	۳۸	۲۱/۱۱٪	۴/۷۵
رژیم ۲	۱۴۲	۷۸/۸۹٪	۱۷/۷۵

منبع: خروجی نرم افزار OxMetrics

در مدل فوق از میان ۱۸۰ مشاهده، ۳۸ مشاهده در رژیم اول و ۱۴۲ مشاهده در رژیم دوم قرار گرفته‌اند. احتمال قرار گرفتن مشاهدات در رژیم اول ۲۱/۱۱٪ و در رژیم دوم معادل ۷۸/۸۹٪ می‌باشد که بدین مفهوم است که، با احتمال ۲۱/۱۱ درصد، می‌توان اظهار نمود که ۳۸ مشاهده در رژیم اول قرار می‌گیرد و با احتمال ۷۸/۸۹ درصد، ۱۴۲ مشاهده در رژیم دوم قرار می‌گیرد. ستون آخر نیز بیانگر این امر است که، متوسط ماندن در رژیم اول، جمعاً در حدود ۴/۷۵ دوره می‌باشد و متوسط ماندن در رژیم دوم نیز، جمعاً در حدود ۱۷/۷۵ دوره می‌باشد. نمودار (۱) نیز، احتمال باقی ماندن در دو رژیم را به صورت سالانه برای تمامی کشورها نشان می‌دهد. همان‌طور که از نمودار زیر پیداست، رژیم دوم نسبت به رژیم اول پایداری بیشتری را دارد، دربینی دوره‌های رکود بیشتر از دوره‌های رونق می‌باشد.



نمودار (۱): احتمالات رژیم‌ها

منبع: خروجی نرم افزار Eviews

آزمون علیتی گرنجر:

جدول (۷): نتایج آزمون علیتی گرنجر

نتیجه گیری	ارزش احتمال	F-statistic
تورم علت بهره‌وری نیروی کار است.	۰/۰۸۰۷	۲/۲۶۸۳
بهره‌وری نیروی کار علت تورم است.	۰/۰۱۶۳	۴/۱۶۹۳
دستمزد علت بهره‌وری نیروی کار است.	۰/۰۸۱۸	۲/۲۵۷۸
بهره‌وری نیروی کار علت دستمزد است.	۰/۰۵۳۶	۲/۹۵۲۶

منبع: خروجی نرم افزار Eviews

براساس یافته‌های تحقیق طبق جدول (۷) با توجه به این که ارزش احتمال ۰/۰۸۰۷ که عددی کوچک‌تر از ۰/۰۵ درصد است؛ لذا می‌توان گفت فرضیه صفر مبنی براین که تورم علت بهره‌وری نیست رد می‌شود و تورم علت بهره‌وری نیروی کار محسوب می‌شود. همچنین از آنجایی که ارزش احتمال ۰/۰۱۶۳ نیز کمتر از پنج درصد است؛ لذا می‌توان رابطه علیتی دو طرفه بین متغیرهای تورم و بهره‌وری انتظار داشت همچنین براساس ارزش‌های احتمال ۰/۰۸۱۸ و ۰/۰۵۳۶ می‌توان بیان کرد، دو متغیر دستمزد و بهره‌وری نیروی کار از هم مستقل نیستند و هر کدام از این دو متغیر بر دیگری علت محسوب می‌شود؛ یعنی با افزایش دستمزد، مقدار بهره‌وری نیروی کار افزایش یافته و با ارتقای بهره‌وری، متقابلاً میزان دستمزد افزایش خواهد یافت.

- رابطه علیتی دوسویه‌ای بین تورم و بهره‌وری نیروی کار وجود دارد.

- رابطه علیتی دوسویه‌ای بین دستمزد و بهره‌وری نیروی کار وجود دارد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر دستمزد و تورم بر بهره‌وری نیروی کار با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ در ۱۵ کشور منتخب در حال توسعه طی بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ است. شاخص‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی، فضای کسب‌وکار، کنترل فساد و آزادسازی تجاری به‌عنوان متغیرهای کنترل در مدل لحاظ شدند. نتایج برآوردها حاکی از آن بود که، تورم در هر دو رژیم (رونق و رکود) بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر منفی داشت. در تأیید و تصریح این رابطه منفی می‌توان گفت در حالت تورمی، درک نادرستی در ارتباط با سطوح قیمت‌های نسبی در جوامع ایجاد می‌شود؛ ازاین‌رو در چنین حالتی یک فضای نااطمینانی بر اقتصاد کشورها حاکم شده و هزینه‌های تولید به واسطه

تورم افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند بر دستمزد پرداختی کارفرما به نیروی کار نیز تأثیرگذار باشد. در نتیجه افزایش قیمت‌ها و عدم تناسب افزایش حقوق با تورم موجب کاهش درآمد حقیقی نیروی کار می‌شود و نیروی کار نمی‌تواند تمامی مخارج خود را پوشش دهد. از این رو در حالت تورمی، شاهد مواردی از قبیل کاهش سلامت نیروی کار، کاهش سطح آموزش نیروی کار، کاهش انگیزه نیروی کار و ایجاد شکاف طبقاتی خواهیم بود؛ لذا بهره‌وری نیروی کار می‌تواند رفته‌رفته کاهش یابد. لازم به ذکر است که این نتیجه، با نتیجه اکثر مطالعات داخلی و خارجی هم‌خوانی داشت ولی با مطالعه آیهیاناچو (۲۰۱۷) تاحدی در تناقض می‌باشد؛ چراکه در مطالعه فوق، تورم در کوتاه مدت تأثیر منفی بر بهره‌وری نیروی کار داشت، در حالی که در بلندمدت شاهد رابطه مثبت بودیم. تأثیر دستمزد بر بهره‌وری نیروی کار در هر دو رژیم (رونق و رکود) مثبت بود که نشانگر تأیید نظریات دستمزد کارایی می‌باشد، نظریات دستمزد کارایی، دستمزد را تعیین‌کننده بهره‌وری دانسته و معتقد است دستمزد بیشتر، به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود و این نتیجه با یافته‌های سرافراز (۲۰۱۸)، آپاریسو (۲۰۱۶)، اولانیزولا (۲۰۱۷)، نوروزی و همکاران (۲۰۲۱)، فیض‌پور و اسفندآبادی (۲۰۱۹) و آذربایجانی و نجفی (۲۰۱۷) هم‌سو است.

در ارتباط با متغیرهای کنترل نیز، متغیرهای سرمایه انسانی، آزادسازی تجاری و فضای کسب‌وکار در هر دو رژیم (رونق و رکود) دارای تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار بودند. در تصدیق رابطه مثبت فضای کسب‌وکار بر بهره‌وری می‌توان اذعان داشت که فضای کسب‌وکار به مثابه محیط سیاسی، نهادی و رفتاری می‌باشد که بازدهی و مخاطرات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه‌های تولیدات بیشتر را فراهم می‌سازد، لذا تولید به ازای هر کارگر نیز افزایش می‌یابد که این به معنای افزایش بهره‌وری نیروی کار است. این نتیجه با یافته‌های مطالعه طبقه‌ی اکبری و همکاران (۲۰۲۲) مطابقت دارد، ولی با نتایج مطالعه کریمو (۲۰۱۹) و معتمدی (۲۰۱۴) هم‌خوانی ندارد. در مورد متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کنترل فساد، در رژیم اول (رونق) شاهد رابطه مثبت و در رژیم دوم (رکود) شاهد رابطه منفی می‌باشیم. حال با توجه به نتایج حاصله، پیشنهادهای سیاستی به شرح ذیل ارائه می‌شوند:

- باتوجه به روابط بین تورم با بهره‌وری نیروی کار، می‌بایست دولت‌ها با اجرای سیاست‌های کنترل و مهار تورم از طریق کاهش دخالت در اقتصاد و رعایت قاعده پولی و مدیریت نرخ رشد نقدینگی و ایجاد زمینه‌های ثبات اقتصادی، به مقابله با ریسک و نااطمینانی حاصل از تورم بپردازند و همچنین ضروری به

نظر می‌رسد، مطالعات آتی به بررسی و شناسایی ریشه‌های تورم در کشورهای موردبررسی بپردازند تا از طریق ارائه راه کارهای کاهش تورم موجبات افزایش بهره‌وری نیروی کار در این کشورها را فراهم آورند.

- باتوجه به رابطه بین دستمزد با بهره‌وری نیروی کار، می‌بایست با تنظیم قوانین حقوق و دستمزد بر اساس ارزش واقعی کار (بهره‌وری) زمینه را برای تقویت نظام شایستگی و ارتقای بهره‌وری فراهم کرد. همچنین ضروری است، سیاست‌گذاری‌ها باتوجه به نظریه‌ی ارزش محصول نهایی اتخاذ گردد. طوری‌که افزایش دستمزدها بدون اینکه آثار مخرب تورم ناشی از فشار هزینه را دربر داشته باشد، منجر به افزایش بهره‌وری شود. به این منظور بایستی قانون کار و مکانیسم پرداخت دستمزد اصلاح گردد.

- با توجه به رابطه مثبت و معنی‌دار فضای کسب‌وکار با بهره‌وری نیروی کار در هر دو رژیم رونق و رکود، پیشنهاد می‌گردد که برنامه‌ریزی‌های پایدار و منسجمی در جهت بهبود و گسترش زیرساخت‌های فضای کسب‌وکار در جوامع موردبررسی صورت گیرد. لذا ضروری به نظر می‌رسد که دولت‌ها تدابیری بیندیشند که به سرمایه‌گذاری‌های مولد در فضای کسب‌وکار منجر شود. در این بین مواردی از قبیل ساده‌سازی راه‌اندازی کسب‌وکار، اعطای مجوزها، ثبت مالکیت، اعطای تسهیلات، اصلاح و تقویت سیستم مالیاتی، افزایش حمایت از سهامداران خرد، بهبود وضعیت تجارت به واسطه بازبینی قوانین گمرکی، اجرای صحیح قراردادهای و آزادی ورود و خروج نیروی کار به‌عنوان زیرساخت‌های فضای کسب‌وکار، می‌توانند زمینه تقویت شاخص فضای کسب‌وکار، و در نتیجه زمینه‌های ارتقای هرچه بیشتر بهره‌وری نیروی کار را در این جوامع را فراهم آورند.

References

- Abrishami, H.; Mehrara, M.; Ahrari, M., & Nouri, M. (2010). An investigation of nonlinear GMDH causality between inflation and productivity growth in Iran. *Journal of Economics and Modeling*, 1(2), 131-160. (in Persian)
- Afrooznia, A., & Tavakkoli, A. (2017). A comparative study of workforce productivity in Iran. *Journal of Research in Human Resources Management*, 8(4), 105-126. (in Persian)
- Aleemran, R., & Aleemran, S. A. (2015). Impressibility of wages from labor force productivity in Iran (application of johansen-juselius method). *The Journal of Productivity Management*, 9(4(35)), 65-82. (in persian)
- Amini, A., & Lotfipour, M. (2014). The effect of liberalization of financial services trade on the productivity of total production factors. *Economic Science Quarterly*, 19(75), 113-89. (in Persian)

Amini, A., & Hejazi Azad, Z. (2007). An analysis and assessment of health contribution to increasing labor productivity: A case study of Iran. *Iranian Journal of Economic Research*, 9(30), 137-163. (in persian)

Aparicio, S. (2016). Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: panel data evidence. *Technological Forecasting & Social Change*, 102, 45-61

Azizi, A.; Zare, H.; Aminifard, A., & Khodaparast Shirazi, J. (2022). Optimal inflation rate measurement for minimizing economic inequality: The dynamic stochastic general equilibrium approach. *Financial Economics*, 16(60), 355-380.

[doi: 10.30495/fed.2022.697619](https://doi.org/10.30495/fed.2022.697619)

Bans-Akutey, M.; Yaw Deh, I., & Faisal, M. (2016). What is the effect of Inflation on Manufacturing Sector Productivity in Ghana: *MPRA Paper*, 75145, 1- 9.

Cheraghi, D. (2015). Survey of the effect of macroeconomics variables fluctuation on productivity growth of Iran agriculture sector. *Agricultural Economics and Development*, 23(1), 203-221. (in persian)

[doi: 10.30490/aead.2015.58959](https://doi.org/10.30490/aead.2015.58959)

Cruz, D. (2023). Labor productivity, real wages, and employment in OECD economies, structural change and Economic Dynamics, 367-382.

<https://doi.org/10.1016/j.strueco.2023.05.007>

C. Wu, P.; Louie, A.; Bierman, S., & Schieman (2023). Assessment of sociodemographics and inflation-related stress in the USJAMA Network Open, 6 (5), Article 231343, 10.1001/ jamanetworkopen.2023.13431

Davis, E. P., & Madsen, J. B. (2008). Productivity and equity market fundamentals: 80 years of evidence for eleven OECD countries. *Journal of International Money and Finance*, 27, 1261-1283.

Deschamps, Ph. J. (2008). Comparing smooth transition and markov switching autoregressive models of Us Unemployment. *Journal of Applied Econometrics*, (4), 435-462.

Dossche, M., & Lewis, V. (2023). Labor adjustment and productivity in the OECD, *Review of Economic Dynamics*, 47.

Dritsaki, Ch. (2016). Real wages, inflation, and labor productivity: Evidences from Bulgaria and Romania. *Journal of Economic & Financial Studies*, 5, 24-36.

Eryilmaz, F., & Bakır, H. (2018). Real wages, inflation and labor productivity: an evaluation within Turkish context, Hitit University Journal of Social Sciences Institute, 11(3).

<https://doi.org/10.5709/ce.1897-9254.261>

Fatula, Dariusz. (2018): Selected micro- and macroeconomic conditions of wages, income and labor productivity in Poland and other European Union countries, Contemporary Economics, ISSN 2300-8814, University of Finance and Management in Warsaw, Faculty of Management and Finance, Warsaw, Vol. 12, Iss. 1, pp. 17-32.

Feizpour, M. A., & Shams Esfandabadi, A. (2019). Wages and Productivity in Iran's Manufacturing Industries with a Production Boom Strategy. Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies, 7(27), 326-345. (in Persian)

<https://doi: 10.32598/JMSP.7.3.1>

Herman, E. (2020). Labour productivity and wages in the Romanian manufacturing sector, *Procedia Manufacturing*, 46(20), 313-21.

<https://doi.org/10.1016/j.promfg.2020.03.046>

Hoolda, K., & Bun Song, L. (2023). Aging workforce, wages, and productivity: Do older workers drag productivity down in Korea? *The Journal of the Economics of Ageing*, Volume 24, February 2023.

Iheanacho, D. (2017). Empirical review on the relationship between Real Wages, Inflation and labor productivity in Nigeria: ARDL bounds testing approach. *International Economics and Business*, 1, 9-29.

Karimu, S. (2019). Structural transformation, openness, and productivity growth in Sub-Saharan Africa, *WIDER Working Paper*, 1(109), pp. 1-8

Kim, S., & Bhattacharya, R. (2009). Regional Housing Prices in the USA: An Empirical Investigation of Nonlinearity. *Journal of Real Estate Finance and Economics*, 4, 443-460.

Ku, Hyejin. (2022). Does minimum wage increase labor productivity? Evidence from Piece Rate Workers, *Journal of Labor Economics*, 40(2).

<https://doi.org/10.1086/716347>.

Lasagni, A.; Nifo, A., & Gaetano, V. (2015). Firm productivity and institutional quality: Evidence from Italian Industry. *Journal of Regional Science*, Vol. 55, Issue 5, 774-800.

Mirshafiee, A.; Shahrestani, H.; Memarnezhad, A., & ghaffari, F. (2022) Inflation Uncertainty and Health. *Payesh*; 21(3):273-285

URL: <http://payeshjournal.ir/article-1-1790-fa.html>

Mobini Dehkordi, M., & Rajabi, F. (2013). Investigating the relationship between productivity, inflation and inflation: a case study of Iran's agricultural sector, international and online conference on green economy. (in Persian)

Motamedi, S. (2014). Degree of Financial Openness, Capital Formation, Productivity and Economic Growth in Developing Countries, master's thesis, Tehran: University of Tehran. (in Persian)

Mehr Ara, M., & Noori, M. (2017). Investigating the relationship between inflation and productivity: a theoretical approach, *Yas Strategy*, 25: 74-70.

Mowlaei, M., & Shahab, A. (2017). Comparing the effective Factors on labor Force productivity in small and large industry in Iran: 1994- 2013. *The Journal of Productivity Management*, 11(2), 115-144.

Najafi, Z., & Azarbaiejani, K., (2017). Investigating the effective Factors on Labor Force Productivity in Production Function Frame Work (With an emphasis on entrepreneurship. *The Journal of Productivity Management*, 11(3(42), 7-35. (in persian)

Nowrozi, F.; Nunjad, M.; Ebrahimi, M. & God Worshiper, C. (2021). Comprehensive study on labor productivity growth in Iran, using meta-heuristic methods. *Financial Economics*, 15(54), 181-208.

Oluwanisola, A. (2017). Modeling the effect of healthcare expenditure and education expenditure on labour productivity: a study on OIC countries. *Journal of Business and Economics Review*, 2(2), 31-37

Patricia Louie, Cary Wu.; Faraz, V., & Shahidi, Arjumand Siddiq. (2023). Inflation hardship, gender, and mental health, *SSM - Population Health*, Volume 23, 101-452

Rohini Dunuwita, L. (2021). Impact of inflation on labour productivity in Sri Lanka. *International Journal of Economic Behavior and Organization*. 9(3), 2021, pp. 57-70.

<https://doi: 10.11648/j.ijebo.20210903.13>

Saten K.; Don J., & Webber, G. (2012). Real wages, inflation and labour productivity in Australia, *Applied Economics*, 44, 2012 - Issue 23.

Shahabadi, A. (2013). The evaluation of impacts of knowledge-based economy factors on total factor productivity selected countries. *Journal of Economics and Regional Development*, 20(5) (in persian)

<https://doi: 10.22067/erd.v1392i5.30534>

Shahinpour, A., & Karabulut, K. (2022). Presenting a model of the Impact of Economic Variables on the Total Productivity Index in Iran. *The Journal of Productivity Management*, 16(1(60), 279-301. (in Persian)

<https://doi: 10.30495/qjopm.2021.1864110.2393>

Serfraz, A. (2018). Foreign direct investment inflows and labor productivity in pakistan: A Sector-Wise panel cointegration analysis. *Asian Journal of Economics and Empirical Research*, 5(1), 1-18.

Stundziene, A., & Baliute, A. (2022). Personnel Costs and Labour Productivity: The Case of European Manufacturing Industry, *Economies* 2022, 10(2), 31.

Sniukine, A., & Matuzeviciute, K. (2018). Impact of human capital development on productivity growth in EU member states, *Business, Management and Education*, 16(1), 1-12.

Tabaghchi Akbari, L.; Babazadeh, M.; Sameei, G.; Akhundzadeh, t., & Yousefi, T. (2022). Nonlinear effects of financial integration and inflation on labor productivity in selected developing countries: The Markov Switching Approach. *Financial Economics*, 16(60), 249-280. (in Persian)

<https://doi: 10.30495/fed.2022.697614>

Tafazoli, F. (1997). Macroeconomics, theories and economic policies. Tehran: No publication. (in persian)

Yildirim, Z. (2015). Relationships among Labor Productivity, Real Wages and Inflation in Turkey: *Economic Research-Ekonomika Istraživanja*, 1, 85-103.

Yingfu, X., & Jun, Y. (2007). A. General Autoregressive model with markov switching: Estimation and Consistency Research Report. *Centre of Bio stochastics*, 6, 1-21.



Research Article

Vol. 30, No. 1, 2023, p. 215 - 249



Investigation of the Influencing Factors on the Success of Development Plans and Creating Sustainable Employment in Rural and Nomadic Areas by Using the Resources of the National Development Fund in Isfahan Province

L. Torki^{*1}, V. Sanizadeh², M. R. Ghasemi³

1- Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan.

2- Ph. D Student in Economics, Department of Economics, Faculty of Management and Economics, Sharif University of Technology.

3- Ph. D in Economics, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan.

(*- Corresponding Author Email: l.torki@ase.ui.ac.ir, Orcid 0000-0003-0974-3612)

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.81023.1169>

Received: 2023/02/08 Revised: 2023/04/29 Accepted: 2023/06/05 Available Online: 2023/06/05	How to cite this article: Torki, L., Sanizadeh, V., & Ghasemi, M. (2023). Investigation of the Influencing Factors on the Success of Development Plans and Creating Sustainable Employment in Rural and Nomadic Areas by Using the Resources of the National Development Fund in Isfahan Province. <i>Economic and Regional Journal</i> , 30(1): 215-249. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2023.81023.1169

1- INTRODUCTION

Most of the developing villagers are deprived of access to financial resources and the lack of access of entrepreneurs to financial resources in this country, on the one hand, causes people to remain in poverty, and on the other hand, it causes a reduction and limitation in the formation of income.

New businesses are created to increase economic growth. Currently, with consideration the existing challenges in the villages of the country such as unemployment, low productivity rate, excessive immigration, and high level of poverty, it seems that the development and expansion of the payment of financial resources from microcredits. Which can create these areas by increasing the entrepreneurial ability of rural people. At the beginning of the third millennium, microcredit is one of the important resources for poverty alleviation and economic empowerment of villagers. The microcredit system has been one of the solutions proposed in the last few decades to invest and strengthen the financial foundation and savings in rural areas and ultimately rural communities and poverty alleviation through productivity improvement. Microcredits for financing ordinary people can use the services of common official institutions, and its main purpose is to gather capacities and devices for production among poor entrepreneurs and provide sustainable sources of livelihood for rural residents. Microcredits are one of the main topics in economics, after the change in economic theories and perspectives of development as an economic stimulus in developing countries and receiving the problems of inflation and increasing unemployment, and unfair distribution of wealth and income, the key to solving the puzzle is numbered. These useful credits are one of the characteristics of being a group, capability, people and relying on social justice, sustainability, creating security and safety as one of the strategies to strengthen poor local communities in the new paradigm (sustainable rural development).

Based on this, to implement monitoring plans and enumeration locations of rural plans in the high supervision of law enforcement, 4266 plans that were paid in full and in installments until 1400/10/20 were used for enumeration, and research results were carried out. The results obtained from the questionnaires are presented. In the second stage, the introduction of rural law and the research conducted in this field are discussed. In the third stage, based on the results of statistical tests and analysis of the data extracted from the questionnaire, the factors that affected the success of the plan in creating a plan are introduced, as also the cases where the deviation

in the implementation of the plan is due to its legal provisions and the causes of it are discussed. In the fourth and final stage of the research, while summarizing the findings of the research, suggestions are presented to correct the flaws in the law and its executive regulations.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

The law "Supporting the development and creation of sustainable employment in rural and nomadic areas using the resources of the National Development Fund" was approved by the Islamic Council in August 2016 and on September 19 of the same year by the President for implementation to the Program and Budget Organization. The country was notified. The purpose of this law is to fulfill the general policies of the resistance economy by promoting products and creating sustainable employment in rural and nomadic areas.

According to article 1 of this law, the National Development Fund is allowed to deposit up to 1.5 billion dollars of the fund's resources with the approval of the Board of Trustees in the Agricultural Bank, Omid Entrepreneurial Fund, Post Bank, and Cooperative Development Bank in the form of loans. These resources should be used to provide facilities to non-governmental natural and legal entities to create employment in villages and cities with less than ten thousand people, with priority for villages and cities with less than ten thousand people in border and nomadic areas. According to the law, the granted facilities can have a breathing period of up to one year and a repayment period of 6 years. Also, the operating institutions are required to have the equivalent of the deposit of the fund from their sources for granting facilities. The benefit of the facility is calculated at a rate of 6% in non-border areas and at a rate of 4% in border areas. According to Article 4 of this law, working capital facilities are granted only to production units located in rural industrial areas and cities with a population of fewer than 10,000 people, and according to article 9 of the working capital regulation, it is calculated at a rate of 10%. (Law on supporting the development and creation of sustainable employment in rural and nomadic areas using the resources of the National Development Fund, 2016).

The executive regulations of this project were approved by the Council of Ministers in November 2016. According to this regulation, the target sectors for granting this facility include 6 sectors of agriculture and natural resources, industries and small mines, service activities and information technology, tourism and handicrafts, and handwoven carpet activities and providing working capital for production units located in Rural industrial areas and cities with less than ten thousand people. In Article 4 of the regulation, the share of each sector of the facilities at the country level is determined. Based on this, the share of the agricultural sector is 45%, small industries and mines 10%, service activities and information technology 15%, tourism 10%, handicrafts, and handwoven carpet activities 10%, and the supply of working capital for production units 10%. These shares will be revised based on performance up to 30% by the national working group.

In Article 5 of the regulations, according to the combined index of the rural population, unemployment rate, and per capita income, the share of Isfahan province is 3.04% of the total resources.

According to Article 7 of the regulations, the supervision of the implementation of the sustainable employment development program should be carried out using the capacity of provincial organizations and executive bodies.

According to Article 10 of the regulation, operating institutions are required to review and approve the applicant's plans in terms of technical, financial, and economic justification while guaranteeing the reimbursement of fund resources, and in case of rejecting the request, inform the applicant of the reasons in writing.

Article 15 of the regulation states that the executive bodies must introduce qualified applicants to the operating institutions and monitor the realization of the plan's goals.

The Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, as the main trustee of the implementation of this project, according to the regulations, should, in addition to the operational supervision of the implementation programs of employment, train applicants in specialized fields and provide a comprehensive system for registration and submission of documents.

3- METHODOLOGY

Considering that the purpose of this realization is to investigate the factors affecting the realization of the goals of the law, the most important of which was the creation of employment, and the deviations from its implementation and the executive regulations. In this stage, by using statistical tests and tables of descriptive statistics with the use of STATA software have been used to analyze the data of the questionnaires and present the results.

4-RESULTS

Among the parameters in the questionnaire, the variables that have been logically and empirically possible to have a relationship with the success of the project have been investigated by using t-test and ANOVA. Based on the results of these tests, the following variables have been related to the success of the project:

- City implementation plan
- Executive body
- Target section
- Design type
- Company closure
- The presence of a support system

5- CONCLUSION & SUGGESTION

According to the time frame of project implementation, two important external factors can be raised as challenges to the success of projects:

1) The spread of corona disease: with the spread of this virus and its detection in the country since March 2018, economic sectors throughout the country were affected by its consequences. The restrictions applied to control this disease have had the greatest effect on the service and tourism sectors, which can be effective in the performance of these sectors as an external effective factor.

2) Inflationary stagnation: with the intensification of cruel sanctions against Iran since the beginning of 2017 and the shock of the exchange rate

jump, the country's economy has experienced high inflation rates and low and even negative economic growth in these 4 years. According to the published statistics, the industry and mining sectors have received the most impact from these conditions and have faced more negative growth.

Among the cases that are considered as deviations based on the goals of the plan or the cases listed in the regulations and law, a low percentage of the plans have deviations.

Keywords: Sustainable Employment, National Development Fund, Rural and Nomadic Areas.

JEL Classification: R51, R58, E24

بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت طرح‌های توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در استان اصفهان

لیلا ترکی *

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

والا صنیع زاده

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف

محمدرضا قاسمی

دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.81023.1169>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

فرآیند اعطایی تسهیلات در استان اصفهان از طریق سامانه کارا از سال ۱۳۹۷ آغاز شده است. بر اساس اطلاعات این سامانه از زمان شروع طرح تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۰، ۳۷۶۹۸۸۷.۹ میلیون ریال برای ۴۲۶۶ طرح تسهیلات پرداخت شده است. در بین طرح‌هایی که از طریق پرسش‌نامه اطلاعات آن‌ها جمع‌آوری شده است، ۷۱۸۸ شغل تعهد ایجاد داده شده که ایجاد ۶۹۱۴ شغل محقق شده است و موفقیت حدود ۹۶ درصدی در مجموع را نشان می‌دهد. همچنین ۸۲.۵ درصد از طرح‌ها به تعهد شغلی خود ایفا نموده‌اند. ارزش کلی تسهیلات پرداخت شده ۳۷۵۱ میلیارد ریال بوده که سرانه ۵۴۲ میلیون ریال برای ایجاد هر شغل محقق شده را بیان می‌کند. در این راستا این پژوهش با استفاده از نتایج پرسشنامه‌ها و اطلاعات سامانه کارا و آزمون‌های t_test و ANOVA عوامل مؤثر احتمالی بر اشتغال آفرینی طرح‌ها موردبررسی قرار می‌گیرد. بر اساس خروجی این آزمون‌ها و تحلیل صورت گرفته متغیرهای شهرستان اجرای طرح، دستگاه اجرایی، بخش هدف (کشاورزی، صنعت، گردشگری و...)، نوع طرح، تعطیلی بنگاه و حضور دستگاه حمایتی با موفقیت طرح ارتباط داشته‌اند.

کلیدواژه: اشتغال پایدار، صندوق توسعه ملی، مناطق روستایی و عشایری.

l.torki@ase.ui.ac.ir

نویسنده مسئول:

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

صفحات: ۲۴۹-۲۱۵

۱-مقدمه

امروزه بیشتر روستاییان در کشورهای در حال توسعه از دسترسی به منابع مالی محروم بوده و عدم دسترسی کارآفرینان به منابع مالی در این کشورها از سویی باعث گرفتار شدن مردم این مناطق در دور تسلسل فقر و از سوی دیگر باعث کاهش و محدودیت در شکل‌گیری کسب‌وکارهای جدید جهت افزایش رشد اقتصادی می‌شود. هم‌چنین در حال حاضر با توجه به چالش‌های موجود در روستاهای کشور مانند بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین، مهاجرت‌های بی‌رویه و بالابودن میزان فقر به نظر می‌رسد توسعه و گسترش پرداخت منابع مالی از جمله اعتبارات خرد راهی است که می‌تواند از طریق افزایش قابلیت کارآفرینی مردم روستایی منجر به ایجاد توسعه این مناطق شود (Mohammadi Yeganeh, 2013).

در آغاز هزاره سوم، یکی از رویکردهای مهم برای رفع فقر و توانمندسازی اقتصادی روستاییان، اعتبارات خرد است (Ghadiri Masoom & Ahmadi, 2014). نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح‌شده در چند دهه اخیر به منظور تسریع فرایند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیاد مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق ارتقاء بهره‌وری بوده است (Mafi, 2007). اعتبارات خرد برای تأمین مالی به کسانی است که به‌طور معمول نمی‌توانند از خدمات نهادهای رسمی متداول استفاده کنند و هدف اصلی آن گردآوری ظرفیت‌ها و توانایی‌ها برای تولید ثروت در میان کارآفرینان فقیر و تأمین منابع پایدار امرارمعاش برای ساکنان روستایی است (Fasoranti, 2010). اعتبارات خرد از مباحث عمده در اقتصاد است که پس از تغییراتی در نظریه‌های اقتصادی و دیدگاه‌های توسعه به‌مثابه محرک اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای گرفتار مشکلات تورم و بیکاری فزاینده و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، کلید حل معما به شمار می‌رود (Taleb & Najafi, 2007). این اعتبارات با برخورداری از ویژگی‌های گروهی بودن، قابلیت انعطاف، مردمی بودن و تکیه بر عدالت اجتماعی، پایداری، سودآوری، ایجاد امنیت و فقرستیزی به‌عنوان یکی از راهبردهای قدرتمند توانمندسازی جوامع محلی در چارچوب پارادایم جدید (توسعه پایدار روستایی) است (Azizpor & Khodakarami, 2015).

بر این اساس به‌منظور اجرای طرح نظارتی و تمام‌شماری مکان‌مبنای طرح‌های اشتغال‌زایی روستایی در راستای نظارت عالی بر اجرای قانون، از ۴۲۶۶ طرحی که به‌صورت کامل و اقساط تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ پرداخت شده بود، برای تمام‌شماری استفاده گردید و در این پژوهش نتایج حاصل از بررسی پرسش‌نامه‌ها ارائه شده است. در بخش دوم به معرفی قانون اشتغال روستایی و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه پرداخته می‌شود. بخش سوم بر اساس نتایج آزمون‌های آماری و تحلیل داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌ها عواملی که بر روی موفقیت طرح در ایجاد اشتغال اثرگذار بوده است معرفی شده‌اند. همچنین به مواردی

که انحراف در اجرای طرح از مفاد قانونی آن بوده است و علل آن پرداخته می‌شود. در بخش چهارم و انتهایی تحقیق ضمن جمع‌بندی از یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی برای اصلاح ایرادات موجود در قانون و آیین‌نامه اجرایی آن ارائه می‌شود.

۲- معرفی اجمالی از قانون و مروری بر ادبیات تجربی

در این بخش ابتدا قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی که مبنای اعطای تسهیلات موردبررسی در این تحقیق بوده و آیین‌نامه اجرایی آن به صورت اجمالی معرفی می‌شوند سپس به مرور تعدادی از پژوهش‌های پیشین که در این زمینه صورت گرفته است پرداخته می‌شود.

۲-۱- مروری بر قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی و آیین‌نامه اجرایی آن

قانون «حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی» در مردادماه سال ۱۳۹۶ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در ۱۹ شهریور همان سال توسط رئیس‌جمهور جهت اجرا به سازمان برنامه‌وبودجه کشور ابلاغ گردید. هدف از این قانون تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با ارتقای تولید و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری است.

بر اساس ماده ۱ این قانون، صندوق توسعه ملی اجازه دارد تا سقف ۱.۵ میلیارد دلار از منابع صندوق را با تصویب هیئت‌امنا در بانک کشاورزی، صندوق کارآفرینی امید، پست‌بانک و بانک توسعه تعاون به صورت قرض‌الحسنه سپرده‌گذاری نماید. این منابع باید صرف اعطای تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی برای ایجاد اشتغال در روستاها و شهرهای زیر ده‌هزار نفر با اولویت روستاها و شهرهای زیر ده‌هزار نفر در مناطق مرزی و عشایری شود. تسهیلات اعطایی طبق قانون می‌تواند تا حداکثر یک سال دارای دوره تنفس و ۶ سال مهلت بازپرداخت باشند. همچنین مؤسسات عامل موظف‌اند معادل سپرده‌گذاری صندوق از محل منابع خود آورده برای اعطای تسهیلات داشته باشند. سود تسهیلات در مناطق غیر مرزی با نرخ ۶٪ و در مناطق مرزی با نرخ ۴٪ محاسبه می‌شود. طبق ماده ۴ این قانون تسهیلات سرمایه در گردش صرفاً به واحدهای تولیدی مستقر در نواحی صنعتی روستایی و شهرهای زیر ده‌هزار نفر جمعیت تعلق می‌گیرد و طبق ماده ۹ آیین‌نامه سرمایه در گردش با نرخ ۱۰٪ محاسبه می‌شود. (قانون

حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی، ۱۳۹۶).

آیین‌نامه اجرایی این طرح در آبان ۱۳۹۶ در هیئت‌وزیران به تصویب رسیده است. طبق این آیین‌نامه بخش‌های هدف اعطای این تسهیلات شامل ۶ بخش کشاورزی و منابع طبیعی، صنایع و معادن کوچک، فعالیت‌های خدماتی و فناوری اطلاعات، گردشگری و صنایع دستی و فعالیت‌های فرش دستباف و تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی مستقر در نواحی صنعتی روستایی و شهرهای زیر ده‌هزار نفر است. در ماده ۴ آیین‌نامه سهم هر بخش از تسهیلات در سطح کشور تعیین شده است. بر این اساس سهم بخش کشاورزی ۴۵ درصد، صنایع و معادن کوچک ۱۰ درصد، فعالیت‌های خدماتی و فناوری اطلاعات ۱۵ درصد، گردشگری ۱۰ درصد، صنایع دستی و فعالیت‌های فرش دستباف ۱۰ درصد و تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی ۱۰ درصد تعیین شده است. این سهم‌ها بر اساس عملکرد تا سقف ۳۰ درصد توسط کارگروه ملی قابل تجدیدنظر خواهد بود.

در ماده ۵ آیین‌نامه با توجه به شاخص ترکیبی جمعیت روستایی، نرخ بیکاری و عکس در آمد سرانه سهم استان اصفهان ۳۰۴ درصد از کل منابع مشخص شده است.

بر اساس ماده ۷ آیین‌نامه، نظارت عالیه بر اجرای برنامه توسعه اشتغال پایدار باید با استفاده از ظرفیت سازمان‌های استانی و دستگاه‌های اجرایی انجام شود.

بر اساس ماده ۱۰ آیین‌نامه، مؤسسات عامل موظف‌اند ضمن تضمین بازپرداخت منابع صندوق، طرح‌های متقاضی را از نظر توجیه فنی، مالی و اقتصادی موردبررسی و تأیید قرار دهند و در صورت رد درخواست دلایل را به صورت کتبی به متقاضی اعلام نمایند.

در ماده ۱۵ آیین‌نامه آمده است که دستگاه‌های اجرایی باید متقاضیان واجد شرایط را به مؤسسات عامل معرفی و بر تحقق اهداف طرح نظارت نمایند.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان متولی اصلی اجرای این طرح طبق آیین‌نامه باید ضمن نظارت عملیاتی برنامه‌های اجرایی اشتغال، متقاضیان در رسته‌های تخصصی را آموزش داده و سامانه‌ای جامع جهت ثبت نام و ارائه مدارک فراهم آورد.

تاکنون پژوهش‌های مختلفی در زمینه تأمین مالی خرد به‌ویژه تأمین مالی کسب و کارهای کوچک روستایی با استفاده از اعتبارات خرد در ایران صورت گرفته است. ازجمله این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

محقق نیا و اکبری باوفا گلپای (۲۰۱۷) در پژوهشی به شناسایی عوامل مؤثر بر تأمین مالی خرد در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش از پرسشنامه دلفی سه بعدی برای شناسایی این عوامل استفاده شده است. سه بعد این پرسشنامه شامل بعد مالی، بعد فقهی-حقوقی و بعد اجرایی است که هر یک از این ابعاد شامل بخش‌بندی‌های مجزا هستند. به‌منظور سنجش کیفیت تحقیق از دو شاخص روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات خبرگان و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بهره‌برده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ها بیانگر آن است که عواملی چون فناوری اطلاعات و مدیریت ریسک، نهادهای بستر ساز و گزارش دهی تفکیکی تسهیلات در بعد اجرایی بر تأمین مالی خرد در ایران اثر گذارند. همچنین در بعد مالی استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه و وکالت برای تجهیز و تقسیم‌بندی مصارف به دو دسته تولیدی و مصرفی را برای تخصیص منابع در جهت گسترش تأمین مالی خرد مناسب دانسته‌اند.

ثانی حیدری و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی اثرگذاری اعتبارات خرد بر شاخص‌های توسعه پایدار روستایی پرداخته‌اند. داده‌های این تحقیق شامل اطلاعات مستخرج از ۳۰۹ پرسشنامه توزیع شده در بین خانوارهای روستایی تربت‌جام است. برای تحلیل داده‌ها و بررسی سؤال پژوهش از رهیافت رگرسیون جور سازی بر اساس نمره تمایل و الگوریتم بوت استرپ استفاده گردیده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد اثر اعتبارات خرد بر شاخص‌های اقتصادی مانند اشتغال و شاخص‌های اجتماعی مثبت و بر شاخص‌های زیست‌محیطی منفی بوده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق محققان به سیاست‌گذار پیشنهاد داده‌اند تا با در نظر گرفتن جنبه‌های زیست‌محیطی به دلیل اثرات مثبت اقتصادی و اجتماعی به گسترش تسهیلات خرد کمک نماید.

حسینی و نادری مهدی (۲۰۲۱)، در پژوهش خود به شناسایی مؤلفه کلیدی بر اثر بخشی تسهیلات اشتغال پایدار روستایی در روستاهای شهرستان همدان پرداخته‌اند. حجم نمونه این تحقیق شامل ۲۰ نفر از کارشناسان بانک، کشاورزان و مسئولین سازمان جهاد کشاورزی استان همدان بوده که به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده‌اند. داده‌های اولیه این پژوهش با استفاده از روش دلفی جمع‌آوری

شده‌اند و ۳۴ عامل احتمالی اثر گذار بر اثر بخشی تسهیلات شناسایی شده‌اند. یافته‌های تحقیق که به کمک تحلیل ماتریس تأثیرات متقابل با نرم‌افزار میک مک ۱ به دست آمده‌اند نشان می‌دهد ۱۲ مؤلفه به‌عنوان عامل‌های کلیدی و مؤثر بر اثر بخشی تسهیلات وجود دارند. این عوامل اثر گذار شامل مواردی مانند تناسب وام با طرح پیشنهادی تولید کننده، شناسایی ظرفیت‌های موجود در روستا و ارائه مشاوره به صاحبان مشاغل جهت رفع مشکلات می‌شود.

نورالله زاده و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی اثرات تسهیلات مالی صندوق کارآفرینی امید بر توابع سرمایه‌گذاری و اشتغال در نواحی روستایی با تأکید بر کسب‌وکارهای کوچک و متوسط پرداخته‌اند. در این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای داده‌های تابلویی برای سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ جمع‌آوری شده‌اند. برای برآورد تابع اشتغال از روش LSDV و برای تخمین تابع تولید از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج تخمین توابع اشتغال و سرمایه‌گذاری در این تحقیق نشان داده است تسهیلات مالی به طرز معناداری بر تابه سرمایه‌گذاری مشاغل کوچک و متوسط اثر مثبت داشته است و در نتیجه این افزایش سرمایه، تابع تولید و ایجاد اشتغال در روستاها نیز به‌صورت تبعی تحت اثر مثبت تسهیلات مالی قرار گرفته‌اند. این نتایج نشان از لزوم توجه به اعطای اعتبارات از طریق نهادهای مالی تخصصی مانند صندوق کارآفرینی امید به مشاغل کوچک و متوسط دارد.

۳- ادبیات و روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف از این تحقیق بررسی عوامل اثر گذار بر تحقق اهداف قانون که مهم‌ترین آن ایجاد اشتغال بوده است و انحرافات از اجرای آن و آیین‌نامه اجرایی می‌باشد. در این قسمت با استفاده از آزمون‌های آماری و جداول آمار توصیفی به تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ها و ارائه نتایج آن پرداخته شده است.

۳-۱- بررسی عوامل تأثیرگذار بر اشتغال آفرینی

در این قسمت با استفاده از نتایج حاصل از تحلیل پرسش‌نامه‌ها و آزمون‌های آماری و فرضیه‌ها، مهم‌ترین متغیرهای احتمالی اثرگذار بر ایفای تعهد شغلی (موفقیت طرح‌ها) و میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک عوامل مختلف بررسی می‌شوند.

۳-۱-۱- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک شهرستان‌ها

براساس نتایج حاصل از یافته‌های تمام شماری، شهرستان اصفهان، بیشترین میزان اشتغال ایجاد شده با حدود ۱۴ درصد را به خود اختصاص داده و کمترین تعداد اشتغال ایجاد شده مربوط به شهرستان خمینی شهر با کمترین تعداد طرح بوده است. از نظر عملکرد در بین شهرستان‌هایی که حداقل ۱ درصد از طرح‌ها در آن‌ها اجرا شده، اردستان بهترین و فلاورجان بدترین عملکرد را داشته‌اند.

جدول (۳-۱): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک شهرستان

شهرستان	اشتغال ایجاد شده	درصد	درصد موفقیت طرح‌ها در ایفای تعهد اشتغال
آران و بیدگل	۲۵۳	۳.۶۶	۸۳.۲
اردستان	۳۶۰	۵.۲۱	۹۷.۱
اصفهان	۹۸۵	۱۴.۲۵	۷۸.۶
برخوار	۱۴۴	۲.۰۸	۹۲.۱
بویین و میاندشت	۱۶۸	۲.۴۳	۸۷.۷
تیران و کرون	۵۳۱	۷.۶۸	۹۲.۷
چادگان	۱۵۷	۲.۲۷	۸۵
خمینی شهر	۳۹	۰.۵۶	۹۰
خوانسار	۱۹۰	۲.۷۵	۸۸.۶
خور و بیابانک	۱۱۳	۱.۶۳	۸۳.۹
دهاقان	۲۰۰	۲.۸۹	۸۰.۶
سمیرم	۵۳۲	۷.۶۹	۹۱.۳
شاهین شهر و میمه	۶۰۰	۸.۶۸	۹۲.۲
شهرضا	۲۸۸	۴.۱۷	۸۷.۲
فریدن	۲۶۷	۳.۸۶	۹۶.۲
فریدونشهر	۴۲۱	۶.۰۹	۹۷
فلاورجان	۳۰۳	۴.۳۸	۴۷.۳
کاشان	۲۶۴	۳.۸۲	۷۵.۹
گلیانگان	۱۸۲	۲.۶۳	۶۷.۴
لنجان	۲۹۵	۴.۲۷	۷۷

شهرستان	اشتغال ایجاد شده	درصد	درصد موفقیت طرح‌ها در ایفای تعهد اشتغال
مبارکه	۲۰۶	۲۹۸	۶۲.۸
نابین	۷۹	۱۱۴	۶۱.۱
نجف‌آباد	۲۳۰	۳۳۳	۵۳.۶
نطنز	۱۰۷	۱۵۵	۵۴.۵
جمع	۶۹۱۴	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۲- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک مؤسسات عامل

نتایج یافته‌های تفصیلی نشان می‌دهد که صندوق کارآفرینی امید با ۳۷.۷ درصد بیشترین سهم و بانک توسعه تعاون با ۱۵.۶ درصد کمترین سهم را در ایجاد اشتغال در استان داشته‌اند. در بین مؤسسات عامل از حیث درصد ایفای تعهد شغلی در بین طرح‌ها تفاوت زیادی وجود ندارد و صندوق کارآفرینی امید با ۸۶ درصد و پست‌بانک با ۸۱ درصد به ترتیب بهترین و بدترین عملکرد را داشته‌اند.

جدول (۳-۲): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک مؤسسات عامل

موسسه عامل	اشتغال ایجاد شده	درصد	درصد موفقیت در ایفای تعهد شغلی
بانک توسعه تعاون	۱۰۸۰	۱۵.۶۲	۸۴
بانک کشاورزی	۲۰۳۱	۲۹.۳۸	۸۴.۲
پست‌بانک	۱۱۹۷	۱۷.۳۱	۸۱.۳
صندوق کارآفرینی امید	۲۶۰۶	۳۷.۶۹	۸۵.۸
جمع	۶۹۱۴	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۳- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک رشته‌های فعالیت

بیشترین اشتغال واقعی ایجاد شده مربوط به رشته پرورش دام سبک و سنگین با حدود ۲۹ درصد و پس از آن رشته زعفران و گیاهان دارویی با ۱۴ درصد و صنایع غذایی و تبدیلی تکمیلی کشاورزی با ۸ درصد سهم اشتغال می‌باشد که مجموع این سه رشته ۵۱ درصد از سهم اشتغال واقعی ایجاد شده در استان را به خود اختصاص داده‌اند. در بین رشته‌های پر متقاضی عملکرد رشته توسعه و گسترش خدمات بهداشتی با

۱۰۰ درصد، خدمات بازرگانی و بازاریابی محصولات کشاورزی با ۹۳ درصد و خدمات تخصصی و فنی مهندسی کشاورزی - دامپزشکی با ۹۴ درصد موفقیت در ایفای تعهد شغلی عملکرد مناسبی داشته‌اند و رسته‌های صنایع غذایی و تبدیلی کشاورزی با ۷۰، گردشگری و طبیعت گردی با ۶۷ و بوم گردی با ۵۵ درصد موفقیت در ایفای تعهد شغلی عملکرد به نسبت ضعیفی داشته‌اند.

جدول (۳-۳): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک رسته‌های اولویت

درصد موفقیت طرح‌ها	درصد	اشتغال ایجاد شده	رسته‌های اولویت
۶۷	۰.۳۹	۲۷	انرژی
۵۰	۰.۱۹	۱۳	باز یافت
۵۶	۱.۳۰	۹۰	بسته‌بندی میوه، سبزی، نان، ادویه و خشکبار (صادراتی)
۶۳	۱.۷۸	۱۲۳	بوم گردی
۸۸	۲۸.۹۶	۲۰۰۲	پرورش دام سبک و سنگین (دامداری صنعتی و یا همراه با اصلاح نژاد)
۸۰	۵.۴۸	۳۷۹	پرورش و فرآوری طیور و زنبور عسل (غیر از مرغ گوشتی یا تخم‌گذار)
۸۴	۴.۳۰	۲۹۷	پوشاک
۱۰۰	۰.۰۳	۲	توسعه گردشگری سلامت
۱۰۰	۰.۳۸	۲۶	توسعه و گسترش خدمات بهداشتی (غیر دولتی)
۳۳	۰.۶۲	۴۳	توسعه و گسترش خدمات سلامت در مشاغل خانگی
۱۰۰	۰.۰۹	۶	توسعه و گسترش طب سنتی علمی (غیر دولتی)
۱۰۰	۰.۰۴	۳	تولید تجهیزات آموزشی و اداری
۱۰۰	۰.۱۴	۱۰	تولید فرآورده‌های پلاستیکی بجر کفش
۱۰۰	۰.۰۱	۱	خدمات
۹۳	۵.۱۵	۳۵۶	خدمات بازرگانی و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی
۹۴	۱.۱۳	۷۸	خدمات تخصصی و فنی مهندسی کشاورزی، دامپزشکی و گیاه‌پزشکی
۸۳	۱.۲۶	۸۷	خدمات توسعه کشت نهال و بذر
۸۴	۱.۲۰	۸۳	خدمات حمل‌ونقل و لجستیک
۸۳	۰.۸۸	۶۱	خدمات مدرن‌سازی کشاورزی (مکانیزاسیون) تعمیر ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی

درصد موفقیت طرح‌ها	درصد	اشتغال ایجاد شده	رسته‌های اولویت
۷۳	۰.۱۹	۱۳	خدمات ورزشی
۹۰	۱۴.۱۵	۹۷۸	زعفران و گیاهان دارویی
۶۵	۱.۳۲	۹۱	ساخت ماشین‌آلات و ادوات و مکانیزاسیون کشاورزی
۵۰	۰.۰۷	۵	سردخانه و نگهداری محصولات
۰	۰.۰۰	۰	سقف کاذب کناف و پی وی سی
۸۳	۰.۲۳	۱۶	شیلات و آبزیان
۷۴	۳.۱۲	۲۱۶	صنایع دستی
۷۰	۸.۳۹	۵۸۰	صنایع غذایی و تبدیلی تکمیلی کشاورزی
۸۲	۳.۵۴	۲۴۵	فرآوری محصولات معدنی کوچک‌مقیاس
۸۰	۶.۴۴	۴۴۵	فرش دستباف و دستبافته‌ها
۱۰۰	۰.۳۵	۲۴	فرهنگ و هنر
۷۴	۱.۴۵	۱۰۰	فناوری اطلاعات (محتوا)
۵۵	۰.۲۰	۱۴	کفش و مصنوعات چرمی
۶۷	۱.۱۱	۷۷	گردشگری و طبیعت‌گردی
۷۹	۱.۲۴	۸۶	مبلمان و مصنوعات چوبی
۷۲	۴.۶۴	۳۲۱	محصولات گلخانه‌ای
۵۸	۰.۲۳	۱۶	مراقبت‌های سلامت جامعه نگر
-	۱۰۰	۶۹۱۴	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۴- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک مناطق هدف

در میان مناطق هدف اجرای طرح، روستاهای غیرمرزی بیشترین تعداد اشتغال ایجاد شده را با ۸۷ درصد به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن شهرهای زیر ده‌هزار نفر جمعیت با اختلاف بسیار زیاد (حدود ۷ درصد) بیشترین سهم را در ایجاد اشتغال داشته‌اند.

جدول (۳-۴): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک مناطق هدف

مناطق هدف	اشتغال ایجاد شده	درصد
روستای غیر مرزی	۶۰۳۳	۸۷.۲۶
عشایری غیرمرزی	۱۰۸	۱.۵۶
نواحی صنعتی روستایی	۹۱	۱.۳۲
نواحی صنعتی شهرهای زیر ده هزار نفر جمعیت	۱۱۶	۱.۶۸
شهرهای زیر ده هزار نفر جمعیت	۵۰۶	۷.۳۲
سایر نقاط	۶۰	۰.۸۷
جمع	۶۹۱۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۵- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک نوع نهادهای حمایتی

براساس یافته‌های تمام‌شماری سهم دستگاه‌های حمایتی در میزان اشتغال ایجاد شده ۳۵.۵ درصد (۲۴۵۴ نفر) و سهم دستگاه‌های غیر حمایتی ۶۴.۵ درصد (۴۴۶۰ نفر) می‌باشد که دستگاه‌های غیر حمایتی بیشترین سهم را در ایجاد اشتغال داشته‌اند. در میان دستگاه‌های حمایتی کمیته امداد که بیشترین تعداد طرح را نیز داشته، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است.

جدول (۳-۵): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک نوع نهادهای حمایتی

دستگاه حمایتی	اشتغال ایجاد شده	درصد
بنیاد شهید و امور ایثارگران	۶۶	۲.۶۹
بهزیستی	۶۱	۲.۴۹
کمیته امداد امام خمینی (ره)	۲۳۲۷	۹۴.۸۲
مجموع	۲۴۵۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۶- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک نوع تقاضا

حدود ۹۲.۷ درصد از اشتغال‌های ایجاد شده دارای مجری حقیقی و ۷.۳ درصد دارای مجری حقوقی بوده‌اند. سهم طرح‌های حقیقی با مدیریت تعاونی نیز ایجاد ۱۴۰ اشتغال بوده است.

جدول (۶-۳): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک نوع تقاضا

درصد	اشتغال ایجاد شده	مجری طرح
۹۲.۶۸	۶۴.۰۸	حقیقی
۷.۳۲	۵.۰۶	حقوقی
۱۰۰	۶۹.۱۴	مجموع

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۷- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک جنسیت مجری طرح

بر اساس یافته‌های تمام‌شماری سهم مجریان مرد در ایجاد اشتغال ۶۹.۶ درصد و سهم مجریان زن ۳۰.۴ درصد می‌باشد.

جدول (۷-۳): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک جنسیت مجری طرح

درصد	اشتغال ایجاد شده	جنسیت مجری طرح
۶۹.۶۱	۴۸۱۳	مرد
۳۰.۳۹	۲۱۰۱	زن
۱۰۰	۶۹۱۴	مجموع

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۸- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک نوع طرح

طرح‌های متقاضی تسهیلات از نظر نوع طرح در سه دسته ایجاد، توسعه‌ای و سرمایه در گردش قرار دارند. سهم طرح‌های توسعه‌ای و ایجاد به دلیل محدودیت اعطای تسهیلات سرمایه در گردش مجموعاً ۹۴ درصد است. بیشترین اشتغال ایجاد شده مربوط به طرح‌های توسعه‌ای با ۵۲ درصد می‌باشد. بر اساس نتایج آزمون آنوا^۱ از نظر ایفای تعهد شغلی بین انواع مختلف طرح‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضرایب معنادار هستند و طرح‌های ایجاد به‌ترین عملکرد را داشته‌اند و طرح‌های توسعه‌ای با فاصله کمی از آنها عملکرد مناسبی داشته‌اند. کمترین عملکرد که فاصله محسوسی با دو نوع دیگر دارد، مربوط به طرح‌های سرمایه در گردش بنگاه‌ها است. این عملکرد می‌تواند ناشی از این مسئله باشد که هدف بنگاه‌ها از دریافت این تسهیلات بیشتر تأمین نیازهای جاری بنگاه و حفظ تولید و سطح

¹-ANOVA

اشتغال موجود باشد و به دلیل عدم توسعه عملاً اشتغال‌زایی برای آن‌ها اولویت نداشته است. همچنین محدودیت اعطای این تسهیلات صرفاً به واحدهای فعال در نواحی صنعتی و محدود بودن به یک بخش خاص، می‌تواند دلیل دیگری برای این عملکرد در اشتغال‌زایی باشد.

جدول (۸-۳): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک نوع طرح

نوع طرح	اشتغال ایجاد شده	درصد
ایجاد	۲۸۳۶	۴۱.۰۲
توسعه‌ای	۳۶۲۵	۵۲.۴۳
سرمایه در گردش	۴۵۳	۶.۵۵
جمع	۶۹۱۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۹- میزان اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک بخش هدف

بخش هدف طرح‌های متقاضی تسهیلات در پنج گروه کشاورزی و منابع طبیعی، صنایع و معادن کوچک، فعالیت‌های خدماتی و فناوری اطلاعات، گردشگری و صنایع دستی و فرش دستباف قرار دارد. بیشترین اشتغال ایجاد شده مربوط به بخش کشاورزی و منابع طبیعی با ۶۵.۶ درصد و کمترین مربوط به بخش گردشگری با ۲.۸ درصد می‌باشد. نتایج آزمون آنوا بر این متغیر نیز بیانگر آن است که بخش هدف طرح بر ایفای تعهد شغلی اثرگذار است. در بین بخش‌های هدف، در سطح اطمینان ۹۵ درصد به ترتیب بخش کشاورزی و منابع طبیعی، فعالیت‌های خدماتی و فناوری اطلاعات، صنایع دستی و فرش دستباف، صنایع و معادن کوچک و گردشگری بهترین عملکرد را دارند. این تفاوت در عملکرد می‌تواند به دلیل رکود نسبی در بخش گردشگری در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به دلیل شیوع بیماری کرونا و کاهش محسوس مسافرت‌ها و رکود در بخش صنعتی به دلیل محدودیت‌های ناشی از تشدید تحریم‌ها و جهش ارزی باشد.

جدول (۹-۳): اشتغال واقعی ایجاد شده به تفکیک بخش هدف

بخش هدف	اشتغال ایجاد شده	درصد	درصد موفقیت طرح‌ها در ایفای تعهد شغلی
کشاورزی و منابع طبیعی	۴۵۳۶	۶۵.۶۱	۸۶.۸
صنایع و معادن کوچک	۱۰۷۳	۱۵.۵۲	۷۱.۸
فعالیت‌های خدماتی و فناوری	۵۶۶	۸.۱۹	۸۰.۸

اطلاعات			
گردشگری	۱۹۲	۲.۷۸	۶۴.۶
صنایع دستی و فرش دستباف	۵۴۷	۷.۹۱	۸۰
جمع	۶۹۱۴	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۱۰- متغیر وضعیت انحراف در محل اجرا

انحراف در محل اجرای طرح می‌تواند بر موفقیت طرح در ایفای تعهد شغلی اثرگذار باشد. تعداد ۲۱۸ طرح معادل ۵.۱ درصد از طرح‌ها در محلی غیر از محل اعلام شده اجرا شده‌اند. بر اساس نتایج آزمون t -test در بین دو گروه موفق و ناموفق در ایفای تعهد شغلی، فرضیه معناداری عدم تفاوت در سطح اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان اثرگذاری انحراف در محل اجرا را بر موفقیت طرح نتیجه گرفت. تعداد اشتغال ایجاد شده در بین طرح‌های دارای انحراف در محل اجرا، ۲۵۰ نفر می‌باشد.

۳-۱-۱۱- متغیر وضعیت طرح از نظر بهره‌برداری

از متغیرهای مورد پرسش درباره طرح‌ها، وضعیت کنونی آن‌ها از نظر بهره‌برداری است. توقف بهره‌برداری پروژه می‌تواند به دلایل مختلفی مانند فصلی بودن شغل رخ دهد و این مسئله باعث شود طرح نتواند اشتغال پایدار ایجاد نموده و تعهد شغلی خود را ایفا نماید. بر اساس نتایج آزمون t -test فرضیه معنادار بودن عدم تفاوت بین میانگین این متغیر بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود. در گروه با ایفای تعهد شغلی تنها ۲ درصد از طرح‌ها در حال بهره‌برداری نبوده‌اند؛ در حالی که در گروه ناموفق در ایفای تعهد، ۲۲ درصد از طرح‌ها در زمان بررسی در حال بهره‌برداری نبوده‌اند. بنابراین توقف بهره‌برداری طرح‌ها از عوامل مهم اثرگذار بر ایفای تعهد شغلی می‌باشد.

۳-۲- انحراف از اجرای قانون و علل آن

در این قسمت با بهره‌گیری از نتایج بازدید میدانی و خروجی‌های پرسش‌نامه، بر اساس قانون، آیین‌نامه اجرایی و دستورالعمل اصلاحی آن به برخی از مهم‌ترین مواردی که منجر به مغایرت و انحراف از اهداف قانون شده است، اشاره می‌شود. همچنین علل این مغایرت‌ها بر اساس داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌ها بیان می‌گردد.

۳-۲-۱- موارد انحراف از اجرای قانون

۳-۲-۱-۱- مغایرت در رعایت سهم بخش‌های اقتصادی توسط کارگروه اشتغال (وقت)

از نظر درصد انطباق بین درصد عملکردی و ابلاغی پرداخت تسهیلات انحراف زیادی مشاهده می‌شود. سهم بخش کشاورزی نزدیک به سه برابر درصد ابلاغی بوده و سایر بخش‌ها کمتر از نیمی از سهم ابلاغی خود را دریافت نموده‌اند. این انحراف قابل توجه می‌تواند به دلیل سیاست‌گذاری نامناسب در تعیین درصدهای ابلاغی با توجه به نقش محوری کشاورزی در اقتصاد روستا باشد. هرچند پرداخت سهم بالایی از تسهیلات به بخش کشاورزی به دلیل محدودیت شدید منابع آبی می‌تواند پایداری مشاغل ایجاد شده و ادامه کار طرح‌ها را تهدید کند و لزوم افزایش سهم سایر بخش‌ها به‌ویژه سرمایه در گردش و خدمات را جهت موفقیت طرح در بلندمدت نشان می‌دهد.

جدول (۳-۱۰): بررسی انطباق درصد ابلاغی و درصد عملکرد تسهیلات پرداختی به بخش‌های هدف

بخش هدف	درصد ابلاغی	درصد عملکرد	درصد انطباق
کشاورزی	۲۲.۱	۶۳.۲	۴۱.۱
صنعت	۳۱.۶	۲۰.۱	-۱۱.۵
خدمات	۳۲.۳	۱۰.۴	-۲۱.۹
سرمایه در گردش	۱۴.۱	۶.۲	-۷.۹

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲-۱-۲- کارمند بودن مجری طرح

بر اساس نتایج پرسش‌نامه‌ها ۹۶.۶۵ درصد از مجریان طرح‌ها کارمند نبوده‌اند و در ۶۵ مورد (۱.۵۲ درصد) از طرح‌ها با ارزش تسهیلات ۶۲۸۵۹ میلیون ریال معادل با ۱.۷ درصد از تسهیلات (با ایجاد اشتغال ۹۰ نفر) این مغایرت دیده می‌شود. با توجه به سهم بالای مجریان غیر کارمند هرچند انحراف در اعطای تسهیلات از این نظر پایین بوده ولی به دلیل مغایرت با قانون غیرقابل قبول است.

جدول (۳-۱۱): تعداد طرح‌ها به تفکیک کارمند بودن مجری

مجری کارمند	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۶۵	۱.۵۲	۱.۵۲
خیر	۴۱۲۳	۹۶.۶۵	۹۸.۱۷
عدم پاسخگویی	۷۸	۱.۸۳	۱۰۰
جمع	۴۲۶۶	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲-۱-۳- مغایرت در اجرای طرح در محل

حدود ۹۳ درصد از طرح‌ها بر اساس خروجی تحلیل پرسش‌نامه‌ها در محل خود اجرا شده‌اند و ۵.۱۱ درصد از طرح‌ها در محلی غیر از محل اعلام شده اجرا شده‌اند. انحراف در محل اجرا هرچند آمار پائینی به نسبت کل طرح‌ها دارد ولی در مورد ۲۱۸ طرح با مغایرت در محل اجرا، نیاز به بررسی بیشتر جهت یافتن علل پدید آمدن این مغایرت و اصلاحات احتمالی در فرآیند مکان‌یابی طرح‌ها دارد. از جمله دلایل مطرح شده توسط مجریان طرح در این زمینه می‌توان استیجاری بودن محل و افزایش اجاره و یا اتمام قرارداد، عدم تأمین نیروی انسانی، مشکل با اهالی روستا، عدم توجه اقتصادی، خشکسالی و نبود زیرساخت‌ها مثل برق سه‌فاز، زمین مناسب و ... را نام برد.

جدول (۳-۱۲): تعداد طرح‌ها از نظر مغایرت در محل اجرا

انحراف محل	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۲۱۸	۵.۱۱	۵.۱۱
خیر	۳۹۷۱	۹۳.۰۸	۹۸.۲۰
عدم پاسخگویی ^۱	۷۷	۱.۸۰	۱۰۰
جمع	۴۲۶۶	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۳-۱۳): تعداد طرح‌های دارای انحراف در محل به تفکیک شهرستان‌ها

نام شهرستان	تعداد	درصد
آران و بیدگل	۱	۰.۴۶
اردستان	۲	۰.۹۲
اصفهان	۱	۰.۴۶
برخوار	۲	۰.۹۲
تیران و کرون	۲۱	۹.۶۳
چادگان	۳	۱.۳۸
خوانسار	۵	۲.۲۹
خور و بیابانک	۱	۰.۴۶

^۱ - مورد از این طرح‌ها، در همان شهرستان ثبت شده قرار دارند.

نام شهرستان	تعداد	درصد
دهاقان	۸	۳.۶۷
سمیرم	۱۴	۶.۴۲
شاهین شهر و میمه	۱۰	۴.۵۹
شهرضا	۸	۳.۶۷
فریدن	۴	۱.۸۳
فریدونشهر	۶۰	۲۷.۵۲
فلاورجان	۳۵	۱۶.۰۶
کاشان	۳	۱.۳۸
گلپایگان	۶	۲.۷۵
لنجان	۴	۱.۸۳
مبارکه	۴	۱.۸۳
نابین	۳	۱.۳۸
نجف آباد	۱۹	۸.۷۲
نطنز	۴	۱.۸۳
جمع	۲۱۸	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در شهرستان‌های خمینی شهر و بویین و میاندشت مغایرتی در انحراف از محل اجرا مشاهده نشد و هریک از شهرستان‌های اصفهان و خورویبابانک دارای یک مورد انحراف از محل اجرا می‌باشند. بیشترین انحراف در محل نیز مربوط به شهرستان‌های فریدونشهر و فلاورجان است که به تنهایی بیش از ۴۰ درصد از طرح-های دارای انحراف در محل اجرا را شامل می‌شود. کل طرح‌های ثبت شده در این دو شهرستان، ۵۹۷ طرح می‌باشد که از این تعداد ۹۵ طرح دارای مغایرت انحراف در محل است (سهم ۱۵.۹ درصدی انحراف نسبت به کل طرح‌های این دو شهرستان) که نسبت به میانگین حدود ۵ درصد در کل شهرستان‌ها تفاوت محسوسی دارد و این دو شهرستان از این حیث عملکرد نامناسبی داشته‌اند.

۴-۱-۲-۳- مغایرت در پیشرفت فیزیکی طرح با زمان‌بندی پیش‌بینی شده

بر اساس داده‌ها، ۸۷.۴۸ درصد از طرح‌ها مطابق با زمان‌بندی پیش‌بینی شده پیشرفت فیزیکی داشته‌اند و ۱۰.۷۱ درصد پیشرفت نامناسب فیزیکی براساس زمان‌بندی پیش‌بینی شده داشته‌اند. این میزان از مغایرت در

پیشرفت فیزیکی طرح‌ها با توجه به شرایط اقتصادی در سال‌های اجرای طرح و نرخ بالای تورم و نوسانات اقتصادی نسبتاً شدید قابل قبول به نظر می‌رسد.

جدول (۳-۱۴): تعداد طرح‌ها از نظر پیشرفت فیزیکی نامناسب

پیشرفت نامناسب فیزیکی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۴۵۷	۱۰.۷۱	۱۰.۷۱
خیر	۳۷۳۲	۸۷.۴۸	۹۸.۱۹
عدم پاسخگویی	۷۷	۱.۸۰	۱۰۰
جمع	۴۲۶۶	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۳-۱۵): تعداد طرح‌های با پیشرفت فیزیکی نامناسب به تفکیک نوع طرح

نوع طرح	تعداد	درصد	درصد تجمعی
ایجاد	۲۱۹	۴۷.۹۲	۴۷.۹۲
توسعه‌ای	۲۰۷	۴۵.۳۰	۹۳.۲۲
سرمایه در گردش	۳۱	۶.۷۸	۱۰۰
جمع	۴۵۷	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

توزیع طرح‌های دارای پیشرفت نامناسب فیزیکی از نظر نوع طرح تفاوت محسوسی با کل طرح‌ها ندارد. این یافته با توجه به این که انتظار می‌رفت طرح‌های ایجاد به دلیل ماهیت آن‌ها که پیش‌بینی‌پذیری کمتری دارند سهم بالاتری داشته باشند، قابل توجه است.

جدول (۳-۱۶): تعداد طرح‌های با پیشرفت فیزیکی نامناسب به تفکیک بخش هدف طرح

بخش هدف	تعداد	درصد	درصد تجمعی
کشاورزی و منابع طبیعی	۲۸۱	۶۱.۴۹	۶۱.۴۹
صنایع و معادن کوچک	۱۰۸	۲۳.۶۳	۸۵.۱۲
فعالیت‌های خدماتی و فناوری اطلاعات	۳۳	۷.۲۲	۹۲.۳۴
گردشگری	۱۳	۲.۸۴	۹۵.۱۹
صنایع دستی و فرش دستباف	۲۲	۴.۸۱	۱۰۰
جمع	۴۵۷	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

از نظر توزیع طرح‌ها بر اساس بخش هدف سهم بخش صنایع و معادن نسبت به کل طرح‌های این بخش (۱۰۸ طرح نسبت به ۴۳۲ طرح) به طرز محسوسی بالاتر است. این یافته با توجه به پیچیدگی بیشتر این طرح‌ها و اثرگذاری عوامل بیشتر نسبت به سایر بخش‌ها قابل انتظار است و لزوم برنامه‌ریزی دقیق‌تر زمانی و دقت بالاتر در طراحی پروژه‌های این بخش را نشان می‌دهد.

۳-۲-۱-۴- مغایرت در تسهیلات پرداختی

۸۷۱ طرح (حدود ۲۰ درصد) از کل طرح‌ها بین مبلغ پرداختی و تسهیلات درخواستی مغایرت داشته‌اند. در مجموع ۴۱۵۵ میلیارد ریال تسهیلات درخواست شده بود که ۳۷۵۱ میلیارد ریال آن پرداخت شده است. نسبت پرداخت به تسهیلات درخواستی در کل حدود ۸۹ درصد بوده است.

جدول (۳-۱۶): تسهیلات درخواستی و پرداختی به کل طرح‌ها (میلیون ریال)

جمع	انحراف معیار	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
تسهیلات درخواستی	۴۱۵۶۴۲۰	۲۳۴۱۳۳	۳۶۹۶۸۹۷
تسهیلات پرداختی	۳۷۵۱۴۶۲	۲۱۳۰۷۳.۶	۳۳۳۳۲۲۷
			۴۱۶۸۶۹

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲-۱-۵- مغایرت در تعهد اشتغال اعلام شده

ایفای تعهد شغلی با توجه به این که هدف اصلی از اعطای این تسهیلات اشتغال‌زایی است، مهم‌ترین پارامتری است که می‌تواند موفقیت طرح‌ها را بررسی نماید. براساس تحلیل داده‌ها ۸۲.۵ درصد طرح‌ها اشتغال تعهد شده خود را ایجاد کرده‌اند و از این نظر طرح موفق بوده است. حدود ۱۶ درصد از طرح‌ها نیز تعهد ایجاد اشتغال خود را به‌طور کامل ایفا نکرده‌اند و ناموفق بوده‌اند. به دلیل اهمیت بالای این متغیر علل احتمالی و متغیرهای مؤثر بر ایفا تعهد شغلی به تفصیل در بخش سوم بیان شده‌اند.

جدول (۳-۱۷): تعداد طرح‌ها به تفکیک ایفا تعهد اشتغال

عدم ایفای تعهد اشتغال	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۶۷۰	۱۵.۷۱	۱۵.۷۱
خیر	۳۵۱۸	۸۲.۴۷	۹۸.۱۷
عدم پاسخگویی	۷۸	۱.۸۳	۱۰۰
جمع	۴۲۶۶	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲-۱-۶-مغایرت در پوشش بیمه‌ای

در بین مجریان طرح‌ها حدود ۶۵ درصد تحت پوشش بیمه قرار نداشته‌اند و تنها حدود ۳۵ درصد بیمه داشته‌اند. این آمار از حیث تبعات نداشتن پوشش بیمه‌ای برای افراد بسیار قابل توجه است. پایین بودن آمار در بین مجریان این طرح که نمونه‌ای از افراد روستایی و عشایری هستند، نشان می‌دهد برنامه‌های پوشش همگانی بیمه نتوانسته‌اند موفق عمل کنند و سیاست‌گذاران لازم است این مسئله را به دلیل آسیب جدی به سلامت و معیشت این افراد که عمدتاً از دهک‌های پایین درآمد هستند، به‌دقت موردتوجه قرار دهند. مطابق نتایج تمام‌شماری تعداد ۳۲۹ طرح (معادل ۷.۷ درصد) دارای لیست بیمه بوده‌اند. از مجموع ۴۲۶۶ طرح بررسی شده، ۷۰۷ طرح تعداد ۲۴۷۹ نفر را تحت پوشش تأمین اجتماعی و ۸۸۹ طرح ۱۰۹۹ نفر را تحت پوشش بیمه عشایری و روستایی قرار داده‌اند.

جدول (۳-۱۸): تعداد طرح‌ها به تفکیک پوشش بیمه‌ای

پوشش بیمه‌ای	تعداد	درصد	درصد تجمعی
دارد	۱۴۸۴	۳۴.۷۹	۳۴.۷۹
ندارد	۲۷۱۳	۶۳.۶۰	۹۸.۳۹
عدم پاسخگویی	۶۹	۱.۶۲	۱۰۰
جمع	۴۲۶۶	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲-۱-۷-مغایرت با رسته فعالیت‌های اعلام شده

از میان ۴۲۶۶ طرح بررسی شده، سه طرح با توجه به‌عنوان طرح خارج از رسته‌های اولویت‌دار تسهیلات توسعه اشتغال روستایی و عشایری می‌باشد. این سه رسته عبارتند از: سقف کاذب کناف و پی وی سی (انحراف تسهیلات و هزینه برای ساخت ساختمان مسکونی)، تولید تجهیزات آموزشی و اداری (فعال)، تولید فرآورده‌های پلاستیکی بجر کفش (فعال) که این دو رسته فعال در مجموع ۱۳ اشتغال جدید ایجاد کرده‌اند.

۳-۲-۱-۸-انحرافات مربوط به خدمات پست‌بانک

از ۴۲۶۶ طرح تمام‌شماری شده ۳۶ طرح (۰.۸ درصد) با ارزش تسهیلات ۱۸۵۸۰ میلیون ریال با اشتغال ایجاد شده ۴۴ نفر مربوط به تأسیس و یا تجهیز دفاتر پست‌بانک بوده‌اند که شهرستان کاشان با ۱۰ مورد

بیشترین تعداد طرح را داشته است. پس از آن مبارکه و آران و بیدگل با به ترتیب ۸ و ۶ مورد بیشترین تعداد را داشته‌اند.

۳-۱-۹- تمرکز توزیع تسهیلات در شهرستان‌های نزدیک مرکز استان

بر اساس داده‌ها، شهرستان اصفهان از نظر اشتغال تعهد شده و ارزش تسهیلات اعطایی بالاترین سهم را دارد. این سهم بالا از تسهیلات به دلیل نسبت بالای جمعیت شهرستان اصفهان به کل جمعیت استان (حدود ۴۰ درصد) قابل قبول است و نسبت تسهیلات به مراتب نسبت به جمعیت پایین‌تر است. در رتبه بعدی از نظر درصد تسهیلات پرداختی به ترتیب شهرستان‌های سمیرم، کاشان و تیران و کرون قرار دارند که از نظر جغرافیایی متمرکز در نزدیک مرکز استان نیستند و از این حیث به نظر می‌آید تسهیلات پرداختی توزیع مناسبی دارد و بر اساس نیاز بیشتر شهرستان‌های محروم و دور از مرکز پرداخت شده است.

نکته قابل توجه و قابل انتظار تفاوت در سهم تعهد اشتغال و تسهیلات پرداختی در بین شهرستان‌ها است که بیانگر تفاوت در سرانه تسهیلات برای ایجاد اشتغال می‌باشد. این میزان در شهرستان‌های برخوردار مانند اصفهان و کاشان بالا و در شهرستان‌های کمتر توسعه یافته مانند خور و بیابانک پایین است. دلیل این مسئله را می‌توان بالاتر بودن دستمزد و هزینه اجاره و خرید زمین و سرمایه در شهرستان‌های برخوردار دانست که نیاز بیشتری به تسهیلات جهت ایجاد اشتغال دارند.

جدول (۳-۱۹): رتبه‌بندی تسهیلات پرداختی بین شهرستان‌ها

ردیف	نام شهرستان	میزان تسهیلات پرداختی (میلیون ریال)	درصد
۱	اصفهان	۶۳۱۴۹۹	۱۶.۸۳
۲	سمیرم	۳۷۴۶۸۳	۹.۹۹
۳	کاشان	۲۶۸۴۱۷	۷.۱۵
۴	تیران و کرون	۲۳۲۹۷۰	۶.۲۱
۵	فریدون‌شهر	۲۰۸۴۱۵	۵.۵۶
۶	فلاورجان	۲۰۷۷۲۷	۵.۵۴
۷	اردستان	۲۰۶۳۹۰	۵.۵۰
۸	شهرضا	۱۸۲۵۷۰	۴.۷۸
۹	لنجان	۱۳۲۹۳۰	۳.۵۴
۱۰	نجف‌آباد	۱۳۲۴۵۰	۳.۵۳
۱۱	شاهین‌شهر و میمه	۱۲۷۵۹۶	۳.۴۰

ردیف	نام شهرستان	میزان تسهیلات پرداختی (میلیون ریال)	درصد
۱۲	چادگان	۱۱۸۶۱۱	۳.۱۶
۱۳	برخوار	۱۱۲۸۴۰	۳.۰۱
۱۴	آران و بیدگل	۹۹۲۰۳	۲.۶۴
۱۵	مبارکه	۹۴۹۰۰	۲.۵۳
۱۶	گلپایگان	۹۰۴۵۱	۲.۴۲
۱۷	دهاقان	۸۹۷۹۰	۲.۳۹
۱۸	فریدن	۸۴۷۷۰	۲.۲۶
۱۹	بویین و میاندشت	۷۹۲۶۰	۲.۱۱
۲۰	خوانسار	۶۹۰۸۰	۱.۸۴
۲۱	نایین	۶۵۴۷۰	۱.۷۵
۲۲	نطنز	۵۰۱۳۵	۱.۳۴
۲۳	خمینی‌شهر	۴۸۳۷۵	۱.۲۹
۲۴	خور و بیابانک	۴۲۴۳۰	۱.۱۳

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۳-۲۰): رتبه‌بندی اشتغال تعهد شده در بین شهرستان‌ها

ردیف	نام شهرستان	تعداد اشتغال متعهد شده
۱	اصفهان	۱۰۲۵
۲	سمیرم	۶۲۰
۳	تیران و کرون	۵۶۹
۴	فریدون‌شهر	۴۳۴
۵	فلاورجان	۴۳۲
۶	اردستان	۴۰۱
۷	نجف‌آباد	۳۲۲
۸	شاهین‌شهر و میمه	۳۱۹
۹	نجف‌آباد	۲۹۶
۱۰	آران و بیدگل	۲۷۲
۱۱	کاشان	۲۶۴
۱۲	فریدن	۲۵۵

ردیف	نام شهرستان	تعداد اشتغال متعهد شده
۱۳	دهاقان	۲۱۱
۱۴	چادگان	۲۰۷
۱۵	گلپایگان	۲۰۰
۱۶	خوانسار	۱۹۹
۱۷	لنجان	۱۹۱
۱۸	بویین و میاندشت	۱۸۲
۱۹	برخوار	۱۷۲
۲۰	نطنز	۱۵۴
۲۱	خور و بیابانک	۱۵۰
۲۲	مبارکه	۱۱۳۹
۲۳	نابین	۱۲۴
۲۴	خمینی شهر	۴۹

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۲-۳- بررسی علل مغایرت‌ها

از ۴۲۶۶ طرح بررسی شده، تعداد ۳۷۹۹ طرح (۸۹.۰۵ درصد) در حال حاضر بدون انحراف و تغییری فعال و ۴۶۷ (۱۰.۹۵ درصد) طرح در وضعیت غیرفعال، تغییر فعالیت و یا انصراف و عدم اجرا هستند. در این قسمت به بررسی علل این مغایرت‌ها پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است سایر طرح‌های فعال نیز با مشکلاتی از قبیل مشکلات استعلام بانکی جهت دریافت وام، عدم تناسب تسهیلات با توجه به نرخ تورم موجود و هزینه‌ها، عدم وجود زیرساخت‌ها، تأخیر در پرداخت وام، مشکل صادرات، کاهش تقاضای مردم، کرونا، خشکسالی و ... مواجه بودند.

۲-۳-۱-۱۰- افزایش هزینه ماشین‌آلات

در بین طرح‌های دارای مغایرت افزایش هزینه ماشین‌آلات در ۵.۳۵ درصد موارد به‌عنوان یکی از علل مغایرت بیان شده است. پایین بودن طرح‌های دارای مغایرت به دلیل افزایش هزینه ماشین‌آلات با توجه به نرخ تورم بالا در سال‌های موردبررسی جالب توجه است. این مسئله می‌تواند ناشی از عدم نیاز بیشتر طرح‌ها به ماشین‌آلات و یا برآورد مناسب و پیش‌بینی این افزایش در هنگام برآورد هزینه‌ها باشد. در میان کل طرح‌های بررسی شده (۴۲۶۶ طرح)، ۱۲۲ طرح (۲.۹ درصد) گرانی و افزایش قیمت تجهیزات و مواد اولیه

را به‌عنوان یکی از مشکلات خود مطرح کردند که در بیش از نیمی از این طرح‌ها با وجود این مشکل همچنان فعال هستند.

جدول (۳-۲۱): تعداد طرح‌های دارای مغایرت به تفکیک اثر افزایش هزینه ماشین‌آلات

افزایش هزینه ماشین‌آلات	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۲۵	۵.۳۵	۵.۳۵
خیر	۳۹۵	۸۴.۵۸	۸۹.۹۴
عدم پاسخگویی	۴۷	۱۰.۰۶	۱۰۰
جمع	۴۶۷	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۲-۱-۱۱- تعلل بانک‌ها در پرداخت تسهیلات

تعلل بانک‌ها در پرداخت تسهیلات به‌عنوان علت مغایرت در حدود ۳ درصد از طرح‌ها گزارش شده است. این آمار پایین بیانگر عملکرد مناسب بانک‌ها در پرداخت به موقع تسهیلات دارد. البته در تعدادی از طرح‌ها، این عامل به دلیل گذر از زمان مناسب اجرای طرح، باعث انصراف مجری و عدم اجرای طرح شده است.

جدول (۳-۲۲): تعداد طرح‌های دارای مغایرت به تفکیک اثر تعلل بانک‌ها در پرداخت تسهیلات

تعلل بانک‌ها در پرداخت	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۱۳	۲.۷۸	۲.۷۸
خیر	۴۱۱	۸۸.۰۱	۹۰.۷۹
عدم پاسخگویی	۴۳	۹.۲۱	۱۰۰
جمع	۴۶۷	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲-۱-۱۲- عدم تناسب تسهیلات

حدود ۶ درصد (۲۶ طرح) از طرح‌های دارای مغایرت عدم تناسب در تسهیلات را به‌عنوان علت مغایرت بیان کرده‌اند. این آمار نسبت به کل طرح‌های مغایرت پایین است که حکایت از تناسب در تسهیلات با

نیازهای طرح دارد. از مجموع کل طرح‌های بررسی شده، ۱۰۱ طرح (۲.۴ درصد) اعلام کردند به تسهیلات تکمیلی نیاز دارند.

جدول (۳-۲۳): تعداد طرح‌های دارای مغایرت به تفکیک اثر عدم تناسب تسهیلات

عدم تناسب تسهیلات	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۲۶	۵.۵۷	۵.۵۷
خیر	۴۰۰	۸۵.۶۵	۹۱.۲۲
عدم پاسخگویی	۴۱	۸.۷۸	۱۰۰
جمع	۴۶۷	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۲-۲-۳-۱-اهلیت نداشتن مجری

حدود ۱۶ درصد از طرح‌های دارای مغایرت به علت اهلیت نداشتن مجریان طرح‌ها بر اساس نظر کارشناس می‌باشد. هرچند آمار به نسبت کل طرح‌های دارای مغایرت بالا نیست ولی به نسبت سایر عوامل اهمیت بالاتری داشته است. بررسی اهلیت و صلاحیت مجریان نسبت به سایر عوامل برای جلوگیری از مغایرت طرح‌ها از اهمیت بالاتری برخوردار است.

جدول (۳-۲۴): تعداد طرح‌های دارای مغایرت به تفکیک اثر عدم اهلیت مجری

عدم اهلیت مجری	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۷۴	۱۵.۸۵	۱۵.۸۵
خیر	۳۵۱	۷۵.۱۶	۹۱.۰۱
عدم پاسخگویی	۴۲	۸.۹۹	۱۰۰
جمع	۴۶۷	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۲-۲-۳-۲-عدم هزینه برای اجرای طرح

نزدیک به یک‌سوم از طرح‌ها به دلیل عدم هزینه تسهیلات برای اجرای طرح دچار مغایرت شده‌اند. برخی از این موارد تغییر فعالیت در رسته‌های اولویت مجاز و برخی به‌طور کلی در خارج از رسته‌های مجاز بودند (برای مثال برای ساخت خانه مسکونی، خرید خودرو، آرایشگری و ...) انحراف در هزینه کرد تسهیلات

مهم‌ترین دلیل برای مغایرت گزارش شده است. این عامل می‌تواند به دلیل عدم نظارت کافی بر اجرای طرح و یا نیاز مجری به هزینه آن در سایر امور باشد و مجریان در پاره‌ای از موارد خشکسالی، بازار فروش نامناسب و یا نبود زیرساخت مناسب را به‌عنوان دلیل تغییر فعالیت مطرح کرده‌اند. با توجه به سهم بالای این عامل در انحراف تسهیلات به نظر می‌آید نظارت دقیق بر هزینه کرد و ارائه صورت‌حساب برای هزینه‌ها و همچنین توجه به سایر نیازهای معیشتی افراد متقاضی که باعث انحراف در هزینه کرد تسهیلات می‌شود بتواند در جلوگیری از این مسئله تأثیر قابل توجهی داشته باشد.

جدول (۳-۲۵): تعداد طرح‌های دارای مغایرت به تفکیک اثر عدم هزینه برای اجرای طرح

عدم هزینه برای اجرای طرح	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بله	۱۶۰	۳۴.۲۶	۳۴.۲۶
خیر	۲۸۴	۶۰.۸۱	۹۵.۰۷
عدم پاسخگویی	۲۳	۴.۹۳	۱۰۰
جمع	۴۶۷	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۴- جمع‌بندی و پیشنهادهای تحقیق

در بین پارامترهای موجود در پرسش‌نامه متغیرهایی که از نظر منطقی و تجربی امکان داشتن رابطه با موفقیت طرح را داشته‌اند، با استفاده از آزمون t_test و ANOVA موردبررسی قرار گرفته‌اند. بر اساس خروجی این آزمون‌ها متغیرهای زیر با موفقیت طرح ارتباط داشته‌اند:

شهرستان اجرای طرح

دستگاه اجرایی

بخش هدف

نوع طرح

تعطیلی بنگاه

حضور دستگاه حمایتی

با توجه به بازه زمانی اجرای طرح، دو عامل بیرونی مهم به‌عنوان چالش برای موفقیت پروژه‌ها می‌تواند مطرح شود:

۱) شیوع بیماری کرونا: با انتشار این ویروس و شناسایی آن در کشور از اسفند ۱۳۹۸ در عمل بخش‌های اقتصادی در سراسر کشور تحت تأثیر تبعات آن قرار گرفتند. محدودیت‌های اعمال شده به‌منظور کنترل این بیماری بیشترین اثر را بر بخش‌های خدماتی و گردشگری داشته است که در عملکرد این بخش‌ها به‌عنوان عامل مؤثر بیرونی می‌تواند مؤثر بوده باشد.

۲) رکود تورمی: با تشدید تحریم‌های ظالمانه علیه ایران از ابتدای سال ۱۳۹۷ و به دنبال آن شوک جهش نرخ ارز، اقتصاد کشور در این ۴ سال نرخ‌های تورم بالا و رشد اقتصادی پایین و حتی منفی را تجربه نموده است. بر اساس آمارهای منتشرشده، بخش صنعت و معدن بیش‌ترین تأثیر را از این شرایط پذیرفته‌اند و با رشد منفی بیشتری مواجه شده‌اند.

در بین مواردی که بر اساس اهداف طرح و یا موارد مندرج در آیین‌نامه و قانون به‌عنوان انحراف در نظر گرفته شده‌اند، درصد پایینی از طرح‌ها انحراف داشته و دچار اشکال بوده‌اند.

جدول (۴-۱): درصد طرح‌های دچار انحراف

نوع انحراف	درصد طرح‌های دچار انحراف
کارمند بودن مجری طرح	۱.۵
عدم بازپرداخت تسهیلات	۲۸۷
فعال نبودن بنگاه	۱۰.۷
انحراف در محل اجرا	۵.۱
مغایرت در پیشرفت فیزیکی طرح با زمان‌بندی پیش‌بینی شده	۱۰.۷
عدم پوشش بیمه‌ای	۶۴
مغایرت تسهیلات درخواستی و اعطایی	۲۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در مجموع با توجه به محقق شدن ۹۶ درصدی اشتغال تعهد شده، موفقیت ۸۲.۵ درصد از طرح‌ها و آمار پایین انحرافات، می‌توان این طرح را در استان در ایجاد اشتغال نسبتاً موفق دانست. هرچند که در بین دستگاه‌های اجرایی، بخش‌های هدف و شهرستان‌ها از حیث عملکرد تفاوت‌های محسوسی مشاهده می‌شود که نیاز به بررسی و توجه دارد.

با توجه به اهداف قانون و الزامات آیین‌نامه اجرایی آن و نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌ها، پیشنهادهای زیر جهت بهبود اجرای قانون در فاز دوم ارائه می‌گردد:

- افزایش سهم تسهیلات سرمایه در گردش و افزایش اولویت تولید متناسب با ظرفیت در طرح‌ها به‌منظور پایداری اشتغال‌های ایجاد شده.
- آگاه‌سازی مجریان طرح‌ها از مزایای بیمه نیروی کار و حمایت از آن‌ها در این قانون از طریق آموزش آنان پس از بهره‌برداری از طرح.
- تجدیدنظر درباره تعیین سهم بخش‌های هدف با توجه به انحراف بالا در عملکرد و یا تفویض اختیار آن به شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها.
- برای بهبود اجرای قانون، اشتغال‌های ایجاد شده و نرخ بیکاری شهرستان‌ها مد نظر قرار گیرد و طرح‌های اشتغال پایدار مبنا باشند. در انتخاب رسته‌های اولویت، مواردی که در این دوره عمدتاً منجر به اشتغال پایدار نشده‌اند برای دوره‌های بعد امکان تأمین اعتبار نداشته باشند. همچنین متقاضیان قبلی که دارای اهلیت بوده و اشتغال پایدار ایجاد کرده‌اند (در صورت مزیت‌دار بودن رسته فعالیت در شهرستان) در مراحل بعدی نیز در اولویت پرداخت تسهیلات قرار گیرند.
- واگذاری اختیار انتخاب رسته‌های اولویت‌دار به شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها به‌منظور انتخاب رسته‌های متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های استان.

References

- Azizpour, Farhad., & Khodakarmi, Zahra. (2014). Socio-economic effects of agricultural microcredits in rural areas, case: Kersaf village, *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 3(13), 57-75. (in Persian)
- Fasoranti, M. M. (2010). The influence of micro-credit on poverty alleviation among rural dwellers: a case study of Akoko North West Local Government Area of Ondo State, *Journal of Economics Theory*, 4(1), 1-8.
- Hosseini, Seyyed Mehdi., & Naderi Mehdi, Karim. (2021). Identifying key components on the effectiveness of sustainable rural employment facilities in the villages of Hamedan city with a foresight approach. *Rural research*, 12(46), 232-245. (in Persian)
- Mafi, Farhad. (2007). The microcredit system is a practical solution for empowering low-income villages in accepting equity shares. Tehran, *Vice President of Economic Research of the Strategic Center of Expediency Analysis Forum*. (in Persian)

Mohagheg Nia, Mohammad Javad., & Akbari Baufaglian, Ali. (2016). Identifying factors affecting microfinance in Iran, *Economic Research*, 17(65), 199-222. (in Persian)

Mohammadi Yeganeh, Behrouz. (2012). Development of entrepreneurship and its role in the cost of individual and group agricultural credits in Zanjan province, *Quarterly Journal of Space Economy and Rural Development*, 4(6), 4-24. (in Persian)

Nurullahzadeh, Asghar.; Hejbar Kabani, Kambyz., & Asgari, Farid. (2021). The effects of Omid Entrepreneurship Fund financial facilities on investment and employment functions in rural areas with an emphasis on small and medium businesses, *Space Economy and Rural Development*, 3(5), 23-42. (in Persian)

Ghadiri Masoom, Mojtaba., & Ahmadi, Legend. (2014) Structures affecting the success of microcredit funds in the economic empowerment of rural women in Firuzkoh city, *Human Geography Research*, 47(4), 759-772. (in Persian)

Sani Heydari, Alireza.; Danshor Kakhki, Mahmoud.; Shahnoushi, Nasser., & Sabohi Saboni, Mahmoud. (2019). Analyzing the impact of microcredits on the components of sustainable rural development: using the matching regression approach based on the propensity score and the bootstrap algorithm, *Agricultural Economics Quarterly*, 14(1), 47-87. (in Persian)

Taleb, Mehdi., & Najafi Asl, Zahra. (2007). The impact of rural microcredits on the economic empowerment of women heads of households: a look at the results of Hazrat Zainab Kobri project in the villages of Boyin Zahra, *Village and Development Quarterly*, 1(3). (in Persian)

<https://erd.um.ac.ir>



Research Article

Vol. 30, No. 1, 2023, p. 250 - 290



A Survey of the Asymmetric Effects of Oil Price Shocks and Real Exchange Rate Fluctuation on Economic Growth and Inflation in Selected Countries of the Islamic Conference: EGARCH Approach

S. Fathi¹, M. Nonejad^{*2}, H. Zare³, A. Haghighat⁴

- 1- Ph. D in Economics, Department of Economic, Faculty of Economic and Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University
- 2- Assistant Professor, Department of Economic, Faculty of Economic and Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University,
- 3- Assistant Professor, Department of Economic, Faculty of Economic and Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University
- 4- Assistant Professor, Department of Economic, Faculty of Economic and Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University

(* - Corresponding Author Email: saeed8716@yahoo.com)

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.72209.1066>

Received: 2021/08/29 Revised: 2022/11/20 Accepted: 2023/08/02 Available Online: 2023/08/02	How to cite this article:/ Fathi, S.; Nonejad, M.; Zare, H., & Haghighat, A. (2023). A Survey of the Asymmetric Effects of Oil Price Shocks and Real Exchange Rate Fluctuation on Economic Growth and Inflation in Selected Countries of the Islamic Conference: EGARCH Approach. <i>Economics and Regional Development Journal</i> , 30(1): 250-290. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2023.72209.1066

1- INTRODUCTION

The selected member countries of the Islamic Conference, including Iran, with different cultural, social, economic and environmental structures, have high degrees of instability in economic variables. Economic growth and inflation in the economy of these countries, compared to the economy of advanced countries, are more exposed to fluctuations. Experimental studies conducted in many of these countries show that there is a strong relationship between the real exchange rate and oil shocks and the performance of indicators such as inflation and economic growth. It has been developed and is being developed to examine the effects of oil shocks on the macroeconomic structure.

In fact, with the occurrence of positive oil shocks in the 1970s and the subsequent occurrence of the global economic recession, the attention of many researchers was directed to the study of the effects of oil shocks on the macroeconomic structure. On the other hand, the fluctuations caused by the real exchange rate due to creating uncertainty among the economic agents affects their future decisions to make investments (domestic and foreign). Since the investment is part of the demand of the entire economy and any disruption in it leads to disruption in production, therefore any change and fluctuation in the real exchange rate will also affect the economic variables.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Effects of independent variables on economic growth in oil exporting countries

Oil price shock: A decrease in the price of oil will reduce the government's oil revenues in oil exporting countries. Since the current expenses are sticky towards the bottom and it is not possible to reduce it easily when the oil revenues decrease, the decrease in oil revenues causes a decrease in infrastructure investments, which in turn decreases the production of the society.

Fluctuation of the real exchange rate: Fluctuation of the real exchange rate is due to the increase in the costs of producers due to the increase in the price of raw materials, intermediate goods and imported capital, which can lead to the weakening of domestic production and the reduction of economic growth.

Effects of independent variables on inflation in oil exporting

Oil price shock: An increase in oil prices will probably decrease the total supply. Because with the increase in the price of energy, companies buy less energy, so that the productivity of labor and capital, followed by potential production, decreases and the level of prices increases.

Volatility of real exchange rate: Increase in exchange rate fluctuations and uncertainty in it causes an increase the risk of international trade and increases the cost of trade, which causes a decrease in trade and a decrease in production and economic growth, and finally causes an increase in the price level.

Effects of independent variables on economic growth in oil importing countries

Oil price shock: An increase in oil prices by transferring income from importing countries to oil exporting countries causes a decrease in total demand and a slowdown in economic activities, resulting in a decrease in economic growth.

Fluctuations in the real exchange rate: With a decrease in the value of the currency, the price of imported goods increases. Now, if these imported goods are intermediate goods, the increase in their price leads to an increase in the production costs of goods that use these goods, which leads to a decrease in total production and economic growth.

Effects of independent variables on inflation in oil importing countries

Oil price shock: An increase in oil price leads to a decrease in disposable income in oil importing countries, and with an increase in production cost, it also reduces investment demand and increases the price level.

Volatility of the real exchange rate: An increase in the real exchange rate causes a decrease in the value of the national currency and an increase in the price of intermediate and capital imported goods, and causes an increase in production costs and, as a result, an increase in inflation.

3- METHODOLOGY

The current research is to investigate the effects of positive and negative oil price shocks, real exchange rate on economic growth and inflation in crude oil exporting and importing countries from two selected groups including twelve exporting countries (including Iran, Iraq, Saudi Arabia, United Arab Emirates, Algeria, Kuwait, Libya, Nigeria, Qatar, Ecuador, Angola, Venezuela) and twelve oil importing countries including (Malaysia, Egypt, Mali, Gabon, Tunisia, Togo, Sudan, Guinea, Indonesia, Pakistan, Bangladesh, Turkey) will use. A model that can take into account the asymmetric impact of shocks is called GARCH-exponential or EGARCH model, which was presented by Nelson (Nelson, 1991). The reason for inventing this model is that the ARCH model considers the effect of good and bad news equally, and on the other hand, all conditional variance coefficients must be positive. To achieve this goal, by adapting the study economic growth and inflation models are introduced as follows:

[1]

$$\text{LGDP}_{it} = \alpha_{it} + \text{LGDP}_{it-1} + \beta_{it} \text{LVpoil}_{it} + \beta_{vit} \text{LVnoil}_{it} + \delta_{vit} \text{LRER}_{it} + \delta_{vit} \text{LVRER}_{it} + \lambda_{it} \text{LK}_{it} + \psi_{it} \text{LE}_{it} + \varepsilon_{vit}$$

[2]

$$\text{LInf}_{1it} = \alpha_{1it} + \beta_{1it} \text{LInf}_{it-1} + \beta_{1it-1} \text{LVpoil}_{it} + \beta_{2it} \text{LVnoil}_{it} + \delta_{1it} \text{LRER}_{it} + \delta_{2it} \text{LVRER}_{it} + \lambda_{1it} \text{LK}_{it} + \psi_{1it} \text{LE}_{it} + \varepsilon_{1it}$$

LVpoil (logarithm of positive oil price shock), **LVnoil** (logarithm of negative oil price shock), **LInf** (logarithm of inflation), **LRER** (logarithm of real exchange rate), **LVRER** (logarithm of volatility of real exchange rate), **LK** (logarithm of investment) **LE**, (logarithm of human capital) and coefficients β , γ , ψ , λ , δ reflecting short-term and long-term relationships

between economic growth variables and inflation with It is explanatory variables. The coefficient ε is the error component and the index i represents the country and the index t represents the time.

4- RESULTS & DISCUSSION

Our results show that the research hypothesis that the reaction of economic growth and inflation to oil price shocks is asymmetric in both groups of oil exporting and importing countries. Also, the results of the tests and estimation of models show that real exchange rate volatility has a negative and positive effect on the economic growth and inflation of oil exporting countries and a positive effect on the economic growth and inflation of oil importing countries.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

Policy recommendations

Oil exporting countries

1- Governments can disconnect their expenses from oil shocks by implementing stabilization mechanisms such as foreign exchange reserves.

Oil importing countries

1- Oil-importing countries, considering a strategic oil reserve, can use that strategic reserve at the time of a sudden increase in the price of oil and avoid the bad impact of the oil price shock on growth indicators.

Keywords: Oil Price Shocks, Real Exchange Rate Volatility, Economic Growth, EGARCH.

**بررسی آثار نامتقارن شوک‌های قیمت نفت و تلاطم
نرخ حقیقی ارز بر رشد اقتصادی و تورم
در کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی: رهیافت EGARCH**

سروالدین فتحی

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

مسعود نونزاد*

دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

هاشم زارع

استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

علی حقیقت

استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.72209.1066>

چکیده

چگونگی اثرگذاری نوسانات اقتصادی بر متغیرهای کلان اقتصادی در سیاست‌گذاری حائز اهمیت است. در این مطالعه به بررسی آثار نامتقارن شوک‌های قیمت نفت و تلاطم نرخ حقیقی ارز بر رشد اقتصادی و تورم در دو گروه از کشورهای صادرکننده واردکننده نفت پرداخته‌ایم. برای این منظور از روش داده‌های تابلویی طی دوره ۲۰۱۸-۱۹۹۰ استفاده کرده‌ایم. برای محاسبه شوک‌های قیمت نفت از مدل EGARCH استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه‌های تحقیق مبنی بر اینکه واکنش رشد اقتصادی و تورم نسبت به شوک‌های قیمت نفت در هر دو گروه کشورهای صادرکننده واردکننده نفت نامتقارن است. همچنین نتایج حاصل از آزمون‌ها و برآورد الگوها نشان می‌دهد تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری منفی و مثبت بر رشد اقتصادی و تورم کشورهای صادرکننده نفت و تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی و تورم کشورهای واردکننده نفت دارد.

کلیدواژه: شوک‌های قیمت نفت، تلاطم نرخ حقیقی ارز، رشد اقتصادی، EGARCH.

saeed8716@yahoo.com

* نویسنده مسئول:

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷

صفحات: ۲۹۰-۲۵۰

۱-مقدمه

ثبات اقتصاد کلان همواره مورد توجه خاص اقتصاددانان بوده و از اهداف مهم سیاستی در هر نظام اقتصادی محسوب می‌شود؛ مبنای اساسی رشد پایدار اقتصادی وجود یک محیط با ثبات اقتصادی است. این در حالی است که بی‌ثباتی اقتصادی و تورم مداوم از مشکلات عمده‌ی دامن‌گیر اقتصاد اکثر کشورهای در حال توسعه است. تورم و رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم ذهن بسیاری از سیاست‌گذاران و اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است. تا قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، دو متغیر تورم و رشد اقتصادی چندان مورد توجه نبوده است. رشد اقتصادی بالا و تورم پایین دو هدف اصلی سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی می‌باشد. اگرچه سطوح پایین تورم از طریق افزایش انعطاف‌پذیری دستمزدها و قیمت‌ها تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد (Lucas, 1973). لیکن سطح تورم متوسط به بالا از طریق تغییرات نسبی قیمت‌ها اثر نامطلوبی بر توزیع کارای منابع دارد که این امر به نوبه خود اثر نامطلوبی بر رشد اقتصادی دارد (Fisher, 1993).

کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی از جمله ایران، با ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی متفاوت، از درجات بالایی از بی‌ثباتی در متغیرهای اقتصادی برخوردار هستند. رشد اقتصادی و تورم در اقتصاد این کشورها، در مقایسه با اقتصاد کشورهای پیشرفته، بیشتر در معرض نوسان قرار دارند. بررسی‌های تجربی صورت گرفته در بسیاری از این کشورها، نشان می‌دهد ارتباط قوی بین نرخ حقیقی ارز و شوک‌های نفتی و عملکرد شاخص‌هایی نظیر تورم و رشد اقتصادی وجود دارد. ضرورت دارد فرایند رشد اقتصادی از نوسانی و گاه منفی بودن و تورم نیز از افزایشی و گاه دو رقمی بودن در آیند؛ بنابراین در این راستا می‌باید عوامل مؤثر بر رشد و تورم شناسایی و در جهت مورد نظر هدایت شوند. از این رو با توجه به اهمیت تورم و رشد اقتصادی در جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و تأثیرات مهم و قابل توجه متغیرهای نرخ حقیقی ارز و شوک‌های نفتی و نوسانات هر کدام از آن‌ها بر رشد اقتصادی و تورم با کاربرد روش‌های نوین و دقیق اقتصادسنجی، موضوع تحقیق حاضر می‌باشد. کوپوک (۱۹۷۷) اعتقاد داشت از آنجا که هدف فعالیت‌های اقتصادی استفاده از منابع تغییر یافته در جهت رسیدن به خواسته‌ها می‌باشد، همه‌ی تغییرات نمی‌تواند نامطلوب و ناخواسته فرض شود. به همین دلیل وی معتقد بود که باید بین نوسانات مفید و نوساناتی که مشکل‌زا هستند، تفاوت قائل شد. بدین ترتیب، وی بحث می‌کند که نوسانات نباید به هر انحرافی از یک مسیر ثابت تلقی شود، بلکه انحراف بیش از حد نرمال، که مقادیر نرمال معمولاً مقادیر خط روند می‌باشند، مد نظر است. یکی از مسائلی که طی چند دهه اخیر در کانون توجه اقتصاددانان در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بوده است بررسی اثرات شوک‌های نفتی بر ساختار اقتصاد کلان

می‌باشد. در حقیقت با وقوع شوک‌های مثبت نفتی در دهه ۱۹۷۰ و متعاقب آن بروز رکود اقتصادی جهانی توجه بسیاری از محققان به بررسی اثرات شوک‌های نفتی بر ساختار اقتصاد کلان معطوف گردید. طی این دوران مطالعات بسیار زیادی در مورد اثر شوک‌های مثبت نفتی بر اقتصاد کلان و به‌طور خاص بر تولید و رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته انجام پذیرفت. از آن جمله این موارد می‌توان به مطالعات پییرس و انزلر (۱۹۷۴)، راجه و تاتوم (۱۹۷۷)، مورک و هال (۱۹۸۰) و سایر محققان اشاره نمود. در اغلب این مطالعات رابطه منفی میان افزایش قیمت نفت و فعالیت‌های اقتصادی مورد تاکید قرار گرفت. در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی و با کاهش قیمت جهانی نفت خام انتظار بر آن بود که نوعی رونق در اقتصاد جهانی به وجود آید، اما چنین انتظاری برآورده نگردید و به همین علت بحث اثرات نامتقارن شوک‌های نفتی بر ساختار اقتصاد کلان از این زمان وارد ادبیات اقتصادی گردید. از این دوران به بعد و طی چند دهه اخیر مطالعات فراوانی به‌منظور بررسی اثرات نامتقارن شوک‌های نفتی بر اقتصاد کشورهای توسعه یافته غربی که عمدتاً واردکننده نفت به شمار می‌آیند، انجام شده است؛ اما با وجود مطالعات بسیار گسترده‌ای که در کشورهای توسعه یافته واردکننده نفت در این مورد انجام شده است، در کشورهای صادرکننده نفت در طول دهه‌های گذشته مطالعات چندانی در مورد اثراتی که بروز شوک‌های نفتی بر ساختار اقتصاد کلان بر جای می‌گذارند و به‌ویژه اثرات نامتقارن شوک‌های نفتی انجام نشده است و عمده مطالعات انجام شده که عمدتاً در دهه اخیر انجام پذیرفته در مورد اثرات شوک‌های نفتی بر متغیرهای اقتصاد کلان بوده است که از آن جمله می‌توان به مطالعه التونی و ال اوادی (۲۰۰۱)، انشای و دیگران (۲۰۰۵)، برومنت و سیلان و دوگان (۲۰۰۵)، اولومولا و آدجومو (۲۰۰۶)، مطالعه فرزانگان و مارک و وارت (۲۰۰۶) یحیی و متوالی (۲۰۰۷)، لاریک و میگنون (۲۰۰۸)، آنا گومز- لوسکس و همکاران (۲۰۰۹)، آلگریست و همکاران (۲۰۱۵)، رفیق و همکاران (۲۰۱۶)، تمیزی (۲۰۰۲)، اقبالی و همکاران (۲۰۰۴)، مهرآرا و همکاران (۲۰۰۷)، ابریشمی و همکاران (۲۰۰۹)، حسینی نسب و همکاران (۲۰۰۹)، مهرگان و همکاران (۲۰۱۴)، امامی میدی و همکاران (۲۰۰۹) و اثنی عشر و همکاران (۲۰۱۶) اشاره نمود. با توجه به اهمیت نفت در اقتصاد کشورهای واردکننده نفت، نوسانات قیمت نفت علاوه بر تاثیرگذاری بر اقتصاد کشورهای واردکننده، بزرگ‌ترین منبع اختلال در اقتصاد کشورهای وابسته به نفت محسوب می‌شوند. تغییرات قیمت نفت وضعیت تجاری کشورهای واردکننده نفت را دچار تغییر می‌کند. با این توضیح که افزایش ناگهانی قیمت نفت می‌تواند وخیم شدن وضعیت تجاری کشورهای واردکننده نفت را به دنبال داشته باشد و موجب انتقال ثروت از کشورهای واردکننده نفت به کشورهای صادرکننده نفت شود. (Brown, &

(Yucel, 2002) تحلیل اثر تغییرات نفت بر کشورهای صادرکننده نفت به گونه‌ای دیگر است. در برخی از این کشورها و ازجمله ایران، درآمدهای نفتی به شکل کامل و یا بخشی از آن در دست دولت قرار دارد و دولت‌های مزبور نیز از طریق تغییر در مخارج جاری و سرمایه‌گذاری‌های دولتی، درآمدهای مذکور را به اقتصاد تزریق می‌کنند؛ بنابراین اثر درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت از کانال مخارج دولت در اقتصاد جریان می‌یابد و لذا مخارج دولت به عنوان مکانیسم انتشار شوک‌های نفتی در اقتصاد معرفی می‌شود. (Tavakoli; Hoshmand; Salimifar, & Garji 2017). در کشورهای صادرکننده نفت، درآمدهای نفتی سهم زیادی در بودجه دولت دارند و دولت‌ها بودجه طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی خود را از این طریق تأمین می‌کنند و معمولاً در بیش‌تر این کشورها بخش نفت نسبت به دیگر این بخش‌ها از سهم ارزش افزوده بالایی در تولید ناخالص داخلی برخوردار است. (Khalat Bari, 1994) همچنین کشورهای صادرکننده نفت عمدتاً دارای اقتصاد دولتی هستند که توسط درآمدهای نفتی اداره می‌شوند؛ بنابراین عمده سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و حتی سرمایه‌گذاری‌های دیگر از درآمدهای نفتی دولتی تأمین مالی می‌شود. کاهش قیمت نفت در کشورهای صادرکننده نفت باعث کاهش درآمدهای نفتی دولت می‌شود. از آنجاکه مخارج جاری حالت چسبندگی نسبت به پایین دارند و به راحتی امکان کاهش آن در هنگام کاهش درآمدهای نفتی وجود ندارد، کاهش درآمدهای نفتی باعث کاهش سرمایه‌گذاری زیر بنایی می‌شود که این امر خود باعث کاهش تولید جامعه می‌شود. (Delavari et al., 2008) از سوی دیگر نوسانات ناشی از نرخ حقیقی ارز به دلیل ایجاد نا اطمینانی در بین کارگزاران اقتصادی، تصمیمات آتی آن‌ها جهت انجام سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجاکه سرمایه‌گذاری به عنوان بخشی از تقاضای کل اقتصاد است و هرگونه اختلال در آن به اختلال در تولید می‌انجامد، لذا هر تغییر و نوسانی در نرخ حقیقی ارز نیز بر متغیرهای اقتصادی اثرگذار خواهد بود. آنچه مسلم است تورم از معضلات عمده اقتصادی می‌باشد که کنترل آن و ثبات قیمت‌ها یکی از اهداف سیاست‌گذاران، در هر کشور می‌باشد. در این راستا سیاست‌های مدیریت تقاضا و بخصوص سیاست‌های پولی به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای نیل به این اهداف می‌باشد. سیاست‌های پولی بدون شک مستقیم‌ترین عامل اثرگذار و تعیین کننده تورم می‌باشند و با بکارگیری و هدایت صحیح سیاست‌های پولی می‌توان ضمن دستیابی به تورم پائین و با ثبات به رشد اقتصادی پایدار نیز دست یافت. تغییرات قابل ملاحظه در قیمت نفت، نرخ حقیقی ارز در کشورهای صادرکننده واردکننده نفت بر فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها به شدت مؤثر بوده و لذا هرگونه شوک ناشی از این موارد، منجر به نابسامانی‌ها در اقتصاد این کشورها خواهد داشت. در این

تحقیق به بررسی روابط بین شوک‌های مثبت و منفی قیمت نفت و تلاطم نرخ حقیقی ارز بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی، شامل دوازده کشور صادرکننده نفت (ایران، عراق، عربستان، امارات متحده عربی، الجزایر، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، اکوادور، آنگولا، ونزوئلا) و دوازده کشور واردکننده نفت شامل (مالزی، مصر، مالی، گابن، تونس، توگو، سودان، گینه، اندونزی، پاکستان، بنگلادش، ترکیه) استفاده شده است. به‌طور مشخص در این تحقیق به دو پرسش در خصوص کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی پاسخ می‌دهیم. آیا بر اساس پیش‌بینی نظری ارتباط مثبت بین شوک‌های قیمت نفت و رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت منتخب عضو کنفرانس اسلامی وجود دارد؟ آیا ارتباط مثبت بین تلاطم نرخ حقیقی ارز و رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت منتخب عضو کنفرانس اسلامی وجود دارد؟

پس از مقدمه در بخش اول، پیشینه تحقیق بررسی می‌شود. بخش سوم، به روش تحقیق اختصاص دارد. برآورد مدل و آزمون فرضیه‌ها را در بخش چهارم ارائه می‌دهیم. در بخش پایانی به نتیجه‌گیری و پیشنهادات خواهیم پرداخت.

۲- پیشینه پژوهش

در این بخش به لحاظ نظری به تحلیل مسیرها و مکانیسم‌های اثرگذاری شوک‌های قیمت نفتی و تلاطم نرخ حقیقی ارز بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت می‌پردازیم. در ادامه‌ی این بخش به تشریح علل عدم تقارن در کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت و ادبیات موضوع خواهیم پرداخت.

با یکپارچگی اقتصاد جهانی، تقاضا برای تحلیل‌های کمی حاصل از انواع شوک‌ها در سطح جهانی روز به روز بیشتر می‌شود. کشورهایی که اقتصاد آن‌ها به درآمدهای نفت وابسته است، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که باعث عملکرد ضعیف اقتصاد آن‌ها شده است. این ویژگی‌ها عبارتند از: جهت‌گیری تخصیص منابع به بخش غیرتجاری در مقایسه با بخش تجاری، ارتباط تنگاتنگ بودجه به نوسانات درآمدهای نفتی، ارزش‌گذاری بیش‌ازحد نرخ حقیقی ارز، ناقص و ضعیف بودن بازارهای مالی. تلاطم نرخ حقیقی ارز، تقاضای کل اقتصاد را از طریق واردات، صادرات و تقاضای پول و همچنین عرضه کل اقتصاد را از طریق هزینه‌های کالاهای واسطه‌ای وارداتی تحت تأثیر قرار می‌دهد. مباحث نظری جدید و به دنبال آن بررسی‌های تجربی انجام گرفته، حاکی از آن است که تلاطم نرخ حقیقی ارز، اثرات متفاوتی بر متغیرهای کلان اقتصادی در اقتصادهای مختلف برجای خواهد گذاشت. به گونه‌ای که چگونگی و اندازه

این تأثیر بر متغیرها متفاوت و بستگی به شرایط اولیه هر اقتصاد دارد. از طرف دیگر، در عرصه اقتصاد جهانی بازار نفت از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این ویژگی ناشی از نقش دوسویه‌ای است که این منبع مهم و استراتژیک برای کشورهای صادرکننده واردکننده آن دارد. نفت یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید در کشورهای واردکننده نفت است و افزایش قیمت آن موجب افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه کاهش سطح تولید می‌شود. از سوی دیگر، برای کشورهای صادرکننده نفت، درآمدهای حاصل از صادرات نفت به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع درآمد در بودجه و مؤثر بر تولید ناخالص داخلی آن‌ها به حساب می‌آید. (Samsami & Helali, 2011)

مدل مفهومی

آثار متغیرهای مستقل بر رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت

شوگ قیمت نفت: افزایش در قیمت نفت باعث می‌شود که درآمدهای بیشتری از کشورهای واردکننده نفت به کشورهای صادرکننده نفت منتقل شود. افزایش قیمت نفت باعث رونق این بخش و افزایش جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌شود. کاهش در قیمت نفت در کشورهای صادرکننده نفت باعث کاهش درآمدهای نفتی دولت می‌شود. از آنجا که مخارج جاری حالت چسبندگی نسبت به پایین دارند و به راحتی امکان کاهش آن در هنگام کاهش درآمدهای نفتی وجود ندارد، کاهش درآمدهای نفتی باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی می‌شود که این امر خود باعث کاهش تولید جامعه می‌شود. (Abbasian et al., 2007)

تلاطم نرخ حقیقی ارز: تلاطم نرخ حقیقی ارز از طریق ارزان شدن نسبی قیمت کالاهای صادراتی و گران تر شدن نسبی قیمت کالاهای وارداتی موجب تقویت توان رقابتی تولیدات داخل در مقایسه با رقبای خارجی می‌شود و در نتیجه با تقویت صادرات تولید داخل به افزایش رشد اقتصادی منجر می‌شود. از سوی دیگر از طریق افزایش هزینه‌های تولیدکنندگان به دلیل گران شدن مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی است که می‌تواند به تضعیف تولید داخل و کاهش رشد اقتصادی منجر شود. (Motahari; Lotf Alipour, & Ahmadi Shadmehri, 2017)

تلاطم در نرخ حقیقی ارز از طریق ایجاد عدم اطمینان در قیمت‌های آتی کالاها و خدمات بر بخش حقیقی اثر می‌گذارد. کارگزاران اقتصادی تصمیم‌گیری‌های خود را در زمینه تولید، سرمایه‌گذاری و مصرف بر پایه اطلاعاتی که سیستم قیمت‌ها برای آن فراهم می‌سازد، پی‌ریزی می‌کنند. قیمت‌های غیرقابل اطمینان و

غیرقابل پیش‌بینی ناشی از نا اطمینانی در نرخ ارز، باعث افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری شده و در نتیجه اثر منفی بر تولید دارد و باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. (Akbarian, 2008)

آثار متغیرهای مستقل بر تورم در کشورهای صادرکننده نفت

شوگ قیمت نفت: شوگ قیمت نفت به دلیل باز توزیع درآمد میان کشورهای صادرکننده واردکننده نفت منجر به تغییر تقاضای کل می‌شود. افزایش قیمت نفت احتمالاً عرضه کل را کاهش خواهد داد؛ زیرا با افزایش قیمت انرژی، بنگاه‌ها انرژی کمتری خریداری می‌کنند بطوری که بهره‌وری نیروی کار و سرمایه و به دنبال آن تولید بالقوه کاهش می‌یابد و سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد. (Hamilton, 2003)

تلاطم نرخ حقیقی ارز: افزایش نوسانات نرخ ارز و نا اطمینانی در آن باعث افزایش ریسک در تجارت بین المللی می‌شود و هزینه تجارت را افزایش می‌دهد که باعث کاهش تجارت و کاهش در تولید و رشد اقتصادی و در نهایت باعث افزایش سطح قیمت‌ها می‌شود. (Akbarian, 2008)

از سوی دیگر با افزایش نرخ حقیقی ارز و افزایش تقاضای کالاهای تولید داخل، قیمت این کالاها رفته رفته افزایش یافته و لذا از این منظر و همچنین افزایش دستمزد ناشی از افزایش تقاضای نیروی کار توسط بنگاه‌های داخلی، قیمت تمام شده محصولات داخلی افزایش یابد و لذا قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در مقایسه با رقبای خارجی در این حالت تضعیف شده و در نهایت باعث افزایش تورم می‌شود. (Motahari; Lotf Alipour, & Ahmadi Shadmehri, 2017)

آثار متغیرهای مستقل بر رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده نفت

شوگ قیمت نفت: اقتصاد دانان برای توضیح چگونگی تأثیر تغییرات قیمت نفت بر روی مجموعه فعالیت‌های اقتصادی، چندین توجیه ارائه نموده‌اند. پایه‌ای‌ترین این توجیه‌ها، شوگ کلاسیک طرف عرضه است که در آن افزایش قیمت نفت نشان دهنده کاهش موجودی یکی از نهاده‌های مهم برای تولید است. افزایش قیمت نفت با انتقال درآمد از کشورهای واردکننده به کشورهای صادرکننده نفت، باعث کاهش تقاضای کل و کند شدن فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. (Brown & Yucel, 2002)

تلاطم نرخ حقیقی ارز: با کاهش ارزش پول، قیمت کالاهای وارداتی بالا می‌رود. حال اگر این کالاهای وارداتی در حکم کالاهای واسطه‌ای باشند، افزایش قیمت آن‌ها منجر به افزایش هزینه‌های تولید کالاهایی می‌شود که از این کالاها استفاده می‌کنند، به کاهش تولید کل و رشد اقتصادی منجر می‌شود. (Sodersten & Reed, 1994)

آثار متغیرهای مستقل بر تورم در کشورهای واردکننده نفت

شوگ قیمت نفت: افزایش قیمت نفت بر مصرف و تقاضای سرمایه‌گذاری اثر گذاشته و تقاضای کل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چرا که افزایش بهای نفت با کاهش درآمد قابل تصرف در کشورهای واردکننده نفت به کاهش مصرف می‌انجامد و با افزایش هزینه تولید، تقاضای سرمایه‌گذاری را نیز کاهش می‌دهد و سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد. (Jin, 2008)

تلاطم نرخ حقیقی ارز: افزایش نرخ حقیقی ارز باعث کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت کالای وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌شود و باعث افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه افزایش تورم می‌گردد. (Mehrabi Boshrahadi et al., 2010)

عدم تقارن در کشورهای صادرکننده نفت

مطمناً دلایل عدم تقارنی که برای کشورهای صنعتی واردکننده نفت به دست آمده، نمی‌تواند ادله‌ی خوبی برای تأیید عدم تقارن در کشورهای صادرکننده نفت باشد، ولی می‌توان دلایلی را ذکر کرد که پایه آزمون تجربی بحث عدم تقارن درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلاندر کشورهای صادرکننده نفت قرار بگیرد. یکی از علل عدم تقارن در ترکیب بودجه دولت و نحوه واکنش آن به تکانه درآمدهای نفتی نهفته است، با بروز یک تکانه مثبت نفتی، هزینه‌های جاری، عمرانی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری دولت به سرعت افزایش می‌یابد، اما با بروز یک تکانه منفی نفتی به دلیل برگشت ناپذیری بخش اعظم هزینه‌های جاری که تعهدات پایداری ایجاد نموده و کاهش آن می‌تواند تبعات سیاسی در بر داشته باشد، هزینه‌های عمرانی قربانی اصلی خواهند بود. با توجه به سهم مهم دولت در تشکیل سرمایه، این امر می‌تواند یکی از علل مهم کاهش شدیدتر رشد اقتصادی هنگام بروز تکانه‌های منفی نفت نسبت به تکانه‌های مثبت باشد. یکی دیگر از علل عدم تقارن، در ترکیب کالاهای وارداتی وابستگی بخش صنعت به ورود کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد اولیه از خارج کشور نهفته است. با بروز یک تکانه مثبت نفتی، در ابتدا ظرفیت‌های اقتصادی برای جذب درآمدهای اضافی و تبدیل آن به سرمایه فیزیکی محدود است و به گذشت زمان جهت تطبیق با شرایط جدید نیاز دارد؛ بنابراین آثار مثبت آن با تأخیر و به مرور در اقتصاد ظاهر خواهد شد؛ اما بروز یک تکانه منفی، واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد اولیه از خارج را در همان دوره به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد و این امر نه تنها سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت‌های تولیدی جدید را کاهش می‌دهد، بلکه موجب بلا استفاده ماندن بخش مهمی از ظرفیت‌های موجود بخش صنعت که به واردات کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای از خارج وابسته‌اند، خواهد شد؛ بنابراین اثرات منفی یک تکانه

کاهش درآمد نفتی با سرعت و شدت بیشتری نسبت به اثرات مثبت یک تکانه افزایش درآمد نفتی در اقتصاد ظاهر خواهد شد.

عدم تقارن در کشورهای واردکننده نفت

تئوری‌های اقتصادی و شواهد تجربی مربوط به کشورهای واردکننده نفت رابطه معکوس بین نوسانات قیمت نفت و رشد تولید ناخالص داخلی واقعی را در این کشورها تأیید کرده‌اند. همچنین نظریه‌های گوناگونی در جهت توضیح این رابطه معکوس از طریق مجاری مختلف ارائه شده‌اند. در این زمینه اساسی‌ترین تئوری ارائه شده، اثر طرف عرضه کلاسیک می‌باشد. طبق این تئوری، افزایش قیمت نفت موجب می‌شود که دسترسی به تفت به عنوان پایه‌ای‌ترین نهاده تولید کاهش پیدا کند. سایر کانال‌هایی که در این زمینه معرفی شده‌اند شامل انتقال درآمد از کشورهای واردکننده نفت به صادرکننده نفت و تأثیر آن بر تقاضای کل، سیاست پولی و اثر تراز واقعی هستند. با کاهش قیمت نفت در دهه ۱۹۸۰، تحقیقات متعددی نشان دادند که افزایش قیمت نفت بیشتر از کاهش آن، فعالیت اقتصادی آمریکا را متأثر می‌سازد؛ به عبارت دیگر، افزایش قیمت‌های نفت منجر به کاهش رشد اقتصادی آمریکا و بسیاری از کشورهای واردکننده نفت می‌شود؛ در حالیکه، کاهش قیمت‌ها تأثیر چندانی بر رشد این کشورها ندارد. محققان از این شرایط با عبارت آثار نامتقارن تکانه‌های نفتی یاد می‌کنند؛ بنابراین تحقیقات متعددی برای توضیح علل این آثار توسط اقتصاددانانی چون سادروسکی (۱۹۹۹) و همیلتون (۱۹۸۸) انجام شد. به طور کلی، در این زمینه سیاست پولی، هزینه‌های انطباق و عدم تقارن در قیمت فرآورده‌های نفتی از دلایل اصلی آن نام برده شده است.

در راستای این مطالعه، مطالعات گوناگونی در داخل کشور و همچنین، در خارج از کشور انجام شده است. در زیر به پاره‌ای از مطالعات اشاره شده است.

مطالعات انجام شده در داخل کشور

عباسیان (۲۰۱۲) به بررسی "تأثیر عدم اطمینان نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی" در دوره زمانی ۱۳۵۴-۱۳۸۷ می‌پردازند. مدل به کار رفته در این تحقیق به صورت زیر است:

$$Drs_t = \beta_0 + \beta_1 Drs_{t-1} + \beta_2 Drs_{t-2} + \beta_3 Dopen_{t-1} + \beta_4 Dopen_{t-2} + N_t^{IS}$$

که در آن؛ ts : نرخ ارز، $open$: شاخص اقتصاد باز (نسبت مجموع صادرات واردات کشور به GDP)، D : اختلاف مرتبه اول لگاریتم متغیر، Nt : عامل خطا با شرایط استاندارد. نتایج تحقیق بیانگر تأثیر منفی و معنی دار عدم اطمینان نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی می‌باشد. زینی وند و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی "تحلیل اثر تکانه‌های نرخ ارز، سرمایه‌گذاری خارجی و درآمدهای نفتی بر تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو اوپک بار هیافت خود رگرسیون برداری پنل می‌پردازند. مدل به کار رفته در این مطالعه به صورت زیر است.

$$LGDP = L\beta_0 + \beta_1 LID + \beta_2 FDI + \beta_3 LL + \beta_4 LOILEXP + \beta_5 LE + \beta_6 LG + \beta_7 LEX + u_t$$

که در آن $LGDP$ لگاریتم تولید داخلی، LG لگاریتم مخارج دولتی، LID ، لگاریتم سرمایه‌گذاری داخلی، LL لگاریتم تعداد نیروی کار، FDI خالص سرمایه‌گذاری سیستم خارجی، LE لگاریتم نرخ ارز واقعی، $LOILEXP$ لگاریتم درآمدهای حاصل از صادرات نفت، LEX لگاریتم حاصلضرب درآمدهای حاصل از صادرات نفت در نرخ ارز. برای این منظور از روش $PANELNAR$ در دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۲ استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که طی دوره مذکور شوک‌های مثبت در درآمد نفتی، کاهش ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز) و افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به افزایش تولید ناخالص داخلی کمک کرده است.

فرزام و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر شوک‌های قیمتی نفت بر اشتغال در کشورهای منتخب صادرکننده نفت طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۰ می‌پردازد. مدل به کار رفته در این مطالعات بصورت زیر است:

$$Nt = \alpha_0 + \alpha_1 \ln Nit - 1 + \alpha_2 \ln yit + \alpha_3 \ln wit + \alpha_4 \ln rit + \alpha_5 \ln opit + uit$$

در معادله بالا، اشتغال (N)، تولید (y)، دستمزد (w)، نرخ بهره (r)، شوک قیمتی نفت (op) می‌باشد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که در کشورهای صادرکننده نفت، اشتغال تحت تأثیر شوک‌های قیمت نفت بوده و بطور مستقیم از آن تأثیر می‌پذیرد. لذا در این کشورها با افزایش قیمت نفت، درآمدهای نفتی افزایش یافته و اشتغال افزایش می‌یابد و بالعکس.

صمدی و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی اثرات نامتقارن شوک‌های قیمت نفت بر نرخ بهره و رشد اقتصادی طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۹۳ در ایران می‌پردازد. مدل به کار رفته در این مطالعه بصورت زیر است:

$$\Delta x_t = (a_1 + \sum \Gamma_{1,i} \Delta X_{t-i}) + (a_2 + \sum \Gamma_{2,i} \Delta X_{t-i}) G(Z_t; c, \gamma) + e_t$$

در معادله بالا، x_t برداری $1 \times k$ از متغیرهای سری زمانی است. رشد تولید (y_t)، قیمت واقعی نفت ($Roilt$)، نرخ بهره (rt) و نوسانات قیمت نفت ($Voil$) متغیرهای مورد استفاده هستند. نتایج حاکی از آن است که شوک‌های قیمت نفت در دو رژیم نوسانات بالا و پایین دارای اثرات متفاوت و نامتقارنی بر رشد اقتصادی و نرخ بهره هستند. شوک قیمت نفت در رژیم نوسانات بالا در شروع باعث کاهش شدیدتر رشد اقتصادی نسبت به افزایش رشد اقتصادی در رژیم نوسانات پایین می‌شود.

مطالعات انجام شده در خارج کشور

ادواردز (۱۹۸۶) به تحلیل "اثر تغییر نرخ ارز واقعی بر میزان رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی" پرداخته است. در این تحقیق یک مجموعه از ۱۲ کشور در حال توسعه، از قبیل کشورهای هند، مالزی، فیلیپین، سریلانکا، تایلند، یونان، برزیل، کلمبیا، السالوادور، آفریقای جنوبی و یوگسلاوی در نظر گرفته شده و دوره زمانی ۱۹۸۰-۱۹۶۵، به‌طور سالیانه مورد مورث استفاده در این مطالعه به صورت زیر است:

$$\log y_t = \alpha + \gamma \text{time} + \beta_1 \log(GE/Y)_t + \beta_2 [\Delta \log M - \Delta \log M^*] + \beta_3 \log \tau_t + \beta_4 \log e_t + \varepsilon_t$$

که در آن (y_t) تولید ناخالص داخلی حقیقی، (GE/Y) مخارج اسمی دولت به درآمد اسمی، $[\Delta \log M - \Delta \log M^*]$ نرخ رشد پیش‌بینی نشده پول^۱ است که از تفاضل دو متغیر نرخ واقعی رشد حجم اسمی پول^۲ و نرخ رشد پیش‌بینی شده حجم اسمی پول^۳ بدست می‌آید. (τ) رابطه مبادله، (e) نرخ ارز حقیقی و (ε) جز اخلاص است. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر این است که کاهش ارزش پول در کوتاه‌مدت دارای اثر منفی بر تولید ناخالص داخلی است و پس از گذشت یک سال نتایج کاملاً برعکس می‌شود. به‌طوریکه کاهش ارزش پول اثر انبساطی بر تولید ناخالص داخلی می‌گذارد و بدین ترتیب در بلندمدت اثر کاهش ارزش پول خنثی^۴ می‌باشد.

1 Unexpected Rate of Growth of Money or Money Surprises

2 Actual Rate of Growth of Nominal Money

3 Expected Rate of Growth of Nominal Money

4 Neutral

رودینگز و سانچز (۲۰۰۴)، در مطالعه‌ای به ارزیابی "اثرات شوک‌های نفتی بر فعالیت حقیقی اقتصاد در کشورهای صنعتی (OECD) شامل کشورهای عضو گروه هفت، نروژ و کل منطقه اروپا" در دوره زمانی ۱۹۷۲-۲۰۰۱ می‌پردازند. در این مدل بیشتر از کشورهای واردکننده نفت استفاده شده اما دو کشور انگلستان و نروژ که صادرکننده نفت هستند نیز در مدل لحاظ شده‌اند. در این تحقیق از روش خود رگرسیون برداری چند متغیره (VAC) با استفاده هر دو مدل خطی و غیر خطی استفاده شده است. مدل به کار رفته شامل هفت متغیر GDP حقیقی، نرخ ارز حقیقی، قیمت نفت حقیقی، دستمزد واقعی، تورم و نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد و مدل خود رگرسیون برداری از مرتبه (VAR(P)) به صورت زیر می‌باشد.

$$Y_t = C + \sum_{i=1}^P \phi_i Y_{t-i} + \varepsilon_t$$

که در آن: Y_t : برداری ($n \times 1$) از متغیرهای درون زاء، C : برداری ستونی از مرتبه ۷

ϕ_i : i : امین ماتریس با مرتبه ۷ از ضرایب خود رگرسیون به ازای P و ... ۲ و ۱

و ε_t نیز برداری ستونی با مرتبه ۷ می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که افزایش قیمت نفت اثر منفی قابل توجهی بر GDP تمامی کشورهای واردکننده، نفت به جز ژاپن دارد. هم چنین اثر افزایش قیمت نفت بر رشد GDP آمریکا بیشترین مقدار می‌باشد. تأثیر شوک نفت بر دو کشور صادرکننده نفت در مدل متفاوت است. قیمت نفت به طور مثبت بر رشد GDP نروژ تأثیر می‌گذارد حال آنکه بدلیل بیماری هلندی، تأثیر منفی بر فعالیت‌های حقیقی انگلستان دارد.

اواسط ما المولالی و همکاران (۲۰۱۰)، به بررسی "تأیید شوک‌های نفتی بر تولید ناخالص داخلی قطر" با استفاده از داده‌های سری زمانی برای دوره ۱۹۶۰-۲۰۰۷ پرداخته‌اند. در این مطالعه از آزمون هم انباشتگی هانسون-ژوسلیوس و آزمون علیت گرنجر VECM استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از تأثیر مثبت قیمت نفت بر GDP نظر دارد اما این تأثیر مثبت به قیمت افزایش تورم بوده به طوریکه به دلیل وجود سیستم نرخ ارز ثابت، مازاد تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی سریع، اقتصاد این کشور را آسیب پذیر ساخته است. مدل به کار رفته در این تحقیق یک مدل VAR به شکل زیر است.

$$\log GDP_t = \alpha + \beta_1 \log op_t + \beta_2 \log TDN_t + \beta_3 \log INF_t + \varepsilon_t$$

که در آن به GDP تولید ناخالص داخلی، OP قیمت نفت، TDN، ارزش کل تجارت و INF نرخ تورم سالانه است.

تفاوت مطالعه حاضر با این مطالعات شامل موارد زیر می‌باشند: ۱- آثار نامتقارن همزمان شوک‌های مثبت و منفی قیمت نفت و تداطم‌های نرخ حقیقی ارز بر هر دو متغیر رشد اقتصادی و تورم مورد مطالعه قرار گرفته است. ۲- در این مطالعه متغیرهای وابسته رشد اقتصادی و تورم می‌باشند که هم اثر متغیرهای مستقل و هم شوک این متغیرها بر روی دو متغیر وابسته بررسی می‌گردد. ۳- در این تحقیق سعی شده است تا کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در دو گروه منتخب از کشورهای صادرکننده واردکننده نفت مورد مطالعه قرار گیرند، که در مقایسه با سایر مطالعات که فقط یک کشور یا منحصراً یک گروه از کشورهای صادرکننده نفت یا کشورهای واردکننده نفت مورد مطالعه قرار داده‌اند تمایز دارد.

۳- روش شناسی

تحقیق حاضر برای بررسی آثار شوک‌های مثبت و منفی قیمت نفت، نرخ حقیقی ارز بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادرکننده واردکننده نفت خام از دو گروه منتخب شامل دوازده کشور صادرکننده (شامل ایران، عراق، عربستان، امارات متحده عربی، الجزایر، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، اکوادور، آنگولا، ونزوئلا) و دوازده کشور واردکننده نفت شامل (مالزی، مصر، مالی، گابن، تونس، توگو، سودان، گینه، اندونزی، پاکستان، بنگلادش، ترکیه) استفاده خواهد نمود. مدلی را که بتوان تأثیر نامتقارن شوک‌ها را در نظر بگیرد مدل GARCH-نمایی یا EGARCH می‌نامند که نلسون (Nelson, 1991) آن را ارائه داده است. دلیل ابداع این مدل این است که مدل ARCH، تأثیر اخبار خوب و بد را یکسان لحاظ کرده است و از طرفی دیگر تمامی ضرائب واریانس شرطی باید مثبت باشد. برای دستیابی به این مهم با اقتباس از مطالعه (Rafiq et al., 2016) مدل‌های رشد اقتصادی و تورم به صورت زیر معرفی می‌گردد:

مدل [1]

$$LGDP_{it} = \alpha_{it} + LGDP_{it-1} + \beta_{it} LVPoil_{it} + \beta_{it} LVnoil_{it} + \delta_{it} LRER_{it} + \delta_{it} LVRER_{it} + \lambda_{it} LK_{it} + \psi_{it} LE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل [2]

$$LInf_{it} = \alpha_{it} + \beta_{it} LInf_{it-1} + \beta_{it-1} LVPoil_{it} + \beta_{it} LVnoil_{it} + \delta_{it} LRER_{it} + \delta_{it} LVRER_{it} + \lambda_{it} LK_{it} + \psi_{it} LE_{it} + \varepsilon_{it}$$

LGDP (لگاریتم رشد اقتصادی)، LVpoil (لگاریتم شوک مثبت قیمت نفت)، LVnoil (لگاریتم شوک منفی قیمت نفت)، LInf (لگاریتم تورم)، LRER (لگاریتم نرخ حقیقی ارز)، LVRER (لگاریتم تلاطم نرخ حقیقی ارز)، LK (لگاریتم سرمایه‌گذاری)، LE (لگاریتم سرمایه‌انسانی) و ضرائب δ ، λ ، ψ ، γ ، β منعکس‌کننده روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرهای رشد اقتصادی و تورم با متغیرهای توضیحی است. ضریب ε جزء خطاست و اندیکس i نشان‌دهنده کشور و اندیکس t نشان‌دهنده زمان است.

در ادامه مزایای مدل EGARCH، بیان می‌گردد:

۱. معادله واریانس شرطی دارای فرم لگاریتم خطی می‌باشد، لذا ضرائب واریانس شرطی هر مقداری می‌تواند باشند. به عبارتی دیگر، امکان منفی بودن ضرایب در این مدل وجود دارد، یعنی این مدل می‌تواند اثرات شوک‌های منفی را نیز نشان دهد، در صورتی که در مدل ARCH تمامی ضرائب واریانس شرطی بایستی مثبت باشند.

۲. در مدل EGARCH به جای استفاده از مقدار مربع خطای جزء اخلاص دوره قبل، از مقدار استاندارد شده‌ی آن، که حاصل تقسیم خطای جزء اخلاص دوره قبل بر جذر مقدار شوک آن در دوره قبل است، استفاده می‌شود.

۳. مدل EGARCH، تأثیرات اهرمی^۱ را نیز لحاظ می‌کند. (تأثیرات اهرمی مانند بسیاری از اوراق سهام، که در آن‌ها همبستگی منفی شدیدی میان بازده فعلی و نوسانات آینده وجود دارد، میل نوسانات سهام بازده سهام به کاهش (افزایش) را، در شرایطی که بازده افزایش (کاهش) می‌یابد، اندازه‌گیری می‌کند. (Enders, 2007).

همانطور که در مطالعات پیشین اشاره گردید: فرزام و همکاران (۲۰۱۷) به "بررسی تأثیر شوک‌های قیمتی نفت بر اشتغال در کشورهای منتخب صادرکننده نفت طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. "رودیگز و سانچز (۲۰۰۴)، در مطالعه‌ای به ارزیابی "اثرات شوک‌های نفتی بر فعالیت حقیقی اقتصاد در کشورهای صنعتی (OECD) شامل کشورهای عضو گروه هفت، نروژ و کل منطقه اروپا" در دوره زمانی ۱۹۷۲-۲۰۰۱ می‌پردازند. رفیق و همکاران (۲۰۱۶) "شوک‌های نفتی و تعادل خارجی در کشورهای عمده صادرکننده واردکننده نفت" پرداخته‌اند. آلگریت و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به بررسی شوک‌های قیمت نفت و عدم توازن جهانی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ماهیت شوک در درک اثرات شوک‌های

¹ Leverage Effect

قیمت نفت بر عدم توازن جهانی تأثیر دارد. ایشان همچنین تصریح می‌کنند که درک کامل اثرات شوک‌های نفتی بر تعادل جهانی نیازمند بررسی هر دو کانال‌های تجاری و جریان بین‌المللی سرمایه است. بررسی‌های تجربی صورت گرفته در بسیاری از این کشورها، نشان می‌دهد ارتباط قوی بین نرخ حقیقی ارز و شوک‌های نفتی و عملکرد شاخص‌هایی نظیر تورم و رشد اقتصادی وجود دارد. همچنین در این مطالعه آمار و اطلاعات بانک جهانی برای دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۰ جمع‌آوری گردیده است. برای برآورد الگوهای مورد نظر و آزمون فرضیات طرح شده، از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews7 استفاده شده است.

۴- نتایج

آزمون ریشه واحد

جهت انجام ریشه واحد و تعیین ساکن پذیری داده‌ها، از روش استاندارد لوین، لین و چو (۲۰۰۲) استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱): نتایج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو

کشورهای صادرکننده نفت			کشورهای واردکننده نفت			
متغیر	آماره آزمون	احتمال	نتیجه آزمون	آماره آزمون	احتمال	نتیجه آزمون
LGDP	-۳/۱۹	*۰/۰۰۱	ساکن	-۴/۸۹	۰/۰۰۶	ساکن
LOil price	-۱/۷۰	*۰/۰۴۳	ساکن	-۲/۲۱	۰/۰۱۳	ساکن
LRER	-۲/۴۲	*۰/۰۰۷	ساکن	-۲/۸۷	۰/۰۰۲	ساکن
LK	-۱۲/۹۷	*۰/۰۰۱	ساکن	-۴/۳۰	۰/۰۰۰	ساکن
LE	-۸/۵۶	*۰/۰۰۱	ساکن	-۱/۷۴	۰/۰۴۰	ساکن
LINF	-۴/۰۵	*۰/۰۰۰	ساکن	-۴/۷۶	۰/۰۰۰	ساکن

منبع: محاسبات تحقیق

(*: نشان دهندهی prob آماره‌های مورد نظر است)

نتایج نشان می‌دهد که همه متغیرها در سطح از یک فرآیند ساکن پیروی می‌کنند. فرضیهی H_0 ، مبنی بر وجود ریشه‌ی واحد، پذیرفته نشده است، چرا که مقدار آماره محاسباتی، از لحاظ قدر مطلق اعداد، از مقدار آماره سطح معنی داری بزرگ‌تر است.

برآورد متغیر شوک نفتی

برآورد الگوی ARIMA

در مدل GARCH اثر شوک های نفتی متقارن در نظر گرفته می‌شود. از این رو برای تحلیل رفتار نوسانات در شکل گیری ناپایداری لازم است از یک مدل نامتقارن استفاده شود. در این تحقیق از مدل نامتقارن EGARCH برای استخراج شوک های قیمتی نفت استفاده شده است. برای برآورد مدل EGARCH در مورد سری قیمت نفت (oilp) ابتدا لازم است، معادله میانگین شرطی برآورد شود. برای برآورد بهترین مدل ARIMA از متدلوژی باکس-جنکینز استفاده شده است.

جدول (۲): برآورد مدل کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
AR (1)	۱/۱۲	۰/۰۶	۱۸/۰۹	۰/۰۰
MA (2)	-۰/۸۹	۰/۲۸	-۳/۲۴	۰/۰۰
MA (3)	-۱/۲۴	۰/۳۸	-۳/۲۲	۰/۰۰
MA (4)	-۰/۸۳	۰/۲۸	-۲/۹۱	۰/۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

همان گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، تمامی متغیرها از نظر آماری معنی دار هستند. همچنین با توجه به ساکن بودن جملات اخلاص، این تخمین می‌تواند نشان دهنده $ARIMA(1,1,3)$ مناسب باشد.

انتخاب p و q بهینه در یک فرآیند $ARIMA(p,q)$

برای انتخاب p و q بهینه در فرآیند $ARIMA(p,q)$ معیارهای متفاوتی وجود دارد که در این مطالعه از معیارهای شوارتز (SC) استفاده شده است:

جدول (۳): انتخاب p و q بهینه در فرآیند $ARIMA(p,q)$

درجه EGARCH معیار	(۱۰)	(۰۱)	(۱۱)	(۱۲)	(۲۱)	(۲۲)
شوارتز	۱۸.۲۱	۱۹.۸۵	*۱۷.۴۳	۱۸.۰۳	۱۸.۸۷	۱۹.۲۲

منبع: محاسبات تحقیق

ایوانو کیلیان (۲۰۰۵) نشان دادند که مناسب ترین معیار انتخاب وقفه بهینه برای الگوهای با حجم نمونه کمتر از ۱۲۰، معیار شوارتز-بیزین است، در این مرحله با در نظر گرفتن مقدار کمینه معیار شوارتز وقفه

بهینه‌ی $ARIMA(p,q)$ انتخاب می‌گردد با توجه به نتایج جدول ۳، با در نظر گرفتن $ARIMA(1,1)$ به عنوان معیار تخمین شوک‌های قیمت نفت، سری قیمت نفت تخمین زده می‌شود.

برآورد مدل $EGARCH(1,1)$

برای برآورد این معادله براساس مطالعه لی و همکاران (۱۹۹۵)، هملتون (۱۹۹۶) و سایر مطالعات تجربی فرض شد که قیمت های چهار فصل گذشته همراه با اخبار و اطلاعات جدید که ناشناخته‌اند قادر به تعیین قیمت‌های جاری هستند؛ بنابراین مدل $EGARCH(1,1)$ به عنوان مناسب ترین مدل از نظر معیار باکس جنکینز از بین معادلات برآوردی انتخاب شده است. همچنین انحراف معیار قیمت نفت حاصل از $EGARCH(1)$ در جدول (۴) آمده است. مثبت بودن مقدار پارامتر γ در برآورد مدل $EGARCH$ نشان می‌دهد که تأثیر شوک‌های مثبت قیمت نفت در بازارهای جهانی نفت نااطمینانی (نوسانات) قیمتی بیشتری را به دنبال دارد. در حالی که تأثیر شوک‌های منفی قیمت نفت باعث کاهش نوسانات و نااطمینانی قیمتی در بازارهای جهانی نفت می‌شود. از آنجا که ارزش مطلق تأثیر گذاری شوک های منفی و مثبت هم اندازه بر نوسانات قیمت نفت برابر نیست، شوک‌های اولیه قیمتی در بازارهای جهانی نفت تأثیر نامتقارن بر شکل گیری نوسانات قیمتی نفت دارند.

جدول (۴): نتایج برآورد مدل $EGARCH(1,1)$

معادله میانگین شرطی (oilpt)					
متغیر	α	Oilpt-1	Oilpt-2	Oilpt-3	Oilpt-4
ضریب	۸۰۴/۵۴۷۶	۱۰۰/۶۹	-۰/۳۰۱۷	۰/۲۰۰۵	۰/۰۵۱۹
انحراف معیار	۹۸۷۴/۰۶۰	۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۹۲
معادله واریانس $\log(\delta^2)$					
متغیر	ω	$\log(\delta_{t-1}^2)$	$\frac{\varepsilon_{t-1}}{\delta_{t-1}}$	$\left \frac{\varepsilon_{t-1}}{\delta_{t-1}} \right $	
ضریب	۰/۱۳۲۷	۰/۸۳۱۲	۰/۴۱۱۰	۰/۴۳۱۱	
انحراف معیار	۰/۲۰۵۱	۰/۰۶۴۹	۰/۲۲۴۷	۰/۲۷۳۴	

ماخذ: محاسبات تحقیق

مثبت بودن مقدار پارامتر γ در برآورد مدل $EGARCH$ ، نشان می‌دهد که تأثیر شوک‌های مثبت قیمت نفت در بازارهای جهانی نفت نااطمینانی قیمتی بیشتری را به دنبال دارد؛ زیرا $(\gamma + \beta)$ برابر با ۰/۸۴۲۱ می باشد

در حالی که کاهش قیمت نفت (شوگ‌های منفی قیمت نفت) باعث کاهش نوسانات نااطمینانی قیمت در بازارهای جهانی نفت می‌شود؛ زیرا $(\gamma - \beta)$ برابر با -0.0201 می‌باشد. این نتیجه با واقعیت‌های موجود در بازارهای جهانی نفت سازگار است چرا که شوگ‌های مثبت نفتی زمانی حادث می‌شوند که جریان پیوسته داد و ستد نفت (امنیت عرضه‌ی نفت) در بازارهای جهانی با مشکل مواجه شده و یا حداقل، نگرانی در مورد آن وجود دارد. همین امر موجب نااطمینانی در تقاضا کنندگان نفت و در نهایت شکل‌گیری نوسانات قیمتی در بازارهای جهانی نفت می‌شود. حال آن که شوگ‌های منفی قیمت نفت زمانی حادث می‌شوند که عاملین بازارهای جهانی نفت از جریان پیوسته (امنیت عرضه‌ی نفت) اطمینان ندارند. این شرایط باعث می‌شود از نگرانی تقاضا کنندگان کاسته شده و در نتیجه نوسانات قیمت نفت کاهش یابد. براساس مطالعات تجربی واقعیات موجود، سطح عمومی قیمت‌ها در مقیاس جهانی با افزایش قیمت نفت (شوگ مثبت) افزایش می‌یابد و تبع آن هزینه‌های اکتشاف، استخراج و انتقال نفت خام نیز افزایش خواهند یافت. به واسطه‌ی همین امر نوعی چسبندگی رو به پایین قیمتی در بازارهای نفت حاکم می‌شود. بر این اساس اگر کاهش قیمت نفت (شوگ قیمتی منفی) هم اندازه با افزایش قیمت (شوگ قیمتی مثبت) که قبل از آن حادث شده است، در بازارهای جهانی نفت حادث شود این کاهش قیمت نمی‌تواند تأثیر تأثیر افزایش قیمت هم اندازه را در بازارهای جهانی خنثی کند و قیمت نفت در نقطه اولیه قرار دهد. عمدتاً به همین دلی، شوگ‌های منفی قیمت نفت در کاهش نوسانات قیمتی در بازارهای جهانی نفت، نقش کمرنگ‌تری دارند. حال که معادله EGARCH تخمین زده شده شوگ‌های منفی و مثبت قیمت نفت به صورت مقیاس بندی (نرمالیزه شده) تصریح می‌گردد.

$$LOil(Pt)^- = \min \left(0, \frac{\hat{\varepsilon}_t}{\sqrt{\hat{h}_t}} \right)$$

$$LOil(Pt)^+ = \max \left(0, \frac{\hat{\varepsilon}_t}{\sqrt{\hat{h}_t}} \right)$$

بررسی و برآورد تلاطم نرخ ارز

تخمین الگوی ARIMA

برای برآورد تلاطم نرخ ارز ابتدا بایستی بهترین الگوی $ARIMA(p,d,q)$ انتخاب شود. بدین منظور با در نظر گرفتن نتایج حاصل از بررسی نمودار کروئوگرام نشان داده می‌شود که $p=1$ و $q=6$ خواهد بود. همچنین با توجه به اینکه متغیر نرخ ارز در سطح ساکن نیست اما با یک بار تفاضل‌گیری ساکن می‌شود؛ بنابراین $d=1$ است. با استفاده از p حاصله به عنوان وقفه نرخ ارز و q بعنوان وقفه جملات اخلال به برآورد

مدل ARIMA بهینه می‌پردازیم. نتایج حاصل از تخمین مدل با کس جنکینز در جدول (۵) نشان داده شده است.

$$\Delta RER_t = c + \sum_{i=1}^1 \alpha \Delta RER_{t-i} + \sum_{j=1}^6 \beta_j \varepsilon_{t-j} + \varepsilon_t$$

جدول (۵): برآورد مدل ARIMA کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
AR (1)	۱/۱۲	۰/۰۶	۱۸/۰۹	۰/۰۰۱
MA (2)	-۰/۸۹	۰/۲۸	-۳/۲۴	۰/۰۰۱
MA (3)	-۱/۲۴	۰/۳۸	-۳/۲۲	۰/۰۰۱
MA (4)	-۰/۸۳	۰/۲۸	-۲/۹۱	۰/۰۰۱

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج جدول و ساکن بودن جملات اخلاص، نشان دهنده ARIMA(۱،۱،۳) مناسب می‌باشد.

آزمون ناهمسانی واریانس شرطی با استفاده از اثر آراج (LM-ARCH)

جهت بررسی وجود ناهمسانی واریانس از آزمون اثر ARCH استفاده می‌شود. قبل از برآورد مدل واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیو تعمیم یافته GARCH باید اطمینان حاصل کرد که آیا اثر ARCH در مدل ARIMA انتخابی وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی واریانس شرطی جزء اخلاص در جدول (۶) آورده شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس شرطی

آماره آزمون	کمیت آماری	مقدار احتمال
آماره F	۷/۶۸	۰/۰۰۱
$R^2 \times$ تعداد مشاهدات	۶/۴۹	۰/۰۱

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر همسانی واریانس جملات اخلاص الگوی ARIMA در سطح ۵ درصد رد می‌شود. به عبارتی واریانس ناهمسانی شرطی برای نرخ حقیقی ارز وجود دارد؛ بنابراین، تلاطم نرخ حقیقی ارز قابل تخمین خواهد بود. با در نظر گرفتن GARCH(1,1) به عنوان معیار تخمین تلاطم نرخ حقیقی ارز، سری تلاطم نرخ حقیقی ارز تخمین زده می‌شود.

انتخاب مرتبه p و q بهینه در یک فرآیند $GARCH(p,q)$

برای انتخاب p و q بهینه در فرآیند $GARCH(p,q)$ معیارهای متفاوتی وجود دارد که در این مطالعه از معیارهای شوارتز-بیزین (SBC) استفاده شده است. با توجه به این معیار، وقفه‌ای که دارای کمترین مقدار شوارتز-بیزین باشد وقفه بهینه می‌باشد، بنابراین با استفاده از این خاصیت بهترین مدل انتخاب شده است.

جدول (۷): انتخاب p و q بهینه در فرآیند $GARCH(p,q)$

درجه $GARCH$	(۱۰)	(۱۰۱)	(۱۰۲)	(۱۰۳)	(۱۰۴)	(۱۰۵)
معیار شوارتز-بیزین	۱۸.۲	۱۹.۸۵	۱۷.۴۳*	۱۸.۰۳	۱۸.۸۷	۱۹.۲۲

ماخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۷)، با در نظر گرفتن $GARCH(1,1)$ به عنوان معیار تخمین نوسانات نرخ حقیقی ارز، سری زمانی نوسانات نرخ حقیقی ارز تخمین زده می‌شود. مدل برآوردی برای این منظور به صورت زیر خواهد بود:

$$GARCH = C(5) + C(6)RESID(-1)^2 + C(7)GARCH(-1)$$

نتایج حاصل از تخمین مدل تلاطم نرخ حقیقی ارز در جدول (۸) نشان داده شده است.

جدول (۸): برآورد ضرایب مدل $GARCH(1,1)$

احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	مدل $GARCH(1,1)$
۰/۰۲	۲/۳۰	۱۳۳۱۳۹۸۵	۳۰۶۴۶۷۲۰	$C(5)$
۰/۰۰۱	۳/۴۱	۰/۲۲	۰/۷۵	$C(6)$
۰/۰۰۱	۱۵۴۳۰/۶	۰/۰۰۰۰۶۴	-۱/۰۰	$C(7)$

منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طور که نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد، تمامی ضرایب برآوردی مدل در سطح ۵ درصد معنی‌دار هستند. پس از برآورد تلاطم نرخ حقیقی ارز، باید عدم وجود نوسانات در جملات اخلاص تخمین $GARCH(1,1)$ را آزمون کرد. برای این منظور با استفاده از آزمون LM-ARCH، واریانس ناهمسانی شرطی اخلاص مورد آزمون قرار می‌گیرد. جدول (۹) نتایج آزمون ناهمسانی واریانس شرطی جمله اخلاص را نشان می‌دهد.

جدول (۹): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس شرطی

آماره آزمون	کمیت آماری	مقدار احتمال
آماره F	۰/۱۴۹۴۹۹	۰/۷۰۰۱
$R^2 \times$ تعداد مشاهدات	۰/۱۵۲۹۹۴	۰/۶۹۵۷

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج جدول (۹) نشان می‌دهد که فرضیه صفر آزمون LM که بیانگر فقدان اثر ARCH هست را نمی‌توان رد کرد، بنابراین جملات اخلاط مدل برآوردی حاصل از تlapم نرخ حقیقی ارزشمکل ناهمسانی واریانس شرطی ندارد و به عنوان تlapم نرخ حقیقی ارز در تخمین مدل استفاده کرد.

آزمون تشخیص مدل

پیش از تخمین مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، باید در مورد روش مناسب به کارگیری این گونه داده‌ها در تخمین، تصمیم‌گیری نمود. ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده‌ها وجود دارد یا اینکه می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف را ادغام (Pooling) کرد و از آن در تخمین مدل استفاده نمود. در تخمین‌های تک معادله‌ای، برای اخذ تصمیم اخیر از آماره آزمون F (لیمر) استفاده می‌شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر در جدول (۱۰) آورده شده است.

جدول (۱۰): آزمون F لیمر

نتایج آزمون تشخیصی لیمر		
الگو	آزمون F لیمر	
	آماره	نتیجه آزمون
(۱-۴) برای کشورهای صادرکننده نفت	۳۹۲/۶۸ (۰/۰۰۷۵)*	رد فرضیه صفر و قبول داده‌های پانل
(۱-۴) برای کشورهای واردکننده نفت	۲۹۱/۶۵ (۰/۰۰۱)*	رد فرضیه صفر و قبول داده‌های پانل
(۲-۴) برای کشورهای صادرکننده نفت	۴۸۳/۶۵ (۰/۰)*	رد فرضیه صفر و قبول داده‌های پانل
(۲-۴) برای کشورهای واردکننده نفت	۱۱۹/۰۸ (۰/۰۳۱)*	رد فرضیه صفر و قبول داده‌های پانل

یادداشت: - حداقل سطح معناداری (P-Value) داخل پرانتز آمده است.

منبع: محاسبات تحقیق

(*: نشان دهندهی prob آماره‌های مورد نظر است)

نتایج حاکی از این است که سطح معناداری آزمون F لیمر جهت تعیین معناداری اثرات مقطعی در مدل رگرسیونی تحقیق برای تمامی مدل‌ها کوچک‌تر از ۵ درصد به دست آمده است. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم معناداری اثرات مقطعی در مدل تحقیق رد گردیده و می‌توان پذیرفت که مدل رگرسیونی این بخش باید به روش داده‌های تابلویی تخمین زده شود. برای گزینش بین اثرات ثابت و تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شده است که نتایج حاصل از آن در جدول (۱۱) آورده شده است.

جدول (۱۱): نتایج حاصل از آزمون هاسمن

الگو	آزمون هاسمن		
	آماره	نتیجه آزمون	نتیجه نهایی
۱	۱۲/۵۰ (۰/۰۱)*	رد فرضیه صفر و قبول اثرات ثابت	اثر ثابت
۲	۱۲/۳۷ (۰/۰۲)*	رد فرضیه صفر و قبول اثرات ثابت	اثر ثابت

یادداشت:
- حداقل سطح معناداری (P-Value) داخل پرانتز آمده است.

منبع: محاسبات تحقیق

(*) نشان دهنده‌ی prob آماره‌های مورد نظر است

نتایج نشان می‌دهد فرضیه‌ی H_0 مبنی بر وجود اثرات تصادفی، پذیرفته نشده است و مدل اثرات ثابت با اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود (مقدار prob به دست آمده از انجام این آزمون کمتر از سطح اطمینان ۵ درصد است)؛ بنابراین نتیجه آزمون هاسمن، تخمین به روش اثرات ثابت را برای این معادله‌ها تأیید می‌کند.

برآورد مدل ۱ و ۲ برای کشورهای صادرکننده نفت

برآورد مدل ۱ برای کشورهای صادرکننده نفت

جدول (۱۲): برآورد مدل ۱ برای کشورهای صادرکننده نفت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	ارزش احتمال (prob)
LPOIL	۱/۲۳	۰/۵۱	۲/۴۱	۰/۰۰۳
Lvpoil	۰/۷۵	۰/۲۴	۳/۱۲	۰/۰۱۴
Lvnoil	-۰/۵۱	۰/۲۱	-۲/۴۱	۰/۰۰۷

۰/۰۱۱	۳/۱۶	۰/۳۷	۱/۱۷	LRER
۰/۰۰۳	-۴/۲۶	۰/۲۳	-۰/۹۸	LVRER
۰/۰۰۲	۲/۰۷	۰/۵۱	۱/۰۶	LK
۰/۰۰۱	۲/۵۳	۰/۳۱	۰/۷۹	LE
R2=۰/۸۹				
F=(۰/۰۰)۳۹۲/۶۸				
DW=۱/۸۷				

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که شوک‌های مثبت قیمت نفت تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارد. کشورهای صادرکننده نفت عمدتاً دارای اقتصاد دولتی هستند که توسط درآمدهای نفتی اداره می‌شوند؛ بنابراین افزایش قیمت نفت در کوتاه‌مدت سبب افزایش درآمدهای دلاری نفتی می‌شود که باعث افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی خواهد شد که باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی خواهد شد. اگر این درآمدها در جای صحیح خود سرمایه‌گذاری و استفاده نشوند، افزایش سطح قیمت‌ها و تورم و درنهایت، افزایش هزینه‌های تولید را در پی خواهد داشت. وجود ساختار وابسته و بدتر شدن رابطه مبادله به ضرر کشورهای صادرکننده نفت و افزایش واردات به دلیل تغییر الگوی مصرف سبب می‌شود که این درآمدهای به دست آمده دوباره به کشورهای واردکننده نفت برگردانده شود. شوک‌های منفی قیمت نفت تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارد. کاهش در قیمت نفت باعث کاهش درآمدهای نفتی دولت می‌شود و از آنجا که مخارج جاری حالت چسبندگی نسبت به پایین دارند و به راحتی امکان کاهش آن در هنگام کاهش درآمدهای نفتی وجود ندارد، کاهش درآمدهای نفتی باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی می‌شود که این امر خود باعث کاهش تولید جامعه می‌شود. تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارد. افزایش در نرخ حقیقی ارز باعث افزایش قیمت هر واحد از کالای وارداتی بر حسب پول ملی می‌شود که در نتیجه آن واردات کالای سرمایه‌ای کاهش می‌یابد و درنهایت باعث کاهش تولید و رشد اقتصادی خواهد شد... سرمایه انسانی تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت دارد. افزایش نیروی کار باسواد باعث رشد و بهره‌وری می‌گردد که افزایش تولید کل و افزایش رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین با سرمایه‌گذاری بیشتر در نیروی انسانی و تربیت روزافزون تر نیروی انسانی، موجبات افزایش عرضه نیروی کار متخصص و با تحصیلات عالی و همچنین افزایش محقق و کارآفرین فراهم

گردد. سرمایه‌گذاری تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت دارد. افزایش امکانات زیر بنایی باعث افزایش ظرفیت تولید و سپس افزایش تولید ملی و رشد اقتصادی می‌گردد.

برآورد مدل ۲ برای کشورهای صادرکننده نفت

جدول (۱۳): برآورد مدل (۲) برای کشورهای صادرکننده نفت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	$p > z $
LPOIL	-۱/۳۴	۰/۶۶	-۷/۰۷	۰/۰۰۱
Lvpoil	۰/۵۹	۰/۱۱	۲/۳۸	۰/۰۳۵
Lvnoil	۰/۲۳	۰/۰۵	۴/۰۷	۰/۰۰۷
LRER	۱/۱۷	۰/۵۱	۲/۲۹	۰/۰۰۴
LVRER	۱/۰۶	۰/۲۹	۳/۶۰	۰/۰۱۱
LK	-۰/۷۸	۰/۲۱	-۳/۵۹	۰/۰۱۴
LE	-۰/۹۱	۰/۳۳	-۲/۷۵	۰/۰۰۲
R2=۰/۶۸				
F=(۰/۰۰۱)۲۱۷/۰۷				
DW=۱/۹۶				

منبع: محاسبات تحقیق

شوگ مثبت قیمت نفت تأثیری مثبت بر تورم کشورهای صادرکننده نفت دارد. شوگ مثبت قیمت نفت با افزایش درآمدهای نفتی منجر به افزایش واردات کالاها می‌گردد و به دلیل عدم استفاده صحیح از درآمدهای ارزی در جهت ایجاد زیر ساخت‌های اقتصادی و عدم ایجاد بستر کسب و کار و تولید توسط دولت‌های کشورهای صادرکننده نفت، شرایط تولید و عرضه داخلی نامناسب می‌شود و از سوی دیگر با تبدیل ارزهای حاصل از نفت به پول داخلی و افزایش عرضه پول، تقاضا افزایش می‌یابد که در مجموع منجر به افزایش تورم خواهد شد؛ بنابراین بهتر است در همه حال از افزایش درآمدهای نفتی در جهت سرمایه‌گذاری مولد و توسعه زیر ساخت‌های مناسب اقتصادی استفاده نمود. شوگ منفی قیمت نفت تأثیری مثبت بر تورم کشورهای صادرکننده نفت دارد. کاهش قیمت نفت سبب می‌شود که دولت، به علت انعطاف ناپذیری هزینه‌های جاری، که بخش عمده آن مربوط به حقوق و دستمزد کارکنان دولتی است، از هزینه‌های عمرانی بکاهد و آن را به هزینه‌های جاری منتقل کند؛ بنابراین اولین اثر آن ظهور

انبوهی از طرح‌های نیمه تمام در بخش عمرانی است که باعث افزایش بیکاری، کاهش تولید کل، کاهش رشد اقتصادی و در نهایت تشدید تورم می‌گردد. دولت‌ها می‌توانند با اعمال ساز و کار تثبیتی مانند صندوق‌های ذخیره ارزی، ارتباط هزینه‌های خود با نوسانات نفتی را قطع کنند. تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری مثبت بر تورم کشورهای صادرکننده نفت دارد. افزایش نرخ حقیقی ارز باعث کاهش قیمت کالاهای صادراتی در بازارهای خارجی می‌گردد و به دنبال آن از یک طرف افزایش صادرات و از طرفی با کاهش عرضه کالا در داخل مواجه خواهیم گشت که منجر به افزایش نرخ تورم خواهد شد. در این شرایط دولت‌ها می‌توانند با کاهش کسری بودجه (کاهش استقراض از بانک مرکزی) از طریق انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی نسبت به کنترل تورم اقدام نمایند. سرمایه انسانی تأثیری منفی بر تورم در کشورهای صادرکننده نفت دارد. سرمایه انسانی باعث افزایش نیروی کار باسواد و افزایش رشد و بهره‌وری می‌گردد که منجر به افزایش تولید کل و افزایش رشد اقتصادی خواهد شد که در نهایت باعث کاهش نرخ تورم می‌گردد. سرمایه‌گذاری تأثیری منفی بر تورم در کشورهای صادرکننده نفت دارد. افزایش سرمایه‌گذاری باعث افزایش امکانات زیر بنایی و افزایش ظرفیت تولید می‌گردد که به دنبال آن تولید ملی و رشد اقتصادی افزایش یافته و منجر به کاهش نرخ تورم می‌گردد.

برآورد مدل ۱ و ۲ برای کشورهای واردکننده نفت

برآورد مدل ۱ برای کشورهای واردکننده نفت

جدول (۱۴): برآورد مدل ۱ برای کشورهای واردکننده نفت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	$p > z $
LPOIL	-۰/۶۴۰	۰/۲۳۱	-۲/۷۷	۰/۰۱۳
Lvpoil	-۰/۰۸۳	۰/۰۳۱	-۲/۶۷	۰/۰۰۷
Lvnoil	۰/۵۱	۰/۱۰۰	۵/۰۹	۰/۰۱۱
LRER	-۰/۲۳۱	۰/۱۱۲	-۲/۰۶	۰/۰۰۱
LVRER	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۳/۴۸	۰/۰۳۲
LK	۱/۲۶	۰/۵۶	۲/۲۵	۰/۰۱۸
LE	۰/۸۲	۰/۳۳	۲/۴۷	۰/۰۰۱
R2=۰/۷۳				
F=(۰/۰۳)۴۰۱/۲۵				
DW=۱/۹۶				

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که شوک‌های مثبت قیمت نفت تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد. افزایش قیمت نفت باعث کمیابی انرژی به‌عنوان مواد اولیه برای تولید بنگاه‌ها شده که این مطلب عامل افزایش هزینه بنگاه‌ها و کاهش سود آن‌ها می‌باشد؛ بنابراین، کاهش تمایل بنگاه‌ها برای خرید کالاهای سرمایه‌ای جدید را در پی خواهد داشت که این امر در بلندمدت منجر به کاهش در ظرفیت تولیدی بنگاه‌های اقتصادی کشورهای واردکننده نفت می‌شود. این موضوع بیانگر کاهش عرضه کل و رشد اقتصادی است. شوک‌های منفی قیمت نفت تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد. شوک منفی قیمت نفت، باعث کاهش قیمت نهاده انرژی و کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره‌وری نیروی کار و درنهایت منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد. افزایش نرخ حقیقی ارز (کاهش ارزش پول داخلی) باعث گران شدن کالاهای وارداتی و ارزان شدن کالاهای صادراتی و در نتیجه افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی خواهد شد که منجر به افزایش صادرات و رشد اقتصادی می‌گردد. سرمایه‌گذاری تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده نفت دارد. افزایش امکانات زیر بنایی باعث افزایش ظرفیت تولید و سپس افزایش تولید ملی و رشد اقتصادی می‌گردد. سرمایه‌انسانی تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده نفت دارد. سرمایه‌گذاری در منابع انسانی سبب افزایش توان تولید افراد و درنهایت، بهبود رشد اقتصادی می‌شود.

برآورد مدل ۲ برای کشورهای واردکننده نفت

جدول (۱۵): برآورد مدل ۲ برای کشورهای واردکننده نفت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	$p > z $
LPOIL	۱/۸۸	۰/۶۱	۳/۰۸	۰/۰۰۲
Lvpoil	۰/۶۴	۰/۲۱	۳/۰۶	۰/۰۰۳
Lvnoil	-۰/۳۵	۰/۱۱	۲/۹۸	۰/۰۱۴
LRER	۱/۰۹	۰/۴۱	۲/۶۷	۰/۰۲۱
LVRER	۱/۰۴	۰/۳۳	۳/۱۲	۰/۰۱۸
LK	-۰/۶۹	۰/۱۳	-۵/۲۶	۰/۰۱۶
LE	-۰/۵۴	۰/۲۱	-۲/۵۷	۰/۰۰۷
R2=۰/۶۲				
F=(۰/۰۳)۱۰۴/۶۵				
DW=۱/۹۱				

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که شوک‌های مثبت قیمت نفت تأثیری مثبت بر تورم کشورهای واردکننده نفت دارد. شوک مثبت قیمت نفت باعث افزایش قیمت انرژی در کشورهای واردکننده نفت و در نتیجه باعث افزایش هزینه‌های تولید و افزایش تورم می‌گردد. شوک‌های منفی قیمت نفت تأثیری منفی بر تورم کشورهای واردکننده نفت دارد. شوک منفی قیمت نفت باعث کاهش قیمت نهاده انرژی و کاهش هزینه‌های تولید و در نتیجه باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار و افزایش رشد اقتصادی و در نهایت منجر به کاهش تورم می‌گردد. تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری مثبت بر تورم در کشورهای واردکننده نفت دارد. تلاطم نرخ حقیقی ارز با ایجاد عدم اطمینان در قیمت گذاری کالاها و خدمات باعث کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش تولید کل و کاهش رشد اقتصادی می‌گردد و در نهایت منجر به افزایش تورم خواهد گردید. سرمایه انسانی تأثیری منفی بر تورم در کشورهای واردکننده نفت دارد. سرمایه انسانی باعث افزایش نیروی کار باسواد و افزایش رشد و بهره‌وری می‌گردد که منجر به افزایش تولید کل و افزایش رشد اقتصادی خواهد شد که در نهایت باعث کاهش تورم می‌گردد. سرمایه‌گذاری تأثیری منفی بر تورم در کشورهای واردکننده نفت دارد. افزایش سرمایه‌گذاری باعث افزایش امکانات زیر بنایی و افزایش ظرفیت تولید می‌گردد که به دنبال آن تولید ملی و رشد اقتصادی افزایش یافته و منجر به کاهش نرخ تورم می‌گردد.

۵- بحث و نتیجه

نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد کشورهای صادرکننده نفت عمدتاً دارای اقتصاد دولتی هستند که توسط درآمدهای نفتی اداره می‌شوند؛ بنابراین افزایش قیمت نفت در کوتاه‌مدت سبب افزایش درآمدهای دلاری نفتی می‌شود و اگر این درآمدها در جای صحیح خود سرمایه‌گذاری و استفاده نشوند، افزایش سطح قیمت‌ها و تورم و در نهایت، افزایش هزینه‌های تولید را در پی خواهد داشت. وجود ساختار وابسته و بدتر شدن رابطه مبادله به ضرر کشورهای صادرکننده نفت و افزایش واردات به دلیل تغییر الگوی مصرف سبب می‌شود که این درآمدهای به دست آمده دوباره به کشورهای واردکننده نفت برگردانده شود؛ بنابراین بهتر است افزایش درآمدهای نفتی با افزایش سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های اقتصادی و افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای ورود تکنولوژی‌های جدید از خارج، اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. لذا فرضیه شوک‌های مثبت قیمت نفت تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارد پذیرفته می‌شود و مطابق با مطالعات زینی وند و همکاران، مهرآرا و همکاران و اواسط ما المولالی و همکاران می‌باشد. شوک‌های منفی قیمت نفت تأثیری منفی بر رشد اقتصادی

کشورهای صادرکننده نفت دارد. کاهش در قیمت نفت باعث کاهش درآمدهای نفتی دولت می‌شود و از آنجا که مخارج جاری حالت چسبندگی نسبت به پایین دارند و به راحتی امکان کاهش آن در هنگام کاهش درآمدهای نفتی وجود ندارد، کاهش درآمدهای نفتی باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی می‌شود که این امر خود باعث کاهش تولید جامعه می‌شود. با توجه به تأثیر منفی قیمت نفت بر رشد اقتصادی، استفاده مناسب از حساب ذخیره ارزی و پابندی به قوانین مصوب آن توسط دولتمردان، می‌تواند از آثار منفی نوسانات درآمد نفت بر اقتصاد این کشورها بکاهد بنابراین فرضیه شوک‌های منفی قیمت نفت تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارد پذیرفته می‌شود و مطابق با مطالعات فرزام و همکاران و رودریگز و سانچز می‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد که شوک‌های مثبت قیمت نفت تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد. افزایش قیمت نفت باعث کمیابی انرژی به عنوان مواد اولیه برای تولید بنگاه‌ها شده که این مطلب عامل افزایش هزینه بنگاه‌ها و کاهش سود آن‌ها می‌باشد؛ بنابراین، کاهش تمایل بنگاه‌ها برای خرید کالاهای سرمایه‌ای جدید را در پی خواهد داشت که این امر در بلندمدت منجر به کاهش در ظرفیت تولیدی بنگاه‌های اقتصادی کشورهای واردکننده نفت می‌شود. این موضوع بیانگر کاهش عرضه کل و رشد اقتصادی است؛ بنابراین برای کشورهای واردکننده نفت با در نظر گرفتن یک ذخیره استراتژیک نفت می‌توان در زمان افزایش ناگهانی قیمت نفت از آن ذخیره استراتژیک استفاده کرد و از تأثیر بد شوک قیمت نفت بر شاخص‌های رشد جلوگیری کرد؛ بنابراین فرضیه شوک‌های مثبت قیمت نفت تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد پذیرفته می‌شود و با مطالعات رودریگز و سانچز همخوانی دارد.

شوک‌های منفی قیمت نفت تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد شوک منفی قیمت نفت، باعث کاهش قیمت نهاده انرژی و کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نهایت منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد؛ بنابراین توجه به بخش تولید و افزایش عرضه محصولات برای پاسخ‌دهی به تقاضای حاصله راهکار اصلی به شمار می‌آید. لذا فرضیه شوک‌های منفی قیمت نفت تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد پذیرفته می‌شود و با مطالعات رودریگز و سانچز همخوانی دارد.

تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارد. افزایش در نرخ حقیقی ارز باعث افزایش قیمت هر واحد از کالای وارداتی برحسب پول ملی می‌شود که در نتیجه آن

واردات کالای سرمایه‌ای کاهش می‌یابد و در نهایت باعث کاهش تولید و رشد اقتصادی خواهد شد. با توجه به کاهش تولید در نتیجه نوسان نرخ ارز، تاکید می‌گردد سیاست‌های تشویقی در حوزه تولید به نحوی ارائه شود که در بلندمدت جایگزینی واردات از طریق تولید داخلی در اولویت قرار گیرد؛ بنابراین فرضیه تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارد پذیرفته می‌شود و با مطالعات عباسیان و ادواردز مطابقت دارد.

تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد. افزایش نرخ حقیقی ارز (کاهش ارزش پول داخلی) باعث گران شدن کالاهای وارداتی و ارزان شدن کالاهای صادراتی و در نتیجه افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی خواهد شد که منجر به افزایش صادرات و رشد اقتصادی می‌گردد. لذا فرضیه تلاطم نرخ حقیقی ارز تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت دارد پذیرفته می‌شود و با مطالعه زینی وند و همکاران مطابقت دارد.

نتایج نشان می‌دهند ضریب شوک‌های مثبت و منفی قیمت نفت بر رشد اقتصادی در مدل اول در کشورهای صادرکننده نفت به ترتیب برابر ۰.۷۵ و -۰.۵۱ می‌باشد که دلالت بر آن دارد که در کشورهای صادرکننده نفت، شوک‌های مثبت قیمت نفت اثرات بزرگ‌تر و ماندگارتری از شوک‌های منفی قیمت نفت دارد؛ به عبارت دیگر، این رابطه نامتقارن است، به این معنا که رشد تولید نسبت به شوک‌های مثبت قیمت نفت در افق‌های زمانی مختلف، واکنش به مراتب بزرگ‌تری نشان می‌دهد. شوک‌های مثبت و منفی قیمت نفت بر تورم کشورهای صادرکننده نفت به ترتیب برابر ۰.۵۹ و ۰.۲۳ می‌باشد که دلالت بر آن دارد که در کشورهای صادرکننده نفت، شوک‌های مثبت قیمت نفت اثرات بزرگ‌تر و ماندگارتری از شوک‌های منفی قیمت نفت دارد؛ به عبارت دیگر، این رابطه نامتقارن است، به این معنا که تورم نسبت به شوک‌های مثبت قیمت نفت در افق‌های زمانی مختلف، واکنش به مراتب بزرگ‌تری نشان می‌دهد.

نتایج نشان می‌دهند ضریب شوک‌های مثبت و منفی قیمت نفت بر رشد اقتصادی در مدل اول در کشورهای واردکننده نفت به ترتیب برابر ۰.۸۳ و -۰.۵۱ می‌باشد که دلالت بر آن دارد که در کشورهای واردکننده نفت، شوک‌های منفی قیمت نفت اثرات بزرگ‌تر و ماندگارتری از شوک‌های مثبت قیمت نفت دارد؛ به عبارت دیگر، این رابطه نامتقارن است، به این معنا که رشد تولید نسبت به شوک‌های منفی قیمت نفت در طی دوره مورد مطالعه، واکنش به مراتب بزرگ‌تری نشان می‌دهد.

ضریب شوک‌های مثبت و منفی قیمت نفت بر تورم در مدل دوم در کشورهای واردکننده نفت به ترتیب برابر ۰.۶۴ و -۰.۳۵ می‌باشد که دلالت بر آن دارد که در کشورهای واردکننده نفت، شوک‌های مثبت

قیمت نفت اثرات بزرگ‌تر و ماندگارتری از شوک‌های منفی قیمت نفت دارد؛ به عبارت دیگر، این رابطه نامتقارن است، به این معنا که تورم نسبت به شوک‌های مثبت قیمت نفت در افق‌های زمانی مختلف، واکنش به مراتب بزرگ‌تری نشان می‌دهد.

توصیه‌های سیاستی و پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق می‌توان توصیه‌های اقتصادی زیر را برای کشورهای صادرکننده نفت واردکننده نفت ارائه نمود.

کشورهای صادرکننده نفت

۱- دولت‌ها می‌توانند با اعمال سازوکارهای تثبیتی مانند صندوق‌های ذخیره ارزی، ارتباط هزینه‌های خود با شوک‌های نفتی را قطع کنند. همان‌طور که ماکس کرد (۱۹۹۵) استدلال می‌کند، دولت‌های این کشورها گرایش دارند تا افزایش قیمت‌های نفت را، دائمی و کاهش قیمت‌ها را موقتی تلقی کنند، که این امر آن‌ها را به سمت تنظیم سیاست‌های مالی غیرواقع بینانه و غیرقابل دسترس هدایت می‌کند، لذا با پیش‌بینی محافظه کارانه‌ی قیمت‌ها، تنظیم مخارج عمومی بر اساس تغییرات دائمی درآمدها (به جای تغییرات موقتی) و استفاده مؤثر از صندوق پس‌انداز یا ذخیره‌ی درآمد نفتی برای اجتناب از انتقال شوک نفتی به سایر بخش‌های اقتصاد، می‌توان نوسانات تولید که در اثر شوک‌های نفتی ایجاد می‌شود را به خوبی مدیریت و از اثرات سوء آن بر اقتصاد ملی جلوگیری کرد.

۲- سیاست‌گذاران می‌توانند با مدیریت صحیح نرخ حقیقی ارز، نوسانات این متغیر را در دوره‌های رونق و تنزل درآمدهای نفتی به حداقل ممکن کاهش دهند، به‌ویژه زمانی که افزایش یا کاهش درآمد نفتی موقتی است، تلاطم نرخ حقیقی ارز آثار مخربی بر رشد تولید در بخش کالاهای قابل مبادله به همراه خواهند داشت. با توجه به کاهش تولید در نتیجه نوسان نرخ ارز، تاکید می‌گردد سیاست‌های تشویقی در حوزه تولید به نحوی ارائه شود که در بلندمدت جایگزینی واردات از طریق تولید داخلی در اولویت قرار گیرد.

۳- اتخاذ سیاست‌های تجاری صحیح در عرصه‌ی بازرگانی خارجی، آسیب‌پذیری این کشورها نسبت به نوسانات درآمدی را کاهش می‌دهد، به‌طور مثال واردات آسان در دوره‌های رونق و رژیم‌های تجاری سخت برای محدود کردن واردات در دوره‌های کاهش درآمد نفتی، بی‌ثباتی اقتصادی را در هنگام شوک‌های نفتی تشدید می‌سازد. لذا سیاست‌های ارزی، تجاری و مالی صحیح و هماهنگ می‌تواند نقش

مهمی در ذخیره‌سازی درآمدهای مازاد نفتی در دوره‌ی رونق و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد این کشورها در مواجهه با شوک‌های نفتی منفی باشد.

۴- کشورهای صادرکننده نفت باید برنامه‌ریزی مدون و آینده‌نگر نسبت به چگونگی استفاده از درآمدهای نفتی را داشته باشد و بهره‌وری بیشتر از این درآمدهای نفتی را داشته باشند و به بهره‌وری بیشتر از این درآمدها در سرمایه‌گذاری‌های مولد و زیربنایی در جامعه و ایجاد ارزش افزوده و استفاده در تولید اهتمام بیشتری انجام دهند.

کشورهای واردکننده نفت

۱- کشورهای واردکننده نفت با در نظر گرفتن یک ذخیره استراتژیک نفت می‌توان در زمان افزایش ناگهانی قیمت نفت از آن ذخیره استراتژیک استفاده کرد و از تأثیر بد شوک قیمت نفت بر شاخص‌های رشد جلوگیری کرد.

۲- سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کشورهای واردکننده نفت باید به نحوی اتخاذ گردد تا بتوانند مشارکت جدی و تعاملات تجاری با کشورهای تولیدکننده نفت داشته باشد تا به هنگام شوک افزایش قیمت نفت، اثرات کمتری بر تولید این کشورها داشته باشد.

۳- یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با بحران انرژی در کشورهای واردکننده نفت، کاهش میزان شدت انرژی در بخش‌های مختلف از قبیل صنعت، کشاورزی، حمل و نقل، خانگی، تجاری و ... است.

۴- مدیریت مصرف انرژی در بخش‌های مختلف اقتصادی است. یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با بحران انرژی در کشورهای واردکننده نفت، کاهش میزان شدت انرژی در بخش‌های مختلف از قبیل صنعت، کشاورزی، حمل و نقل، خانگی، تجاری و ... است. همچنین به منظور کاهش وابستگی به نفت خام، مطالعات کامل و جامعی برای جایگزینی سایر انواع انرژی‌های تجدیدپذیر و نو (غیرفسیلی) آغاز گردیده است.

References

- Abbasian, E.; Muradpour Oladi, M., & Abbasiun, V. (2007). The effect of oil price uncertainty on industry, service and construction sectors. *The Quarterly Journal of Economics*, 2, 109-121. (in Persian)
- Abbasian, E.; Muradpour Oladi, M., & Mehregan, N. (2012). The Effects of Real Exchange Rate Uncertainty on Economic Growth in Iran. *Journal of*

Economic Research, 47(1), 153-169. DOI: 10.22059/JTE.2012.24677. (in Persian)

Abrishmi, H.; Mehrara, M.; Ghonimi Fard, H., & Farmers, M. (2008). The effect of oil price fluctuations on the economic growth of some OECD countries through the non-linear specification of oil prices. *Knowledge and development*, 22(15), 7-22. (in Persian)

Abrishmi, H.; Mehrara, M., & Zamanzade Nasrabadi, H. (2009). The relationship between oil shocks and the economic growth of OPEC member countries: is this relationship asymmetric? *Quarterly Journal of Energy Economics*, 21(6), 93-112. (in Persian)

Akbarian, R., & Mashidi, M. (2008). Investigating the effect of price and real exchange rate on Iran's economic growth using a self-explanatory model with distributed discontinuity. National Conference on Increasing Oil Revenues and Creating Job Opportunities, Islamic Azad University, Khomeini Shahr branch. (in Persian)

Allegret, Jean-Pierre.; Mignon Valerie., & Sallenave, Audrey. (2015). Oil Price Shocks and global imbalances: Lessons from a model with trade and financial intrdependencies, 49, 232-247.

Al-mulali, U., Che Normee, C. (2010). The Impact of oil shocks on Qatars GDP, MPRA Paper 27822, unidersity Library of Munich, Germany, Revised 31Dec 2010.

Anashasy, E-A. et al., (2005). Evidence on the Role of Oil Price in Venezuelas Economic performance: 1950-2001, Working paper, university of Washington.

Asna Ashari, A.; Nadri, K.; Abolhasani, A.; Mehregan, N., & Babaei, M. R. (2016). *The impact of oil price shocks on inflation, growth and money*, a case study of Iran. *Economic growth and development research*, 6(22), 85-102. (in Persian)

Berument, H.; Ceylan, N. B., & Dogan, B. (2004). *The Impact of Oil price shocks on The Economic Growth of The Selected MENA Countries*, Working paper, Bilkent University.

Box, G. E. P., & Jenkins, G. M. (1970). *Time series analiysis: Forecasting and control*; San Francisco, CA Holden-Day Pub. Co.

Brown, S. P. A., & Yucel, M. K. (2002). Energy Prices and Aggregate Economic Activity: An Interpretative Study. Federal Reserve Bank of Dallas, Quarterly Review of Economic and Finance, *Reserch Department Working Paper*, No.0102.

Copook, J. D. (1962). *International Economic Instability*. New York: McGraw-Hill.

Delavari, M.; Shirin Bakhsh, S., & Dasht Bozorgi, Z. (2008). Investigating the effect of oil prices on Iran's economic growth using asymmetric convergence. *Quarterly Journal of Energy Economics Studies*, 5(18), 65-85. (in Persian)

Delfan, M.; Imami, M. A.; Biranvand, A., & Azimi, S. A. (2014). Investigating the effect of oil shocks on monetary variables and government expenditures, *Economic Strategy*, 13(4), 165-199. (in Persian)

Edwards, S. (1989). Exchange Controls, Devaluations, and Exchange Rates: The Latin American Experience. *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 37, PP. 457-494.

Eltony, M. N., & Al-Awadi, M. (2001). Oil Price Fluctuation and Their Impact on the Macroeconomic Variables of Kuwait: a case Study using a VAR Model. *International Journal of Energy Research*, 25: 939-959.

Emami, K., & Adibpour, M. (2009). Investigating the asymmetric effects of oil shocks on production. *Economic Modeling Quarterly*, 3(10), 1-26. (in Persian)

Farzam, V.; Ansari Nasab, M., & Kurdi, K. R. (2017). Investigating the impact of oil price shocks on employment in selected oil exporting countries. *Applied economics*, 7(20), 23-34. (in Persian)

Farzanegon, M., & Markwardt, G. (2006). The Effect of oil price shocks on the Iranian Economy: Applying a VAR Model, *Quarterly Energy Economics Review*. vol.3. NO.10

Fisher, Stanly. (1993). The Role of Macroeconomic Factor in Growth, *Journal of Monetary Economics*, Vol. 32, PP. 485-516.

Gomex-Loscos, A.; Motaada, A., & Mara Dolores Gadea, M. (2009). *The Impact of oil shocks on the Spanish Economy*. ERSa conference papers ersall. P. 835. European Regional science Association.

Hamilton, J. (1988). A neoclassical Model of Unemployment and the Business Cycle, *The Journal of Political Economy*, 96, 3.593-617.

Hamilton, J. (1996). This is What Happened to the Oil Price-Macroeconomy Relationship? *Journal of Monetary Economics*, 38, 215-220.

Hamilton, J. (2000). What is an Oil Shock? *Journal of Econometrics*, 113, 363-398.

Hamilton, J. D. (2003). What is an Oil Shock? *Journal of Economics*, No.113, PP.363-398.

Hosseini Nesab, E., & Mir Kazemi Mod, M. (2009). The effect of oil shocks on selected macroeconomic variables of oil exporting and importing countries. *Financial Economics*, 3(7), 1-15. (in Persian)

Iqbali, A.; Halafi, H. M., & Gasgari, R. (2004). Investigating the relationship between government spending and private sector investment: a case study of Iran. *Economic Research Journal*, 4(12), 137-167. (in Persian)

Ivanov, V., & Kilian, L. (2005). *A Practitioner's Guide to Lag Order Selection for VAR Impulse Response Analysis*. Studies in Nonlinear Dynamics & Econometrics, 9(1): 1-34.

Jimenez- Rodriguez, R., & Sanchez, M. (2004). Oil price shocks and Real GDP Growth: Empirical Evidence for some OECD Countries, *Applied Economics*, 3V, 201-228.

Jin, Guo. (2008). The Impact of Oil Price Shock and Exchange Rate Volatility on Economic Growth: A comparative Analysis for Russia, Japan and China, *Research Journal of International Studies*, Issue 8, PP. 98-111.

Khalat Bari, F. (1994). Fundamentals of Oil Economy. Sabrin Publications. (in Persian)

Kilian, L. (2008a). The Economic Effects of Energy Price Shocks, *Journal of Economic Literature*, Vol.46, pp. 871-1009

Lardic, S., & Mignon, V. (2008). *Oil price and Economic activity: an Asymmetric co integration Approach*. Energy Economics.

Levin, A.; Lin, C. F., & Chu, C. J. (2002). Unit root tests in panel data: asymptoticfinite-sample properties, *Journal of econometrics*, 108: 1-24.

Lucas, Rabert. (1973). Some International Evidence on Output- Inflation Trade Offs, *The American Economic-Review*, Vol.63, NO.3, PP. 326-334.

Mehrabi Boshraadi, H.; Sherafatmand, H., & Baghestny, A. A. (2010). Study on the Impacts of Exchange Rate Shocks and Gap of GDP on Inflation in Iran. *Monetary & Financial Economics*, 17(33), 173-192. (in Persian).
<https://doi.org/10.22067/pm.v17i33.27320>.

Mehregan, N., & Salmani, U. (2014). Unforeseen Oil Price Shocks and Economic Growth in Iran: an Application of Markov Switching Regression. *Journal of Iranian energy economy research*, 3(12), 208-183. (in Persian).

<https://doi.org/10.22067/mfe.2021.71593.1099>

Mork, K. A., & Hall, R. E. (1980). Energy Price, Inflation and Recession, 1974-1975, *Energy Journal I*, pp:31-63.

Motahari, M.; Lotf Alipour, M. R., & Ahmadi Shadmehri, M. T. (2017). *The effects of real exchange rate on economic growth in Iran: new findings with a non-linear approach*. *Applied theories of economics*, 15(4), 175-198. (in Persian)

Olomola, P. A., & Adejumo, A. V. (2006). Oil Price Shock and Macroeconomic Activities in Nigeria, *International Research Journal of Finance and Economics*, 3, 28-34.

Pierce, J. L., & Enzler, J. J. (1974). The Effect of External Inflationary Shocks, *Brooking Paper on Economic Activity I*, pp:13-61.

Rafiq, sgro, Apergis. (2016). Asymmetric oil shocks and External Balances

Rasche, R. H., & Tatom, J. A. (1977a). *The Effects of the New Energy Regime on Economic Capacity*, production, and Price, Federal Reserve Bank of St. Louis Review. 59(4): 2-12.

Sadorsky, P., 1999, Oil Price Shocks and Stock Market Activity, *Energy! Economics*, 21, 449-469.

Samadi, S.; Yahyaabadi, A., & Maalemi, N. (2009). Analysis of the impact of oil price shocks on macroeconomic variables in Iran, *Economic Research and Policy Quarterly*, 17(52). 5-26. (in Persian)

Samsami, H., & Helali, A. (2011). Investigating the asymmetry of the effect of oil revenues on the level of production and price in Iran. *Journal of Economic Studies*, 2(3), 51-25. (in Persian)

Shayan Zinivand, A.; Kazemi, A.; Jarjarzadeh, G.; Ghobishawi, A. K., & Gharafi, M. (2015). Analyzing the effect of exchange rate impulses, foreign investment and oil revenues on the gross domestic product in OPEC member countries with the panel autoregression approach. *Quantitative Economics Research Quarterly*, 11(3), 27-59. (in Persian)

Sodersten, B., & Reed, G. (1994). *Internasional Economics*, 3d ed. London: The Macmillan Press LTD.

Tamizi, R. (2002). *Investigating the asymmetric effects of oil shocks on Iran's economic growth*. Master's Thesis in Economics, Faculty of Economics, University of Tehran. (in Persian)

Tavakoli, S.; Hoshmand, M.; Salimifar, M., & Garji, E. (2017). Investigating the effect of fiscal policy as a mechanism of spreading oil shocks in Iran's economy using a structural autoregression model. *Iranian Applied Economic Studies Quarterly*, 6(22). 77-98. (in Persian)

DOI: [10.22084/AES.2017.12127.2312](https://doi.org/10.22084/AES.2017.12127.2312).

Yahia, A., & Metwelly, M. (2007). Impact of Fluctuations in oil prices on Libyan Economic Growth. *The Middle Eest Business and Economic Review*.



Research Article

Vol. 30, No. 1, 2023, p. 291-315



Dimensions, Challenges and Strategies for the Development of Border Areas

M. Ghadimi^{1*}, M. Solimani², M. Yakhchali³, S. S. Mosavian⁴

1- Master Student of Islamic Education and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

2- Assistant Professor, Faculty of Islamic Education and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

3- Ph. D Student in Public Administration, Policy Orientation, Institute for Management and Planning Studies, Tehran, Iran

4- Master Student of Islamic Education and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

(* - Corresponding Author Email: mo.ghadimi@isu.ac.ir)

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.76439.1113>

Received: 2022/05/08	How to cite this article: Ghadimi, M.; Solimani, M., Yakhchali, M., & Mosavian, S. (2023). Dimensions, Challenges and Strategies for the Development of Border Areas (Case Study; Sistan Border Region). <i>Economics and Regional Development Journal</i> , 30(1): 291-315. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2023.76439.1113
Revised: 2023/05/01	
Accepted: 2023/09/27	
Available Online: 2023/09/27	

1- INTRODUCTION

Undoubtly, the development of the border areas, especially the border areas of Sistan, will stabilize the border population, increase the security factor, deterrence, peace and tranquility in the region. Also, since the border areas are extremely important in foreign trade and foreign exchange, the development of these areas will lead to the economic prosperity of the region and the country. Although various dimensions of issues and problems related to border areas have been studied sporadically since the past, but the

development of these areas with this title, not only its place in the country's development planning system has not been explained, but also its dimensions and characteristics are less. Therefore, the necessity of conducting scientific studies in this regard is felt more than before and they are identified and studied. In order to achieve comprehensive development, there is a need for national and regional planning, formulation of strategy and identification of development obstacles. In the strategic approach, it is necessary to provide a future perspective and a clear understanding of the future. Therefore, the main issue of this article is how to develop the border areas of Sistan, in other words, how to get the border area of Sistan out of deprivation and poverty. In this article, by examination the capacities and challenges of this province, operational requirements and solutions for the comprehensive development of the border areas will be presented.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Regional development is also a change in the spatial distribution of economic and social phenomena such as population, income, government revenues, production of various goods and services, transportation facilities and other social infrastructures and even political power (management planning, 2006:11). Regional development often includes two conflicting goals of people's well-being and places' well-being. It is always known in advance that creating employment in the places where people live, due to avoiding psychological and economic costs of migration and natural resources, capital equipment and social infrastructure, is a priority to ensure employment in other places.

According to the studies conducted in this field, it can be said that in connection with the development of border regions, various theories such as the theory of the crystalline central place, the growth pole theory, the theory of the center of growth, the theory of the center around, and the theory of the return of the center are used, each of them with they are designed according to certain conditions and principles and are used at certain levels.

As a result, the theoretical framework of the development of border regions is in the whole framework of regional development. Since the

border regions are different from the central regions, this theoretical framework is based on the interpretation of the phenomenon of regional imbalance between the border regions and the central regions. Basically, all theories related to regional development revolve around regional imbalance as the center of their discussions.

3- METHODOLOGY

Thematic analysis is a method to recognize, analyze and report patterns in qualitative data. This method is a process for analyzing textual data and transforms scattered and diverse data into rich and detailed data. Thematic analysis is not only a specific qualitative method, but also is a process that can be used in most qualitative methods.

4- RESULTS & DISCUSSION

The requirements for the development of Sistan region are:

Solutions related to industry and mining

- Creating user industries instead of capital-intensive industries
- Investment of government, public, non-government and private sectors in the production sector
- Investing in the mining sector of Sistan region

Solutions related to trade facilitation and expansion

- Development of border markets
- Establishing the economic dependence of Afghanistan for the development of trade relations

Solutions related to agriculture

- Negotiating with Afghanistan for extraterritorial cultivation
- Completion of the 46,000-hectare plan of His Highness Zeleh Al-Ali
- Revival of Hamon International Wetland
- Preventing excessive evaporation of surface water
- Implementation of deep wells project
- Expanding and promoting productive agricultural supply chain
- Facilitating contract farming conditions

Solutions related to the field of tourism development

- Facilitating medical tourism conditions

Livelihood solutions

- Legalizing fuel transportation
- Avoiding unmanaged grants
- Implementation of the plan of home solar panels with long-term facilities
- Implementation of innovative empowerment plans and environment of the region)

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

Sistan and Baluchistan province, being located in a special geographical area, has potential in terms of mineral capacities, clean energy, as well as opportunities for foreign exchange and transit of goods, and is at risk from various economic, cultural and social, political, security and infrastructure challenges. Therefore, any development planning for the province and especially the Sistan region should take into account its special conditions. The province's challenges are mainly caused by weakness in regional development planning, weak diplomacy in water and trade, large size of the province, drought, dominant security perspective, weakness in commercial and property laws and diversity of ethnic groups and religions. The result of the province's problems has caused this province to lose its high position in the production of agricultural products, and by not substituting industry for agriculture, it turned to the service sector over many years, and due to the limitations of the service market, a large number of people to immigrate to this province. This, while disrupting the ethnic composition of other parts of the country, has led to the formation of marginalization, increased statistics of social damage and corruption in this province, and has also depopulated the border, which itself is considered a security threat. The development of Sistan region has its own requirements and according to this situation, it is necessary to comprehensively plan regional development and carefully study the economy and capacities of Pakistan and Afghanistan. In

completing and developing the province's infrastructure and industry - especially in the Sistan region - provide the necessary ground to preserve the population structure and prevent the migration of people in this region.

Keywords: Regional Development, Border Areas, Sistan and Baluchestan, Challenges, Solutions.

ابعاد، چالش‌ها و راهکارهای توسعه مناطق مرزی

محمد قدیمی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

محمد سلیمانی

استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

سید سجاد موسویان

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

مصطفی یخچالی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش خط‌مشی‌گذاری، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

<https://doi.org/10.22067/erd.2023.76439.1113>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف از این مقاله بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه منطقه مرزی سیستان و راهکارهای توسعه این مناطق در زمینه‌های مختلف است. این پژوهش با روش تحلیل مضمون انجام شده است و داده‌ها به روش مشاهده میدانی و مصاحبه عمیق با ۱۴ نفر از خبرگان اجرایی و دانشگاهی جمع‌آوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد استان سیستان و بلوچستان، ظرفیت‌هایی از قبیل: انرژی‌های تجدیدپذیر بادی و خورشیدی، همسایگی با کشورهای پاکستان و افغانستان و... را داراست. از سوی دیگر دارای چالش‌هایی از قبیل خشکسالی‌های پیاپی و عدم تأمین حق آب کشور از طرف افغانستان، حاشیه‌نشینی و... می‌باشد. پس از توصیف و تحلیل موارد فوق با روش تحلیل مضمون، برای عبور از چالش‌ها و استفاده از ظرفیت‌های منطقه راه‌حل‌هایی در حوزه‌های مختلف نظیر ورود نهادهای حکومتی به بخش صنعتی جهت حمایت صنایع نوزاد منطقه، افزایش تعاملات اقتصادی با کشور همسایه در راستای تأمین منابع آبی، سرمایه‌گذاری در بخش آموزش مهارت‌محور و... ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: توسعه منطقه‌ای، مناطق مرزی، سیستان و بلوچستان، چالش‌ها، راهکارها.

^۱ نویسنده مسئول: mo.ghadimi@isu.ac.ir

مقدمه

امروزه گرچه رویکردهای پیکرشناختی در مطالعات مرزی چندان مرسوم نیستند و شاید تا حدودی به این دلیل باشد که پژوهشگران تصور می‌کنند، هر آنچه ممکن است در مورد سرحدات و مرزها ارزش گفتن داشته باشد، گفته شده است، اما مرزها هنوز هم نقش بسیار مهمی در تعیین زندگی انسان ایفا می‌کنند (Meier, 2000, p.279). ویژگی‌های جمعیتی مناطق مرزی از قبیل؛ مذهب، قومیت، زبان و بافت اجتماعی، ویژگی‌های جغرافیایی مناطق مرزی از قبیل طول و نوع مرز، مجاورت یا کانون‌های بحران، مناطق مرزی مورد اختلاف، وجود تأسیسات مهم در منطقه مرزی، جایگاه منطقه مرزی از حیث توسعه‌یافتگی در ابعاد مختلف و درنهایت ویژگی‌های محیط بیرونی منطقه مرزی، از موارد قابل طرح و بررسی در محدود مناطق مرزی برشمرده می‌شوند (Pishgahi Fard & Soltani, 2009, p.18). استان سیستان و بلوچستان از جمله استان‌هایی است که شکاف قومی و زبانی آن‌ها موازی با شکاف مذهبی بوده و با تقویت و بالفعل کردن همدیگر بر احتمال فعال شدن و تبعات امنیتی مسائل می‌افزاید (Ahmadi Por; Moselo Heidary & Mirjalali, 2011, p.14). در اطراف کشورمان ایران نیز شاهد درگیری‌ها و اتفاقات ناگوار در کشورهای همسایه هستیم که خواه‌ناخواه امنیت کشورمان را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ یکی از این کشورهای همسایه، کشور افغانستان است که علیرغم قرابت‌های زبانی، نژادی، فرهنگی و تاریخی فراوان، صحنه حضور و ایجاد ناامنی توسط ایالات متحده آمریکا بوده و نتوانسته است به‌عنوان یک شریک تجاری بزرگ در کنار ایران قرار بگیرد. ناامنی‌های سیاسی و اقتصادی کشور افغانستان سبب شده، منطقه سیستان در استان مرزی سیستان و بلوچستان که در همسایگی این کشور قرار دارد نیز متأثر از اوضاع ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی آن باشد و با مشکلاتی مواجه شود. این مشکلات و دوری از مرکز موجب گردیده عملاً استان سیستان و بلوچستان مورد بی‌توجهی دولت‌ها و سرمایه‌گذاران واقع گردد. نتیجه چنین امری، مهاجرت گسترده و بی‌رویه مردم منطقه و خالی شدن مرز از سکنه بوده که می‌تواند مشکلات امنیتی را دوچندان کند. از طرفی طرح‌های حمایتی و معیشتی نهادهای مختلف نیز تنها به‌عنوان یک راهکار موقت جوابگو هستند و در بلندمدت باید به فکر ریشه‌یابی و حل مشکلات واقعی منطقه بود.

مرزهای ایران به‌عنوان گلوگاه‌های ارتباطی و عامل تفسیرکننده وضعیت ژئواکونومیکی ایران از لحاظ ژئوپلیتیکی اهمیت فراوانی پیدا می‌کنند. با توجه به اینکه موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپلیتیک مرزهای کشور از اهمیت زیادی برخوردار است؛ لذا هنگام بررسی ژئوپلیتیک مناطق مرزی عوامل متغیر و به‌ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیتی این مناطق از اهمیت زیادی برخوردار است (Ebrahim Zade & Mosavi, 2015, p.2). با این تفاسیر، مناطق مرزی جنوب شرقی ایران با دارا بودن ظرفیت‌های فوق‌العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی واجد کارکردهای تولیدکننده قدرت در کشور است که تاکنون مورد غفلت واقع شده لذا با وجود دارا بودن

پتانسیل‌های یادشده که دیگر مناطق ایران فاقد چنین پتانسیل‌هایی هستند، یکی از عقب‌مانده‌ترین مناطق کشور به لحاظ اقتصادی محسوب می‌گردد. برخی از مزیت‌های این مناطق دارای اثرات درون کشور است که برخی به موقعیت ایران در ساختار نظام جهانی مربوط می‌شود (Hafez Nia & Romina, 2005, pp.5-7). باین حال، عدم توسعه‌یافتگی مناطق مرزی جنوب شرق کشور، رفاه میان شهرهای مرزی با شهرهای مرکزی که نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است، بر ضرورت توسعه این مناطق می‌افزاید؛ به عبارت دیگر باطن‌نمای توسعه در منطقه سیستان و بلوچستان بر پاره‌ای از ناهمگنی‌ها، استوار شده است از قبیل ناهمسانی مذهبی مرزنشینان با مذهب رسمی کشور و همسانی مذهبی با ساکنان کشورهای همسایه که همسانی قومی نیز آن ناهمسانی و این همسانی را تشدید می‌کند. علاوه بر این، ناهمسانی، رفاه میان شهرهای مرزی با شهرهای مرزی که نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است بر ضرورت چاره‌اندیشی می‌افزاید (Khalili).

(et al., 2011, p.2) این منطقه از دید پتانسیل‌های اقتصادی دارای سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. برای مثال ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در کرانه‌های دریای عمان و اشراف این منطقه بر یکی از مهم‌ترین و استراتژیکی‌ترین راه‌های آبی جهان، همسایگی با افغانستان، پاکستان، پاکستان و نزدیک به کشورهای آسیای میانه که دسترسی به دریا ندارند، ویژگی برجسته‌ای که به این مناطق بخشیده است (Kiani Moghadam et al., 2010, p.48). همچنین مناطق مرزی از جهت قرارگیری در مجاورت کشورهای همسایه و قرابت‌های فرهنگی با مردم کشور همجوار، همواره مورد توجه دولت‌ها در سراسر جهان قرار داشته‌اند. این مناطق علیرغم تهدیدات امنیتی و نظامی، فرصت‌های فراوانی را در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند؛ فرصت تبادلات اقتصادی و فرهنگی در مناطق مرزی ایران از جهت همسایگی با ۱۵ کشور شرایط ویژه‌ای دارد. تنوع اقلیمی و فرهنگی همسایگان ایران و موقعیت بسیار استراتژیک کشورمان در مسیرهای مواصلاتی تجاری جهان، فرصتی بی‌نظیر جهت تقویت مراودات و در نتیجه افزایش ضریب امنیت منطقه‌ای است. سیاستی که به دلیل مداخلات بلوک غرب در منطقه و اختلاف‌افکنی‌ها و جنگ‌افروزی‌ها میان همسایگان، به دست فراموشی سپرده شده است؛ بنابراین شکل‌گیری مراودات گسترده فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در منطقه موجب امنیت و ثبات در آن خواهد شد و در پی آن رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

بدون شک توسعه‌یافتگی مناطق مرزی و علی‌الخصوص مناطق مرزی سیستان باعث ثبات جمعیت مرزنشین، افزایش ضریب امنیت، بازدارندگی، صلح و آرامش در منطقه خواهد شد. همچنین از آنجا که مناطق مرزی از حیث تجارت خارجی و ارزآوری نیز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند، توسعه این مناطق موجب شکوفایی اقتصادی منطقه و کشور نیز می‌گردد.

هرچند از گذشته تاکنون ابعاد گوناگون مسائل و مشکلات مربوط به مناطق مرزی به‌طور پراکنده مورد مطالعه قرار گرفته است، اما توسعه این مناطق با این عنوان، تاکنون نه تنها جایگاهش در نظام برنامه‌ریزی توسعه

کشور تبیین نشده است، بلکه ابعاد و ویژگی‌های آن نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو، ضرورت انجام مطالعات علمی در این رابطه، بیش از پیش احساس می‌شود و مورد شناسایی و مطالعه قرار گیرند. برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه نیاز به برنامه‌ریزی اعم از ملی، منطقه‌ای، تدوین استراتژی و شناسایی موانع توسعه است. در رویکرد استراتژیک، لازم است چشم‌انداز آتی و مفهوم مشخصی از آینده ارائه شود (Yaghfory & Beheshti far, 2012, p.1).

بنابراین مسئله اصلی این مقاله، چگونگی توسعه مناطق مرزی سیستان به عبارت دیگر چگونگی خروج منطقه مرزی سیستان از محرومیت و فقر می‌باشد. در این مقاله با بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های این استان الزامات و راهکارهای عملیاتی جهت توسعه همه‌جانبه مناطق مرزی ارائه خواهد شد.

مبانی نظری

برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای

تقسیمات منطقه‌ای بر اساس مبانی متعدد و متنوعی در جهان شامل: جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اداری، اقتصادی یا زیستی است اما تقسیمات منطقه‌ای که مبتنی بر تقسیمات زیستی است، یکی از جدیدترین و علمی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها جهت مطالعات علمی و کاربردی در مقوله برنامه‌ریزی است (Matof, 1997, p.26). بر همین اساس در یک تعریف ساده می‌توان گفت، منطقه شامل بخشی از سرزمین (شامل چندین شهر و روستاهای وابسته) یا به عبارت دیگر، یک یا چند استان می‌شود. این تفکیک و تقسیم، مبتنی بر ویژگی‌های مشترک مجموعه، از جمله ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همگن خواهد بود.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مدیریت یکپارچه منابع اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی یک منطقه است (Johnson, 2002, p.12925). اصولاً برنامه‌ریزی، تهیه مجموعه‌ای از اقدامات مرتبط و مکمل قابل اجرای مبتنی بر مطالعات است که در راستای حرکت هوشمندانه به سمت هدف مشخص سوق می‌یابد. به طور ساده، برنامه‌ریزی منطقه‌ای را می‌توان کوششی متشکل و منظم برای انتخاب بهترین راه‌ها و روش‌ها به منظور رسیدن به اهداف خاص در یک منطقه دانست (Shina, 2006, p.90). به تعبیر دیگر، برنامه‌ریزی منطقه‌ای عبارت است از روند منظم و متشکل برای انتخاب بهترین روش‌ها و مدل جهت رسیدن به اهداف رشد و توسعه در مناطق مختلف (Zivary, 1999, p.88).

توسعه منطقه‌ای نیز عبارت است از ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل جمعیت، درآمد، درآمدهای دولت، تولید انواع کالا و خدمات، تسهیلات حمل و نقل و سایر زیرساخت‌های اجتماعی و حتی قدرت سیاسی (Management Planning, 2006, p.11). توسعه منطقه‌ای اغلب دربرگیرنده دو هدف متضاد رفاه مردم و رفاه مکان‌ها است. همواره از پیش معلوم است که ایجاد اشتغال در جاهایی که مردم زندگی می‌کنند به دلیل اجتناب از هزینه‌های روانی و اقتصادی مهاجرت و منابع طبیعی و تجهیزات

سرمایه‌ای و زیرساخت‌های اجتماعی، بر تأمین اشتغال در مکان‌های دیگر اولویت دارد (Management Planning, 2006, p.14).

در یک نگاه تاریخی، تحول برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تئوری توسعه منطقه‌ای در چهار مرحله صورت گرفته است. رویکرد اولیه مبتنی بر توسعه منابع و حفظ محیط‌زیست است و در مرحله دوم، توسعه اقتصادی متوازن برای دستیابی به رفاه منطقه‌ای، در مقیاس ملی هدف‌گذاری شده است. پس از سال ۱۹۸۰، برنامه‌ریزی منطقه‌ای بر اساس ایده‌های نئولیبرال پایه‌ریزی گردیده و نیازهای سیاسی و فرهنگی منجر به رویکردهای جدیدی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای شده است. در نهایت، توجه ویژه‌ای به ارتباط نزدیک بین تئوری و عمل در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و فعالیت‌های جغرافیدانان صورت گرفته است، (Soja, 2009, p.259). رویکردی که در این مقاله مدنظر قرار گرفته است، رویکردی است که بتوان برای رشد و توسعه یک منطقه، تمام ابعاد آن از قبیل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی، سیاسی را در نظر گرفت و برای آن برنامه‌ریزی، اقدام و فعالیت تعریف نمود.

توسعه مناطق مرزی

با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان گفت که در ارتباط با توسعه مناطق مرزی نظریه‌های مختلفی از قبیل نظریه مکان مرکزی کریستالر، نظریه قطب رشد، نظریه مرکز رشد، نظریه مرکز پیرامون، نظریه برگشت مرکز به کار گرفته می‌شوند که هر کدام با توجه به شرایط و اصول خاصی طراحی شده‌اند و در سطوح خاصی کاربرد دارند (Parnian; Ziarati; Miree & Modiri, 2016, p.178). به‌طور کلی می‌توان گفت، پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با مناطق مرزی برای اولین بار ریشه در تفکرات نظریه‌های مکان مرکزی، به‌ویژه والتر کریستالر (۱۹۳۳) دارد، به‌واقع او سعی داشت علت عدم تعادل‌های منطقه‌ای را در میان مناطق مرکزی و مناطق مرزی تجزیه تحلیل کند (Matof, 1997, p.476). بعدها کسانی با پایه قرار دادن مطالعات کریستالر، سعی کردند تعادل‌های منطقه‌ای در مناطق مرزی را مورد توجه قرار دهند که عبارت‌اند از:

«نیلز هانسن» در سال ۱۹۷۸، پس از انجام مطالعات میدانی گسترده‌ای در مرزهای کشورهای آلمان، فرانسه و سوئیس، ویژگی‌های مناطق مرزی را مورد توجه قرار داده و آن‌ها را بر اساس نظریه‌های مکان مرکزی «کریستالر» و قطب رشد «پرو» تجزیه و تحلیل کرد. وی در مطالعات خود به نکات مثبت و منفی مناطق مرزی و تحلیل آن‌ها از دیدگاه «کریستالر»، «لوش»، «ژاندارم»، «بودویل»، «اوربان» و «پرو» می‌پردازد. او نکات مثبت مرزها را که در کنار مرزهای سیاسی باثبات قابل تصورند، عبارت از توسعه فعالیت‌های تجاری و فرهنگی مرزی که شعاع نفوذی در کشور مجاور پیدا می‌کنند و درآمدهای حاصل از دریافت عوارض، برمی‌شمارد (Andalib, 2001, pp.37-39) سپس کسان دیگری از قبیل «فیلیپ جونز» و «تریوور والد» مقاله

تحقیقی خود را در تحلیل تغییرات فضایی ساختاری در مرز پیشین دوطرفه‌ای آلمان پس از برقراری مرز و برداشتن موانع مرزی نوشتند. در این مقاله، پس از انجام مطالعات نظری و تکیه بر نظریه‌های مکان مرکزی و قطب رشد و نیز انجام مطالعات موردی در منطقه مرزی مورد بحث به نقد این نظریات پرداخته و خصوصیات برای مناطق مرزی استخراج کردند، به عقیده این دو، مناطق مرزی به‌عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته شناخته می‌شوند؛ این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد اما خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد. آنان معتقدند که با برقراری مرزی بین دو کشور، فضاهایی که به‌طور اصولی به یکدیگر متصل‌اند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند و این حاشیه‌ای بودن، علت عقب‌ماندگی این نواحی است (Andalib, 2001, p.40). سپس در همین زمینه پتراکاس و اکانو (۲۰۰۲)، آرکوت و اورزن (۲۰۰۳) به مطالعه در زمینه توسعه مناطق مرزی در اتحادیه اروپا پرداختند و به این نتایج دست یافتند که توسعه مناطق مرزی تنها از طریق به‌کارگیری سیاست‌های گسترش همکاری‌های بین‌المللی و روابط بین مرزی و برقراری امنیت در مرزها امکان‌پذیر است (Mosavi, 2009, pp.8-14). همچنین نیپور (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان اثرات رشد در اتحادیه اروپا بر توسعه اقتصادی شهرهای مناطق مرزی این کشورها به این نتیجه رسید که اثرات یکپارچگی و تغییرات در دسترسی به بازار، نقش اساسی در توسعه این شهرها داشته است؛ به‌صورتی که اثرات آن از تئوری‌های پیش‌بینی شده بیشتر بوده است (Niebuhr, 2005, p.28). در نتیجه چارچوب نظری توسعه مناطق مرزی در کل چارچوب توسعه منطقه‌ای است. از آنجا که مناطق مرزی با مناطق مرکزی متفاوت است، این چارچوب نظری بر تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی استوار است. اصولاً همه نظریه‌های مربوط به توسعه منطقه‌ای بر پایه عدم تعادل منطقه‌ای به‌عنوان محور بحث‌هایشان می‌چرخند (Andalib & Matof, 2009, p.62).

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلفی با نگاه توسعه صنعتی، توسعه اقتصاد کشاورزی، توسعه اشتغال و امنیت در استان سیستان و بلوچستان انجام شده است اما پژوهش‌هایی که به‌صورت جامع به ابعاد مختلف توسعه در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند بسیار اندک هستند. در جدول زیر پژوهش‌های صورت گرفته را مشاهده می‌کنید.

جدول (۱): پیشینه پژوهش‌های گردآوری‌شده

مؤلف/مؤلفین	سال تألیف	عنوان	نتایج
ابراهیم‌زاده و موسوی	۲۰۱۶	آمایش ژئوپلیتیکی و ژئو اکونومیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و راهبردهای توسعه آن مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان	متغیرهای ژئو اکونومیک دارای بیشترین تأثیرات در کاهش دوگانگی منطقه‌ای و کاهش شکاف مرکز - پیرامون بوده‌اند اما متغیرهای ژئوپلیتیک قومی - مذهبی دارای اثر منفی و کاهنده بر آمایش استان بوده است. درعین حال گسترش تنش‌های قومی منجر به ایجاد ناامنی در منطقه شده و این عوامل تمام فرصت‌ها در زمینه توسعه اقتصادی را از بین می‌برد.
مختاری هشی؛ وزین؛ قادری حاجت	۲۰۱۶	بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان	مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی آسیب‌پذیر بوده و با چالش‌های متعددی روبرو می‌باشد. برای ایجاد امنیت پایدار در مناطق روستایی استان لازم است راهبرد توسعه روستایی مورد توجه قرار گیرد.
شهرکی مقدم؛ کریمیان بستانی و انوری	۲۰۲۰	ترانزیت جاده‌ای و اثرات آن بر توسعه اقتصاد روستایی منطقه سیستان	نتایج نشان می‌دهد که از بین شاخص‌های توسعه اقتصاد روستایی متأثر از ترانزیت جاده‌ای مؤلفه ایجاد اشتغال بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.
خلیلی؛ منشادی و آزموده	۲۰۱۱	بایستگی‌های ژئو اکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران	رونق کریدور شمال جنوب سرآغاز توسعه پایدار جنوب شرق است که درنهایت به برقراری و گسترش رفاه و امنیت منجر می‌شود.
پورشاهی؛ پورکیانی؛ زاینده رودی و شیخی	۲۰۱۷	ارائه مدل بومی برای ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان با رویکرد توسعه پایدار	متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی با توسعه پایدار در استان سیستان و بلوچستان همبستگی معنادار دارد.
جشاری و مرادی	۲۰۱۹	تدوین راهبردهای توسعه اقتصاد کشاورزی نواحی روستایی استان سیستان و بلوچستان با رویکرد آینده‌پژوهی	راهبردهایی مانند ارتقای آموزش‌های تخصصی و کاربردی و توانمندسازی نیروی انسانی، گسترش فن‌آوری آبیاری تحت فشار، تداوم سرمایه‌گذاری‌های دولت در امر توسعه زیربنای استان به‌ویژه حمل‌ونقل و سردخانه‌ها و صنایع تبدیلی ارائه شده است.
زالی، حیدری و ابی‌زاده	۲۰۲۱	بررسی رابطه متقابل امنیت و توسعه در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان)	امنیت و ابعاد آن با توسعه و ابعاد آن شامل توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ارتباط چشم‌گیری دارد و تغییر در هر بعد از امنیت تأثیر به‌سزایی در توسعه و ابعاد آن خواهد داشت و بالعکس.

روش‌شناسی

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل

می‌کند (Baraun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود (Boyatzis, 1998, p.4).

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

از آنجا که روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل متن می‌پردازد، نحوه جمع‌آوری اطلاعات در قالب چرخه‌های برداشت از متن انجام می‌شود. در واقع محقق با طی کردن مسیر رفت و برگشتی درون‌متن به درک بهتری از متن برسد. در هر رفت و برگشت، یافته‌های جزئی که ناسازگار و متناقض با سیر یافته‌های محکم‌تر قبلی هستند، کنار گذاشته می‌شوند. این مسیر تا جایی ادامه می‌یابد که درک قابل قبولی از متن ایجاد شود که کمترین تناقض درونی را دارد (Packer, 1989, p.2)، (Patton, 2002, p.3).

روش و ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات

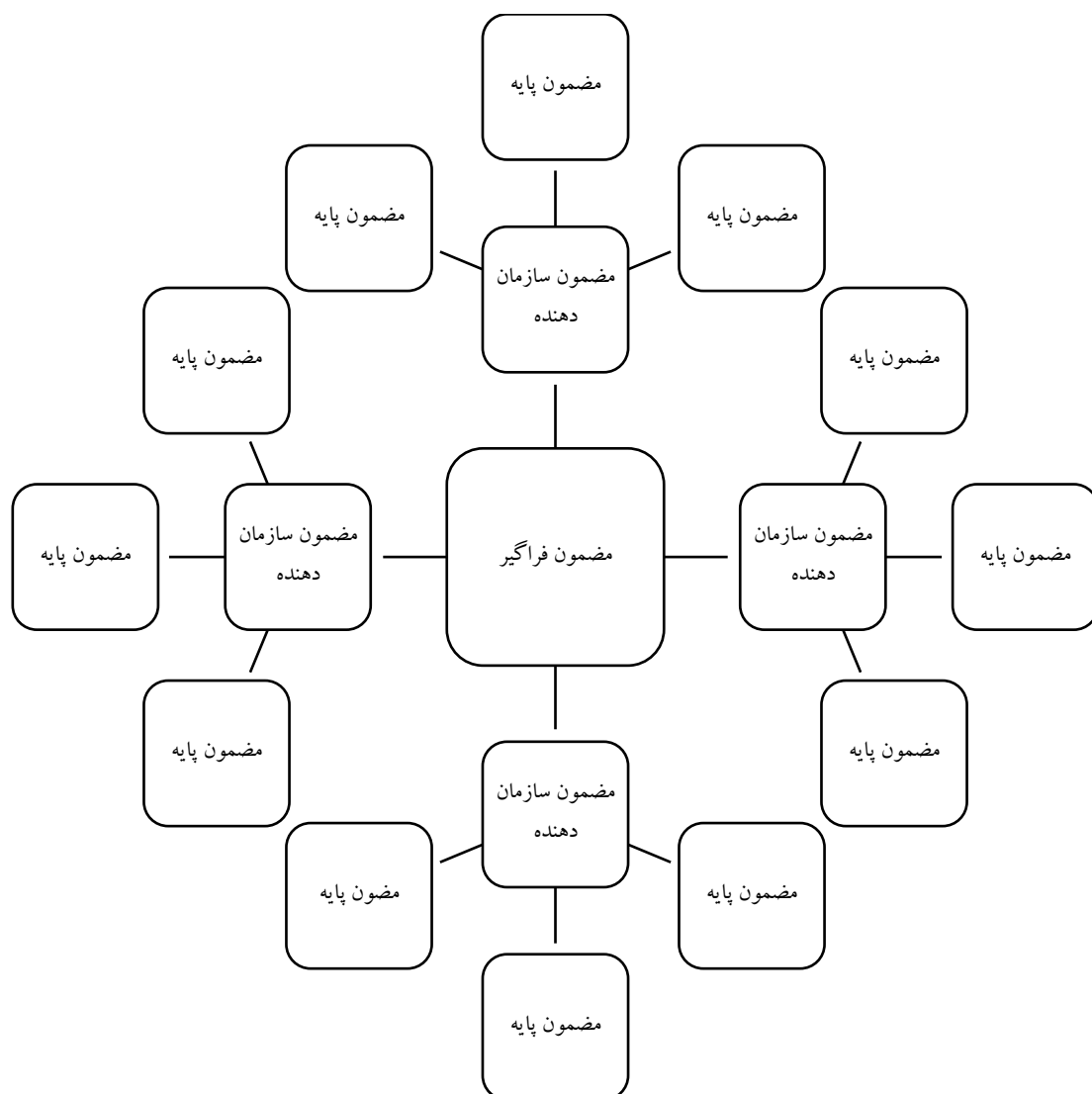
تجزیه و تحلیل اطلاعات در روش تحلیل مضمون مبتنی بر فرآیند کدگذاری است. مضمون یا تم، بیانگر جز مهمی در داده‌ها در رابطه با سؤالات تحقیق است و تاحدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun, 2006). مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداقل به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده مورد بررسی می‌پردازد (Boyatzis, 1998, p.4).

شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند:

مضامین پایه (کدها و نکات موجود در متن)

مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)

مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل). سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود. شبکه مضامین رویه‌ای برای تهیه مقدمات تحلیل یا ارائه نتایج پایانی تحلیل نیست بلکه تکنیکی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته روشنی در درون متن است (Abed Jafari et al., 2011, p.170).



شکل ۱: (Abed jafari et al., 2011, p.170)

تحلیل داده‌ها

با توجه به مطالعه عمیق مقالات، منابع مرتبط و انجام ۱۴ مصاحبه میدانی از اساتید دانشگاه، مسئولین دولتی، مسئولین نهادهای حاکمیتی و گروه‌های مردمی و جهادی، ۶۱ جمله و عبارت از متن استخراج شد. ۵۷ مضمون پایه و ۲۴ مضمون سازمان‌دهنده با ۴ مضامین فراگیر استخراج شده است.

جدول (۲): بخشی از جداول استخراج مضامین پایه از متن مصاحبه‌ها و متون علمی مرتبط با توسعه منطقه مرزی سیستان

ردیف	متن	مضامین پایه
۱	توسعه نه تنها در منطقه سیستان بلکه در کل ایران به آب بستگی دارد چراکه کشوری گرم و خشکی هستیم و متوسط ریزش‌های جوی ما حدود ۲۵۰ میلی‌متر یعنی یک‌سوم ریزش‌های جوی دنیا است.	بحران آب
۲	تأمین آب از طریق دریای عمان که این در کوتاه‌مدت و حداکثر در میان‌مدت امکان‌پذیر است اگر عزم جدی ملی وجود داشته باشد، این آب‌رسانی از دریای عمان می‌تواند انجام بگیرد اما این آب را به‌تنهایی نمی‌توان برای کشاورزی استفاده کرد ولی حداقل می‌تواند برای تأمین آب شرب با اولویت سیستان و زاهدان باشد.	اجرای پروژه انتقال آب دریای عمان
۳	حق آب کشور از افغانستان برای کشاورزی، آب شرب و همچنین حق آب زیست‌محیطی دریاچه هامون که این‌ها در کنوانسیون رامسر در سازمان ملل ثبت شده است و باید تأمین بشود که متأسفانه دولت‌ها با آن مواجهه ضعیفی داشته‌اند.	مذاکره با کشور افغانستان برای تأمین حق آب
۴	ترانزیت می‌تواند نه تنها برای استان بلکه برای شرق کشور اثربخش باشد چون بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار صادرات و واردات در آسیا مرکزی شکل می‌گیرد و این مسیر چابهار به آسیای مرکزی کوتاه‌ترین، اقتصادی‌ترین و امن‌ترین مسیر است و این باعث می‌شود که فقط از محل ترانزیت، بتوانیم ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار در سال داشته باشیم.	تکمیل راه‌های مواصلاتی
۵	این استان با دو کشور افغانستان و پاکستان همسایه می‌باشد یعنی بیش از ۱۲۵۰ کیلومتر مرز خاکی با کشور افغانستان و پاکستان را داراست.	همسایگی با کشورهای افغانستان و پاکستان
۶	در بخش کشاورزی ما شرایط بسیار استثنائی داریم به‌خصوص در بلوچستان که معروف به هندوستان کوچک است و ده‌ها نوع میوه‌های گرمسیری را که در هیچ کجای ایران امکان عمل‌آوری ندارد در سیستان و بلوچستان می‌توانیم آن‌ها را عمل بیاوریم.	تولیدات گرمسیری
۷	یکی چیزی با عنوان آب ژرف هم در سیستان وجود دارد که بیشتر جنبه مطالعاتی دارد و خیلی روی آن برای آب درخور کشاورزی و شرب می‌توان حساب کرد ولی باید تحقیقات آن ادامه پیدا کند.	اجرای پروژه چاه‌های ژرف
۸	دولت باید برای این امور روئینایی اما تأثیرگذار هزینه بکند و تسهیلاتی را به مردم با بازپرداخت چند ده‌ساله اعطا بنماید که مشوقی برای مردم باشد مثلاً تسهیلات بلندمدت برای خرید پل‌های خورشیدی	اجرای طرح پل‌های خورشیدی خانگی با تسهیلات بلندمدت

۹	یکی از اصول جذب سرمایه‌گذار، جذابیت و تشویق آن است اما به خاطر خشن بودن انسانیت و فرهنگ مردم و خشن بودن طبیعت، کسی به این سمت نمی‌آید با اینکه دانشگاه هم ایجاد شده و کمی فضا را بهتر کرده است لکن یکی از کارهای بدی که شده، ذهنیت بدی است که توسط فیلم‌های صداوسیما در ذهن مردم جای گرفته است.	چالش ذهنیت نادرست مردم کشور از استان سیستان و بلوچستان
۱۰	متأسفانه چند رشته‌ای و بین‌رشته‌ای عمل کردن بین مسائل، ظرفیت‌ها و طرح‌ها دیده نمی‌شود درحالی‌که فقط صنایع سنگین، سرمایه بر و آب بر استفاده می‌شود.	ایجاد صنایع کاربر به جای صنایع سرمایه‌بر
۱۱	استان سیستان و بلوچستان به جهت قرارگیری در مدارهای ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی، بهره فراوانی از تابش نور مستقیم خورشید در بین نقاط جهان دارد و در اکثر روزهای سال، انرژی خورشیدی قابل استحصال است. بادهای موسوم به «بادهای ۱۲۰» روزه نیز یک پدیده غالب و اثرگذار در منطقه است. در بعضی از سال‌ها این تعداد به حدود ۲۴۰ روز نیز می‌رسد.	انرژی‌های تجدید پذیر از جمله باد و نور خورشید
۱۲	استان سیستان و بلوچستان بر روی کمربند فلزاتی و معدنی جهان که از یوگسلاوی تا پاکستان ادامه دارد، قرار دارد. سیستان و بلوچستان دارای ذخایر معدنی مانند کرومیت، مس، منگنز، سرب و روی، قلع، تنگستن، طلا و کانسارهای غیرفلزی نظیر تالک، منیزیت، گل سفید، فلدسپات، کائولن، سیلیس و سنگ‌های ساختمانی به‌ویژه مرمریت و گرانیت بوده و بیش از ۴۰۰ هزار تن گارنت با عیار ۴۰٪، ۱۰ میلیون تن آندالوزیت، ۵ میلیون تن فلدسپات، ۱۳۰ هزار تن سیلیس با عیار ۹۹/۸٪ و ۴۳ هزار تن آنتیموان در خود جای داده است.	سرمایه‌گذاری در بخش معدن منطقه سیستان
۱۳	استان سیستان و بلوچستان در مسیر دو محور ترانزیتی جنوب آسیا و محور شرق است.	قرارگیری در مسیر ترانزیتی
۱۴	متوسط تعداد تخت ثابت در کشور به ازای هر ۱۰۰ نفر، ۲۰۲ و در استان، ۱۲۴ است؛ این شاخص در منطقه سیستان به‌طور متوازن توزیع نشده و شاهد تمرکز در زابل هستیم.	زیرساخت‌های نسبتاً مناسب درمانی
۱۵	به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر در کشور ۶ پزشک وجود دارد که با مقدار این شاخص در استان نیز تقریباً یکسان است. در منطقه سیستان نیز تقریباً همین اوضاع برقرار است اما باز هم تمرکز در زابل بالا بوده و دو برابر میانگین کشور است.	زیرساخت‌های نسبتاً مناسب درمانی
۱۶	استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۵، ۱۳۲ درصد از GDP کل کشور را دارا بوده است و از این منظر در رتبه ۱۹ کشور قرار داشته است؛ این در حالی است که این استان در این سال، ۳۴۷ درصد جمعیت و ۱۰۹۸ درصد وسعت کشور را دارا بوده است.	فقدان درآمد و فقر و محرومیت نسبتاً فراگیر
۱۷	این استان با نرخ بی‌کاری ۱۲/۲٪ در رتبه ۲۰ ام کشور قرار دارد؛ نرخ بی‌کاری منطقه سیستان نیز ۱۲٪ می‌باشد.	بحران بی‌کاری
۱۸	در سال ۱۳۹۷، شاخص توسعه انسانی در بخش «امید به زندگی» در کل کشور ۰۸۱۲ است؛ درحالی‌که این رقم در تهران (رتبه اول) معادل ۰۸۳۴ و در استان سیستان و بلوچستان (رتبه ۳۱ ام) ۰۷۱۸ است.	بهداشت و سلامت

آموزش	شاخص توسعه انسانی در بخش «آموزش» در کل کشور ۰.۸۱۷ است؛ درحالی‌که این رقم در تهران (رتبه اول) معادل ۰.۸۹۲ و در استان سیستان و بلوچستان (رتبه ۳۱ ام) ۰.۶۲۲ است که به‌خوبی سطح نابرابری آموزشی را در سطح استان با متوسط کشور نشان می‌دهد.	۱۹
چالش تأمین مسکن	به دلیل ضعف سرمایه‌گذاری در تولید، سرمایه سرگردان مردم وارد بازارهای سرمایه‌ای می‌شود و در کنار مشکلاتی از قبیل کمبود زمین و دوری استان از کارخانه‌های مصالح ساختمانی، سفته‌بازی نیز موجب افزایش بی‌رویه قیمت مسکن گردیده است.	۲۰

جدول (۳): بخشی از جداول استخراج مضمون‌های پایه و سازمان‌دهنده از کدهای مربوط به توسعه منطقه مرزی سیستان

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده
۱	فقدان درآمد و فقر و محرومیت نسبتاً فراگیر	چالش‌های معیشتی و رفاهی
۲	بحران بی‌کاری	
۳	بهداشت و سلامت	
۴	آموزش	
۵	چالش تأمین مسکن	
۶	چالش سازوکار تجارت با کشورهای همسایه	
۷	ضعف در توان تولیدی	چالش‌های حوزه تولید
۸	چالش تأمین سرمایه	
۹	دشواری تأمین مواد اولیه	
۱۰	دشواری تأمین مواد اولیه و به‌طور خاص بحران علوفه دامی	
۱۱	دشواری تأمین نیروی کاری متخصص و کارآمد	
۱۲	چالش زیرساخت‌های مواصلاتی و ارتباطی	
۱۳	چالش قومی و مذهبی	چالش‌های فرهنگی و اجتماعی
۱۴	چالش مهاجرت	
۱۵	چالش حاشیه‌نشینی	
۱۶	چالش فرهنگ سنتی مردم برای پذیرش توسعه صنعتی	
۱۷	چالش ذهنیت نادرست مردم از کشور از استان سیستان و بلوچستان	
۱۸	چالش سوخت بری و قاچاق	چالش‌های سیاسی و امنیتی
۱۹	دشواری مدیریت، رسیدگی و نظارت به دلیل وسعت بالا	
۲۰	چالش امنیت اقتصادی برای وارد سرمایه‌گذار بخش خصوصی	

۲۱	طوفان‌های ۱۲۰ روزه و مسئله ریزگردها	چالش‌ها و مسائل ناشی از طبیعت و جغرافیا

جدول (۴): بخشی از جداول استخراج مضمون‌های سازمان‌دهنده و فراگیر از کدهای مربوط به توسعه منطقه مرزی سیستان

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
چالش‌های معیشتی و رفاهی	چالش‌های پیشروی توسعه منطقه مرزی سیستان
چالش سازوکار تجارت با کشورهای همسایه	
چالش‌های فرهنگی و اجتماعی	
چالش‌های سیاسی و امنیتی	
چالش‌ها و مسائل ناشی از طبیعت و جغرافیا	
ظرفیت‌های ژئوپلیتیک	ظرفیت‌های موجود جهت توسعه منطقه مرزی سیستان
ظرفیت‌های طبیعی و جغرافیایی	
ظرفیت‌های زیرساختی	
اصلاح و تغییر قوانین در راستای توسعه استان	الزامات توسعه منطقه مرزی سیستان
اصلاحات نهادی	
توجه به توسعه انسانی	
چاره‌اندیشی برای تأمین آب	
راهکارهای مرتبط با حوزه صنعت و معدن	راهکارهای توسعه منطقه مرزی سیستان
راهکارهای مرتبط با حوزه کشاورزی	
راهکارهای مرتبط با حوزه توسعه گردشگری	
راهکارهای حوزه معیشت	

نتایج

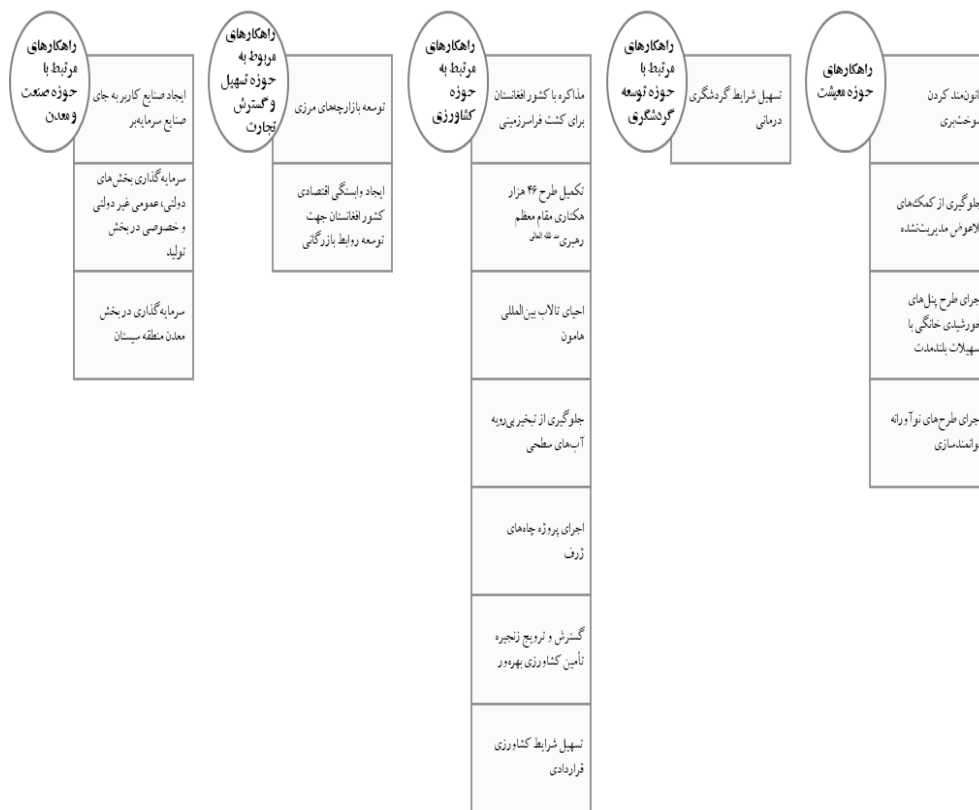
بیان ظرفیت‌ها، چالش‌ها، الزامات و راهکارهای غیرعمومی که مختص مناطق مرزی هستند به صورت شبکه مضامین عبارت است از:

شکل ۲: ظرفیت‌ها و چالش‌های منطقه مرزی سیستان





شکل ۳: الزامات توسعه منطقه سیستان



شکل ۴: راهکارهای توسعه منطقه سیستان

بحث و نتیجه

استان سیستان و بلوچستان با قرارگیری در منطقه جغرافیایی خاص، از نظر ظرفیت‌های معدنی، انرژی‌های پاک و همچنین فرصت مبادلات خارجی و ترانزیت کالا حائز توانمندی بوده و از نظر چالش‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و امنیتی و زیرساختی در مخاطره است؛ لذا هرگونه برنامه‌ریزی توسعه‌ای برای استان و به‌ویژه منطقه سیستان باید با در نظر گرفتن شرایط خاص آن باشد. چالش‌های استان عمدتاً ناشی از ضعف در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، دیپلماسی ضعیف در حوزه آب و تجارت، وسعت زیاد استان، خشکسالی، نگاه امنیتی غالب، ضعف در قوانین تجاری و مالکیتی و تنوع اقوام و مذاهب است. برآیند مشکلات استان موجب شده است که این استان جایگاه بالای تولید محصولات کشاورزی خود را از دست بدهد و با عدم جایگزینی صنعت به جای کشاورزی، در طول سالیان متمادی

روی به بخش خدمات آورد و با توجه به محدودیت بازار خدمات، تعداد بسیار زیادی از مردم این استان اقدام به مهاجرت کنند؛ امری که ضمن برهم زدن ترکیب قومیتی سایر نقاط کشور، موجب شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی و مفاسد در این استان شده و همچنین مرز را از سکنه خالی نموده است که خود یک تهدید امنیتی به شمار می‌رود.

توسعه منطقه سیستان اقتضائات خاص خود را دارد و با توجه به این وضعیت، ضروری است ضمن برنامه‌ریزی جامع توسعه منطقه‌ای و مطالعه دقیق اقتصاد و ظرفیت‌های کشورهای پاکستان و افغانستان، دولت توجه جدی به اسناد بالادستی توسعه محور شرق داشته و با سرمایه‌گذاری بخش عمومی غیر دولتی در تکمیل و توسعه زیرساخت‌ها و صنعت استان - به‌خصوص منطقه سیستان - زمینه لازم برای حفظ بافت جمعیتی و جلوگیری از مهاجرت مردم این منطقه را فراهم سازد.

References

- Abdali, E.; Kalantari Khalilabad, H., & Peyvastehgar, Y. (2019). Spatial - physical analysis of the urban areas based on the smart growth indicators (case study: areas of yāsuj city). *Urban Planning Knowledge*, 3(2), 83-97. (in Persian)
- Ahmadi Por, Z. L.; Moselo heidary, T., & Mirjalali, A. (2001). Explaining the factors of insecurity in southeast iran, *Social Security Studies Quarterly*, 27, 13-44. (in Persian)
- Andalib, A. (2001). Basic principles and principles of preparation of the border areas of the Islamic Republic of Iran, Tehran: *Faculty of Command and Headquarters of The Islamic Revolutionary Guard Corps*. (in Persian)
- Andalib, A., & Matof, Sh. (2009). Development and security in border regions of Iran, 6(12), 57-76. (in Persian)
- Barimani, D.; Rasti, H.; Dehani, M., & Jahantigh, R. (2018). Analysis the relationship of social capital and threatening factors of security (case study: border settlements of sistan and baluchestan). *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 8(26), 159-178.
- Boyatzis, R. E. (1998). Transforming qualitative information, *Thematic Analysis and Code Development*.
- Braun, C., & Peric, A. (2017). Integrated spatial and transport development along european corridors: a look through the lens of stakeholder cooperation. in

Real Corp 2017 Panta Rhei—A world in constant motion. proceedings of 22nd international conference on urban planning, *Regional Development and Information Society*, 291-299.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, 3(2), 77-101.

Ebrahim Zade, E., & Mosavi, M. N. (2016). Geopolitical and geo-economic analysis of the border areas of the southeast of the country and its development strategies, a case study: Sistan and Baluchistan Province, *Geography and Development Quarterly*, 42, 1-26. (in Persian)

Hafez nia, M. E., & Romina, E. (2005). Analyzing geopoetic capacities of southeast coasts of iran in line with national interests (neglected space), *Journal of Geography and Development of Sistan and Baluchistan University*, 6, 5-20. (in Persian)

Jashri, S., & Moradi, E. (2019). Developing strategies for the development of the agricultural economy in the rural areas of sistan and baluchistan province with a future research approach, *Space Economy and Rural Development Quarterly*, 8(3), 51-66. (in Persian)

Johnson, D. A. (2002). Regional planning history of international encyclopedia of the social & behavioral sciences, University of Tennessee, USA: 12925–12930.

Khalili, M. et al., (2011). The geo-economic aspects of the development of the southeast region of iran, *Foreign Relations Quarterly*, 3(4). (in Persian)

Laird, J. J., & Venables, A. J. (2017). Transport investment and economic performance: a framework for project appraisal. *Transport Policy*, 56, 1-11.

Mak B. Arvin.; Rudra, P. Pradhan., & Neville R. Norman. (2015). Transportation intensity, urbanization, economic growth, and CO2 emissions in the G-20: *Utilities Policy*, Volume 35, August 2015, 50–66

Management Planning Khorasan Razavi (2006). *Statistical Yearbook of Khorasan Razavi* 2005: 118. (in Persian)

Matof, Sh. (1997). Biological regionalism and the possibility of using it in iran's regional planning, *Monthly Program and Budget*, 15. (in Persian)

Matof, Sh. (2002). Investigating the phenomenon of regional imbalances against the development of the country and extracting lessons from the development plan of the border city of nehbandan to be used in the formulation of the fourth development plan of the country, *A Collection of Papers of The Iran Development Challenges and Prospects Conference*, Teran: Sharia Tos Publications. (in Persian)

Meier, R. (2000). A new introduction to political geography, translated by Dr. Dare Mirhaider and Seyed Yahya Safavi, Teran: *Geographical Organization of The Armed Forces*

Mirlotfi, et al., (2014). Analysis of the social-economic effects of building a border wall on the rural areas of sistan, *Journal of Applied Research of Geographical Sciences*

Mokhtari, H., et al. (2016). Investigating the security stability of the border villages of sistan and baluchistan province, *Sarzemin Geographical Quarterly*, 14(54), 43-60. (in Persian)

Parnian, H.; Ziarati, K. A.; Miree, M., & Modiri, M. (2016). Development strategies of border areas with the land improvement approach (study area: urmia: selmas), *Scientific-Research Quarterly of Geographical Information*, 24(106), 178. (in Persian)

Pishgahi fard, Z., & Mirzaee kohshhi, M. (2011). Explanation of obstacles to the optimal management of the borders of the islamic republic of iran and pakistan, *Defense Strategy Quarterly*, 9(35). (in Persian)

Pishgahi fard, Z., & Soltani khalifani, N. (2009). Analysis of Iran and turkey's territorial settlement policies in neighboring border areas, *Journal of Human Geography Research*, 69, 17-27. (in Persian)

Por shahabi et al., (2017). Presenting a local model to improve the development level of sitan and baluchistan province with a sustainable development approach, *Public Management Research Quarterly*, 10(38), 117-143. (in Persian)

Shahraki moghadam, H. et al., (2020). Road transit and its effects on the development of rural economy in Sistan region, *Quarterly Journal of Space Economy and Rural Development*, 9(1), 113-130. (in Persian)

Shiea, E. (2006). Introduction to the principles of urban planning, Publication of Elmo Sanat University, Seventeenth printing.

Soja, EW. (2009). Regional planning and development theories, *International Encyclopedia of Human Geography*, University of California – Los Angeles, Los Angeles, CA, USA:259–270.

Yaghfory, H., & Beheshti Far, J. (2012). Analysis of capacities and limitations in the direction of regional development with an emphasis on the improvement of iran's border areas. case study: sistan and baluchestan province, *National Conference on Border Cities and Security; Challenges and Approaches*, 91, 1. (in Persian)

Zali, et al., (2021). Investigating the mutual relationship between security and development in border areas of iran (case study: cities of sistan and baluchistan province), *Human Geography Research Quarterly*, 53(3), 1143-1163

Ziari, K. (2004). Schools and theories and models and regional planning program, Yazd University, first printing.



Research Article

Vol. 30, No. 1, 2023, p. 316 - 336



Analysis of the Impact of Economic Indicators on the Corona Virus Epidemic

A. Hajarian *

Postdoctoral Research in Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences and Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

(* - Corresponding Author Email: A.hajarian@litr.ui.ac.ir)

<https://orcid.org/0000-0003-4487-3586>

<https://doi.org/10.22067/erd.2022.74679.1094>

Received: 2022/01/10	How to cite this article: Hajarian, A. (2023). Analysis of the Impact of Economic Indicators on the Corona Virus Epidemic. <i>Economics and Regional Development Journal</i> , 30(1): 316-336. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2022.74679.1094
Revised: 2022/07/09	
Accepted: 2022/10/17	
Available Online: 2022/10/17	

1- INTRODUCTION

According to ILO data, most of the poor live in rural areas, where the poverty rate is four times higher than in urban areas, and the lack of suitable work is strongly felt in these areas. The villages of Zahedan city have faced many problems such as drought, poor sanitation, poor infrastructure, problems caused by the corona epidemic, weakness in the health and sanitation system, and other issues, which caused the corona to impose a double economic burden on the households. Considering that the lack of control of the disease and its spread and new strains can have many consequences for the economy, especially the rural economy, on the rural households of Zahedan city, and it will bear significant negative effects, it is

appropriate to address this issue in this research. Therefore, this research seeks to answer the question, what are the effects of the corona disease epidemic on the economic structure of rural households?

According to our question, the assumptions of the research are as follows:

It seems that Corona has had a significant impact on rural production, business environment, villagers' debt, the amount of working capital and the amount of migration in the rural areas of Zahedan city.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

While the world is struggling with the corona virus epidemic, the economic effects of this virus are becoming more evident day to day. The initial estimate indicated that if the virus becomes a global pandemic, most of the world's major economies will lose at least 2.4% of their GDP value during 2021. Currently, the leading economists predict that the global economic growth will be 2.4 to 3 percent less than the previous estimates. For a more realistic understanding of these numbers, it should be said that the current global GDP is estimated at 86.6 trillion US dollars. In this case, the 2.4 reduction in economic growth will be something equivalent to 2 trillion dollars. However, these predictions were made before Covid-19 became a global pandemic and before widespread restrictions on social contact were implemented to stop the virus epidemic.

From the point of view of economics, the economic damage caused by the epidemic of Covid-19 is largely due to the decrease in demand, which means that there is no consumer to buy the goods and services available in the global economy. This impact can be clearly seen in affected industries such as airlines and tourism. Countries have imposed travel restrictions to slow the spread of the virus, and many people are unable to use airlines for vacations or business trips. This decrease in consumer demand causes, despite the obvious danger that the world economy is in, there are also reasons based on which we can hope to avoid such pessimistic scenarios. Governments have learned from previous crises that the effects of recession caused by demand can be countered by increasing government spending. As

a result, many governments, while increasing the monetary well-being of their citizens, try to facilitate the access of various businesses to the required financial resources so that they do not face problems in keeping their employees during the disease epidemic. In addition, the specific nature of this crisis can have positive effects on sectors such as tourism, food retailing, and health care, and generate some economic growth to compensate for the damage.

3- METHODOLOGY

This research is descriptive-analytical in terms of practical purpose and in terms of the nature and method of doing the work, which is carried out by two methods: library study and field survey. In the descriptive study section, the library method has the main application because the theoretical foundations of research and research on the subject of the research can only be done by reviewing the existing and documented studies and researches. The statistical population of the research consists of the rural households of Zahedan city, due to the dispersion of the villages and their large number, 20 villages were randomly selected as sample villages, according to the census of 2015, these villages have a total of 4456 households equal to it had a population of 18.365 people, and 354 people were selected as a sample by using the Cochran formula. In order to collect research data, a researcher-made questionnaire was used, whose face validity was confirmed by professors and experts related to the relevant rural economy.

4- RESULTS & DISCUSSION

Our results show that the significance level for all variables is less than 0.01, which indicates that the results can be generalized to the entire statistical population. The obtained beta value shows the greater impact of Corona on economic indicators. The results of the test show that Corona has the greatest impact on the business space variable with a beta coefficient of -0.398 and the least impact on the migration variable with a beta coefficient of 0.147.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

In examination of the status of economic indicators in the studied villages, it showed that all five indicators of rural production, business environment, working capital, villagers' debt and migration were evaluated at an unfavorable level. In examination of the effects of the corona virus epidemic on the economic indicators of rural households in Zahedan city, the results showed that the corona virus epidemic has the greatest impact on the variable of business environment and the least impact on the variable of migration. Also, the corona virus epidemic has an effect on the variable of rural production and working capital.

One of the investigated variables is the increase in villagers' debt. The increase in the debt of the villagers is one of the problems that shows its effects with the closure of industries and businesses. Therefore, the government should prevent the increase in the debt of the villagers by providing suitable solutions. For example, in Lithuania, the government helps people who need help during quarantine and public shutdown through a coordinating center. In this regard, people in rural areas can be supported through programs such as granting interest-free loans and participating in their repayment.

Keywords: Economic Indicators, Corona Virus, Rural Households, Zahedan City.

تحلیل اثرپذیری شاخص‌های اقتصادی از همه‌گیری ویروس کرونا

احمد حجاریان*

پژوهشگر پسادکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

<https://doi.org/10.22067/erd.2022.74679.1094>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

ویروس کرونا یک بیماری تنفسی است که اولین بار در سال ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین شناسایی شد و آثار و تبعات بسیاری بر ساختار اقتصادی مناطق مختلف از جمله مناطق روستایی داشته است. مناطق روستایی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه برای مقابله با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این بحران، آمادگی کمتری دارند. لذا هدف این پژوهش ارزیابی اثرات ویروس کرونا بر شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی در شهرستان زاهدان است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش انجام کار توصیفی-تحلیلی است که به دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و پیمایشی میدانی انجام می‌پذیرد. جامعه آماری تحقیق را خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان تشکیل می‌دهد که با توجه به پراکندگی روستاها و تعداد زیاد آنها تعداد ۲۰ روستا به صورت تصادفی به عنوان روستای نمونه انتخاب شدند که بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، این روستاها جمعاً ۴۴۵۶ خانوار برابر با ۱۸۳۶۵ نفر جمعیت داشته است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۵۴ تن به عنوان نمونه انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیره و آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی با میانگین ۲/۷۷۳ پایین‌تر از وضعیت مطلوب ارزیابی شده‌اند. بررسی اثرات همه‌گیری ویروس کرونا بر شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی خانوارهای روستایی نشان داد که همه‌گیری ویروس کرونا بیشترین تأثیر را با ضریب بتای ۰/۳۹۸- بر فضای کسب و کار و کمترین تأثیر را با ضریب بتای ۰/۱۴۷ بر متغیر مهاجرت دارد.

کلیدواژه‌ها: شاخص‌های اقتصادی، ویروس کرونا، خانوارهای روستایی، شهرستان زاهدان.

* نویسنده مسئول: A.hajarian@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

هر بحران ایجاد شده مجموعه‌ای از راهکارها را می‌طلبد تا افراد در معرض آسیب، بتوانند از مضرات بحران در امان بمانند. عرصه جهانی با بحران بیماری کووید ۱۹ از دسامبر ۲۰۱۹ درگیر شده است. این بیماری نخستین بار از شهر ووهان چین به سایر نقاط جهان گسترش یافته است. به‌طوری‌که در مدت مذکور نزدیک به نیمی از مردم جهان در قرنطینه اجباری به سر بردند. شیوع این بیماری به‌صورت گسترده می‌تواند تأثیرات وسیعی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی داشته باشد (Reardon, 2020). گزارشی از یونیسف منتشر شده است بیان کرده که اندازه ویروس آنقدر کوچک است که آن را با چشم نمی‌توان دید. بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ امروزه بیش از ۲۷۰ میلیون تأیید شده به ابتلا و چیزی حدود ۵۳۰۰۰۰۰ میلیون مورد مرگ از دسامبر سال ۲۰۱۹ تا به دسامبر ۲۰۲۱ در سراسر جهان داشته است (Sonnichsen, 2020). این آمار در کشور ما ۶ میلیون مورد ابتلا و حدود ۱۳۰ هزار مورد فوتی گزارش شده است که موجب ترس از ابر بحران اقتصادی و رکود اقتصادی جهانی را در سراسر جهان برانگیخته است. در پی شیوع ویروس کرونا در ابتدای سال ۲۰۲۰ وضعیت اجتماعی و اقتصادی جهان با سرعت باورنکردنی وارد بحران شده است. مطابق پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی جهان ۴/۹- درصد پیش‌بینی شده که ۷/۶ درصد از سال قبل کمتر بوده و پیش‌بینی می‌شود ۱۷۰ کشور جهان با کاهش درآمد سرانه مواجه شوند.

براساس آمار و اسناد موجود، حدود ۲۵۵ میلیون فرصت شغلی با ماهیت کار مستمر تحت‌الشعاع آثار منفی ویروس کرونا قرار گرفته‌اند. این میزان نسبت به افرادی که جان خود را در بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۹ از دست داده‌اند، ۴ برابر بیشتر است. این‌طور به نظر می‌رسد ۱۱۴ میلیون نیروی انسانی در این بیکاری بی‌سابقه جهانی با بحران بیکاری روبه‌رو شده‌اند (Anderson, 2020). حدود ۷۱ درصد از افرادی که شغل خود را از دست داده‌اند، فرصت چندانی برای به دست آوردن فرصت شغلی مناسب ندارند. محدودیت‌های ایجادشده از سوی دولت‌ها فرصت چندانی در اختیار جویندگان کار قرار نمی‌دهد (Bovino, 2020). انتظار می‌رود ویروس کرونا از سه مجرا بر اقتصاد کشورها تأثیر بگذارد: ابتدا فشار بودجه و کاهش تولید ناخالص داخلی کشورها است؛ زیرا جلوگیری از انتقال ویروس، محدودیت‌های اجباری باعث تعطیلی مشاغل شده و اشتغال را کاهش می‌دهد، در نتیجه درآمدهای مالیاتی دولت‌ها کاهش و پرداخت‌های اجتماعی مثل بیمه بیکاری افزایش می‌یابد. دوم تجارت بین‌الملل است، زیرا با وجود در نظر گرفتن بسته‌های محرک برای جلوگیری از رکود اقتصادی، تجارت با افت شدید همراه بوده به‌ویژه کشورهای در حال توسعه که حجم عمده صادرات این کشورها را انرژی و مواد خام تشکیل داده است. سوم

بازارهای مالی که کاهش صادرات و رکود اقتصادی باعث تضعیف ارزش پول ملی و تضعیف ارزش بازار سهام کشورها شده است (Sakhai et al., 2020).

با توجه به مطالب فوق، مناطق روستایی محل زندگی اکثریت فقیرنشینان است. بر اساس داده‌های ILO بیشترین فقیران در مناطق روستایی به سر می‌برند جایی که نرخ فقر چهار برابر بیشتر از مناطق شهری است و کمبود کار مناسب نیز در این مناطق به شدت احساس می‌گردد (WEOS, 2016). روستاهای شهرستان زاهدان با مشکلات فراوانی همچون خشکسالی، بهداشت نامناسب، ضعف زیرساخت‌ها، مشکلات ناشی از همه‌گیری کرونا، ضعف در نظام سلامت و بهداشت و دیگر موارد مواجه شده‌اند که باعث شده کرونا بار مضاعفی بر دوش اقتصادی خانوارها تحمیل نماید. با توجه به اینکه عدم کنترل بیماری و شیوع و سویه‌های جدید آن می‌تواند دارای عواقب بسیار زیادی برای اقتصاد به‌ویژه اقتصاد روستایی بر خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان باشد و اثرات منفی و قابل‌توجهی را متحمل گرداند جای دارد تا در این تحقیق بدین موضوع پرداخته شود؛ بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که اثرات همه‌گیری بیماری کرونا بر ساختار اقتصادی خانوارهای روستایی چگونه است؟

با توجه به سؤال مطرح شما فرضیات پژوهش به شرح ذیل است:

به نظر می‌رسد کرونا بر تولیدات روستایی، فضای کسب‌وکار، بدهی روستاییان، میزان سرمایه در گردش و میزان مهاجرت مناطق روستایی شهرستان زاهدان تأثیرات قابل‌توجهی داشته است.

پیشینه تحقیق

منتی (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به بررسی اثرات کووید ۱۹ بر اقتصاد جهانی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تمامی دولت‌ها از طرق مختلف در صدد هستند تا تبعات این اپیدمی را به حداقل برسانند.

راولز (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر کووید ۱۹ بر کشاورزی و اقتصاد روستایی بیان می‌کند، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی دولت مرکزی برای مقابله با بیماری همه‌گیر کووید ضربه بزرگی به اقتصاد هند وارد کرده و مشکلات عظیمی را برای مردم کارگر کشور به وجود آورده است. اقتصاد غیررسمی روستایی بیشترین ضربه را به این کشور وارد کرده است. امتناع دولت مرکزی از تصدیق بحران و مدیریت نادرست آن‌ها در کنترل آن، رنج مردم را بدتر کرده و بحران را بیشتر تعمیق کرده است.

فیلیسون (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان پیامدهای کووید ۱۹ بر اقتصاد روستایی با استفاده از روش دومرحله‌ای هکمن بیان می‌کند با استفاده از شواهد فعلی بریتانیا و همچنین درس‌هایی از شیوع بیماری آنفولانزا در سال ۲۰۰۱ و بحران‌های مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸، اثرات احتمالی اقتصادی بر تقاضا و عرضه را با

توجه به وضعیت کشاورزی و همچنین بحث در مورد پیامدهای آن برای جوامع روستایی را مد نظر قرار داده است. بین تأثیرات موجود در مشاغل ارائه دهنده کالاها و خدمات برای خارج از خانه و در مقایسه با مصرف داخلی، تمایز قائل می‌شود و به‌عنوان نتیجه بیان می‌کند که کووید ۱۹ بر اقتصاد روستایی تأثیرات قابل توجهی داشته است.

سینگک (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان تأثیرات کووید ۱۹ بر اقتصاد روستایی هند بیان می‌کند مطالعه حاضر بینش‌هایی در مورد وضعیت کارگران مهاجر و تأثیر کووید ۱۹ بر اقتصاد روستایی در هند ارائه می‌دهد. یافته اصلی این تحقیق حاکی از آن است که ۴۰۰ میلیون کارگر در هند در اقتصاد غیررسمی در معرض خطر فقر بیشتر در بحران قرار دارند. گزارش کم موارد کووید ۱۹ به دلیل آزمایش کم است. مهاجرت معکوس فشار مضاعفی بر کشاورزی و اقتصاد روستایی ایجاد خواهد کرد که منجر به سقوط تعداد قابل توجهی از مردم در فقر شدید خواهد شد. کووید ۱۹ تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت بر اقتصاد روستایی در هند خواهد داشت. بسته اقتصادی دولت شامل اقدامات طولانی‌مدت است درحالی‌که اقدامات کوتاه‌مدت مانند مشوق نقدی و یارانه دستمزد باید برای نجات کارگران مهاجر و کشاورزان حاشیه‌ای انجام شود.

ارگوس (۲۰۲۰) در پژوهش خود بیان کرده است که کرونا تأثیر منفی بر اقتصاد دولت‌ها گذاشته است و این امر ربطی به پیشرفته یا غیر پیشرفته بودن جوامع ندارد. ایالت متحده آمریکا و اروپا که جز کشورهای پیشرفته هستند در این زمینه ضررهای بسیاری متحمل شده‌اند و این امر نشان می‌دهد که بحران کرونا به‌عنوان یک ویروس فلج‌کننده اقتصادهای بزرگ دنیا را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به پیشینه مطرح شده و آنچه در مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته مشهود بود، پژوهشی که اثرات همه‌گیری ویروس کرونا را بر ساختار اقتصادی در مناطق کمتر توسعه یافته مورد بررسی قرار دهد دیده نشد. دومین وجه تمایز این پژوهش با سایر مطالعات، استفاده از شاخص‌های جامع اقتصادی می‌باشد که اثرات اقتصادی را با نگاهی کلی نگریسته است.

مبانی نظری

شاخص‌های اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات توسعه اقتصادی به خود اختصاص داده است به‌طوری‌که بسیاری از صاحب‌نظران رشد و توسعه معتقد به وجود وابستگی میان رشد اقتصاد و این شاخص‌ها بوده و در این خصوص اعتقاد دارند به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی ارتقا شاخص‌های اقتصادی ضرورت دارد. در این ارتباط، چنری معتقد است توسعه اقتصادی عبارت است از مجموعه‌ی شاخص‌های اقتصادی به هم

مرتبط در ساختار یک اقتصاد که برای تداوم رشد اقتصادی مورد نیاز است (Srinivasan & Chenery, 1989: p.208). بر این اساس، شاخص‌های توسعه اقتصادی، تکامل بافت ساختاری است. در این جریان، استخوان‌بندی ساختار اجتماعی و اقتصادی مناطق، عاملی تعیین‌کننده در کیفیت توسعه به شمار می‌رود. توسعه به مفهوم تقویت بافت ساختار زیربنایی و تولیدی در سطح ملی است. توسعه متوازن یعنی بهره‌گیری از داده‌ها در جریانی هماهنگ در تمام سطوح و ابعاد ساختاری. درنهایت نیز، توسعه‌یافتگی با فشردگی بافت مولد ساختاری و برقراری تناسب میان اجزاء تشکیل دهنده آن رابطه‌ای مستقیم دارد؛ همچنین سرعت توسعه از نسبت اندازه تکامل ساختاری در واحد زمان به دست می‌آید.

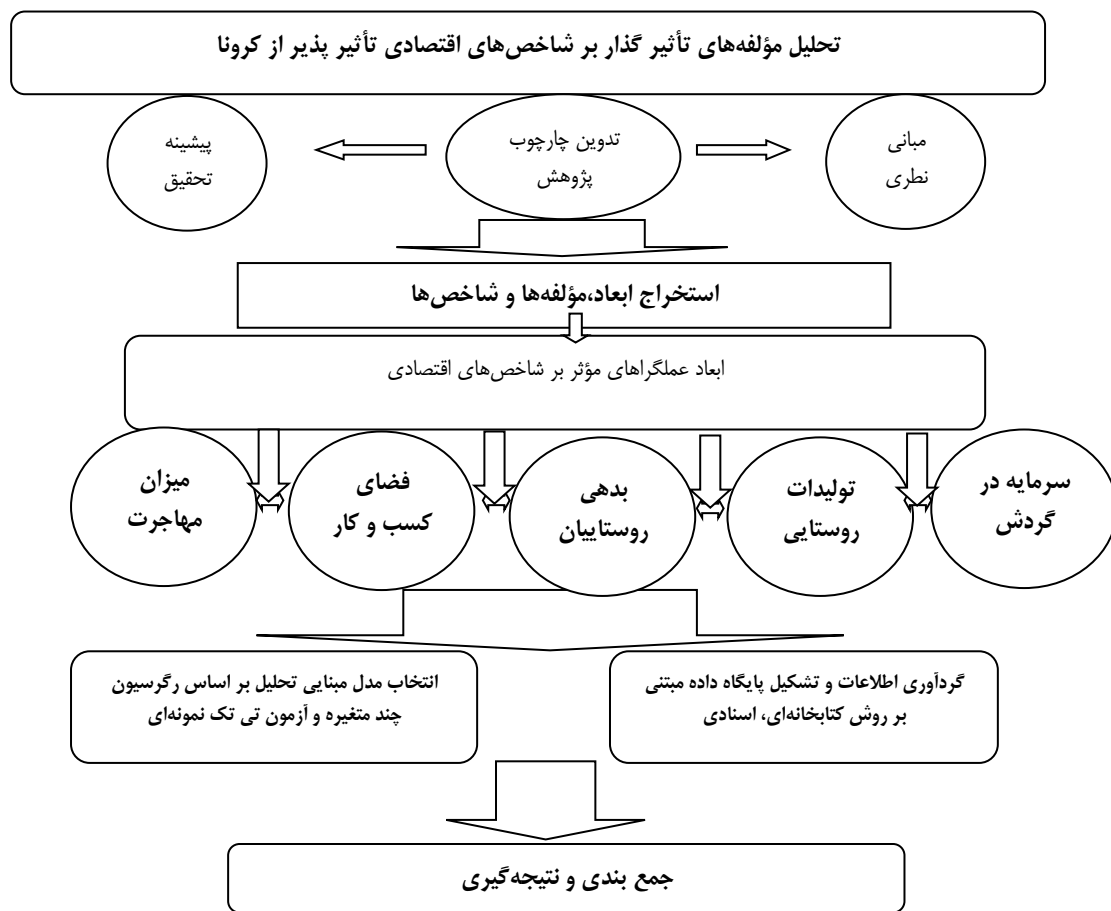
بحران کروناویروس (کووید ۱۹) که با جهش‌ها و سویه‌های جدیدی همراه می‌باشد پیش از هر چیز تهدیدی برای سلامت عمومی شناخته می‌شد، اما رفته رفته تبدیل به یک تهدید اقتصادی جهانی شده است (Carlsson et al., 2020). هرچند راهی برای مشخص کردن دقیق آسیب‌های اقتصادی ناشی از اپیدمی کرونا ویروس جدید وجود ندارد، در بین اقتصاددانان این اجماع وجود دارد که این اپیدمی، تأثیر منفی شدیدی بر اقتصاد جهانی خواهد گذاشت. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) هشدار داده است که در سال‌های آینده، برخی از اقتصادهای بزرگ جهان وارد رکود می‌شوند و سال‌ها طول می‌کشد تا آسیب اقتصادی کروناویروس جبران شود. گوریا (۲۰۲۰) اعتقاد دارد که ضربه اقتصادی اپیدمی اخیر، بیش از بحران جهانی سال ۲۰۰۸ بوده است (Hutt, 2020).

در چنین وضعیتی حتی اگر رکود جهانی مشاهده نشود، برخی از اقتصادهای جهان یا هیچ‌گونه رشدی نخواهند داشت یا رشد اقتصادی‌شان منفی خواهد بود (Muro, 2020). این شامل برخی از اقتصادهای بزرگ هم می‌شود؛ بنابراین شاید طی سال‌های متمادی نه تنها شاهد نرخ پایین رشد باشیم، بلکه بهبود رشد اقتصادی هم در آینده زمانبر است.

درحالی‌که جهان با همه‌گیری ویروس کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کند، تأثیرات اقتصادی این ویروس روزبه‌روز عیان‌تر می‌شود. برآورد اولیه بیانگر آن بود که اگر این ویروس به یک بیماری همه‌گیر جهانی تبدیل شود، بیشتر اقتصادهای بزرگ دنیا در طول سال ۲۰۲۱ حداقل ۲/۴ درصد از ارزش تولید ناخالص داخلی خود را از دست می‌دهند. در حال حاضر اقتصاددانان پیشرو پیش‌بینی می‌کنند که رشد اقتصادی جهانی ۲/۴ تا ۳ درصد کمتر از برآوردهای پیشین باشد. برای درک واقعی‌تر این اعداد و ارقام باید گفت که تولید ناخالص داخلی جهانی جاری حدود ۸۶/۶ تریلیون دلار آمریکا تخمین زده شده است. در این صورت ۲/۴ کاهش رشد اقتصادی چیزی معادل ۲ تریلیون دلار خواهد بود. با این حال این پیش‌بینی‌ها قبل

از تبدیل شدن کووید ۱۹ به یک بیماری همه‌گیر جهانی و قبل از اجرای محدودیت‌های گسترده در تماس‌های اجتماعی برای متوقف کردن اپیدمی ویروس انجام شده است (Duffin, 2020). از دیدگاه علم اقتصاد خسارت‌های اقتصادی ناشی از اپیدمی کووید ۱۹ تا حد زیادی به دلیل کاهش تقاضاست، به این معنی که مصرف‌کننده‌ای برای خرید کالاها و خدمات موجود در اقتصاد جهانی وجود ندارد. این تأثیر را می‌توان به‌وضوح در صنایع تحت تأثیر مانند خطوط هوایی و جهانگردی مشاهده کرد. کشورها برای کاهش سرعت انتشار ویروس، محدودیت‌هایی را در سفر ایجاد کرده‌اند و بسیاری از مردم نمی‌توانند برای تعطیلات یا سفرهای کاری از خطوط هوایی استفاده کنند. این کاهش تقاضای مصرف‌کننده باعث می‌شود علی‌رغم خطر آشکاری که اقتصاد جهانی در آن قرار دارد، دلایلی نیز وجود دارد که بر اساس آن‌ها می‌توان امید داشت که از رخداد چنین سناریوهایی بدبینانه‌ای جلوگیری شود. دولت‌ها از بحران‌های پیشین آموخته‌اند که می‌توان اثرات رکود ناشی از تقاضا را با افزایش هزینه‌های دولت مقابله کرد. در نتیجه بسیاری از دولت‌ها ضمن افزایش رفاه پولی شهروندان خود، تلاش می‌کنند دسترسی کسب‌وکارهای مختلف را به منابع مالی مورد نیاز تسهیل نمایند تا در نگه‌داشتن کارمندان خود در طول دوران اپیدمی بیماری، با مشکل مواجه نشوند. علاوه بر این، ماهیت خاص این بحران می‌تواند بر بخش‌های از صنعت گردشگری، خرده‌فروشی مواد غذایی و مراقبت‌های بهداشتی و اثرات مثبت داشته باشد و اندکی رشد اقتصادی را برای جبران خسارت ایجاد می‌کند.

اصولاً هر پژوهش علمی نیازمند شاخص‌ها و متغیرهایی است تا بتواند به‌صورت دقیق و علمی موضوع مورد مطالعه را مورد بررسی قرار دهد و به همین خاطر این پژوهش نیز شاخص‌های مورد نیاز را از مطالعات مختلف مرتبط با موضوع استخراج نموده و همچنین تعدادی از شاخص‌ها نیز از درون یافته‌های پژوهش استخراج شده‌اند که در انجام این تحقیق محقق را کمک می‌نمایند؛ بنابراین با توجه به شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق مدل مفهومی تحقیق به‌صورت زیر (شکل یک) ترسیم می‌گردد:



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

داده‌ها و روش‌ها

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش انجام کار، توصیفی-تحلیلی است که به دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و پیمایشی میدانی انجام می‌پذیرد. در بخش مطالعه توصیفی روش کتابخانه‌ای کاربرد اصلی را دارد زیرا مبانی نظری تحقیق و اشراف بر موضوع پژوهش تنها با مرور مطالعات و تحقیقات انجام گرفته موجود و مستند امکان‌پذیر است. جامعه آماری تحقیق را خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان تشکیل می‌دهد که با توجه به پراکندگی روستاها و تعداد زیاد آنها تعداد ۲۰ روستا به صورت تصادفی به عنوان روستای نمونه انتخاب شدند که بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، این روستاها

جمعاً ۴۴۵۶ خانوار برابر با ۱۸۳۶۵ نفر جمعیت داشته است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۵۴ تن به عنوان نمونه انتخاب شده است. جهت گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است که روایی صوری آن توسط اساتید و کارشناسان مرتبط با اقتصاد روستایی مربوطه تأیید شده است.

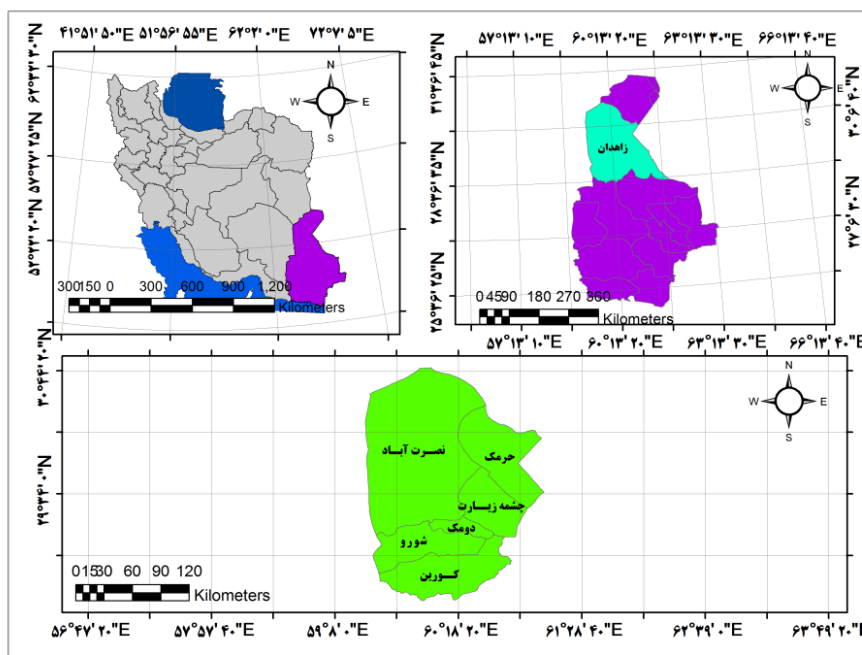
جدول (۱): شاخص‌ها و گویه‌های اقتصادی

شاخص	گویه‌ها
تولیدات روستایی	کاهش میزان درآمد، کاهش دستمزد به خاطر ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش تولید سرانه، کاهش عملکرد تولید، کاهش سطح توسعه انسانی، کاهش قدرت خرید روستاییان، افزایش اتکا به کمک‌های دولتی (یارانه)، کاهش پس‌انداز
فضای کسب و کار	کاهش تنوع شغلی، کاهش ایجاد فرصت‌های اشتغال، افزایش روی آوردن روستاییان به مشاغل کاذب، تغییر در ساختار شغلی، جابجایی ناخواسته محل کار، کاهش توان رقابت‌پذیری، کاهش رشد اقتصادی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری
سرمایه در گردش	کاهش تاب‌آوری در بازگشت سرمایه، کاهش حجم سرمایه، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش صنایع دستی، افزایش نرخ تورم، کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت
بدهی روستاییان	افزایش گرایش جوامع روستایی برای اخذ وام بانکی، افزایش بدهی روستاییان، افزایش نرخ بیکاری، کاهش توان در بازپرداخت وام، افزایش فقر روستایی
مهاجرت	افزایش مهاجرت‌های دائمی به شهرها، افزایش مهاجرت‌های روزانه به نواحی مجاور، افزایش اندازه مهاجرت

منبع: مطالعات پیشین

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان زاهدان از توابع استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر زاهدان می‌باشد. این شهرستان در جنوب شرقی کشور ایران قرار دارد که از شمال به شهرستان هامون و استان خراسان جنوبی، از شرق به کشور پاکستان و افغانستان، از غرب به استان کرمان و از جنوب به شهرستان خاش محدود می‌شود. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۵، ۶۷۲۵۸۹ نفر بوده است. شهرستان زاهدان با مساحت ۳۶۵۸۱ کیلومتر مربع در شمال استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است. این شهرستان دارای ۲ مرکز شهری، ۳ بخش و ۶ دهستان است. شهرستان زاهدان از نظر عوارض طبیعی تقریباً منطبق بر ارتفاعات شرقی کشور است که از سوی غرب به دشت لوت منتهی می‌شود؛ بنابراین یکسری ارتفاعات با جهت شمالی- جنوبی در این ناحیه دیده می‌شوند و حد فاصل آن‌ها را دشت‌ها و چاله‌های کوچک و بزرگی در بر می‌گیرد. ناهمواری‌های کوه ملک سیاه در شمال شهر زاهدان واقع شده است. ارتفاع کوه ملک سیاه در حدود ۱۶۴۲ متر از سطح دریا است و نقطه مرزی مشترک ایران و پاکستان و افغانستان است.



شکل (۲): تقسیمات سیاسی شهرستان زاهدان

نتایج و بحث

یافته‌های تحقیق نشان داد که جامعه آماری مورد مطالعه از نظر جنسیت، ۱۶/۴ درصد زن و ۸۳/۶ درصد مرد بودند. از نظر تحصیلات ۴۶/۷ درصد از پاسخگویان سواد خواندن و نوشتن، ۴۸/۳ درصد دارای مدرک سیکل، ۴/۲ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم و ۰/۸ درصد دارای مدرک لیسانس بودند. میانگین سن پاسخگویان ۴۷/۷ (انحراف معیار: ۹.۵۵) سال بود که جوان‌ترین آن‌ها ۲۰ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۷۴ سال داشت. اکثر روستاییانی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند با درصد فراوانی ۹۱/۶ متأهل و ۸/۴ درصد مجرد هستند.

بررسی و ارزیابی فرضیه‌ها

فرضیه اول: برای بررسی این فرضیه از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. با توجه به این که پرسشنامه از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، متوسط=۳، کم=۲، خیلی کم=۱، اصلاً=۰) استفاده شده است؛ بنابراین عدد ۳ به عنوان میانگین مطلوب در نظر گرفته شده است و نتایج به دست آمده از نظر

مطلوبیت با این میانگین (۳) سنجیده شده است؛ بنابراین اگر میانگین به دست آمده کوچک‌تر از میانگین مطلوب باشد وضعیت شاخص موردبررسی نامطلوب و اگر میانگین به دست آمده بزرگ‌تر از میانگین مطلوب باشد شاخص مورد نظر در وضعیت مطلوب قرار دارد.

به نظر می‌رسد کرونا بر کاهش تولیدات روستایی مناطق روستایی شهرستان زاهدان تأثیرات قابل توجهی داشته است. همان‌طور که مطرح گردید، عدد ۳ به‌عنوان میانه نظری ارزیابی تأثیرات کرونا بر تولیدات روستایی انتخاب شد. نتایج آزمون تی برای این عامل در شاخص‌های مختلف در جدول (۲) آورده شده است. به‌طوری‌که اکثر پاسخگویان منطقه مورد مطالعه کاهش میزان درآمد و کاهش قدرت خرید را از مؤثرترین عوامل مؤثر از بیماری کرونا عنوان کرده‌اند. کووید ۱۹ نه تنها فرصت شغلی روستاییان را از بین برده، بلکه به منابع درآمدی روستاییان نیز حمله کرده است. براساس آمار و ارقام منتشرشده، درآمد روستاییان روندی نزولی داشته و میانگین درآمد آنان حدود ۸/۳ درصد کاهش یافته است. خانوارهای روستایی علاوه بر اینکه در طول مدت شیوع این ویروس شاهد کاهش میزان منابع درآمدی خود بوده‌اند در صورت ابتلا اعضا خانوار به ویروس کرونا بایستی تمام یا قسمتی از درآمد خود را صرف پرداخت هزینه‌های درمانی نیز کنند که این بار مضاعفی بر دوش خانوار تحمیل می‌نماید.

جدول (۲): آزمون تی برای سنجش تأثیرات کرونا بر تولیدات روستایی خانوارهای روستایی شهرستان

زاهدان

تولیدات روستایی	اصلاً	خیلی کم کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پیرسون	انحراف معیار	میانگین
کاهش میزان درآمد	۰	۱۲/۵	۱۹/۳	۲۱/۴	۴۳/۳	۴۵/۸	۰/۸۷	۰/۴۳
کاهش سطح توسعه انسانی	۰	۱۰/۳	۲۱/۳	۳۲/۵	۳۹/۷	۴۱/۸	۰/۲۴	۰/۲۷
افزایش اتکا به کمک‌های دولتی (یارانه)	۰	۱۴/۱	۲۱/۶	۱۲/۴	۳۸/۸	۳۹/۸	۰/۵۶	۰/۳۲
کاهش پس‌انداز	۰	۱۵/۲	۲۴/۹	۳۲/۷	۴۳/۱	۳۷/۴	۰/۴۵	۰/۳۵
کاهش دستمزد به خاطر ایجاد فرصت‌های شغلی	۰	۱۲/۳	۱۰/۸	۲۵/۱	۳۳/۵	۳۷/۶	۰/۲۸	۰/۳۹
کاهش تولید سرانه	۰	۲۲/۶	۱۵/۵	۳۱/۵	۳۳/۷	۴۲/۸	۰/۷۶	۰/۳۳
کاهش عملکرد تولید	۰	۱۲/۴	۱۴/۶	۲۸/۶	۲۳/۲	۴۱/۵	۰/۶۴	۰/۲۳
کاهش قدرت خرید روستاییان	۰	۱۲/۱	۱۱/۵	۲۲/۳	۴۳/۲	۴۹/۸	۰/۹۶	۰/۴۶

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد کرونا بر فضای کسب‌وکار مناطق روستایی شهرستان زاهدان تأثیرات قابل توجهی داشته است. در زمان شیوع کرونا مناطق شهری به دلیل اینکه اکثر کسب‌وکارها توزیعی و یا

خدماتی هستند با استفاده از فضاهای دیجیتال و مجازی، توانستند تا حدودی به کسب‌وکارهای خود ادامه دهند. در مناطق روستایی منطقه مورد مطالعه متأسفانه روستاییان به مشاغل کاذب از جمله قاچاق سوخت روی آورده که مشکلاتی دیگر را بر اقتصاد تحمیل می‌نماید. همان‌گونه که از جدول (۳) برمی‌آید گویه افزایش روی آوردن روستاییان به مشاغل کاذب از دید پاسخ‌دهندگان برجسته می‌باشد.

جدول (۳): آزمون تی برای سنجش تأثیرات کرونا بر آسیب‌های اجتماعی خانوارهای روستایی شهرستان

زاهدان									
فضای کسب‌وکار	اصلاً خیلی کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پیرسون	انحراف معیار	میانگین	
کاهش تنوع شغلی	۰	۱۱/۳	۲۹/۱	۲۲/۱	۴۲/۳	۳۵/۸	۰/۶۷	۰/۴۱۹	۰/۴۳
افزایش ریسک سرمایه‌گذاری	۴/۳	۱۰/۳	۲۶/۳	۳۱/۶	۴۳/۱	۴۱/۸	۰/۲۴۴	۰/۱۵۲	۰/۲۷
کاهش رشد اقتصادی	۰	۱۴/۱	۲۵/۷	۱۵/۴	۳۶/۶	۳۹/۸	۰/۵۱۶	۰/۱۶۴	۰/۳۲
کاهش توان رقابت‌پذیری	۰	۱۵/۲	۲۱/۳	۳۱/۸	۴۲/۸	۳۷/۴	۰/۴۶۵	۰/۳۳۳	۰/۳۵
جایجایی ناخواسته محل کار	۰	۱۲/۳	۱۲/۲	۲۶/۲	۳۵/۷	۳۷/۶	۰/۲۳	۰/۲۳۴	۰/۳۹
تغییر در ساختار شغلی	۰	۲۲/۶	۱۷/۱	۳۳/۱	۳۷/۷	۴۲/۸	۰/۷۵	۰/۱۳۲	۰/۳۳
افزایش روی آوردن روستاییان به مشاغل کاذب	۰	۱۲/۴	۱۳/۶	۲۷/۴	۲۲/۶	۴۹/۵	۰/۶۸۳	۰/۱۱۳	۰/۷۳
کاهش ایجاد فرصت‌های اشتغال	۰	۱۲/۱	۱۲/۵	۲۱/۲	۴۶/۱	۴۰/۸	۰/۹۲	۰/۲۳۹	۰/۴۶

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد کرونا بر کاهش میزان سرمایه در گردش تأثیرات قابل توجهی داشته است. با توجه به وضعیت عدم قطعیت حاکم بر اقتصاد در چنین شرایطی، میل به سرمایه در گردش خانوارها حداقلی است. همه‌ی پیش‌بینی‌ها ناظر بر کوچک شدن سرمایه در گردش و حجم سرمایه خانوار است. همان‌گونه که از جدول (۴) برمی‌آید کاهش حجم سرمایه و کاهش انگیزه برای سرمایه در گردش از دید پاسخ‌دهندگان بیشترین تأثیر را از پاندمی کرونا گرفته است. همچنین کاهش سرمایه در گردش در بخش صنایع دستی دارای کمترین میزان تأثیرپذیری از کرونا از نگاه پاسخ‌دهندگان منطقه مورد مطالعه بوده است.

جدول (۴): آزمون تی برای سنجش تأثیرات کرونا بر میزان مشارکت خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان

سرمایه در گردش	اصلاً	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پیرسون	انحراف معیار	میانگین
کاهش تاب‌آوری در بازگشت سرمایه	۰	۱۲/۳	۲۵/۳	۳۲/۶	۴۳/۱	۴۰/۱	۰/۱۵۲	۰/۱۷
کاهش حجم سرمایه	۰	۱۴/۱	۲۱/۷	۱۴/۴	۳۱/۶	۴۹/۸	۰/۵۱۶	۰/۶۲۳
کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۱۳/۱۲	۱۴/۲	۲۵/۳	۳۴/۶	۴۳/۸	۳۶/۲	۰/۴۶۵	۰/۱۳۵
کاهش سرمایه‌گذاری در بخش صنایع دستی	۱۲/۱۵	۱۱/۳	۱۴/۲	۲۳/۸	۳۱/۷	۳۰/۹	۰/۲۴۳	۰/۱۲۹
افزایش نرخ تورم	۰	۱۸/۶	۱۳/۱	۳۲/۱	۳۴/۷	۴۱/۴	۰/۳۷۵	۰/۴۳۳
کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری	۰	۲۲/۴	۱۴/۶	۲۳/۷	۲۶/۶	۴۸/۷	۰/۲۸۳	۰/۷۷۳
کاهش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت	۰	۱۱/۱	۱۷/۵	۲۵/۶	۴۲/۱	۳۱/۲	۰/۱۹۲	۰/۱۴۶

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد کرونا بر بدهی روستاییان در خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان تأثیرات قابل توجهی داشته است. اقتصاد روستایی به دلیل تنوع کمتری که دارند اغلب دارای وابستگی کمتری به فعالیت‌های معامله گرانه نیز هستند که معمولاً تحت تأثیر شوک‌های اقتصادی قرار دارند. شوک فعلی نیز ناشی از شیوع بیماری و قرنطینه گسترده و سراسری سبب شده است تا بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی متوقف شود و خدمات‌رسانی و فعالیت اقتصادی را تحت تأثیرات خود قرار دهد. عدم حمایت از شرکت‌های خرده‌پا از طریق اعطای وام در نواحی روستایی، باعث نابودی اقتصاد این مناطق خواهد شد. یکی از ساکنان منطقه مورد مطالعه دارای شغل آزاد با اشاره به پیامد تعطیلی‌ها بر کسب و کارها گفت: دولت از صاحبان مشاغل حمایت واقعی نمی‌کند، طرح‌های حمایتی دولت برای مشاغل شهری است و مناطق روستایی با مشکلات عدیده مواجه‌اند. با توجه به این مورد اکثر تسهیلات و وام‌هایی که در دوره مزبور با نرخ بهره پایین به مشاغل آسیب‌دیده از کرونا توسط دولت پرداخت شده متوجه مناطق شهری بوده و مناطق روستایی وامی دریافت نکرده‌اند. لذا با توجه به جدول (۵) از نگاه پاسخ‌دهندگان، کرونا بیشترین تأثیر را بر افزایش بدهی روستاییان و کمترین تأثیر را بر افزایش نرخ بیکاری داشته است.

جدول (۵): آزمون تی برای سنجش تأثیرات کرونا بر بدهی روستاییان خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان

بدهی روستاییان	اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پیرسون	انحراف معیار	میانگین
افزایش گرایش جوامع روستایی برای اخذ وام بانکی	۰	۱۱/۲	۲۲/۲	۳۶/۷	۳۳/۷	۳۷/۶	۰/۲۱۳	۰/۲۲۴	۰/۳۳۹
افزایش نرخ بیکاری	۰	۱۲/۱	۱۸/۱	۲۳/۳	۴۰/۷	۳۲/۸	۰/۴۷۶	۰/۲۳۵	۰/۱۱۳
افزایش فقر روستایی	۰	۱۶/۸	۱۵/۳	۳۷/۶	۳۳/۱	۳۶/۲	۰/۴۶۵	۰/۲۳۶	۰/۲۳۶
کاهش توان در بازپرداخت وام	۰	۱۱/۳	۲۴/۲	۳۹/۴	۳۶/۲	۳۰/۹	۰/۲۱۳	۰/۱۳۴	۰/۵۲۱
افزایش بدهی روستاییان	۰	۱۳/۶	۲۳/۱	۳۱/۳	۳۴/۵	۴۷/۴	۰/۳۷۶	۰/۲۳۱	۰/۷۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد کرونا بر افزایش مهاجرت مناطق روستایی شهرستان زاهدان تأثیرات قابل توجهی داشته است. شواهد حاکی است برخی از خانوارهای روستایی، در ایام شیوع کرونا اقدام به مهاجرت موقت به نواحی شهری کرده‌اند. ساکنان نواحی روستایی شهرستان زاهدان گاه به دلیل از دست دادن منابع درآمد و نداشتن سرمایه، اقدام به مهاجرت‌های روزانه جهت قاچاق سوخت و کالا می‌کنند که بر طبق جدول (۶) کرونا بر گویه افزایش مهاجرت روزانه دارای بیشترین تأثیر بوده است.

جدول (۶): آزمون تی برای سنجش تأثیرات کرونا بر مهاجرت خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان

مهاجرت	اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	پیرسون	انحراف معیار	میانگین
افزایش مهاجرت‌های دائمی به شهرها	۰	۰	۲۴/۳	۲۱/۸	۳۲/۸	۳۷/۴	۰/۴۶۵	۰/۱۳۶	۰/۱۳۵
افزایش مهاجرت‌های روزانه به نواحی مجاور	۰	۱۶/۸	۲۳/۳	۳۹/۶	۳۶/۱	۴۶/۲	۰/۴۶۵	۰/۲۳۶	۰/۷۳۶
افزایش اندازه مهاجرت	۰	۱۲/۵	۱۸/۳	۲۱/۴	۴۳/۳	۳۵/۸	۰/۸۷	۰/۰۰۹	۰/۲۴۳

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد کرونا بر شاخص اقتصادی خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان تأثیرات قابل توجهی داشته است. نتایج آزمون نشان داد که سطح معناداری به دست آمده برای همه شاخص‌ها از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک‌تر است؛ بنابراین نتایج آزمون با ضریب اطمینان ۹۵ درصد قابل قبول است. نتایج نشان داد که وضعیت شاخص‌های اقتصادی در روستاهای شهرستان زاهدان در شرایط مطلوبی قرار ندارد و میانگین به دست آمده شاخص‌ها همگی پایین‌تر از میانگین مطلوب است. از میان شاخص‌های

مورد بررسی وضعیت شاخص فضای کسب و کار با میانگین ۲/۸۴۵ به نسبت سایر شاخص‌ها در شرایط نا مناسب‌تری قرار دارد. در مجموع شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی در شهرستان زاهدان با میانگین ۲/۷۷۳ پایین‌تر از وضعیت مطلوب ارزیابی شده است (جدول ۷)

جدول (۷): بررسی وضعیت شاخص‌های اقتصادی در روستاهای شهرستان زاهدان با استفاده از آزمون تی

تک نمونه‌ای

مطلوبیت عدد مورد آزمون=۳						
شاخص	مقدار آماره (t)	میانگین عددی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد بالا	حد پایین
تولیدات روستایی	-۳/۶۶۲	۲/۷۷۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۱	-۰/۱۵۴	-۰/۳۲۷
فضای کسب و کار	-۵/۱۲۹	۲/۸۴۵	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۵	-۰/۱۰	-۰/۲۱۳
سرمایه در گردش	-۷/۴۹۸	۲/۶۶۷	۰/۰۰۰	-۰/۳۳۳	-۰/۱۸۹	-۰/۴۲۸
بدهی روستاییان	-۷/۲۲۴	۲/۸۰۳	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۷	-۰/۱۶۶	-۰/۳۹۹
مهاجرت	-۵/۲۹۳	۲/۵۷۱	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۶	-۰/۱۶۲	-۰/۳۳۸
مجموع شاخص‌های اقتصادی	-۵/۲۹۴	۲/۷۷۳	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۷	-۰/۱۶۳	-۰/۳۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی اثرات کرونا بر شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی

جهت بررسی اثرات کرونا بر ساختار اقتصادی خانوارهای روستایی در شهرستان زاهدان از آزمون رگرسیون چند متغیره و آزمون فیشر استفاده شده است. همان‌طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین تصحیح شده برابر است با ۰/۷۶۲ که نشان می‌دهد که متغیر مستقل ۷۶ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند که این نشان می‌دهد بین اثرات کرونا بر شاخص‌های اقتصادی با توجه به سطح معناداری به دست آمده که برابر با ۰/۰۰۰ است رابطه کاملاً معنی‌دار و منسجمی برقرار است. به عبارتی می‌توان چنین بیان کرد که اثرات کرونا بر شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی در شهرستان زاهدان کاملاً چشمگیر بوده است (جدول ۸).

جدول (۸): تحلیل واریانس اثرات کرونا بر ساختار اقتصادی خانوارهای روستایی

خطای معیار	ضریب تعیین تصحیح شده	ضرب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۶۷	۰/۷۶۲	۰/۷۷۱	۰/۷۸۲

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۹) نتایج بررسی تحلیل واریانس را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌گردد مجموع تغییرات متغیر وابسته به دو صورت رگرسیون و باقیمانده نشان داده شده است که هرچه میزان باقیمانده کوچک‌تر باشد بدین معنی است که مدل از قدرت تبیین بالایی در توضیح تغییرات متغیر وابسته برخوردار است و هرچه میزان باقیمانده بزرگ‌تر باشد بدین معنی است که مدل از قدرت تبیین اندکی در توضیح تغییرات متغیر وابسته برخوردار است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار مجذورات رگرسیون از مقدار باقیمانده بسیار بالاتر است که با توجه به مقدار زیاد F که در سطح خطای $0/01$ معنادار است می‌توان چنین بیان نمود که مدل از قدرت تبیین بالایی در توضیح متغیرهای وابسته برخوردار است (جدول ۱۰).

جدول (۹): تحلیل واریانس مبتنی بر وجود رابطه خطی بین اثرات کرونا بر ساختار اقتصادی خانوارهای روستایی

مؤلفه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آمار F	سطح معنادار
اثر رگرسیون	۱۴/۲۳۱	۴	۳۸/۱۶۵	۱/۶۶۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲/۳۱۵	۳۴۹	۰/۰۰۰		
جمع	۱۶/۵۸۶	۳۵۳			

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج نشان می‌دهد که سطح معناداری برای تمام متغیرها کمتر از سطح $0/01$ است که این نشان‌دهنده این است که می‌توان نتایج را به کل جامعه آماری تعمیم داد. مقدار بتای به دست آمده نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری بیشتر کرونا بر شاخص‌های اقتصادی است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که کرونا بیشترین تأثیر را با ضریب بتای $-0/398$ بر متغیر فضای کسب و کار دارد و کمترین تأثیر را با ضریب بتای $0/147$ بر متغیر مهاجرت دارد (جدول ۱۰).

جدول (۱۰): ضریب رگرسیون متغیرهای مستقل (کرونا) و متغیر وابسته (ساختار اقتصادی)

متغیرها	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد		T	سطح معناداری
		BETA	خطای استاندارد		
مقدار ثابت	-	۰/۰۱۹	۰/۱۷	۲/۳۳۲	۰/۰۰۰
تولیدات روستایی	-۰/۳۲۱	۰/۰۰۲	۰/۳۱۱	۸/۵۳۴	۰/۰۰۰
فضای کسب و کار	-۰/۳۹۸	۰/۰۰۶	۰/۲۶۲	۸/۱۲۵	۰/۰۰۰

سرمایه در گردش	-۰/۲۵۶	۰/۰۰۴	۰/۱۹۵	۷/۴۶۸	۰/۰۰۰
بدهی روستاییان	۰/۲۶۷	۰/۰۰۸	۰/۱۰۶	۶/۴۷۷	۰/۰۰۰
مهاجرت	۰/۱۴۷	۰/۰۰۳	۰/۲۹۵	۷/۵۶۹	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فضاهای روستایی به دلیل این که بخش قابل توجهی از جمعیت را در خود جای داده‌اند، همواره مورد تأکید و توجه برنامه ریزان بوده‌اند (Rezvani, 2010). اقتصاد روستایی با توجه به تأمین نمودن امنیت غذایی و کالاهای ضروری و اساسی یک کشور به عنوان بنیان اقتصادی محسوب می‌گردد؛ بنابراین هرگونه تزلزل در این نوع اقتصاد می‌تواند عواقب بسیاری بر سایر ابعاد اقتصادی داشته باشد. شیوع ویروس کرونا تأثیرات مختلفی را بر وضعیت اقتصادی جهان به‌ویژه اقتصاد روستایی بر جای گذاشته است. با توجه به وضعیت گسترش این بیماری در ایران، هدف از انجام تحقیق این است که اثرات کرونا را بر شاخص‌های اقتصادی بر زندگی روستاییان بررسی و تحلیل شود. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و نوع روش پژوهش توصیفی پیمایشی است.

در بررسی وضعیت شاخص‌های اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه نشان داد که هر پنج شاخص تولیدات روستایی، فضای کسب و کار، سرمایه در گردش، بدهی روستاییان و مهاجرت در سطح نامطلوب ارزیابی شده است. در بررسی اثرات همه‌گیری ویروس کرونا بر شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی در شهرستان زاهدان نتایج نشان داد که همه‌گیری ویروس کرونا بیشترین تأثیر را بر متغیر فضای کسب و کار و کمترین تأثیر را بر متغیر مهاجرت دارد. همچنین همه‌گیری ویروس کرونا بر متغیر تولیدات روستایی و سرمایه در گردش نیز تأثیرگذار است.

یکی از متغیرهای مورد بررسی افزایش بدهی روستاییان می‌باشد. افزایش بدهی روستاییان یکی از معضلاتی می‌باشد که با تعطیل شدن صنوف و کسب و کارها اثرات خود را نشان می‌دهد. لذا دولت بایستی با ارائه راهکارهای مناسب مانع از افزایش بدهی روستاییان گردد. به عنوان مثال در لیتوانی، دولت به وسیله یک مرکز هماهنگ‌کننده به افرادی که در قرنطینه و تعطیلی عمومی نیاز به کمک دارند یاری می‌رساند. در این ارتباط می‌توان از طریق برنامه‌هایی مانند اعطای وام بدون بهره و مشارکت در بازپرداخت آن‌ها نیز از مردم و در مناطق روستایی حمایت نمود.

از دیگر پیشنهادهای بهبود زیرساخت‌های دیجیتال و قابل‌دسترس است. توصیه می‌شود با تقویت بخش دیجیتال و زیرساخت‌های مرتبط با آن، روند اقتصاد را به دورکاری تبدیل نمود تا از این طریق نیز افراد قادر باشند تا درآمدی را برای خود با استفاده از این فناوری فراهم آورند (OECD, 2019). البته باید بیان نمود که شکاف بین شهر و روستا در زیرساخت‌های دیجیتالی بسیار مشهود و فراوان بود. به‌عنوان مثال درحالی‌که ۸۵ درصد از خانواده‌های شهری به ۳۰ مگابایت در ثانیه به پهنای باند دسترسی دارند در مناطق روستایی تنها ۵۶ درصد از خانوارها به آن دسترسی دارند که در منطقه مورد مطالعه بسیار پایین‌تر از مقدار ذکر شده می‌باشد.

References

- Anderson, R. (2020). Economic Impacts of COVID-19 on Food and Agricultural Markets, *CAST Commentary Council for Agricultural Science and Technology*; 3(10): 1-44.
- Argus, Media. (2020). Argus White Paper: The Coronavirus Impact. <https://www.argusmedia.com/-/media/Files/white-papers/argus-whitepaper-coronavirus.ashx>
- Bovino, Beth Ann. (2020). Economic Research: A U. S. Recession Takes Hold as Fallout from the Coronavirus Spreads. <https://www.spglobal.com>
- Carlsson-Szlezak, P.; Reeves, M., & Paul, S. (2020). Harvard Business Review: What Coronavirus Could Mean for the Global Economy. <https://hbr.org/2020/03/what-coronavirus-could-mean-for-the-global-economy>
- Chenery, H., & Srinivasan, T. N., (1989). *Handbook of Development Economics*, Amsterdam: North Holland. Vol. 1.
- Chang, O. D.; Najarian, A. S. M., & Wright, K. M. (2018). Understanding the Association Between Spirituality, Religiosity, and Feelings of Happiness and Sadness Among HIVPositive Indian Adults: Examining Stress-Related Growth as a Mediator, *Journal of Religion and Health*. 57(3): 1052- 1061.
- Duffin, Erin. (2020). Impact of coronavirus pandemic on the global economy – Statistics & Facts. <https://www.statista.com/statistics/1102971/covid-19-monetary-global-gdp-loss-scenario/>
- Hutt, Rosamond. (2020). the economic effects of COVID-19 around the world. <https://www.weforum.org/agenda/2020/02/coronavirus-economic-effects-global-economy-trade-travel/>

Menti, Hossein. (2019). Investigating the effects of the Covid-19 coronavirus on the global economy: social impact assessment, 2(1), 169-179. (in Persian)

Muro, M.; Maxim, R., & Whiton, J. (2020). The places a COVID-19 recession will likely hit hardest. March 17, Brookings Institute.

OECD (2019). Going Digital: Shaping Policies, Improving Lives, OECD Publishing. Paris. <https://doi.org/10.1787/9789264312012->

Phillipson, J.; Gorton, M.; Turner, R.; Shucksmith, M.; Aitken-McDermott, K.; Areal, F.; Cowie, P.; Hubbard, C.; Maioli, S.; McAreavey, R.; Souza-Monteiro, D.; Newbery, R.; Panzone, L.; Rowe, F., & Shortall, S. (2020). The COVID-19 Pandemic and Its Implications for Rural Economies. Sustainability 2020, 12, 3973.

Sonnichsen, N. (2020). Weekly crude oil prices for Brent, OPEC basket, and WTI 2019-2020. <https://www.statista.com/statistics/1102971/covid-19-monetary-global-gdp-loss-scenario/>

Rawals, Vikas.; Manish, Kumar.; Ankur, Verma., & Jesim, Pais. (2020). COVID-19 Lockdown: Impact on agriculture and rural economy. Agriculture, COVID- 19, Featured Themes, Human Development, slider.

Reardon, Endashaw.; Mackolil, Joby.; Nyika, Joan.; Ramadas, Sendhil., & (2020). Deciphering the impact of COVID-19 pandemic on food security, agriculture, and livelihoods: A review of the evidence from developing countries. Current Research in Environmental Sustainability, 100014.doi: 10.1016/ j.j.crsust020.10001.

Rezvani, Mohammad Reza. (2010). *Introduction to Rural Development Planning, Tehran*, Qoms Publishing. P. 36. (in Persian)

Sakhai, Emaduddin.; Khorsandi, Morteza.; Mohammadi, Taimur., & Arbab, Hamidreza. (2019). Investigating the effects of the shock caused by the corona virus on Iran's economy: the application of the global vector autoregression model. *Economics and modeling*, 11(2), 125-153. (in Persian)

World economic. (2020). Impact of COVID-19 on the Global Financial System.

WESO (2016). How Poverty and Inequality Are Devastating the Middle East.

Content

Identification and Analysis of the National Leading of Iran's Development Policymakers	1
M. Mokhtari, S. Fathi, M. Navabakhsh	
An Analysis of Regional Poverty and Factors Affecting it in Developed and Developing Countries	39
S. Motaghi, R. Gholami Avati, S. Talei Ardakani, S. Ebrahimi	
Regional Strategies for the Development of Health Tourism in Iran	67
S. M. Alerasoul, M. Hoshmand, S. S. Maleksadati	
Identification Concentrated Industrial Activities with Comparative Advantage Export and Determination of Target Markets	103
A. K. Hosseinpour, A. Ahmadi	
Investigation the Effects of Disinflation Monetary Policies on Economic Security and Growth in Iran	140
H. Khavari, T. Ebrahimi Salari	
The Effect of Wages and Inflation on the Labor Productivity in Selected Developing Countries	180
A. Hasannejad Koshki, M. Moradi, S. Eskandari Sabzi	
Investigation of the Influencing Factors on the Success of Development Plans and Creating Sustainable Employment in Rural and Nomadic Areas by Using the Resources of the National Development Fund in Isfahan Province	215
L. Torki, V. Sanizadeh, M. R. Ghasemi	
A Survey of the Asymmetric Effects of Oil Price Shocks and Real Exchange Rate Fluctuation on Economic Growth and Inflation in Selected Countries of the Islamic Conference: EGARCH Approach	250
S. Fathi, M. Nonejad, H. Zare, A. Haghighat	
Dimensions, Challenges and Strategies for the Development of Border Areas	291
M. Ghadimi, M. Solimani, M. Yakhchali, S. S. Mosavian	
Analysis of the Impact of Economic Indicators on the Corona Virus Epidemic	316
A. Hajarian	

Economics and Regional Development
Journal of Faculty of Economic and Administrative Sciences

Published by: Ferdowsi University of Mashhad

Managing Director: Dr. M. Khodaparast

Editor-in-Chief: Dr. M. Salimifar

Editorial Board:

Dr. H. Abrishami	Professor, Faculty of Economics, Tehran University.
Dr. S. Bakhtiari	Professor, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Esfahan University.
Dr. E. Gorjee	Professor, Faculty of Economics, Tehran University.
Dr. E. Hadian	Professor of Faculty of Economics, Management and Social Sciences of Shiraz University.
Dr. M. R. Lotfalipour	Professor, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Ferdowsi University of Mashhad.
Dr. M. H. Mahdavi Adeli	Professor, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Ferdowsi University of Mashhad.
Dr. M. Salimifar	Professor, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Ferdowsi University of Mashhad.
Dr. H. Sobhani	Professor Faculty of Economics, Tehran University, Iran
Dr. M. Zara Nejad	Professor, Faculty of Economics and Social Sciences, Ahwaz Shahid Chamran University.

International Editorial Board:

Dr. M. R. Farzanegan	Professor (W3) School of Business & Economics, Center for Near and Middle Eastern Studies (CNMS), Philipps-Universität Marburg.
Dr. J. Salehi-Isfahani	Professor Department of Economics, Virginia Tech, Virginia Polytechnic Institute and State University.

Executive Manager: M. Vadiee Nooghabi

Persian Editor: Dr. J. Mizban

English Editor: Dr. M. Karimzadeh

Printed by: Ferdowsi University Press

Publishing License: 124/10332
8/10/1377

Address: Mashhad PO Box 9177948951 - 1357

Tel: 051-38806309

Fax: 051-38807393

Website: <http://erd.um.ac.ir>

E-Mail: erd@um.ac.ir



Ferdowsi University of Mashhad
Faculty of Economic and Administrative Sciences

Serial Number 25

Journal of Economics and Regional Development

No. 25, Vol. 30

Spring & Summer 2023

Identification and Analysis of the National Leading of Iran's Development Policymakers	۱
M. Mokhtari, S. Fathi, M. Navabakhsh	
An Analysis of Regional Poverty and Factors Affecting it in Developed and Developing Countries	۳۹
S. Motaghi, R. Gholami Avati, S. Talei Ardakani, S. Ebrahimi	
Regional Strategies for the Development of Health Tourism in Iran	۶۷
S. M. Alerasoul, M. Hoshmand, S. S. Maleksadati	
Identification Concentrated Industrial Activities with Comparative Advantage Export and Determination of Target Markets	۱۰۳
A. K. Hosseinpour, A. Ahmadi	
Investigation the Effects of Disinflation Monetary Policies on Economic Security and Growth in Iran	۱۴۰
H. Khavari, T. Ebrahimi Salari	
The Effect of Wages and Inflation on the Labor Productivity in Selected Developing Countries	۱۸۰
A. Hasannejad Koshki, M. Moradi, S. Eskandari Sabzi	
Investigation of the Influencing Factors on the Success of Development Plans and Creating Sustainable Employment in Rural and Nomadic Areas by Using the Resources of the National Development Fund in Isfahan Province	۲۱۵
L. Torki, V. Sanizadeh, M. R. Ghasemi	
A Survey of the Asymmetric Effects of Oil Price Shocks and Real Exchange Rate Fluctuation on Economic Growth and Inflation in Selected Countries of the Islamic Conference: EGARCH Approach	۲۵۰
S. Fathi, M. Nonejad, H. Zare, A. Haghighat	
Dimensions, Challenges and Strategies for the Development of Border Areas	۲۹۱
M. Ghadimi, M. Solimani, M. Yakhchali, S. S. Mosavian	
Analysis of the Impact of Economic Indicators on the Corona Virus Epidemic	۳۱۶
A. Hajarian	

Website: <http://erd.um.ac.ir>

Email: erd@um.ac.ir